



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

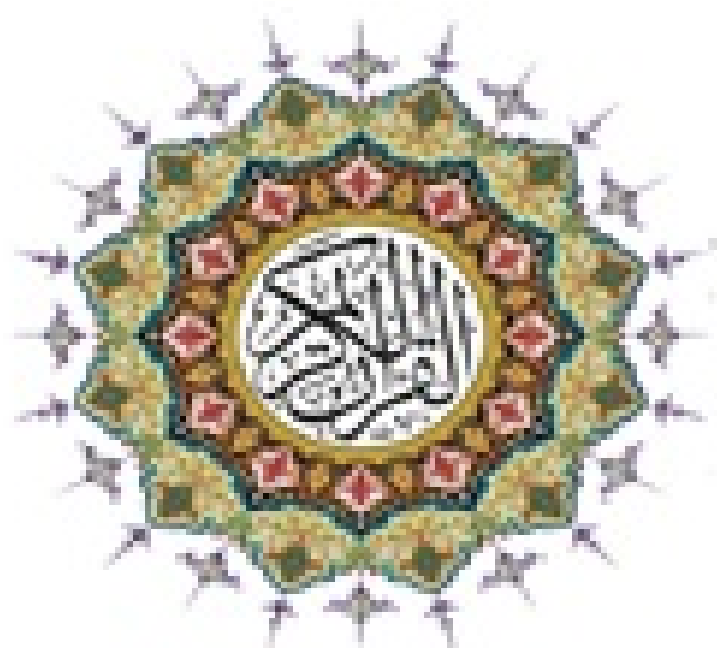
گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۸۸

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 88

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۴۹	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۸۸
۴۹	مشخصات کتاب
۴۹	۱- لقاء الله
۴۹	۱- لقاء الله
۴۹	۲- آثار تکذیب لقاءالله
۴۹	۳- اشراف قوم نوح و لقاءالله
۵۰	۴- اهمیت ایمان به لقاءالله
۵۱	۵- تفریط مکذبان لقاءالله
۵۱	۶- تکذیب لقاءالله
۵۱	۷- حتمیت لقاءالله
۵۳	۸- حسرت مکذبان لقاءالله
۵۳	۹- خجالت اخروی مکذبان لقاءالله
۵۳	۱۰- خواسته های مکذبان لقاءالله
۵۳	۱۱- دلایل حقانیت لقاءالله
۵۵	۱۲- روز لقاءالله
۵۵	۱۳- روش تحصیل لقاءالله
۵۶	۱۴- زمان لقاءالله
۵۷	۱۵- زمینه لقاءالله
۵۷	۱۶- زیانکاری مکذبان لقاءالله
۵۸	۱۷- ظن به لقاءالله
۵۹	۱۸- فرجام مکذبان لقاءالله
۵۹	۱۹- گناه تکذیب لقاءالله
۵۹	۲۰- لقاءالله در آخرت

۵۹	۲۱- لقاءالله در دنیا
۶۱	۲۲- لقاءالله در قیامت
۶۳	۲۳- محرومان از لقاءالله
۶۳	۲۴- مقام لقاءالله
۶۵	۲۵- مکذبان لقاءالله
۶۵	۲۶- مکذبان لقاءالله در قیامت
۶۵	۲۷- موانع لقاءالله در قیامت
۶۶	۲۸- موجبات لقاءالله
۶۷	۲۹- وصول به لقاءالله
۶۷	۳۰- وقت لقاءالله
۷۱	۳۱- یأس مکذبان لقاءالله
۷۱	۳۲- یهود و لقاءالله
۷۲	۲- لقمان
۷۲	۱- امر به معروف در دوران لقمان
۷۲	۲- انقیاد لقمان
۷۲	۳- اهمیت قصه لقمان
۷۳	۴- بینش لقمان
۷۳	۵- پسر لقمان
۷۳	۶- تعالیم شریعت دوران لقمان
۷۳	۷- تعقل لقمان
۷۵	۸- توصیه به لقمان
۷۵	۹- حکمت لقمان
۷۷	۱۰- خلافت لقمان
۷۷	۱۱- ذکر مواظب لقمان
۷۷	۱۲- عظمت آیات سوره لقمان
۷۸	۱۳- عقل لقمان

۷۹	۱۴- فلسفه اعطای حکمت به لقمان
۷۹	۱۵- فهم لقمان
۷۹	۱۶- قصه لقمان
۸۱	۱۷- محبت لقمان
۸۱	۱۸- محبوبیت لقمان
۸۳	۱۹- مسؤولیت لقمان
۸۳	۲۰- مقامات لقمان
۸۳	۲۱- ملیت لقمان
۸۳	۲۲- منشأ حکمت لقمان
۸۳	۲۳- مواظب لقمان
۸۷	۲۴- مهمترین مواظب لقمان
۸۷	۲۵- نشانه های حکمت لقمان
۸۹	۲۶- نماز در دوران لقمان
۸۹	۲۷- نهی از منکر در دوران لقمان
۸۹	۲۸- یقین لقمان
۹۱	۳- لنگ
۹۱	۱- معذوریت لنگ
۹۱	۲- آثار لنگی
۹۲	۳- شخصیت لنگ
۹۲	۴- محدوده اختیارات لنگ
۹۲	۵- همسفرگی با لنگ ها
۹۵	۴- لواط
۹۵	۱- آثار شیوع لواط
۹۵	۲- آثار لواط
۹۷	۳- آثار لواط در قوم لوط
۹۹	۴- آثار لواط قوم لوط

۹۹	۵- آموزش لواط
۹۹	۶- احکام لواط
۱۰۱	۷- اولیت مبتلایان به لواط
۱۰۱	۸- اولین مبتلایان به لواط
۱۰۱	۹- بدعت لواط
۱۰۳	۱۰- بی منطقی لواط
۱۰۳	۱۱- پلیدی لواط
۱۰۳	۱۲- تعزیر در لواط
۱۰۳	۱۳- تنفر از لواط
۱۰۴	۱۴- توبه از لواط
۱۰۵	۱۵- حرمت لواط
۱۰۵	۱۶- زشتی لواط
۱۰۵	۱۷- زمینه لواط
۱۰۶	۱۸- سرزنش لواط
۱۰۷	۱۹- شگفتی لواط
۱۰۷	۲۰- شیوع لواط در قوم لوط
۱۰۸	۲۱- ظلم لواط
۱۰۹	۲۲- فساد لواط
۱۰۹	۲۳- فسق لواط
۱۰۹	۲۴- کیفر لواط
۱۱۱	۲۵- گناه لواط
۱۱۱	۲۶- لواط آشکار
۱۱۲	۲۷- لواط در قوم لوط
۱۱۹	۲۸- مبارزه با لواط
۱۱۹	۲۹- منشأ لواط
۱۲۰	۳۰- ناپسندی لواط

- ۳۱- ناپسندی لواط در تاریخ ۱۲۱
- ۳۲- نهی از لواط ۱۲۱
- ۵- لوح محفوظ ۱۲۲
- ۱- لوح محفوظ ۱۲۲
- ۲- آثار علم به لوح محفوظ ۱۲۲
- ۳- اختفای لوح محفوظ ۱۲۴
- ۴- امکان علم به لوح محفوظ ۱۲۴
- ۵- ثبت حوادث در لوح محفوظ ۱۲۴
- ۶- جامعیت لوح محفوظ ۱۲۶
- ۷- جایگاه لوح محفوظ ۱۲۷
- ۸- حقیقت لوح محفوظ ۱۲۸
- ۹- درباریان سلیمان(ع) و لوح محفوظ ۱۲۸
- ۱۰- عظمت لوح محفوظ ۱۲۸
- ۱۱- علم به لوح محفوظ ۱۲۸
- ۱۲- قرآن در لوح محفوظ ۱۳۰
- ۱۳- قرآن و لوح محفوظ ۱۳۲
- ۱۴- کتاب لوح محفوظ ۱۳۳
- ۱۵- نقش لوح محفوظ ۱۳۴
- ۶- لوط(ع) ۱۳۶
- ۱- آثار پاک‌ی خانواده لوط(ع) ۱۳۶
- ۲- آثار پاک‌ی لوط(ع) ۱۳۶
- ۳- آثار صلاحیت لوط(ع) ۱۳۶
- ۴- آثار عفت خانواده لوط(ع) ۱۳۸
- ۵- آثار عفت لوط(ع) ۱۳۸
- ۶- آثار قصه لوط(ع) ۱۳۸
- ۷- آثار نبوت لوط(ع) ۱۳۸

- ۸- آرزوی لوط(ع) ۱۴۰
- ۹- آگاهی لوط(ع) ۱۴۰
- ۱۰- آیات خدا در قصه لوط(ع) ۱۴۰
- ۱۱- اتمام حجت لوط(ع) ۱۴۲
- ۱۲- اجابت دعای لوط(ع) ۱۴۲
- ۱۳- اخراج لوط(ع) ۱۴۲
- ۱۴- اخلاص لوط(ع) ۱۴۴
- ۱۵- ادیت لوط(ع) ۱۴۴
- ۱۶- ارزیابی لوط(ع) ۱۴۵
- ۱۷- ازدواج با دختران لوط(ع) ۱۴۶
- ۱۸- ازدواج در دین لوط(ع) ۱۴۶
- ۱۹- استقامت لوط(ع) ۱۴۸
- ۲۰- استمداد لوط(ع) ۱۴۸
- ۲۱- اطاعت از لوط(ع) ۱۴۸
- ۲۲- اطمینان به لوط(ع) ۱۵۰
- ۲۳- اظهار خیرخواهی لوط(ع) ۱۵۰
- ۲۴- اعتراض به لوط(ع) ۱۵۰
- ۲۵- اعتماد به لوط(ع) ۱۵۰
- ۲۶- اقلیت مؤمنان به لوط(ع) ۱۵۲
- ۲۷- اکثریت مخالفان لوط(ع) ۱۵۲
- ۲۸- امانتداری لوط(ع) ۱۵۲
- ۲۹- امدادگران به لوط(ع) ۱۵۴
- ۳۰- امنیت لوط(ع) ۱۵۴
- ۳۱- انبیای قبل از لوط(ع) ۱۵۴
- ۳۲- اندوه لوط(ع) ۱۵۴
- ۳۳- انذارهای لوط(ع) ۱۵۶

- ۳۴- اهانت به مهمانان لوط(ع) ----- ۱۵۷
- ۳۵- ایمان خانواده لوط(ع) ----- ۱۵۸
- ۳۶- ایمان خویشاوندان لوط(ع) ----- ۱۵۹
- ۳۷- ایمان لوط(ع) ----- ۱۶۰
- ۳۸- بلوغ دختران لوط(ع) ----- ۱۶۰
- ۳۹- بی تأثیری تبلیغ لوط(ع) ----- ۱۶۱
- ۴۰- بی تأثیری تلاش لوط(ع) ----- ۱۶۲
- ۴۱- بی تأثیری مواعظ لوط(ع) ----- ۱۶۲
- ۴۲- بی یآوری لوط(ع) ----- ۱۶۲
- ۴۳- پاکی خانواده لوط(ع) ----- ۱۶۳
- ۴۴- پاکی لوط(ع) ----- ۱۶۴
- ۴۵- پناه جویی لوط(ع) ----- ۱۶۴
- ۴۶- پیروان لوط(ع) ----- ۱۶۵
- ۴۷- پیری همسر لوط(ع) ----- ۱۶۶
- ۴۸- پیشگامی لوط(ع) ----- ۱۶۶
- ۴۹- پیشنهاد لوط(ع) ----- ۱۶۶
- ۵۰- تاریخ لوط(ع) ----- ۱۶۸
- ۵۱- تبعید لوط(ع) ----- ۱۶۸
- ۵۲- تبلیغ لوط(ع) ----- ۱۶۹
- ۵۳- تجاوز به مهمانان لوط(ع) ----- ۱۷۰
- ۵۴- تحقیر همسر لوط(ع) ----- ۱۷۰
- ۵۵- تعدد دختران لوط(ع) ----- ۱۷۰
- ۵۶- تقدیر عذاب همسر لوط(ع) ----- ۱۷۲
- ۵۷- تکفل همسر لوط(ع) ----- ۱۷۲
- ۵۸- تلاش لوط(ع) ----- ۱۷۲
- ۵۹- تمدن در دوران لوط(ع) ----- ۱۷۴

- ۱۷۴ ۶۰- تنزیه خانواده لوط(ع)
- ۱۷۵ ۶۱- تنهایی لوط(ع)
- ۱۷۶ ۶۲- توحید لوط(ع)
- ۱۷۶ ۶۳- توطنه تبعید خانواده لوط(ع)
- ۱۷۶ ۶۴- توطنه تبعید لوط(ع)
- ۱۷۶ ۶۵- تهدید لوط(ع)
- ۱۷۸ ۶۶- تهدیدهای لوط(ع)
- ۱۷۸ ۶۷- تهمت دروغگویی به لوط(ع)
- ۱۷۸ ۶۸- جاسوسی همسر لوط(ع)
- ۱۷۸ ۶۹- جامعه دوران لوط(ع)
- ۱۸۰ ۷۰- جرم خانواده لوط(ع)
- ۱۸۰ ۷۱- جرم لوط(ع)
- ۱۸۰ ۷۲- حامی لوط(ع)
- ۱۸۰ ۷۳- حامی مهمانان لوط(ع)
- ۱۸۲ ۷۴- حمایت از لوط(ع)
- ۱۸۲ ۷۵- خانواده لوط(ع)
- ۱۸۲ ۷۶- خانواده لوط(ع) و گناه
- ۱۸۲ ۷۷- خواسته های لوط(ع)
- ۱۸۵ ۷۸- خوشنامی لوط(ع)
- ۱۸۶ ۷۹- خویشاوندی لوط(ع) با قوم لوط
- ۱۸۶ ۸۰- خیانت به لوط(ع)
- ۱۸۷ ۸۱- خیانت همسر لوط(ع)
- ۱۸۸ ۸۲- خیرخواهی لوط(ع)
- ۱۸۸ ۸۳- درخواست نجات خانواده لوط(ع)
- ۱۸۸ ۸۴- درخواست نجات لوط(ع)
- ۱۹۰ ۸۵- درماندگی لوط(ع)

- ۱۹۰ ۸۶- دعای لوط(ع)
- ۱۹۰ ۸۷- دعوت‌های لوط(ع)
- ۱۹۲ ۸۸- دلداری ملانکه به لوط(ع)
- ۱۹۲ ۸۹- دلسوزی لوط(ع)
- ۱۹۳ ۹۰- ذکر قصه لوط(ع)
- ۱۹۴ ۹۱- رجوع به لوط(ع)
- ۱۹۴ ۹۲- رد ازدواج با دختران لوط(ع)
- ۱۹۵ ۹۳- رد پیشنهاد لوط(ع)
- ۱۹۶ ۹۴- رسالت لوط(ع)
- ۱۹۷ ۹۵- رسالت مهمانان لوط(ع)
- ۱۹۸ ۹۶- روش برخورد لوط(ع)
- ۱۹۸ ۹۷- روش تبلیغ لوط(ع)
- ۲۰۰ ۹۸- زمین در دوران لوط(ع)
- ۲۰۰ ۹۹- سخاوت لوط(ع)
- ۲۰۰ ۱۰۰- سرزنش لوط(ع)
- ۲۰۴ ۱۰۱- سوگند به لوط(ع)
- ۲۰۴ ۱۰۲- شبهه افکنی در اندازهای لوط(ع)
- ۲۰۴ ۱۰۳- شک به اندازهای لوط(ع)
- ۲۰۴ ۱۰۴- شکرگزاری خانواده لوط(ع)
- ۲۰۶ ۱۰۵- شکرگزاری لوط(ع)
- ۲۰۶ ۱۰۶- شهرنشینی در دوران لوط(ع)
- ۲۰۶ ۱۰۷- صداقت لوط(ع)
- ۲۰۶ ۱۰۸- ضعف لوط(ع)
- ۲۰۸ ۱۰۹- عبرت از قصه لوط(ع)
- ۲۰۸ ۱۱۰- عبودیت لوط(ع)
- ۲۱۰ ۱۱۱- عجز لوط(ع)

- ۱۱۲- عجله لوط(ع) ۲۱۰
- ۱۱۳- عذاب همسر لوط(ع) ۲۱۰
- ۱۱۴- عفت خانواده لوط(ع) ۲۱۲
- ۱۱۵- عقیده همسر لوط(ع) ۲۱۳
- ۱۱۶- علم لدنی لوط(ع) ۲۱۴
- ۱۱۷- علم لوط(ع) ۲۱۴
- ۱۱۸- عمل خیر لوط(ع) ۲۱۴
- ۱۱۹- عوامل ترس لوط(ع) ۲۱۴
- ۱۲۰- عوامل نجات خانواده لوط(ع) ۲۱۶
- ۱۲۱- عوامل نجات لوط(ع) ۲۱۶
- ۱۲۲- عوامل نگرانی لوط(ع) ۲۱۶
- ۱۲۳- فرجام همسر لوط(ع) ۲۱۸
- ۱۲۴- فضایل خانواده لوط(ع) ۲۱۸
- ۱۲۵- فضایل لوط(ع) ۲۱۸
- ۱۲۶- فلسفه نبوت لوط(ع) ۲۲۲
- ۱۲۷- قبول هشدارهای لوط(ع) ۲۲۲
- ۱۲۸- قصه لوط(ع) ۲۲۲
- ۱۲۹- قصه لوط(ع) از آیات خدا ۲۵۶
- ۱۳۰- قصه همسر لوط(ع) ۲۵۷
- ۱۳۱- قضاوت لوط(ع) ۲۵۸
- ۱۳۲- قوم لوط و لوط(ع) ۲۵۸
- ۱۳۳- قوم لوط و مهمانان لوط(ع) ۲۶۰
- ۱۳۴- کافران به لوط(ع) ۲۶۱
- ۱۳۵- کفر به دین لوط(ع) ۲۶۲
- ۱۳۶- کفر همسر لوط(ع) ۲۶۲
- ۱۳۷- کمی مؤمنان به لوط(ع) ۲۶۵

- ۱۳۸- کوری متجاوزان به مهمانان لوط(ع)----- ۲۶۶
- ۱۳۹- کیفیت ورود ملانکه بر لوط(ع)----- ۲۶۶
- ۱۴۰- کیفیت هجرت خانواده لوط(ع)----- ۲۶۶
- ۱۴۱- کیفیت هجرت لوط(ع)----- ۲۶۶
- ۱۴۲- گفتگوی لوط(ع) با ملانکه----- ۲۶۸
- ۱۴۳- گفتگوی ملانکه با لوط(ع)----- ۲۶۸
- ۱۴۴- گناه همسر لوط(ع)----- ۲۶۸
- ۱۴۵- لوط(ع) از صالحان----- ۲۶۹
- ۱۴۶- لوط(ع) در سرزمین سدوم----- ۲۷۰
- ۱۴۷- لوط(ع) و ذلت----- ۲۷۰
- ۱۴۸- لوط(ع) و قوم لوط----- ۲۷۲
- ۱۴۹- لوط(ع) و کنترل اجتماعی----- ۲۷۲
- ۱۵۰- لوط(ع) و ملانکه----- ۲۷۲
- ۱۵۱- مبارزه علیه لوط(ع)----- ۲۷۵
- ۱۵۲- مبارزه لوط(ع)----- ۲۷۶
- ۱۵۳- مبارزه لوط(ع) با فحشا----- ۲۷۸
- ۱۵۴- متجاوزان به مهمانان لوط(ع)----- ۲۷۸
- ۱۵۵- مجادله در اندازهای لوط(ع)----- ۲۸۰
- ۱۵۶- محدوده رسالت لوط(ع)----- ۲۸۰
- ۱۵۷- محدوده علم لوط(ع)----- ۲۸۰
- ۱۵۸- محمد(صلی الله علیه و آله) و قصه لوط(ع)----- ۲۸۲
- ۱۵۹- مخالفت با لوط(ع)----- ۲۸۲
- ۱۶۰- مربی لوط(ع)----- ۲۸۳
- ۱۶۱- مردمی بودن لوط(ع)----- ۲۸۴
- ۱۶۲- مزد رسالت لوط(ع)----- ۲۸۴
- ۱۶۳- مسؤولیت خانواده لوط(ع)----- ۲۸۴

- ۱۶۴- مسؤولیت لوط(ع) ۲۸۴
- ۱۶۵- مسؤولیت مهمانان لوط(ع) ۲۸۷
- ۱۶۶- مسیر هجرت خانواده لوط(ع) ۲۸۸
- ۱۶۷- مسیر هجرت لوط(ع) ۲۸۸
- ۱۶۸- مقامات لوط(ع) ۲۸۸
- ۱۶۹- مقدرات همسر لوط(ع) ۲۹۱
- ۱۷۰- مکذبان لوط(ع) ۲۹۲
- ۱۷۱- ملائکه عذاب و لوط(ع) ۲۹۲
- ۱۷۲- ملائکه و لوط(ع) ۲۹۲
- ۱۷۳- منشأ آگاهی لوط(ع) ۲۹۶
- ۱۷۴- منشأ حکمت لوط(ع) ۲۹۶
- ۱۷۵- منشأ عذاب همسر لوط(ع) ۲۹۶
- ۱۷۶- منشأ قضاوت لوط(ع) ۲۹۷
- ۱۷۷- منشأ نجات خانواده لوط(ع) ۲۹۸
- ۱۷۸- منشأ نجات لوط(ع) ۲۹۸
- ۱۷۹- منشأ هلاکت همسر لوط(ع) ۲۹۸
- ۱۸۰- منیت خانواده لوط(ع) ۲۹۸
- ۱۸۱- موجبات عذاب همسر لوط(ع) ۳۰۰
- ۱۸۲- موقعیت اجتماعی لوط(ع) ۳۰۰
- ۱۸۳- مؤمنان به لوط(ع) ۳۰۰
- ۱۸۴- مؤمنان و قصه لوط(ع) ۳۰۲
- ۱۸۵- مهربانی لوط(ع) ۳۰۲
- ۱۸۶- مهمان نوازی لوط(ع) ۳۰۴
- ۱۸۷- مهمانان لوط(ع) ۳۰۷
- ۱۸۸- مهمترین رسالت لوط(ع) ۳۱۰
- ۱۸۹- نبوت لوط(ع) ۳۱۰

- ۱۹۰- نجات خانواده لوط(ع) ۳۱۲
- ۱۹۱- نجات خانواده لوط(ع) از عذاب ۳۱۶
- ۱۹۲- نجات خویشاوندان لوط(ع) ۳۱۸
- ۱۹۳- نجات لوط(ع) ۳۱۸
- ۱۹۴- نجات لوط(ع) از عذاب ۳۲۲
- ۱۹۵- نژاد لوط(ع) ۳۲۲
- ۱۹۶- نظارت لوط(ع) ۳۲۴
- ۱۹۷- نعمتهای خانواده لوط(ع) ۳۲۴
- ۱۹۸- نعمتهای لوط(ع) ۳۲۴
- ۱۹۹- نفاق همسر لوط(ع) ۳۲۴
- ۲۰۰- نقش خانه لوط(ع) ۳۲۶
- ۲۰۱- نقش لوط(ع) ۳۲۶
- ۲۰۲- نگرانی برای لوط(ع) ۳۲۶
- ۲۰۳- نگرانی لوط(ع) ۳۲۶
- ۲۰۴- نواهی لوط(ع) ۳۲۸
- ۲۰۵- نهی از ذلت لوط(ع) ۳۳۰
- ۲۰۶- نهی به خانواده لوط(ع) ۳۳۰
- ۲۰۷- نهی به لوط(ع) ۳۳۰
- ۲۰۸- نیاکان لوط(ع) ۳۳۲
- ۲۰۹- وحی به لوط(ع) ۳۳۲
- ۲۱۰- ورود ملائکه بر خانواده لوط(ع) ۳۳۲
- ۲۱۱- ورود ملائکه بر لوط(ع) ۳۳۳
- ۲۱۲- ورود ملائکه عذاب بر لوط(ع) ۳۳۴
- ۲۱۳- وقت نجات خانواده لوط(ع) ۳۳۵
- ۲۱۴- هتک آبروی لوط(ع) ۳۳۶
- ۲۱۵- هجرت خانواده لوط(ع) ۳۳۶

- ۳۳۸ ۲۱۶- هجرت شبانه خانواده لوط(ع)
- ۳۳۸ ۲۱۷- هجرت شبانه لوط(ع)
- ۳۴۰ ۲۱۸- هجرت لوط(ع)
- ۳۴۴ ۲۱۹- هدایت لوط(ع)
- ۳۴۴ ۲۲۰- هدایتگری لوط(ع)
- ۳۴۵ ۲۲۱- هشدارهای لوط(ع)
- ۳۴۶ ۲۲۲- هلاکت همسر لوط(ع)
- ۳۴۸ ۲۲۳- همسر لوط(ع) در جهنم
- ۳۴۸ ۲۲۴- همسر لوط(ع) هنگام عذاب
- ۳۴۹ ۲۲۵- همسفران لوط(ع)
- ۳۵۰ ۲۲۶- یأس لوط(ع)
- ۳۵۱ ۷- لهُو
- ۳۵۱ ۱- آثار ترویج لهُو
- ۳۵۱ ۲- آثار لهُو
- ۳۵۳ ۳- آثار لهُو و لعب
- ۳۵۳ ۴- استهزای طالبان لهُو
- ۳۵۳ ۵- اهمیت اجتناب از لهُو
- ۳۵۵ ۶- تهدید طالبان لهُو
- ۳۵۵ ۷- خدا و لهُو
- ۳۵۶ ۸- زمینه لهُو
- ۳۵۷ ۹- ساجدان و لهُو
- ۳۵۷ ۱۰- سخنان لهُو
- ۳۵۷ ۱۱- سنگینی گوش مروجان لهُو
- ۳۵۷ ۱۲- طالبان لهُو
- ۳۵۹ ۱۳- عابدان و لهُو
- ۳۵۹ ۱۴- کافران و ترویج لهُو

- ۱۵- کیفر مروجان لہو ۳۶۱
- ۱۶- لہو بودن دنیا ۳۶۱
- ۱۷- لہو در نوجوانی ۳۶۱
- ۱۸- متقین و لہو ۳۶۱
- ۱۹- مسلمانان صدر اسلام و لہو ۳۶۳
- ۲۰- موارد لہو ۳۶۳
- ۲۱- موضعگیری مروجان لہو ۳۶۴
- ۲۲- نصر بن حارث و ترویج لہو ۳۶۵
- ۲۳- {لہو و لعب} ۳۶۵
- ۲۴- آثار لہو و لعب ۳۶۵
- ۸- لیاقت ۳۶۷
- ۱- ارزش لیاقت ۳۶۷
- ۲- لیاقت آخرت طلبان ۳۶۷
- ۳- لیاقت در مدیریت ۳۶۷
- ۴- لیاقت محمد(صلی اللہ علیہ و آلہ) ۳۶۷
- ۵- لیاقت مشمولان شفاعت ۳۶۹
- ۶- لیاقت یوسف(ع) ۳۶۹
- ۷- نقش لیاقت ۳۷۱
- ۹- مآجوج ۳۷۲
- ۱- افساد مآجوج ۳۷۲
- ۲- امت بودن مآجوج ۳۷۲
- ۳- ایمنی از هجوم مآجوج ۳۷۳
- ۴- پیروزی مآجوج ۳۷۳
- ۵- خروج مآجوج ۳۷۳
- ۶- خطر تجاوز مآجوج ۳۷۵
- ۷- درگیری یا جوج و مآجوج ۳۷۵

- ۳۷۵ ۸- راههای هجوم مأجوج
- ۳۷۷ ۹- عجز مأجوج
- ۳۷۷ ۱۰- قصه مأجوج
- ۳۷۹ ۱۱- محدوده افساد مأجوج
- ۳۷۹ ۱۲- وسعت هجوم مأجوج
- ۳۷۹ ۱۳- هجوم مأجوج
- ۳۸۱ ۱۴- هجوم مأجوج در آخرالزمان
- ۳۸۲ ۱۰- مادر
- ۳۸۲ ۱- آثار اضطراب مادر موسی(ع)
- ۳۸۲ ۲- آثار ترک نیکی به مادر
- ۳۸۲ ۳- آثار وحی به مادر موسی(ع)
- ۳۸۴ ۴- آرامش مادر موسی(ع)
- ۳۸۴ ۵- اجتناب از تحمیل به مادر
- ۳۸۵ ۶- احترام به مادر
- ۳۸۶ ۷- احترام به مادر یوسف(ع)
- ۳۸۶ ۸- احسان به مادر
- ۳۸۷ ۹- ارث مادر
- ۳۸۸ ۱۰- استغفار برای مادر
- ۳۸۸ ۱۱- استقبال از مادر
- ۳۸۹ ۱۲- استقبال یوسف(ع) از مادر
- ۳۹۰ ۱۳- اضطراب مادر موسی(ع)
- ۳۹۰ ۱۴- اطمینان قلب مادر موسی(ع)
- ۳۹۰ ۱۵- اطمینان مادر موسی(ع)
- ۳۹۲ ۱۶- اندوه مادر موسی(ع)
- ۳۹۲ ۱۷- اهمیت احترام به مادر
- ۳۹۳ ۱۸- اهمیت حقوق مادر

- ۳۹۴ ۱۹- اهمیت شیر مادر
- ۳۹۴ ۲۰- اهمیت نیکی به مادر
- ۳۹۴ ۲۱- ایمان مادر ابراهیم(ع)
- ۳۹۴ ۲۲- ایمان مادر موسی(ع)
- ۳۹۶ ۲۳- برتری حقوق مادر
- ۳۹۶ ۲۴- بشارت به مادر یوسف(ع)
- ۳۹۶ ۲۵- بی نیازی از مادر
- ۳۹۸ ۲۶- پاداش زحمات مادر
- ۳۹۸ ۲۷- تحیر مادر موسی(ع)
- ۳۹۹ ۲۸- ترس مادر موسی(ع)
- ۴۰۰ ۲۹- تسلیم به مادر موسی(ع)
- ۴۰۰ ۳۰- تزیین حقوق مادر
- ۴۰۰ ۳۱- تکلیف مادر موسی(ع)
- ۴۰۱ ۳۲- توحید مادر ابراهیم(ع)
- ۴۰۲ ۳۳- توصیه به مادر موسی(ع)
- ۴۰۲ ۳۴- تهمت به مادر بنیامین
- ۴۰۲ ۳۵- حقوق مادر
- ۴۰۴ ۳۶- حکومت بر مادر
- ۴۰۴ ۳۷- خانه داری مادر موسی(ع)
- ۴۰۵ ۳۸- خوردن از خانه مادر
- ۴۰۶ ۳۹- دلداری به مادر موسی(ع)
- ۴۰۶ ۴۰- رابطه مادر و فرزند
- ۴۰۶ ۴۱- رضاع مادر موسی(ع)
- ۴۰۸ ۴۲- رعایت حقوق مادر
- ۴۰۸ ۴۳- رفع اندوه مادر موسی(ع)
- ۴۰۸ ۴۴- رفع ترس مادر موسی(ع)

- ۴۵- رفع نگرانی مادر موسی(ع) ۴۰۹
- ۴۶- زمینه ایمان مادر موسی(ع) ۴۱۰
- ۴۷- زمینه مقامات مادر ۴۱۰
- ۴۸- سجده مادر یوسف بر یوسف(ع) ۴۱۰
- ۴۹- سهم ارث مادر ۴۱۲
- ۵۰- ضعف مادر در بارداری ۴۱۴
- ۵۱- علایق مادر ۴۱۴
- ۵۲- علم مادر موسی(ع) ۴۱۶
- ۵۳- عوامل آرامش مادر موسی(ع) ۴۱۶
- ۵۴- عوامل اضطراب مادر ۴۱۶
- ۵۵- عوامل امیدواری مادر موسی(ع) ۴۱۷
- ۵۶- عوامل رفع اندوه مادر موسی(ع) ۴۱۸
- ۵۷- عوامل سرور مادر ۴۱۸
- ۵۸- عوامل سرور مادر موسی(ع) ۴۱۸
- ۵۹- عوامل ضعف مادر ۴۲۰
- ۶۰- عوامل نگرانی مادر ۴۲۰
- ۶۱- فرار از مادر در قیامت ۴۲۰
- ۶۲- فلسفه اطمینان قلب مادر موسی(ع) ۴۲۰
- ۶۳- فلسفه تهمت به مادر بنیامین ۴۲۱
- ۶۴- مادر ابراهیم(ع) ۴۲۲
- ۶۵- مادر رضاعی ۴۲۲
- ۶۶- مادر عیسی(ع) ۴۲۲
- ۶۷- مادر قرار دادن همسر ۴۲۶
- ۶۸- مادر مریم(س) ۴۲۶
- ۶۹- مادر موسی(ع) ۴۲۸
- ۷۰- مادر مؤمنان ۴۲۸

- ۴۲۹ ۷۱- مادر یوسف(ع) در دربار
- ۴۳۰ ۷۲- مادر یوسف(ع) در مصر
- ۴۳۰ ۷۳- محبت یوسف(ع) به مادر
- ۴۳۰ ۷۴- محدوده حجاب مادر
- ۴۳۰ ۷۵- مسؤولیت مادر
- ۴۳۲ ۷۶- مسؤولیت مادر موسی(ع)
- ۴۳۲ ۷۷- مقامات مادر موسی(ع)
- ۴۳۴ ۷۸- مقامات معنوی مادر موسی(ع)
- ۴۳۴ ۷۹- منشأ استقامت مادر موسی(ع)
- ۴۳۴ ۸۰- منشأ اطمینان مادر موسی(ع)
- ۴۳۴ ۸۱- منشأ حقوق مادر
- ۴۳۵ ۸۲- نذر مادر مریم(س)
- ۴۳۶ ۸۳- نقش مادر
- ۴۳۶ ۸۴- نقش مادر موسی(ع)
- ۴۳۸ ۸۵- نیکی به مادر
- ۴۳۸ ۸۶- وحی به مادر موسی(ع)
- ۴۴۰ ۸۷- وعده به مادر موسی(ع)
- ۴۴۱ ۸۸- یقین مادر موسی(ع)
- ۴۴۲ ۸۹- یوسف(ع) و مادر
- ۴۴۲ ۹۰- آثار عواطف مادری
- ۴۴۲ ۹۱- برادر مادری موسی(ع)
- ۴۴۴ ۹۲- برادر مادری هارون(ع)
- ۴۴۴ ۹۳- عواطف مادری
- ۴۴۶ ۹۴- مادری همسران محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۴۴۸ ۹۵- ملاک مادری
- ۴۴۹ ۱۱- مادیات

- ۱- ارزش مادیات ۴۴۹
- ۲- اسلام و مادیات ۴۴۹
- ۳- انبیا و مادیات ۴۵۱
- ۴- آثار مادیگرایی اشراف ۴۵۱
- ۵- آثار مادیگرایی اهل مکه ۴۵۲
- ۶- بی منطقی مادیگرایی ۴۵۳
- ۷- مادیگرایی کافران ۴۵۳
- ۸- مادیگرایی مشرکان ۴۵۳
- ۹- مادیگرایی مشرکان صدراسلام ۴۵۴
- ۱۰- مادیگرایی مشرکان مکه ۴۵۵
- ۱۱- مادیگرایی مکذبان معاد ۴۵۵
- ۱۲- مادیگرایی منافقان ۴۵۶
- ۱۳- منشأ مادیگرایی ۴۵۷
- ۱۴- آثار مادیگری ۴۵۷
- ۱۵- مادیگری حواریون ۴۵۷
- ۱۶- مادیگری مشرکان صدر اسلام ۴۵۸
- ۱۲- مار ۴۶۰
- ۱- بی خطری مار قصه موسی(ع) ۴۶۰
- ۲- تبدیل عصا به مار ۴۶۰
- ۳- تبدیل مار به عصا ۴۶۳
- ۴- منشأ تبدیل عصا به مار ۴۶۴
- ۵- منشأ تبدیل مار به عصا ۴۶۴
- ۱۳- ماروت ۴۶۵
- ۱- تبعیت یهود از ماروت ۴۶۵
- ۲- ماروت در بابل ۴۶۵
- ۳- ماروت و تعلم جادوا ۴۶۵

- ۴- ماروت و تعليم جادو ۴۶۵
- ۵- معلم ماروت ۴۶۷
- ۶- هشدارهای ماروت ۴۶۷
- ۱۴- مال ۴۶۹
- ۱- مال ۴۶۹
- ۲- آثار اخروی مال منافقان ۴۷۱
- ۳- آثار آرزويی با مال ۴۷۱
- ۴- آثار ايثار با مال ۴۷۱
- ۵- آثار علاقه به مال ۴۷۱
- ۶- آثار کثرت مال ۴۷۳
- ۷- آثار مال ۴۷۴
- ۸- آثار مال دوستی ۴۷۵
- ۹- اتکا به مال ۴۷۹
- ۱۰- اتکای به مال ۴۷۹
- ۱۱- اجتناب از مال حرام ۴۸۰
- ۱۲- اجتناب از مال دوستی ۴۸۱
- ۱۳- احکام مال ۴۸۲
- ۱۴- احکام مال یتیم ۴۸۳
- ۱۵- ارزش مال ۴۸۵
- ۱۶- ارزش مال انسان ها ۴۸۹
- ۱۷- ارزش مال مؤمنان ۴۸۹
- ۱۸- استفاده از مال یتیم ۴۹۰
- ۱۹- اصرار بر درخواست مال ديگران ۴۹۲
- ۲۰- اضرار به مال ۴۹۳
- ۲۱- اعطای مال به ایوب(ع) ۴۹۳
- ۲۲- اعطای مال به منافقان ۴۹۳

- ۴۹۳ ۲۳- امتحان با مال
- ۴۹۷ ۲۴- امداد با مال
- ۴۹۷ ۲۵- امیدواری به مال
- ۴۹۸ ۲۶- اهمیت حفظ مال ضعفا
- ۴۹۹ ۲۷- اهمیت مال
- ۴۹۹ ۲۸- اهمیت محافظت از مال یتیم
- ۴۹۹ ۲۹- بازرسی مال التجاره برادران یوسف
- ۵۰۰ ۳۰- بازرسی مال التجاره بنیامین
- ۵۰۱ ۳۱- بدنمایانی مال دیگران
- ۵۰۱ ۳۲- بی ارزشی مال
- ۵۰۲ ۳۳- بی ارزشی مال التجاره برادران یوسف
- ۵۰۳ ۳۴- بی ارزشی مال کافران
- ۵۰۳ ۳۵- بینش غلط مال دوستان
- ۵۰۳ ۳۶- پاداش ایثار با مال
- ۵۰۳ ۳۷- پاداش ترک مال دوستی
- ۵۰۵ ۳۸- پرداخت مال به برده
- ۵۰۵ ۳۹- تبدیل مال یتیم
- ۵۰۵ ۴۰- تجاوز به مال یتیم
- ۵۰۶ ۴۱- تحصیل عزت از مال
- ۵۰۷ ۴۲- تحصیل مال با دروغ
- ۵۰۷ ۴۳- تصرف مال یتیم
- ۵۰۹ ۴۴- تفاخر به مال
- ۵۰۹ ۴۵- تفضل مال
- ۵۰۹ ۴۶- تهدید به نابودی مال
- ۵۰۹ ۴۷- تهدید مال دوستی
- ۵۰۹ ۴۸- جاذبه مال

- ۴۹- جذابیت مال ۵۱۱
- ۵۰- جهاد با مال ۵۱۱
- ۵۱- حرمت تصرف در مال یتیم ۵۱۳
- ۵۲- حرمت مال ربوی ۵۱۳
- ۵۳- حفظ مال ۵۱۳
- ۵۴- حفظ مال یتیم ۵۱۴
- ۵۵- خطر تصرف در مال یتیم ۵۱۶
- ۵۶- خیریت مال ۵۱۷
- ۵۷- ذکر ناپایداری مال ۵۱۸
- ۵۸- رد مال التجاره برادران یوسف ۵۱۹
- ۵۹- زمینه ازدیاد مال ۵۲۱
- ۶۰- زمینه کمی مال ۵۲۲
- ۶۱- زمینه مال دوستی ۵۲۳
- ۶۲- زینت مال ۵۲۳
- ۶۳- سرزنش اتکا به مال ۵۲۳
- ۶۴- سرزنش مال دوستی ۵۲۳
- ۶۵- شرایط تصرف در مال ۵۲۵
- ۶۶- شرایط تصرف در مال یتیم ۵۲۶
- ۶۷- علاقه به مال ۵۲۷
- ۶۸- عوامل ایثار با مال ۵۲۹
- ۶۹- عوامل تهدید مال دوستان ۵۲۹
- ۷۰- عوامل محافظت از مال یتیم ۵۲۹
- ۷۱- غصب مال ۵۳۰
- ۷۲- غصب مال یتیم ۵۳۱
- ۷۳- فطریت علاقه به مال ۵۳۳
- ۷۴- فطریت مال دوستی ۵۳۳

- ۷۵- کسب مال ۵۳۳
- ۷۶- کسب مال حرام ۵۳۵
- ۷۷- کم ارزش کردن مال دیگران ۵۳۵
- ۷۸- کم نمایانی مال دیگران ۵۳۶
- ۷۹- کيفر غصب مال یتيم ۵۳۷
- ۸۰- گرایش به مال ۵۳۷
- ۸۱- مال التجاره برادران يوسف ۵۳۷
- ۸۲- مال ثروتمندان ۵۳۹
- ۸۳- مال دوستان در قیامت ۵۴۰
- ۸۴- مال دوستان و عزت ۵۴۱
- ۸۵- مال دوستی اصحاب الجنه ۵۴۱
- ۸۶- مال دوستی انسان ۵۴۱
- ۸۷- مال دوستی بادیه نشینان صدر اسلام ۵۴۲
- ۸۸- مال دوستی دشمنان دین ۵۴۲
- ۸۹- مال دوستی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ۵۴۵
- ۹۰- مال دوستی مردم جاهلیت ۵۴۵
- ۹۱- مال دوستی منافقان ۵۴۵
- ۹۲- مال زن ۵۴۵
- ۹۳- مال سفیه ۵۴۷
- ۹۴- مال کافران ۵۴۷
- ۹۵- مال یتيم ۵۴۹
- ۹۶- محافظت از مال ۵۵۱
- ۹۷- محافظت از مال بازمانگان صالحان ۵۵۱
- ۹۸- محافظت از مال یتيم ۵۵۲
- ۹۹- محدوده تصرف در مال یتيم ۵۵۲
- ۱۰۰- محدودیت تصرف در مال ۵۵۲

۵۵۵	۱۰۱- مشتری مال مجاهدان
۵۵۵	۱۰۲- مصرف مال حرام
۵۵۵	۱۰۳- مصرف مال در گناه
۵۵۵	۱۰۴- منشأ مال
۵۵۹	۱۰۵- موارد مصرف مال
۵۵۹	۱۰۶- موانع علاقه به مال
۵۵۹	۱۰۷- موانع مال دوستی
۵۶۱	۱۰۸- مؤاخذه بر مال دوستی
۵۶۱	۱۰۹- نابودی مال کافران
۵۶۱	۱۱۰- ناپسندی خوردن مال یتیم
۵۶۲	۱۱۱- ناخوشایندی ایثار با مال
۵۶۳	۱۱۲- نعمت مال
۵۶۳	۱۱۳- نقش اخروی مال
۵۶۳	۱۱۴- نقش مال
۵۶۷	۱۱۵- نقش مال مؤمنان
۵۶۷	۱۱۶- نقش مال یتیم
۵۶۹	۱۱۷- نهی از غصب مال یتیم
۵۶۹	۱۱۸- نیکان و مال دوستی
۵۶۹	۱۱۹- وجوب محافظت از مال یتیم
۵۶۹	۱۲۰- وصیت به انفاق مال
۵۷۱	۱۲۱- یهود و مال حرام
۵۷۱	۱۲۲- بینش غلط مال دوستان
۵۷۲	۱۲۳- عوامل تهدید مال دوستان
۵۷۳	۱۲۴- مال دوستان در قیامت
۵۷۳	۱۲۵- مال دوستان و عزت
۵۷۳	۱۲۶- آثار مال دوستی

- ۱۲۷- اجتناب از مال دوستی ۵۷۷
- ۱۲۸- پاداش ترک مال دوستی ۵۷۹
- ۱۲۹- تهدید مال دوستی ۵۷۹
- ۱۳۰- زمینه مال دوستی ۵۷۹
- ۱۳۱- سرزنش مال دوستی ۵۸۱
- ۱۳۲- فطرت مال دوستی ۵۸۱
- ۱۳۳- مال دوستی اصحاب الجنه ۵۸۱
- ۱۳۴- مال دوستی انسان ۵۸۳
- ۱۳۵- مال دوستی بادیه نشینان صدر اسلام ۵۸۳
- ۱۳۶- مال دوستی دشمنان دین ۵۸۴
- ۱۳۷- مال دوستی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ۵۸۵
- ۱۳۸- مال دوستی مردم جاهلیت ۵۸۵
- ۱۳۹- مال دوستی منافقان ۵۸۶
- ۱۴۰- موانع مال دوستی ۵۸۷
- ۱۴۱- مؤاخذه بر مال دوستی ۵۸۸
- ۱۴۲- نیکان و مال دوستی ۵۸۹
- ۱۵- مالک ۵۹۰
- ۱- استمداد از مالک جهنم ۵۹۰
- ۲- پدر مالک دیوار قصه خضر(ع) ۵۹۰
- ۳- مالک آتش جهنم ۵۹۰
- ۴- مالک آخرت ۵۹۱
- ۵- مالک آسمان ۵۹۱
- ۶- مالک آسمان ها ۵۹۵
- ۷- مالک آفرینش ۵۹۸
- ۸- مالک ارزشگذاری ۶۱۴
- ۹- مالک اماکن ۶۱۵

- ۱۰- مالک امکانات ۶۱۵
- ۱۱- مالک امکانات مادی ۶۱۵
- ۱۲- مالک انسان ۶۱۷
- ۱۳- مالک انسان ها ۶۱۹
- ۱۴- مالک انفال ۶۲۱
- ۱۵- مالک باد ها ۶۲۲
- ۱۶- مالک باغهای بهشت ۶۲۳
- ۱۷- مالک حقیقی ۶۲۳
- ۱۸- مالک حواس انسان ۶۲۳
- ۱۹- مالک خزاین آسمان ها ۶۲۳
- ۲۰- مالک خزاین آفرینش ۶۲۵
- ۲۱- مالک خزاین زمین ۶۲۵
- ۲۲- مالک خزاین نعمت ۶۲۵
- ۲۳- مالک خمس ۶۲۵
- ۲۴- مالک دنیا ۶۲۷
- ۲۵- مالک دیوار قصه خضر(ع) ۶۲۷
- ۲۶- مالک روح(اسم خاص) ۶۲۸
- ۲۷- مالک زمین ۶۲۹
- ۲۸- مالک طلوع فجر ۶۳۸
- ۲۹- مالک عرش ۶۳۹
- ۳۰- مالک عوالم آفرینش ۶۳۹
- ۳۱- مالک غنایم ۶۴۱
- ۳۲- مالک غنیمت ۶۴۳
- ۳۳- مالک غیب آسمان ها ۶۴۳
- ۳۴- مالک غیب آفرینش ۶۴۳
- ۳۵- مالک غیب زمین ۶۴۴

- ۳۶- مالک فیء ۶۴۵
- ۳۷- مالک قدرت ۶۴۷
- ۳۸- مالک قیامت ۶۴۷
- ۳۹- مالک کار ۶۴۹
- ۴۰- مالک کعبه ۶۴۹
- ۴۱- مالک کلید آسمان ها ۶۴۹
- ۴۲- مالک کلید زمین ۶۵۰
- ۴۳- مالک گیاهان ۶۵۱
- ۴۴- مالک مردم ۶۵۱
- ۴۵- مالک مسجد ۶۵۱
- ۴۶- مالک مشرق ۶۵۳
- ۴۷- مالک مغرب ۶۵۳
- ۴۸- مالک ملانکه ۶۵۵
- ۴۹- مالک منابع روزی ۶۵۵
- ۵۰- مالک موجودات ۶۵۵
- ۵۱- مالک موجودات آسمان ۶۶۳
- ۵۲- مالک موجودات آسمان ها ۶۶۵
- ۵۳- مالک موجودات آسمانی ۶۶۷
- ۵۴- مالک موجودات زمین ۶۶۷
- ۵۵- مالک موجودات فضا ۶۶۹
- ۵۶- مالک مهریه ۶۶۹
- ۵۷- مالک نیروهای آسمان ۶۶۹
- ۵۸- مالک نیروهای آسمان ها ۶۶۹
- ۵۹- مالک نیروهای زمین ۶۷۰
- ۶۰- محرومیت مالک کنیز گناهکار ۶۷۱
- ۶۱- مسؤولیت مالک برده ۶۷۱

- ۶۲- نقش مالک آفرینش - - - - - ۶۷۳
- ۶۳- یتیمی مالک دیوار قصه خضر(ع) - - - - - ۶۷۳
- ۶۴- {مالکیت} - - - - - ۶۷۳
- ۶۵- آثار ذکر مالکیت خدا - - - - - ۶۷۴
- ۶۶- آثار عقیده به مالکیت خدا - - - - - ۶۷۵
- ۶۷- آثار مالکیت خدا - - - - - ۶۷۶
- ۶۸- آزادی در مالکیت - - - - - ۶۸۳
- ۶۹- احکام مالکیت - - - - - ۶۸۳
- ۷۰- ادعای مالکیت سرزمین مصر - - - - - ۶۹۰
- ۷۱- ادعای مالکیت یوسف(ع) - - - - - ۶۹۱
- ۷۲- ارزش مالکیت - - - - - ۶۹۱
- ۷۳- اسباب مالکیت - - - - - ۶۹۱
- ۷۴- اقرار به مالکیت خدا - - - - - ۶۹۳
- ۷۵- اقسام اسباب مالکیت - - - - - ۶۹۴
- ۷۶- اهمیت مالکیت - - - - - ۶۹۵
- ۷۷- ایصال به مالکیت جاودان - - - - - ۶۹۵
- ۷۸- ایمان به مالکیت خدا - - - - - ۶۹۵
- ۷۹- بطلان مالکیت - - - - - ۶۹۷
- ۸۰- بی ارزشی مالکیت معبودان باطل - - - - - ۶۹۷
- ۸۱- جاودانگی مالکیت خدا - - - - - ۶۹۷
- ۸۲- حق - - - - - ۶۹۹
- ۸۳- حق مالکیت - - - - - ۶۹۹
- ۸۴- حقیقت مالکیت خدا - - - - - ۶۹۹
- ۸۵- درخواست مالکیت جاودان - - - - - ۷۰۰
- ۸۶- دلایل مالکیت خدا - - - - - ۷۰۱
- ۸۷- ذکر مالکیت خدا - - - - - ۷۰۱

- ۷۰۳ ۸۸- زوال مالکیت موجودات
- ۷۰۳ ۸۹- سلب مالکیت در قیامت
- ۷۰۳ ۹۰- شرایط مالکیت
- ۷۰۵ ۹۱- عقیده به مالکیت غیر خدا
- ۷۰۵ ۹۲- عوامل مالکیت
- ۷۰۷ ۹۳- کافران و مالکیت خدا
- ۷۰۷ ۹۴- مالکیت آسمان
- ۷۰۷ ۹۵- مالکیت اخروی خدا
- ۷۰۹ ۹۶- مالکیت اخروی مؤمنان
- ۷۱۰ ۹۷- مالکیت الله
- ۷۱۱ ۹۸- مالکیت انسان
- ۷۱۱ ۹۹- مالکیت انسان ها
- ۷۱۲ ۱۰۰- مالکیت بت
- ۷۱۳ ۱۰۱- مالکیت بر امکانات مادی
- ۷۱۳ ۱۰۲- مالکیت بر برده
- ۷۱۵ ۱۰۳- مالکیت بر چهارپایان
- ۷۱۵ ۱۰۴- مالکیت بر شتر
- ۷۱۶ ۱۰۵- مالکیت بر گاو
- ۷۱۷ ۱۰۶- مالکیت بر گوسفند
- ۷۱۷ ۱۰۷- مالکیت برده
- ۷۱۷ ۱۰۸- مالکیت خدا
- ۷۳۹ ۱۰۹- هو رب العرش العظيم
- ۷۵۵ ۱۱۰- ربّ السموت و الأرض
- ۷۶۹ ۱۱۱- مالکیت خدا و توحید
- ۷۶۹ ۱۱۲- مالکیت خزاین خدا
- ۷۶۹ ۱۱۳- مالکیت خصوصی

- ۱۱۴- مالکیت خصوصی در دوران داود(ع) ----- ۷۷۳
- ۱۱۵- مالکیت در آفرینش ----- ۷۷۳
- ۱۱۶- مالکیت در ادیان ----- ۷۷۴
- ۱۱۷- مالکیت در اسلام ----- ۷۷۵
- ۱۱۸- مالکیت در اهل مدین ----- ۷۷۵
- ۱۱۹- مالکیت در شریعت شعیب(ع) ----- ۷۷۵
- ۱۲۰- مالکیت در معبود ----- ۷۷۵
- ۱۲۱- مالکیت دنیوی در قیامت ----- ۷۷۷
- ۱۲۲- مالکیت رباخوار ----- ۷۷۷
- ۱۲۳- مالکیت زکریا(ع) ----- ۷۷۸
- ۱۲۴- مالکیت زمین ----- ۷۷۹
- ۱۲۵- مالکیت زن ----- ۷۷۹
- ۱۲۶- مالکیت سرزمین اقوام پیشین ----- ۷۸۰
- ۱۲۷- مالکیت سرزمین انبیا ----- ۷۸۱
- ۱۲۸- مالکیت شخصی ----- ۷۸۱
- ۱۲۹- مالکیت شخصیت حقوقی ----- ۷۸۳
- ۱۳۰- مالکیت غیر خدا ----- ۷۸۳
- ۱۳۱- مالکیت فرعون ----- ۷۸۳
- ۱۳۲- مالکیت فرعونیان ----- ۷۸۳
- ۱۳۳- مالکیت فقرا ----- ۷۸۵
- ۱۳۴- مالکیت کافران ----- ۷۸۵
- ۱۳۵- مالکیت کعبه ----- ۷۸۵
- ۱۳۶- مالکیت کنیز ----- ۷۸۷
- ۱۳۷- مالکیت کودک ----- ۷۸۷
- ۱۳۸- مالکیت محارب ----- ۷۸۸
- ۱۳۹- مالکیت محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۷۸۹

۷۸۹	۱۴۰- مالکیت مرد
۷۸۹	۱۴۱- مالکیت مساکین
۷۹۰	۱۴۲- مالکیت معبود راستین
۷۹۲	۱۴۳- مالکیت موصی له
۷۹۳	۱۴۴- مالکیت مؤمنان
۷۹۳	۱۴۵- مالکیت وارث
۷۹۳	۱۴۶- مالکیت یحیی(ع)
۷۹۳	۱۴۷- محدوده مالکیت انسان ها
۷۹۵	۱۴۸- مشرکان و مالکیت خدا
۷۹۵	۱۴۹- معبودان باطل و مالکیت
۷۹۵	۱۵۰- ملاک اعتبار مالکیت
۷۹۵	۱۵۱- منشأ خدا مالکیت
۷۹۷	۱۵۲- منشأ مالکیت
۷۹۷	۱۵۳- منشأ مالکیت انسان ها
۷۹۷	۱۵۴- موجبات مالکیت
۷۹۹	۱۵۵- نشانه های مالکیت خدا
۷۹۹	۱۵۶- نفی مالکیت غیر خدا
۷۹۹	۱۵۷- وسعت مالکیت خدا
۸۰۱	۱۵۸- ویژگیهای مالکیت انسان
۸۰۱	۱۵۹- ویژگیهای مالکیت خدا
۸۰۱	۱۶۰- ویژگیهای مالکیت موجودات
۸۰۳	۱۶۱- {مالکیت خصوصی}
۸۰۳	۱۶۲- مالکیت خصوصی
۸۰۷	۱۶۳- مالکیت خصوصی در دوران داود(ع)
۸۰۸	۱۶- ماه
۸۰۸	۱- آثار تبدیل ماه های حرام

- ۲- آثار گردش ماه (گردون) ۸۰۸
- ۳- آثار هتک حرمت ماه های حرام ۸۰۸
- ۴- آشامیدن در شبهای ماه رمضان ۸۱۰
- ۵- آمیزش در شبهای ماه رمضان ۸۱۰
- ۶- ابراهیم(ع) و ماه پرستان ۸۱۲
- ۷- ابراهیم(ع) و ماه پرستی ۸۱۲
- ۸- احراز حلول ماه رمضان ۸۱۲
- ۹- احکام ماه های حرام ۸۱۳
- ۱۰- استفاده از ماه ۸۱۴
- ۱۱- امنیت در ماه های حرام ۸۱۶
- ۱۲- انشقاق ماه (قمر) ۸۱۶
- ۱۳- انقیاد ماه ۸۱۶
- ۱۴- انقیاد ماه (گردون) ۸۱۸
- ۱۵- اول ماه صفر سال دهم ۸۱۸
- ۱۶- اهمیت خلقت ماه (گردون) ۸۱۹
- ۱۷- اهمیت روزه ماه رمضان ۸۲۰
- ۱۸- اهمیت ماه ۸۲۰
- ۱۹- بدر ماه (قمر) ۸۲۱
- ۲۰- بی حرمتی به ماه های حرام ۸۲۲
- ۲۱- بی منطقی ماه پرستی ۸۲۲
- ۲۲- پاسداری از قداست ماه های حرام ۸۲۲
- ۲۳- پرسش از هلال ماه ۸۲۴
- ۲۴- پیدایش نور ماه (قمر) ۸۲۴
- ۲۵- تاریخ خلقت ماه (گردون) ۸۲۴
- ۲۶- تاریخ ماه پرستی ۸۲۵
- ۲۷- تبدیل ماه های حرام ۸۲۶

- ۸۲۶ ۲۸- تحلیل حرمت ماه های حرام
- ۸۲۷ ۲۹- تداوم حرکت ماه
- ۸۲۸ ۳۰- تداوم حرکت ماه (گردون)
- ۸۲۸ ۳۱- تداوم گردش ماه (گردون)
- ۸۲۸ ۳۲- تسخیر ماه
- ۸۳۱ ۳۳- تسخیر ماه (گردون)
- ۸۳۲ ۳۴- تظاهر ابراهیم(ع) به ماه پرستی
- ۸۳۲ ۳۵- تعبیر رؤیای سجده ماه
- ۸۳۲ ۳۶- تعقل در خلقت ماه
- ۸۳۴ ۳۷- جذب ماه توسط خورشید
- ۸۳۴ ۳۸- جنگ در ماه های حرام
- ۸۳۶ ۳۹- حاکم ماه
- ۸۳۶ ۴۰- حرکت ماه
- ۸۳۸ ۴۱- حرمت ماه ذیحجه
- ۸۳۸ ۴۲- حرمت ماه ذیقعدہ
- ۸۳۸ ۴۳- حرمت ماه ربیع الاخر
- ۸۳۸ ۴۴- حرمت ماه رجب
- ۸۳۹ ۴۵- حرمت ماه محرم
- ۸۴۰ ۴۶- حرمت ماه های حرام
- ۸۴۰ ۴۷- حفظ حرمت ماه های حرام
- ۸۴۰ ۴۸- خالق ماه (گردون)
- ۸۴۲ ۴۹- خسوف ماه
- ۸۴۲ ۵۰- خلقت ماه
- ۸۴۲ ۵۱- خلقت ماه (گردون)
- ۸۴۴ ۵۲- خوردن در شهبای ماه رمضان
- ۸۴۵ ۵۳- درهم پیچیدگی ماه (قمر)

- ۸۴۶ ۵۴- دعا در ماه رمضان
- ۸۴۶ ۵۵- دعا در ماه محرم
- ۸۴۶ ۵۶- دهم ماه ذیحجه نهم هجری
- ۸۴۸ ۵۷- ردّ ربوبیت ماه
- ۸۴۸ ۵۸- ردّ ماه پرستی
- ۸۴۸ ۵۹- روزه ماه رمضان
- ۸۴۸ ۶۰- سجده ماه
- ۸۵۰ ۶۱- سجده ماه بر یوسف(ع)
- ۸۵۰ ۶۲- سجده ماه در رؤیا
- ۸۵۰ ۶۳- سوگند به ماه
- ۸۵۱ ۶۴- شب بیست و سوم ماه رمضان
- ۸۵۲ ۶۵- شب بیست و هفتم ماه رمضان
- ۸۵۲ ۶۶- شب بیست و یکم ماه رمضان
- ۸۵۲ ۶۷- شب بیستوسوم ماه رمضان
- ۸۵۲ ۶۸- شعور ماه
- ۸۵۴ ۶۹- عظمت طلوع ماه (قمر)
- ۸۵۴ ۷۰- عظمت ماه
- ۸۵۴ ۷۱- عظمت ماه (قمر)
- ۸۵۵ ۷۲- عظمت ماه رمضان
- ۸۵۶ ۷۳- عمر ماه
- ۸۵۶ ۷۴- غروب ماه
- ۸۵۶ ۷۵- فرجام گردش ماه (گردون)
- ۸۵۷ ۷۶- فرجام ماه (گردون)
- ۸۵۸ ۷۷- فلسفه حرکت ماه
- ۸۵۸ ۷۸- فلسفه خلقت ماه
- ۸۵۸ ۷۹- فلسفه روزه ماه رمضان

- ۸۰- فلسفه ماه های حرام ۸۶۰
- ۸۱- فلسفه هلال ماه ۸۶۰
- ۸۲- فلک ماه (قمر) ۸۶۰
- ۸۳- فواید ماه های حرام ۸۶۲
- ۸۴- فواید هلال ماه ۸۶۲
- ۸۵- قانونمندی خلقت ماه (قمر) ۸۶۳
- ۸۶- قانونمندی گردش ماه (قمر) ۸۶۴
- ۸۷- قانونمندی گردش ماه (گردون) ۸۶۴
- ۸۸- قانونمندی ماه (گردون) ۸۶۴
- ۸۹- قداست ماه های حرام ۸۶۶
- ۹۰- قدمت ماه های حرام ۸۶۶
- ۹۱- گردش ماه ۸۶۷
- ۹۲- گردش ماه (قمر) ۸۶۸
- ۹۳- گردش ماه (گردون) ۸۶۸
- ۹۴- ماه (گردون) از آیات خدا ۸۷۰
- ۹۵- ماه پرستی در دوران ابراهیم(ع) ۸۷۰
- ۹۶- ماه پرستی در صدراسلام ۸۷۰
- ۹۷- ماه پرستی قوم ابراهیم ۸۷۰
- ۹۸- ماه های حرام در ادیان ۸۷۲
- ۹۹- ماه های حرام در جاهلیت ۸۷۲
- ۱۰۰- مدت حرکت ماه (گردون) ۸۷۲
- ۱۰۱- مسافرت در ماه رمضان ۸۷۲
- ۱۰۲- مشرق ماه (قمر) ۸۷۴
- ۱۰۳- مغرب ماه (قمر) ۸۷۴
- ۱۰۴- مکان استقرار ماه (گردون) ۸۷۴
- ۱۰۵- منازل ماه (قمر) ۸۷۴

- ۸۷۶ - ۱۰۶- منشأ تسخیر ماه (گردون) -----
- ۸۷۶ - ۱۰۷- منشأ گردش ماه (قمر) -----
- ۸۷۶ - ۱۰۸- منشأ نور ماه -----
- ۸۷۶ - ۱۰۹- منشأ نور ماه (قمر) -----
- ۸۷۸ - ۱۱۰- ناپسندی ماه پرستی -----
- ۸۷۸ - ۱۱۱- نزول قرآن در ماه رمضان -----
- ۸۷۹ - ۱۱۲- نظم ماه -----
- ۸۸۰ - ۱۱۳- نظم ماه (قمر) -----
- ۸۸۰ - ۱۱۴- نظم ماه (گردون) -----
- ۸۸۰ - ۱۱۵- نعمت ماه -----
- ۸۸۲ - ۱۱۶- نقش سال و ماه -----
- ۸۸۲ - ۱۱۷- نقش ماه -----
- ۸۸۲ - ۱۱۸- نور ماه از آیات خدا -----
- ۸۸۲ - ۱۱۹- نورانی کننده ماه (گردون) -----
- ۸۸۴ - ۱۲۰- نورانیت ماه -----
- ۸۸۴ - ۱۲۱- نورانیت ماه (گردون) -----
- ۸۸۴ - ۱۲۲- وقت غسل در ماه رمضان -----
- ۸۸۴ - ۱۲۳- ویژگیهای خلقت ماه -----
- ۸۸۵ - ۱۲۴- ویژگیهای دهم ماه ذیحجه -----
- ۸۸۶ - ۱۲۵- ویژگیهای شب بیست و سوم ماه رمضان -----
- ۸۸۶ - ۱۲۶- ویژگیهای شب بیست و یکم ماه رمضان -----
- ۸۸۶ - ۱۲۷- ویژگیهای شب نوزدهم ماه رمضان -----
- ۸۸۸ - ۱۲۸- ویژگیهای ماه رمضان -----
- ۸۸۹ - ۱۲۹- هتک ماه های حرام -----
- ۸۹۰ - ۱۳۰- هشتم ماه ذیحجه -----
- ۸۹۰ - ۱۳۱- هلال ماه (قمر) -----

- ۱۳۲- انشقاق ماه (قمر) ۸۹۱
- ۱۳۳- بدر ماه (قمر) ۸۹۲
- ۱۳۴- پیدایش نور ماه (قمر) ۸۹۲
- ۱۳۵- درهم پیچیدگی ماه (قمر) ۸۹۲
- ۱۳۶- عظمت طلوع ماه (قمر) ۸۹۳
- ۱۳۷- عظمت ماه (قمر) ۸۹۴
- ۱۳۸- فلک ماه (قمر) ۸۹۴
- ۱۳۹- قانونمندی خلقت ماه (قمر) ۸۹۵
- ۱۴۰- قانونمندی گردش ماه (قمر) ۸۹۶
- ۱۴۱- گردش ماه (قمر) ۸۹۶
- ۱۴۲- مشرق ماه (قمر) ۸۹۸
- ۱۴۳- مغرب ماه (قمر) ۸۹۸
- ۱۴۴- منازل ماه (قمر) ۸۹۸
- ۱۴۵- منشأ گردش ماه (قمر) ۸۹۹
- ۱۴۶- منشأ نور ماه (قمر) ۹۰۰
- ۱۴۷- نظم ماه (قمر) ۹۰۰
- ۱۴۸- هلال ماه (قمر) ۹۰۰
- ۱۴۹- آثار گردش ماه (گردون) ۹۰۱
- ۱۵۰- انقیاد ماه (گردون) ۹۰۲
- ۱۵۱- اهمیت خلقت ماه (گردون) ۹۰۲
- ۱۵۲- تاریخ خلقت ماه (گردون) ۹۰۳
- ۱۵۳- تداوم حرکت ماه (گردون) ۹۰۴
- ۱۵۴- تداوم گردش ماه (گردون) ۹۰۴
- ۱۵۵- تسخیر ماه (گردون) ۹۰۴
- ۱۵۶- خالق ماه (گردون) ۹۰۶
- ۱۵۷- خلقت ماه (گردون) ۹۰۶

- ۱۵۸- فرجام گردش ماه (گردون) ----- ۹۰۸
- ۱۵۹- فرجام ماه (گردون) ----- ۹۱۰
- ۱۶۰- قانونمندی گردش ماه (گردون) ----- ۹۱۰
- ۱۶۱- قانونمندی ماه (گردون) ----- ۹۱۰
- ۱۶۲- گردش ماه (گردون) ----- ۹۱۱
- ۱۶۳- ماه (گردون) از آیات خدا ----- ۹۱۲
- ۱۶۴- مدت حرکت ماه (گردون) ----- ۹۱۲
- ۱۶۵- مکان استقرار ماه (گردون) ----- ۹۱۳
- ۱۶۶- منشأ تسخیر ماه (گردون) ----- ۹۱۴
- ۱۶۷- نظم ماه (گردون) ----- ۹۱۴
- ۱۶۸- نورانی کننده ماه (گردون) ----- ۹۱۴
- ۱۶۹- نورانیت ماه (گردون) ----- ۹۱۴
- ۱۷۰- ابراهیم(ع) و ماه پرستی ----- ۹۱۶
- ۱۷۱- بی منطقی ماه پرستی ----- ۹۱۶
- ۱۷۲- تاریخ ماه پرستی ----- ۹۱۶
- ۱۷۳- تظاهر ابراهیم(ع) به ماه پرستی ----- ۹۱۶
- ۱۷۴- ردّ ماه پرستی ----- ۹۱۸
- ۱۷۵- ماه پرستی در دوران ابراهیم(ع) ----- ۹۱۸
- ۱۷۶- ماه پرستی در صدراسلام ----- ۹۱۸
- ۱۷۷- ماه پرستی قوم ابراهیم ----- ۹۱۸
- ۱۷۸- ناپسندی ماه پرستی ----- ۹۱۹
- ۱۷۹- {ماه جمادی الاخری} ----- ۹۲۰
- ۱۸۰- {ماه جمادی الاولی} ----- ۹۲۰
- ۱۸۱- {ماه ذیحجه} ----- ۹۲۰
- ۱۸۲- حرمت ماه ذیحجه ----- ۹۲۳
- ۱۸۳- دهم ماه ذیحجه نهم هجری ----- ۹۲۴

- ۱۸۴- ویژگیهای دهم ماه ذیحجه - ۹۲۴
- ۱۸۵- هشتم ماه ذیحجه - ۹۲۴
- ۱۸۶- {ماه ذیقعدہ} - ۹۲۵
- ۱۸۷- حرمت ماه ذیقعدہ - ۹۲۷
- ۱۸۸- {ماه ربیع الاخر} - ۹۲۸
- ۱۸۹- حرمت ماه ربیع الاخر - ۹۲۸
- ۱۹۰- {ماه ربیع الاول} - ۹۲۹
- ۱۹۱- {ماه رجب} - ۹۳۰
- ۱۹۲- حرمت ماه رجب - ۹۳۲
- ۱۹۳- {ماه رمضان} - ۹۳۲
- ۱۹۴- آشامیدن در شبهای ماه رمضان - ۹۳۲
- ۱۹۵- آمیزش در شبهای ماه رمضان - ۹۳۴
- ۱۹۶- احراز حلول ماه رمضان - ۹۳۵
- ۱۹۷- اهمیت روزه ماه رمضان - ۹۳۶
- ۱۹۸- خوردن در شبهای ماه رمضان - ۹۳۶
- ۱۹۹- دعا در ماه رمضان - ۹۳۷
- ۲۰۰- روزه ماه رمضان - ۹۳۸
- ۲۰۱- شب بیست و سوم ماه رمضان - ۹۳۸
- ۲۰۲- شب بیست و هفتم ماه رمضان - ۹۳۸
- ۲۰۳- شب بیست و یکم ماه رمضان - ۹۳۸
- ۲۰۴- شب بیستوسوم ماه رمضان - ۹۴۰
- ۲۰۵- عظمت ماه رمضان - ۹۴۰
- ۲۰۶- فلسفه روزه ماه رمضان - ۹۴۰
- ۲۰۷- مسافرت در ماه رمضان - ۹۴۰
- ۲۰۸- نزول قرآن در ماه رمضان - ۹۴۲
- ۲۰۹- وقت غسل در ماه رمضان - ۹۴۲

- ۲۱۰- ویژگیهای شب بیست و سوم ماه رمضان ۹۴۳
- ۲۱۱- ویژگیهای شب بیست و یکم ماه رمضان ۹۴۴
- ۲۱۲- ویژگیهای شب نوزدهم ماه رمضان ۹۴۴
- ۲۱۳- ویژگیهای ماه رمضان ۹۴۶
- ۲۱۴- {ماه شعبان} ۹۴۶
- ۲۱۵- {ماه شوال} ۹۴۷
- ۲۱۶- {ماه صفر} ۹۴۸
- ۲۱۷- اول ماه صفر سال دهم ۹۵۰
- ۲۱۸- {ماه محرم} ۹۵۰
- ۲۱۹- حرمت ماه محرم ۹۵۱
- ۲۲۰- دعا در ماه محرم ۹۵۲
- ۲۲۱- {ماه های حرام} ۹۵۲
- ۲۲۲- آثار تبدیل ماه های حرام ۹۵۶
- ۲۲۳- آثار هتک حرمت ماه های حرام ۹۵۶
- ۲۲۴- احکام ماه های حرام ۹۵۶
- ۲۲۵- امنیت در ماه های حرام ۹۵۸
- ۲۲۶- بی حرمتی به ماه های حرام ۹۵۸
- ۲۲۷- پاسداری از قداست ماه های حرام ۹۵۹
- ۲۲۸- تبدیل ماه های حرام ۹۶۰
- ۲۲۹- تحلیل حرمت ماه های حرام ۹۶۰
- ۲۳۰- جنگ در ماه های حرام ۹۶۲
- ۲۳۱- حرمت ماه های حرام ۹۶۳
- ۲۳۲- حفظ حرمت ماه های حرام ۹۶۴
- ۲۳۳- فلسفه ماه های حرام ۹۶۴
- ۲۳۴- فواید ماه های حرام ۹۶۴
- ۲۳۵- قداست ماه های حرام ۹۶۶

- ۲۳۶- قدمت ماه های حرام ۹۶۷
- ۲۳۷- ماه های حرام در ادیان ۹۶۸
- ۲۳۸- ماه های حرام در جاهلیت ۹۶۸
- ۲۳۹- هتک ماه های حرام ۹۶۸
- ۱۷- ماهی ۹۷۱
- ۱- اجتناب از صید ماهی ۹۷۱
- ۲- حیات ماهی قصه موسی(ع) ۹۷۱
- ۳- سرنوشت ماهی قصه موسی(ع) ۹۷۲
- ۴- صید ماهی ۹۷۲
- ۵- صید ماهی در ایله ۹۷۲
- ۶- صید ماهی در شنبه ۹۷۳
- ۷- صید ماهی در یهود ۹۷۵
- ۸- فرار ماهی قصه موسی(ع) ۹۷۶
- ۹- ماهی قصه موسی(ع) ۹۷۸
- ۱۰- ماهی گیری یهود در شنبه ۹۷۸
- ۱۱- منشأ حرکت ماهی ها ۹۷۹
- ۱۲- نجات از شکم ماهی ۹۸۰
- ۱۳- یونس(ع) در شکم ماهی ۹۸۰
- ۱۴- منشأ حرکت ماهی ها ۹۸۴
- ۱۸- مأیوسان ۹۸۵
- ۱- بی یآوری مأیوسان ۹۸۵
- ۲- دوستی با مأیوسان از پاداش اخروی ۹۸۵
- ۳- دوستی با مأیوسان از رحمت خدا ۹۸۵
- ۴- مأیوسان از امدادهای خدا ۹۸۵
- ۵- مأیوسان از رحمت ۹۸۷
- ۶- مأیوسان از رحمت خدا ۹۸۷

- ۹۸۷ ۷- مشکلات مأیوسان
- ۹۸۹ ۱۹- مائده
- ۹۸۹ ۱- آثار مائده آسمانی
- ۹۸۹ ۲- آثار نزول مائده آسمانی
- ۹۸۹ ۳- ارزش مادی مائده آسمانی
- ۹۸۹ ۴- ارزش معنوی مائده آسمانی
- ۹۹۱ ۵- درخواست مائده آسمانی
- ۹۹۲ ۶- فلسفه مائده آسمانی
- ۹۹۳ ۷- قصه مائده آسمانی
- ۹۹۳ ۸- مائده آسمانی حواریون
- ۹۹۴ ۹- معجزه مائده آسمانی
- ۹۹۵ ۱۰- نزول تدریجی مائده آسمانی
- ۹۹۵ ۱۱- نزول مائده
- ۹۹۵ ۱۲- نزول مائده آسمانی
- ۹۹۷ ۱۳- {مائده آسمانی}
- ۹۹۸ ۱۴- آثار مائده آسمانی
- ۹۹۹ ۱۵- آثار نزول مائده آسمانی
- ۹۹۹ ۱۶- ارزش مادی مائده آسمانی
- ۹۹۹ ۱۷- ارزش معنوی مائده آسمانی
- ۹۹۹ ۱۸- درخواست مائده آسمانی
- ۱۰۰۱ ۱۹- فلسفه مائده آسمانی
- ۱۰۰۱ ۲۰- قصه مائده آسمانی
- ۱۰۰۳ ۲۱- مائده آسمانی حواریون
- ۱۰۰۳ ۲۲- معجزه مائده آسمانی
- ۱۰۰۳ ۲۳- نزول تدریجی مائده آسمانی
- ۱۰۰۳ ۲۴- نزول مائده آسمانی

- ۲۰- مباحات ۱۰۰۷
- ۱- مباحات ۱۰۰۷
- ۲- استفاده از مباحات ۱۰۱۳
- ۳- اصرار بر تحریم مباحات ۱۰۱۵
- ۴- تبیین محدوده مباحات ۱۰۱۵
- ۵- تحریم مباحات ۱۰۱۵
- ۶- تحریم مباحات در جاهلیت ۱۰۲۰
- ۷- توجیه تحریم مباحات ۱۰۲۲
- ۸- جرم تحریم مباحات ۱۰۲۳
- ۹- حلیت مباحات ۱۰۲۳
- ۱۰- کیفر با تحریم مباحات ۱۰۲۳
- ۱۱- ممانعت از مباحات ۱۰۲۳
- ۱۲- منشأ تحریم مباحات ۱۰۲۳
- ۱۳- منشأ مباحات ۱۰۲۵
- درباره مرکز ۱۰۲۶

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 88

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- لقاء الله

1- لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 223 - 12

12 _ کلیه انسان ها ، خداوند را ملاقات خواهند کرد .

و اعلموا انکم ملاقوه

2- آثار تکذیب لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 8 - 2

2 _ انکار لقای خدا ، دل بستگی به دنیا و غفلت از آیات الهی ، زمینه ساز اعمال نارواست .

إن الذین لایرجون لقاءنا .. أولئک مأویهم النار بما کانوا یکسبون

3- اشراف قوم نوح و لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 19

19_ اشراف قوم نوح ، ناآگاه به مرتبه والای « لقاء الله » و تقرب به درگاه خدا

إنهم ملقوا ربهم ولكنى أريكم قومًا تجهلون

4- اهمیت ایمان به لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 154 - 9

9_ ضرورت ایمان به قیامت و ملاقات خداوند

لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون

ص: 1

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 105 - 14

14- ایمان به معاد و لقای پروردگار ، در مجموعه اصول عقیدتی ، دارای اهمیت خاصی است .

كفروا بآیت ربهم و لقاءه . . . فلانقیم لهم یوم القیـمه وزناً

5- تفریط مكذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 7

7_ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر «فیها»، «حیات دنیا» گرفته شده که مرجعی معنوی است.

6- تکذیب لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 10 - 7

7- انکار لقای پروردگار و نفی هرگونه مسؤولیت از انسان ، انگیزه اصلی کافران در محال شمردن معاد است .

وقالوا أءذا . . . بل هم بلقاء ربهم کـفرون

7- حتمیت لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 46 - 1

1 - انسان ها به ملاقات خدا خواهند رفت و تنها به سوی او باز خواهند گشت .

أنهم ملقوا ربهم وأنهم إليه رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16_ همه انسان ها با خداوند ملاقات خواهند کرد و به او خواهند رسید .

لعلکم بلقاء ربکم توفنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 2

4 - ملاقات خداوند و حضور در پیشگاه او، فرجام محتوم هر انسان و با هر نوع کردار است.

یَأَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ . . . فَمَلِّقِيهِ

8- حسرت مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 7

7 - منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر «فیها»، «حیات دنیا» گرفته شده که مرجعی معنوی است.

9- خجلت اخروی مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 12 - 3

3 - منکران لقاء الله در قیامت، مردمانی سرافکنده و شرمسارند.

بل هم بلقاء ربهم كَفْرُونَ . . . و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤسهم

10- خواسته های مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 1

1 - منکران ملاقات با خدا (معاد)، در صدر اسلام، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند.

وقال الذين لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملئكة

«رجاء» در لغت به معنای امید است؛ ولی در جمله «لا يرجون لقاءنا» کنایه از انکار قیامت و رویه رو شدن با جزای الهی است.

11- دلایل حقانیت لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 23 - 5

5 - نزول کتابی آسمانی بر موسی (ع)، دلیلی بر حقانیت و تحقق لقاءالله است .

ص: 3

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هـ ذاً .. و لقد آتينا موسى الكتـب فلا تكن في مريه من

احتمال دارد _ به قرینه سیاق _ مراد از «لقاء»، روز قیامت و معاد باشد و مرجع ضمیر در «لقائه» واژه «بعث» باشد که مستفاد از آیه های ده و چهارده است. بنابراین، معنا چنین می شود: «تو در لقای ربّ _ که قرآن درباره آن سخن گفته _ تردیدی به خود راه نده! چرا که قرآن _ حاوی مسأله لقای ربّ _ نازل شده از ناحیه کسی است که تورات را به موسی (ع) داده است.

12- روز لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 44 - 4، 2، 1

1 - به هنگام لقاء الله، بر مؤمنان، با واژه «سلام»، تحیت گفته می شود.

تحیتهم یوم یلقونه سلـم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که اضافه «تحیت» به ضمیر «هم»، اضافه مصدر به مفعول اش باشد.

2 - تحیت بر مؤمنان، به هنگام لقاء الله، سلامتی و امنیت کامل داشتن است.

تحیتهم یوم یلقونه سلـم

احتمال دارد که مراد از «سلام»، معنای اصطلاحی آن باشد که نوعی تحیت گفتن است و احتمال دارد که معنای لغوی آن باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

4 - تحیت مؤمنان به هم، هنگام لقاء الله، با واژه «سلام» است.

تحیتهم یوم یلقونه سلـم

برداشت بالا، بنابراین است که اضافه «تحیت» به ضمیر «هم»، اضافه مصدر به فاعل اش باشد.

13- روش تحصیل لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 9 - 5

5 - توحید و پرستش خدای یگانه، راهی که به لقای خدا می انجامد.

سبیل الله

مراد از «سبیل الله» (راه خدا) توحید و یکتاپرستی است. تسمیه توحید به «راه خدا» یا بدان جهت است که آیین توحید، خطی است که از سوی خدا ترسیم شده و به وسیله پیامبران به مردم ارائه شده است و یا بدان جهت می باشد که توحید و یکتاپرستی، راهی است که با پیمودن آن، می توان به خدا رسید و به لقای او دست یافت.

14- زمان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 15

ص: 4

15_ قیامت ، روز ملاقات انسان با خداوند

إنهم مل قوا ربهم

15- زمینه لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 2

2- پرستش خدای یگانه ، راهی به سوی خدا و منتهی به لقای او است .

و یصدون عن سبیل الله

«سبیل الله» یعنی راه خدا «راه خدا» می تواند به معنای راهی باشد که «خدا برای اهل ایمان ترسیم و تعیین کرد» و یا می تواند به معنای راهی باشد که «به سوی خدا و به او منتهی می شود». برداشت فوق بر پایه معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 6 - 9

9- ربوبیت خداوند ، مقتضی وجود یافتن قیامت و ملاقات انسان ها در آن ، با خداوند است .

إلی ربک کدحاً فمل قیه

16- زیانکاری مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 5، 1

1_ تکذیب کنندگان معاد و حضور در پیشگاه خداوند بی تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء الله

5_ کسانی که تا قبل از مرگ منکر ملاقات خدا و معاد هستند، بدون تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

مراد از «الساعه» می تواند مرگ و یا قیامت باشد. در برداشت فوق «الساعه» به معنی مرگ گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 46 - 5

5 - گمان به لقای خدا و بازگشت به او ، در ایجاد روحیه خشوع و فروتنی کافی است .

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم وأنهم إليه رجعون

به کارگیری «یظنون» (گمان دارند) در مسأله رجوع به خداوند - که هر مسلمانی باید اعتقاد جزمی به آن داشته باشد - اشاره به این دارد که: حتی گمان به قیامت و رجوع به خداوند نیز در زایل ساختن خود بزرگ بینی تأثیر بسزایی داشته و مایه

ص: 5

فروتنی خواهد شد.

18- فرجام مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 11 - 12

12 - انکار لقای پروردگار از سوی کافران ، باعث نمی شود که آنان در پیشگاه خدا حاضر نشوند ، بلکه به اجبار به سوی خدا باز خواهند گشت .

بل هم بلقاء ربهم کفرون ... ثم إلى ربکم ترجعون

19- گناه تکذیب لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 12 - 2

2 - تردید در معاد و انکار لقای پروردگار ، عملی مجرمانه است .

بلقاء ربهم کفرون ... إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم

«ال» در «المجرمون» عهد است و به «هم بلقاء ربهم کافرون» برمی گردد.

20- لقاء الله در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 16 - 4

4 - آخرت ، ظرف ملاقات انسان ها با خداوند است .

الذین ... کذبوا ... ولقائِ الأخره

تعبیر از «تکذیب آخرت» به «تکذیب لقای آخرت»، می تواند به منظور بیان این حقیقت باشد.

21- لقاء الله در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13_ امکان رسیدن به مقام لقای خداوند در دنیا

إنهم ملقوا ربهم

ص: 6

22- لقاء الله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 2

2_ قیامت صحنه ملاقات همگان با خداوند است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعه

«الساعه» از اسامی قیامت است و منظور از ملاقات، برخورد جسمانی نیست، زیرا چنین امری محال است. لذا مراد از آن شهود حاکمیت و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 15

15_ قیامت، روز ملاقات انسان با خداوند

إنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 3

3_ قیامت، روز ملاقات انسان ها با خدا

لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 5 - 4

4- قیامت، ظرف تحقق لقاء الله و حضور در پیشگاه خداوند است.

من کان یرجوا لقاء الله فإنّ أجل الله لأت

«لقاء الله» عبارت است از این که انسان، در جایی قرار بگیرد که میان او و خداوند، هیچ حجابی نباشد و این، همانا، روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حضور انسان ها در پیشگاه خداوند است .

وإن كثيراً من الناس بلقاء ربهم لك فرون

ذکر وصف ربوبیت در مورد لقاء الله می تواند ناظر به برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 10 - 11

11 - معاد ، عرصه رجوع و حضور در محضر خدا است .

أءتألفى خلق جديد بل هم بلقاء ربهم ك فرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 7

2 - قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إِيَّاهُمْ فِي مَرِيحٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ

3 - حضور انسان ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

ألا إِيَّاهُمْ فِي مَرِيحٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ

اضافه «لقاء» به وصف ربوبیت _ و نه دیگر اوصاف و اسمای الهی _ معنای بالا را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 15 - 5

5 - تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن ، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند .

إِيَّاهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

محجوب بودن از خداوند، نمی تواند به معنای ندیدن با چشم باشد؛ زیرا این امر به کافران اختصاص ندارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

23- محرومان از لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 15 - 5

5 - تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن ، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند .

إِيَّاهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

محجوب بودن از خداوند، نمی تواند به معنای ندیدن با چشم باشد؛ زیرا این امر به کافران اختصاص ندارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

24- مقام لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 19، 11

11_ مؤمنان قوم نوح ، مردمی مقرب درگاه خدا و برخوردار از مقام لقای او

إنهم ملقوا ربهم

جمله «إنهم ملاقوا ربهم» می تواند بیانگر حال فعلی پیروان نوح باشد؛ یعنی ، هم اکنون به مقام لقای پروردگار رسیدند و همچنین می تواند خبر از فرجام اخروی آنان دهد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

19_ اشراف قوم نوح ، ناآگاه به مرتبه والای « لقاء الله » و تقرب به درگاه خدا

إنهم ملقوا ربهم ولکنی أریکم قومًا تجهلون

ص: 8

25- مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 9

9- بسیاری از مردم، منکر معاد و لقاء الله اند.

وإن كثيراً من الناس بلفأ ربهم لك فرون

26- مکذبان لقاء الله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 6،7

6_ قیامت، هنگامه ظهور زینکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغته قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد «نداء» قرار می گیرد.

7_ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغته قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر «فیها»، «حیات دنیا» گرفته شده که مرجعی معنوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 12 - 3

3 - منکران لقاء الله در قیامت، مردمانی سرافکنده و شرمسارند.

بل هم بلفأ ربهم ك فرون... و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم

27- موانع لقاء الله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 15 - 7

7- گناه، طغیان‌گری و تکذیب قرآن و قیامت، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است.

ما یکذب به إلا کلاً معتد ائیم .. إنهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون

28- موجبات لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 125 - 5

5_ مؤمنان با کشته شدن در راه خدا به جوار او بار خواهند یافت.

ص: 9

إنا إلى ربنا منقلبون

29- وصول به لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 5 - 1

1 - امیدواران به لقاء الهی، حتماً، آن را درک خواهند کرد.

من كان يرجوا لقاء الله فإن أجل الله لآت

30- وقت لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 77 - 14، 5، 6

5_ لحظه مرگ، زمان ملاقات انسان با خدا و آشکار شدن حق برای اوست.

يوم يلقونه

مراد از «يوم يلقونه» می تواند مرگ باشد و همچنین می تواند قیامت باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

6_ قیامت، روز ملاقات انسان با خدا

يوم يلقونه

14_ از علی (ع) روایت شده که: «و اما قوله تعالى: . . .» إلى يوم يلقونه بما أخلفوا الله ما وعدوه . . . یعنی البعث فسمّاه الله عز و

جل لقائه;

مراد از «يوم يلقونه» در آیه شریفه، روز رستاخیز است که خدای عز و جل آن را روز لقاء خود نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 7 - 1

1_ قیامت، روز دیدار با خداست.

إن الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 15 - 5

5_ قیامت ، روز دیدار با خداوند

قال الذین لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 3

3_ قیامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لا یرجون لقاءنا

ص: 10

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 5 - 2,4,5

2 - لقاء الهی ، موعد مشخصی دارد .

من كان يرجوا لقاء الله فإن أجل الله لأت

4 - قیامت ، ظرف تحقق لقاء الله و حضور در پیشگاه خداوند است .

من كان يرجوا لقاء الله فإن أجل الله لأت

«لقاء الله» عبارت است از این که انسان، در جایی قرار بگیرد که میان او و خداوند، هیچ حجابی نباشد و این، همانا، روز قیامت است.

5 - لقاء الله ، پس از مرگ ، برای مشتاقان به آن ، تحقق پیدا می کند .

من كان يرجوا لقاء الله فإن أجل الله لأت

«أجل» در اصل، به معنای «مدت تعیین شده برای هر چیز» است و در «مدت تعیین شده برای حیات انسان» _ که از آن، به «مرگ» تعبیر می شود نیز استعمال می شود (مفردات راغب) بنابر معنای استعمالی آن، احتمال دارد مراد از «أجل الله» مرگی باشد که خداوند، برای انسان ها، مقرر کرده است. در این صورت، «فإن أجل الله لأت» اشعار دارد که لقاء الله، پس از مرگ، جامه عمل می پوشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 14

14 - قیامت ، جایگاه ملاقات مردم با خداوند است .

وإن كثيرًا من الناس بلقاء ربهم لك فرون

مراد از «لقاء ربهم» برپایی قیامت است. اطلاق «لقاء رب» برای قیامت، از باب اطلاق فعل بر ظرف تحقق آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 16 - 4

4 - آخرت ، ظرف ملاقات انسان ها با خداوند است .

الذين ... كذبوا ... ولقاءِ الآخره

تعبیر از «تکذیب آخرت» به «تکذیب لقای آخرت»، می تواند به منظور بیان این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 54 - 2

2 - قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنهم فی مریه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 6 - 8

8 - قیامت ، میعاد ملاقات انسان با خداوند است .

فمل_قیه

ص: 11

31- یأس مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 23 - 1

1 - کافران به آیات الهی و لقاء الله ، از رحمت خداوند ، مأیوس اند .

والذین کفروا بأیة اللّٰه و لقاءه أولئک یسوا من رحمتی

32- یهود و لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 7 - 1

1 - یهود ، قومی هراسان از مرگ و غیر مشتاق برای لقای الهی

و لا یتمنّونه أبداً

ص: 12

2- لقمان

1- امر به معروف در دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 3

3 - نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

ی-بنی أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر

2- انقیاد لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 17

17 - « عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول : حقاً أقول : لم يكن لقمان نبياً و لکن کان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحبّ الله فأحبّه و منّ عليه بالحكمه . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحکم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمه ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که می گفت: «به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام»... در این جا به او حکمت داده شد».

3- اهمیت قصه لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 3

3 - قصه لقمان حکیم ، قصه ای بس مهم است .

ص: 13

و لقد آتينا لقمن الحكمة

شروع قصه لقمان با لام قسم و حرف تأکید (قد)، حکایت از اهمیت آن می کند.

4- بینش لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 5

5 - اقامه نماز ، از دید لقمان اهمیت ویژه ای دارد .

یـبنی اقم الصلوه

از این که لقمان پس از توصیه پسرش به پرهیز از شرک (توحید) و یادآوری روز حساب به نماز می پردازد ، حکایت از اهمیت آن می کند.

5- پسر لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 13 - 5

5 - توصیه به اجتناب از شرک ، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود .

و إذ قال لقمن لابنه و هو يعظه یـبنی لاتشرک باللّه

از آن جایی که نهی «لاتشرک» نخستین توصیه از وصایای لقمان به فرزندش است، استفاده می شود که آن، مهم ترین است.

6- تعالیم شریعت دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 3

3 - نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

یـبنی اقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر

7- تعقل لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - « عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول : حقاً أقول : لم يكن لقمان نبياً ولو كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبه ومنّ عليه بالحكمة . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه ولم أقبل البلاء وإن عزم عليّ فسمعاً و

طاعه . . . فأعطى الحكمة ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که می گفت: «به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام»... در این جا به او حکمت داده شد».

8- توصیه به لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 6

6 - رهنمود الهی به لقمان، برای شکرگزاری به درگاه خداوند

و لقد آتینا لقمان الحكمة أن اشکر لله

9- حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 17, 18

17 - « عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله) يقول : حقاً أقول : لم يكن لقمان نبياً و لکن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبته و منّ عليه بالحكمة . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمة ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که می گفت: «به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام»... در این جا به او حکمت داده شد».

18 - « عن هشام بن الحكم قال : قال لي أبو الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . يا هشام ! إن الله يقول في كتابه . . . « و لقد آتينا لقمان الحكمة » قال : الفهم و العقل . . . ;

هشام بن حکم گوید: امام کاظم (ع) به من گفت: . . . ای هشام! خداوند که در کتاب اش می گوید: . . . «و لقد آتينا لقمان الحكمة» می

گوید: فهم و عقل به [او دادیم]...».

ص: 15

10- خلافت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 17

17 - « عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول : حَقًّا أقول : لم يكن لقمان نبياً ولـكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحبَّ الله فأحبَّه و مَنْ عليه بالحكمة . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربِّي قبلت العافيه ولم أقبل البلاء وإن عزم عليّ فسمعاً و طاعة . . . فأعطى الحكمة ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می گفت: «به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام»... در این جا به او حکمت داده شد».

11- ذکر مواظ لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 13 - 1

1 - مواظ لقمان به پسرش ، شایسته یادآوری است .

و إذ قال لقمان لابنه و هو يعظه

بنابراین احتمال که «إذ» متعلق به «أذكر» مقدر باشد، این نکته به دست می آید.

12- عظمت آیات سوره لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 2 - 3

3 - آیه های سوره لقمان ، آیه هایی با عظمت و پر شأن و منزلت است .

تلک ءایـت الکتـب الحکیم

مراد از «آیات» در این آیه، می تواند آیه های سوره لقمان باشد.

13- عقل لقمان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 18

18 - « عن هشام بن الحكم قال : قال لى أبو الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . يا هشام ! إن الله يقول فى كتابه . . . » و لقد

ص: 16

آتینا لقمان الحکمه» قال : الفهم و العقل . . . ;

هشام بن حکم گوید: امام کاظم (ع) به من گفت: .. ای هشام! خداوند که در کتاب اش می گوید: ... «و لقد آتینا لقمان الحکمه» می گوید: فهم و عقل به [او دادیم]...».

14- فلسفه اعطای حکمت به لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 8

8 - فلسفه اعطای حکمت به لقمان ، شکرگزاری به درگاه خداوند بوده است .

و لقد آتینا لقمان الحکمه أن اشکر لله

احتمال دارد که «أن»، مصدری و به تقدیر «لام» تعلیل باشد. در این صورت، عبارت چنین می شود: «و لقد آتینا لقمان الحکمه للشکر لله»؛ ما به لقمان حکمت دادیم تا خدا را شکر کند».

15- فهم لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 18

18 - « عن هشام بن الحکم قال : قال لی أبو الحسن موسی بن جعفر (ع) : . . . یا هشام ! إنَّ الله يقول فی کتابه . . . » و لقد آتینا لقمان الحکمه » قال : الفهم و العقل . . . ;

هشام بن حکم گوید: امام کاظم (ع) به من گفت: .. ای هشام! خداوند که در کتاب اش می گوید: ... «و لقد آتینا لقمان الحکمه» می گوید: فهم و عقل به [او دادیم]...».

16- قصه لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 19، 17

17 - « عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول : حَقًّا أقول : لم يكن لقمان نبياً و لکن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحبَّ الله فأحبَّه و منَّ عليه بالحکمه . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحکم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربِّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحکمه ;

عبداللہ بن عمر می گوید: از رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ) شنیدم کہ می گفت: «به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود کہ صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری کہ خداوند، تو را خلیفہ خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نہ گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام»... در این جا به او حکمت داده

ص: 17

19 - « عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) (انـه قال :) كان (لقمان) حبشياً ;

از رسول خدا روایت شده که گفت: لقمان، اهل حبشه بود». حبشه، همان اتیوپی فعلی است.

17- محبت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 17

17 - « عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول : حَقًّا أقول : لم يكن لقمان نبياً و لـكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبته و منّ عليه بالحكمة . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمة ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که می گفت: «به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام»... در این جا به او حکمت داده شد».

18- محبوبیت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 17

17 - « عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول : حَقًّا أقول : لم يكن لقمان نبياً و لـكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبته و منّ عليه بالحكمة . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمة ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که می گفت: «به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام»... در این جا به او حکمت داده شد».

19- مسؤولیت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 6

6 - رهنمود الهی به لقمان ، برای شکرگزاری به درگاه خداوند

و لقد آتینا لقمین الحکمہ ان اشکر لله

20- مقامات لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 2

2 - لقمان ، دارای مقامی والا نزد خداوند است .

و لقد آتینا لقمین الحکمہ

21- ملیت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 19

19 - « عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) (ان به قال :) كان (لقمان) حبشياً ؛

از رسول خدا روایت شده که گفت: لقمان، اهل حبشه بود». حبشه، همان اتیوپی فعلی است.

22- منشأ حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 1

1 - خداوند ، عطاکننده حکمت (علم هستی شناسی و انجام دادن خیرات) به لقمان است .

و لقد آتینا لقمین الحکمہ

23- مواعظ لقمان

4 - موعظه لقمان به پسرش درباره لزوم پرهیز از شرک، نمودی از حکمت وی بود.

لقد آتینا لقمن . . . واذ قال لقمن لابنه ... لا تشرك بالله

اگر «اذ» متعلق به «آتینا» باشد، برداشت بالا به دست می آید.

5 - توصیه به اجتناب از شرک ، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود .

و إِذْ قَالَ لِقْمَنُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بَنِيَّ لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ

از آن جایی که نهی «لاتشرک» نخستین توصیه از وصایای لقمان به فرزندش است، استفاده می شود که آن، مهم ترین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 16 - 1

1 - تذکر به نظارت دقیق الهی بر اعمال انسان ، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود .

يَا بَنِيَّ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ .. يَأْتِ بِهَا اللَّهُ

احتمال دارد که ضمیر «اِنَّها» ضمیر قصه باشد و در نتیجه، مرجعی لازم نداشته باشد و احتمال دارد ضمیری باشد که مرجع آن، به قرینه سیاق، چیزی مانند «خصلت پسندیده و ناپسند» و یا «عمل خوب و بد» و مانند آن باشد. نکته بالا بنا بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 1

1 - اهتمام به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در بلا ها ، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود .

يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ .. وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 18 - 5, 2, 1

1 - پرهیز از روی گرداندن متکبرانه از دیگران ، از جمله رهنمود های لقمان به پسر خویش بود .

و لَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا

«صَعْر» در لغت به معنای «متمایل کردن گردن به سویی است» و معنای باب تفعیل آن (تصعیر)، متکبرانه سرگرداندن و گردن فرازی کردن است (مفردات راغب).

2 - سفارش لقمان به پرهیز از منش متکبرانه و گردن فرازی کردن ، جلوه ای از حکمت او است .

و لَقَدْ آتَيْنَا لِقْمَانَ الْحِكْمَةَ ... إِذْ قَالَ ... وَ لَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ

5 - لقمان به پسرش سفارش کرد که از سرمستی کردن در زمین، پرهیز کند.

و لا تمش فی الأرض مرحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 19 - 4, 5, 1

1 - سفارش لقمان به پسر خویش، برای رعایت اعتدال در راه رفتن

ی_بنی . . . و اقصد فی مشیک

«قصد» به معنای، حد میانی بین افراط و تقریط است (مفردات راغب) و نیز به معنای «اعتدال» است و «مشی»، انتقال از جایی به جایی است (مفردات راغب) که از آن، به «راه رفتن» تعبیر می شود.

3 - پرهیز از رفتارِ همراه با ذلت و خواری و نیز اجتناب از رفتارِ متکبرانه، سفارش لقمان به پسر خویش است. *

ی_بنی . . . و اقصد فی مشیک

به قرینه آیه قبل _ که در آن، از رفتار و یا راه رفتن متکبرانه نهی شده است _ احتمال دارد مراد از «و اقصد فی مشیک» نهی

ص: 20

از راه رفتن و یا رفتاری باشد که همراه با ذلت است.

4- کاستن از طنین صدا ، از سفارش های لقمان به پسر خویش است .

و اغضض من صوتک

5- توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

و لقد آیتنا لقمن الحکمه ... و إذ قال ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

24- مهمترین مواظب لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 13 - 5

5- توصیه به اجتناب از شرک ، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود .

و إذ قال لقمن لابنه و هو یعظه ی-بنی لا تشکر باللّه

از آن جایی که نهی «لا تشکر» نخستین توصیه از وصایای لقمان به فرزندش است، استفاده می شود که آن، مهم ترین است.

25- نشانه های حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 13 - 4

4- موعظه لقمان به پسرش درباره لزوم پرهیز از شرک ، نمودی از حکمت وی بود .

لقد آتینا لقمن ... و إذ قال لقمن لابنه ... لا تشکر باللّه

اگر «إذ» متعلق به «آتینا» باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 16 - 9

9- متوجه کردن فرزند به علم و قدرت مطلق خداوند ، با استفاده از شیوه آموزشی قابل فهم ، نمودی از حکمت لقمان است .

لقد آتینا لقمن الحکمه ... إذ قال ... ی-بنی إنّها إن تک مثقال حبّه ... یأت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 2

2 - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، نمودی از حکمت لقمان

و لقد آتینا لقمان الحکمه ... إذ قال ... ی-بنیّ أقم الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 18 - 2

2 - سفارش لقمان به پرهیز از منس متکبرانه و گردن فرازی کردن ، جلوه ای از حکمت او است .

و لقد آتینا لقمان الحکمه ... إذ قال ... ولا تصعّر خدک للناس

ص: 21

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 19 - 5

5 - توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

و لقد آتینا لقمان الحكمة . . . و إذ قال . . . و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

26- نماز در دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 3

3 - نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

ی_بنی اقم الصلوه و امر بالمعروف و انه عن المنکر

27- نهی از منکر در دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 3

3 - نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

ی_بنی اقم الصلوه و امر بالمعروف و انه عن المنکر

28- یقین لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 17

17 - « عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول : حَقًّا أقول : لم يكن لقمان نبياً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسن الیقین أحبّ الله فأحبّه و مَنْ عليه بالحکمه . کان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء یا لقمان ! هل لك أن يجعلک الله خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیرنی ربّی قبلت العافیة و لم أقبل البلاء و إن عزم علیّ فسمعاً و طاعة . . . فأعطی الحکمه ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که می گفت: «به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در

نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام...» در این جا به او حکمت داده شد.»

ص: 22

1- معذوریت لنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 1

1 - افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج

لنگی

2- آثار لنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 20، 1

1 - نابینایی ، لنگی و مرض ، سه عامل معاف شدن از تکالیفی است که در آنها ، بینایی ، حرکت و راه رفتن و سلامت لازم است .

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «ولا علی أنفسکم أن تأکلوا..» استینافیه و جدا از جمله «لیس علی الأعمی حرج...» باشد. بر این اساس جمله «لیس علی الأعمی...» درصدد بیان قانون و اصلی کلی است و آمدن آن به تناسب بیان احکام افرادی است که به شکلی از برخی از تکالیف معاف اند؛ مانند زنان سالخورده که از حجاب معاف اند و نیز معاف بودن فرزندان و برادر زادگان و... از اجازه خواستن جهت ورود به خانه دیگران که در دنبال همین آیه ذکر شده است.

20 - نقص عضو مانند نابینایی ، لنگی و بیماری را ، نباید مانع از هم غذا شدن با افراد سالم دانست .

لیس علی الأعمی حرج... ولا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

توصیه خداوند به این که افراد ناقص العضو، نابینایان و .. حق دارند با افراد سالم هم غذا شوند، می تواند به این دلیل باشد که کسی گمان نکند که نقص عضو، مانع از هم غذا شدن است و باید از افراد ناقص العضو، اجتناب کرد. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده است که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان و... خودداری می کردند، مؤید همین برداشت است.

لنگ

3- شخصیت لنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 5

5- شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج ... أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است؛ زیرا اسلام خواسته است با چنین سنتِ نادرستی مبارزه کند.

4- محدوده اختیارات لنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 2,3,4

2- نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج ... أن تأكلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله «ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم» عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از «بیوتکم» (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

3- نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج ... أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

4- نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج ... أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

5- همسفرگی با لنگ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز با خویشاوندان و دوستان خویش باهم (بر سر یک سفره) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

ليس على الأعمى حرج . . . ولا على أنفسمك أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم ... أ

38 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله « ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج » وذلك أن أهل المدينة قبل أن يسلّموا كانوا يعزلون الأعمى والأعرج والمريض وكانوا لا يأكلون معهم وكان الأعمى والمريض يقولون : لعلنا نؤذيهم إذا أكلنا معهم فاعتزلوا مواكلتهم فلمّا قدم النبي (صلى الله عليه وآله) سألوه عن ذلك فأنزل الله « ليس عليكم جناح أن تأكلوا

ص: 24

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «ليس على الأعمى حرج..» فرمود: اهل مدینه قبل از آنکه مسلمان شوند، نابینایان، لنگان و بیماران را از خود جدا می کردند و با آنان هم غذا نمی شدند... و کوران و بیماران می گفتند: شاید اگر ما با دیگران هم غذا شویم، موجب اذیت آنان باشیم. از این رو از هم غذا شدن با دیگران کناره می گرفتند. پس هنگامی که پیامبر(صلی الله علیه و آله) وارد مدینه شد، از آن حضرت سؤال کردند. خداوند این آیه را نازل فرمود: ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعاً أو أشتاتاً.

4- لواط

1- آثار شیوع لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 29 - 12

12 - شیوع عمل لواط و راهزنی و رواج گناه علنی ، عذاب الهی را در پی دارد .

أنتکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل و تأتون فی نادیکم المنکر فما کان جواب قومہ

درخواست قوم لوط از حضرت لوط(ع) برای نزول عذاب، با جمله شرطی «إن كنت من الصادقین» نشان دهنده وعده عذاب از جانب لوط(ع)، به آنها است. گفتنی است وعده عذاب از سوی پیامبری به قومی، به خاطر اعمال یاد شده، حکایت می کند که آن اعمال مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 34 - 8

8 - رواج لواط و راهزنی و گناه علنی در جامعه ، در پی دارنده عذابی شکننده و سخت است .

أنتکم لتأتون الرجال و .. إنا منزلون علی أهل هـ ذه القریه رجزاً ... بما کانوا

2- آثار لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 81 - 4,7,2

2_ قوم لوط به سبب گرایش شدید به لواط ، همبستری با زنان خویش را ترک کردند .

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

«شهوة»، مفعول مطلق برای فعل محذوف (یشتهونها) است و دلالت بر گرایش و علاقه شدید مردان قوم لوط به لواط دارد.

4_ قوم لوط به دلیل ارتکاب لواط ، مردمی متجاوز و اسرافگر

بل أنتم قوم مسرفون

7_ لواط ، تجاوز به حقوق زنان در جامعه است .

شهوة من دون النساء بل أنتم قوم مسرفون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 26

5_ جوامع مبتلا به لواط و فحشا، جوامعی مجرم و در معرض نابودی با عذاب های سخت الهی

فانظر كيف كان عقبه المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 8

8- عمل شنیع و ناپسند لواط و همجنس بازی، مایه رسوایی و شرمساری است .

قال إن هـِـؤَلاءِ ضیفی فلا تفضحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 79 - 3

3- رواج فحشا (لواط و همجنس بازی) و ظلم و بیدادگری، زمینه ساز انتقام الهی است .

وإن كان أصحـب الأیکه لظـلمین . فاتتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 166 - 7

7 - هم جنس بازی و لواط، تجاوز به حریم ارزش ها است .

أتأتون الذکران . . . بل أنتم قوم عادون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 31 - 10

10 - ظلم قوم لوط با لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه، در پی دارنده هلاکت و عذاب برای آنان

أننکم لتأتون الرجال و . . . إنا مهلكوا أهل هـِـذہ القریه إنَّ أهلها كانوا ظـلمین

3- آثار لواط در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5_ پیشینه تبه کاری قوم لوط و خو گرفتن با عمل شنیع لوط ، آنان را به سوی خانه لوط (ع) برای تعرض به مهمانانش ، گسیل داشت .

و جاءه قومه يهرعون إليه و من قبل كانوا يعملون السيئات

جمله «و من قبل كانوا ..» _ که حکایت از پیشینه تبه کاری و استمرار بدکاری در میان قوم دارد - بیانگر فاعل محذوف از «یهرعون» می باشد؛ یعنی ، عامل و باعث هجوم قوم لوط به خانه لوط(ع) ، سابقه سوء و خوی بدکاری آنان بود.

ص: 27

4- آثار لواط قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 74 - 3

3- عمل لواط و همجنس بازی قوم لوط ، زمینه ساز نزول عذاب بر آنها و نابودی شهر و دیار و هلاکت خودشان گردید .

و جاء أهل المدينة .. قال إن هـؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه مشرقین .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 79 - 2

2- آلودگی قوم لوط به فحشا و انحراف جنسی (لواط و همجنس بازی) و ظلم و بیدادگری مردم « ایکه » ، موجب انتقام الهی از آنان شد .

إننا أرسلنا إلى قوم مجرمین . إلاّ آل لوط ... و إن كان أصحـب الأیکه لظـلمین . فا

5- آمرزش لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 11

11 _ خداوند ، آمرزنده گناه زناکار و لواط کننده ، به شرط توبه و اصلاح

و الّذان یأتیانها منکم .. فان تابا و اصلحا ... إنّ الله کان تواباً رحیماً

6- احکام لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 6، 4، 1

1 _ تعزیر و ایذا ، کیفر دو مردی که مرتکب فحشا (لواط) شوند .

و الّذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون در آیه قبل حکم زن زناکار بیان شده، بنابراین آیه مورد بحث در مورد غیر زنان است. پس مراد از «الَّذَانِ»، دو مردی هستند که مرتکب فاحشه گردند.

4_ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

6_ زنان و مردان مرتکب فحشا (زنا و لواط) ، در صورت توبه و اصلاح نباید کیفر داده شوند . *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

بنابر اینکه جمله «فان تابا . . .» عطف بر جمله ای محذوف باشد ؛ یعنی «فاذوهما ان لم یتوبا فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 5

ص: 28

5_ لواط ، کرداری حرام و بسیار زشت است .

أتأتون الفحشه

7- اوليت مبتلايان به لواط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 7,8

7_ تمامی افراد و امت های مکلف (انسان ها ، جنیان و . . .) پیش از قوم لوط مبرا از ارتکاب لواط بودند .

ما سبقکم بها من أحد من العلمین

مراد از کلمه «العلمین»، به مناسبت حکم و موضوع، مکلفان، اعم از جن و انس، است. تأکید نفی با من زایده (من احد) حکایت از آن دارد که حتی یک نفر نیز قبل از قوم لوط به چنین گناهی مبتلا نبوده است.

8_ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط ، آنان را توبیخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

8- اولین مبتلایان به لواط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 28 - 7,8,10

7- عمل لواط ، پیش از قوم لوط سابقه نداشته است .

إنکم لتأتون الف_حشه ما سبقکم بها من أحد من الع_لمین

8 - قوم لوط ، بدعتگذار عمل لواط بودند .

إنکم لتأتون الف_حشه ما سبقکم بها من أحد من الع_لمین

10 - لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آزمایش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إنکم لتأتون الف_حشه ما سبقکم بها من أحد من الع_لمین

9- بدعت لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 8

8 - قوم لوط ، بدعتگذار عمل لواط بودند .

إِنكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَحْشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

ص: 29

10- بی منطقی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 82 - 1

1_ قوم لوط فاقد هر گونه دلیل برای توجیه ارتکاب عمل شنیع لواط

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا

11- پلیدی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 9

9_ لواط و همجنس بازی ، روشی پلید و ناپاک در اطفای غریزه جنسی

هـ_وَلَاءِ بَنَاتٍ هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ

12- تعزیر در لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 1

1_ تعزیر و ایذا ، کیفر دو مردی که مرتکب فحشا (لواط) شوند .

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون در آیه قبل حکم زن زناکار بیان شده، بنابراین آیه مورد بحث در مورد غیر زنان است. پس مراد از «الذان»، دو مردی هستند که مرتکب فاحشه گردند.

13- تنفر از لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 168 - 2

2- حضرت لوط (ع) _ به رغم تهدید شدن به تبعید _ تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إني لعملكم من القالين

14- توبه از لواط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 6

ص: 30

6_ زنان و مردان مرتکب فحشا (زنا و لواط) ، در صورت توبه و اصلاح نباید کیفر داده شوند . *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

بنابر اینکه جمله «فان تابا . . .» عطف بر جمله ای محذوف باشد ؛ یعنی «فاذوهما ان لم يتوبا فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما».

15- حرمت لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 5

5_ لواط ، کرداری حرام و بسیار زشت است .

أتأتون الفحشه

16- زشتی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 81 - 1

1_ قوم لوط ، مردمی مبتلا به عمل بسیار شنیع لواط

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

فعل مضارع «تأتون» حکایت از استمرار لواط دارد که در برداشت از آن به «ابتلا» تعبیر شد.

17- زمینه لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 81 - 5

5_ شهوت پرستی بیش از حد قوم لوط ، موجب گرایش آنان به لواط شد .

إنکم لتأتون . . . بل أنتم قوم مسرفون

بدان احتمال که جمله «بل أنتم قوم مسرفون» به منزله علتی برای گرایش قوم لوط به لواط باشد. یعنی چون اسرافگر بودید به لواط مبتلا شدید. در این صورت مراد از اسراف، به مناسبت مورد، اسراف در شهوت جنسی خواهد بود.

18- سرزنش لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 6,8

6_ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

ص: 31

«فاحشه» به عمل بسیار شنيع گفته می شود. استفهام در جمله «أتأتون ...» انکار توبيخی است.

8_ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط، آنان را توبیخ کرد.

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 81 - 6

6_ لواط، عملی تجاوزکارانه و مرتکبان آن، مردمانی متجاوز هستند.

بل أنتم قوم مسرفون

«اسراف» به معنای تجاوز کردن از حد میانه است.

19- شگفتی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 29 - 1

1 - عمل لواط، امری شگفت آور و تعجب انگیز است.

أنتکم لتأتون الرجال

همزه در «أنتکم» برای استفهام تعجیبی است.

20- شیوع لواط در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 4

4- لواط (آمیزش با مردان)، در میان قوم لوط رواج داشت.

إنکم لتأتون الف_حشه

«فاحشه» به هر «کردار زشت» اطلاق می شود و به قرینه آیه بعد، منظور از آن، لواط است.

21- ظلم لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 83 - 8

8_ همجنس بازی، ظلم است و جوامع مبتلا به آن، در معرض عذاب های دنیوی اند.

و ما هی من الظالمین ببعید

مصدق مورد نظر برای «الظالمین» به قرینه آیات گذشته، همجنس بازان می باشد.

ص: 32

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 31 - 9

9- لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه ، عملی ظالمانه است .

أنتکم لتأتون الرجال .. إنا مهلكوا أهل هذه القرية إن أهلها كانوا ظالمين

22- فساد لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 30 - 3

3 - عمل لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه ، از موارد افساد است .

أنتکم لتأتون الرجال و تقطعون السبيل و تأتون فی نادیکم المنکر .. انصرنی علی ال

23- فسق لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 34 - 7

7- لواط و راهزنی و ارتکاب گناه علنی ، از مظاهر فسق است .

أنتکم لتأتون الرجال و تقطعون السبيل و تأتون فی نادیکم المنکر .. بما كانوا یفس

24- کیفر لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 5, 4, 1

1 _ تعزیر و ایذا ، کیفر دو مردی که مرتکب فحشا (لواط) شوند .

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون در آیه قبل حکم زن زناکار بیان شده، بنابراین آیه مورد بحث در مورد غیر زنان است. پس مراد از «الذان»، دو مردی هستند که مرتکب فاحشه گردند.

4_ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

5_ لزوم تداوم ایدای مرتکبین فحشا (لواط و زنا) تا احراز توبه و اصلاح آنان *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

در برداشت فوق، جمله «فان تابا .. فاعرضوا» عطف بر «فاذوهما» و متفرع بر آن شده است و می رساند که پایان آزار، توبه آنان است. بنابراین آزار آنان باید همچنان ادامه داشته باشد تا توبه کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 33

1_ خداوند قوم لوط را به سبب مخالفتشان با لوط و استمرارشان بر عمل شنیع لوط به هلاکت رساند .

فانجینه و أهله إلا امرأته كانت من الغبرین

25- گناه لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 4

4_ لوط و همجنس بازی ، گناهی بزرگ و به منزله گناهانی بسیار است .

و من قبل كانوا يعملون السيئات

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که «ال» در «السیئات» عهد ذهنی باشد. در این صورت مقصود از «السیئات» لوط است. اطلاق «سیئات» به صورت جمع بر یک گناه ، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 37 - 8

8 - ارتکاب فحشا (زنا و لواط) ، از بدترین گناهان کبیره است .

الذین یجتنبون کب_ئر الإثم و الفواحش

ذکر «الفواحش» پس از ذکر «کبائر الإثم» _ با این که «کبائر الإثم» شامل فواحش نیز می شود _ نشانگر شدت زشتی و قبح آن در پیشگاه خداوند است. گفتنی است که تعبیر «فاحشه» از زنا و لواط در مواضع دیگر قرآن، قرینه بر این است که از مصادیق مورد نظر «الفواحش» زنا و لواط می باشد.

26- لوط آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 29 - 6

6 - قوم لوط ، عمل لوط ، را در منظر و دید دیگران انجام می دادند .

أئنکم . . . و تأتون فی نادیکم المنکر

«ال» در «المنکر» برای عهد ذکری است و مراد از «منکر»، آمیزش با مردان است.

27- لواط در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 3,8

3_ لواط ، عملی شایع در میان قوم لوط بود .

أتأتون الفحشه

ص: 34

با توجه به آیه بعد معلوم می شود مراد از «الفحشه»، لواط است.

8_ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط، آنان را توبیخ کرد.

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 81 - 2, 1

1_ قوم لوط، مردمی مبتلا به عمل بسیار شنیع لواط

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

فعل مضارع «تأتون» حکایت از استمرار لواط دارد که در برداشت از آن به «ابتلا» تعبیر شد.

2_ قوم لوط به سبب گرایش شدید به لواط، همبستری با زنان خویش را ترک کردند.

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

«شهوة»، مفعول مطلق برای فعل محذوف (یشتونها) است و دلالت بر گرایش و علاقه شدید مردان قوم لوط به لواط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 82 - 1

1_ قوم لوط فاقد هر گونه دلیل برای توجیه ارتکاب عمل شنیع لواط

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 24, 3, 2

2_ قوم لوط، مردمی تبه کار و مبتلا به عمل شنیع لواط (همجنس بازی) بودند.

و من قبل کانوا یعملون السیئات

از مصداقهای بارز برای «السیئات» - به مناسبت مورد - لواط و همجنس بازی است.

3_ قوم لوط علاوه بر لواط، به گناهان فراوان دیگری نیز آلوده بودند.

برداشت فوق، بر این اساس است که «ال» در «السيئات» برای جنس باشد. «ال» جنسیّه در صیغه جمع، دلالت بر عموم و احیاناً حکایت از کثرت دارد.

24_ «عن أبي جعفر (ع) : إن قريه قوم لوط كانت على طريق السيّاره إلى الشام و مصر فكانت السيّاره تنزل بهم فيضيّفونهم . . . فدعاهم البخل إلى أن كانوا إذا نزل بهم الضيف فضحوه . . . و إنما كانوا يفعلون ذلك بالضيف حتى ينكل النازل عنهم . . . فأورثهم البخل بلاء لا يستطيعون دفعه عن أنفسهم . . . حتى صاروا يطلبونه من الرجال في البلاد و يعطونهم عليه الجعل . . . »

از امام باقر(ع) روایت شده است که آبادی لوط بر سر راه مسافرانی بود که به شام و مصر می رفتند. کاروانیان بر آن قوم وارد می شدند و مهمانشان می شدند. بخل آنان سبب شد که هر گاه مهمان بر آنان وارد می شد [با انجام عمل زشت] رسوایشان می کردند... و این کار را بدین جهت انجام می دادند که مهمان از آنان بهراسد و باز گردد. پس بخل سبب شد که آنان مبتلا به بلایی شدند (مرض ابنه) نمی توانستند آن را از خود دور کنند... تا آن جا که از مردان شهرها دفع آن بلا را درخواست می کردند و به آنها اجرت می پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ ترک ازدواج و اطفای غریزه جنسی از طریق لواط ، به صورت یک سنت و اخلاق اجتماعی در میان قوم لوط بروز کرده بود .

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

از آن جا که قوم لوط ، ازدواج با دختران او را امری نابخشودنی شمرده بودند ، معلوم می شود: ازدواج با زنان را ممنوع می دانستند و یا اخلاق جنسی آنان از سیر 8 طبیعی خود خارج شده بود به گونه ای که تمایل به جنس مخالف نداشتند.

3_ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4_ قوم لوط ، به خاطر آلوده بودن به عمل شنیع لواط ، در پیشگاه خداوند مردمی ستمکار محسوب می شدند .

و ما هی من الظالمین ببعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- قوم لوط انحرافات جنسی (لواط و همجنس بازی) را ، کاری خوب می پنداشتند و به آن علاقه و تمایل شدیدی داشتند .

و جاء أهل المدینه یستبشرون

از اظهار شادمانی و شادباش گویی قوم لوط به هنگام باخبر شدن از مهمانان حضرت لوط (ع)، استفاده می شود که آنان از تجاوز جنسی خوشحال و آن را امری پسندیده می انگاشتند. گفتنی است که طبق آیه 78 «هود» و نیز اشاراتی که در آیات بعد (68، 69 و 71) آمده است، آنان مردمانی آلوده به انحراف جنسی بودند.

4- انحرافات جنسی (لواط و همجنس بازی) عملی رایج و علنی در میان قوم لوط

و جاء أهل المدینه یستبشرون

تصریح به آمدن «اهل مدینه» که شامل همه یا عموم مردم می شود، حاکی از نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 71 - 9

1- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرض به مهمانان، پیشنهاد کرد.

قال هـ_ؤلاء بناتی إن کنتم ف_علین

9- قوم لوط علی رغم وجود راه های مشروع و طبیعی (ازدواج با زنان) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی، اصرار داشتند.

قال هـ_ؤلاء بناتی إن کنتم ف_علین

جمله «إن کنتم فاعلین» به منزله جمله «إن فعلتم ما أقول لكم و ما أظنکم تفعلون» است؛ یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهادم ترتیب اثر دهید که گمان نمی کنم چنین باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 165 - 3

ص: 36

3- لواط و همجنس بازی ، انحرافی ابداع شده توسط قوم لوط

أتأتون الذکران من الع_لمین

قید «من العالمین» می تواند متعلق به «تأتون» باشد؛ یعنی، «أتأتون أنتم من بین العالمین الذکران؛ آیا از میان مردم جهان، شما با مردان می آمیزید؟» مقصود این است که در دنیا، هیچ قومی را نمی یابید که چنین رویه زشتی را برگزیده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 54 - 5

5- قوم لوط ، مرتکب فحشا (لواط) ، به گونه ای آشکار و در برابر دیدگان همه

أتأتون الف_حشه و أنتم تبصرون

«إبصار» (مصدر «تبصرون») به معنای دیدن است. بنابراین «و أنتم تبصرون» دلالت می کند که آن قوم، گناه لواط را در برابر چشم دیگران انجام می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 55 - 1

1 - مردان قوم لوط ، گرفتار هم جنس گرایی

أنتکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 28 - 7، 5

5- لوط (ع) قوم خود را به خاطر همجنس بازی (لواط) ، مورد سرزنش قرار داد .

و لوطًا إذ قال .. إنکم لتأتون الف_حشه ما سبقکم بها من أحد

7- عمل لواط ، پیش از قوم لوط سابقه نداشته است .

إنکم لتأتون الف_حشه ما سبقکم بها من أحد من الع_لمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - عمل لواط ، در میان قوم لوط ، رواج داشت .

أنتکم لتأتون الرجال

3 - قوم لوط ، از آمیزش با زنان اعراض کرده و به عمل لواط ، روی آورده بودند .

أنتکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل

مراد از «سبیل»، در این آیه، احتمال دارد که به قرینه مقام، راه ایجاد نسل باشد و احتمال دارد که راهزنی باشد. برداشت بالا بنا بر احتمال نخست است. گفتنی است، بنابراین احتمال، «تقطعون السبیل» کنایه از قطع نسل، به سبب ترک آمیزش با زنان است.

5 - قوم لوط ، راه ها را بر مسافران می بستند تا با آنان ، عمل لواط انجام دهند .

أنتکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل

احتمال دارد که عطف «تقطعون..» بر «لتأتون» به منظور بیان یک واقعیت خارجی _ چنان که مفسران نیز گفته اند _

باشد و آن، این است که قوم لوط، راه را بر مسافران می بسته اند تا بر آنان دست بیابند و با آنان آمیزش کنند.

6- قوم لوط ، عمل لواط ، را در منظر و دید دیگران انجام می دادند .

أنتکم . . . و تأتون فی نادیکم المنکر

«ال» در «المنکر» برای عهد ذکری است و مراد از «منکر»، آمیزش با مردان است.

8- لوط (ع) ، قوم اش را به جهت ارتکاب عمل لواط و راهزنی و ارتکاب آشکار منکر ، سرزنش کرد .

أنتکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل و تأتون فی نادیکم المنکر

9- لوط (ع) ، قوم اش را به خاطر ارتکاب عمل لواط ، راهزنی و ارتکاب علنی منکر ، به عذاب الهی وعده داد .

أنتکم لتأتون الرجال . . . فما کان جواب قومه إلا أن قالوا ائتنا بعذاب الله

28- مبارزه با لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 167 - 4

4- تلاش پیگیر و مجدّانه لوط (ع) ، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته ی_ لوط لتکوننّ من المخرجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 28 - 10

10- لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آمیزش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إنکم لتأتون الف_ حشه ما سبقکم بها من أحد من الع_ لمین

29- منشأ لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 55 - 5

5- همجنس گرایی و لواط ، ناشی از بی فرهنگی و نادانی

لتأتون الرجال شهوه .. بل أنتم قوم تجهلون

30- ناپسندی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 6, 5

5_ لواط ، کرداری حرام و بسیار زشت است .

أتأتون الفحشه

6_ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

ص: 38

«فاحشه» به عمل بسیار شنيع گفته می شود. استفهام در جمله «أتأتون ...» انکار توبيخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 10، 6

6 - عمل لواط ، عملی بس زشت و ناروا است .

إنکم لتأتون الف_حشه

10 - لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آمیزش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إنکم لتأتون الف_حشه ما سبقکم بها من أحد من الع_لمین

31- ناپسندی لواط در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 7

7_ تمامی افراد و امت های مکلف (انسان ها ، جنیان و ...) پیش از قوم لوط مبرّا از ارتکاب لواط بودند .

ما سبقکم بها من أحد من العلمین

مراد از کلمه «العلمین»، به مناسبت حکم و موضوع، مکلفان، اعم از جن و انس، است. تأکید نفی با من زایده (من احد) حکایت از آن دارد که حتی یک نفر نیز قبل از قوم لوط به چنین گناهی مبتلا نبوده است.

32- نهی از لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 4

4_ بازداشتن مردم از فحشا و لواط ، مهمترین و مقدمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

5- لوح محفوظ

1- لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 52 - 5

5- اعمال آدمیان، در عین منزّه بودن خداوند از جهل و فراموشی، در کتابی بی کم و کاست (لوح محفوظ) ثبت و ضبط می شود.

علمها عند ربّی فی کتّب لایضلّ ربّی و لاینسی

جمله «لایضلّ...» ممکن است در مقام دفع این توهم باشد که اگر اعمال آدمیان نوشته و ثبت می گردد، به این جهت نیست که چیزی از پروردگار جهان مخفی باشد و یا نسیان در او راه پیدا کند؛ بلکه جهات دیگری دارد. نکره آوردن «کتاب» بر تفخیم آن از لحاظ احاله کامل بر جزئیات، دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 56 - 4

4- مدت زمان اقامت انسان ها در برزخ، امری مقدر و تعیین شده در کتاب الهی (لوح محفوظ) است.

لقد لبثتم فی کتب اللّهِ الی یوم البعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 11 - 35 - 10

10- مقدار عمر تمامی انسان ها و کم و زیاد شدن آن، در نوشته ای (لوح محفوظ) ثبت و مشخص است.

و ما یعمّر من معمر و لاینقص من عمره إلا فی کتّب

در این که مقصود از «کتاب» چیست، مفسران اختلاف نظر دارند و چند مصداق برای آن ذکر کرده اند؛ ولی بیشتر آنان یکی از مصادیق آن را «لوح محفوظ» دانسته اند.

2- آثار علم به لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 2,3

2- آصف بن برخیا (آورنده تخت بلقیس) دارای بخشی از علم به کتاب (لوح محفوظ)

ص: 40

قال الذی عنده علم من الکتب أنا ءاتیک به قبل أن یرتد إلیک طرفک

عبارت «علم من الکتاب» _ با توجه به نکره بودن «علم» _ به معنای آگاهی داشتن به گوشه ای از دانش کتاب می باشد. گفتنی است که بر طبق روایات، آورنده تخت بلقیس آصف بن برخیا، وصی و وزیر سلیمان(ع) بوده است و مراد از «کتاب» _ بنابر گفته برخی از مفسران _ لوح محفوظ است.

3- امکان سلطه بر قوانین طبیعت با در اختیار داشتن گوشه ای از دانش کتاب الهی (لوح محفوظ)

قال الذی عنده علم من الکتب أنا ءاتیک به قبل أن یرتد إلیک طرفک

3- اختفای لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 22 - 5

5- لوح محفوظ ، از نظر ها پنهان داشته شده و اطلاع بر محتویات آن برای غیر خداوند ممکن نیست .

ما أصاب من مصیبه . . . إلی فی کتـب

نکره آمدن «کتاب» _ که همان لوح محفوظ است _ می تواند برای بیان مطلب یاد شده باشد.

4- امکان علم به لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 7

7- امکان آگاهی به دانش های لوح محفوظ

قال الذی عنده علم من الکتب

در این که مراد از «کتاب» در آیه فوق چیست، میان مفسران دو نظر هست: برخی آن را کتاب های آسمانی و عده ای لوح محفوظ دانسته اند. برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

5- ثبت حوادث در لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 22 - 2

2- هر رویداد ناگواری، چه آنچه در زمین رخ می دهد (مانند سیل، زلزله، قحطی، خشکسالی و...) و (چه آنچه بر نفوس عارض می شود) مانند بیماری، نقص عضو، جراحت و...، قبلاً تعیین و در کتابی ثبت و درج شده است.

ما أصاب من مصيبة في الأرض ولا في أنفسكم إلا في كتاب من قبل أن نبرأها

ص: 41

6- جامعیت لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 62 - 11

11 - همه قوانین نظام تشریح و تکوین و نیز اعمال آدمیان ، مکتوب در لوح محفوظ *

و لدینا کتَبَ یَنطِقُ بِالْحَقِّ

برداشت های پیشین بر این اساس بود که مراد از «کتاب» نامه اعمال آدمیان باشد. برخی از مفسران «کتاب» را به قرینه «لدنیا» به لوح محفوظ تفسیر کرده اند. برداشت فوق، بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 75 - 4

4- لوح محفوظ ، کتابی جامع و حاوی ریزترین و پنهانی ترین امور جاری در نظام هستی

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلا فی کتَب مبین

ظاهراً مراد از «کتاب مبین» - چنان که مفسران نیز گفته اند - لوح محفوظ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 12 - 8

8 - همه پدیده ها و حوادث عالم ، در «لوح محفوظ» از پیش شمارش و ثبت شده است .

و کلّ شیء أحصینَه فی إمام مبین

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از «إمام مبین»، «لوح محفوظ» است. از این رو به آن کتاب «إمام» گفته شد؛ چون این کتاب، اصل و مادر همه کتاب ها و دانش ها است و همه چیز در آن ثبت شده و همه کس و همه چیز تابع آن است. چنان که در قرآن از آن به «أمّ الکتاب» یاد شده است: «وإنّه فی أمّ الکتاب لدینا لعلی حکیم» (زخرف، آیه 4).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 22 - 2,3

2- هر رویداد ناگواری ، چه آنچه در زمین رخ می دهد (مانند سیل ، زلزله ، قحطی ، خشکسالی و . . .) و (چه آنچه بر نفوس عارض

می شود (مانند بیماری ، نقص عضو ، جراحت و . . .) ، قبلاً تعیین و در کتابی ثبت و درج شده است .

ما أصاب من مصيبة في الأرض و لا في أنفسكم إلا في كتـب من قبل أن نبرأها

3- لوح محفوظ ، دربرگیرنده همه رویدادها و حوادث

ما أصاب من مصيبة في الأرض و لا في أنفسكم إلا في كتـب

در آیات دیگر، کتابی که در آن تقدیرهای الهی ضبط شده، «لوح محفوظ» نامیده شده است.

7- جایگاه لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 4 - 2

2- لوح محفوظ در نزد خداوند است .

ص: 42

8- حقیقت لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 75 - 4

4- لوح محفوظ، کتابی جامع و حاوی ریزترین و پنهانی ترین امور جاری در نظام هستی

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلا فی کتّب مبین

ظاهراً مراد از «کتاب مبین» - چنان که مفسران نیز گفته اند - لوح محفوظ است.

9- درباریان سلیمان (ع) و لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 6

6 - حضور افرادی آگاه به علوم و دانش های لوح محفوظ در دربار سلیمان (ع)

قال الذی عنده علم من الکتّب

مفهوم عبارت «قال الذی عنده علم من الکتّب» می تواند این باشد که در بارگاه سلیمان، اشخاص دیگری بوده اند که دانش های گسترده ای به آن کتاب داشته اند.

10- عظمت لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 22 - 4

4- لوح محفوظ، کتابی بس ارجمند و والا

ما أصاب من مصیبه... إلا فی کتّب

تکثیر «کتاب»، می تواند برای تفخیم و بیان عظمت و ارجمندی لوح محفوظ باشد.

11- علم به لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 78 - 2

2- لوح محفوظ ، کتابی غیر قابل دسترسی برای بشر

فی_کت_ب مکنون

«مکنون» به معنای نهفته و پنهان است. مقصود از آن، پنهان بودن محتویات لوح محفوظ از دید بشر است.

ص: 43

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 79 - 2,6

2- دانش و آگاهی فرشتگان ، نسبت به حقایق ثبت شده در لوح محفوظ

فی کتـب مکنون . لایمسه إلا المطهرون

در صورتی که ضمیر «لایمسه» به «کتاب مکنون» بازگردد، مراد از «مس» (لمس کردن)، آگاهی و اطلاع یافتن و مراد از «المطهرون» فرشتگان الهی خواهد بود.

6- امکان آگاهی یافتن به حقایق ثبت شده در لوح محفوظ ، برای پیامبران و اولیا

لایمسه إلا المطهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 22 - 5

5- لوح محفوظ ، از نظر ها پنهان داشته شده و اطلاع بر محتویات آن برای غیر خداوند ممکن نیست .

ما أصاب من مصیبه . . . إلا فی کتـب

نکره آمدن «کتاب» _ که همان لوح محفوظ است _ می تواند برای بیان مطلب یاد شده باشد.

12- قرآن در لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 4 - 5, 1

1- قرآن ، دارای حقیقتی متعالی و مکتوب در « لوح محفوظ » ، قبل از نزول به زبان عربی

إنا جعلناه قرءاناً عربیاً . . . وإنه فی أمّ الکتـب لدینا

مراد از «أمّ الکتاب» لوح محفوظ است.

5- قرآن ، در أمّ الکتاب (لوح محفوظ) ، دارای حقیقتی واحد و بسیط

وإنه فی أمّ الکتـب . . . حکیم

«حکیم» به معنای محکم است و «محکم» به مصنوعی گفته می شود که عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن، باهم پیوندی ناگسستنی داشته باشند. توصیف قرآن موجود در اُمّ الکتاب به «محکم» _ با توجه به این که قرآن نازل شده دارای کلمات، آیات و سوره های مفصل و مجزا از یکدیگر است _ اشاره به این نکته دارد که قرآن موجود در اُمّ الکتاب، حقیقتی واحد، بدون تجزیه و تفصیل و دارای هویتی بسیط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 15 - 4

4 - فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

بأیدی سفره

در این که مراد از «سفره» چه کسانی اند؛ نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به «کرام» در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند؛ زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، 11) نیز برای ملائکه، وصف «کرام» ذکر شده است.

ص: 44

استنساخ قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 22 - 1, 2

1 - قرآن ، بر صفحه لوحی نوشته شده که حقیقت آن ناشناخته است .

فی لوح

«لوح»، به تخته یا چیز دیگری گفته می شود که بر روی آن بنویسند (مفردات راغب). نکره آمدن «لوح»، ممکن است به منظور بیان ناشناخته ماندن آن باشد.

2 - لوحی که قرآن بر آن نوشته شده است ، از نابودی و تغییر مصون است .

فی لوح محفوظ

کلمه «محفوظ»، بدون متعلق آمده است تا محفوظ بودن از هر خطر احتمالی را بفهماند. بنابراین خطر نابودی، تغییر و تحریف یا حذف، اضافه، سرقت و نظایر آن، نمی تواند آن را تهدید کند.

13- قرآن و لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 1 - 6

6- آیات قرآن ، آیاتی فرود آمده از لوح محفوظ

الر تلک ءایـت الکتـب وقرءان مبین

با توجه به اینکه لفظ «قرآن» پس از «الکتاب» ذکر شده و نیز اصل در آوردن لفظ مترادف، تأسیس است نه تأکید و تکرار، احتمال دارد که مراد از «الکتاب» لوح محفوظ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 78 - 1

1 - محتوای قرآن ، مطابق با لوح محفوظ

إنّه لقرءان كريم . فى كتـب مكنون

مراد از «کتاب مکنون» _ طبق آنچه که در سوره «بروج» آمده (بل هو قرآن مجید فى لوح محفوظ) _ لوح محفوظ است.

14- کتاب لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 3

3_ خداوند اطلاعات دقیق درباره هر چیزی را در کتابی معین (لوح محفوظ) ثبت کرده است.

ما فرطنا فى الکتب من شیء

مراد از «الکتاب» می تواند لوح محفوظ و یا هر جایگاه دیگری برای ثبت اطلاعات کامل درباره موجودات باشد.

ص: 45

15- نقش لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 3

3_ خداوند اطلاعات دقیق درباره هر چیزی را در کتابی معین (لوح محفوظ) ثبت کرده است.

ما فرطنا فی الکتب من شیء

مراد از «الکتاب» می تواند لوح محفوظ و یا هر جایگاه دیگری برای ثبت اطلاعات کامل درباره موجودات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 12 - 9

9- تمامی رفتار و آثار انسان، در کارنامه روشن و در لوح محفوظ، شمارش و ثبت می شود.

و کلّ شیء أحصینّه فی إمام مبین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «و کلّ شیء...» تأکید برای جمله «و نکتب ما قدّموا...» و مربوط به اعمال انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 4 - 3

3- لوح محفوظ، «أمّ الکتاب» (ریشه و اصل کتاب های آسمانی) است.

و إله فی أمّ الکتب لدینا

«ال» در «أمّ الکتاب»، «ال» جنس و مفید استغراق است؛ یعنی، مادر همه کتاب ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 4 - 8

8_ اعمال آدمیان، محفوظ در کتابی نزد خداوند *

و عندنا کتّب حفیظ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که صدر آیه «قد علمنا...» نظر به معاد خود انسان و «عندنا...» نظر به احضار و نمایاندن اعمال وی

داشته باشد؛ زیرا تعبیر «کتاب...» در مورد ثبت اعمال به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 78 - 3

3 - قرآن ، نازل شده از لوح محفوظ است ؛ و نه ساخته و پرداخته ذهن بشر .

إنّهُ لقرءان کریم . فی کتـب مکنون

ص: 46

6- لوط (ع)

1- آثار پاکی خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6- گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت «إنهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

2- آثار پاکی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 75 - 5

5- پاکی و نجات حضرت لوط (ع) از آلودگی های قومش ، زمینه ساز برخورداری او از رحمت خاص الهی

و لوطًا... نجین... و أدخلنَه فی رحمتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6- گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت «إنهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

3- آثار صلاحیت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 75 - 3

3- صالح و شایسته بودن حضرت لوط (ع) ، موجب بهره مندی او از رحمت ویژه خداوند

وأدخلناه في رحمتنا إنه من الصالحين

ص: 47

برداشت یاد شده به خاطر این است که جمله «إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» تعلیل برای جمله «وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا» است.

4- آثار عفت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6- گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنيهم أناس يتطهرون

عبارت «إنيهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

5- آثار عفت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6- گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنيهم أناس يتطهرون

عبارت «إنيهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

6- آثار قصه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 133 - 2

2- سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبر اسلام و مؤمنان

وإن لوطاً لمن المرسلين

یادآوری سرگذشت لوط (ع) برای پیامبر اسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یاد شده است.

7- آثار نبوت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

اِتی لکم رسول آمین

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» (برای شما) به دست می آید.

ص: 48

8- آرزوی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 80 - 2,3

2_ آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوّه

«لو» در جمله فوق، حرف تمنا و به معنای لیت (ای کاش) است.

3_ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن، از تعرض تبه کاران برهاند.

قال لو... أوءوی إلی رکن شدید

9- آگاهی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 79 - 5

5_ لوط (ع)، آگاه به رسوخ خوی همجنس گرایی در اخلاق و رفتار قوم خویش

و إنک لتعلم ما نرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 7

7- حضرت لوط (ع) از نیت سوء و تجاوزکارانه قومش نسبت به مهمانان خویش باخبر و از آن به شدت نگران و بیمناک بود.

قال إن هـؤلاء ضیفی فلا تفضحون

درخواست لوط (ع) از قومش برای اجتناب از عملی شرم آور، به دنبال روانه شدن آنان به در خانه آن حضرت - بی آنکه توضیح دیگری داده شده باشد - حکایت از این نکته می کند که لوط (ع) از قصد آنان باخبر بود.

10- آیات خدا در قصه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- سرگذشت ابراهیم (ع) و لوط (ع) و قوم او، سرشار از نشانه های خداوند

قالوا لا توجل إنا نبشرك بغـلمِ عليهم .. و أمطرنا عليهم حجارة من سجيل . إن في ذلك

برداشت فوق مبتنی بر این است که «ذلک» اشاره به مجموعه داستانهای ابراهیم(ع) و لوط(ع) باشد.

11- اتمام حجت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 63 - 3,8

3- حضرت لوط (ع) پیش از فرا رسیدن عذاب الهی بر قومش، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود.

قالوا بل جننك بما كانوا فيه يمترون

مقصود از «ما» در جمله «بما كانوا فيه يمترون» عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذاب انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

8- نزول عذاب الهی (استیصال) بر قوم لوط، پس از تمام شدن حجت بر آنان توسط حضرت لوط (ع) بود.

قالوا بل جننك بما كانوا فيه يمترون

12- اجابت دعای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 170 - 1,2

1 - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

ربّ نجّنی و اهلی ممّا یعملون . فنّجینّه و اهله

2- نجات لوط (ع) و همه کسانش، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و اهلی ممّا یعملون . فنّجینّه و اهله أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 31 - 3

3 - دعای لوط (ع) برای یاری اش، از سوی خدا اجابت شد و فرشتگانی از جانب خداوند، برای در هم کوبیدن قوم لوط، گسیل شدند.

قال ربّ انصرنی . . . و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری قالوا إنّنا مهلكوا أهل هـذه

13- اخراج لوط (ع)

1 - تهدید شدن لوط (ع) از سوی قوم خود، به اخراج و تبعید در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته . . . من المخرجین

ضمیر فاعل در «قالوا» به قوم لوط باز می گردد «إنتهاء» (مصدر تنته) یعنی دست برداشتن و پایان دادن.

14- اخلاص لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 164 - 1

1 - تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر .. إلا على ربِّ العـلمین

15- اذیت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 13

13_ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هـ_ذا یوم عصیب .. قال ی_قوم هـ_ؤلاء بناتی

لوط با گفتن «یا قوم» (ای مردم من) و پیشنهاد ازدواج با دخترانش ، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط (ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 71 - 3

3- حضرت لوط (ع) ، هم چون حضرت ابراهیم (ع) در معرض آزار و اذیت مردم خود قرار داشت .

و نَجِّیْنَهـ و لوطًا إلی الأرض الّتی بـرکنا فیها

کاربرد یکسان واژه نجات در باره حضرت ابراهیم و لوط (ع) بیانگر برداشت بالا- است؛ زیرا نجات در جایی به کار می رود که خطر و ضرری پیش روی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 6

6- اذیت و آزار شدید روحی لوط (ع) ، از اعمال ناپسند جامعه خویش

و لوطًا .. و نَجِّیْنَهـ من القریه الّتی کانت تعمل الخبیث

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) نجات در موردی به کار می رود که سابقه گرفتاری باشد. ب) وصف «تعمل الخبائث» برای قریه، نشان دهنده آن است که کردار آنان، ناخوشایند لوط بود و موجب اذیت و آزار وی می گشت.

16- ارزیابی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 6

6_ لوط (ع) روز ورود فرشتگان را روزی سخت با وضعیتی پیچیده و دشوار ارزیابی کرد .

وقال هـ_ذا يوم عصيب

عصیب به معنای دشواری و سختی است و اصل آن از عَصَب به معنای بستن است. گویا بدان جهت روز سخت را «یوم

ص: 51

عصیب» می گویند که شرّ و دشواری آن برخی بر برخی دیگر پیچیده است (برگرفته شده از مجمع البیان).

17- ازدواج با دختران لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 7,25

7_ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لوط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

ی_ قوم هـ ولاء بناتی هنّ أطهر لکم

25_ « عن أبي عبدالله (ع) فی قول لوط « هـ ولاء بناتی هنّ أطهر لکم » قال : عرض علیهم التزویج ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: «اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند» روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 71 - 1,3,10

1- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هـ ولاء بناتی إن کنتم فـ علین

3- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هـ ولاء بناتی إن کنتم فـ علین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از «بناتی» زنان قوم باشند؛ چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

10- « عن أحدهما : . . . ثم عرض علیهم بناته نکاحاً . . . »

از امام باقر یا امام صادق(ع) روایت شده است: لوط(ع) دختران خود را برای ازدواج به قوم خود پیشنهاد کرد. «...».

18- ازدواج در دین لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 11

11_ جواز ازدواج زنان مؤمن با مردان کافر در شریعت حضرت لوط (ع)

هـ_ ولاء بناتی هنّ أطهر لکم

جمله «فأسر بأهلك .. إلا امرأتک» حاکی است که دختران حضرت لوط(ع) از مؤمنان به او بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 71 - 4

4- ازدواج زن و مرد، راه مقبول در شریعت حضرت لوط (ع) و وسیله طبیعی و شایسته برای ارضای غریزه جنسی

ص: 52

قال هـ ولاء بناتی ان کنتم فـ علین

19- استقامت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 168 - 1,2

1 - تسلیم نشدن لوط (ع) در برابر تهدید های قوم منحرف خویش

قال اِنّی لعملمکم من القالین

«قلا» (مصدر «قالین») به معنای بغض و دشمنی است. برداشت یاد شده با توجه به اقدام لوط(ع) به اظهار تنفر نسبت به کردار قومش - علی رغم تهدید اکید آنان به اخراج و تبعید وی - به دست می آید.

2 - حضرت لوط (ع) - به رغم تهدید شدن به تبعید - تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال اِنّی لعملمکم من القالین

20- استمداد لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 30 - 1

1 - لوط (ع) ، به دنبال واکنش منفی قوم اش به دعوت وی ، از خداوند برای غلبه بر آنها ، استمداد طلبید .

قال رب انصرنی علی القوم المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 31 - 3

3 - دعای لوط (ع) برای یاری اش ، از سوی خدا اجابت شد و فرشتگانی از جانب خداوند ، برای در هم کوبیدن قوم لوط ، گسیل شدند .

قال رب انصرنی . . . و لما جاءت رسلنا ابرهیم بالبشری قالوا انا مهلكوا اهل هـ ذه

21- اطاعت از لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- لوط (ع)، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح «اتَّقُوا اللَّهَ» بر «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 53

22- اطمینان به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 8

8_ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد .

قالوا یـ لوط إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک

23- اظهار خیرخواهی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 5

5- تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إِنِّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» (برای شما) به دست می آید.

24- اعتراض به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 70 - 2

2- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش ، مورد اعتراض قوم خود قرار گرفت .

قال إن هـ ولاء ضیفی فلا تفضحون . . . قالوا أو لم ننهک عن العـ لمین

25- اعتماد به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 2

2- دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألا تتقون . إِنِّی لکم رسول أمین

واژه «آمین» می تواند از ریشه «أمن» و به معنای «مأمون» (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط(ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

ص: 54

26- اقلیت مؤمنان به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 12

12_ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزه بودند .

كانوا يعملون السيئات .. فأسر بأهلك بقطع من الليل ... إلا امرأتك

27- اکثریت مخالفان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 82 - 5

5_ یاران و همگامان لوط در مقایسه با مخالفان وی بسیار اندک بودند .

قالوا أخرجوهم من قريبتكم

تصمیم و پیشنهاد اخراج لوط و یارانش حکایت از آن دارد که یاران وی در مقایسه با مخالفان او بسیار اندک بودند، ورنه چنین پیشنهادی طبیعی به نظر نمی رسید.

28- امانتداری لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 3,6

3- تأکید لوط (ع) بر امانت داری خویش در ابلاغ پیام الهی

إني لكم رسول أمين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه «آمین» از ریشه «أمانه» (مقابل «خیانه») مشتق شده باشد.

6- لوط (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

إني لكم رسول أمين

تأکید لوط (ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 163 - 4

4- لوط (ع)، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتقوا الله و اطيعون

تفریح «اتقوا الله» بر «إني لكم رسول أمين» بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 55

29- امدادگران به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 31 - 1

1 - فرستادگان خداوند برای یاری لوط (ع)، ابتدا، نزد ابراهیم (ع) رفتند و مأموریت خود را به او اعلام کردند.

قال رب انصرنی . . . و لما جاءت رسلنا ابرهیم بالبشری قالوا انا مهلكوا اهل هـ ذه

30- امنیت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 8

8_ فرشتگان مأمور عذاب، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندى متوجه وی نخواهد شد.

قالوا یـ لوط انا رسل ربک لن یصلوا الیک

31- انبیای قبل از لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 76 - 1

1- حضرت نوح (ع)، پیامبری که پیش از حضرت ابراهیم و لوط (ع) می زیست.

و نوحًا اذ نادى من قبل

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مراد از «من قبل» به قرینه آیات پیشین _ که در باره حضرت ابراهیم و لوط (ع) بود _ زمان قبل از حضرت ابراهیم و لوط (ع) است.

32- اندوه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 4

4_ لوط (ع) با ورود فرشتگان، عرصه را بر خویشان تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت.

و لما جاءت رسلنا لوطاً سيء بهم وضاق بهم ذرعاً

«ذرعاً» - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمییزی مبدل از فاعل می باشد. بنابراین «ضاق بهم ذرعاً»؛ یعنی، ضاق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مَثَل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. «سیء» فعل مجهول «ساء» (ناراحتش کرد) است و «باء» در «بهم» سببیه است. بنابراین «سیء بهم» یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

ص: 56

33- اندازهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 63 - 3

3- حضرت لوط (ع) پیش از فرارسیدن عذاب الهی بر قومش، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود.

قالوا بل جنن ک بما کانوا فیه یمتروں

مقصود از «ما» در جمله «بما کانوا فیه یمتروں» عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذاب انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 173 - 5

5 - محوریت انذار و اخطار در تبلیغات لوط (ع)

و أمطرنا علیهم مطراً فساء مطر المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 58 - 3

3- نزول عذاب بر قوم لوط، پس از انذار و اتمام حجت بر آنان بود.

فساء مطر المنذرین

قید «منذرین» بیانگر آن است که پیش از نزول عذاب، هشدارهای لازم به آنان داده شده و حجت خدا بر ایشان تمام شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 1

1 - نزول عذاب بر قوم لوط، از پی انذارهای مکرر لوط (ع) به ایشان درباره انتقام سخت الهی

و لقد أنذرهم بطشتنا

ذیل آیه شریفه (فتماروا بالندر)، قرینه است بر این که انذار لوط (ع) نسبت به قومش، به صورت مکرر رخ داده بود.

34- اهانت به مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 5

5- برخورد قوم لوط با مهمانان حضرت لوط (ع)، برخوردی اهانت آمیز و آبروبرانداز بود.

قال إن هـؤلاء ضیفی فلاتفضحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 1

1 - جسارت قوم لوط تا سرحد تلاش، برای در اختیار گرفتن و آلوده ساختن میهمانان پیامبر خویش

ص: 57

35- ایمان خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 12

12_ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزه بودند .

كانوا يعملون السيئات .. فأسر بأهلك بقطع من الليل ... إلا امرأتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 169 - 5

5 - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّی و اهلی ممّا يعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 3،4

3 - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتك

4 - ایمان نیاوردن هیچ فردی از جامعه به لوط (ع) ، جز افراد خانواده وی

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتك

مخالفان لوط به جای این که بگویند: پیروان لوط را اخراج کنید، گفتند: خانواده وی را بیرون کنید و این نشان می دهد که جز خانواده اش کسی به وی ایمان نیاورده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 135 - 3

3 - تمامی اعضای خاندان لوط ، به جز همسر او ، مؤمن بودند .

إذ نجّينـه و أهله أجمعين . إلاّ عجوزاً في الغـبرين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که عذاب به جهت کفر است، پس نجات خاندان لوط دلیل ایمان شان و عذاب همسر لوط به نشانه کفر او است.

36- ایمان خویشاوندان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 3

3_ از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

ص: 58

فانجینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 6

6 - از خویشاوندان لوط افرادی به وی ، ایمان آورده بودند .

لننجیته و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 15

15 - جمعی از خویشان لوط (ع) به وی ، ایمان آورده بودند .

إتّا منجّوک و أهلک

37- ایمان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 26 - 1,2

1 - حضرت لوط (ع) به دعوت ابراهیم (ع) در پی فراخوانی او به توحید ، ایمان آورد .

و ابرهیم إذ قال لقومه اعبدوا الله .. فأمن له لوط

2 - حضرت لوط (ع) پس از ایمان آوردن به حضرت ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به سرزمین دیگری هجرت کند .

فأمن له لوط وقال إتی مهاجر إلی ربّی

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر فاعلی «قال» به قرینه «فأمن له لوط» حضرت لوط(ع) باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

38- بلوغ دختران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 6

6_ حضرت لوط (ع) ، دخترانی متعدد و آماده ازدواج داشت .

هـؤلاء بناتى هنّ اطهر لكم

39- بی تأییری تبلیغ لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 9

9- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط ، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

ص: 59

40- بی تأثیری تلاش لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 9

9- بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع)، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنيا عنهما من الله شیئاً

41- بی تأثیری مواعظ لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 167 - 2

2- خیره سری و مقاومت قوم لوط، در برابر نصیحت های وی

قالوا... لتكوننّ من المخرجین

42- بی یآوری لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 80 - 1

1- حضرت لوط (ع)، خویشان را در مقابله با مهاجمان تبه کار، ناتوان و بی یاور دید.

قال لو أن لی بکم قوه أو ءاوی الی رکن شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 4

4- لوط پیامبر (ع)، تنها و بدون پشتیبان در میان قوم فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

از این که مخالفان لوط (ع) جرأت مراجعه به آن حضرت برای امری ناشایست را پیدا کردند و کسی هم جز خداوند از ایشان حمایت نکرد،

مطلب بالا استفاده می شود.

43- پاکى خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

9 - حجر - 15 - 59 - 3

3- پاکى خاندان لوط (ع) و دورى از هرگونه جرم و تبه کارى ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهى

ص: 60

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا آل لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

44- پاک لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 82 - 3,4,7,8

3_ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

4_ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردار های ناپسند ، دارای همگامان و یارانی متعدد بود .

و ما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

ضمایر جمع در جمله «اخرجوهم . . .» و نیز آوردن کلمه «اناس»، حکایت از آن دارد که گروهی از مردم به لوط گرویده بودند و چون تصمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضهایی که در آیه قبل مطرح شد، گرفته شده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

7_ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزّه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس يتطهرون

8_ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاّب فساد ها و ارتکاب رفتار های پلید و ناروا

إنهم أناس يتطهرون

به کارگیری فعل مضارع «یتطهرون» بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

45- پناه جویی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 80 - 3

3_ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو . . . أوأوی إلى ركن شديد

46- پیروان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 3

3 - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

ص: 61

47- پیری همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 171 - 1

1 - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجینَه و أهله أجمعین إلاَّ عجوزًا فی الغبرین

«عجوز» به معنای پیر زن و «عجوزاً» مستثنی از «أهله» است. «غبور» (مصدر «غابرین») نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، «غابرین» به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 135 - 2

2 - همسر لوط به هنگام نزول عذاب ، در سن پیری و فرسودگی قرار داشت .

إلاَّ عجوزًا

«عجوز» به کسی گفته می شود که در سن پیری و فرسودگی باشد و نشاط برای کار و تلاش نداشته و از آن عاجز باشد.

48- پیشگامی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 14

14- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنَّهم كانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله «إنَّهم كانوا یسرعون ..» به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (48_ 90) از آنان یاد شده است.

49- پیشنهاد لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

25_ « عن أبي عبدالله (ع) في قول لوط «هـ_وُلاء بناتي هنّ أطهر لكم» قال : عرض عليهم التزويج ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: «اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند» روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 71 - 10، 3، 1

1- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرّض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هـ_وُلاء بناتي إن كنتم فـ_علين

ص: 62

3- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هـ ولاء بناتی إن كنتم فـ عـلین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از «بناتی» زنان قوم باشند؛ چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

10- « عن أحدهما : . . . ثم عرض علیهم بناته نکاحاً . . . » ;

از امام باقر یا امام صادق(ع) روایت شده است: لوط(ع) دختران خود را برای ازدواج به قوم خود پیشنهاد کرد. «..».

50- تاریخ لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 59 - 6,7

6- حضرت ابراهیم (ع) و حضرت لوط (ع) معاصر یکدیگر بودند .

و تَبَّهْم عن ضیف ابرهیم . . . إنا أرسلنا إلى قوم مجرمین . إلاء لوط

7- حضرت ابراهیم (ع) و حضرت لوط (ع) در میان دو قوم جدا و با فاصله جغرافیایی از هم می زیسته اند .

قال فما خطبکم . . . إنا أرسلنا إلى قوم مجرمین . إلاء لوط

51- تبعید لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 82 - 2,3

2_ مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خویش موجب طرح پیشنهاد اخراج وی و همراهانش از دیارشان

و لوطاً إذ قال لقومه . . . قالوا أخرجوهم

پیشنهاد اخراج لوط از یکسو به مبارزات وی مرتبط شده است؛ زیرا جمله «إلا أن قالوا . . .» در پاسخ تبلیغات و هدایتگریهای لوط ایراد گردیده است؛ و از سوی دیگر این پیشنهاد با جمله «انهم . . .» تعلیل شده است. بنابراین تصمیم قوم لوط به اخراج وی و همراهانش به دو علت بوده است: یکی مبارزه وی با فسادها و دیگری پاک زیستن وی و همراهانش.

3_ پاک زیستی لوط و همراهانش، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قريبتكم إنهم اناس يتطهرون

52- تبليغ لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 162 - 3

3- تأكيد لوط (ع) بر امانت داری خویش در ابلاغ پیام الهی

إني لكم رسول أمين

ص: 63

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه «أمین» از ریشه «أمانه» (مقابل «خیانه») مشتق شده باشد.

53- تجاوز به مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 3، 1

1 - جسارت قوم لوط تا سرحد تلاش ، برای در اختیار گرفتن و آلوده ساختن میهمانان پیامبر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

3 - مردمان وارد بر قوم لوط ، در معرض تجاوز و بدنامی *

و لقد رودوه عن ضیفه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعرض قوم لوط، نسبت به میهمانان پیامبرشان، ناشی از اخلاق عمومی آنان نسبت به همه تازهوردان بوده است.

54- تحقیر همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 135 - 4

4 - تحقیر شدن همسر لوط از سوی خداوند

إلا عجوزاً فی الغـ برین

تنکیر «عجوزاً»، می تواند برای تحقیر باشد.

55- تعدد دختران لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 6

6_ حضرت لوط (ع) ، دخترانی متعدد و آماده ازدواج داشت .

هـ_وَأَلاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 79 - 4

4_ لوط (ع) ، دارای دخترانی متعدد

ما لنا فی بناتک من حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 71 - 7

ص: 64

7- حضرت لوط (ع) پیش از هلاکت قومش ، دارای چند دختر مجرد بود .

قال هـ ولاء بناتی ان كنتم فـ علین

56- تقدیر عذاب همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 60 - 2

2- باقی ماندن همسر لوط (ع) در میان عذاب شدگان قوم لوط ، به تقدیر و دستور خدا بود .

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغـ برین

تردیدی نیست که همه مقدرات به دست خداوند است و انتساب تقدیر (قدّرتنا) به فرشتگان، می تواند به خاطر این باشد که آنان مجری این تقدیر بوده اند.

57- تکفل همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 3

3 - همسران نوح و لوط پیامبر ، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار داشتند .

کاتتا تحت عبدین من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر «تحت عبدین» استفاده شده است.

58- تلاش لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 167 - 4

4 - تلاش پیگیر و مجدّدانه لوط (ع) ، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته یـ لوط لتکوننّ من المخرجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

ولقد رودوه عن ضیفه

«مراوده» به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

ص: 65

59- تمدن در دوران لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 67 - 2

2- وجود شهر و تمدن شهری در عصر حضرت لوط (ع)

و جاء أهل المدينة

60- تنزیه خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 12

12_ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزّه بودند .

كانوا يعملون السيئات .. فأسر بأهلك بقطع من الليل ... إلا امرأتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 59 - 3، 1

1- خاندان لوط (ع) ، از هرگونه جرم و تبه کاری منزّه و پاک بودند .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا آل لوط

3- پاکي خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا آل لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 169 - 5

5 - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّی و أهلی ممّا يعملون

از این که لوط (ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

61- تنهایی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 30 - 5

5- لوط (ع) در مبارزه اش با کردار های زشت قوم خود، تنها بود.

قال رب انصرنی علی القوم المفسدین

ضمیر مفعولی «نی» در دعای لوط(ع)، حکایت از تنهایی آن حضرت در مبارزه با فحشا می کند.

ص: 66

62- توحید لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 26 - 1

1 - حضرت لوط (ع) به دعوت ابراهیم (ع) در پی فراخوانی او به توحید، ایمان آورد.

و ابرهیم إذ قال لقومه اعبدوا الله... فامن له لوط

63- توطئه تبعید خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 2

2 - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

64- توطئه تبعید لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 2

2 - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

65- تهدید لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 167 - 1

1 - تهدید شدن لوط (ع) از سوی قوم خود، به اخراج و تبعید در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته... من المخرجين

ضمیر فاعل در «قالوا» به قوم لوط باز می گردد «إنتهاء» (مصدر تنته) یعنی دست برداشتن و پایان دادن.

1 - تسلیم نشدن لوط (ع) در برابر تهدید های قوم منحرف خویش

قال إني لعملكم من القالين

«قلا» (مصدر «قالين») به معنای بغض و دشمنی است. برداشت یاد شده با توجه به اقدام لوط(ع) به اظهار تنفر نسبت به کردار قومش _ علی رغم تهدید اکید آنان به اخراج و تبعید وی _ به دست می آید.

2 - حضرت لوط (ع) _ به رغم تهدید شدن به تبعید _ تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن

تأکید ورزید .

قال إني لعملكم من القالين

66- تهدیدهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 29 - 9

9- لوط (ع) ، قوم اش را به خاطر ارتکاب عمل لواط ، راهزنی و ارتکاب علنی منکر ، به عذاب الهی وعده داد .

أنتکم لتأتون الرجال .. فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اتتنا بعذاب الله

67- تهمت دروغگویی به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 43 - 3

3 - مخالفت همگانی قوم لوط با رسالت او و دروغگو خوانده شدن وی از سوی آنان

و قوم ابرهیم و قوم لوط

68- جاسوسی همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 23

23_ « عن أبي عبد الله (ع) قال : إن الله تعالى بعث أربعة أملاك في إهلاك قوم لوط . . . فأتوا لوطاً . . . فسلموا عليه . . . فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم . . . ثم مشى فلما بلغ باب المدينة . . . دخل ودخلوا معه حتى دخل منزله فلما رأتهم امرأته . . . صعقت فوق السطح و صفت فلم يسمعوا فدخنت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلى الباب يهرعون . . . »

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . . . آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند . . . لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند؛ سپس رفت تا به دروازه شهر رسید . . . او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید . . . بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشیندند. پس دود به پا کرد؛ همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند . . .».

69- جامعه دوران لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 71 - 2

2- حضرت ابراهیم و لوط (ع)، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند.

ص: 68

إلى الأرض التي بركنا فيها

70- جرم خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6- گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنيهم أناس يتطهرون

عبارت «إنيهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

71- جرم لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6- گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنيهم أناس يتطهرون

عبارت «إنيهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

72- حامی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 6

6- حمایت خداوند از لوط (ع) و میهمانان آن حضرت در برابر بدخواهی های قومش

و لقد رودوه عن ضيفه فطمسنا أعينهم

73- حامی مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 6

6 - حمايت خداوند از لوط (ع) و ميهمانان آن حضرت در برابر بدخواهي هاي قومش

و لقد رودوه عن ضيفه فطمسنا اعينهم

ص: 69

74- حمایت از لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 10، 6

6_ لوط (ع) تحت تربیت خداوند و برخوردار از حمایت او بود.

إنا رسل ربك

برداشت فوق، از «ربك» (مدبر و مربی تو) استفاده شده است.

10_ فرشتگان، از دست یافتن تبه کاران به خانه لوط (ع) جلوگیری کردند.

إنا رسل ربك لن یصلوا إلیك فأسر بأهلك

75- خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 11

11_ فرشتگان، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد.

فأسر بأهلك بقطع من الیل

«اسراء» (مصدر أسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و «باء» در «بأهلك» برای تعدیه می باشد و «ال» در «اللیل» عهد حضوری است.

بنابراین معنای جمله «فأسر...» چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

76- خانواده لوط (ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 59 - 1

1- خاندان لوط (ع)، از هرگونه جرم و تبه کاری منزه و پاک بودند.

إنا أرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاء ال لوط

77- خواسته های لوط (ع)

7_ لوط (ع)، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لوط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند.

ی قوم هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

17_ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند.

و لاتخزون فی ضیفی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 25

25_ لوط (ع) از فرشتگان خواست تا در عذاب قومش تعجیل کنند . *

إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

استفهام در «أليس...» تقریری است و هدف از آن، اقرار و اعتراف مخاطب به مضمون جمله ای است که پس از آن واقع می شود. اقرار و اعتراف گرفتن از لوط(ع) بر اینکه هنگام فرا رسیدن عذاب قومش نزدیک است، می رساند که وی خواهان تعجیل در عذاب آن قوم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 2

2- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه _ که در آیه بعد آمده است _ مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 4

4- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلاتفضحون... و لاتخزون. قالوا أولم ننهک عن الع_لمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 163 - 4

4- لوط (ع)، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریع «اتَّقُوا اللَّهَ» بر «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» بیانگر مطلب یاد شده است.

78- خوشنامی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 6

6- لوط (ع)، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

ص: 71

اِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ اَمِيْنٌ

تأکید لوط(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

79- خویشاوندی لوط(ع) با قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 161 - 1

1 - لوط (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خود و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

اِذْ قَالَ لَهُمُ اُخُوْهُمُ لُوْطُ

قید «اُخُوْهُمُ» می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی نسبی لوط(ع) با قومش باشد. و نیز می تواند تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 13 - 3

3_ لوط پیامبر ، دارای خویشاوندی با قوم مورد دعوت خویش *

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ... وَاِخْوَانُ لُوْطٍ

واژه «اِخْوَانُ» می رساند که میان لوط و قومش، روابط خویشاوندی بوده است.

80- خیانت به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 7,8

7 - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فَخَاتَمَتُهُمَا

8 - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فَخَاتَمَتُهُمَا

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

81- خیانت همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 7,9

7 - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

ص: 72

9- بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع)، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من الله شیئاً

82- خیرخواهی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 2

2- تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

83- درخواست نجات خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 169 - 2،7

2- التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

7- دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما یعملون); یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد _ که نجات لوط و اهلس را از عذاب مطرح می کند _ تأیید کننده همین برداشت است.

84- درخواست نجات لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 169 - 2،7

2- التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

7- دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من و اهل ما یعملون)؛ یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد - که نجات لوط و اهلش را از عذاب مطرح می کند - تأیید کننده

ص: 73

همین برداشت است.

85- درماندگی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 1

1_ مهمانان لوط ، در پی مشاهده درماندگی او در برابر مهاجمان ، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند .

قال لو أن لی بکم قوّه . . . قالوا یـ لوط إنا رسل ربک

86- دعای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 169 - 2،7

2 - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

7 - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و کسانی از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما یعملون); یعنی، پروردگارا! من و کسانی را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلس را از عذاب مطرح می کند - تأیید کننده همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 30 - 1

1 - لوط (ع) ، به دنبال واکنش منفی قوم اش به دعوت وی ، از خداوند برای غلبه بر آنها ، استمداد طلبید .

قال ربّ انصرنی علی القوم المفسدین

87- دعوتهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14_ لوط (ع)، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 74

1- حضرت لوط (ع) قوم خود را در برابر تجاوز به مهمانانش ، به رعایت تقوای الهی فرا خواند .

واتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 2

2 - دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه «آمین» می تواند از ریشه «آمن» و به معنای «مأمون» (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط(ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 163 - 1

1 - دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ

88- دلداری ملائکه به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 9

9- فرشتگان ، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او ، دلداری دادند .

وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ

89- دلسوزی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 161 - 2

2- سخن دلسوزانه لوط (ع) با قوم خود، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

وجود لحن مشفقانه در تعبیر «أَلَا تَتَّقُونَ» (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) حکایت از مطلب یاد شده دارد.

90- ذکر قصه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 54 - 2

ص: 75

2- رسالت لوط و مبارزات او با زشت کرداری های قومش ، شایان یاد و یادآوری

و لوطًا إذ قال لقومه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «لوطًا» مفعول «اذکر» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 3

3- سرگذشت لوط (ع) ، در مبارزه بر ضد فحشا ، پندآموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و لوطًا إذ قال

«لوطًا» احتمال دارد که عطف به آیه چهارده باشد و احتمال دارد که مفعول فعل مقدر «اذکر» باشد. بنابر احتمال دوم، نکته بالا قابل استفاده است.

91- رجوع به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 70 - 6

6- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهر ها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أولم ننهك عن العَلَمین

«عالم» به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

92- رد ازدواج با دختران لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 79 - 3

3_ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

93- رد پیشنهاد لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 79 - 1,3

1_ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هـ_ؤلاء بناتی هنّ أطهر لكم .. قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق

3_ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (

ص: 76

ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا في بناتك من حق و إنك لتعلم ما نريد

رذایل اخلاقی همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 7,8,9,2

2 - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

ج_هد الكفار و المنفقين .. ضرب الله مثلاً للذين كفروا امرأت نوح و امرأت لوط

7 - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخاتتاها

8 - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخاتتاها

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

9 - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم يغنيا عنهما من الله شيئاً

94- رسالت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 1

1 - تأکید لوط (ع) بر رسالت الهی خویش برای قومش

إني لكم رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- لوط (ع)، پیامبری بود که تعالیم ابراهیم (ع) را ترویج می کرد.

قال رب انصرنی . . . ولما جاءت رسلنا ابرهیم بالبشری

این که فرستادگان خداوند برای درهم کوبیدن شهر قوم لوط (سدوم)، نزد ابراهیم (ع) رفتند و با او مأموریت خود را در میان گذاشتند، نشان می دهد که ابراهیم (ع) پیامبر صاحب شریعت بوده و لوط (ع) تعالیم او را تبلیغ می کرده است.

95- رسالت مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 2

ص: 77

2_ فرشتگان میهمان بر لوط (ع)، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا یـ لوط إنا رسل ربک

برداشت فوق، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند، استفاده می شود.

روزهای سخت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 6

6_ لوط (ع) روز ورود فرشتگان را روزی سخت با وضعیتی پیچیده و دشوار ارزیابی کرد .

وقال هـ ذا یوم عصیب

عصیب به معنای دشواری و سختی است و اصل آن از عَصَب به معنای بستن است. گویا بدان جهت روز سخت را «یوم عصیب» می گویند که شرّ و دشواری آن برخی بر برخی دیگر پیچیده است (برگرفته شده از مجمع البیان).

96- روش برخورد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 13، 12

12_ لوط (ع)، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان، درصدد بازداری آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال یـ قوم . . . فاتقوا الله ولا تخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

13_ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هـ ذا یوم عصیب . . . قال یـ قوم هـ ولاء بناتی

لوط با گفتن «یا قوم» (ای مردم من) و پیشنهاد ازدواج با دخترانش، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط(ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

97- روش تبلیغ لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 161 - 2

2- سخن دلسوزانه لوط (ع) با قوم خود، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون

وجود لحن مشفقانه در تعبیر «ألا تتقون» (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 173 - 5

5 - محوریت انذار و اخطار در تبلیغات لوط (ع)

ص: 78

و أمطرنا عليهم مطراً فساء مطر المنذرين

98- زمین در دوران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 9

9- در دوران لوط (ع)، مناطق وسیعی از کره زمین، منطقه زیستی انسان ها بود و لوط (ع) از آنها آگاهی داشت.

إِنكُمْ لَتَأْتُونَ الْفِجْجَةَ حَشَّةً مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

99- سخاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 7

7_ «عن أبي جعفر (ع) : . . . و كان لوط ابن خاله ابراهيم و كانت امرأه ابراهيم ساره أخت لوط و كان لوط و ابراهيم نبيين مرسلين منذرين و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر مرسل و اندازکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر می داشت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 8

8- «قال أبو جعفر (ع) : . . . و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلما رأى قوم لوط ذلك منه قالوا له : إنا ننهاك عن العالمين لا تقرى ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك . . . ;

امام باقر(ع) فرمود: . . . لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگواری بود از میهمانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت. [امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر میهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، میهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...».

100- سرزنش لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 1

1- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن ، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هـِـؤلاء ضیفی . . . قالوا أو لم ننهک عن العـلمین

ص: 79

سرزنشهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 6,8

6_ لوط با توصیف لوط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أَتَاتُونَ الْفَحْشَةَ

«فاحشه» به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله «أَتَاتُونَ ...» انکار توییخی است.

8_ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لوط ، آنان را توبیخ کرد .

أَتَاتُونَ الْفَحْشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 161 - 6

6- قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

استفهام در جمله «أَلَا تَتَّقُونَ» می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 165 - 2

2- قوم لوط ، مورد اعتراض و توبیخ او ، به خاطر انحراف جنسی

أَتَاتُونَ الذَّكَرَانَ مِنَ الْعُلَمِينَ

استفهام در «أَتَاتُونَ الذَّكَرَانَ» برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 166 - 1

1- قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر انحراف از مسیر طبیعی در ارضای غرایز جنسی

و تدرّون ما خلق لكم ربّكم من أزواجكم

«وَدَّر» (مصدر «تدرّون») به معنای ترک کردن و وا گذاشتن است. «من أزواجكم» بیانگر مراد از «ما» در «ما خلق لكم» «زوج» (مفرد «أزواج») به معنای جفت و همسر است. «عدوان» (مصدر «عادون») نیز مرادف تعدی و تجاوز است؛ یعنی، «و آنچه را پروردگارتان برای شما آفریده است (همسرانتان) وامی گذارید؟ نه بلکه شما گروهی تجاوزپیشه اید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 54 - 3

3 - قوم لوط ، مورد نکوهش و سرزنش او به خاطر کردار زشتشان

إذ قال لقومه أتأتون الف_حشه

استفهام در «أتأتون الف_حشه» برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 80

5- لوط (ع) قوم خود را به خاطر همجنس بازی (لواط)، مورد سرزنش قرار داد.

و لوطاً إذ قال .. إنکم لتأتون الف_حشه ما سبقکم بها من أحد

101- سوگند به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 72 - 3

3- سوگند خداوند به جان لوط (ع) بر اینکه قوم او مردمی سرمست و متحیرند.

لعمرك إنهم لفي سكرتهم يعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله «لعمرك ..» ادامه سخنان ملائکه خطاب به حضرت لوط (ع) باشد.

102- شبهه افکنی در اندازهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18- قمر - 54 - 36 - 2

2- روی آوردن قوم لوط، به جدال و تشکیک نسبت به اندازها؛ بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالئذیر

103- شک به اندازهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 63 - 4

4- قوم لوط، نسبت به هشدارهای حضرت لوط (ع) مبنی بر نزول عذاب الهی (استیصال) بر آنان، پیوسته در شک و تردید بسر برده و

ایمان نداشتند.

قالوا بل جنن_ک بما کانوا فیه یمترون

104- شکرگزاری خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 2

2- شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّينَ هُم... نعمة من عندنا

ص: 81

105- شکرگزاری لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 2

2- شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجین_هم ... نعمه من عندنا

106- شهرنشینی در دوران لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 67 - 2

2- وجود شهر و تمدن شهری در عصر حضرت لوط (ع)

و جاء أهل المدينة

107- صداقت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 163 - 4

4- لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتقوا الله و أطيعون

تفریح «اتقوا الله» بر «انّی لکم رسول امین» بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 29 - 13

13 - قوم لوط ، درباره صداقت لوط (ع) و وعده عذاب او ناباور بودند .

اتتنا بعذاب الله إن كنت من الصّـدقین

108- ضعف لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 7

7- موقعیت حضرت لوط (ع) در میان قومش ضعیف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

ص: 82

قالوا أولم ننهك عن العَلَمين

از اینکه قوم لوط آن حضرت را از تماس با دیگران نهی کردند و در موردی که او از این نهی تخلف ورزید، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

109- عبرت از قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 174 - 1

1 - نجات لوط (ع) و خاندانش - به جز همسر وی - و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

«ذلک» به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. «آیه» در این جا معادل «عبره» است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 28 - 3

3 - سرگذشت لوط (ع) ، در مبارزه بر ضد فحشا ، پندآموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و لوطًا إذ قال

«لوطًا» احتمال دارد که عطف به آیه چهارده باشد و احتمال دارد که مفعول فعل مقدر «اذکر» باشد. بنابر احتمال دوم، نکته بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 133 - 2

2 - سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

وإنَّ لَوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

110- عبودیت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 4

4 - حضرت نوح و لوط (ع)، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا ص_لحین

ص: 83

111- عجز لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 6

6 - حضرت لوط (ع)، در دفاع از میهمانان اش در صورت تعرض قوم اش به آنها، ناتوان بود.

و لَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوْطًا سِىءَ بَهِمٍ وَ ضَاقَ بِهِم ذَرَعًا

احساس ناتوانی لوط (ع) و تنگ دیدن عرصه بر خود، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

112- عجله لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 24

24_ فرشتگان، با بیان نزدیک بودن زمان عذاب، از لوط (ع) خواستند تا خروج خویش را به تأخیر نیندازد.

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ... إِنْ مَوْعِدَهُمُ الصَّبْحُ أَلَيْسَ الصَّبْحُ بَقَرِيبٍ

جمله «إِنْ مَوْعِدَهُمُ الصَّبْحُ...» به منزله تعلیل برای «فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ...» می باشد.

113- عذاب همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 5

5_ همسر لوط با ماندن در میان کافران به عذاب الهی گرفتار شد و به هلاکت رسید.

إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

«غابر» به معنای باقی مانده است. بنابراین «كانت من الغبرين» بیانگر این است که همسر لوط به جهت باقی ماندن در میان قومش، از عذاب الهی رهایی نیافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 18

18_ همسر لوط ، باید به عذابی که برای قوم لوط مقدر شده بود ، گرفتار می شد .

إنه مصیبها ما أصابهم

ضمیر در «إنه» به اصطلاح ضمیر شأن است و حاکی از تأکید می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 60 - 1

1- همسر لوط (ع) در زمره مجرمان قوم لوط و عذاب شدگان الهی بود .

إلّا ءال لوط إنا لمنجّوهم . . . إلّا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 84

2 - همسر لوط ، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَيْرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 57 - 1

1 - نجات لوط (ع) و خانواده اش - به جز همسر وی - از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فَأُنجِيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 7

7 - ملائکه عذاب قوم لوط ، پیشاپیش از عذاب شدن همسر لوط خبر داشتند و او را از نجات یافتگان نمی دانستند .

لِنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَيْرِينَ

(«غایر») ماندن پس از سپری شدن چیزی است که با او بوده است (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 14

14 - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إِنَّا مَنجُوكَ وَأَهْلِكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 9

9 - بی تاثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 3

3 - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

115- عقیده همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 85

4- همسر لوط ، مخالف اندیشه های وی و هم عقیده با قوم منحرف

فأنجينه و أهله إلا امرأته

116- علم لدنی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 1

1- حضرت لوط (ع) ، از علم و حکمت خدا دادی برخوردار بود .

و لوطاً اتینہ حکماً و علماً

یکی از معانی «حکم» ، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی براین معنا است.

117- علم لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 28 - 9

9- در دوران لوط (ع) ، مناطق وسیعی از کره زمین ، منطقه زیستی انسان ها بود و لوط (ع) از آنها آگاهی داشت .

إنکم لتأتون الف_حشه ما سبقکم بها من أحد من الع_لمین

118- عمل خیر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

ولقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

119- عوامل ترس لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 10

10 - لوط (ع)، با ورود ملائکه به محضرش، نگران شد و ترسید.

وقالوا لاتخف و لاتحزن

ص: 86

120- عوامل نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 59 - 3

3- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء ال لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 2

2 - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّينَهم .. نعمه من عندنا

121- عوامل نجات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 2

2 - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّينَهم .. نعمه من عندنا

122- عوامل نگرانی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 10،11،7،5،2

2 - با آمدن فرشتگان نزد لوط (ع) وی ، ناراحت شد و عرصه را بر خود تنگ دید .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً سيء بهم و ضاق بهم ذرعاً

«سیء» متعدی به بای سببی است. «سیء بهم» یعنی، به سبب حضور آنان، ناراحت شد. «ضايق بهم ذرعاً» به معنای تنگ شدن ذراع دست و کنایه از ناتوانی است.

5 - حضرت لوط (ع)، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود .

وَلَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوْطًا سِیْءَ بَهِمٍ وَضَاقَ بَهِمٍ ذَرَعًا

7 - نگرانی لوط (ع) با ورود فرشتگان به نزد وی، در چهره اش نمایان شد .

وَلَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوْطًا سِیْءَ بَهِمٍ .. . قَالُوا لَا تَخَفْ

10 - لوط (ع)، با ورود ملائکه به محضرش، نگران شد و ترسید .

وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ

ص: 87

11 - حضرت لوط (ع) نگران گرفتار شدن در عذاب فراگیری بود که برای قوم اش مقدر شده بود .

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً سيء بهم . . . وقالوا لا تخف و لا تحزن إنا منجوك

دلداری ملائکه به لوط(ع) و اطمینان بخشی به وی برای نجات حتمی از عذاب، می تواند قرینه باشد بر این که نگرانی لوط(ع) به خاطر نکته بالا بوده است.

123- فرجام همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 13

13 - هشدار خداوند ، به دو همسر خطاکار پیامبر (حفصه و عایشه) ، درباره سرنوشت شوم خیانت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) همچون سرنوشت همسران نوح و لوط

ضرب الله مثلاً للذين كفروا امرأت نوح . . . قيل ادخلا النار مع الداخلين

یادآوری خیانت همسران دو پیامبر - پس از نقل ماجرای توطئه دو همسر پیامبر اسلام - می تواند هشداری به آنان باشد.

124- فضایل خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 61 - 2

2- خاندان حضرت لوط (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

فلما جاء آل لوط المرسلون

از ورود فرشتگان به عنوان مهمان بر خاندان لوط(ع) و نه بر خود لوط(ع) بیانگر عنایت خاص خداوند به آنان و جایگاه بلند ایشان است.

125- فضایل لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 86 - 4

4_ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، پیامبرانی برتری یافته بر همه مردم عصر خویش

و زکریا و یحیی . . . و کلا فضلنا علی العلمین

7_ «عن أبي جعفر (ع) : . . . و كان لوط ابن خاله ابراهيم و كانت إمرأه ابراهيم ساره أخت لوط و كان لوط و ابراهيم نبيين مرسلين منذرين و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه . . . »

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر

مرسل و اندازکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر می داشت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 71 - 2

2- حضرت لوط (ع) شخصیتی مهمان نواز و مدافع حریم میهمانان خود.

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هؤلاء ضیفی فلا تقضحون ... و لاتخزون ... قال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 1,3

1- حضرت لوط (ع)، از علم و حکمت خدا دادی برخوردار بود.

و لوطاً اتینَه حکماً و علماً

یکی از معانی «حکم»، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

3- حضرت لوط (ع) از عنایت ویژه الهی برخوردار بود.

و لوطاً اتینَه حکماً و علماً

جمله «و لوطاً آتیناه..» عطف بر جمله «لقد آتینا ابراهیم...» است و تقدم «لوطاً» که مفعول فعل «آتیناه» است _ بیانگر این نکته است که لوط(ع) مورد عنایت ویژه خداوند بود؛ زیرا در آیه قبل، خداوند از لوط(ع) به تبع داستان ابراهیم(ع) یاد کرد؛ ولی در این آیه به طور جداگانه از آن حضرت یاد نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 75 - 1,2,5

1- حضرت لوط (ع)، مشمول رحمت خاص الهی بود.

و أدخلنَه فی رحمتنا

2- حضرت لوط (ع)، از صالحان و شایستگان بود.

إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

5- پاکى و نجات حضرت لوط (ع) از آلودگى هاى قومش ، زمينه ساز برخوردارى او از رحمت خاص الهى

و لوطاً... نجینَه... و ادخلنَه فى رحمتنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 6

6- لوط (ع) ، شخصیتى خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

إِنِّى لَکُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید لوط(ع) بر امین بودن خود، در صورتى ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 4

ص: 89

4- حضرت نوح و لوط (ع)، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا ص_لحین

126- فلسفه نبوت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 5

5- بنده صالح و شایسته بودن، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح، لوط و...) به مقام نبوت

عبدین من عبادنا ص_لحین

توصیف حضرت نوح و لوط (ع)، به صفت «عبد صالح» - در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان - گویای مطلب یاد شده است.

127- قبول هشدارهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 2

2- دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه «آمین» می تواند از ریشه «آمن» و به معنای «مأمون» (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط (ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

128- قصه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 6, 8, 2, 1

1_ لوط، از پیامبران و فرستادگان خداوند

و لوطاً إذ قال لقومه

کلمه «لوط» می تواند عطف بر «نوحاً» در آیه 59 باشد؛ یعنی «و ارسلا لوطاً». و نیز می تواند مفعول به برای فعل مقدر «اذکر» باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

2_ سرگذشت لوط پیامبر در مبارزه علیه فحشا و فرجام شوم قوم زشتکار او، سرگذشتی پندآموز و شایسته یادآوری

و لوطاً إذ قال

چنانچه «لوطاً» مفعول برای فعل مقدر «اذکر» باشد، کلمه «إذ» بدل اشتمال برای لوطاً است و اگر لوطاً مفعول برای «أرسلنا» گرفته شود، «إذ» مفعول برای فعل مقدر «اذکر» خواهد بود، که بر این مبنا تقدیر جمله چنین است: أرسلنا لوطاً اذکر إذ قال . . . بنا بر هر دو احتمال، لزوم یادآوری داستان لوط و قومش به دست می آید. گفتنی است هدف از یادآوری سرگذشت پیشینیان، عبرت آموزی و پندگیری است.

ص: 90

6_ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أتأتون الفحشه

«فاحشه» به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله «أتأتون ...» انکار توییخی است.

8_ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط ، آنان را توبیخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 82 - 6,7,4,5,3,2

2_ مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خویش موجب طرح پیشنهاد اخراج وی و همراهانش از دیارشان

و لوطاً إذ قال لقومه ... قالوا أخرجوهم

پیشنهاد اخراج لوط از یکسو به مبارزات وی مرتبط شده است ؛ زیرا جمله «إلا أن قالوا ..» در پاسخ تبلیغات و هدایتگریهای لوط ایراد گردیده است ؛ و از سوی دیگر این پیشنهاد با جمله «انهم ...» تعلیل شده است. بنابراین تصمیم قوم لوط به اخراج وی و همراهانش به دو علت بوده است: یکی مبارزه وی با فسادها و دیگری پاک زیستن وی و همراهانش.

3_ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قریتمک إنهم اناس یتطهرون

4_ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردار های ناپسند ، دارای همگامان و یارانی متعدد بود .

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قریتمک إنهم اناس یتطهرون

ضمایر جمع در جمله «أخرجوهم ...» و نیز آوردن کلمه «اناس»، حکایت از آن دارد که گروهی از مردم به لوط گرویده بودند و چون تصمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضهایی که در آیه قبل مطرح شد، گرفته شده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

5_ یاران و همگامان لوط در مقایسه با مخالفان وی بسیار اندک بودند .

قالوا أخرجوهم من قریتمک

تصمیم و پیشنهاد اخراج لوط و یارانش حکایت از آن دارد که یاران وی در مقایسه با مخالفان او بسیار اندک بودند، ورنه چنین پیشنهادی طبیعی به نظر نمی رسید.

6_ لوط ، پیامبری مهاجر به دیار سدوم ، نه اهل آن سامان *

أخر جوهم من قریتکم

خداوند پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از وی، یعنی شعیب، را برادر قومشان خواند. ولی در مورد بعثت لوط چنین تعبیری آورده نشد. این مطلب می تواند اشاره به این باشد که لوط از افراد امت قوش نبوده است. انتساب «قریه» به مخالفان لوط با اضافه آن به «کم» می تواند بیانگر این باشد که لوط از مهاجران به آن دیار بوده است و آن دیار بنا بر گفته مفسران بخشی از سرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

7_ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزّه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس یتطهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 4,5,3,2

2_ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قوش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

ص: 91

چون جمله «فانجینه» در مقابل جمله «کانت من الغبرین» (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین «فانجینه» یعنی: فانجینه باخراجنا اياه من بینهم.

3_ از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

4_ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

5_ همسر لوط با ماندن در میان کافران به عذاب الهی گرفتار شد و به هلاکت رسید .

إلا امرأته کانت من الغبرین

«غابر» به معنای باقی مانده است. بنابراین «کانت من الغبرین» بیانگر این است که همسر لوط به جهت باقی ماندن در میان قومش، از عذاب الهی رهایی نیافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - پیش

8 - هود - 11 - 77 - 1,2,3,4,6,9

1_ فرشتگان پس از گفتگو با ابراهیم (ع) ، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطاً

2_ فرشتگان ، به صورت و شکل انسان ها بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم

3_ لوط (ع) ، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم . . . وقال هـ ذاً یوم عصیب

4_ لوط (ع) با ورود فرشتگان ، عرصه را بر خویشان تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت .

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً

«ذرعاً» - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمیزی مبدل از فاعل می باشد. بنابر این «ضاق بهم ذرعاً»؛ یعنی، ضاق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مَثَل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست

رسی ندارد. «سیء» فعل مجهول «ساء» (ناراحتش کرد) است و «باء» در «بهم» سببیه است. بنابراین «سیء بهم» یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

6_ لوط (ع) روز ورود فرشتگان را روزی سخت با وضعیتی پیچیده و دشوار ارزیابی کرد.

وقال هـ ذایوم عصیب

عصیب به معنای دشواری و سختی است و اصل آن از عَصَب به معنای بستن است. گویا بدان جهت روز سخت را «یوم عصیب» می گویند که شرّ و دشواری آن برخی بر برخی دیگر پیچیده است (برگرفته شده از مجمع البیان).

9_ «عن أبي عبدالله (ع) قال: إن الله تعالى بعث اربعة أملاك في إهلاك قوم لوط... فأتوا لوطاً وهو في زراعه له قرب المدینه...»

از امام صادق (ع) روایت شده است: خداوند متعال چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد... پس نزد لوط رفتند در حالی که او در کشتزار خود در نزدیکی شهر بود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 7,12,13,14,23,25

ص: 92

7_ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لوط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

ی_ قوم ه_ؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

12_ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازداری آنان از تعرض به میهمانان خویش برآمد .

قال ی_ قوم .. فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

13_ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال ه_ ذا یوم عصیب .. قال ی_ قوم ه_ؤلاء بناتی

لوط با گفتن «یا قوم» (ای مردم من) و پیشنهاد ازدواج با دخترانش ، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط (ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد .

14_ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

23_ « عن أبی عبد الله (ع) قال : إن الله تعالی بعث أربعه أملاک فی إهلاک قوم لوط .. فأتوا لوطاً .. فسلموا علیه .. فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم .. ثم مشی فلما بلغ باب المدینه .. دخل و دخلوا معه حتی دخل منزله فلما رأتهم إمرأته .. صعدت فوق السطح و صفت فلم یسمعوا فدخلت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلی الباب یهرعون .. » ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد .. آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند ... لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند؛ سپس رفت تا به دروازه شهر رسید ... او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید ... بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشنیدند. پس دود به پا کرد؛ همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...» .

25_ « عن أبی عبد الله (ع) فی قول لوط « ه_ؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم » قال : عرض علیهم التزویج ;

از امام صادق (ع) درباره سخن لوط که فرموده: «اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند» روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد.» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 79 - 3, 1

1_ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هـ_ؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم . . . قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق

3_ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 80 - 1,2,3

1_ حضرت لوط (ع) ، خویشن را در مقابله با مهاجمان تبه کار ، ناتوان و بی یاور دید .

قال لو أن لی بکم قوّه أوءاوی إلی رکن شدید

2_ آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوّه

ص: 93

«لو» در جمله فوق ، حرف تمنا و به معنای لیت (ای کاش) است.

3_ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو . . . أوءاوی إلى رکن شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 -

1,2,3,7,8,10,11,12,14,15,16,17,18,19

1_ مهمانان لوط ، در پی مشاهده درماندگی او در برابر مهاجمان ، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند .

قال لو أن لی بکم قوه . . . قالوا ی_ لوط إنا رسل ربک

2_ فرشتگان میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا ی_ لوط إنا رسل ربک

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند ، استفاده می شود.

3_ فرشتگان ، فرارسیدن زمان عذاب و کیفر قوم لوط را به حضرت لوط (ع) ابلاغ کردند .

إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک فأسر . . . ألیس الصیح بقریب

7_ لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود .

لن یصلوا إلیک

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند: «لن یصلوا إلینا؛ آنان از دسترسی به ما ناتوانند». این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط(ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

8_ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزند می متوجه وی نخواهد شد .

قالوا ی_ لوط إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک

10_ فرشتگان ، از دست یافتن تبه کاران به خانه لوط (ع) جلوگیری کردند .

11_ فرشتگان، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد.

فأسر بأهلك بقطع من اليل

«اسراء» (مصدر أسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و «باء» در «بأهلك» برای تعدیه می باشد و «ال» در «الليل» عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله «فأسر...» چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

12_ از میان قوم لوط، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزه بودند.

كانوا يعملون السيئات.. فأسر بأهلك بقطع من اليل... إلا امرأتك

14_ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش، از دیار آنان خارج شود.

فأسر بأهلك بقطع من اليل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر...) در شب نزول عذاب نبوده باشد؛ بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

15_ فرشتگان، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند.

ولا يلتفت منكم أحد

16_ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب، به همراه خویش کوچک ندهد.

فأسر بأهلك بقطع من اليل . . . إلا امرأتك

برداشت فوق، بر این اساس است که «امرأتک» استثنا از «أهلك» باشد.

17_ از میان خانواده لوط (ع) تنها همسرش به هنگام کوچ شبانه از سیر باز ماند و به طرف دیار قوم لوط بازگشت.

و لایلتفت منکم أحد إلا امرأتک

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که «إلا امرأتک» استثنا از جمله «لایلتفت . . .» باشد. بر این مبنا جمله «لایلتفت . . .» این مصیبهها ما أصابهم» چنین معنا می شود: هیچ یک از شماها نباید از سیر باز ماند و به سوی خانه خود باز گردد و لکن همسرت تخلف خواهد کرد و باز خواهد گشت؛ زیرا باید به عذاب گرفتار شود.

18_ همسر لوط، باید به عذابی که برای قوم لوط مقدر شده بود، گرفتار می شد.

إنه مصیبهها ما أصابهم

ضمیر در «إنه» به اصطلاح ضمیر شأن است و حاکی از تأکید می باشد.

19_ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود.

فأسر بأهلك . . . إلا امرأتک إنه مصیبهها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط _ که جمله «إنه مصیبهها ما أصابهم» دلالت بر آن دارد _ حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارد شده - ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 61 - 1

1- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند.

و تبئهم عن ضیف إبرهیم . . . فما خطبکم ایها المرسلون ... فلما جاء آل لوط المرس

الف و لام در «المرسلون» برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم ایها المرسلون، آیه 57) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه 68 نیز مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 2، 1

1- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

«قوم» از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمائر «إنکم» و «منکرون» به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

2- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه _ که در آیه بعد آمده است _ مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 95

1- قطعی شدن نزول عذاب الهی (استیصال) و فرارسیدن موعد آن بر قوم لوط، توسط فرشتگان به حضرت لوط (ع) ابلاغ گردید.

قالوا بل جنن ک بما کانوا فیه یمترو

2- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان، خود را مأموران الهی معرفی کردند.

قال انکم قوم منکرون . قالوا بل جنن ک بما کانوا

3- حضرت لوط (ع) پیش از فرارسیدن عذاب الهی بر قومش، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود.

قالوا بل جنن ک بما کانوا فیه یمترو

مقصود از «ما» در جمله «بما کانوا فیه یمترو» عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذاب انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- تأکید فرشتگان در محضر حضرت لوط (ع) مبنی بر تحقق قطعی نزول عذاب (استیصال) بر قوم لوط

و اتین ک بالحق و انا لص دقون

مقصود از «بالحق» خبر حق و راست است و مراد از این خبر حق، عذاب الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- فرشتگان، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب، جهت نجات از عذاب الهی شدند.

فأسر بأهلک بقطع من الیل

2- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی، مأمور گردید.

فأسر بأهلک . . . و اتبع أدب رهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتبع أدب رهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از

رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

3- لوط (ع)، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر، خود نیز در پی آنان حرکت کند.

فأسر بأهلک . . . و اتبع أدب_رهم

4- خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود _ که در معرض عذاب بود _ برحذر داشت.

فأسر بأهلک . . . و لایلتفت منکم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه _ به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلک) _ بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

5- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر، حرکتی دسته جمعی، سریع، به دور از انظار مردم و محرمانه بود.

فأسر بأهلک بقطع من الیل . . . و امضوا حیث تؤمرون

نظارت حضرت لوط (ع) بر حرکت خاندانش (و اتبع أدبارهم) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من الیل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

6- حضرت لوط (ع) و خاندانش، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد، حرکت کنند و حق انتخاب مکان

دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . . . و امضوا حیث تؤمرون

10- « قال أبو جعفر (ع) : . . . « فلما جاء آل لوط المرسلون » . . . قالوا . . . « فأسر بأهلك » یا لوط إذا مضى لك من يومك هـ ذاً سبعة أيام و لياليها « بقطع من الليل » إذا مضى نصف الليل « . . . و امضوا » من تلك الليلة « حیث تؤمرون » . . . ;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . . . گفتند: . . . ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر . . . و در آن شب به هر جا که فرماتان داده اند بروید . . .».

11- « عن أبي جعفر (ع) : . . . إن الله تعالى لما أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إليهم ملائكة . . . و قالوا للوط : أسر بأهلك من هـ ذه القرية الليلة . . . فلما انتصف الليل سار لوط ببناته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: . . . هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد . . . آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده . . . چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 67 - 1

1- قوم لوط ، پس از اطلاع از ورود مهمانان به خانه لوط (ع) شادی کنان به سراغ آنان شناقتند .

و جاء أهل المدينة يستبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 68 - 1,5,9

1- حضرت لوط (ع) در پی هجوم قومش برای تعرض به مهمانان او ، آنان را از هرگونه تجاوز به آنها برحذر داشت .

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هـ ولاء ضيفي فلا تفضحون

5- برخورد قوم لوط با مهمانان حضرت لوط (ع) ، برخوردی اهانت آمیز و آبرو برانداز بود .

قال إن هـ ولاء ضيفي فلا تفضحون

9- ناشناخته بودن فرشتگان برای حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرض قومش به آنان

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هـ ولاء ضيفي فلا تفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) با مشاهده قصد تعرض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 1,3

1- حضرت لوط (ع) قوم خود را در برابر تجاوز به مهمانانش ، به رعایت تقوای الهی فرا خواند .

واتقوا الله

3- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش ، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد ، برحذر داشت

ولاتخزون

ص: 97

1- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن، مورد سرزنش قومش قرار گرفت.

قال إن هؤلاء ضیفی... قالوا أو لم ننهک عن الع_لمین

2- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش، مورد اعتراض قوم خود قرار گرفت.

قال إن هؤلاء ضیفی فلا تفضحون... قالوا أو لم ننهک عن الع_لمین

3- قوم لوط، حضرت لوط (ع) را از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه و حمایت از آن، منع کرده و برحذر داشتند.

قال إن هؤلاء ضیفی... قالوا أو لم ننهک عن الع_لمین

4- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند.

فلا تفضحون... و لاتخزون. قالوا أو لم ننهک عن الع_لمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

5- قوم لوط، حضرت لوط (ع) را از ارتباط و تماس با دیگر اقوام، منع کرده و برحذر می داشتند.

قالوا أو لم ننهک عن الع_لمین

6- منزل حضرت لوط (ع)، محل مراجعه مردم از شهرها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهک عن الع_لمین

«عالم» به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

7- موقعیت حضرت لوط (ع) در میان قومش ضعیف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند.

قالوا أو لم ننهک عن الع_لمین

از اینکه قوم لوط آن حضرت را از تماس با دیگران نهی کردند و در موردی که او از این نهی تخلف ورزید، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

8- « قال أبو جعفر (ع) : . . . و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلمّا رأى قوم لوط ذلك منه قالوا له : إنا ننهاك عن العالمين لا تقرى ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك . . . » ;

امام باقر(ع) فرمود: .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت. [امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 71 - 9، 13

1- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرّض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هـ_ؤلاء بناتی إن كنتم ف_علین

3- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

ص: 98

قال هـ_ؤلاء بناتی إن کنتم ف_علین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از «بناتی» زنان قوم باشند؛ چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

9- قوم لوط علی رغم وجود راه های مشروع و طبیعی (ازدواج با زنان) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی ، اصرار داشتند .

قال هـ_ؤلاء بناتی إن کنتم ف_علین

جمله «إن کنتم فاعلین» به منزله جمله «إن فعلتم ما أقول لكم و ما أظنکم تفعلون» است؛ یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهادم ترتیب اثر دهید که گمان نمی کنم چنین باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 71 - 1,2,3

1- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به کیداً .. و نجّینَه و لوطًا إلى الأرض التي بـرکنا فیها

2- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلى الأرض التي بـرکنا فیها

3- حضرت لوط (ع) ، هم چون حضرت ابراهیم (ع) در معرض آزار و اذیت مردم خود قرار داشت .

و نجّینَه و لوطًا إلى الأرض التي بـرکنا فیها

کاربرد یکسان واژه نجات در باره حضرت ابراهیم و لوط(ع) بیانگر برداشت بالا- است؛ زیرا نجات در جایی به کار می رود که خطر و ضرری پیش روی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 5,6,9

5- خداوند ، حضرت لوط (ع) را از شرّ قوم پلید ، ناپاک و زشتکارش نجات داد .

و نجّینَه من القریه التي کانت تعمل الخبث

6- اذیت و آزار شدید روحی لوط (ع) ، از اعمال ناپسند جامعه خویش

و لوطاً . . . و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) نجات در موردی به کار می رود که سابقه گرفتاری باشد. ب) وصف «تعمل الخبائث» برای قریه، نشان دهنده آن است که کردار آنان، ناخوشایند لوط بود و موجب اذیت و آزار وی می گشت.

9- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط ، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 160 - 1

1 - تکذیب رسالت لوط (ع) از سوی قومش

کذبت قوم لوط المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 99

6- قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون

استفهام در جمله «ألا تتقون» می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألا تتقون . إني لكم رسول أمين

واژه «آمین» می تواند از ریشه «أمن» و به معنای «مأمون» (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط(ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

5- تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إني لكم رسول أمين

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» (برای شما) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون .. فاتقوا الله

4- لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتقوا الله و أطيعون

تفریع «اتقوا الله» بر «إني لكم رسول أمين» بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر . . . إلاّ على ربّ العـلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - قوم لوط ، مورد اعتراض و توبیخ او ، به خاطر انحراف جنسی

أتأتون الذکران من العـلمین

استفهام در «أتأتون الذکران» برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر انحراف از مسیر طبیعی در ارضای غرایز جنسی

و تذرون ما خلق لکم ربکم من أزوجکم

«وَذُرُّ» (مصدر «تذرون») به معنای ترک کردن و واگذاشتن است. «من أزوجکم» بیانگر مراد از «ما» در «ما خلق لکم» «زوج» (مفرد «أزواج») به معنای جفت و همسر است. «عدوان» (مصدر «عادون») نیز مرادف تعدی و تجاوز است؛ یعنی، «و آنچه را پروردگارتان برای شما آفریده است (همسرانتان) وامی گذارید؟ نه بلکه شما گروهی تجاوزپیشه اید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 167 - 4,5,1

1 - تهدید شدن لوط (ع) از سوی قوم خود، به اخراج و تبعید در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته . . من المخرجین

ضمیر فاعل در «قالوا» به قوم لوط باز می گردد «إنتهاء» (مصدر تنته) یعنی دست برداشتن و پایان دادن.

4 - تلاش پیگیر و مجدّدانه لوط (ع)، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته یـ لوط لتکوننّ من المخرجین

5 - لوط (ع)، فاقد پایگاه قوی، در برابر منحرفان و دشمنان نیرومند خود

قالوا لئن لم تنته یـ لوط لتکوننّ من المخرجین

از تهدید حضرت لوط (ع) به وسیله قوم خود، نیرومندی آنان در مقایسه با او استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 168 - 1,2,3

1 - تسلیم نشدن لوط (ع) در برابر تهدید های قوم منحرف خویش

قال إئی لعملکم من القالین

«قلا» (مصدر «قالین») به معنای بغض و دشمنی است. برداشت یاد شده با توجه به اقدام لوط (ع) به اظهار تنفر نسبت به کردار قومش - علی رغم تهدید اکید آنان به اخراج و تبعید وی - به دست می آید.

2 - حضرت لوط (ع) - به رغم تهدید شدن به تبعید - تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إئی لعملکم من القالین

3- لوط پیامبر ، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إني لعملكم من القالين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لوط(ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 169 - 5، 7، 2، 1

1 - ناامیدی لوط (ع) از هدایت پذیری قوم خویش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

اقدام لوط(ع) به طرح درخواست نجات از پیشگاه خداوند، نشان می دهد که او از هدایت قومش کاملاً مأیوس شده بود.

2- التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

5- خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ص: 101

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

از این که لوط (ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

7- دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما يعملون); یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد_ که نجات لوط و اهلس را از عذاب مطرح می کند_ تأیید کننده همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 170 - 1

1 - استجاب دعا لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَنجِينَه وَ أَهْلَه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 171 - 1,2,4

1 - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی، به جز همسر پیر او

فنجِينَه وَ أَهْلَه أَجْمَعِينَ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغـبرين

«عجوز» به معنای پیر زن و «عجوزاً» مستثنی از «أهله» است. «غبر» (مصدر «غابرن») نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، «غابرن» به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

2 - همسر لوط، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغـبرين

4 - نجات لوط (ع) و اهلس از عذاب الهی، در گرو خروج آنان از شهر

فنجِينَه وَ أَهْلَه أَجْمَعِينَ . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغـبرين

از واژه «الغابرن» استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 54 - 3,4

3 - قوم لوط ، مورد نکوهش و سرزنش او به خاطر کردار زشتشان

إذ قال لقومه أتأتون الف_حشه

استفهام در «أتأتون الف_حشه» برای توبیخ و سرزنش است.

4 - مبارزه با فحشا و زشت کرداری ، مهم ترین مسؤولیت و رسالت لوط

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الف_حشه

مقدم آمدن «أتأتون الف_حشه» و قرار گرفتن آن در رأس پیام های لوط، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 1,2,3,4,6

ص: 102

1 - تأثیرناپذیری قوم لوط ، در برابر هشدار ها و هدایت گری های او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط

2 - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

3 - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

4 - ایمان نیاوردن هیچ فردی از جامعه به لوط (ع) ، جز افراد خانواده وی

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

مخالفان لوط به جای این که بگویند: پیروان لوط را اخراج کنید، گفتند: خانواده وی را بیرون کنید و این نشان می دهد که جز خانواده اش کسی به وی ایمان نیاورده بود.

6 - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنيهم أناس يتطهرون

عبارت «إنيهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 57 - 7، 4، 1

1 - نجات لوط (ع) و خانواده اش - به جز همسر وی - از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجينه وأهله إلا امرأته

4 - همسر لوط ، مخالف اندیشه های وی و هم عقیده با قوم منحرف

فأنجينه وأهله إلا امرأته

7 - فرو گذاشتن همسر لوط در میان قوم محکوم به عذاب ، براساس تقدیر الهی و برنامه از پیش تعیین شده

قدّرنها من الغـبرين

«غبور» (مصدر «غابرين») به معنای باقی ماندن است؛ یعنی، ما مقدر کردیم که همسر لوط از جمله باقی ماندگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 26 - 2

2 - حضرت لوط (ع) پس از ایمان آوردن به حضرت ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به سرزمین دیگری هجرت کند .

فأمن له لوط وقال إني مهاجر إلى ربي

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر فاعلی «قال» به قرینه «فأمن له لوط» حضرت لوط(ع) باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 9،10

9 - در دوران لوط (ع)، مناطق وسیعی از کره زمین، منطقه زیستی انسان ها بود و لوط (ع) از آنها آگاهی داشت .

إنكم لتأتون الف_حشه ما سبقكم بها من أحد من الع_لمين

10 - لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آمیزش با مردان، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إنكم لتأتون الف_حشه ما سبقكم بها من أحد من الع_لمين

ص: 103

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 30 - 1,4,5

1 - لوط (ع)، به دنبال واکنش منفی قوم اش به دعوت وی، از خداوند برای غلبه بر آنها، استمداد طلبید.

قال رب انصرني على القوم المفسدين

4 - لوط (ع)، برای بازداشتن قوم اش از کردار زشت، با آنان به مبارزه برخاست.

أنتکم لتأتون الرجال و... رب انصرني على القوم المفسدين

طلب نصرت از خدا بر ضد قوم مفسد، برای بیان این است که لوط(ع) با آنان به مبارزه برخاست و در مبارزه اش، نیاز به امداد الهی داشت.

5 - لوط (ع) در مبارزه اش با کردار های زشت قوم خود، تنها بود.

قال رب انصرني على القوم المفسدين

ضمیر مفعولی «نی» در دعای لوط(ع)، حکایت از تنهایی آن حضرت در مبارزه با فحشا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 31 - 1,3

1 - فرستادگان خداوند برای یاری لوط (ع)، ابتدا، نزد ابراهیم (ع) رفتند و مأموریت خود را به او اعلام کردند.

قال رب انصرني... و لما جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل هـذ

3 - دعای لوط (ع) برای یاری اش، از سوی خدا اجابت شد و فرشتگانی از جانب خداوند، برای در هم کوبیدن قوم لوط، گسیل شدند.

قال رب انصرني... و لما جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل هـذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 1,2,5

1 - حضرت ابراهیم (ع) از عذاب قوم لوط، با وجود لوط (ع) در میان آنان، نگران بود.

و لما جاءت رسلنا... قالوا انا مهلكوا اهل هـذ القرية... قال ان فيها لوطاً

2 - حضرت ابراهیم (ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط، با وجود حضرت لوط (ع) در میان آنان به گفت و گو پرداخت.

قالوا إنا مهلكوا أهل هذه القرية .. قال إن فيها لوطاً قالوا نحن أعلم بمن فيه

5 - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و اهل اش را، حتماً از عذاب نجات خواهند داد.

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجيئه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 -

1،2،3،5،6،9،10،11،12،13،14

1 - ملائکه عذاب قوم لوط، پس از گفتگو با ابراهیم (ع)، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند.

و لما جاءت رسلنا إبرهيم .. و لما أن جاءت رسلنا لوطاً

2 - با آمدن فرشتگان نزد لوط (ع) وی، ناراحت شد و عرصه را بر خود تنگ دید.

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم و ضاق بهم ذرعاً

«سىء» متعدی به بای سببی است. «سىء بهم» یعنی، به سبب حضور آنان، ناراحت شد. «ضايق بهم ذرعاً» به معنای تنگ

شدن ذراع دست و کنایه از ناتوانی است.

3 - فرشتگان عذاب قوم لوط ، به صورت انسان ، بر لوط (ع) وارد شدند .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً سیء بهم

احتمال دارد دلیل «سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً» این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط(ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط(ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

5 - حضرت لوط (ع) ، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً

6 - حضرت لوط (ع) ، در دفاع از میهمانان اش در صورت تعرض قوم اش به آنها ، ناتوان بود .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً

احساس ناتوانی لوط(ع) و تنگ دیدن عرصه بر خود، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

9 - فرشتگان ، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او ، دلداری دادند .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

10 - لوط (ع) ، با ورود ملائکه به محضرش ، نگران شد و ترسید .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

11 - حضرت لوط (ع) نگران گرفتار شدن در عذاب فراگیری بود که برای قوم اش مقدر شده بود .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً سیء بهم . . . و قالوا لاتخف و لاتحزن إنا منجّوك

دلداری ملائکه به لوط(ع) و اطمینان بخشی به وی برای نجات حتمی از عذاب، می تواند قرینه باشد بر این که نگرانی لوط(ع) به خاطر نکته بالا بوده است.

12 - فرشتگان مأمور به عذاب قوم لوط ، مأموریت شان را به اطلاع لوط (ع) رساندند .

قالوا . . . إنا منجّوك وأهلك إلا امرأتك

13 - پس از حضور فرشتگان مأمور عذاب ، حضرت لوط (ع) و فرشتگان ، به گفتگو پرداختند .

وَلَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوْطًا . . . وَقَالُوا لَا تَخَفْ

14 - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إِنَّا مَنجُوک وَأَهْلَکَ إِلَّا امْرَأَتَکَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 134 - 1

1 - لوط (ع) و خاندان او ، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إِذْ نَجَّیْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِیْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 135 - 1,2,7

1 - همسر حضرت لوط ، از هلاک شدگان عذاب الهی قوم لوط بود .

إِلَّا عَجُوْزًا فِی الْغَیْبِ

«غایر» (مفرد «غایرین») به معنای باقی و مانده است و مقصود از آن، کسانی اند که از شهر بیرون نیامده و به عذاب الهی

ص: 105

قوم لوط گرفتار شدند.

2- همسر لوط به هنگام نزول عذاب ، در سن پیری و فرسودگی قرار داشت .

إِلَّا عَجُوزًا

«عجوز» به کسی گفته می شود که در سن پیری و فرسودگی باشد و نشاط برای کار و تلاش نداشته و از آن عاجز باشد.

7- نجات لوط (ع) و مؤمنان ، از عذاب الهی ، با خروج از شهر انجام پذیرفت .

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغُبْرَيْنِ

از آمدن تعبیر «غابرین» (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 36 - 3

3- مقاومت شدید و یکپارچه جامعه لوط (ع) ، در برابر آن حضرت و رسالت او

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 3,4,6

3- هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی ؛ به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ

4- نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نَجِّينَ هُمْ بِسِحْرِ

6- خروج مخفیانه خاندان لوط ، تدبیری الهی ، برای دفع مزاحمت کافران نسبت به ایشان *

نَجِّينَ هُمْ بِسِحْرِ

انتخاب لحظات تاریک سحر برای خروج خاندان لوط، احتمال دارد از آن جهت باشد که خروج علنی، آنان را در معرض مزاحمت کافران قرار می داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 2

2- شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجین_هم ... نعمه من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 1,4,5,7,8,9

1 - جسارت قوم لوط تا سرحد تلاش ، برای در اختیار گرفتن و آلوده ساختن میهمانان پیامبر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

4- لوط پیامبر (ع) ، تنها و بدون پشتیبان در میان قوم فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

از این که مخالفان لوط(ع) جرأت مراجعه به آن حضرت برای امری ناشایست را پیدا کردند و کسی هم جز خداوند از ایشان

ص: 106

حمایت نکرد، مطلب بالا استفاده می شود.

5- تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

«مراوده» به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

7- مردان مصمم به تجاوز نسبت به میهمانان لوط، مورد انتقام الهی با کور شدن چشم هایشان

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

«طمس» (مصدر «طمسنا») به معنای محوکردن و از بین بردن است. بنابراین «طمسنا أعینهم»؛ یعنی، چشمانشان را از آنان گرفتیم و نابینایشان کردیم.

8- کور شدن چشم های متجاوزان قوم لوط، پیش درآمد عذاب الهی برای آنان

فذوقوا عذابی و نذر

به کار رفتن واژه «ذوقوا»، ظاهراً کنایه از این است که این عذاب را بچشید تا عذاب اصلی بر سرتان فرود آید.

9- «عن ابی یزید الحمار عن ابی عبداللّه . . . فلما دخلوا (أی دخلوا قوم لوط) أهوی جبرئیل یاصبعه نحوهم فذهبت أعینهم و هو قوله « فطمسنا أعینهم . . . »؛

ابی یزید حمار از امام صادق (ع) روایت نموده است: . . پس چون قوم لوط وارد خانه لوط (ع) شدند، جبرئیل با انگشت خود به سوی آنها نشانه گرفت که در اثر آن، چشم هایشان کور شد و این سخن خداوند است که فرمود: فطمسنا أعینهم . . .».

129- قصه لوط (ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 174 - 1

1- نجات لوط (ع) و خاندانش _ به جز همسر وی _ و هلاکت قوم زشت کردارش، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

«ذلک» به جریان نجات لوط (ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. «آیه» در این جا معادل «عبره» است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

130- قصه همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 3

3 - همسران نوح و لوط پیامبر ، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار داشتند .

کاتتا تحت عبدین من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر «تحت عبدین» استفاده شده است.

ص: 107

131- قضاوت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3_ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط (ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

132- قوم لوط و لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 82 - 7، 8

7_ لوط و همراهانش، حتی در دیدگاه مخالفان، انسانهایی پاک و منزّه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس يتطهرون

8_ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاّب فسادها و ارتکاب رفتارهای پلید و ناروا

إنهم أناس يتطهرون

به کارگیری فعل مضارع «یتطهرون» بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 1، 4، 5، 8

1- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن، مورد سرزنش قومش قرار گرفت.

قال إن هـؤلاء ضیفی . . . قالوا أو لم ننهک عن العـلمین

4- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند.

فلاتقضحون . . . و لاتخزون. قالوا أو لم ننهک عن العـلمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع

کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

5- قوم لوط، حضرت لوط (ع) را از ارتباط و تماس با دیگر اقوام، منع کرده و برحذر می داشتند .

قالوا أولم ننهك عن العـلمین

8- « قال أبو جعفر (ع) : . . . و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقري الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلما رأى قوم لوط ذلك منه قالوا

له : إنا ننهاك عن العالمين لا تقري ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك . . . ;

امام باقر(ع) فرمود: .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگواری بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت. [امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...».

ص: 108

133- قوم لوط و مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 79 - 1,3

1_ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هـ_ؤلاء بناتی هنّ أطهر لكم .. قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق

3_ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 67 - 1

1- قوم لوط ، پس از اطلاع از ورود مهمانان به خانه لوط (ع) شادی کنان به سراغ آنان شتافتند .

و جاء أهل المدینه یستبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 7، 1، 5

1- حضرت لوط (ع) در پی هجوم قومش برای تعرض به مهمانان او ، آنان را از هرگونه تجاوز به آنها برحذر داشت .

و جاء أهل المدینه یستبشرون. قال إن هـ_ؤلاء ضیفی فلا تفضحون

5- برخورد قوم لوط با مهمانان حضرت لوط (ع) ، برخوردی اهانت آمیز و آبروبرانداز بود .

قال إن هـ_ؤلاء ضیفی فلا تفضحون

7- حضرت لوط (ع) از نیت سوء و تجاوزکارانه قومش نسبت به مهمانان خویش باخبر و از آن به شدت نگران و بیمناک بود .

قال إن هـ_ؤلاء ضیفی فلا تفضحون

درخواست لوط (ع) از قومش برای اجتناب از عملی شرم آور، به دنبال روانه شدن آنان به در خانه آن حضرت _ بی آنکه توضیح دیگری داده

شده باشد _ حکایت از این نکته می کند که لوط(ع) از قصد آنان باخبر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 5

5 - تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

«مراوده» به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

134- کافران به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 109

6 - اعراف - 7 - 83 - 4

4_ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 19

19_ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك .. إلا امرأتك إنه مصیبا ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط _ که جمله «إنه مصیبا ما أصابهم» دلالت بر آن دارد _ حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارد شده_ ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

135- کفر به دین لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 6

6_ جدایی دیرینه زن لوط از آیین و روش همسرش ، عامل جدا ماندن وی از خانواده لوط و نجات نیافتن از عذاب الهی

إلا امرأته كانت من الغبرین

136- کفر همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 4

4_ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 19

19_ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك . . . إلا امرأتک إنه مصیبتها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط _ که جمله «إنه مصیبتها ما أصابهم» دلالت بر آن دارد _ حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارد شده_ ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 171 - 2

ص: 110

2 - همسر لوط ، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إلّا عجوزاً فی الغـبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 10

10 - همسر لوط ، از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

لننجیته و أهله إلّا امرأته كانت من الغـبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 16

16 - همسر لوط (ع) از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

إنا منجّوك . . . إلّا امرأتک كانت من الغـبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 135 - 3

3 - تمامی اعضای خاندان لوط ، به جز همسر او ، مؤمن بودند .

إذ نجّیه و أهله أجمعین . إلّا عجوزاً فی الغـبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که عذاب به جهت کفر است، پس نجات خاندان لوط دلیل ایمان شان و عذاب همسر لوط به نشانه کفر او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 2،8

2 - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفّار و المنفقین . . . ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط

8 - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

137- کمی مؤمنان به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 36 - 1

1 - وجود تنها یک خانواده مؤمن ، در میان قوم لوط

فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين

ص: 111

138- کوری متجاوزان به مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 9

9 - « عن أبي يزيد الحمار عن أبي عبدالله . . . فلما دخلوا (أى دخلوا قوم لوط) أهوى جبرئيل بإصبعه نحوهم فذهبت أعينهم و هو قوله « فطمسنا أعينهم . . . » ;

ابی یزید حمار از امام صادق (ع) روایت نموده است: .. پس چون قوم لوط وارد خانه لوط (ع) شدند، جبرئیل با انگشت خود به سوی آنها نشانه گرفت که در اثر آن، چشم هایشان کور شد و این سخن خداوند است که فرمود: فطمسنا أعینهم...».

139- کیفیت ورود ملائکه بر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 1

1- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

«قوم» از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمائر «إنکم» و «منکرون» به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

140- کیفیت هجرت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 5

5- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر، حرکتی دسته جمعی، سریع، به دور از انظار مردم و محرمانه بود .

فأسر بأهلک بقطع من الیل . . . و امضوا حیث تؤمرون

نظارت حضرت لوط (ع) بر حرکت خاندانش (و اتّبع أذبارهم) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من اللیل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

141- کیفیت هجرت لوط (ع)

5- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر، حرکتی دسته جمعی، سریع، به دور از انظار مردم و محرمانه بود.

فأسر بأهلك بقطع من الليل... وامضوا حيث تؤمرون

نظارت حضرت لوط(ع) بر حرکت خاندانش (و اتبع أديارهم) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود

(بقطع من الليل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

142- گفتگوی لوط (ع) با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 13

13 - پس از حضور فرشتگانِ مأمور عذاب، حضرت لوط (ع) و فرشتگان، به گفتگو پرداختند.

و لَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوطًا . . . وَقَالُوا لَا تَخَفْ

143- گفتگوی ملائکه با لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 4

4- گفت و گوی مستقیم فرشتگان با حضرت لوط (ع)

قال إنکم قوم منکرون. قالوا

144- گناه همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 19

19_ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلک . . . إلا امرأتک إنه مصیبتها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط _ که جمله «إنه مصیبتها ما أصابهم» دلالت بر آن دارد _ حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارد شده_ ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 60 - 1

1- همسر لوط (ع) در زمره مجرمان قوم لوط و عذاب شدگان الهی بود .

إلّا ءال لوط إنا لمنجّوهم . . . إلّا امرأته

145- لوط (ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 113

2_ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كلاً هدينا ... و من ذريته ... كل من الصالحين ... و إسمعيل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 75 - 2

2- حضرت لوط (ع)، از صالحان و شایستگان بود.

إنّه من الصّـلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 4

4 - حضرت نوح و لوط (ع)، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صـلحین

146- لوط(ع) در سرزمین سدوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 82 - 6

6_ لوط، پیامبری مهاجر به دیار سدوم، نه اهل آن سامان *

أخرجوهم من قریتکم

خداوند پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از وی، یعنی شعیب، را برادر قومشان خواند. ولی در مورد بعثت لوط چنین تعبیری آورده نشد. این مطلب می تواند اشاره به این باشد که لوط از افراد امت قوش نبوده است. انتساب «قریه» به مخالفان لوط با اضافه آن به «کم» می تواند بیانگر این باشد که لوط از مهاجران به آن دیار بوده است و آن دیار بنا بر گفته مفسران بخشی از سرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

147- لوط(ع) و ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17_ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

ص: 114

148- لوط (ع) و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 12, 14, 17, 25

12_ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازداری آنان از تعرض به میهمانان خویش برآمد .

قال ی قوم .. فائقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

14_ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فائقوا الله

17_ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

25_ « عن أبی عبد الله (ع) فی قول لوط « هـؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم » قال : عرض علیهم التزویج :

از امام صادق (ع) درباره سخن لوط که فرموده: «اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند» روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد».

149- لوط (ع) و کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 4

4_ بازداشتن مردم از فحشا و لواط ، مهمترین و مقدمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

150- لوط (ع) و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 3, 4

3_ لوط (ع)، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم . . . وقال هـ ذایوم عصیب

4_ لوط (ع) با ورود فرشتگان، عرصه را بر خویشان تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت.

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً

«ذرعاً» - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمیزی مبدل از فاعل می باشد. بنابر این «ضاق بهم ذرعاً»؛ یعنی، ضاق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مَثَل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. «سیء» فعل مجهول «ساء» (ناراحتش کرد) است و «باء» در «بهم» سببیه است. بنابراین «سیء بهم» یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 115

25_ لوط (ع) از فرشتگان خواست تا در عذاب قومش تعجیل کنند . *

إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

استفهام در «اَليس . . .» تقریری است و هدف از آن، اقرار و اعتراف مخاطب به مضمون جمله ای است که پس از آن واقع می شود. اقرار و اعتراف گرفتن از لوط(ع) بر اینکه هنگام فرارسیدن عذاب قومش نزدیک است، می رساند که وی خواهان تعجیل در عذاب آن قوم بوده است.

28_ « عن أبي بصير وغيره عن أحدهما عليهما السلام: . . . لما قال جبرئيل: «إنا رسل ربك» قال له لوط: يا جبرئيل عجل، قال: نعم، قال: يا جبرئيل عجل، قال: «إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب» . . . فأدخل جناحه تحتها حتى إذا استعلت قلبها عليهم ورمى جدران المدینه بحجار من سجّيل وسمعت إمراه لوط الهدهه فهلكت منها;

ابوبصیر و غیر او از امام باقر یا امام صادق _علیهما السلام_ روایت کرده اند که فرمود: هنگامی که جبرئیل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرستادگان پروردگار تو هستیم، لوط به او گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: باشد. لوط گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: «موعدهم هلاکت آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟»... پس بال خود را به زیر زمین آن دیار فرو برد، آن گاه که آن آبادی بالا رفت آن را به روی آنان واژگون کرد و دیوارهای شهر را با سجیل (سنگ گِل) سنگباران کرد. همسر لوط صدای شدید فرو ریختن دیوارها را شنید و از آن صدا به هلاکت رسید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 2

2- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه _ که در آیه بعد آمده است _ مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 9

9- ناشناخته بودن فرشتگان برای حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرض قومش به آنان

و جاء أهل المدینه یستبشرون . قال إن هـ ولاء ضیفی فلا تفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) با مشاهده قصد تعرض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

151- مبارزه علیه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 36 - 3

3 - مقاومت شدید و یکپارچه جامعه لوط (ع) ، در برابر آن حضرت و رسالت او

فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین

ص: 116

152- مبارزه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 82 - 2

2_ مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خویش موجب طرح پیشنهاد اخراج وی و همراهانش از دیارشان

و لوطاً إذ قال لقومه... قالوا أخرجوهم

پیشنهاد اخراج لوط از یکسو به مبارزات وی مرتبط شده است؛ زیرا جمله «إلا أن قالوا...» در پاسخ تبلیغات و هدایتگریهای لوط ایراد گردیده است؛ و از سوی دیگر این پیشنهاد با جمله «انهم...» تعلیل شده است. بنابراین تصمیم قوم لوط به اخراج وی و همراهانش به دو علت بوده است: یکی مبارزه وی با فسادها و دیگری پاک زیستن وی و همراهانش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 7

7_ لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود.

لن يصلوا إليك

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند: «لن يصلوا إليك؛ آنان از دسترسی به ما ناتوانند». این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط (ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 167 - 4

4- تلاش پیگیر و مجدّانه لوط (ع)، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لن لم تنته ی_ لوط لتكونن من المخرجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 168 - 2،3

2- حضرت لوط (ع) _ به رغم تهدید شدن به تبعید _ تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید.

قال إني لعملكم من القالين

3- لوط پیامبر ، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إني لعملكم من القالين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لوط(ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 54 - 4

4- مبارزه با فحشا و زشت کرداری ، مهم ترین مسؤلیت و رسالت لوط

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفـ حشه

ص: 117

مقدم آمدن «أتأتون الف_حشه» و قرار گرفتن آن در رأس پیام های لوط، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 10

10 - لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آمیزش با مردان، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد.

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفِجْهَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 30 - 4,5

4 - لوط (ع)، برای بازداشتن قوم اش از کردار زشت، با آنان به مبارزه برخاست.

أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ... رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمَفْسِدِينَ

طلب نصرت از خدا بر ضد قوم مفسد، برای بیان این است که لوط(ع) با آنان به مبارزه برخاست و در مبارزه اش، نیاز به امداد الهی داشت.

5 - لوط (ع) در مبارزه اش با کردار های زشت قوم خود، تنها بود.

قال رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمَفْسِدِينَ

ضمیر مفعولی «نی» در دعای لوط(ع)، حکایت از تنهایی آن حضرت در مبارزه با فحشا می کند.

153- مبارزه لوط (ع) با فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 3

3 - سرگذشت لوط (ع)، در مبارزه بر ضد فحشا، پندآموز و شایسته یاد و یادآوری است.

و لوطًا إِذْ قَالَ

«لوطًا» احتمال دارد که عطف به آیه چهارده باشد و احتمال دارد که مفعول فعل مقدر «اذکر» باشد. بنابر احتمال دوم، نکته بالا قابل استفاده است.

154- متجاوزان به مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 7,8

7 - مردان مصمم به تجاوز نسبت به میهمانان لوط ، مورد انتقام الهی با کور شدن چشم هایشان

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

«طمس» (مصدر «طمسنا») به معنای محوکردن و از بین بردن است. بنابراین «طمسنا أعینهم»؛ یعنی، چشمانشان را از آنان گرفتیم و نابینایشان کردیم.

8 - کور شدن چشم های متجاوزان قوم لوط ، پیش درآمد عذاب الهی برای آنان

فذوقوا عذابی و نذر

ص: 118

به کار رفتن واژه «ذوقوا»، ظاهراً کنایه از این است که این عذاب را بچشید تا عذاب اصلی بر سرتان فرود آید.

155- مجادله در انذارهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 2

2- روی آوردن قوم لوط، به جدال و تشکیک نسبت به انذارها؛ بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم... فتماروا بالتندر

156- محدوده رسالت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 2

2- رسالت لوط (ع)، محدود به قوم لوط بود.

و لقد أرسلنا نوحًا... و لوطًا إذ قال لقومه

157- محدوده علم لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 77 - 3

3_ لوط (ع)، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطًا سيء بهم... وقال هـ ذاب يوم عصيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 62 - 3

3- علم حضرت لوط (ع)، محدود بود.

قال إنكم قوم منكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ناشناخته بودن فرشتگان برای حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرض قومش به آنان

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) با مشاهده قصد تعرض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

ص: 119

158- محمد (صلی الله علیه و آله) و قصه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 82 - 9

9_ «عن أبي جعفر (ع) : . . . ان جبرئیل قال [لرسول الله] : إني نوديت من تلقاء العرش . . . اهبط إلى قرية قوم لوط و ما حوت فاقلعتها من تحت سبع أرضين . . . فهبطت على أهل القرية . . . فاقلعتها . . . ثم عرجت بها . . . فقلبتا عليها حتى صار أسفلها أعلاها . . . فقال له رسول الله (صلی الله علیه و آله) : يا جبرئیل و أين كانت قريتهم من البلاد؟ فقال جبرئیل : كان موضع قريتهم في موضع بحيره طبريه اليوم و هي في نواحي الشام قال له رسول الله (صلی الله علیه و آله) : رأيتك حين قلبتها عليهم في أي موضع من الأرضين وقعت القرية و أهلها؟ فقال : يا محمد وقعت فيما بين بحر الشام إلى مصر فصارت تلوأ في البحر . . .»

از امام باقر (ع) روایت شده است: . . . که جبرئیل به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفت: از سوی عرش به من ندا رسید . . . به آبادی لوط و آنچه در میان دارد فرود آی و آن جا را از زیر هفت زمین بکن . . . پس من بر اهل آن قریه فرود آمدم . . . و آن را از جای کندم . . . و بالا بردم . . . و بر روی آنان واژگون کردم تا اینکه زیر و رو شد . . . رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از جبرئیل پرسید: قریه قوم لوط در کجای بلاد بود؟ جبرئیل گفت: قریه آنان در محل دریاچه طبریه امروز بود که در نواحی شام واقع شده بود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به جبرئیل فرمود: بگو بدانم هنگامی که قریه را بر روی آنان واژگون کردی، آن قریه و اهلس در کجای زمین افتاد. جبرئیل گفت: ای محمد! در میان دریای شام تا مصر افتاد و به صورت تپه هایی در میان دریا درآمد.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 133 - 2

2 - سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبر اسلام و مؤمنان

وإن لوطاً لمن المرسلین

یادآوری سرگذشت لوط (ع) برای پیامبر اسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

159- مخالفت با لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 1

1_ خداوند قوم لوط را به سبب مخالفتشان با لوط و استمرارشان بر عمل شنیع لواط به هلاکت رساند .

فانجینه و أهله إلا امرأته كانت من الغبرین

160- مربی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 6

6_ لوط (ع) تحت تربیت خداوند و برخوردار از حمایت او بود.

إنارسل ربك

ص: 120

برداشت فوق ، از «ربک» (مدبر و مربی تو) استفاده شده است.

161- مردمی بودن لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 6

6- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهر ها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهك عن العَلَمین

«عالم» به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

162- مزد رسالت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 164 - 1

1 - تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر . . . إلاّ علی ربّ العَلَمین

163- مسؤلیت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 6

6- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . . . و امضوا حیث تؤمرون

164- مسؤلیت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 4

4_ بازداشتن مردم از فحشا و لواط ، مهمترین و مقدمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 121

5- لوط (ع)، خویشان را موظف به محافظت از میهمانان خویش می دانست .

و لما جاءت رسلنا . . . قال هـ ذاب يوم عصيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14_ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش، از دیار آنان خارج شود .

فأسر بأهلك بقطع من اليل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر...) در شب نزول عذاب نبوده باشد؛ بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی، مأمور گردید .

فأسر بأهلك . . . و اتبع أدب رهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتبع أدبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم...) مؤید همین مطلب است.

3- لوط (ع)، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك . . . و اتبع أدب رهم

6- حضرت لوط (ع) و خاندانش، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . . . و امضوا حیث تؤمرون

10- « قال أبو جعفر (ع) : . . . « فلما جاء آل لوط المرسلون » . . . قالوا . . . « فأسر بأهلك » یا لوط إذا مضى لك من يومك هـ ذاب سبعة أيام و لياليها « بقطع من الليل » إذا مضى نصف الليل « . . . و امضوا » من تلك الليلة « حیث تؤمرون » . . . ;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند... گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر... و در آن شب به هر جا که فرماتان داده اند بروید...».

165- مسؤلیت مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 3

3_ لوط (ع)، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم... وقال هـذا یوم عصیب

ص: 122

166- مسیر هجرت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 10، 6

6- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . . . و امضوا حیث تؤمرون

10- « قال أبو جعفر (ع) : . . . « فلما جاء آل لوط المرسلون » . . . قالوا . . . « فأسر بأهلك » یا لوط إذا مضى لك من يومك هـ ذاً سبعة أيام و لياليها « بقطع من الليل » إذا مضى نصف الليل « . . . و امضوا » من تلك الليلة « حیث تؤمرون » . . . ;

امام باقر (ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . . . گفتند: . . . ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر . . . و در آن شب به هر جا که فرماتان داده اند بروید . . .».

167- مسیر هجرت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 10، 6

6- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . . . و امضوا حیث تؤمرون

10- « قال أبو جعفر (ع) : . . . « فلما جاء آل لوط المرسلون » . . . قالوا . . . « فأسر بأهلك » یا لوط إذا مضى لك من يومك هـ ذاً سبعة أيام و لياليها « بقطع من الليل » إذا مضى نصف الليل « . . . و امضوا » من تلك الليلة « حیث تؤمرون » . . . ;

امام باقر (ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . . . گفتند: . . . ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر . . . و در آن شب به هر جا که فرماتان داده اند بروید . . .».

168- مقامات لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3_ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

ص: 123

أولئك الذين آتاهم الكتب والحكم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - حجر - 15 - 72 - 4

4- حضرت لوط (ع) دارای مقام و منزلتی والا در پیشگاه خداوند

لعمرك إنهم لفي سكرتهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 74 - 2

2- حضرت لوط (ع) از جانب خداوند ، از منصب قضاوت و داوری برخوردار بود .

و لوطاً آتینَه حکماً

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «حکم» به معنای «قضاوت» باشد (لسان العرب). گفتمی است کاربرد «حکم» به معنای «قضاوت»، بسیار شایع است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 54 - 1

1 - لوط (ع) ، از پیامبران الهی و ادامه دهنده خط رسالت

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صـ لِحاً . . و لوطاً

کلمه «لوطاً» می تواند عطف به «صالحاً» و به تقدیر «و أرسلنا لوطاً» باشد. هم چنین می تواند مفعول برای فعل محذوف و به تقدیر «و اذکر لوطاً» باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صافات - 37 - 133 - 1

1 - لوط (ع) ، از رسولان الهی

و إن لوطاً لمن المرسلین

169- مقدرات همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 18

18_ همسر لوط ، باید به غذایی که برای قوم لوط مقدر شده بود ، گرفتار می شد .

إنه مصیبها ما أصابهم

ضمیر در «إنه» به اصطلاح ضمیر شأن است و حاکی از تأکید می باشد.

ص: 124

170- مکذبان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 43 - 3

3 - مخالفت همگانی قوم لوط با رسالت او و دروغگو خوانده شدن وی از سوی آنان

و قوم ابرهیم و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 160 - 1

1 - تکذیب رسالت لوط (ع) از سوی قومش

کذبت قوم لوط المرسلین

171- ملائکه عذاب و لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 23

23_ « عن أبي عبد الله (ع) قال : إن الله تعالى بعث أربعه أملاك في إهلاك قوم لوط . . . فأتوا لوطاً . . . فسلموا عليه . . . فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم . . . ثم مشى فلما بلغ باب المدينة . . . دخل و دخلوا معه حتى دخل منزله فلما رأتهم إمرأته . . . صعدت فوق السطح و صفت فلم يسمعوا فدخت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلى الباب يهرعون . . . »

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . . . آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند . . . لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند؛ سپس رفت تا به دروازه شهر رسید . . . او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید . . . بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشنیدند. پس دود به پا کرد؛ همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...».

172- ملائکه و لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 1,2

1_ فرشتگان پس از گفتگو با ابراهیم (ع)، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطاً

2_ فرشتگان، به صورت و شکل انسان ها بر حضرت لوط (ع) وارد شدند.

و لما جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 -

2،8،11،15،16،24،26،27

2_ فرشتگان میهمان بر لوط (ع)، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند.

قالوا یـلوط إنا رسل ربک

ص: 125

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند ، استفاده می شود.

8_ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد .

قالوا یـ لوط إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک

11_ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

فأسر بأهلک بقطع من الیل

«اسراء» (مصدر أسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و «باء» در «بأهلک» برای تعدیه می باشد و «ال» در «اللیل» عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله «فأسر...» چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

15_ فرشتگان ، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لایلتفت منکم أحد

16_ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب ، به همراه خویش کوچ ندهد .

فأسر بأهلک بقطع من الیل . . . إلا امرأتک

برداشت فوق، بر این اساس است که «امرأتک» استثنا از «أهلک» باشد.

24_ فرشتگان ، با بیان نزدیک بودن زمان عذاب ، از لوط (ع) خواستند تا خروج خویش را به تأخیر نیندازد .

فأسر بأهلک . . . إن موعدهم الصبح أیس الصبح بقرب

جمله «إن موعدهم الصبح . . .» به منزله تعلیل برای «فأسر بأهلک...» می باشد.

26_ «عن أبي جعفر (ع) : . . . « فلما جاء آل لوط المرسلون . . . قالوا : . . . « فأسر بأهلک » یا لوط إذا مضی لک من یومک هـ ذاً سبعة أيام و لیالیها « بقطع من اللیل » إذا مضی نصف اللیل . . . » ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند ... گفتند: ... ای لوط! از این تاریخ پس از گذشت هفت شبانه روز نیمه شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ...».

27_ «عن أبي جعفر (ع) : . . . إن الله تعالی لما أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إلیهم ملائکه . . . وقالوا للوط : أسر بأهلک من هـ ذه القریه اللیل . . . فلما إنتصف اللیل سار لوط بیناته . . . » ;

از امام باقر روایت شده است: . . . هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط

گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی برون ببر ... چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 63 - 2, 1

1- قطعی شدن نزول عذاب الهی (استیصال) و فرارسیدن موعد آن بر قوم لوط، توسط فرشتگان به حضرت لوط (ع) ابلاغ گردید.

قالوا بل جنن ک بما کانوا فیه یمترو

2- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان، خود را مأموران الهی معرفی کردند.

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جنن ک بما کانوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 64 - 1

ص: 126

1- تأکید فرشتگان در محضر حضرت لوط (ع) مبنی بر تحقق قطعی نزول عذاب (استیصال) بر قوم لوط

وأتینك بالحق وإنا لصلدقون

مقصود از «بالحق» خبر حق و راست است و مراد از این خبر حق، عذاب الهی بود.

173- منشأ آگاهی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 66 - 1

1- خداوند، پیشاپیش حضرت لوط (ع) را از مقدر شدن عذاب بر قومش آگاه ساخت.

وقضینا إلیه ذلک الأمر

متعدی شدن «قضینا» به «إلی» متضمن معنای «أوحینا» است. بنابراین معنای جمله «وقضینا إلیه ذلک الأمر» چنین می شود: ما این امر (عذاب) را به او (لوط(ع)) وحی کردیم و آگاهی ساختیم.

174- منشأ حکمت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 1

1- حضرت لوط (ع)، از علم و حکمت خدا دادی برخوردار بود.

ولوطاءاتینه حکماً وعلماً

یکی از معانی «حکم»، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

175- منشأ عذاب همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 60 - 2

2- باقی ماندن همسر لوط (ع) در میان عذاب شدگان قوم لوط، به تقدیر و دستور خدا بود.

إلا امرأته قدرنا إنها لمن الغیرین

تردیدی نیست که همه مقدرات به دست خداوند است و انتساب تقدیر (قدرنا) به فرشتگان، می تواند به خاطر این باشد که آنان مجری این تقدیر بوده اند.

176- منشأ قضاوت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 2

ص: 127

2- حضرت لوط (ع) از جانب خداوند ، از منصب قضاوت و داوری برخوردار بود .

و لوطاً اتینَه حکماً

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «حکم» به معنای «قضاوت» باشد (لسان العرب). گفتنی است کاربرد «حکم» به معنای «قضاوت»، بسیار شایع است.

177- منشأ نجات خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 170 - 2

2- نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و اهلی ممّا یعملون . فنّجینَه و اهله أجمعین

178- منشأ نجات لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 170 - 2

2- نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و اهلی ممّا یعملون . فنّجینَه و اهله أجمعین

179- منشأ هلاکت همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 57 - 7

7- فرو گذاشتن همسر لوط در میان قوم محکوم به عذاب ، براساس تقدیر الهی و برنامه از پیش تعیین شده

قدّرنَها من الغـبرین

«غبور» (مصدر «غابرین») به معنای باقی ماندن است؛ یعنی، ما مقدر کردیم که همسر لوط از جمله باقی ماندگان باشد.

180- منیت خانواده لوط (ع)

2- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلک . . . و اتّبع أدبِ رهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع أدبِ رهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبدا کسی به

شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

181- موجبات عذاب همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 6

6_ جدایی دیرینه زن لوط از آیین و روش همسرش ، عامل جدا ماندن وی از خانواده لوط و نجات نیافتن از عذاب الهی

إلا امرأته كانت من الغبرین

182- موقعیت اجتماعی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 7

7- موقعیت حضرت لوط (ع) در میان قومش ضعیف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

قالوا أو لم ننهک عن الع_لمین

از اینکه قوم لوط آن حضرت را از تماس با دیگران نهی کردند و در موردی که او از این نهی تخلف ورزید، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 167 - 5

5- لوط (ع) ، فاقد پایگاه قوی ، در برابر منحرفان و دشمنان نیرومند خود

قالوا لئن لم تنته ی_لوط لتکوننّ من المخرجین

از تهدید حضرت لوط (ع) به وسیله قوم خود، نیرومندی آنان در مقایسه با او استفاده می شود.

183- مؤمنان به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 3

3_ از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 169 - 5

5- خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

رَبِّ نَجْنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

ص: 129

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 6

6 - از خویشاوندان لوط افرادی به وی ، ایمان آورده بودند .

لَننَجِّيَنَّهٗ وَاَهْلَهٗ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 15

15 - جمعی از خویشان لوط (ع) به وی ، ایمان آورده بودند .

إِنَّا مَنجُوكَ وَأَهْلَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 35 - 4

4 - لوط (ع) ، دارای طرفدارانی مؤمن ، به رغم کفر فراگیر جامعه وی

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

184- مؤمنان و قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 133 - 2

2 - سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

185- مهربانی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12_ لوط (ع)، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان، درصدد بازداری آنان از تعرض به میهمانان خویش برآمد.

قال ی_قوم .. فائقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

13_ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود.

قال ه_ذا یوم عصیب .. قال ی_قوم ه_ؤلاء بناتی

لوط با گفتن «یا قوم» (ای مردم من) و پیشنهاد ازدواج با دخترانش، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط (ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

ص: 130

186- مهمان نوازی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 5,7

5- لوط (ع)، خویشان را موظف به محافظت از میهمانان خویش می دانست .

و لما جاءت رسلنا .. قال هـذا يوم عصيب

7- «عن أبي جعفر (ع) : . . . و كان لوط ابن خاله ابراهيم و كانت إمرأه ابراهيم ساره أخت لوط و كان لوط و ابراهيم نبیین مرسلین منذرین و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقري الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر مرسل و اندازکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر می داشت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 7,14,17

7- لوط (ع)، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لوط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

ی قوم هـؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

14- لوط (ع)، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

17- لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخذاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 80 - 2,3

2- آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از میهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوه

«لو» در جمله فوق ، حرف تمنا و به معنای لیت (ای کاش) است.

3_ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو . . . أو اوی إلى رکن شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 7

7_ لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود .

لن یصلوا إلیک

ص: 131

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند: «لن يصلوا إلینا؛ آنان از دسترسی به ما ناتوانند». این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط (ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 8، 2، 1

1- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن، مورد سرزنش قومش قرار گرفت.

قال إن هـِـؤَلاءِ ضیفی . . . قالوا أو لم ننهک عن العـلمین

2- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش، مورد اعتراض قوم خود قرار گرفت.

قال إن هـِـؤَلاءِ ضیفی فلا تفضحون . . . قالوا أو لم ننهک عن العـلمین

8- «قال أبو جعفر (ع) : . . . وکان لوط رجلاً سخياً کربماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذرهم قومه ، قال : فلما رأى قوم لوط ذلک منه قالوا له : إنا ننهاک عن العالمین لا تقری ضیفاً ینزل بک ، إن فعلت فضعنا ضیفک الذی ینزل بک و أخزیناک . . . ;

امام باقر (ع) فرمود: .. لوط (ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت. [امام باقر (ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 71 - 2

2- حضرت لوط (ع) شخصیتی مهمان نواز و مدافع حریم مهمانان خود.

و جاء أهل المدینه یستبشرون . قال إن هـِـؤَلاءِ ضیفی فلا تفضحون . . . و لاتخزون . . . قال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 5

5- تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

«مراوده» به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

187- مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 12

12_ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازداری آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال ی قوم .. فاتقوا الله ولا تخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

ص: 132

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 1

1_ مهمانان لوط ، در پی مشاهده در ماندگی او در برابر مهاجمان ، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند .

قال لو أن لی بکم قوّه . . . قالوا یـلوط إنا رسل ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 61 - 1

1- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و تَبَّهَم عن ضیف إبرهیم . . . فما خطبکم ایها المرسلون ... فلما جاء ءال لوط المرس

الف و لام در «المرسلون» برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم ایها المرسلون، آیه 57) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه 68 نیز مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 1

1- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

«قوم» از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمائر «إنکم» و «منکرون» به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 3

3- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش ، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد ، بر حذر داشت .

ولاتخزون

1 - ملائکه عذاب قوم لوط، پس از گفتوگو با ابراهیم (ع)، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند.

وَلَمَّا جَاءت رَسَلُنَا اِبْرٰهِيْمَ . . . وَلَمَّا اَنْ جَاءت رَسَلُنَا لُوْطًا

3 - فرشتگان عذاب قوم لوط، به صورت انسان، بر لوط (ع) وارد شدند.

وَلَمَّا اَنْ جَاءت رَسَلُنَا لُوْطًا سِیْءٌ بِهٖم

احتمال دارد دلیل «سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً» این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط (ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط (ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

5 - حضرت لوط (ع)، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود.

وَلَمَّا اَنْ جَاءت رَسَلُنَا لُوْطًا سِیْءٌ بِهٖم وَ ضَاقَ بِهٖم ذَرْعًا

6- حضرت لوط (ع)، در دفاع از میهمانان اش در صورت تعرض قوم اش به آنها، ناتوان بود.

ولمّا آن جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم وضاق بهم ذرعاً

احساس ناتوانی لوط(ع) و تنگ دیدن عرصه بر خود، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

188- مهمترین رسالت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 161 - 5

5- دعوت به تقوا، محور تبلیغات و هدایت گری لوط (ع)

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 54 - 4

4- مبارزه با فحشا و زشت کرداری، مهم ترین مسؤلیت و رسالت لوط

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحش

مقدم آمدن «أتأتون الفحش» و قرار گرفتن آن در رأس پیام های لوط، بیانگر مطلب یاد شده است.

189- نبوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 89 - 3

3_ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 80 - 1

1_ لوط ، از پیامبران و فرستادگان خداوند

و لوطاً إذ قال لقومه

کلمه «لوط» می تواند عطف بر «نوحاً» در آیه 59 باشد ; یعنی «و ارسلا لوطاً». و نیز می تواند مفعولٌ به برای فعل مقدر «اذکر» باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 1

1_ خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسی

ص: 134

مراد از ضمیر در «من بعدهم» پیامبرانی است که داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 43 - 1

1 - ابراهیم و لوط (ع) ، از پیامبران الهی

و قوم ابرهیم و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 54 - 1

1 - لوط (ع) ، از پیامبران الهی و ادامه دهنده خط رسالت

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم ص لِحًا . . . و لوطًا

کلمه «لوطًا» می تواند عطف به «صالحًا» و به تقدیر «و أرسلنا لوطًا» باشد. هم چنین می تواند مفعول برای فعل محذوف و به تقدیر «و اذکر لوطًا» باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 28 - 1

1 - حضرت لوط (ع) ، پیامبری فرستاده شده از جانب خداوند

و لقد أرسلنا نوحًا . . . و ابرهیم . . . و لوطًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 133 - 1

1 - لوط (ع) ، از رسولان الهی

و إنَّ لوطًا لمن المرسلین

190- نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13_ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلک بقطع من الیل

26_ « عن أبي جعفر (ع) : . . . « فلما جاء آل لوط المرسلون . . . قالوا : . . . « فأسر بأهلک » یا لوط إذا مضى لك من یومک هـ ذابعه أيام و لیالیها « بقطع من اللیل » إذا مضى نصف اللیل . . . » ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . . . گفتند: . . . ای لوط! از این تاریخ پس از گذشت هفت شبانه روز نیمه شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر . . .».

27_ « عن أبي جعفر (ع) : . . . إن الله تعالى لما أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إليهم ملائکه . . . وقالوا للوط : أسر بأهلک من هـ ذه القریه اللیله . . . فلما إنتصف اللیل سار لوط بیناته . . . » ;

ص: 135

از امام باقر روایت شده است: .. هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی برون ببر ... چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 59 - 2

2- مأموران الهی، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند.

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء لوط إنا لمنجّوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 1

1- فرشتگان، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب، جهت نجات از عذاب الهی شدند.

فأسر بأهلك بقطع من اليل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 170 - 1

1 - استجاب دعاى لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

ربّ نجّی و أهلی ممّا يعملون . فنجّیـه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 171 - 1,4

1 - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی، به جز همسر پیر او

فنجّیـه و أهله أجمعین إلاء عجوزاً فی الغـبرین

«عجوز» به معنای پیر زن و «عجوزاً» مستثنی از «أهله» است. «غبور» (مصدر «غابرین») نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، «غابری» به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

4 - نجات لوط (ع) و اهلس از عذاب الهی، در گرو خروج آنان از شهر

فنجین-ه و أهله أجمعین . إلا عجوزاً فی الغ-برین

از واژه «الغابرین» استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 174 - 1،2

1 - نجات لوط (ع) و خاندانش - به جز همسر وی - و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لآیه

«ذلک» به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. «آیه» در این جا معادل «عبره» است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

2 - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش - به جز همسر وی - نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به

ص: 136

حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 57 - 1

1 - نجات لوط (ع) و خانواده اش - به جز همسر وی - از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فَأُنجِيْنَهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 134 - 1

1 - لوط (ع) و خاندان او، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 3

3 - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی؛ به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 1

1 - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجَّيْنَاهُمْ... نَعْمَةٌ مِنَّا

191- نجات خانواده لوط (ع) از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 5

5 - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجيها و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 14

14 - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

ص: 137

إِنَّا مَنْجُوكَ وَأَهْلِكَ إِلَّا أَمْرًا تَك

192- نجات خویشاوندان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 2

2_ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله «فانجینه» در مقابل جمله «كانت من الغبرین» (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین «فانجینه» یعنی: فانجینه باخراجنا اياه من بینهم.

193- نجات لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 13

13_ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من الیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 3

3- لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك .. و اتبع أدب_رهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 71 - 1

1- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به كیدًا .. و نجین_ه و لوطًا إلى الأرض التي ب_ركنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 5

5- خداوند ، حضرت لوط (ع) را از شر قوم پلید ، ناپاک و زشتکارش نجات داد .

و نَجِّينَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 170 - 1

ص: 138

1 - استجاب دعاى لوط (ع) مبنى بر نجات خود و كسان خود ، از شر قوم زشتكارش از سوى پروردگار

ربّ نجّنى و أهلى ممّا يعملون . فنّجّينـه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - شعراء - 26 - 171 - 4

4 - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهى ، در گرو خروج آنان از شهر

فنّجّينـه و أهله أجمعين . إلاّ عجوزاً فى الغـبرين

از واژه «الغابرين» استفاده مى شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - شعراء - 26 - 174 - 1,2

1 - نجات لوط (ع) و خاندانش _ به جز همسر وی _ و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فى ذلك لآيه

«ذلك» به جریان نجات لوط(ع) و كسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. «آیه» در این جا معادل «عبره» است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

2 - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش _ به جز همسر وی _ نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إنّ فى ذلك لآيه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - نمل - 27 - 57 - 1

1 - نجات لوط (ع) و خانواده اش _ به جز همسر وی _ از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجّينـه و أهله إلاّ امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 134 - 1

1 - لوط (ع) و خاندان او، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 135 - 7

7 - نجات لوط (ع) و مؤمنان، از عذاب الهی، با خروج از شهر انجام پذیرفت .

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

از آمدن تعبیر «غابرین» (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط، برداشت یاد شده به دست می آید.

ص: 139

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 3

3 - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی؛ به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 1

1 - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجِّينَ هُمْ... نَعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

194- نجات لوط (ع) از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 5

5 - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و اهل اش را، حتماً از عذاب نجات خواهند داد.

قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهٗ وَأَهْلَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 14

14 - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش، به جز همسرش را، از عذاب نجات خواهند داد.

إِنَّا مَنجُوكَ وَأَهْلِكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ

195- نژاد لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 161 - 1

1 - لوط (ع)، پیامبری از نژاد قوم خود و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم لوط

قید «أخوهم» می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی نسبی لوط(ع) با قومش باشد. و نیز می تواند تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان باشد.

ص: 140

196- نظارت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 2

2- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی، مأمور گردید.

فأسر بأهلك... و اتبع أدبهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتبع أدبهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم...) مؤید همین مطلب است.

197- نعمتهای خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 1

1 - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نجینهم... نعمه من عندنا

198- نعمتهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 1

1 - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نجینهم... نعمه من عندنا

199- نفاق همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 2,8

2 - همسران نوح و لوط پیامبر، نمونه بارز و مثال زدنی، برای جریان کفر و نفاق اند.

ج_هد الكفّار و المنفقين . . . ضرب الله مثلاً للذين كفروا امرأت نوح و امرأت لوط

8- کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخاتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و . . .

ص: 141

200- نقش خانه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 6

6- منزل حضرت لوط (ع)، محل مراجعه مردم از شهرها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أولم ننهك عن العـلمین

«عالم» به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

201- نقش لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 168 - 3

3- لوط پیامبر، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إني لعملكم من القالین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لوط (ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

202- نگرانی برای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 1, 2

1 - حضرت ابراهیم (ع) از عذاب قوم لوط، با وجود لوط (ع) در میان آنان، نگران بود.

و لَمَّا جَاءت رسلنا .. قالوا إنا مهلكوا أهل هـذـه القرية... قال إن فیها لوطًا

2 - حضرت ابراهیم (ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط، با وجود حضرت لوط (ع) در میان آنان به گفت وگو پرداخت.

قالوا إنا مهلكوا أهل هـذـه القرية .. قال إن فیها لوطًا قالوا نحن أعلم بمن فیه

203- نگرانی لوط (ع)

4_ لوط (ع) با ورود فرشتگان ، عرصه را بر خویشتن تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت .

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً

«ذرعاً» - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمیزی مبدل از فاعل می باشد. بنابر این «ضاق بهم ذرعاً»؛ یعنی، ضاق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مَثَل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. «سیء» فعل مجهول «ساء» (ناراحتش کرد) است و «باء» در «بهم» سببیه است. بنابراین «سیء بهم» یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 7

7- حضرت لوط (ع) از نیت سوء و تجاوزکارانه قومش نسبت به مهمانان خویش باخبر و از آن به شدت نگران و بیمناک بود .

قال إن هـِـؤلاء ضیفی فلا تفضحون

درخواست لوط(ع) از قومش برای اجتناب از عملی شرم آور، به دنبال روانه شدن آنان به در خانه آن حضرت _ بی آنکه توضیح دیگری داده شده باشد _ حکایت از این نکته می کند که لوط(ع) از قصد آنان باخبر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 55 - 2

2 - اظهار شگفتی و نگرانی لوط (ع) ، از انحراف فصاحت بار قوم خویش

أنتکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 33 - 9

9 - فرشتگان ، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او ، دلداری دادند .

وقالوا لاتخف ولا تحزن

204- نواهی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 7

7_ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش بر حذر باشند .

ی قوم هـِـؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 1

1- حضرت لوط (ع) در پی هجوم قومش برای تعرض به مهمانان او، آنان را از هرگونه تجاوز به آنها برحذر داشت .

و جاء أهل المدينة يستبشرون. قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 3

3- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد، برحذر داشت

و لاتخزون

ص: 143

205- نهی از ذلت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 3

3- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد، برحذر داشت

و لاتخزون

206- نهی به خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 4

4- خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود - که در معرض عذاب بود - برحذر داشت .

فأسر بأهلك . . . و لایلتفت منکم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه - به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلك) - بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

207- نهی به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 4

4- خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود - که در معرض عذاب بود - برحذر داشت .

فأسر بأهلك . . . و لایلتفت منکم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه - به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلك) - بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 3,5,8

3- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه و حمایت از آن ، منع کرده و برحذر داشتند .

قال إن هـِـؤلاء ضیفی . . . قالوا أو لم ننهک عن العـلمین

5- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از ارتباط و تماس با دیگر اقوام ، منع کرده و برحذر می داشتند .

قالوا أو لم ننهک عن العـلمین

8- « قال أبو جعفر (ع) : . . . و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلما رأى قوم لوط ذلك منه قالوا

له : إنا ننهاك عن العالمين لا تقرى ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك . . . »

ص: 144

امام باقر(ع) فرمود: .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت. [امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...».

208- نیاکان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 86 - 1

1_ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح(ع) بودند.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته .. و اسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

209- وحی به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 2

2_ فرشتگان میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا یـلوط انا رسل ربک

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند ، استفاده می شود.

210- ورود ملائکه بر خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 61 - 1

1- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و تبئهم عن ضیف ابرهیم .. فما خطبکم ایها المرسلون ... فلما جاء ءال لوط المرسل

الف و لام در «المرسلون» برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم ایها المرسلون، آیه 57) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه 68 نیز مؤید این نکته است.

211- ورود ملائکہ بر لوط (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 2

ص: 145

2- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان، از آنان خواستار معرفی خود گردید.

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه _ که در آیه بعد آمده است _ مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 63 - 2

2- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان، خود را مأموران الهی معرفی کردند.

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جئنک بما کانوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 64 - 2

2- فرشتگان وارد شده بر حضرت لوط (ع)، حامل پیام حق و دستوری تحقق یافتنی بودند.

و أتینک بالحق و إنا لصلدقون

مراد از «بالحق» به قرینه ذیل آیه که تأکید بر راستگویی است می تواند خبر و پیام حق باشد.

212- ورود ملائکه عذاب بر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 33 - 10، 7، 3

3- فرشتگان عذاب قوم لوط، به صورت انسان، بر لوط (ع) وارد شدند.

و لَمَّا آن جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم

احتمال دارد دلیل «سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً» این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط (ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط (ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

7- نگرانی لوط (ع) با ورود فرشتگان به نزد وی، در چهره اش نمایان شد.

وَلَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوْطًا سِىءَ بِهَمِّ . . . قَالُوا لَا تَخَفْ

10 - لوط (ع)، با ورود ملائکه به محضرش، نگران شد و ترسید.

وقالوا لا تخف ولا تحزن

213- وقت نجات خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 4

4 - نجات یافتن خاندان لوط، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نجین_هم بسحر

ص: 146

214- هتک آبروی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 4

4- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند.

فلاتفضحون... و لاتخزون. قالوا أولم ننهك عن العـلمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

215- هجرت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 13

13_ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود.

فأسر بأهلك بقطع من الیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 171 - 4

4- نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی، در گرو خروج آنان از شهر

فنجینـه و أهله أجمعین . إلا عجوزًا فی الغـبرین

از واژه «الغابرین» استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 172 - 1

1 - هلاکت قوم لوط، پس از خروج وی و خاندان مؤمنش از شهر

فنجینـه و أهله... ثم دمرنا الأخرین

«تدمیر» (مصدر «دمرنا») مرادف «إهلاک» و به معنای نابود کردن و از میان برداشتن است؛ یعنی، «سپس دیگران را هلاک گردانیدیم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 6

6 - خروج مخفیانه خاندان لوط ، تدبیری الهی ، برای دفع مزاحمت کافران نسبت به ایشان *

نجین_هم بسحر

ص: 147

انتخاب لحظات تاریک سحر برای خروج خاندان لوط، احتمال دارد از آن جهت باشد که خروج علنی، آنان را در معرض مزاحمت کافران قرار می داد.

216- هجرت شبانه خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 11, 10, 3, 2, 1

1- فرشتگان، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب، جهت نجات از عذاب الهی شدند.

فأسر بأهلک بقطع من الیل

2- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی، مأمور گردید.

فأسر بأهلک . . . و اتبع أدب_رهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتبع ادبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم...) مؤید همین مطلب است.

3- لوط (ع)، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر، خود نیز در پی آنان حرکت کند.

فأسر بأهلک . . . و اتبع أدب_رهم

10- « قال أبو جعفر (ع) : . . . « فلما جاء آل لوط المرسلون » . . . قالوا . . . « فأسر بأهلک » یا لوط إذا مضى لك من یومك هـ ذاب سبعة أيام و لیالیها « بقطع من اللیل » إذا مضى نصف اللیل « . . . و امضوا » من تلك اللیلة « حیث تؤمرون » . . . ;

امام باقر (ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . . . گفتند: . . . ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر . . . و در آن شب به هر جا که فرماتان داده اند بروید . . .».

11- « عن أبي جعفر (ع) : . . . إن الله تعالى لما أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إليهم ملائكة . . . وقالوا للوط : أسر بأهلک من هـ ذة القرية اللیلة . . . فلما انتصف اللیل سار لوط ببنااته . . . ;

از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: . . . هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد . . . آنان به لوط (ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده . . . چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد . . .».

217- هجرت شبانه لوط (ع)

11_ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

فأسر بأهلک بقطع من الیل

«اسراء» (مصدر أسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و «باء» در «بأهلک» برای تعدیه می باشد و «ال» در «اللیل» عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله «فأسر...» چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

ص: 148

27_ «عن أبي جعفر (ع) : . . . إن الله تعالى لما أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إليهم ملائكة . . . وقالوا للوط : أسر بأهلك من هـ ذه القرية الليلة . . . فلما إتصف الليل سار لوط ببنااته . . . » ;

از امام باقر روایت شده است: . . . هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد . . . آنان به لوط گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی برون ببر . . . چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 10,11,13

1- فرشتگان، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب، جهت نجات از عذاب الهی شدند.

فأسر بأهلك بقطع من الليل

3- لوط (ع)، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر، خود نیز در پی آنان حرکت کند.

فأسر بأهلك . . . و اتبع أدب رهم

10- «قال أبو جعفر (ع) : . . . « فلما جاء آل لوط المرسلون » . . . قالوا . . . « فأسر بأهلك » یا لوط إذا مضى لك من يومك هـ ذا سبعة أيام و لياليها « بقطع من الليل » إذا مضى نصف الليل « . . . و امضوا » من تلك الليلة « حيث تؤمرون » . . . » ;

امام باقر (ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . . . گفتند: . . . ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر . . . و در آن شب به هر جا که فرماتان داده اند بروید . . .».

11- «عن أبي جعفر (ع) : . . . إن الله تعالى لما أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إليهم ملائكة . . . وقالوا للوط : أسر بأهلك من هـ ذه القرية الليلة . . . فلما إتصف الليل سار لوط ببنااته . . . » ;

از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: . . . هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد . . . آنان به لوط (ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده . . . چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد . . .».

218- هجرت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 82 - 6

6_ لوط، پیامبری مهاجر به دیار سدوم، نه اهل آن سامان *

خداوند پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از وی، یعنی شعیب، را برادر قومشان خواند. ولی در مورد بعثت لوط چنین تعبیری آورده نشد. این مطلب می تواند اشاره به این باشد که لوط از افراد امت قوش نبوده است. انتساب «قریه» به مخالفان لوط با اضافه آن به «کم» می تواند بیانگر این باشد که لوط از مهاجران به آن دیار بوده است و آن دیار بنا بر گفته مفسران بخشی از سرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 2

2_ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله «فانجینه» در مقابل جمله «كانت من الغبرین» (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین «فانجینه» یعنی: فانجینه باخراجنا اياه من بینهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 14، 13

13_ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من الیل

14_ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب ، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش ، از دیار آنان خارج شود .

فأسر بأهلك بقطع من الیل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر...) در شب نزول عذاب نبوده باشد؛ بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 71 - 4، 2

2- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلی الأرض التي بـرکنا فیها

4- هجرتگاه ابراهیم و لوط (ع) (شام_ فلسطین) ، برای تمام مردم جهان با برکت است .

و نَجینـه و لوطًا إلی الأرض التي بـرکنا فیها للعـلمین

«عالم» به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات است. مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک می باشد. گفتنی است نوع مفسران برآنند که

مقصود از سرزمین مبارک، شام (فلسطین) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 171 - 4

4 - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی، در گرو خروج آنان از شهر

فنجینَه و أهله أجمعین . إلاَّ عجوزًا فی الغـبرین

از واژه «الغابرین» استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 26 - 13، 2

2 - حضرت لوط (ع) پس از ایمان آوردن به حضرت ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به سرزمین دیگری هجرت کند .

ص: 150

فأمن له لوط وقال إنني مهاجر إلى ربِّي

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر فاعلی «قال» به قرینه «فأمن له لوط» حضرت لوط(ع) باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

13 - «عن أبي جعفر (ع): «... فأمن له لوط» و خرج مهاجراً إلى الشام هو و ساره و لوط ;

از امام باقر(ع) روایت شده که: «.. لوط، ابراهیم(ع) را تصدیق کرد و با آن حضرت و ساره به شام هجرت کرد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 135 - 7

7 - نجات لوط (ع) و مؤمنان، از عذاب الهی، با خروج از شهر انجام پذیرفت.

إلا عجوزاً في الغـبرين

از آمدن تعبیر «غابرين» (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط، برداشت یاد شده به دست می آید.

219- هدایت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 86 - 2

2_ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كلاً هدينا .. و من ذريته ... كل من الصالحين ... وإسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

220- هدایتگری لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 72 - 6

6- سرمستی، تحیّر و بصیرت نداشتن قوم لوط، مانع هدایت پذیری از رهنمود های حضرت لوط(ع) بود.

و اتقوا الله و لاتخزون .. لعمرک انهم لفی سکرتهم یعمهون

«سکره» به معنای از بین رفتن و از کار افتادن عقل است و «عمه» به معنای تردد ناشی از تحیّر در امور است. بنابراین مقصود از جمله

«لفی سکرتهم یعمهون» سرمستی و متحیر بودن و از دست دادن بصیرت در امور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 161 - 5

5 - دعوت به تقوا، محور تبلیغات و هدایت گری لوط (ع)

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون

221- هشدارهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 151

1 - تأثیرناپذیری قوم لوط ، در برابر هشدارها و هدایت گری های او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط

2 - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدارهای خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

222- هلاکت همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 5

5_ همسر لوط با ماندن در میان کافران به عذاب الهی گرفتار شد و به هلاکت رسید .

إلا امرأته كانت من الغبرين

«غابر» به معنای باقی مانده است. بنابراین «کانت من الغبرين» بیانگر این است که همسر لوط به جهت باقی ماندن در میان قومش، از عذاب الهی رهایی نیافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 28

28_ «عن أبي بصير وغيره عن أحدهما عليهما السلام: ... لما قال جبرئيل: «إنا رسل ربك» قال له لوط: يا جبرئيل عجل، قال: نعم، قال: يا جبرئيل عجل، قال: «إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقریب» ... فأدخل جناحه تحتها حتى إذا استعلت قلبها عليهم ورمى جدران المدینه بحجار من سجیل وسمعت إمرأه لوط الهدهه فهلكت منها؛

ابوبصیر و غیر او از امام باقر یا امام صادق_علیهما السلام_ روایت کرده اند که فرمود: هنگامی که جبرئیل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرستادگان پروردگار تو هستیم، لوط به او گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: باشد. لوط گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: «موعد هلاکت آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟»... پس بال خود را به زیر زمین آن دیار فرو برد، آن گاه که آن آبادی بالا رفت آن را به روی آنان واژگون کرد و دیوارهای شهر را با سجیل (سنگ گل) سنگباران کرد. همسر لوط صدای شدید فرو ریختن دیوارها را شنید و از آن صدا به هلاکت رسید.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجینَه و أهله أجمعین إلاَّ عجوزًا فی الغَبرین

«عجوز» به معنای پیر زن و «عجوزاً» مستثنی از «أهله» است. «غبور» (مصدر «غابرین») نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، «غابر» به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - نجات لوط (ع) و خاندانش _ به جز همسر وی _ و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

ص: 152

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

«ذلک» به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. «آیه» در این جا معادل «عبره» است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 135 - 1

1 - همسر حضرت لوط ، از هلاک شدگان عذاب الهی قوم لوط بود .

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

«غابر» (مفرد «غابرين») به معنای باقی و مانده است و مقصود از آن، کسانی اند که از شهر بیرون نیامده و به عذاب الهی قوم لوط گرفتار شدند.

223- همسر لوط(ع) در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 10

10 - همسران نوح و لوط ، همانند کافران از دوزخیان اند .

و قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ

224- همسر لوط(ع) هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 16,17

16_ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب ، به همراه خویش کوچ ندهد .

فَأَسْرَأْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ . . . إِلَّا امْرَأَتَكَ

برداشت فوق، بر این اساس است که «امراتک» استثنا از «أهلك» باشد.

17_ از میان خانواده لوط (ع) تنها همسرش به هنگام کوچ شبانه از سیر باز ماند و به طرف دیار قوم لوط بازگشت .

و لَآيِلْتُمْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که «إلا امرأتک» استثنا از جمله «لا یتلفت . . .» باشد. بر این مبنا جمله «لا یتلفت...» این مصیبهها ما اصابهم» چنین معنا می شود: هیچ یک از شماها نباید از سیر باز ماند و به سوی خانه خود باز گردد و لکن همسرت تخلف خواهد کرد و باز خواهد گشت؛ زیرا باید به عذاب گرفتار شود.

225- همسفران لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 16,17

ص: 153

16_ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب، به همراه خویش کوچ نهد.

فأسر بأهلك بقطع من اليل . . . إلا امرأتك

برداشت فوق، بر این اساس است که «امرأتک» استثنا از «أهلك» باشد.

17_ از میان خانواده لوط (ع) تنها همسرش به هنگام کوچ شبانه از سیر باز ماند و به طرف دیار قوم لوط بازگشت.

و لا يلفت منكم أحد إلا امرأتك

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که «إلا امرأتک» استثنا از جمله «لا يلفت . . .» باشد. بر این مبنا جمله «لا يلفت . . .» این مصیبهها ما أصابهم» چنین معنا می شود: هیچ یک از شماها نباید از سیر باز ماند و به سوی خانه خود باز گردد و لکن همسرت تخلف خواهد کرد و باز خواهد گشت؛ زیرا باید به عذاب گرفتار شود.

226- یأس لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 169 - 1

1 - ناامیدی لوط (ع) از هدایت پذیری قوم خویش

ربّ نجّی و اهلی ممّا یعملون

اقدام لوط(ع) به طرح درخواست نجات از پیشگاه خداوند، نشان می دهد که او از هدایت قومش کاملاً مأیوس شده بود.

ص: 154

1- آثار ترویج لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 6 - 3

3 - کافران، به منظور منحرف ساختن جامعه از راه خدا و ترویج باطل، سرمایه گذاری می کردند.

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله

آورده شدن فعل مضارع «یشتري» و «یضل» دلالت بر تلاش های مستمر می کند.

2- آثار لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 7

7_ اشتغال به دنیا و سرگرم شدن به آن، انسان را از آخرت باز می دارد.

و ما الحيوه الدنيا إلا لعب و لهو و للدار الآخرة خير للذين يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 7 - 3

3 - دل مبتلا به لهو و باطل، از آیات الهی هیچ تأثیری نمی پذیرد.

من يشتري لهو الحديث... و إذا تتلى عليه آيتنا ولى مستكبراً كأن لم يسمعها

از این که آیه گفته است برخی از مردم، در پی خرید حدیث لهنود، استفاده می شود که آنان، دل در گرو لهو دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 4

4- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا... إنما الحيوه الدنيا لعب و لهو

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

ص: 155

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 23

23 - بازی ، سرگرمی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی ، از مظاهر و جلوه های فریبندگی دنیا

أثما الحيوه الدنيا لعب ... و تكاثر ... و ما الحيوه الدنيا إلا متع الغرور

معرفی دنیا به متاع فریبنده، در پایان آیه شریفه _ پس از آن که در آغاز آن با پنج ویژگی شناسانده شده است _ می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

3- آثار لهو و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 3 - 3

3- لهو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیة قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

4- استهزای طالبان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 7 - 12

12 - لهوگرایان رویگردان از آیات خداوند ، مورد استهزای خداوندند .

فبشره بعداب أليم

کاربرد «بشارت» _ که در خیر خوش حال کننده استعمال می شود _ برای «عذاب» به منظور استهزا و تمسخر است.

5- اهمیت اجتناب از لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 1 - 3

3 - ضرورت پرهیز از سرگرمی ها و ترک امور بازدارنده از توجه به حسابرسی ها در قیامت

ألهیکم التکاثر

آیه «لتسئلنّ یومئذ عن النعمیم» در آخر سوره _ که بر حسابرسی از نعمت ها دلالت دارد _ نشانگر آن است که سرگرم شدن به تکاثر، مایه غفلت از حسابرسی است و باید انسان از آنچه او را سرگرم ساخته و از اهداف نعمت ها بازمی دارد، پرهیز کند تا هنگام حسابرسی نعمت ها، پاسخی داشته باشد.

ص: 156

6- تهدید طالبان لهُو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 7 - 11

11 - لهوگرایانِ مستکبرِ حق ناپذیر ، مورد تهدید خداوند به عذابی بس دردناک اند .

و من الناس من یشتري لهو الحدیث . . . ولی مستکبراً... فبشره بعذاب الیم

7- خدا و لهُو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 17 - 1,2,3,4

1- اراده خداوند ، به انجام کاری به منظور بازیچه و سرگرمی خویش تعلق نمی گیرد .

و ما خلقنا . . . ل_عبین . لو أردنا أن نتخذ لهوًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «لو» امتناعیه باشد بر این اساس معنای آیه چنین می شود: «اگر ما چیزی را _ بر فرض محال و صرف نظر از غیر ممکن بودن آن و یا دون شأن ما بودن آن _ به منظور بازیچه و سرگرمی خویش می گرفتیم . . .». گفتنی است که برخی از مفسران «ان» در «ان کنا فاعلین» را نافی دانسته اند؛ که در این صورت مؤید برداشت یاد شده خواهد بود.

2- مخلوقات ، هرگز اسباب سرگرمی و لعب و لهو آفریدگار خویش نیستند .

لو أردنا أن نتخذ لهوًا لاتخذن_ه من لدنا إن كنا ف_علین

3- توانایی بر آفریدن جهان کنونی برای بازیچه و سرگرمی خویش ، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست .

لو أردنا أن نتخذ لهوًا لاتخذن_ه من لدنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «من لدنا»، معنای «من جهه قدرتنا» را افاده کند (چنان که برخی از مفسران بزرگ بر این نظرند). و یا این که «من لدنا» ظرف مختص _ در قبال «من لدن غیرنا» باشد. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: «اگر بنا بود جهان را سرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خدایان ادعایی مشرکان و یا دیگر قدرت ها؛ پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است». گفتنی است آمدن «لدنا» _ که برای ابتدای غایت است _ به جای «عندنا» _ که برای صرف حضور است _ مؤید برداشت یاد شده است.

4- اگر خداوند _ بر فرض محال _ به منظور سرگرمی خود جهانی می آفرید ، جهان طبیعت ، شایسته این منظور نبود ؛ بلکه جهانی برتر از آن را انتخاب می کرد .

لو أردنا أن نتخذ لهُوَلاً لَاتَّخَذْنَـه من لدنَّا إن كُنَّا فـعلین

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که «من لدنَّا» به معنای «مما عندنا» باشد و یا معنای «مما یلیق بحضرتنا. ..» را افاده کند؛ یعنی، بر فرض انتخاب سرگرمی، از عوالم و موجوداتی که پیش خودمان است و مقرب تر به ما و برتر از جهان طبیعت است (از قبیل مجردات و ...) برمی گزیدیم.

8- زمینه لهُوَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 157

7- جهل و نادانی ، عامل کشیده شدن انسان به ورطه لهو و بیهودگی است .

یشتری لهو الحدیث . . . بغیر علم

9- ساجدان و لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 5

5- اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، میرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم س_مدون . فاسجدوا لله واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

10- سخنان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 6 - 9

9- سخنان گمراه کننده و بازدارنده انسان از راه خدا مصداق « لهو » است .

یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل الله

11- سنگینی گوش مروجان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 7 - 8

8- رواج دهندگان سخنان باطل ، به قدری از آیات خدا گریزانند که گویا سنگینی گوش دارند .

کأنّ فی أذنیه وقراً

12- طالبان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - برخی از مردم ، به دنبال فراگیری سخنان بیهوده و داستان های بی اساس اند .

و من الناس من یشتري لهو الحدیث

«لهو» در لغت، به معنای هر چیزی است که انسان را از مقصدش باز دارد. عبارت «لهو الحدیث» اضافه صفت به موصوف

ص: 158

خودش است و به معنای «سخن و کلام و یا افسانه های بیهوده» است.

10 - گروهی از مردم، در برخورد با آیات قرآن کریم، آن را می پذیرند و گروهی دیگر، از آن روی گردانده و به سخنان بیهوده روی می آورند.

تلك آيات الكتَب... هدى... للمحسنين... و من الناس من يشترى لهو الحديث

آیه، عطف معنوی به آیات پیش و یا عطف قصه به قصه است و گویا، در صدد بیان این نکته است که مردم، در برخورد با قرآن، دو دسته اند: گروهی از آنان محسنان اند که هدایت پذیرند و گروهی دیگر، از آن گریزانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 7 - 4

4 - کسانی که در پی کسب لهو و گمراهی مردم اند، در برخورد با آیات خداوند، از آن اعراض می کنند.

و من الناس من يشترى لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله... و إذا تتلى عليه آياتنا

13- عابدان و لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 5

5 - اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند، میرا از سرمستی، غرور و لهو

و تضحكون و لا تبكون. و أنتم سـمدون. فاسجدوا لله واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

14- کافران و ترویج لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 6 - 2

2 - برخی از کافران عصر پیامبر، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی، داستان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند.

و من الناس من يشترى لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله

درباره این که «مراد از «من الناس» در این آیه و نیز «خرید حدیث لهو» چیست؟»، مفسران گفته اند، بعضی از کافران مکه، به کشورهای

مانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با قرآن، رواج می دادند. لازم به ذکر است که مراد از «سبیل الله» در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

ص: 159

15- کيفر مروجان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - لقمان - 31 - 6 - 13

13 - رواج دهندگان باطل ، مستحق عذابي خوارکننده اند .

من يشرى لهو الحديث .. أولئك لهم عذاب مهين

16- لهو بودن دنيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - عنكبوت - 29 - 64 - 7، 1

1 - زندگي دنيايي ، جز سرگرمي و بازی نيست .

و ما هـ ذه الحيوه الدنيا إلا لهو و لعب

«لهو» چيزي است که انسان را از هدف باز می دارد (مفردات راغب) و «لعب»، انجام دادن کاری است که قصدي در آن نيست (مفردات راغب)

7 - مشرکان ، از بازیچه بودن حيات دنيايي و حيات راستين بودن عالم آخرت ، بي خبرند .

و لئن سألتهم من .. و ما هـ ذه الحيوه الدنيا ... لو كانوا يعلمون

بنابراين که ضمير فاعلي «يعلمون» _ به قرينه سياق _ مشرکاني باشد که در آيات پيشين، از آنها سخن گفته شده است، نکته بالا، قابل استفاده است.

17- لهو در نوجواني

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حدید - 57 - 20 - 6

6 - لهو و اشتغال به کار های سرگرم کننده ، اقتضای دوران نوجواني است .

أنما الحيوه الدنيا .. و لهو

18- متقين و لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 8

8_ تقوایندگان از لهو و لعب و غفلت از آخرت دور هستند.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الآخره خیر للذین یتقون

ص: 160

19- مسلمانان صدر اسلام و لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 11 - 1، 2

1 - مسلمانان صدر اسلام، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی، جذب آن می شدند و مصلاً را ترک و پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه، رها می کردند.

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و تركوك قائماً

2 - نكوهش مسلمانان صدر اسلام از سوی خداوند، به خاطر ترك مصلاً برای داد و ستد و یا تماشای لهو و رها کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و تركوك قائماً

20- موارد لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 1، 3

1_ واقعیت زندگی دنیا منهای اعتقاد به آخرت، جز پوچی و بیهودگی نیست.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

3_ واقعیت زندگی منکران معاد، جز بازی و سرگرمی چیز دیگری نیست.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله... و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

گرچه وجهه غالب دنیا لهو و لعب است، در عین حال می دانیم که همین دنیا سبب ارتقای رتبه ها و کسب درجات است. لذا می توان گفت این آیه ناظر به آیات قبل است که درباره منکران معاد بود. یعنی زندگی دنیا برای آنان جز لعب و لهو معنای دیگری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 6 - 9، 19

9 - سخنان گمراه کننده و بازدارنده انسان از راه خدا مصداق « لهو » است.

یشتری لهو الحدیث لیصل عن سبیل الله

19 - « فی مجمع البیان : و روی . . . عن أبي عبد الله (ع) قال : هو الطعن بالحقّ و الإستهزاء به . . . » ;

در مجمع البیان [ذیل آیه] «و من الناس من یشتری لهو الحدیث» آمده است: از امام صادق (ع) روایت شده که گفت: لهو الحدیث، طعنه زدن به حق و مسخره کردن آن است. . .».

21- موضعگیری مروجان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 7 - 14

14 - گمراهان و رواج دهندگان سخنان باطل در برابر قرآن کریم ، در مقابل هر پیامی که نشانه الهی داشت ، موضع گیری می کردند و حساسیت شان ، تنها مربوط به تلاوت آیات خدا از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبود .

ص: 161

و إذا تتلى عليه آءى-تنا ولى مستكبراً

مجهول آورده شدن فعل «تتلى» به جای فعل معلوم، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

22- نصر بن حارث و ترویج لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 6 - 18

18 - «عن أبى جعفر (ع) فى قوله «و من الناس من يشتري لهو الحديث . . .» فهو النصر بن الحارث . . . و كان النصر راوياً لأحاديث الناس و أشعارهم . . .»

از امام باقر(ع) درباره این سخن خداوند «و من الناس من يشتري لهو الحديث» روایت شده است که: او، نصر بن حارث بود . . . او، گفتارهای بیهوده دیگران و اشعار آنان را روایت می کرده است...».

لهو و لعب

23- {لهو و لعب}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 5، 2، 1

1 - برخی مردم بازی و سرگرمیهای دنیا را به عنوان دین خود برگزیده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً

2 - گروهی از مردم نابخردانه دین خدا را بازیچه و سرگرمی برای خود قرار داده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً

مراد از «دینهم» می تواند آیین الهی باشد که برای آنان نازل گشته، ولی آنان به جای تمسک آن را بازیچه خویش قرار داده اند.

5 - مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی آیتنا . . . یخوضوا فی حدیث غیره . . . و ذر الذین اتخذوا دینهم لعباً

مراد از «الذین . . .»، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

24- آثار لهو و لعب

3- لهُو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیة قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

ص: 162

8- لیاقت

1- ارزش لیاقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 70 - 7

7_ تفصّلات خداوند به افراد ، بر اساس علم او به شایستگی و لیاقت آنان

ذلک الفضل من اللّٰه و کفی باللّٰه علیماً

2- لیاقت آخرت طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 74 - 2

2_ تنها آخرت طلبان وارسته از دنیا ، توان و لیاقت نبرد در راه خدا را دارند .

فلیقاتل فی سبیل اللّٰه الذّٰین یشرون الیوه الدّٰنیا بالآخره

3- لیاقت در مدیریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 3

3_ لیاقت و اهل بودن ، شرط واگذاری مسؤولیت ها و مقام ها به افراد

انّ اللّٰه یأمركم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها

از مهمترین مصادیق امانت، مسؤولیتها و مقامهایی است که در اجتماع به افراد واگذار می شود.

4- لیاقت محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 51 - 5

5_ پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله)، برخوردار از توانایی ها و شایستگی های لازم برای ابلاغ رسالت جهانی خویش

و لو شئنا لبعثنا فی کلّ قریه نذیرًا

اكتفا به رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به جای پیامبران متعدد برای هر منطقه ای، می تواند حاکی از توان مندی و قابلیت بسیار آن حضرت برای ایفای نقش جهانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 1 - 6

6 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، دارای مقامی والا در پیشگاه خداوند و شایسته اهدای شرح صدر

الم شرح لک صدرک

«لام» در «لک» یا برای تعلیل است یا انتفاع. در صورت اول، مفاد آیه این است که: آیا به خاطر خودت به تو شرح صدر ندادیم؟ این تعبیر دلالت دارد که شخصیت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله)، علتی کافی برای عطاى شرح صدر بود. در صورت دوم، نشانه ارجمندی آن حضرت است که خداوند، در جهت منافع پیامبر (صلی الله علیه و آله) نعمت شرح صدر را در اختیارش نهاد.

5- لیاقت مشمولان شفاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 48 - 4

4 - وجود قابلیت و شایستگی در شفاعت شونندگان ، شرط پذیرش شفاعت درباره آنان

عن المجرمین . . . فما تنفعهم شفاعه الشفعین

6- لیاقت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 15 - 10

10_ یوسف (ع) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به . . . و أوحینا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 55 - 3,4,6

3_ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله «إنی حفیظ علیم» تعلیل برای «اجعلنی ..» است.

4_ یوسف (ع) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

6_ یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امر کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله «إنی حفیظ علیم» علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که

وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

7- نقش لیاقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 64 - 24

24_ قابلیت، شرط بهره مندی از تجلی صفات الهی

و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً

جمله «لوجدوا الله» به این معناست که اگر بندگان گنهکار توبه و استغفار نکنند، یعنی قابلیت در آنان نباشد، «تواب» و «رحیم» بودن خداوند را نمی یابند و شامل حال آنان نمی شود؛ نه اینکه خداوند «تواب» و «رحیم» نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 55 - 7

7- اعطای فضیلت بیشتر به برخی از انبیا از جانب خداوند، بر اساس علم او به شایستگی و لیاقت آنان است.

و رَّبِّكَ أَعْلَمُ بِمَن ... و لقد فضلنا بعض النبيين على بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 75 - 4

4- لزوم ملاک قرار دادن لیاقت و صلاحیت افراد در اعطای مناصب و مسؤولیت های اجتماعی به آنان

الله يصطفى من الملائكة رسولاً و من الناس

ص: 165

1- افساد مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 12، 1

1- مردم شمال، از طوایفی فسادانگیز به نام یأجوج و مأجوج، به ذوالقرنین شکایت بردند.

قالوا یٰ ذالقرنین إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون

مفسران و مؤرخان، با استفاده از ادله مختلف و برخی متون باستانی، این را مسلم گرفته اند که مراد از یأجوج و مأجوج، همان قبایل مغول و تاتار هستند.

12- «عن امیرالمؤمنین (ع): إنّ ذالقرنین... وجد... قوماً لایکادون یفقهون قولاً قالوا: یا ذالقرنین! إنّ یأجوج و مأجوج خلف هذین الجبلین و هم یفسدون فی الأرض إذا کان إبان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من هذین السدین، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتی لایبقون من ها شیئاً» فهل نجعل لک خرجاً «نؤدیه إلیک فی کلّ عام» علی أن تجعل بیننا و بینهم سدّاً» ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده: .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یأجوج و مأجوج، پشت این دو کوه اند و آنان در زمین فساد می کنند. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیدن میوه هایمان فرامی رسد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کوه) به ما حملهور شده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز از باقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟».

2- امت بودن مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 13

13- «عن حدیفه قال: سألت رسول الله (صلی الله علیه و آله) عن یأجوج و مأجوج؟ فقال: یأجوج أمّه و مأجوج أمّه» ;

از حدیفه، روایت شده که گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در باره یأجوج و مأجوج را پرسیدم؟ فرمود: یأجوج، یک امت و مأجوج هم یک امت است.».

3- ایمنی از هجوم مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 7

7- آسیب پذیران از هجوم یأجوج و مأجوج ، از ذوالقرنین برای ساختن سدّی در میانه دو رشته کوه بلند در برابر هجوم آن متجاوزان ، کمک خواستند .

قالوا یٰ ذالقرنین .. تجعل بیننا و بینهم سدًّا

4- پیروزی مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 96 - 3,4

3- تمامی راه های فتوحات به روی یأجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حتّٰی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

«حدب» به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و «نسل» (ماده «ینسلون») در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس «ینسلون»؛ یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

4- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یأجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حتّٰی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

اضافه شدن لفظ عموم «کلّ» بر اسم نکره «حدب» بیانگر این است که ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست؛ بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

5- خروج مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 96 - 1,2

1- سنت الهی بر ثبت اعمال مؤمنان برای پاداش و محرومیت هلاک شدگان از بازگشت به دنیا ، تا خروج یأجوج و مأجوج (انقراض دنیا) ادامه خواهد داشت .

فمن يعمل . . . و حرم علی . . . حتّی إذا فتحت یا جوج و مأجوج

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «حتّی» معنای غایت را افاده کند. البته میان اهل ادب در افاده آن برای غایت، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی از سیاق و آهنگ آیه، غایت قابل استفاده است. براین اساس «حتّی إذا فتحت...» غایت برای «فمن يعمل من الصالحات...» و حرام قریه...» خواهد بود. گفتنی است که نوع مفسران بر آنند که مقصود از یا جوج و مأجوج، دو گروه از مردمی هستند که در آخر الزمان ظاهر می شوند و به تاختوتاز و فتوحات دست می زنند و پس از مرگ آنان، عمر دنیا به پایان می رسد.

2- اختلافات دینی پیروان ادیان الهی در مسأله توحید، تا خروج یا جوج و مأجوج (انقراض دنیا) ادامه خواهد داشت .

و تقطّعوا أمرهم بینهم . . . حتّی إذا فتحت یا جوج و مأجوج

ص: 167

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «حتّی» غایت برای «و تقطّعوا أمرهم بینهم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 97 - 2

2- هجوم یاجوج و ماجوج ، از علایم نزدیکی برپایی قیامت است .

حتّی إذا فتحت یاجوج . . . و اقترب الوعد الحقّ

ماجرای یاجوج و ماجوج مربوط به دوره آخرالزمان است. بنابراین ذکر مسأله برپایی قیامت پس از این ماجرا، بیانگر این است که این ماجرا از علایم برپایی قیامت است.

6- خطر تجاوز ماجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 3

3- خطر هجوم یاجوج و ماجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یاجوج و ماجوج مفسدون فی الأرض

7- درگیری یاجوج و ماجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 99 - 3

3- از پیدایش درگیری های داخل میان یاجوج و ماجوج ، پس از ویرانی سد ذوالقرنین خبر داده است . *

فإذا جاء وعد ربّی جعله دكّاء . . . و تركنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

بدان احتمال که ضمیر در «بعضهم» به یاجوج و ماجوج بازگردد؛ یعنی، پس از ویرانی سد، آن ها، به کشمکش ها و تهاجمات گسترده به هم دست خواهند زد.

8- راههای هجوم ماجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 6

6- میانه دو کوه مرتفع و سدآسا، تنها راه نفوذ و حمله یاجوج و ماجوج (مغول و تاتار) علیه همسایگان خود بود .

فهل نجعل لك خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

ص: 168

9- عجز مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 97 - 2

2- یأجوج و مأجوج ، از صعود بر بالای سد ذوالقرنین و نیز ایجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما اسط_عوا أن يظهروه و ما استط_عوا له نقبًا

«ظهور» به معنای «علو» و بالا رفتن است «فما اسطاعوا أن يظهروه» یعنی: «اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند.» «نقب» به معنای «سوراخ و تونل» است و «ما استطاعوا له نقبًا» یعنی: «نتوانستند که در دیوار سد، تونل و یا معبر ایجاد کنند.»

10- قصه مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 6,12

6- میانه دو کوه مرتفع و سد آسا ، تنها راه نفوذ و حمله یأجوج و مأجوج (مغول و تاتار) علیه همسایگان خود بود .

فهل نجعل لك خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

12- « عن أمير المؤمنين (ع) : إنَّ ذالقرنین . . . وجد . . . قومًا لایکادون یفقهون قولاً قالوا : یا ذالقرنین ! إنَّ یأجوج و مأجوج خلف ه_ذین الجبلین و هم یفسدون فی الأرض إذا کان إِبَّان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من ه_ذین السدین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّی لایبقون من ها شئیًا » فهل نجعل لك خرجًا « نُؤدیه إلیک فی کلّ عام « علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا » ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده:.. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یأجوج و مأجوج، پشت این دو کوه اند و آنان در زمین فساد می کنند. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیدن میوه هایمان فرامی رسد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کوه) به ما حملهور شده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز از را باقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو پردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 97 - 2

2- یأجوج و مأجوج ، از صعود بر بالای سد ذوالقرنین و نیز ایجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما اسط_عوا أن يظهروه و ما استط_عوا له نقبًا

«ظهور» به معنای «علو» و بالا رفتن است «فما استطاعوا أن يظهروه» یعنی: «اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند.» «نقب» به معنای «سوراخ و تونل» است و «ما استطاعوا له نقباً» یعنی: «نتوانستند که در دیوار سد، تونل و یا معبر ایجاد کنند.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 96 - 3

3- تمامی راه های فتوحات به روی یاجوج و ماجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

ص: 169

حتّى إذا فتحت يأجوج و مأجوج و هم من كلّ حدب ینسلون

«حدب» به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و «نسل» (ماده «ینسلون») در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس «ینسلون»؛ یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

11- محدوده افساد مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 2

2- منطقه گسترده ای از سرزمین شمال، در عهد ذی القرنین، مورد تهدید هجوم ها و فسادگری های یأجوج و مأجوج قرار داشت.

إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

حرف «ال» در «فی الأرض» برای عهد حضوری است و چون تعبیر «فی الأرض» برای مناطق کوچک و محدود، تعبیر متعارفی نیست، مراد از آن منطقه ای گسترده خواهد بود.

12- وسعت هجوم مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 96 - 4

4- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یأجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حتّى إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من كلّ حدب ینسلون

اضافه شدن لفظ عموم «کُلّ» بر اسم نکره «حدب» بیانگر این است که ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست؛ بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

13- هجوم مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 96 - 3

3- تمامی راه های فتوحات به روی یأجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت.

حتّی إذا فتحت یا جوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

«حدب» به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و «نسل» (ماده «ینسلون») در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس «ینسلون»؛ یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

ص: 170

14- هجوم مأجوج در آخرالزمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 99 - 2

2- یأجوج و مأجوج ، در آستانه قیامت (آخرالزمان) به حمله و هجوم علیه دیگر انسان ها خواهند پرداخت .

و تركنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

ممکن است این آیات، در صدد پیش گویی برخی حوادث آخرالزمان و اشراف الساعه باشد. عبارت های «إذا جاء وعد ربی» و «نفخ فی الصور» جملگی، قرائن این معنا هستند. لذا جمله «تركنا...» بیان کننده برخی از همان اشراف الساعه خواهد بود؛ یعنی، در آن هنگام (و در پی متلاشی شدن سد ذوالقرنین) برخی مردم، موجب اضطراب برخی دیگر می شوند. و با توجه به این که سد، در برابر یأجوج و مأجوج بوده است، محتمل است، این اضطراب، از ناحیه هجوم و حمله آنان باشد.

ص: 171

1- آثار اضطراب مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 13

13 - قرار داشتن مادر موسی در آستانه افشا کردن راز فرزندش ، به خاطر شدت پریشانی و اضطراب

إن كادت لتبدي به لولا أن ربطنا على قلبها

2- آثار ترک نیکی به مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 9

9- ترک نیکی به مادر ، نشانه تیره بختی است . *

و برأ بولدتی و لم يجعلنی جبّاراً شقیّاً

ممکن است عطف «لم يجعلنی» بر جمله سابق عطف سبب بر مسبب باشد؛ یعنی چون خداوند مرا جبار و شقی قرار نداده، من با مادرم نیک رفتارم، بنابراین کسی که نیکی به مادر را ترک می کند شقی و جبار است.

3- آثار وحی به مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 12، 4، 2، 1

1 - تأثیر ژرف و آرامش بخش وحی الهی در دل مادر موسی

و أوحینا إلی أمّ موسی . . . و أصبح فؤاد أمّ موسی فرغاً

«أصبح» معادل «صار» و «فارغاً» مرادف «خالیاً» است. با توجه به ارتباط این آیه با آیه هفتم، تقدیر آن چنین می شود: «و صار فؤاد أمّ موسی بعد الوحی خالیاً من الخوف و الحزن؛ دل مادر موسی بعد از وحی ما از ترس و اندوه خالی گشت».

2- دل مادر موسی ، فارغ از ترس و اندوه نسبت به فرجام نوزادش پس از دریافت وحی الهی

و أوحینا إلی أمّ موسی . . . أن لاتخافی . . . و أصبح فؤاد أمّ موسی فرغاً

4- اطمینان یافتن مادر موسی به بازگردانده شدن فرزندش به آغوش وی ، پس از دریافت وحی الهی

ص: 172

لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين

12 - قرار داشتن مادر موسی در وضعیت اضطراب و پریشانی، پیش از وحی امیدبخش الهی به وی

و أصبح فؤاد أم موسى فرغاً .. لتبدي به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 11 - 1

1 - تبدیل شدن مادر موسی به شخصیتی مصمم و قادر بر انجام کارهای سترگ، پس از دریافت پیام امیدآفرین الهی

و أوحينا إلى أم موسى .. وقالت لأخته قصيه

جمله «وقالت ..» عطف بر محذوف است؛ یعنی، «فألقیه فی الیمّ وقالت لأخته قصیه». مادر موسی پس از دریافت وحی، اقدام به انداختن فرزندش در رود نیل کرد؛ با این که پیش از آن از فرط ترس و نگرانی نزدیک بود راز فرزندش را فاش سازد. این موضوع، بیانگر مطلب یاد شده است.

4- آرامش مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 10

10 - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

إنا رادّوه إليك

5- اجتناب از تحمیل به مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 10

10 - لزوم نیکی به مادر و پرهیز از تحمیل خواسته های خویش بر وی

ویراً بولدتی ولم يجعلنی جباراً

مراد از جمله «لم يجعلنی جباراً» (خداوند مرا مستبد و سلطه گر قرار نداده است) _ به قرینه «یراً بولدتی» _ این است که در برابر مادرم جبار نیستم.

6- احترام به مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 1

1- رفتار نیک با مادر و گرمی داشت وی ، سیرت الهی و خوی خدادادی عیسی (ع) ، از آغاز میلاد

و بَرّاً بولدتی

ص: 173

7- احترام به مادر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 4,32

4_ احترام ویژه یوسف (ع) به پدر و مادر خویش

و رفع ابویه علی العرش

32_ « از امام هادی (ع) درباره سخن خداوند « وخرّوا سجّداً » سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند: « أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف وإنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف ;

سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود ؛ بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود».

8- احسان به مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 7,8,12

7- مادر ، دارای حقی فزون تر از پدر ، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصینا الإنسَن بولدیه إحسَناً حملته أمّه کرهًا و وضعته کرهًا و حمله و فصَله

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است؛ ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون تر در مورد او است.

8- دشواری های دوران بارداری و زایمان ، دلیل لزوم احسان فرزند به مادر

و وصینا الإنسَن بولدیه إحسَناً حملته أمّه کرهًا و وضعته کرهًا

برداشت بالا- با توجه به دو نکته زیر است: الف) «کره» به معنای مشقت و دشواری است. ب) تعبیر «حملته أمّه» در واقع، بیانگر فلسفه «وصینا الإنسان...» است.

12- احسان به مادر ، پاسخی بایسته به سی ماه رنج و تلاش وی در رشد و تربیت فرزند

و وصینا الإنسَن بولدیه إحسَناً .. و حمله و فصَله لَه ثلثون شهرًا

تذکر خداوند، به سی ماه رنج مادر به پای فرزند، از مراحل نخستین تکوّن و شکل گیری و رشد او- در پی سفارش به احسان نسبت به

والدین _ مطلب بالا را می‌رساند.

9- ارث مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 11 - 16,18,20,21,40

16 _ برادران میت در صورتی که جنین باشند، حاجب مادر از ثلث نمی‌شوند.*

و ورثه ابواه فلامّه الثلث فان كان له اخوه فلامّه السدس

زیرا «اخوانه» منصرف به برادرانی است که متولد شده باشند.

18 _ برادران میت با وجود پدر و مادر و یا فرزندان او، ارث نمی‌برند.

ص: 174

و ورثه ابواه فلامه الثلث فان كان له اخوه فلامه السدس

زیرا با فرض وجود برادرانی برای میت (فان كان له اخوه)، تنها پدر و مادر او را وارث شمرده است (و ورثه ابواه).

20_ وجود دو برادر برای میت نمی تواند حاجب مادر از ثلث شود .

فان كان له اخوه فلامه السدس

بر این اساس که «اخوه»، به مقتضای جمع بودن، شامل دو برادر نشود.

21_ خواهران میت نمی توانند حاجب مادر از ثلث شوند . *

فان كان له اخوه فلامه السدس

40_ برادران مادری میت ، موجب تنزل سهم ارث مادر از یک سوّم به یک ششم نمی شوند .

فان كان له اخوه فلامه السدس

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. اولئك الاخوه من الاب فاذا كان الاخوه من الامّ لم يحجبوا الامّ عن الثلث.

کافی، ج 7، ص 93، ح 7؛ نورالثقلین، ج 1، ص 452، ح 103.

10- استغفار برای مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 41 - 1

1- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار آمرزش خود، پدر و مادرش و مؤمنان در روز برپایی قیامت شد .

ربّنا اغفرلی و لولدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب

11- استقبال از مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 99 - 3

3_ به استقبال پدر، مادر و بستگان رفتن و در خارج شهر به انتظار قدم آنان ماندن، رسمی نیکو و از آداب معاشرت است .

فلما دخلوا علی یوسف .. قال ادخلوا مصر

12- استقبال یوسف(ع) از مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 2

2_ یوسف (ع) برای استقبال از پدر و مادر، برادران و سایر بستگانش، از شهر مصر بیرون رفت.

فلما دخلوا علی یوسف .. قال ادخلوا مصر

جمله «ادخلوا مصر» (به مصر وارد شوید) گویای این است که یوسف(ع) در خارج شهر با خاندان خویش ملاقات کرد و در بیرون مصر به استقبال آنان رفت.

ص: 175

13- اضطراب مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 7

7 - شرایط اضطراب آور روحی برای مادر موسی به هنگام ولادت فرزندش و نیز احساس خطر برای او از جانب فرعونیان ، موجب سرگردانی وی در شیر دادن به موسی (ع) بود .

و أوحینا إلی أم موسی أن أرضعیه

توصیه خداوند به مادر موسی برای شیر دادن به فرزندش، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 12

12 - قرار داشتن مادر موسی در وضعیت اضطراب و پریشانی ، پیش از وحی امیدبخش الهی به وی

و أصبح فؤاد أم موسی فرغاً .. لتبدی به

14- اطمینان قلب مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 9

9 - راسخ شدن ایمان مادر موسی ، هدف الهی در محکم ساختن دل وی و اطمینان بخشیدن به وی

لولا أن ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین

15- اطمینان مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 39 - 4,5

4 - خداوند به مادر موسی (ع) اطمینان بخشید که آب خروشان نیل ، صندوق حامل موسی (ع) را به ساحل خواهد افکند .

فلیلقه الیمّ بالساحل

امر به دریا که باید صندوق را به ساحل بیفکند، مجاز و برای مبالغه در این است که آمدن صندوق به همراه جریان آب تا کناره رودخانه و افکنده شدن آن به خشکی، قطعی است.

5 - مادر موسی (ع)، به پیام خداوند ایمان داشت و به حفظ جان موسی (ع) از جانب او مطمئن بود.

إذ أوحينا .. أن اقدفیه ... يأخذہ عدو

به قرینه «القیة علیک محبه» و نیز آیات دیگر قرآن؛ مادر موسی (ع) به محتوای وحی الهی عمل کرد و موسی (ع) را به نیل سپرد. این کار گواه اطمینان مادر موسی (ع) به آن است که پیام دریافت شده وحی الهی بوده و نیز نشان از ایمان کامل او

ص: 176

دارد.

16- اندوه مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 13

13 - مادر موسی ، با چشم دوختن به سرنوشت نامعلوم فرزندش ، از دوری او اندوهگین بود .

کی تقرّ عینها و لاتحزن

آرام و قرارگرفتن چشم، کنایه از بر طرف شدن نگرانی شدیدی است که چشم را به سوی خیره می کند و یا آن را همواره به چپ و راست می چرخاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 9

9 - توصیه مادر موسی از سوی خدا به دور کردن ترس و اندوه از خود نسبت به سرنوشت فرزندش

و لاتخافی و لاتحزنی

17- اهمیت احترام به مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 9

9_ لزوم احترام به خویشاوندان خصوصاً به پدران و مادران

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه و قال ادخلوا مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 5

5_ لزوم احترام به پدر و مادر

و رفع أبویه علی العرش

18- اهمیت حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 7

7- مادر، دارای حقی فزون تر از پدر، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصینا الإنس بولدیه إحسنًا حملته أمّه کرهًا و وضعتہ کرهًا و حملہ و فصّله

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است؛ ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این

ص: 177

در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون تر در مورد او است.

19- اهمیت شیر مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 13

13 - شیردادن مادران به نوزادان خود، به مصالح و منافع نوزادان نزدیک تر از دایگان است.

فإن أرضعن لكم .. وإن تعاسرتم فسترضع له أختی

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان راه کارهای شایسته برای تأمین مصالح و منافع نوزادان است و در این راستا، شیردادن مادران بر دایگان مقدم ذکر شده است.

20- اهمیت نیکی به مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 10

10- لزوم نیکی به مادر و پرهیز از تحمیل خواسته های خویش بر وی

ویراً بولدتی و لم یجعلنی جباراً

مراد از جمله «لم یجعلنی جباراً» (خداوند مرا مستبد و سلطه گر قرار نداده است) _ به قرینه «براً بوالدتی» _ این است که در برابر مادرم جبار نیستم.

21- ایمان مادر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 41 - 5

5- پدر و مادر حضرت ابراهیم(ع) مؤمن و موحد بودند.

ربنا اغفر لی ولولدی

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) برای پدر و مادرش طلب آمرزش کرد، استفاده می شود که آنان مؤمن و موحد بودند.

22- ایمان مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 39 - 5

5- مادر موسی (ع) ، به پیام خداوند ایمان داشت و به حفظ جان موسی (ع) از جانب او مطمئن بود .

إذ أوحينا .. أن اقذفيه ... يأخذه عدوّ

ص: 178

به قرینه» القیت علیک محبه «و نیز آیات دیگر قرآن؛ مادر موسی(ع) به محتوای وحی الهی عمل کرد و موسی(ع) را به نیل سپرد. این کار گواه اطمینان مادر موسی(ع) به آن است که پیام دریافت شده وحی الهی بوده و نیز نشان از ایمان کامل او دارد.

23- برتری حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 11

11 - مادران ، دارای حقی فزون تر از پدران ، برگردن فرزند هستند . *

ووصینا الإنسـن بولدیه حملته أمّه وهنّا علی وهن وفصـله فی عامین أن اشکر . . .

تعلیل آوردن حکم تشکر از والدین، به این که مادر، سختی های بارداری را متحمل شده و فرزند را تا مدت دو سال شیر می دهد، می تواند به فزونی حق مادر اشاره داشته باشد.

24- بشارت به مادر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 11

11_ یوسف (ع) به پدر و مادر و بستگانش نوید داد که به خواست خدا در مصر ، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی در امان خواهند بود .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

«آمن» (مصدر آمین) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است _ که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) _ مصداق بارز از امنیت ، دغدغه معاش نداشتن و در امان بودن از ناحیه حکومت است.

25- بی نیازی از مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 5,6

5 - خداوند ، نیاز به فرزند و پدر و مادر ندارد .

اللّه الصمد . لم یلد و لم یولد

این آیه و آیه بعد، چنانچه تفسیر آیه قبل باشد؛ نداشتن فرزند و مبدأ پیدایش را، مصداق معنای «صمد» (بی نیازی) قرار داده است.

6- نیاز همه موجودات به خداوند ، دلیل بی نیازی او از فرزند و پدر و مادر است .

الصمد . لم یلد و لم یولد

این آیه، می تواند بیانگر لوازم «صمد» بودن خداوند باشد.

ص: 179

26- پاداش زحمات مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 12، 8، 7

7- مادر، دارای حقی فزون تر از پدر، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصینا الإنسَن بولدیه إحسَنًا حملته أمّه کرهًا و وضعته کرهًا و حمله و فصَله

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است؛ ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون تر در مورد او است.

8- دشواری های دوران بارداری و زایمان، دلیل لزوم احسان فرزند به مادر

و وصینا الإنسَن بولدیه إحسَنًا حملته أمّه کرهًا و وضعته کرهًا

برداشت بالا- با توجه به دو نکته زیر است: الف) «کره» به معنای مشقت و دشواری است. ب) تعبیر «حملته أمّه» در واقع، بیانگر فلسفه «وصینا الإنسان...» است.

12- احسان به مادر، پاسخی بایسته به سی ماه رنج و تلاش وی در رشد و تربیت فرزند

و وصینا الإنسَن بولدیه إحسَنًا .. و حمله و فصَله له ثلثون شهرًا

تذکر خداوند، به سی ماه رنج مادر به پای فرزند، از مراحل نخستین تکوّن و شکل گیری و رشد او- در پی سفارش به احسان نسبت به والدین- مطلب بالا را می رساند.

27- تحیر مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 7

7- شرایط اضطراب آور روحی برای مادر موسی به هنگام ولادت فرزندش و نیز احساس خطر برای او از جانب فرعونیان، موجب سرگردانی وی در شیر دادن به موسی (ع) بود.

و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه

توصیه خداوند به مادر موسی برای شیر دادن به فرزندش، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

28- ترس مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 9

9- توصیه مادر موسی از سوی خدا به دور کردن ترس و اندوه از خود نسبت به سرنوشت فرزندش

و لاتخافی و لاتحزنی

ص: 180

29- تسلیم به مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 11 - 3

3 - تسلیم بودن اعضای خانواده در برابر دستورات مادر موسی

وقالت لأخته قصّیه فبصرت به عن جُنُب

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خواهر موسی، به محض شنیدن فرمان مادر (قصّیه) بی درنگ به دنبال موسی روان شد.

30- تضييع حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 12

12 - حق مادر، در معرض تضييع از سوی فرزند است .

ووصّينا الإنسان بولديه حملته أمّه وهنّا على وهن . . . أن اشكرلى ولولديك

این که خداوند، در ضمن توصیه به رعایت حقوق پدر و مادر، تنها مشقّات و زحمت های مادر را در دوران بارداری و شیر دادن یادآوری می کند، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

31- تكليف مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 39 - 2

2 - خداوند، مادر موسی را به نهادن او در صندوق و افکندن آن به رود نیل، فرمان داد .

أن اقدفیه فی التابوت فاقدفیه فی الیمّ

مدلول «قذف» پرتاب کردن و افکندن است (مقایس اللغه) و «اقدفی» که هم در مورد گذاردن موسی(ع) در صندوق و هم افکندن صندوق به آب، به کار رفته، گویای این است که باید موسی(ع) به گونه ای در صندوق قرار داده شده و به آب افکنده شود که هر بیننده ای گمان کند آن را دور انداخته اند. «تابوت»، یعنی صندوق (نهایه ابن اثیر) و «یمّ» به معنای دریا است و در آیه، مراد رود نیل است (لسان العرب).

32- توحید مادر ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 41 - 5

5- پدر و مادر حضرت ابراهیم (ع) مؤمن و موحد بودند .

ربّنا اغفرلی و لولدیّ

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) برای پدر و مادرش طلب آمرزش کرد، استفاده می شود که آنان مؤمن و موحد بودند.

ص: 181

33- توصیه به مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 9

9- توصیه مادر موسی از سوی خدا به دور کردن ترس و اندوه از خود نسبت به سرنوشت فرزندش

و لاتخافی و لاتحزنی

34- تهمت به مادر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 7

7_ فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن یسرق) جمله ای محذوف است و جمله «فقد سرق . . .» - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب می باشد. بنابراین جمله «إن یسرق . . .» چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست؛ زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

35- حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 233 - 41, 30, 29, 14, 4

4_ عدم وجوب شیر دادن به نوزاد به مدّت دو سال بر مادر *

لمن اراد ان یتّم الرضاعه

چون حکم (ارضاع به مدّت دو سال) را تعلیق به اراده مادر کرده است، به نظر می رسد ارضاع به مدّت دو سال واجب نباشد؛ اگر چه اصل ارضاع واجب باشد.

14_ مادر، دارای حق حضانت و شیردهی کودک خویش حتی در دوران جدایی و طلاق از همسر .

و الوالدات یرضعن اولادهنّ

مخاطب جمله «والدات . . .» علاوه بر مادران، پدران نیز می باشند؛ یعنی پدران نیز نباید ارضاع را از عهده مادران خارج کنند؛ و لازمه این معنا، حق اولویّت مادر در شیر دادن و حضانت کودک است.

29_ جواز گرفتن دایه برای فرزند، به شرط عدم تضييع حق اولویّت مادر در شیر دادن فرزند

والدات يُرضعن . . . و ان اردتم ان تسترضعوا اولادکم فلا جناح

با توجه به اینکه صدر آیه حق اصلی شیر دادن را از مادر می داند، معلوم می گردد که دایه گرفتن پدر در صورتی جایز است که این حق ضایع نشود و ثانیاً بازداشتن مادر از شیر دادن کودک منوط به رضایت اوست و دایه گرفتن مصداقی از این بازداشتن است. پس باید با رضایت او، یعنی مراعات حق اولویّت او، به سراغ دایه رفت.

ص: 182

30_ پرداخت کامل حقوق مادر، شرط جواز دایه گرفتن برای کودک

و ان اردتم ان ترضعوا .. اذا سلّمتم ما اتیم بالمعروف

بنابراینکه مراد از «اذا سلّمتم ..» تسلیم اجرت به مادر باشد؛ یعنی آنگاه که حقوق مادر را پرداختید، سراغ دایه روید.

41_ اولویّت زن مُطلّقه در شیر دادن به فرزندش و دریافت أُجره المثل از پدر

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

امام صادق (ع): الحبلی المُطلّقه .. و هی احق بولدها ان ترضعه بما تقبله امرأه اخرى انّ الله عزّ و جلّ يقول: «لا تضارّ والده بولدها ...»

کافی، ج 6، ص 103، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 227، ح 884.

36- حکومت بر مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 6

6_ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف (ع) با نشانیدن پدر و مادرش بر تخت خویش، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد؛ بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

37- خانه داری مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 11 - 2

2- تدبیر امور خانه و سرپرستی اعضای آن برعهده مادر موسی

و قالت لأخته قصّیه

در این فراز از زندگی موسی، تنها مادر وی مطرح است و سخنی از پدر او به میان نیامده است. این یا بدان جهت است که پدر موسی در قید حیات نبوده و یا نقش چندانی در سرپرستی امور خانه نداشته است. این نقش را مادر موسی ایفا می کرده است.

38- خوردن از خانه مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3،10

3- نابینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون هیچ اذنی، مجازاند.

ص: 183

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من . . . بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم .

39- دلداری به مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 10

10 - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

إنا رادّوه إليك

40- رابطه مادر و فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 2 - 5

5- پیوند میان مادر و کودک شیرخوارش ، از محکم ترین پیوندهای موجود میان انسان ها است .

یوم ترونها تذهل کلّ مرضعه عمّا أرضعت

ذکر «رها شدن کودک شیرخوار از دامن مادر و غافل گشتن مادر از او» در ترسیم شدت و بزرگی زلزله زمین در آستانه برپایی قیامت، بیانگر این معنا است که: پیوند مهر میان مادر و کودک شیرخوارش، با این که از محکم ترین پیوندهای موجود میان آدمیان است و مادر شیر دهنده در هر شرایطی کودکش را رها نخواهد ساخت؛ اما در آن زلزله هر مادر شیردهنده ای فرزندش را بی اختیار رها خواهد کرد.

41- رضاع مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 6,7

6 - مأموریت مادر موسی از سوی خداوند ، به شیر دادن فرزندش دور از چشم بیگانگان

و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه

7 - شرایط اضطراب آور روحی برای مادر موسی به هنگام ولادت فرزندش و نیز احساس خطر برای او از جانب فرعونیان ، موجب

سرگردانی وی در شیر دادن به موسی (ع) بود .

و أوحينا إلی أم موسی أن أرضعیه

توصیه خداوند به مادر موسی برای شیر دادن به فرزندش، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

ص: 184

42- رعایت حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 7,8

7 - شیر دادن به فرزند ، به مدت دو سال ، از سوی مادر ، باعث تأکید بر رعایت حقوق مادر از سوی فرزند است .

ووصینا الإنسـن بولدیه . . . و فـصلـه فی عامین

8 - تحمل ضعف متزاید دوران بارداری از سوی مادر ، برای سالم رساندن کودک به دوره زایمان ، عامل لزوم رعایت حق مادر از سوی فرزند است .

ووصینا الإنسـن بولدیه . . . حملته أمّه وهنّا علی وهن ... أن اشکر لی ولولدیک

43- رفع اندوه مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 2

2 - دل مادر موسی ، فارغ از ترس و اندوه نسبت به فرجام نوزادش پس از دریافت وحی الهی

و أوحینا إلی أمّ موسی . . . أن لاتخافی ... و أصبح فؤاد أمّ موسی فـرغًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 7

7 - شادی کردن مادر موسی و زدایش غم از دل وی ، از هدف های خداوند در بازگرداندن موسی (ع) به دامان وی

فرددنـه إلی أمّه کی تقرّ عینها ولاتحزن

کلمه «کی» به اصطلاح، «تعلیلیه» و بیانگر هدف الهی در بازگرداندن موسی به دامان مادرش می باشد. در این آیه به دو هدف اشاره شده است: الف) شاد شدن مادر موسی و زدودن غم و اندوه ناشی از فراق فرزند. ب) عمل کردن خدا به وعده خود و یقین پیدا کردن مادر موسی به حقانیت وعده های الهی. برداشت یاد شده بیان مضمون هدف نخست است.

44- رفع ترس مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- دل مادر موسی ، فارغ از ترس و اندوه نسبت به فرجام نوزادش پس از دریافت وحی الهی

و أوحینا إلی أم موسی . . . أن لاتخافی . . . و أصبح فؤاد أم موسی فرغاً

45- رفع نگرانی مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 38 - 6

ص: 185

6- حفاظت از جان موسی (ع) و بر طرف کردن نگرانی مادر او، به تدبیر خداوند بود.

إذ أوحينا إلى أمك

46- زمینه ایمان مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 9

9- راسخ شدن ایمان مادر موسی، هدف الهی در محکم ساختن دل وی و اطمینان بخشیدن به وی

لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين

47- زمینه مقامات مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 38 - 5

5- عظمت فرزند، مایه رفعت مقام مادر است.

إذ أوحينا إلى أمك

محتوای آنچه به مادر موسی (ع) گفته شد، نشان می دهد که هدف اصلی، حفاظت موسی (ع) بوده، گرچه اثر طبیعی آن، آرامش یافتن مادر موسی (ع) نیز بوده است. بنابراین دست یابی مادر موسی به وحی الهی، برخاسته از عظمت موسی (ع) است.

48- سجده مادر یوسف بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 100 - 9، 7

7_ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او، همگی بر او سجده بردند.

ورفع أبويه على العرش و خروا له سجداً

«خروا» (مصدر خروا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و «سجداً» جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در «خروا» همانند «دخلوا على يوسف» و «ادخلوا» در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

9_ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود.

قالی_أبت هذا تأویل رءی_ی من قبل قد جعلها ربی حقًا

تأویل رؤیا؛ یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

ص: 186

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 11 -

11,12,13,14,15,17,19,41,42,43

11 - سهم ارث هر یک از پدر و مادر، در صورتی که میّت دارای فرزند باشد، سدس (یک ششم) است.

و لایبویه لکل واحد منهما السدس ممّا ترک ان کان له ولد

12 - سهم ارث مادر در صورت انحصار ورثه به والدین، ثلث (یک سوم) است و بقیّه (دو سوم) از آن پدر میّت است.

فان لم یکن له ولد و ورثه ابواه فلاّمه الثلث

جمله «ورثه ابواه» ظهور در انحصار ورثه به والدین دارد. بنابراین چون سهم مادر ثلث است، بقیه (دو ثلث)، از آن پدر خواهد شد.

13 - وجود چند برادر برای میت، موجب تبدیل سهم مادر از یک سوم به یک ششم

و ورثه ابواه فلاّمه الثلث فان کان له اخوه فلاّمه السدس

مفسّران بر آنند که مراد از «اخوه» دو برادر و بیشتر است.

14 - زنده بودن برادران میت، شرط حاجب شدن آنان از سهم ثلث مادر

و ورثه ابواه فلاّمه الثلث فان کان له اخوه فلاّمه السدس

جمله «فان کان...» دلالت بر وجود فعلی برادران، یعنی زنده بودن آنان دارد.

15 - زنده بودن پدر میّت و ممنوع نبودن وی از ارث، شرط حاجب شدن برادران میّت از سهم ثلث مادر

و ورثه ابواه فلاّمه الثلث فان کان له اخوه فلاّمه السدس

17 - سهم ارث مادر در صورت انحصار ورثه به والدین و وجود برادرانی برای میّت، یک ششم و بقیه از آن پدر است.

فان لم یکن له ولد و ورثه ابواه فلاّمه الثلث فان کان له اخوه فلاّمه السدس

جمله «فان کان له اخوه» فرع بر جمله ای مقدر است. یعنی ارث مادر در صورتی یک سوم است که میت، برادرانی متعدد نداشته باشد، ولی با وجود برادرانی برای میت، سهم او یک ششم است. و چون فرض بر این است که وارث تنها پدر و مادر هستند، بقیه از آن پدر می

شود.

19_ وجود یک برادر برای میت نمی تواند حاجب مادر از ثلث شود .

فان كان له اخوه فلامه السدس

از مفهوم جمله «فان كان له اخوه» استفاده می شود که اگر برای میت برادری نباشد و یا یک برادر داشته باشد، همان سهم سابق، یعنی ثلث به او می رسد.

41_ برادر و خواهر میت ، مانع از سهم مادر از یک سوم ارث نمی شوند ، مگر آنکه به دو برادر یا یک برادر و دو خواهر برسند .

فان كان له اخوه فلامه السدس

امام صادق (ع): لا يحجب عن الثلث الاخ و الاخت حتى يكونا اخوين او اخ و اختين فان الله يقول: «فان كان له اخوه فلامه السدس».

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 226، ح 52؛ نورالثقلین، ج 1، ص 453، ح 106.

42_ اگر خواهران میت کمتر از چهار نفر باشند ، موجب تنزل ارث مادر از یک سوم به یک ششم نمی شوند .

فان كان له اخوه فلامه السدس

امام صادق (ع): .. اذا كنّ اربع اخوات حجبن الامّ عن الثلث لانهنّ بمنزله الاخوين و ان كنّ ثلاثا لم يحجبن.

کافی، ج 7، ص 92، ح 2؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 349، ح 6.

ص: 187

43_ خواهران میّت ، موجب تنزل ارث مادر از یک سوم به یک ششم نمی شوند .

فان كان له اخوه فلاّمه السّددس

امام صادق (ع) درباره ارث پدر و مادر با وجود دو خواهر میّت فرمود: للامّ مع الاخوات الثلث ان الله قال: «فان كان له اخوه» و لم يقل فان كان له اخوات.

تهذیب شیخ طوسی، ج 9، ص 283، ح 13، ب 25، مسلسل 1025.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 12 - 20

20_ در صورت نبودن فرزند برای میّت ، نوه های وی به جای فرزند ارث می برند و موجب تنزل سهم زن ، شوهر ، پدر و مادر می شوند .

فان كان لکم ولد

امام باقر و صادق (ع): ... فان لم یکن له ولد و كان ولد الولد ذکوراً او اناثاً فانّهم بمنزله الولد ... و یحبون الابوين و الزوج و الزوجه عن سهامهم الاکثر ...

تهذیب شیخ طوسی، ج 9، ص 289، ح 3، ب 27، مسلسل 1043 ; تفسیر برهان، ج 1، ص 351، ح 8.

50- ضعف مادر در بارداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 8

8 - تحمل ضعف متزایدِ دوران بارداری از سوی مادر ، برای سالم رساندن کودک به دوره زایمان ، عامل لزوم رعایت حق مادر از سوی فرزند است .

و وصینا الإنسَن بولدیه .. حملته أمّه وهنّا علی وهن ... أن اشکر لی و لولدیک

51- علایق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5_ شیردهی کامل به نوزاد ، خواسته عموم مادران

لمن اراد ان يتم الرضاعه

بنابراینکه معنی جمله «لمن اراد ..» چنین باشد: مادران چون خواهان یکدوره کامل شیردهی به نوزاد هستند، بر آنان دو سال شیردهی واجب شد.

ص: 188

52- علم مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 39 - 8

8 - مادر موسی (ع) ، پیش از افکندن او به آب ، از جانب خداوند ، به نجات موسی (ع) به دست یکی از دشمنان آگاه شده بود .

أوحینا.. یأخذہ عدو لی وعدو له

53- عوامل آرامش مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 11

11 - برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت ، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لاتخافی و لاتحزنی .. و جاعلوه من المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 2، 1

1 - تأثیر ژرف و آرامش بخش وحی الهی در دل مادر موسی

و أوحینا إلی أم موسی .. و أصبح فؤاد أم موسی فرغاً

«أصبح» معادل «صار» و «فارغاً» مرادف «خالیاً» است. با توجه به ارتباط این آیه با آیه هفتم، تقدیر آن چنین می شود: «و صار فؤاد أم موسی بعد الوحی خالیاً من الخوف و الحزن؛ دل مادر موسی بعد از وحی ما از ترس و اندوه خالی گشت».

2 - دل مادر موسی ، فارغ از ترس و اندوه نسبت به فرجام نوزادش پس از دریافت وحی الهی

و أوحینا إلی أم موسی .. أن لاتخافی .. و أصبح فؤاد أم موسی فرغاً

54- عوامل اضطراب مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 6

6 - احساس خطر مرگ برای فرزند، ضربه ای سهمگین بر مادر و مایه پریشانی خاطر وی

إن كادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

مراد از برداشت یاد شده این است که اگر خداوند دل مادر موسی را محکم نکرده بود، وی به خاطر احساس خطری که برای موسی (ع) داشت، ممکن بود از خود بی خود شده و ناله سر دهد و راز موسی (ع) را فاش سازد.

55- عوامل امیدواری مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 189

1 - تبدیل شدن مادر موسی به شخصیتی مصمم و قادر بر انجام کار های سترگ ، پس از دریافت پیام امیدآفرین الهی

و أوحینا إلی أمّ موسی . . . و قالت لأخته قصّیه

جمله «و قالت . . .» عطف بر محذوف است؛ یعنی، «فألقیه فی الیمّ و قالت لأخته قصّیه». مادر موسی پس از دریافت وحی، اقدام به انداختن فرزندش در رود نیل کرد؛ با این که پیش از آن از فرط ترس و نگرانی نزدیک بود راز فرزندش را فاش سازد. این موضوع، بیانگر مطلب یاد شده است.

56- عوامل رفع اندوه مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 14

14 - دیدار دوباره با موسی (ع) ، به چشمان مادر روشنی و آرامش بخشید و اندوه او را برطرف ساخت .

فرجعنک إلی أمک کی تقرّ عینها و لاتحزن

«قره العین» یا از «قرار» به معنای آرام گرفتن مشتق است و یا از «قُرّ» به معنای سرد شدن که نتیجه توقف اشک سوزان است. در هر صورت این تعبیر، کنایه از شادمانی است که چشم را از نگران بودن و حرکت به سمت راست و چپ بازمی دارد و اشک سوزان اندوه را قطع می کند.

57- عوامل سرور مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 8

8 - حضور کودک در کنار مادر ، مایه سرور و روشنی دیدگان و فراق او ، موجب اندوه و نگرانی مادر

فرددنّه إلی أمّه کی تقرّ عینها و لاتحزن

58- عوامل سرور مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 7

7 - شادی کردن مادر موسی و زدایش غم از دل وی ، از هدف های خداوند در بازگرداندن موسی (ع) به دامان وی

فرددنَه إلی أُمّه کی تقرّ عینها و لاتحزن

کلمه «کی» به اصطلاح، «تعلیلیه» و بیانگر هدف الهی در بازگرداندن موسی به دامان مادرش می باشد. در این آیه به دو هدف اشاره شده است: الف) شاد شدن مادر موسی و زدودن غم و اندوه ناشی از فراق فرزند. ب) عمل کردن خدا به وعده خود و یقین پیدا کردن مادر موسی به حقانیت وعده های الهی. برداشت یاد شده بیان مضمون هدف نخست است.

ص: 190

59- عوامل ضعف مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 4

4- دوران بارداری مادر، دورانی سخت و مایه ضعف و ناتوانی برای وی است.

حملته أمّه وهنّا علی وهن

«وهنّا» مفعول برای فعل محذوف و در موضع حال است. لازم به ذکر است که «وَهْن» به معنای ضعف جسمانی است (مفردات راغب).

60- عوامل نگرانی مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 8

8- حضور کودک در کنار مادر، مایه سرور و روشنی دیدگان و فراق او، موجب اندوه و نگرانی مادر

فرددنـه إلی أمّه کی تقرّ عینها ولا تحزن

61- فرار از مادر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 35 - 1

1- قیامت، صحنه گریزان بودن انسان؛ حتی از پدر و مادر خویش

و أمّه و أبیه

62- فلسفه اطمینان قلب مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 3

3- اقدام خداوند به محکم ساختن دل مادر موسی، به منظور پیش گیری از فاش شدن راز نوزادش توسط خود وی

إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

«ربط» (مصدر «ربطنا») به معنای بستن و محکم کردن است.

63- فلسفه تهمت به مادر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 8

ص: 191

8_ فرزندان یعقوب با این تحلیل که دزدی بنیامین ریشه مادری دارد، درصدد پیراستن خویش از عار و ننگ دزدی او بودند .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

برادران یوسف با توصیف بنیامین به دارا بودن روحیه دزدی (إن يسرق) و اثبات آن با مطرح ساختن دزدی برادر مادری اش، درصدد بیان این معنا بودند که مادر آن دو در پیدایش روحیه دزدی نقش داشته؛ ولی سایر برادرانش چون از مادرانی دیگرند، از این ناهنجاری پیراسته اند.

64- مادر ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 41 - 1

1- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار آمرزش خود، پدر و مادرش و مؤمنان در روز برپایی قیامت شد .

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

65- مادر رضاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 23 - 2

2_ حرمت ازدواج با مادر و خواهر رضاعی و مادر همسران

حَرَّمَ عَلَيْكُمْ... وَأُمَّهَاتِكُمُ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتِكُمُ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتِ نِسَائِكُمْ

66- مادر عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 87 - 8

8- عیسی (ع) زاده مریم (ع) و فرزند او، نه فرزند خدا

عیسی ابن مریم

از نکاتی که می تواند هدف از نسبت دادن عیسی (ع) به مادرش شمرده شود، رد پندار مسیحیان است که وی را فرزند خدای سبحان می خواندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 157 - 5

5_ حضرت عیسی (ع)، فرزند مریم (ع) و رسولی از جانب خداست .

وقولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 192

18 - مسیح (ع)، فرزند مریم (ع) و هر دو مملوک خداوند

المسیح ابن مریم و امه ... ولله ملك السموت و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مسیح (ع) فرزند مریم نه خدا و نه زده او

المسیح ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - نعمت های ویژه ارزانی شده به عیسی (ع)، به منزله نعمتهایی الهی برای مادرش مریم

اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک

نعمتهای شمرده شده در این بخش از آیات نعمتهایی است که خداوند به عیسی (ع) عطا کرده است و از نعمتهای ویژه خداوند به مریم سخنی به میان نیامده است، بنابراین می توان گفت عطای آن نعمتها به عیسی (ع) به منزله عطای آنها به مادرش مریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - حضرت عیسی (ع) فرزند مریم (ع) و دارای منزلتی والا است .

ذلک عیسی ابن مریم

«ذلک» برای اشاره به بعید به کار می رود. به کار بردن آن در جایی که مورد اشاره نزدیک باشد، بیانگر برجستگی منزلت مورد اشاره و بزرگداشت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- عیسیٰ (ع)، فرزند مریم است و نه خدا .

ولمّا ضرب ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 27 - 5

5- عیسیٰ (ع)، پسر مریم است .

وققینا بعیسیٰ ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 6 - 1

1 - حضرت عیسیٰ (ع)، پسر حضرت مریم (ع) است .

ص: 193

و إذ قال عيسى ابن مريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 14 - 6

6 - عیسی (ع) ، پسر مريم (س) است .

كما قال عيسى ابن مريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 11

11 - فرزند حضرت مريم (س) (عیسی (ع)) ، پرتو روح الهی و دارای مقامی بس بلند در پیشگاه خداوند

ففخنا فيه من روحنا

اضافه «روح» به «نا»، اضافه تشریفی و برای بیان شرافت و عظمت این روح است.

67- مادر قرار دادن همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 4 - 6,9

6 - ظهار ، هیچ گاه ، همسر مرد را ، در مقام مادر او ، قرار نخواهد داد .

وما جعل أزواجكم اللّٰی تظنّ هرون منهنّ أمّه تکم

9 - در عصر جاهلیت ، مردان ، با ظهار همسر خود ، او را در ردیف مادر خود قرار داده و با او ، ترک مراوده می کردند .

وما جعل أزواجكم اللّٰی تظنّ هرون منهنّ أمّه تکم

این که خداوند فرموده است، ظهار، همسر را در منزلت مادر قرار نمی دهد، به دست می آید که مردان، با ظهار همسر، می خواسته اند با آنان ترک مراوده کنند؛ چون، بر این باور بودند که خلوت با مادر قطعاً، امر نادرستی است.

68- مادر مريم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11_ درخواست مادر مریم از خداوند، برای حفظ همیشگی مریم و نسل او از شر شیطان

و ائی اعیذها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم

از استعمال فعل مضارع «اعیذ»، دوام و استمرار استفاده شده است.

12_ علاقه مادر حضرت مریم به سعادت‌مندی نسل خویش

و ائی اعیذها بک و ذریتها

14_ تعالی روحی و معنوی مادر حضرت مریم (همسر عمران)

اذ قالت... ربّ... ائی سمیتها مریم و ائی اعیذها

از توجه به خدا، خلوصش در نذر و نامی که برای فرزند خویش انتخاب کرد (مریم به معنی عابده)، برداشت فوق استفاده شده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 2

2_ اجابت دعای مادر مریم از سوی خداوند ، درباره حفظ مریم (س) از شر شیطان

اِنِّی اَعِیْذُهَا .. فَتَقْبَلُهَا ... وَ اِنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا

69- مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 4، 2، 1

1 - به ثمر رسیدن تلاش خواهر موسی ، در بازگرداندن برادر خویش به آغوش مادر

قالت هل أدلکم علی اهل بیت .. فرددنه إلی أمّه

خواهر موسی با دنبال کردن برادر، ورود به کاخ فرعون و بالاخره استفاده از فرصت به دست آمده، توانست موسی را به مادرش بازگرداند.

2- بازگشت موسی به دامان مادر ، نمودی از تدبیر و اراده الهی است .

فرددنه إلی أمّه

اسناد فعل «ردد» به ضمیر «نا» بیانگر مطلب یاد شده است.

4- تعلق اراده الهی بر بازگرداندن سریع موسی (ع) و دیر نیایدن زمان جدایی میان او و مادرش

فرددنه إلی أمّه

به کارگیری «فاء» عاطفه _ که برای بیان عدم تراخی است _ نشان می دهد که زمان جدایی میان موسی (ع) و مادرش به قدری کوتاه بود که می توان آن را نادیده گرفت.

70- مادر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 5

5- همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در حکم مادر مؤمنان اند.

وَأزوجه أُمَّهَاتِهِمْ

71- مادر یوسف (ع) در دربار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 3

3- یوسف (ع) پدر و مادرش را بر تخت فرمانروایی خویش نشانند.

ص: 195

و رفع أبويه على العرش

72- مادر یوسف (ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 8

8_ مادر یوسف به هنگام کوچ خاندان یعقوب از کنعان به مصر زنده بود .

فلما دخلوا على يوسف ءاوى إليه أبويه

73- محبت یوسف (ع) به مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 7

7_ یوسف (ع) با اظهار محبتی ویژه به پدر و مادر خویش ، آنان را در کنار خود جای داد .

فلما دخلوا على يوسف ءاوى إليه أبويه

74- محدوده حجاب مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 18

18 - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و . . .) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباء بعولتهنّ أو أبنائهنّ

75- مسؤلیت مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 233 - 6,8,18,19

6_ مادر در صورت تصمیم پدر به تکمیل شیرخوارگی فرزند ، باید دو سال کامل به نوزاد شیر دهد . *

و الوالدات يُرضعن . . لمن اراد ان يتم الرضاعه

برخی از مفسّرین برآنند که مراد از «من اراد» پدر فرزند است؛ یعنی آنگاه بر مادر دو سال شیر دادن لازم است که پدر از او بخواهد. در تأیید این برداشت نیز گفته شده که صیغه «اراد» و «یتّم» به صورت مذکر، مؤید آن است.

8_ زنان مطلقه نباید از شیر دادن به نوزاد خود امتناع نمایند .

و الوالدات يُرضعن

ص: 196

آیات قبل و بعد در مورد زنان مطلقه است.

18 - نباید مادر - حتی پس از طلاق - با امتناع از شیر دادن به فرزند ، موجب ضرر او شود .

لا تضارّ والده بولدها

19 - خودداری مادر از شیر دادن به کودک خویش ، از مصادیق بارز اضرار به فرزند

و الوالدات یرضعن . . لا تضارّ والده بولدها

نهی از زیان رسانی به کودک پس از الزام مادر به شیر دادن، اشاره به این معناست که از مصادیق بارز ضرر به کودک، خودداری از شیر دادن به اوست.

76- مسؤلیت مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 6,8

6 - مأموریت مادر موسی از سوی خداوند ، به شیر دادن فرزندش دور از چشم بیگانگان

و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه

8 - مادر موسی ، مأمور افکندن فرزندش به رود نیل در صورت احساس خطر برای وی از جانب فرعونیان

فإذا خفت علیه فألقیه فی الیمّ

واژه «یم» به آب زیاد گفته می شود. بدین جهت به دریا «یم» گفته می شود و هم به رود بزرگ. در این آیه معنای دوم مراد است و مقصود از آن رود نیل می باشد.

77- مقامات مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 15

15 - مادر موسی ، دارای مرتبت و مقامی ویژه در نزد خداوند

فرجعنک إلی أمّک کی تقرّ عینها ولا تحزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- مادر موسی ، برخوردار از منزلتی بلند در پیشگاه خداوند و مورد لطف و عنایت ویژه او

و أوحینا إلی أمّ موسی . . . و لتعلم أنّ وعد اللّٰه حقّ

مادر موسی، در این بخش از آیات محور داستان موسی قرار گرفته است و این می تواند حاکی از منزلت و جایگاه بلند او در نزد خداوند باشد.

ص: 197

78- مقامات معنوی مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 4

4 - برخورداری مادر موسی از مقام بالای معنوی

و أوحينا إلى أم موسى

شایستگی مادر موسی برای دریافت وحی از جانب خداوند، بیانگر مطلب یاد شده است.

79- منشأ استقامت مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 9

9 - راسخ شدن ایمان مادر موسی ، هدف الهی در محکم ساختن دل وی و اطمینان بخشیدن به وی

لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين

80- منشأ اطمینان مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 4

4 - اطمینان یافتن مادر موسی به بازگردانده شدن فرزندش به آغوش وی ، پس از دریافت وحی الهی

لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين

81- منشأ حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 5,7

5 - تحمل ناتوانی های روز افزون ، از سوی مادر ، در دوران بارداری ، در پی دارنده حقوقی بر گردن فرزند است .

و وصّينا الإنسان بولديه حملته أمّه وهنّا على وهن

«وهناً علی وهن» دلالت بر افزایش ضعف و ناتوانی مادر در دوران بارداری می کند.

7- شیر دادن به فرزند، به مدت دو سال، از سوی مادر، باعث تأکید بر رعایت حقوق مادر از سوی فرزند است.

ووصینا الإنسـن بولدیه . . . وفصلـله فی عامین

82- نذر مادر مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 198

17_ پایبندی مادر مریم (س) به نذر خویش در گماردن وی برای عبادت خداوند

ربّ ائی نذرت . . . و ائی سمّیتها مریم

از اینکه نام فرزند خویش را مریم (به معنی عابده) گذاشت، برداشت فوق به دست می آید.

21_ تأسف همسر عمران، در پی زادن مریم (س)، از اینکه نذرش محقق نشده و دخترش به دلیل حائض شدن نمی تواند در مسجد مانده و محرّر باشد.

ربّ ائی وضعتها ائی . . . و لیس الذکر کالائتی

امام صادق (ع): . . . «و لیس الذکر کالائتی» انّ الائتی تحیض فتخرج من المسجد و المحرّر لا یخرج من المسجد.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 170، ح 37؛ بحار الانوار، ج 14، ص 204، ح 18.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 1

1_ مریم (س)، در پی نذر مادرش، از سوی خداوند به شایستگی پذیرفته شد.

فتقبّلها ربّها بقبول حسن

83- نقش مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 16

16 - سرپرستی مادر، فراهم سازنده مساعدترین شرایط برای تربیت فرزند

و لتصنع علی عینی . إذ تمشی . . . فرجعن ک الی أمک

84- نقش مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - فرعونیان، موسی (ع) را به مادرش سپردند و او وی را به خانه خویش برد .

فرجعنـک إلی أُمّک

بازگشت موسی نزد مادر، به این است که مادر، او را نزد خود برده باشد؛ نه این که برای پرستاری او به دربار رفته باشد.

11 - موسی (ع)، در خردسالی تحت تکفل مادر خود بود .

علی من یکفله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 11 - 5، 3، 2

2 - تدبیر امور خانه و سرپرستی اعضای آن برعهده مادر موسی

ص: 199

وقالت لأخته قصيه

در این فراز از زندگی موسی، تنها مادر وی مطرح است و سخنی از پدر او به میان نیامده است. این یا بدان جهت است که پدر موسی در قید حیات نبوده و یا نقش چندانی در سرپرستی امور خانه نداشته است. این نقش را مادر موسی ایفا می کرده است.

3 - تسلیم بودن اعضای خانواده در برابر دستورات مادر موسی

وقالت لأخته قصيه فبصرت به عن جنب

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خواهر موسی، به محض شنیدن فرمان مادر (قصیه) بی درنگ به دنبال موسی روان شد.

5 - حضور خواهر موسی در کنار مادر، هنگام افکندن موسی در رود نیل

وقالت لأخته قصيه

85- نیکی به مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 2

1- رفتار نیک با مادر و گرامی داشت وی، سیرت الهی و خوی خدادادی عیسی (ع)، از آغاز میلاد

و برآ بولدتی

2- عیسی (ع) در گهواره، خود را فرزندی خوش رفتار و نیکوکار برای مادرش مریم (س) خواند و این ویژگی را عطیه خداوند دانست.

و برآ بولدتی

تقدیر «و برآ بوالدتی» به قرینه آیه قبل «و جعلنی برآ بوالدتی» است.

86- وحی به مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 38 - 4, 3, 1

1 - مادر موسی (ع)، دریافت کننده وحی و پیام از جانب خداوند

إذ أوحينا إلى أمك

«وحي» در آيه ممكن است به معنای سخن گفتن خداوند با مادر موسی(ع) باشد و ممكن است از آن الهام اراده شده باشد؛ برخی از وعده های خداوند به مادر موسی(ع) که در سوره قصص آمده است، با معنای اول سازگارتر است.

3- وحي و پیام خداوند به مادر موسی(ع) از نعمت های بزرگ او به موسی(ع) بود .

و لقد منّا .. إذ أوحينا إلى أممک مایوحي

«إذ» ظرف است برای «منّا»؛ یعنی نعمت بزرگی که در آیه قبل یاد شد، در آن زمان بوده است.

4- دسترسی مادر موسی(ع) به اطلاعات القا شده به او، جز از طریق وحي الهی ممكن نبود .

مایوحي

مراد از «مایوحي» (آنچه وحي می شود) اموری است که قاعداً وحي می شود و انسان، خود به آن نمی رسد.

ص: 200

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 39 - 22، 10

10 - خداوند در وحی به مادر موسی ، فردی را که دشمن خدا و دشمن کودک او بود ، عامل نجات آن کودک و تحت تکفل گیرنده او معرفی کرد .

يَأْخُذُهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ

22 - « عن أبي جعفر (ع) قال : أنزل الله على موسى التابوت ونوديت أمه ضعيه في التابوت فاقدفيه في اليمّ وهو البحر ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: خداوند تابوت را بر موسی(ع) نازل کرد و به مادر وی ندا داده شد که او را در تابوت قرار ده، پس آن را به دریا بیفکن».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 3

3 - رهنمود الهی به مادر موسی در رابطه با فرزندش از طریق وحی

و أوحينا إلى أم موسى أن أرضعيه . . . فألقيه في اليمّ

87- وعده به مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 11، 10

10 - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ

11 - برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت ، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لا تخافی و لا تحزنی . . . و جاعلوه من المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 9

9- وعده خدا به مادر موسی ، مبنی بر بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

این آیه اشاره به وعده ای دارد که خداوند قبلاً به مادر موسی داده بود: «ما او را قطعاً به تو باز خواهیم گرداند»، (إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ).

88- یقین مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 10

10 - یقین پیدا کردن مادر موسی به درستی و تخلف ناپذیر بودن وعده های خداوند ، یکی دیگر از اهداف بازگرداندن موسی

ص: 201

(ع) به آغوش وی

فرددنَه إلى أمّه .. و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

89- یوسف (ع) و مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 4

4_ احترام ویژه یوسف (ع) به پدر و مادر خویش

و رفع أبویه علی العرش

مادری

90- آثار عواطف مادری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 12 - 4

4- انس گرفتن پیشین موسی با آغوش و شیر مادر، باعث امتناع او از خوردن شیر دایگان شد.

و أوحینا إلى أمّ موسی أن أرضعیه .. و حرّمنا علیه المراضع من قبل

خداوند پیش از این، به مادر موسی فرمان داد وی را شیر دهد. از تعبیر «حرّمنا علیه المراضع من قبل» استفاده می شود که فلسفه آن دستور، این بود که ذائقه موسی (ع)، تنها با پستان و شیر مادرش شکل بگیرد، تا از گرفتن پستان دیگران امتناع ورزد.

91- برادر مادری موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 22، 7

7- موسی و هارون (ع)، برادران مادری یکدیگر بودند.*

قال ی-بنوّم

مخاطب قرارگرفتن موسی (ع) از سوی هارون با تعبیر «ابن أمّ» (پسر مادر)، ممکن است به این خاطر باشد که هارون و موسی (ع) برادران مادری یکدیگر بوده اند و نیز ممکن است یادآوری کلمه «مادر»، تنها به منظور جلب عواطف موسی (ع) صورت گرفته باشد.

22 - « علی بن سالم عن أبيه قال : قلت لأبي عبد الله (ع) أخبرني عن هارون لم قال لموسى (ع) يابن أمّ . . . ولم يقل يابن أبي فقال : إنّ العداوات بين الإخوة أكثرها تكون إذا كانوا بنى علات و متى كانوا بنى أمّ قلت العداوة بينهم . . . قال : قلت له : فلم أخذ برأسه يجرّه إليه و بلحيته و لم يكن له فى اتّخاذهم العجل و عبادتهم له ذنب ؟ فقال : إنّما فعل ذلك به لأنّه لم يفارقهم لَمّا فعلوا ذلك و لم يلحق بموسى (ع) و كان إذا فارقهم ينزل بهم العذاب ؛

علی بن سالم از پدرش نقل کرده که گفت: به امام صادق(ع) عرض کردم: مرا از سخن هارون با خبر کن که چرا به برادرش

ص: 202

موسی(ع) گفت: ای فرزند مادرم . . . و نگفت ای فرزند پدرم؟ امام فرمود: دشمنی بین برادران، بیشتر زمانی است که از مادران متعدد باشند و اگر برادران از یک مادر باشند، دشمنی بین آنان کم است . . . به امام گفتم: چرا موسی(ع) سر و ریش برادر را گرفته و بسوی خود می کشیده بود، در حالی که در گوساله پرستی آن قوم، هارون گناهی نداشت؟ امام فرمود: برای این که او در زمان گوساله پرستی، از آنان جدا نشد و به موسی(ع) ملحق نگردید و اگر آنان را ترک نموده بود، عذاب بر ایشان فرود می آمد».

92- برادر مادری هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 7,22

7- موسی و هارون (ع)، برادران مادری یکدیگر بودند . *

قال یبنؤم

مخاطب قرارگرفتن موسی(ع) از سوی هارون با تعبیر «ابن أم» (پسر مادر)، ممکن است به این خاطر باشد که هارون و موسی(ع) برادران مادری یکدیگر بوده اند و نیز ممکن است یادآوری کلمه «مادر»، تنها به منظور جلب عواطف موسی(ع) صورت گرفته باشد.

22 - «علی بن سالم عن أبيه قال : قلت لأبي عبد الله (ع) أخبرني عن هارون لم قال لموسى (ع) يابن أم . . . ولم يقل يابن أبي فقال : إنَّ العداوات بين الإخوة أكثرها تكون إذا كانوا بني علات و متي كانوا بني أم قلت العداوة بينهم . . . قال : قلت له : فلم أخذ برأسه يجره إليه و بلحيته و لم يكن له في اتخاذهم العجل و عبادتهم له ذنب ؟ فقال : إنما فعل ذلك به لأنه لم يفارقهم لَمَا فعلوا ذلك و لم يلحق بموسى (ع) و كان إذا فارقهم ينزل بهم العذاب ؛

علی بن سالم از پدرش نقل کرده که گفت: به امام صادق(ع) عرض کردم: مرا از سخن هارون با خبر کن که چرا به برادرش موسی(ع) گفت: ای فرزند مادرم . . . و نگفت ای فرزند پدرم؟ امام فرمود: دشمنی بین برادران، بیشتر زمانی است که از مادران متعدد باشند و اگر برادران از یک مادر باشند، دشمنی بین آنان کم است . . . به امام گفتم: چرا موسی(ع) سر و ریش برادر را گرفته و بسوی خود می کشیده بود، در حالی که در گوساله پرستی آن قوم، هارون گناهی نداشت؟ امام فرمود: برای این که او در زمان گوساله پرستی، از آنان جدا نشد و به موسی(ع) ملحق نگردید و اگر آنان را ترک نموده بود، عذاب بر ایشان فرود می آمد».

93- عواطف مادری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 27 - 1

1- مریم (س) پس از دریافت رهنمود های نوزادش عیسی (ع)، او را آشکارا در آغوش خود گرفت و نزد قومش برد .

فأنت به قومها تحمله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 2 - 5

5- پیوند میان مادر و کودک شیرخوارش ، از محکم ترین پیوندهای موجود میان انسان ها است .

ص: 203

یوم ترونها تذهل کلّ مرضعه عمّا أرضعت

ذکر «رها شدن کودک شیرخوار از دامن مادر و غافل گشتن مادر از او» در ترسیم شدت و بزرگی زلزله زمین در آستانه برپایی قیامت، بیانگر این معنا است که: پیوند مهر میان مادر و کودک شیرخوارش، با این که از محکم ترین پیوندهای موجود میان آدمیان است و مادر شیر دهنده در هر شرایطی کودکش را رها نخواهد ساخت؛ اما در آن زلزله هر مادر شیردهنده ای فرزندش را بی اختیار رها خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 6، 5

5 - وجود پیوند عمیق روحی - عاطفی در مادر، نسبت به فرزند خود و بروز آن به هنگام احساس خطر برای وی

و أصبح فؤاد أمّ موسى فرغا إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

6 - احساس خطر مرگ برای فرزند، ضربه ای سهمگین بر مادر و مایه پریشانی خاطر وی

إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

مراد از برداشت یاد شده این است که اگر خداوند دل مادر موسی را محکم نکرده بود، وی به خاطر احساس خطری که برای موسی (ع) داشت، ممکن بود از خود بی خود شده و ناله سر دهد و راز موسی (ع) را فاش سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 8

8 - حضور کودک در کنار مادر، مایه سرور و روشنی دیدگان و فراق او، موجب اندوه و نگرانی مادر

فرددن - ه إلى أمّه کی تقرّ عینها و لاتحزن

94- مادری همسران محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 14، 5

5 - همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در حکم مادر مؤمنان اند.

و أوجه أمّه - تهم

14 - مؤمنان، و همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) با وجود حکم مادری داشتن آنها برای مؤمنان، از هم، ارث نمی برند.

وَأزوجه أُمَّهَاتِهِمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ

احتمال دارد ذکر «أُولُوا الْأَرْحَامِ..» پس از بیان مادر بودن همسران پیامبر برای مؤمنان، به خاطر دفع این شبهه باشد که حکم مادری، ممکن است موجب ارث هم بشود. آیه، جواب می دهد که خویشاوندی نسبی، موجب ارث می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 40 - 5

5 - حکم مادری پیدا کردن همسران رسول الله (صلی الله علیه و آله) ، نمی تواند دلیل حکم پدری آن حضرت باشد .

وَأزواجه أُمَّهَاتِكُمْ .. ما كان مُحَمَّدٌ أباً أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ

احتمال دارد که «ما كان مُحَمَّدٌ أباً أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ» درصدد نفی توهمی باشد که به دنبال نزول حکم مادر دانستن همسران

ص: 204

پیامبر پدید آمده است. از آیه استفاده می شود که آن حکم، دلیل نمی شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم، حکم پدر را پیدا کند. بنابراین، آیه، نفی حکم تشریحی می کند و نه تکوینی.

95- ملاک مادری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 2 - 5

5 - مادر هر کس تنها همان زنی است که وی را زاده است و نه کس دیگر .

إِنَّ أُمَّهٖمْ إِلَّا الْآلِیَ وَلِدَنَّهُمْ

ص: 205

11- مادیات

1- ارزش مادیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 212 - 3

3_ کفر، زمینه اصیل پنداشتن زندگی دنیا و ارزش های مادی

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

2- اسلام و مادیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 2

2- اسلام، آیینی معتدل در توجه به مادیات و معنویات

جعلنکم أمه وسطاً

چون سخن در این بخش از آیات، نظر به یهود و نصارا دارد، می توان گفت: توصیف امت اسلام به امتی معتدل، در قیاس با یهود و نصارا است و از آنجا که یهودیان مردمی دنیاگرا هستند و نصارا تأیید کننده رهبانیت و ترک دنیا می باشند؛ مراد از معتدل بودن امت اسلام، اعتدال در توجه به دنیا و امور معنوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 19

19_ اهتمام اسلام به امور مادی و معنوی مردم

یبتغون فضلاً من ربهم و رضوناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 15

15_ توجه اسلام به نظام تغذیه و سالم سازی آن

حرمت علیکم المیتة . . . و ما اکل السبع الا ما ذکیتم

تفصیل و تبیین موارد خوردنیهای حلال و حرام، نشانه توجه اسلام به نظام تغذیه می باشد.

ص: 206

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 10,24

10 - تغذیه و احکام آن ، مورد توجه و عنایت دین اسلام

اليوم احل لكم الطيبات . . . و طعامكم حل لهم

24 - اهتمام اسلام به رعایت حقوق اقتصادی زنان

إذا أتيتموهن اجورهن

3- انبیا و مادیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 5

5 - پیامبران ، منزّه از علاقه به مال و منال و امور مادی

لا أسئلكم عليه مالاً إن أجرى إلا على الله

تعبیر «أجر» در مقابل «مال» در آیه شریفه ، گویای این است که: نوح(ع) در پاداش خواهی از خداوند نیز ، درخواست مال و دارایی نمی کند و علاقه ای به آن نشان نمی دهد.

مادیگرایی

4- آثار مادیگرایی اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 12

12 - انکار بُعد معنوی انسان و منحصر پنداشتن او در بعد حیوانی (چون خوردن و آشامیدن) ، عامل تکذیب رسالت پیامبر پس از نوح ، از سوی اشراف

ما هـ إذا بشر مثلکم یا کل ممّا تأکلون منه و یشرّب ممّا تشرّبون

تکیه اشراف بر خوردن و آشامیدن برای انکار رسالت پیامبرشان، نشانگر این حقیقت است که آنان، انسان را موجودی در حد حیوان می پنداشتند و منکر بعد معنوی او بودند.

5- آثار مادیگرایی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 6

6 - درونمایه های فرهنگ طبقاتی و مادی مردم مکه ، زمینه ساز گرایش آنان به کفر و شرک

وإِثَّا به ک_فرون . وقالوا لولا نزل ه_ذا القرآن

با توجه به این که آیه شریفه پس از بیان کفر مشرکان (إِثَّا به کافرون) روحیه مادی گرایانه آنان را بازگو می کند، تأثیر این بینش در انحراف و کفر استفاده می شود.

ص: 207

6- بی منطقی مادیگرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 24 - 9

9- طبیعت گرایی و نفی اراده خداوند در پدیده مرگ ، پنداری غیر متکی به علم

و ما يهلكنا إلا الدهر و ما لهم بذكر من علم إن هم إلا يظنون

7- مادیگرایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 35 - 7

7- افق دید کافران ، محدود به زندگی کوتاه دنیا است .

لجعلنا لمن يكفر بالرحمـن . . . لَمَّا مَتَّعَ الحيوه الدنيا و الآخره عند ربك للمتقين

خداوند در این آیه، توانایی خویش را بر ایجاد یک زندگی آکنده از تجمل برای کافران، بیان کرده و سپس حضور در جوار ربوبی را مطرح نموده است. از این مطلب استفاده می شود که کافران تنها در محدوده تنگ زندگی دنیا می اندیشند.

8- مادیگرایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 10 - 3

3- توانمندی ها و امکانات مادی ، بت ها و خدایان ساختگی ، تکیه گاه مشرکان در دنیا

و لا یغنی عنهم ما کسبوا شیءا و لا ما اتَّخذوا

تعبیر «ما کسبوا» _ که اشاره به امکانات مادی دارد _ و نیز «ما اتَّخذوا. . .» _ که ناظر به عقاید شرک آلود آنان است _ نشان می دهد که آنان تمامی اتکا و امید خویش را به آن دو معطوف داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 24 - 7

7- زندگی و مرگ در نگاه مشرکان ، پدیده ای طبیعی و بی ارتباط با اراده الهی و وجود خداوند

و ما يهلكنا إلا الدهر

9- ماديگرايي مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 208

4- تلاش مشرکان عصر بعثت ، در تفسیر مادی آیات الهی و نشانه های خدا در طبیعت

و من ءای-ته . . . و من ءای-ته ... و یعلم الذین یح-دلون فی ءای-تنا ما لهم من محیص

از ارتباط آیات شریفه، استفاده می شود که مشرکان مکه، درباره آیه بودن مسائل طبیعی بحث و جدل می کردند و آن را صرفاً امری طبیعی و مادی می انگاشتند.

10- مادیگرایی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 3

3- ثروت و اشرافیت ، ملاک تمامی ارزش ها _ حتی ارزش های دینی _ در نگاه مشرکان مکه

لولا نزل ه_ذا القرآن . . . عظیم

مشرکان در مقام اعتراض به پیامبر(صلی الله علیه و آله) اظهار می داشتند: اگر وحی اصالت داشت، می بایست بر اشراف نازل می شد. از این نکته استفاده می شود که ملاک ارزش برای آنان، مال و مقام بوده است.

11- مادیگرایی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 29 - 2

2_ منکران معاد دارای بینشی سطحی و مادی هستند.

وقالوا این هی إلا حیاتنا الدنیا و ما نحن بمبعوثین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 4

4- در نظر منکران معاد ، انسان موجودی صرفاً مادی و جسمانی است .

أیعدکم . . . و کنتم تراباً و عظمـمـا أنکم مخرجون

از این که اشراف، خاک و استخوان شدن را به خود انسان نسبت داده اند نه به جسم او (یعنی نگفتند «و کان جسمکم تراباً. . .») استفاده می

شود که آنان برای انسان، هویتی بیرون از کالبد و جسم او معتقد نبودند.

12- مادیگرایی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 75 - 5

5_ منافقان ، دارای روحیه مادی

و منهم من عهد الله لئن آتينا . . . لنكوننّ من الصالحين

ص: 209

برداشت فوق بدین جهت است که منافقان، صلاح خویش را مشروط به برخورداری از مال و ثروت کردند.

13- منشأ مادیگرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - 8 - 24 - 45 - 8

8 - طبیعت گرایی و انکار حیات اخروی ، دارای ریشه در جاهلیت عرب

وقالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا .. و ما یهلکنا إلا الدهر

مادیگری

14- آثار مادیگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 10

10 _ محدود دانستن حیات در تنگنای زندگی مادی دنیا، موجب حسرت و اندوه عمیق در قیامت می شود.

وقالوا این هی إلا حیاتنا الدنیا .. حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 23 - 5

5 - گرایش به مادی گرایی و دنیاطلبی ، قدرت اندیشه (خرد) را تضعیف و آدمی را به سوی تقلید کورکورانه سوق می دهد .

و کذلک .. إلا قال مترفوها إنا وجدنا آباءنا

15- مادیگری حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 6

6 _ غلبه گرایش های مادی در حواریون عیسی (ع) بر جنبه های معنوی آنان *

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا

برداشت فوق از تقدیم «نأكل» که اشاره به جنبه مادی دارد، بر «تطمئن» و «نعلم» که از امور معنوی است، استفاده شده است.

16- مادیگری مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 210

3 - داوری مشرکان صدراسلام ، سطحی و براساس ملاک های مادی و غفلت آنان از معادلات فرا مادی بود .

أم یقولون نحن جمیع منتصر

اتکای مشرکان بر جمیعت خویش، نشانه سطحی نگری آنان در محاسبات است.

ص: 211

1- بی خطری مار قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 31 - 6

6 - عصای اژدها شده موسی ، نسبت به انسان ها بی آزار بود .

إِنك من الأمنین

تعبیر «من الأمنین» به جای «آمن» برای بیان این معنا است که نه تنها موسی (ع) از آسیب عصای اژدها شده در امان است؛ بلکه مردم نیز آسیبی از آن نخواهند دید.

2- تبدیل عصا به مار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 20 - 2,3,5

2- عصای موسی (ع) در پی افکنده شدن ، به ماری در حال حرکت تبدیل شد .

فَأَلْقِيهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى

3 - افکنده شدن عصای موسی و تبدیل شدن آن به مار ، هم زمان بود .

فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ

«اذا» برای مفاجاه است و بر وحدت زمان جمله قبل و بعد دلالت دارد.

5 - عصای موسی (ع) پس از تبدیل شدن به مار ، جان داشت و با اراده خود جست و خیز می کرد .

حَيَّةٌ تَسْعَى

خداوند در داستان مقابله موسی (ع) و ساحران در آیات بعد، در باره سحر ساحران فرموده است: «يَخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى»؛ مقایسه آن با فعل «تسعی» (در این آیه) گویای حقیقی بودن حرکت عصای موسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 21 - 1,2

1 - خداوند به موسی (ع) فرمان داد عصای تبدیل شده به مار را بدون ترس از زمین برگیرد .

قال خذها

2 - موسی (ع) از گرفتن عصای مار شده خویش در بیم و هراس بود .

ص: 212

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 32 - 2

2 - تبدیل ناگهانی عصای موسی به اژدهایی واقعی و تردید ناپذیر

فألقى عصاه فإذا هي ثعبان مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 10 - 4, 3, 2

2 - تبدیل ناگهانی عصای موسی به ماری پرتحرک ، در پی افکندن آن بر زمین

فلما رءاها تهتّر كأنّها جانّ

«اهتزاز» (مصدر «تهتّر») به حرکت تند و سریع گفته می شود. «جانّ» نیز به گفته مفسران، گونه ای از مار باریک است که بسیار چست و چالاک می باشد.

3 - تبدیل عصای موسی به اژدهایی بزرگ اما به چالاکي مار های کوچک

فلما رءاها تهتّر كأنّها جانّ

با توجه به این که در جای دیگر تبدیل عصا به اژدهایی بزرگ (فإذا هي ثعبان مبين) آمده احتمال می رود که تعبیر «کأنّها جانّ» در این جا نه از آن باب باشد که عصای موسی در مرتبه نخست به شکل ماری کوچک و در دفعات دیگر به شکل اژدها درآمده بود بلکه تشبیه آن به مار کوچک از جهت حرکت تند و سریعی است که آن مار داشته است.

4 - ترس و گریز بی تأمل موسی (ع) ، با مشاهده تبدیل عصای دست خویش به ماری چالاک

فلما رءاها تهتّر كأنّها جانّ ولی مدبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 31 - 4, 3

3 - فرار بی درنگ موسی (ع) در پی مشاهده عصای خود بسان ماری چست و چالاک

فلما رءاها تهتّر كأنّها جانّ

4- ندا و فرمان خدا به موسی (ع) مبنی بر پیش آمدن و نترسیدن از عصای مار شده خویش

ی_موسی اقبل و لاتخف

3- تبدیل مار به عصا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 21 - 3

3- خداوند ، موسی (ع) را مطمئن ساخت که عصای مار شده _ پس از گرفته شدن _ به حالت اول بر خواهد گشت .

و لاتخف سنعیدها سیرتها الأولى

«سیره» در اصل به معنای حالت و هیئت سیر است، ولی به صورت مجاز، بر هر صفت و حالتی اطلاق می شود. در جمله «سنعیدها سیرتها» حرف «إلی» در تقدیر است، که حذف آن، کلمه را منصوب به نزع خافض کرده است؛ یعنی «سنعیدها

ص: 213

إلى سيرتها» يا «سنعيد إليها سيرتها».

4- منشأ تبدیل عصا به مار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 21 - 4

4- تبدیل عصای موسی (ع) به مار و بازگشت آن به صورت اولیه ، وابسته به اراده خداوند بود .

سنعیدها

5- منشأ تبدیل مار به عصا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 21 - 4

4- تبدیل عصای موسی (ع) به مار و بازگشت آن به صورت اولیه ، وابسته به اراده خداوند بود .

سنعیدها

ص: 214

13- ماروت

1- تبعیت یهود از ماروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 17

17 - یهودیان ، تعالیم هاروت و ماروت را دنبال کرده و آنها را در جهت مبارزه با پیامبر به کار گرفتند .

اتبعوا ما تتلوا .. و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

«ما أنزل» عطف بر «ما تتلوا ..» است؛ یعنی: اتباعوا ما تتلوا الشیاطین و اتباعوا ما أنزل علی الملکین.

2- ماروت در بابل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 14

14 - هاروت و ماروت فرشتگانی ساکن سرزمین بابل

و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

«ببابل» متعلق به محذوف و حال برای «الملکین» می باشد؛ یعنی: الملکین کائین ببابل. مقصود از «بابل» بنا بر آنچه بسیاری از مفسران گفته اند، بابل عراق - که شهری بر ساحل رود فرات و نزدیک حله است - می باشد.

3- ماروت و تعلم جادوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 16

16 - هاروت و ماروت ، علم سحر را از ناحیه خداوند دریافت می کردند . *

و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

4- ماروت و تعلم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 15،18،19،24

15 - هاروت و ماروت به مردمان بابل سحر می آموختند .

و ما أنزل علی الملکین . . . و ما یعلمان من أحد

18 - هاروت و ماروت ، تعالیم خود (سحر) را آزمونی برای مردم دانسته و به آنان هشدار می دادند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولاً إنما نحن فتنه

19 - هاروت و ماروت ، پیش از تعلیم سحر به مردم ، ایشان را از به کارگیری نا به جای آن و سوء استفاده از آن ، بر حذر می داشتند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولاً إنما نحن فتنه فلا تکفر

24 - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

5- معلم ماروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 16

16 - هاروت و ماروت ، علم سحر را از ناحیه خداوند دریافت می کردند . *

و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

6- هشدارهای ماروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 18،19

18 - هاروت و ماروت ، تعالیم خود (سحر) را آزمونی برای مردم دانسته و به آنان هشدار می دادند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولاً إنما نحن فتنه

19 - هاروت و ماروت ، پیش از تعلیم سحر به مردم ، ایشان را از به کارگیری نا به جای آن و سوء استفاده از آن ، بر حذر می داشتند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولاً إنما نحن فتنه فلا تکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 116 - 1،2

1_ اموال و فرزندان اهل کفر، نمی تواند آنها را از کیفر خداوند برهاند.

انّ الذين كفروا لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئاً

«اغنی» هنگامی که با «عن» متعدی شود، به معنای «دفع» می آید. لذا «لن تُغنی»، یعنی نمی رهااند. (روح المعانی).

2_ اموال و اولاد، تنها تکیه گاه به هنگام ذلت و ابتلای به غضب الهی، از دیدگاه اهل کفر

ضربت عليهم الذلّة .. و باءو بغضب من الله ... انّ الذين كفروا لن تغني

ظاهراً منظور از «الذين كفروا»، همان جناح اهل کتاب هستند که در آیات سابق وضعیت آنان بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 186 - 2،3،4

2_ مال و تن و جان مؤمنان، وسیله آزمایش آنان

لتبلونّ في اموالكم و انفسكم

3_ آزمایش به وسیله تن و جان، مرحله ای پس از آزمایش به وسیله مال *

لتبلونّ في اموالكم و انفسكم

تقدّم ذکری «اموال» بر «انفس»، می تواند اشاره به دو مرحله ترتیبی از آزمایش باشد.

4_ انفاق، عرصه آزمایش مالی مؤمنان و جهاد، عرصه آزمایش جانی آنان

لتبلونّ في اموالكم و انفسكم

با توجه به آیات پیشین که درباره جهاد و انفاق بود، می تواند امتحان مالی، ناظر به انفاق و امتحان جانی، ناظر به جهاد باشد.

23_ پرداخت زکات، مصداق آزمایش در اموال و واداشتن خویش به صبر، آزمایش در انفس است.

امام رضا (ع) پس از تلاوت آيه فوق فرمود: «لتبليون في اموالكم» باخراج الزكاه و «في انفسكم» بتوطين الانفس على الصبر.

عيون اخبار الرضا (ع)، ج 2، ص 89، ح 1؛ نورالثقلين، ج 1، ص 421، ح 474.

ص: 217

2- آثار اخروی مال منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 17 - 4

4 - کارساز نبودن اموال و اولاد منافقان برای آنان ، در قبال عذاب الهی در قیامت

لن تغنی عنهم أموالهم ولا أولادهم من الله شيئاً

3- آثار ارزیابی با مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 56 - 2

2 - فریفته شدن به مال و فرزند و ملاک ارزش قرار دادن آن ، نشانه جهل و نادانی است .

أیحسبون أنما نمدهم .. نسارع لهم فی الخیرت

4- آثار ایثار با مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 4

4 - ایمان ، شرط تأثیر ایثار های مالی و جانی انسان در دستیابی به بهشت

إن الله اشتری من المؤمنین أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة

قید «من المؤمنین» اشعار دارد به اینکه تنها انسانهای مؤمن در این معامله شرکت دارند.

5- آثار علاقه به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 28 - 3،4

3 - دلپستگی به مال و فرزند ، زمینه ابتلای انسان به انحراف از دین و خیانت به آن

لاتخونوا الله .. واعلموا أنما أموالکم وأولادکم فتنه

4_ خیانت برخی از مسلمانان صدر اسلام به خدا و رسول به خاطر حفظ مال و فرزند خویش

لاتخونوا الله و الرسول . . . و اعلموا انما اموالکم و اولدکم فتنه

در ضمن شأن نزول یاد شده در آیه قبل آمده است که هدف آن مسلمانی که مرتکب خیانت شده و اسرار نظامی مسلمانان را فاش ساخت، حفظ مال و فرزندانش بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 25

25 - محبت و علاقه به مال ، بازدارنده نیکان از انفاق و مصرف کردن آنها برای نجات مستمندان نخواهد شد .

ص: 218

وءاتی المال علی حبه ذوی القربی

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «حبه» به «المال» برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 56 - 2

2- فریفته شدن به مال و فرزند و ملاک ارزش قرار دادن آن ، نشانه جهل و نادانی است .

أیحسبون أنما نمدهم . . . نسارع لهم فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 7

7- دنیاگرایی و مال پرستی ، عامل اساسی در مخالفت با حق

لما جاءهم الحق . . . لولا نزل هـ ذالقراءان علی رجل

با توجه به توضیح برداشت قبل و الغای خصوصیت از مورد (مشرکان مکه)، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 16

16 - دلبستگی به مال و خانواده ، بازدارنده انسان از راه خدا و تکالیف دین

سیقول لك المخلفون من الأعراب شغلتننا أموالنا و أهلونا . . . یقولون بألستهم

برداشت بالا بر این اساس است که اعراب در بیان «شغلتننا أموالنا و أهلونا» صادق به شمار آیند؛ ولی در گفتن «فاستغفرلنا» _ که حاکی از ندامت درونی آنان است _ کاذب باشند.

6- آثار کثرت مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 55 - 15، 11

11 _ کثرت مال و اولاد ، مایه رنج و گرفتاری برای بی ایمانان

فلا تعجبك أموالهم ولا أولادهم .. ليعذبهم بها في الحياه الدنيا

15 _ مال و اولاد فراوان منافقان ، زمينه گرايش آنان به كفر در هنگام مرگ

فلا تعجبك أموالهم .. و ترهق أنفسهم و هم كفرون

7- آثار مال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 55 - 1

1 - رفاه و برخوردارى از امكانات مادى _ همچون مال و فرزند _ نشانه كرامت انسان در نزد خدا نيست .

أيحسبون أنما نمدهم به من مال و بنين

ص: 219

8- آثار مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 42

42_ ترس از مردم و مال پرستی ، عامل کفرپیشگی و کتمان حقایق آسمانی

فلا تخشوا الناس . . . و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 1,4

1_ عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و رها کردن جهاد

قل إن کان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها ... أحب إليکم من الله ورسوله و جهاد

4_ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی (محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن کان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها و ... أحب إليکم ... و جهاد فی سبيله فتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 103 - 12

12_ دلبستگی به مال و عدم تمایل به پرداخت صدقه (زکات) نشانه آلودگی روح و عدم تکامل معنوی انسان

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

از مفهوم آیه برداشت می شود که: تطهیر و تزکیه مورد نظر تنها با پرداخت زکات حاصل خواهد شد. بنابراین آنان که در نتیجه دلبستگی، از پرداخت آن سرباز می زنند، آلوده اند و رشد نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 9 - 4,5,7,8

4- غفلت و باز ماندن از یاد خداوند ، طبیعت دلبسته شدن به مال و اولاد

لا تلهمكم أموالكم و لا أول_دکم

«إلهاء» (مصدر «تلهمكم») به معنای مشغول و سرگرم کردن است. نسبت دادن «إلهاء» به «اموال و اولاد» گویای مطلب یاد شده است. گفتنی است که لازمه مشغول کردن به خود، ایجاد غفلت از یاد خدا می باشد.

5- مؤمنان، در معرض غفلت از یاد خدا، به خاطر دل بسته شدن به اموال و اولاد

ی_أیها الذین ءامنوا لا تلهمكم أموالكم و لا أول_دکم عن ذکر الله

7- دل بستگی به مال و اولاد و غفلت از یاد خدا، موجب خسران برای انسان

و من یفعل ذلک فأول_نک هم النخ_سرون

8- دل بستگان به مال و اولاد، غافل از یاد خدا و دارای فرجامی خسارت بار

و من یفعل ذلک فأول_نک هم النخ_سرون

ص: 220

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 15 - 4, 3, 2

2 - وابستگی و دلبستگی به اموال و اولاد، زمینه ساز لغزش انسان ها و ممانعت از دین داری است .

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ

3 - هشدار خداوند به مؤمنان، نسبت به لغزش و نافرمانی کردن به خاطر دلبستگی و وابستگی به مال و فرزند

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ

4 - علاقه و دلبستگی به اموال و اولاد، نباید مانع از دین داری و انجام تکالیف الهی شود .

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ

برداشت یاد شده، با توجه به تاریخ و شأن نزول آیات است که در آیه قبل توضیح داده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 6, 4, 3

3 - افراط در مال دوستی، حتی برای تهی دستان، ذلت آفرین است .

رَبِّیْ أَوْهَنَ . كَلَّا... تَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

4 - علاقه به ثروت، از عوامل بی توجهی به بینوایان و ترک تلاش در رفع گرسنگی آنان است .

وَلَا تَحْضُونَهُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ... وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

ارتباط این آیه و آیه قبل با دو آیه پیش از آنها، بیانگر برداشت یاد شده است.

6 - دلبستگی به ثروت، شکست در آزمون الهی است .

إِبْتِلَاءٌ... وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 25 - 2

2 - ترک یتیم نوازی، بی توجهی به تغذیه فقیران، تصاحب ارث دیگران و دلبستگی شدید به ثروت، مایه گرفتاری به عذابی بی نظیر در

فیومئذ لایعذب عذابہ أحد

ضمیر «عذابہ»، ممکن است به انسان برگردد که در آیات پیشین ویژگی های او بیان شده بود. در این صورت عذاب _ که اسم مصدر و به معنای تعذیب است _ به مفعول خود اضافه شده است و مفاد آیه شریفه این است که عذاب کردن آن فرد، به گونه ای انجام می گیرد که کسی _ جز خداوند _ آن گونه عذاب نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 6

6 - مال دوستی ، از ریشه های بخل است .

لحبّ الخیر لشدید

ص: 221

9- اتکا به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 34 - 3

3- تکیه ثروت مند مغرور ، به زیادی مال و نیروی فرزندان ، خویشان و هواخواهان خود بود .

فقال لصـ حبه .. أنا أكثر منك مالاً وأعزّ نفراً

به قبیله و عشیره انسان و نیز به گروهی که در کاری به هم کمک کنند، «نفر» اطلاق می شود (لسان العرب) و به قرینه «أنا أقلّ منك مالاً و ولداً» در آیه 39 _ برجسته ترین مصداق آن برای گوینده این سخن، فرزندان وی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 24 - 5

5 - تکیه غرور آمیز کافران دین ستیز ، بر مال و منال و نیروی انسانی خویش

فسیعلمون من أضعف ناصراً وأقلّ عدداً

10- اتکای به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 10 - 1,2

1 _ کافران به جای تکیه بر رحمت الهی ، بر مال و اولاد خویش متکی هستند .

ربّنا .. هب لنا من لدنک رحمه ... انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم ولا اول

2 _ کافران ، بی نیازی را در مال و اولاد می جویند ؛ در حالی که هرگز آن را نمی یابند .

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من اللّهِ شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 11 - 1

1 _ تکیه بر مال ، اولاد و احساس بی نیازی از خدا ، شیوه فرعونیان و پیشینیان آنان

لن تغنى عنهم . . . كدأب ال فرعون و الذين من قبلهم

11- اجتناب از مال حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 169 - 25

25_ وابسته نبودن به مظاهر دنیا و دوری از کسب مال از راه های نامشروع ، نشانه تقوایبشگی است .

يأخذون عرض هذا الأذنى و يقولون سيغفر لنا . . . للذين يتقون أفلا تعقلون

ص: 222

12- اجتناب از مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 9 - 6

6 - دل‌بسته نشدن به مال و اولاد ، سفارش خداوند به مؤمنان

ی_أیها الذین ءامنوا لاتلهکم أموالکم ولا أول_دکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 8

8 - ارج نهادن به یتیمان ، تغذیه نیازمندان ، پرهیز از غضب ارث دیگران و دل‌ن بستن به ثروت ، توشه‌هایی سودمند برای آخرت

لاتکرمون ... لاتح_صّون ... تأکلون ... تحبّون ... ی_لیتی قدّمت لحياتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 27 - 4,5

4 - آزمون دانستن فقر و غنا ، گرمی داشت یتیمان ، سیر کردن گرسنگان ، تصرف نکردن ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی ، زمینه ساز اعتماد به رهایی از صحنه‌های وحشت بار قیامت

فأما الإنسان إذا ما ابتلیه . . . ی_أیتها النفس المطمئنّه

«نفس مطمئن» _ به قرینه آیات پیشین _ انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، مبرّا باشد.

5 - آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان ، مسکینان و اموال مردم و دل‌ن بستن به ثروت ، فرونشاندن اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فأما الإنسان إذا ما ابتلیه . . . ی_أیتها النفس المطمئنّه

توصیف «نفس» به «مطمئن» _ در قیامت _ ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 28 - 8

8 - آزمون دیدن فقر و غنا، گرامی داشت یتیمان، تغذیه فقیران، ترک تصرف ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی، مایه احساس رضایت انسان از خداوند و زمینه ساز رضایت خداوند از او است.

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. راضیه مرضیه

نفس «راضی» و «مرضی» _ به قرینه آیات پیشین _ انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، مبرا باشد.

13- احکام مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 17، 3، 2

2 _ محجور بودن سفیه، از تصرف در اموال

و لا تَوْتُوا السَّفَهَاءَ اموالکم

ص: 223

3_ در انفاق به سفیهان، نباید مال را در اختیار آنان قرار داد. *

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

برخی برآنند که مراد از «ایفاء»، انفاق بر آنان است؛ یعنی به هنگام انفاق بر آنان، اموالتان را در اختیار آنان قرار ندهید، بلکه در جهت منافع آنان به کار گیرید.

17_ لزوم اجتناب از سپردن اموال به افرادی که مورد اعتماد نیستند.

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

امام صادق (ع) درباره «السفهاء» در آیه فوق فرمود: من لا تثق به.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 220، ح 20؛ نورالثقلین، ج 1، ص 441، ح 48.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 12

12- توان مندی و رشد، شرط جواز تصرف در اموال است. *

فأراد ربك أن يبلغا أشدهما ويستخرجا كنزهما

14- احكام مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 4، 3، 1

1_ هرگونه تصرف عدوانی در داراییهای یتیمان و تجاوز به آن حرام است.

و لا تقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف در اموال یتیمان با به کارگیری فعل «لا تقربوا» (نزدیک نشوید)، اشاره به جهاتی دارد؛ از جمله تصریح و تأکید بر این که هر نوع و مصداقی از تصرف در مال یتیم، ممنوع است.

3_ تصرف در داراییهای یتیمان برای مصالح آنان، مجاز و مشروع است.

و لا تقربوا .. إلا بالتی هی أحسن

«التی» صفت برای کلمه ای مانند «الخصله» (طریقه و روش) است. بنابراین «لا تقربوا ... إلا ...» یعنی تصرف نکنید مگر به بهترین روش تصرف. بدیهی است که مراد تصرفی است که برای یتیم نیکو باشد.

4_ به هنگام تصرف در اموال یتیمان باید سودمندترین روش به حال آنان انتخاب شود.

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق با توجه به کلمه «أحسن» (بهتر و نیکوتر) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 12، 11، 10، 8، 7، 3، 1

1- تصرف بی جا و حیف و میل اموال یتیمان، ممنوع و حرام است.

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

3- پرهیز از هرگونه امری که موجب حیف و میل مال یتیم و تصرف به ناحق در آن شود، واجب و لازم است.

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

ص: 224

7- تصرف در اموال و دارایی های یتیمان با رعایت مصالح آنان ، مجاز و مشروع است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

8- جواز تصرف در مال یتیم ، مشروط به رعایت بالاترین سطح مصالح وی است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

10- عهده داران مال یتیم ، موظف به انتخاب ثمربخش ترین شیوه حفظ و به کاراندازی آن

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که مخاطب «لا تقربوا..» متصدیان امور یتیمان باشند که خداوند، به آنها دستور می دهد: «جز با رعایت مصالح آنها، نباید در آن اموال دخل و تصرف کنند». بنابراین مراد از «التی هی أحسن» تصرف ثمربخش و مفید است.

11- یتیم ، از تصرف در مال خویش تا هنگام رسیدن به مراحل رشد و بلوغ کافی ، ممنوع است .

حتى یبلغ أشده

«حتى یبلغ أشده» غایت کفالت یتیم است؛ یعنی، شما ای متکفلان ایتام! از اموال آنها مراقبت کنید و در آنها دخل و تصرف بی جا نکنید تا زمانی که آنان به رشد کافی برسند و این حکایت از آن دارد که یتیم، قبل از رسیدن به رشد لازم، حق تصرف در اموال خود را ندارد.

12- عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران ، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لا تقربوا .. حتى یبلغ أشده

با توجه به اینکه پیام آیه، در راستای حفظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی _ بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی _ تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و «حتى یبلغ أشده» غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتام است؛ بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

15- ارزش مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 221 - 12، 5

5_ برتری ارزش ایمان ، نسبت به ظواهر دنیوی (زیبایی ، ثروت و ...)

و لامة مؤمنه خیر من مشرکه ولو اعجبتمکم

12_ لزوم مقدم داشتن ارزش های الهی ، در برابر جاذبه های مادی و ظواهر دنیوی (زیبایی ، ثروت و ...)

و لا تنكحوا المشركات حتى يؤمنَّ و لامه مؤمنه خیر من مشركه و لو اعجبتكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 12

12_ سرشناسی و ثروت ، ملاک گزینش زمامداران نیست .

و لم یؤت سعه من المال . . . و زاده بسطه فی العلم و الجسم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 225

2 - بقره - 2 - 272 - 7

7_ مال ، خیر است .

و ما تنفقوا من خیر

بنابراینکه «من» برای بیان «ما» در «ما تنفقوا» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 273 - 12

12_ مال و دارایی ، خیر است .

و ما تنفقوا من خیر

از مال، تعبیر به «خیر» شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 10 - 5

5_ اموال و اولاد ، هرگز انسان را از خدا بی نیاز نمی سازد .

لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من الله شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 116 - 4,7,8,9

4_ مال و اولاد (امکانات مادی و انسانی) نمی تواند خلأ ناشی از بی ایمانی به خدا را در جبهه کفر ، جبران کند .

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من الله شيئاً

7_ اموال و فرزندان (پشتوانه مالی و نیروی انسانی) ، مهمترین سرمایه مادی بشر

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم

با وجود اینکه هیچ چیز توان کفایت از خدا را ندارد، نام بردن از مال و اولاد، دلالت بر ویژگی و اهمیت خاص آن دارد.

8_ مال و اولاد (امکانات مادی و انسانی) ، ملاک ارزش نیستند .

لیسوا سواءاً .. امه قائمه ... لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من اللّٰه شیئاً

9- بی اثر بودن مال و اولاد، در برابر اراده و خواست خداوند

لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من اللّٰه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 11 - 4

4- اموال و دارایی ها در بینش قرآنی، خیر و ارزشمند است.

فإن أصابه خیر اطمأنّ به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 37 - 11

11 - مال و فرزند در صورتی می توانند نقش معنوی داشته باشند، که با ایمان و عمل صالح همراه باشند.

و ما أموالکم ولا اولادکم بالتّٰی تقرّبکم عندنا زلفی إلاّ من ءامن و عمل صـلِحاً

ص: 226

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 18

18 - مال و اندوخته های مادی ، نمی تواند با موهبت ها و ارزش های معنوی برابری کند .

و رحمت ربك خير مما يجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 53 - 5

5 - مال و قدرت ، تنها ملاک ارزش انسان ، از نگاه مخالفان پیامبران در طول تاریخ

وقالوا لولا نزل هذا القرآن على رجل من القریتین عظیم . . . فلولا ألقى عليه أس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 11 - 10

10 - راه خدا و دین الهی ، ارزشمندتر از جان و مال انسان ها است .

و تجهدون فی سبیل اللّٰه بأموالکم و أنفسکم

16- ارزش مال انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 9

9 - دین الهی و حمایت از آن ، دارای ارزش برتر از جان و مال انسانها

إن اللّٰه اشترى من المؤمنین أنفسهم و أموالهم . . . یقتلون فی سبیل اللّٰه

17- ارزش مال مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 5

5 - ارزش والای جان و مال مؤمنان در پیشگاه خداوند

إن الله اشترى .. بأن لهم الجنة

18- استفاده از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 10,11,12,19,20,21

10_ برداشت از اموال یتیم در قبال خدمت به وی ، بر ولیّ ثروتمند حرام است .

ص: 227

و من كان غنياً فليستعفف

برخی برآنند که مراد از تصرف و بهره‌گیری از اموال یتیم، بهره‌هایی است که ولی و سرپرست یتیمان به عنوان کارمزد از اموال یتیم می‌گیرد.

11 _ استفاده نکردن ولی غنی از اموال یتیمان در قبال خدمت به آنان، امری نیکو و پسندیده (مستحب)

و من كان غنياً فليستعفف

در برداشت فوق «فلیستعفف» (باید از تصرف در اموال یتیم بپرهیزد)، بر معنای استجابی حمل شده است؛ چون مقابل «فلیاکل» قرار گرفته که دلالت بر وجود ندارد.

12 _ جواز بهره‌گیری متعارف ولی از مال یتیم، در قبال خدمت به او، در صورت فقر

و من كان فقيراً فلياكل بالمعروف

19 _ جواز بهره‌گیری متعارف ولی یتیم از مال وی، مشروط به صرف وقت خود در جهت مصلحت آن و کم نبودن (کافی بودن) آن مال

و من كان فقيراً فلياكل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلک رجل یحبس نفسه عن المعیشه فلا بأس ان یأکل بالمعروف اذا کان یصلح لهم اموالهم فان کان المال قليلاً فلا یاکل منه شیئاً . . .

کافی، ج 5، ص 130، ح 5؛ نورالثقلین، ج 1، ص 445، ح 69.

20 _ جواز بهره‌گیری سرپرست یتیم از دارایی وی، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: المعروف هو القوت و انما عنی الوصی او القیم فی اموالهم و ما یصلحهم.

کافی، ج 5، ص 130، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 454، ح 67.

21 _ جواز برداشت سرپرست یتیم از دارایی وی به عنوان قرض، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: معناه من كان فقيراً فليأخذ من مال اليتيم قدر الحاجه و الكفايه على وجه القرض ثم يردّ عليه ما أخذ اذا وجد.

مجمع البيان، ج 3، ص 17؛ تفسير برهان، ج 1، ص 345، ح 20.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 10 - 3

3_ جواز تصرف در اموال یتیمان، در صورتی که ظلم به آنها نباشد.

انّ الذین یا کلون اموال الیتامی ظلماً

19- اصرار بر درخواست مال دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - محمد - 47 - 37 - 5

ص: 228

5- طلب اموال مردم با تأکید و قدرت ، در پی دارنده کینه توزی عمیق آنان

إن یسئلكموها فیحفکم . . . یخرج أضغ-نکم

از تعبیر «فیحفکم» _ که تأکید و اصرار را افاده می کند _ مطلب بالا قابل برداشت است.

20- اضرار به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 31 - 13

13_ عن أبی عبدالله(ع): .. إنما الاسراف فیما اتلف المال و أضرب بالبدن.

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. اسراف تنها در جائی است که باعث از بین رفتن مال و زیان رساندن به بدن باشد.

21- اعطای مال به ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 20

20- « عن أبی عبدالله (ع) : ردّ اللّٰه سبحانه علیه [ایوب (ع)] أهله الذین هلکوا بأعیانهم و أعطاه مثلهم معهم و کذلک ردّ اللّٰه علیه أمواله و مواشیه بأعیانها و أعطاه مثلها معها ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: خداوند سبحان خانواده ایوب(ع) را که هلاک شده بودند، به او برگرداند و مانند آنان را نیز به وی عطا کرد. و هم چنین خداوند، عین اموال و چهارپایان او را به او برگرداند و مانند آنها را نیز به همان مقدار به او عطا کرد».

22- اعطای مال به منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 76 - 2

2_ اجابت درخواست منافقان از سوی خداوند ، در زمینه اعطای مال و ثروت به آنان

فلما ءاتیهم من فضله

23- امتحان با مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 186 - 23، 4، 3، 2

2_ مال و تن و جان مؤمنان ، وسیله آزمایش آنان

لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

ص: 229

3_ آزمایش به وسیله تن و جان ، مرحله ای پس از آزمایش به وسیله مال *

لتبلون فی اموالکم و انفسکم

تقدم ذکر «اموال» بر «انفس»، می تواند اشاره به دو مرحله ترتیبی از آزمایش باشد.

4_ انفاق ، عرصه آزمایش مالی مؤمنان و جهاد ، عرصه آزمایش جانی آنان

لتبلون فی اموالکم و انفسکم

با توجه به آیات پیشین که درباره جهاد و انفاق بود، می تواند امتحان مالی، ناظر به انفاق و امتحان جانی، ناظر به جهاد باشد.

23_ پرداخت زکات ، مصداق آزمایش در اموال و واداشتن خویش به صبر ، آزمایش در انفس است .

لتبلون فی اموالکم و انفسکم

امام رضا (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: «لتبلون فی اموالکم» باخراج الزکاه و «فی انفسکم» بتوطين الانفس علی الصبر.

عیون اخبار الرضا (ع)، ج 2، ص 89، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 421، ح 474.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 28 - 5، 7، 2، 1

1_ هشدار خداوند به مؤمنان مبنی بر آزمایش آنان از طریق مال و فرزند

و اعلموا انما اموالکم و اولدکم فتنه

2_ دارایی ها و فرزندان اهل ایمان ، ابزاری برای آزمایش آنان از سوی خداوند

و اعلموا انما اموالکم و اولدکم فتنه

5_ پیروزی مردمان در آزمونشان به وسیله مال و فرزند ، امری بسیار مشکل و بس ارزشمند

و اعلموا انما اموالکم و اولدکم فتنه

برداشت فوق از تأکیدات متعددی استفاده شده که در آیه مورد بحث به کار رفته است. از جمله شروع سخن با فعل «اعلموا» و سپس منحصر کردن مال و اولاد برای آزمایش با کلمه «انما» و آنگاه مال و فرزند را آزمایش خواندن و نه وسیله آزمایش. این همه تأکید برای

رساندن این حقیقت است که آزمون با مال و فرزند آزمونی دشوار و پیروزی در آن بسیار مشکل است.

7_ پیروزی و موفقیت مؤمنان در آزمونشان به وسیله مال و اولاد، موجب بهره مندی آنان از پاداش بزرگ الهی است.

واعلموا أنما أموالکم و أولدکم فتنه و أن اللّٰه عنده أجر عظیم

بیان پاداش عظیم الهی پس از تأکید بر اینکه ثروتها و فرزندان وسیله آزمون هستند، می تواند بیانگر نکته ای باشد که در برداشت فوق بدان اشاره شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 29 - 5

5_ موفقیت مؤمنان در آزمونشان از طریق مال و فرزند در گرو تقوای پیشگی و نیازمند به بینشی الهی

واعلموا أنما أموالکم و أولدکم فتنه .. إن تتقوا اللّٰه يجعل لکم فرقانا

طرح بصیرت و ابزار شناخت ویژه به عنوان ثمره تقوا، پس از تأکید بر آزمون مؤمنان به وسیله مال و فرزند، می تواند اشاره به این باشد که تنها با تقوای پیشگی و بصیرت خاص می توان رضایت الهی را در چگونه برخورد کردن با مال و فرزند تشخیص داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 37 - 1

ص: 230

1- تذکر خداوند ، به ضعف شدید انسان در آزمون های مالی و دست کشیدن از اموال

إن یسئلکموها فیحکم تبخلوا ویخرج أضغـنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 15 - 1

1 - اموال و اولاد ، همواره وسیله آزمایش انسان است .

إنما أموالکم وأولادکم فتنة

«فتنه» در آیه شریفه، به معنای آزمایش است. قصر در عبارت «إنما أموالکم...» ادعایی است، نه حقیقی؛ یعنی، برای بیان مبالغه و کثرت ملازمه، میان داشتن مال و فرزند و آزمایش شدن انسان به وسیله آن دو است.

24- امداد با مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 12 - 6، 1

1 - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر یاری شدنشان با اموال و فرزندان از سوی خداوند ، در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربکم .. و یمددکم بأمول و بنین

6- برخورداری از متاع های دنیوی (همچون مال ، اولاد ، باغ های آباد و ...) ، امری مثبت و پسندیده و ابزار یاری رسانی در زندگی بشر ، از منظر قرآن و دین

و یمددکم بأمول .. و یجعل لکم أنهـراً

از این که خداوند موارد یاد شده را به مؤمنان بشارت داده و از آنها به عنوان امداد الهی یاد کرده است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

25- امیدواری به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 46 - 10

10- امید بستن به مال و فرزند ، امیدی پوچ و بی فرجام است .

المال و البنون زینه .. و البقیـت الصـلحـت ... خیر أماًلاً

26- اهمیت حفظ مال ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 4

4- اهتمام اسلام به حمایت از مال و منافع یتیمان و عناصر ضعیف و بی پشتیبان جامعه

ص: 231

و لا تقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

27- اهمیت مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 76 - 3

3_ مال و ثروت ، فضل الهی است .

فلما ءاتیهم من فضله

28- اهمیت محافظت از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 4

4- اهتمام اسلام به حمایت از مال و منافع یتیمان و عناصر ضعیف و بی پشتیبان جامعه

و لا تقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

29- بازرسی مال التجاره برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 1، 2

1_ یوسف (ع) خود به بازرسی بارها و اثاثیه کاروان فرزندان یعقوب اقدام کرد .

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه

ضمیر در «بدأ» و «استخرج» به قرینه «أخیه» به یوسف باز می گردد. اسناد آن دو فعل به یوسف، ظاهراً حقیقی است نه مجازی (به این معنا که او دستور داده باشد که چگونه بازرسی کنند در حالی که خود مباشرت نداشته باشد). تغییر سیاق ؛ یعنی، تبدیل فعل جمع (قالوا فما جزاؤه) به فعل مفرد (بدأ) قرینه بر معنای یاد شده است. «وعاء» به معنای ظرف و «أوعیه» جمع آن می باشد.

2_ یوسف (ع) پیش از بازرسی اثاثیه بنیامین ، به تفتیش دقیق بار و اثاثیه دیگر فرزندان یعقوب پرداخت .

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه ثم استخرجها من وعاء أخیه

کلمه «ثم» دلالت می کند که مدتی طول کشید تا نوبت بازرسی بار بنیامین فرا رسید. و این حکایت از آن دارد که بازرسی اثاثیه دیگر

برادران به دقت انجام می گرفته که کار به درازا کشیده شده بود.

30- بازرسی مال التجاره بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 232

2_ یوسف (ع) پیش از بازرسی اثاثیه بنیامین، به تفتیش دقیق بار و اثاثیه دیگر فرزندان یعقوب پرداخت.

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه ثم استخرجها من وعاء أخیه

کلمه «ثم» دلالت می کند که مدتی طول کشید تا نوبت بازرسی بار بنیامین فرا رسید. و این حکایت از آن دارد که بازرسی اثاثیه دیگر برادران به دقت انجام می گرفته که کار به درازا کشیده شده بود.

3_ یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد.

ثم استخرجها من وعاء أخیه

ضمیر مفعولی در «استخرجها» به «صواع» و یا «سقایه» باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل «استخرج» (بیرون آورد) به جای «وجد» (یافت) به خاطر این است که یوسف (ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

31- بدنمایی مال دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 85 - 4,8

4_ شعیب (ع)، از قوم خویش خواست تا به هنگام خرید، اجناس مردم را کم تعدادتر و کم ارزش تر از آنچه هست، جلوه ندهند.

ولا تبخسوا الناس أشياءهم

«بخس»: یعنی، کم کردن و عیب گرفتن (المصباح المنیر).

8_ کم فروشی و بی مقدار و کم ارزش جلوه دادن اجناس مردم، حرام و از مصداق های فسادانگیزی در زمین است.

أوفوا المکیال و المیزان... و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

32- بی ارزشی مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 46 - 5

5- ارزش مال و فرزند و زندگی ناپایدار دنیا، در قبال عمل صالح جاودان ارزشی فرومایه و محدود است.

المال و البنون زینة الحیوة الدنیا و البقیة الصالحة خیر

33- بی ارزشی مال التجاره برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 7

7_ فرزندان یعقوب در نوبت سوم سفرشان به مصر ، بهای کامل برای خرید سهمیه خویش را نداشتند .

و جئنا بیض_عه مزجیه فأوف لنا الکیل

«مزجاه» به معنای ناچیز و حقیر است.

ص: 233

34- بی ارزشی مال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 132 - 9

9- وجود نماز در خانواده مسلمان ، بهترین جایگزین برای مال و رفاه در خانواده کافران

متّعنا به أزواجًا منهم .. وأمر أهلک بالصلوه

کلمات «أزواج» و «أهل» در این آیات، خانواده ها را مدّ نظر قرار داده است و بدین صورت لزوم تمایز خانواده مسلمان از خانواده کافر را بیان می کند.

35- بینش غلط مال دوستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 2

2- پندار عزّت در پیشگاه خداوند ، برای کسانی که گرفتار مال دوستی اند ، پنداری موهوم است .

رَبِّي أَكْرَمَن .. كَلًّا ... وَتَحْتَوْنَ الْمَالَ حَبًّا جَمًّا

36- پاداش ایثار با مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 24

24_ ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ .. فَاسْتَبَشَرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ

37- پاداش ترک مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 15 - 6

6- رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها ، دارای پاداش بزرگ الهی است .

والله عنده أجر عظيم

یادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 234

38- پرداخت مال به برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 17

17 - برده داران ، وظیفه دار پرداخت مقداری از مال خود به بردگان ، به هنگام آزادی آنان با قرارداد بازخريد (مكاتبه)

فكاتبوهم . . . وءاتوهم من مال الله الذی ءاتیکم

39- تبدیل مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 2 - 4،8

4_ حرمت تبدیل و تعویض اموال مرغوب یتیم ، به اموال غیر مرغوب

واتوا الیتامی اموالهم و لا تتبدلوا الخبیث بالطیب

8_ تبدیل اموال مرغوب یتیمان به نامرغوب ، ضمیمه ساختن دارایی آنان به ثروت خویش ، گناهی بزرگ

و لا تتبدلوا الخبیث بالطیب و لا تاكلوا . . . انه كان حوباً كبيراً

متعدی شدن فعل «لا تاكلوا» به «الی»، گویای این است که در آن فعل، معنای ضمیمه ساختن تضمین شده است.

40- تجاوز به مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 10 - 7

7_ آتشی سوزان و برافروخته ، فرجام پایمال کنندگان اموال یتیمان

ان الذین یاكلون اموال الیتامی ظلماً . . . و سیصلون سعیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 1

1_ هرگونه تصرف عدوانی در داراییهای یتیمان و تجاوز به آن حرام است.

و لا تقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف در اموال یتیمان با به کارگیری فعل «لا تقربوا» (نزدیک نشوید)، اشاره به جهاتی دارد؛ از جمله تصریح و تأکید بر این که هر نوع و مصداقی از تصرف در مال یتیم، ممنوع است.

41- تحصیل عزت از مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 5

5- شرک پیشاگان، عزت و سعادت را در تحصیل مال و فرزند، و فزونی آن می دیدند.

ص: 235

قال لأتین... واتخذوا... لیکونوا لهم عزاً

در آیات پیشین انگیزه روی آوردن به کفر، علاقه به مال و فرزند بیان شده و در این آیه طلب عزت ذکر گردیده است. حاصل این دو تعبیر، این است که مشرکان مال و فرزند را مایه عزت می دانستند و پرستش غیر خدا را، راه وصول به آن شناخته بودند.

42- تحصیل مال با دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 15

15 - « روی عن ابی جعفر (ع) انه یعنی بالباطل الیمین الکاذبه یقتطع بها الأموال ؛

از امام باقر(ع) درباره «باطل» در آیه فوق روایت شده که: مراد، سوگند دروغ است که موجب به دست آوردن مال می شود (یعنی تحصیل مال با قسم دروغ اکل مال به باطل است)».

43- تصرف مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 3,4,5,1

1_ هرگونه تصرف عدوانی در داراییهای یتیمان و تجاوز به آن حرام است.

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف در اموال یتیمان با به کارگیری فعل «لاتقربوا» (نزدیک نشوید)، اشاره به جهاتی دارد؛ از جمله تصریح و تأکید بر این که هر نوع و مصداقی از تصرف در مال یتیم، ممنوع است.

3_ تصرف در داراییهای یتیمان برای مصالح آنان، مجاز و مشروع است.

و لاتقربوا... إلا بالتی هی أحسن

«التی» صفت برای کلمه ای مانند «الخصله» (طریقه و روش) است. بنابراین «لاتقربوا... إلا...» یعنی تصرف نکنید مگر به بهترین روش تصرف. بدیهی است که مراد تصرفی است که برای یتیم نیکو باشد.

4_ به هنگام تصرف در اموال یتیمان باید سودمندترین روش به حال آنان انتخاب شود.

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق با توجه به کلمه «أحسن» (بهتر و نیکوتر) استفاده شده است.

5_ رشد یتیمان (به دست آوردن تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان) پایان جواز تصرف دیگران در اموال آنان

ولا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده

«أشد» به معنای تجربه و شناخت است. (لسان العرب). بر اساس این معنا و به مناسبت مورد، مقصود از «أشد» تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان است.

ص: 236

44- تفاخر به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 2 - 1

1 - عموم مردم تا لحظه مرگ ، گرفتار رقابت با یکدیگر و تفاخر به مال و مقام اند .

حتّی زرتّم المقابر

45- تفضل مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 75 - 2

2_ مال ، ثروت و امکانات مادی ، فضل الهی است .

لئن ءاتینا من فضله لنصدقنّ

46- تهدید به نابودی مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 33 - 6

6 - تهدید شدن کافران صدراسلام ، به نابودی اموال و درایی های شان

كذلك العذاب . . . لو كانوا يعلمون

47- تهدید مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 4

4 - معاد ، تهدیدی برای مال دوستان و ناسپاسان

لكنود . . . لحبّ الخیر لشدید . أفلا يعلم إذا بعثر ما فی القبور

48- جاذبه مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 55 - 6

6_ مال و فرزند ، دو عنصر پر جاذبه در زندگی دنیوی

فلا تعجبک أموالهم و لا أولدهم

از اینکه از میان همه جاذبه های مادی، تنها به دو مورد مال و فرزند اشاره شده است، برداشت فوق استفاده می شود.

ص: 237

49- جذابیت مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 46 - 2

2- مال و فرزند ، قوی ترین جاذبه های زندگی دنیایند . *

المال و البنون زینه الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 15 - 9

9- جان و مال ، پرجاذبه ترین امور در زندگی انسان

و جـ هـدوا بأمولهم و أنفسهم

خداوند، از میان جاذبه های زندگی، فقط به جان و مال اشاره کرده است و چشم پوشی از آن را نشانه ایمان استوار دانسته است.

50- جهاد با مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 95 - 16، 12، 6، 5، 4

4_ تأمین هزینه های مالی پیکار در راه خدا ، جهاد مالی در راه خداست .

و المجاهدون فی سبیل اللّٰه باموالهم و انفسهم

5_ خداوند ، برتری دهنده مقام جهادگران با مال و جان بر بازنشستگان از جنگ

فضّل اللّٰه المجاهدون باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه

6_ جهاد با مال و جان ، باید معیاری در واگذاری مقام ها و منصب ها به افراد باشد .

فضّل اللّٰه المجاهدون باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه

با توجه به اینکه هر کس را خدا برتری دهد، جامعه اسلامی نیز باید برای او برتری قائل بشود.

12_ جهاد با مال و جان ، از برترین ارزش ها در نظام ارزشی اسلام

لايستوى القاعدون . . . و المجاهدون ... باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدين بام

16 _ ترغيب مؤمنان به جهاد و بذل مال و جان در راه خدا

لايستوى القاعدون . . . و المجاهدون ... فضل الله المجاهدين على القاعدین اجراً عظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 2

2 _ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار ، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذين آمنوا و هاجروا . . أولياء بعض

ص: 238

مشارالیه «أولئك» و مرجع ضمیر در «بعضهم»، «الذین» اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر - مثلاً - اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

51- حرمت تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 1

1- تصرف بی جا و حیف و میل اموال یتیمان ، ممنوع و حرام است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

52- حرمت مال ربوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 130 - 5

5_ حرمت هر گونه تصرف در اموال ربوی

لا تأكلوا الرِّبوا

مراد از «اکل» (خوردن) در آیه مورد بحث، مطلق تصرفات است.

53- حفظ مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 16

16_ ضرورت پرهیز از سپردن اموال به سفیهان ، برای جلوگیری از اتلاف و تباه شدن آن

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

امام باقر (ع): .. انّ الله نهی عن ... و فساد المال ... انّ الله عز و جل یقول ... و لا تؤتوا السفهاء اموالکم ...

54- حفظ مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 10 - 4

4_ عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورت حفظ اموال یتیمان

ص: 239

انّ الذّین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انّما یاکلون فی بطونهم ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 12, 20, 21, 22

12 - تجاوز نکردن به اموال یتیمان و رعایت عدالت در مبادلات از تکالیفی است که انسانها بر انجام آن توانا هستند. *

و لا تقربوا مال الیتیم . . . و أوفوا الکیل و المیزان بالقسط لانکلف نفساً إلا وسعها

برخی بر آنند که هدف از جمله «لا تکلف . . .» تذکر این معناست که فرمانهای یاد شده در حد توان انسانهاست تا مبادا به گمان اینکه این اوامر مشقتبار و طاقت شکن است، از پذیرش آنها سرباز زنند.

20 - ضایع نساختن اموال یتیمان، عدالت در داد و ستد، پرهیز از سخنان نابحق و پایبند بودن به پیمانهای الهی، از توصیه های خداوند به انسانها

و لا تقربوا مال الیتیم . . . ذلکم وصیکم به

21 - توصیه های چهارگانه (ضایع نساختن دارایی یتیمان و . . .) تعلیماتی است که باید انسانها فراگیرند و به خاطر بسپارند و رفتار خویش را بر اساس آن پایه ریزی کنند.

ذلکم وصیکم به لعلکم تذکرون

«تذکر» (مصدر تذکرون) به معنای فراگرفتن و به خاطر سپردن است و مفعول آن همان حقایقی است که در آیه مطرح شده.

22 - تکالیف چهارگانه (ضایع نساختن دارایی یتیمان و . . .) دارای ارتباطی تنگاتنگ و به منزله تکلیفی واحد

ذلکم وصیکم به

به کارگیری ضمیر و اسم اشاره مفرد برای تکالیف یاد شده می تواند حاکی از برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 153 - 1

1 - پرهیز از شرک، فرزندکشی، کردارهای شنیع، کشتن بیگناهان، تجاوز به دارایی یتیمان، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

ألا تشرکوا به شیئاً . . . و أن هذا صرطی مستقیماً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر متکلم در «صراطی» خداوند باشد. صراط خداوند یعنی راهی که به سوی اوست.

55- خطر تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 2

2- مال یتیم وسوسه انگیز و زمینه ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

به کار رفتن واژه «لا تقربوا» (نزدیک نشوید) به جای «لا تأکلوا و لا تصرفوا» (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به دلیل حامی جدی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میلهای به ناحق است.

ص: 240

56- خیریت مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 215 - 4

4_ دارایی های انسان ، خیر است .

قل ما انفقتم من خیر

«من خیر»، بیان «ما» در «ما انفقتم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 272 - 7

7_ مال ، خیر است .

و ما تنفقوا من خیر

بنابراینکه «من» برای بیان «ما» در «ما تنفقوا» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 273 - 12

12_ مال و دارایی ، خیر است .

و ما تنفقوا من خیر

از مال، تعبیر به «خیر» شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 11 - 4

4- اموال و دارایی ها در بینش قرآنی ، خیر و ارزشمند است .

فإن أصابه خیر اطمأنّ به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 4

4 - مال و دارایی ، خیر است .

الخیر

57- ذکر ناپایداری مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 88 - 3

3 - لزوم توجه انسان به ناپایداری مال و فرزند و فریفته نشدن به آنها

ص: 241

58- رد مال التجاره برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 62 - 2,3,5,6

2_ یوسف (ع) از کارگزارانش خواست بهای دریافت شده از فرزندان یعقوب را در بارها و اثاثیه آنان جاسازی کنند .

و قال لفتی نه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

3_ یوسف (ع) به کارگزارانش توصیه کرد سرمایه فرزندان یعقوب را به گونه ای در اثاثیه آنان جاسازی کنند که تا رسیدن به وطنشان متوجه آن نشوند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها إذا انقلبوا الی أهلهم

5_ یوسف (ع) امید داشت برادرانش بضاعت های برگردانده شده به آنان را به هنگام رسیدن به وطنشان باز شناسند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها

روشن است که فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش بضاعت های خود را در آن می یافتند. بنابراین جای «لعل» (شاید و باشد) نبود. از این رو در تفسیر کلمه «لعل» چند وجه ذکر شده است: 1_ اشفاق و ترجی مربوط به قید «إذا انقلبوا» است؛ یعنی، امید است که پس از رسیدن به اهلشان دریابند نه قبل از آن. 2_ مقصود از شناخت بضاعت شناختن حق آن است؛ یعنی، شاید حق آن را بشناسند و قدردانی کنند. 3_ لعل به معنای «کی» (تا اینکه) است و معنای ترجی و امید ندارد.

6_ یوسف (ع) با باز گرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گزاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها .. لعلهم یرجعون

برداشت فوق، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 2,3,4,5,7

2_ فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش، بهای غلات خریداری شده از مصر را در میان آنها یافتند .

و لما فتحو مت عهم وجدوا بضعتهم ردت الیهم

3_ فرزندان یعقوب با مشاهده بهای بازگردانده شده ، شادمان شدند و آن را به یعقوب گزارش کردند .

قالوا یـأبانا ما نبغی هـذـه بضـعتنا ردّت إلینا

«ما» در «ما نبغی» استفهامیه و مفعول برای نبغی است. «بغی» به معنای خواستن و طلب کردن می باشد. جمله «ما نبغی» ؛ یعنی ، [بیش از این] چه می خواهیم؟

4_ اطمینان فرزندان یعقوب به بازگردانده شدن سرمایه خویش نه رخ دادن اشتباه و خطا از ناحیه کارگزاران یوسف

وجدوا بضـعتهم ردّت إلیهم . . . هـذـه بضـعتنا ردّت إلینا

جمله «رُدّت إلینا» «دلالت بر آن دارد که فرزندان یعقوب بضاعت خویش را با این وصف که به آنان بازگردانده شده است ، یافتند ؛ یعنی ، این گمان را نداشتند که اشتباهی رخ داده است تا خویشان را به ارجاع آن ملزم ببینند.

5_ فرزندان یعقوب به وی خاطرنشان کردند که عزیز مصر (یوسف) بدون آگاهی ایشان و بدون کمترین امتنانی ، بضاعت

ص: 242

آنان را بازگردانده است .

ه_ذَه بَضْ عَتْنَا رَدَّتْ إِلَيْنَا

آوردن فعل «رُدَّت» به صورت مجهول و یاد نکردن از فاعل آن برای رساندن این معناست که باز گرداننده به گونه ای عمل کرده که ما متوجه او نشویم و احساس کوچکی و شرمندگی نکنیم.

7_ فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه بازگردانده شده ، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند .

قال هل ءامنکم . . . ی_أَبَانَا مَا نَبَغِي ه_ذَه بَضْ عَتْنَا رَدَّتْ إِلَيْنَا وَ نَمِيرُ أَهْلَنَا وَ نَحْفِظُ أ

سخنان فرزندان یعقوب (ما نبغی ه_ذَه بضاعتنا ..) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راستای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

59- زمینه ازدیاد مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 11 - 8

8 - انفاق در راه خداوند ، باعث افزون شدن مال است ؛ نه کم شدن آن .

من ذا الذی یقرض اللّٰه . . . فیض_عَفَه لَه

قید «یضاعفه له»، شاید ناظر به این حقیقت باشد که کسی گمان نکند انفاق کردن در راه خداوند، سبب کم شدن سرمایه می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 18 - 10

10 - صدقه دادن در راه خدا ، مایه افزون شدن مال است ؛ نه سبب کم شدن آن .

إِنَّ الْمَصْدِّقِينَ . . . یض_عَف لَهْم

قید «یضاعف لهم» شاید ناظر به این معنا باشد که صدقه _ برخلاف پندار مردم _ باعث کم شدن مال آنان نمی شود؛ بلکه باعث می گردد که مال آنان رشد کند و فزونی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 12 - 3

3- استغفار و ایمان، از عوامل ازدیاد اموال و فرزندان و آبادانی شهرها و روستاها (پیدایش باغها و نهرها و...)

استغفروا ربکم... و یمددکم بأموال و بنین و یجعل لکم جنّات و یجعل لکم أنهراً

60- زمینه کمی مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 12 - 4

4- کفر و گناه، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهرها و روستاها (نابودی باغها، نهرها و...)

ص: 243

استغفروا ربکم . . . و یمددکم بأمول و بنین . . . و یجعل لکم أنهِ رًا

61- زمینه مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 7

7- غفلت از امتحان های الهی ، مایه ترک یتیم نوازی و بی اعتنایی به مسکینان و تصاحب میراث دیگران و دلبستگی به ثروت است .

ابتلیه . . . کلاً بل لا تکرمون الیتیم . و لاتحِ صّون . . . و تأکلون التراث ... و تحبّ

62- زینت مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 46 - 1

1- مال و فرزند ، جلوه ها و زینت های زندگی ناپایدار دنیايند .

المال و البنون زینه الحیوه الدنیا

«بنون» گرچه جمع «ابن» است، ولی تغلیباً می تواند شامل هر دو جنس مذکر و مؤنث شود، همانگونه که در «بنی آدم» و امثال آن، مقصود، تنها فرزندانِ ذکور آدم نیست، بلکه مطلق فرزند است.

63- سرزنی اتکا به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 8 - 3

3- اعتماد به اموال خویش و احساس بی نیازی در برابر پاداش های موعودِ خداوند ، خصلتی نکوهیده است .

و صدّق بالحسنی . . . فأما من ... استغنی

مراد از «استغنی» _ به قرینه جمله «صدّق بالحسنی» در آیات پیشین _ ممکن است استغنائی از «حسنی» (پاداش های نیک خداوند) باشد. بیان فرجام دشوار (العسری) برای صاحبان این خصلت ها (در آیات بعد) بیانگر نکوهش آن خصلت ها است.

64- سرزنی مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3_ مذمت خدا از دل‌بستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دل‌واپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا

ص: 244

و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 5

5 - عشق به ثروت ، مذموم است .

و تحبون المال حبًا جَمًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 3

3 - علاقه شدید به ثروت ، مذموم است .

وإنه لحبّ الخیر لشدید

65- شرایط تصرف در مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 12

12- توان مندی و رشد ، شرط جواز تصرف در اموال است . *

فأراد ربّك أن يبلغا أشدهما و يستخرجا كنزهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 6

6_ مالکیت ، همواره مستلزم جواز تصرف نیست .

و ابتلوا الیتامی . . . فان انستم منهم رشداً فادفعوا

از اینکه یتیمان نابالغ از تصرف در اموال خویش ممنوع و محجورند، معلوم می شود که مجرد مالک بودن مستلزم جواز تصرف در اموال نیست.

66- شرایط تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 7،8

7- تصرف در اموال و دارایی های یتیمان با رعایت مصالح آنان ، مجاز و مشروع است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

8- جواز تصرف در مال یتیم ، مشروط به رعایت بالاترین سطح مصالح وی است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

ص: 245

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 10 - 4

4_ مال و اولاد، اهرم بازدارنده از گرایش به خدا

لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 14 - 6

6_ شیفتگی مردمان نسبت به چهارپایان (دامداری) و کشاورزی و تولید (امکانات مادی)

زین للناس حبّ الشهوات .. الانعام والحرث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 18

18_ مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشتری به ثمناً ولو كان ذاقربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 12

12- دل بستگی انسان به دارایی های خویش ، شدیدتر از سایر دل بستگی های وی

ولا یستلکم أموالکم

از این که خداوند در کنار تشویق به ایمان و تقوا، فوراً به انسان یادآور شده که هدف از این ایمان و تقوا، گرفتن مال از ایشان نیست؛ استفاده می شود که دل بستگی انسان به مال زیاد است و چه بسا بیشتر از سایر دل بستگی ها است؛ زیرا خداوند، تنها به همین یک نکته اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 40 - 4

4 - دل‌بستگی عمیق انسان‌ها ، به مال

أم تسألهم أجرًا فهم من مغرم مثقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 34 - 3

3 - دل‌بستگی شدید دنیامداران به اموال و دارایی ، در هنگام انفاق و احسان به دیگران نمایان می‌شود . *

و لم یرد إلاّ الحیوه الدنیا .. و أعطی قلیلاً

ذکر «قلیلاً» می‌تواند اشاره به آن باشد که کافران دنیامدار در صورت تمایل به احسان، تنها بخش ناچیزی از اموال خویش را انفاق می‌کردند.

ص: 246

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 1

1 - تمایل شدید به مال ، از ویژگی های طبیعت انسان است .

وإنه لحبّ الخیر لشدید

68- عوامل ایثار با مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 6

6_ ایمان راستین ، مستلزم ایثار جان و مال در راه خدا

إن الله اشتری من المؤمنین

69- عوامل تهدید مال دوستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 10 - 5

5 - صحنه برملا شدن رازها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلا یعلم إذا .. و حصّل ما فی الصدور

70- عوامل محافظت از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 16

16- خضر (ع) با توجه دادن موسی (ع) به تدبیر فراگیر الهی ، حفاظت اموال یتیمان را ، برخاسته از گستردگی ربوبیت خداوند دانست .

فأراد ربّك

خضر(ع) با اضافه «ربّ» به ضمیر خطاب (ربّك) به موسی(ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمکی نکرد، ولی مالک و مدبر تو، مالک و مدبر یتیمان نیز هست.

71- غضب مال

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

4 - نساء - 4 - 161 - 4

ص: 247

4_ یهودیان با اسباب غیر مشروع و باطل اموال دیگران را تصاحب می کردند .

وَأَكْلَهُمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَطْلِ

کلمه «باء» در «البطل» سببه است و مراد از «اموال الناس» می تواند ثروتهای متعلق به جامعه همانند معادن، جنگلها و .. باشد و می تواند مقصود از آن داراییهای شخصی دیگران باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است گفتنی است مراد از «اکل» خصوص خوردن نیست بلکه هر نوع تصرفی منظور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 33 - 19

19_ گرفتن مال مردم به زور ، همراه با زدن آنان _ در کشور اسلامی ، _ محاربه با خدا و رسول است .

انما جزؤا الذین یحاربون الله

از امام صادق(ع) درباره کسانی که در کشور اسلامی با زدن مردم به غارت اموالشان پردازند، روایت شده: هؤلاء من اهل هذه الایه «انما جزؤا الذین . . .»

کافی، ج 7، ص 245، ح 2؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 465، ح 3.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 31 - 6

6_ دست اندازی به دارایی ها دیگران با شیوه های باطل ، گناهی بزرگ

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل . . . ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه

به مقتضای ارتباط این آیه و آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای گناهان کبیره، همان تصرف ناروا در اموال دیگران است.

72- غضب مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 10 - 9، 1

1_ حرمت تصرف ظالمانه و ناروا در اموال یتیمان

انّ الذّين ياكلون اموال اليتامى ظلماً

2_ خوردن ظالمانه مال یتیم در واقع ، خوردن آتش است .

انّ الذّين ياكلون اموال اليتامى ظلماً ائماً ياكلون في بطونهم ناراً

9_ تصرف سرپرست یتیم در مال وی ، به انگیزه شخصی و با قصد عدم پرداخت آن ، ظلم است .

انّ الذّين ياكلون اموال اليتامى ظلماً

امام کاظم (ع) در پاسخ سؤال از تصرف در مال یتیم فرمود: ... لا ینبغی له ان یأکل الا القصد... فان کان من یتیمه ان لا یرده علیهم فهو بالمنزل الذی قال الله عزّ و جل: «انّ الذّين ياكلون اموال اليتامى ظلماً».

کافی، ج 5، ص 128، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 450، ح 90.

ص: 248

غصب مال یتیم در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 9

9- تصرف بی جا در اموال یتیمان و حیف و میل آنها ، امری رایج و شایع در میان اعراب جاهلی

و لاتقربوا مال الیتیم

73- فطرت علاقه به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 37 - 6

6- عشق به مال و ثروت ، ریشه دار در عمق وجود و جان انسان ها

إن یسئلکموها . . . ویخرج أضغ_نکم

این که حتی تأکید خداوند به انفاق اموال، کینه ها را برمی انگیزد؛ نشانگر آن است که دل بستگی انسان هابه اموال، بسیار نیرومند و عمیق است.

74- فطرت مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 1

1 - تمایل شدید به مال ، از ویژگی های طبیعت انسان است .

وإنه لحبّ الخیر لشدید

75- کسب مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 15،17

15 _ کسب مال و تجارت به هنگام سفر بسوی خانه خدا ، امری مشروع و مجاز بر حاجیان و معتمران

ءآمین البیت الحرام یتغون فضلا من ربهم

چنانچه مراد از «فضلا» رزق و روزی و درآمدهای مادی باشد، ابتغاء فضل به معنای کسب درآمد به وسیله تجارت و مانند آن است.

17_ دستیابی مردم به روزی و درآمدهای مادی، پرتوی از ربوبیت خداوند نسبت به آنان

یتغون فضلا من ربهم

ص: 249

76- کسب مال حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 169 - 3,4

2_ دنیاگرایان یهود، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند.

ورثوا الکتب یاخذون عرض هذا الأذنی و یقولون سیغفر لنا

جمله «ورثوا الکتب» (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند؛ مدعی اعتقاد به آن بودند.

3_ دنیاگرایان یهود خود به گناه دنیاگرایی و کسب مال و منال از راه های ناروا معترف بودند.

یاخذون عرض هذا الأذنی و یقولون سیغفر لنا

جمله «سیغفر لنا» (آمرزیده خواهیم شد)، اعتراف یهودیان دنیاگرا به گنهکاری خویش و بیانگر این است که جمله «یاخذون...» ناظر به کسب مال از راه های نامشروع است.

4_ دنیاگرایان یهود به گناه خویش (دستیابی به مال و منال دنیا از راه های نامشروع)، اصرار میورزیدند.

وإن یأتهم عرض مثله یاخذوه

جمله «وإن یأتهم...» (اگر مال و منال دنیا در مرتبه و زمانی دیگر به آنان روی می آورد از گرفتن آن دریغ نداشتند)، اشاره به اصرار یهودیان دنیاگرا به گناه کسب درآمدهای نامشروع دارد.

77- کم ارزش کردن مال دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 20,25

20_ شعیب از قوم خویش خواست تا به هنگام خرید، اجناس مردم را کم تعدادتر و کم ارزشتر از آنچه هست جلوه ندهند.

و لا تبخسوا الناس أشياءهم

«بخس» به این معناست که چیزی را کمتر از واقع و حقیقتش نشان دهند. در مفردات آمده است: «بخس» یعنی چیزی را ظالمانه ناقص شمردن.

25_ کمفروشی و کم مقدار و کم ارزش جلوه دادن اجناس مردم، حرام و از مصادیق فسادانگیزی در زمین است.

فأوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم و لا تفسدوا فی الأرض

78- کم نمایانی مال دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 183 - 1،2،4

1 - نهی شعیب (ع) از کم ارزش جلوه دادن کالا های مردم، به هنگام معامله

و لا تبخسوا الناس أشياءهم

«بخس» (مصدر «تبخسوا») به معنای کم قیمت کردن چیزی و کاستن از ارزش آن است. «أشياء» (جمع شیء) نیز کنایه از اموال می باشد؛ یعنی، «از ارزش اموال مردم کم نکنید».

ص: 250

2- کاستن از ارزش کالای مردم و کم ب ها جلوه دادن آن به هنگام خرید ، از مصادیق بی تقوایی است .

فاتّقوا الله . . . و لا تبخسوا الناس اشیاءهم

4- کم فروشی ، تقلّب در معامله و بی ارزش شمردن متاع مردم ، از نمود های فسادگری است .

أوفوا الکیل . . . و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تعثوا فی الأرض مفسدین

79- کیفر غصب مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 10 - 10

10 _ مبعوث شدن خورندگان مال یتیمان به ناروا _ در قیامت _ در حالی که آتش از دهانشان شعله می کشد .

انّ الذّین یاکلون اموال الیتامی

رسول الله (صلی الله علیه و آله): بیعت اناس من قبورهم یوم القیامه تأجّج افواههم ناراً. از آن حضرت سؤال شد اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: انّ الذّین یاکلون اموال الیتامی ظلماً . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 225، ح 47؛ نورالثقلین، ج 1، ص 448، ح 76.

80- گرایش به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 85 - 5

5 _ مال و فرزند ، دو عنصر پرجاذبه در زندگی دنیوی

أمولهم و أولدهم

با توجه به اینکه خداوند از میان امکانات مادی تنها به دو مورد مال و اولاد اشاره کرده، برداشت فوق به دست می آید.

81- مال التجاره برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ یوسف (ع) بار آذوقه و جیره غذایی برادران را، خود آماده کرد . *

ولما جهزهم بجهازهم

«تجهیز» (مصدر جهز) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن جهاز (زاد و توشه) است. ضمیر در «جهز» به یوسف(ع) برمی گردد. بنابراین «لما جهزهم...» ؛ یعنی، پس آن گاه که یوسف(ع) بار و بنه و زاد و توشه برادرانش را آماده ساخت. البته این احتمال که اسناد «جهز» به یوسف(ع) مجازی باشد، بعید به نظر نمی رسد؛ زیرا بسیار متعارف است که فعل کارگزاران به کارفرما اسناد داده می شود.

ص: 251

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 1

1_ فرزندان یعقوب پس از گزارش سفر ، به گشودن محموله های خریداری شده از مصر پرداختند .

و لما فتحوا مت_عهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 70 - 2,3

2_ یوسف (ع) خود به تجهیز و مهیا کردن محموله برادران خویش پرداخت .

فلما جهّزهم بجهازهم

3_ یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه في رحل أخيه

«سقایه» به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. «ال» تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 21

21_ «عن احمد بن محمد عن أبي الحسن الرضا (ع) قال : سئلته عن قوله « و جئنا ببضاعة مزجاة » قال : المقل ؛

احمد بن محمد گوید: از امام رضا(ع) درباره سخن خدا [که از قول فرزندان یعقوب] فرموده: «و جئنا ببضاعة مزجاة» سؤال کردم. امام فرمود: [آن سرمایه] مقل بوده است».

82- مال ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 19 - 3

3 - نیازمندان سائل و محرومان ، دارای حق در مال ثروتمندان جامعه

و فی أموالهم حق للسائل والمحروم

83- مال دوستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 23 - 8

8 - مال دوستان و حرام خواران ، در آخرت به ارزش حقیقی ثروت و لزوم مصرف آن در اطعام گرسنگان و فواید بزرگداشت یتیمان ، پی خواهند برد .

لا تکرمون ... و لا تحِضّون ... تأکلون ... تحبّون ... کلاً ... یومئذ یتذکّر الإنس .

ص: 252

84- مال دوستان و عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 2

2 - پندار عزت در پیشگاه خداوند ، برای کسانی که گرفتار مال دوستی اند ، پنداری موهوم است .

ربّي أكرمن ... كلاً ... و تحبّون المال حبّاً جمّاً

85- مال دوستی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 3

3 - باغداران یمنی ، گروهی مال دوست و خسیس

إذ أقسموا ليصرمنّها .. ولا يستنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 3

3 - مال دوستی و بخل شدید باغداران یمنی

أن لا يدخلنّها اليوم عليكم مسكين

86- مال دوستی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 12

12- دل‌بستگی انسان به دارایی های خویش ، شدیدتر از سایر دل‌بستگی های وی

و لا يستلکم أموالکم

از این که خداوند در کنار تشویق به ایمان و تقوا، فوراً به انسان یادآور شده که هدف از این ایمان و تقوا، گرفتن مال از ایشان نیست؛ استفاده می شود که دل‌بستگی انسان به مال زیاد است و چه بسا بیشتر از سایر دل‌بستگی ها است؛ زیرا خداوند، تنها به همین یک نکته اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 37 - 1

1- تذکر خداوند ، به ضعف شدید انسان در آزمون های مالی و دست کشیدن از اموال

إن یسئلكموا فی حفاکم تبخلوا و یخرج أضغ نکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 40 - 4

4- دل بستگی عمیق انسان ها ، به مال

ص: 253

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 1

1 - تمایل شدید به مال ، از ویژگی های طبیعت انسان است .

و إِنَّ لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ

87- مال دوستی بادیه نشینان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 15 - 7

7 - وجود شک و دلبستگی به مال و جان در میان اعراب ، دلیل رد ادعای ایمان آنان از سوی خداوند

قل لم تؤمنوا .. . إنما المؤمنون ... ثم لم يرتابوا و جـهدوا بأموالهم و أنفسهم

88- مال دوستی دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 5، 7، 2

2 - افزایش مال دوستی در دشمنان دین ، زمینه رویارویی آنان با سپاه اسلام است .

و العـدیـت . . . و إِنَّ لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ

5 - دشمنان دین ، به دلیل علاقه وافر به مال ، گرفتار بخل و امساک حقوق خداوند

و إِنَّ لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ

کلمه «شدید» _ چنان که در قاموس آمده _ گاه به معنای «بخیل» است. در صورتی که این معنا در آیه مراد باشد، حرف «لام» در «لِحَبِّ الْخَيْرِ» لام تعلیل خواهد بود؛ یعنی، به خاطر حبّ مال.

7 - خداوند ، در تأکید بر شدت مال دوستی دشمنان دین ، به مرکب مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العـدیـت . . . و إِنَّ لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 6

6 - ناسپاسی دشمنان دین ، در برابر نعمت های خداوند و دلبستگی شدید آنها به دارایی خویش ، نشان بی توجهی آنان به معاد

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ .. أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ

ص: 254

89- مال دوستی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 6

6 - ادعای سرگرمی به مال و خانواده، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا

90- مال دوستی مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 1

1 - علاقه فراوان به مال، از ویژگی های مردم در عصر جاهلیت

و تحبّون المال حبًّا جَمًّا

«جَمًّا»، به معنای زیاد بودن و انباشته شدن است. (مقایس)

91- مال دوستی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 58 - 7

7 - منافقان، تنها در صورت برخورداری از صدقات (دارایی بیت المال) - هر چند به ناحق باشد - خشنود و در غیر آن صورت، ناخرسند بودند.

فَإِنْ أَعْطُوا مِنْهَا رِضْوَانًا وَإِنْ لَمْ يَعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ

92- مال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 15

15 - شوهر، مجاز به استفاده از دارایی زن، در صورت رضایت خاطر وی

فان طبن لكم عن شيء منه

امام صادق يا امام كاظم (ع) در پاسخ سؤال از آيه فوق فرمود: يعنى بذلك اموالهنّ التى فى ايديهنّ مما ملكن.

تفسير عياشى، ج 1، ص 219، ح 16؛ نورالثقلين، ج 1، ص 441، ح 46.

ص: 255

93- مال سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 13، 4، 5

4 - جواز پرداخت اموال کم ارزش سفیهان به آنان

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم الّتی جعل اللّٰه لکم قیاماً

به آن احتمال که «الّتی جعل .. .»، قیدی احترازی باشد، بر این مبنا می توان اموالی که ارزش اقتصادی چندانی ندارد، در اختیار سفیه قرار داد.

5 - اموال سفیه ، باید در اختیار ولیّ او باشد .

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

جمله «لا تؤتوا .. .» (اموال را به سفیهان نپردازید)، فرض را بر این قرار داده که اموال آنان باید در اختیار دیگری باشد، و چون مخاطبان آیه در مورد یکایک سفیهان نمی تواند همه مسلمانان باشد، به نظر می رسد خطاب متوجّه ولیّ سفیه است.

13 - لزوم به جریان انداختن سرمایه سفیهان ، و تأمین آنان از سود آن

و ارزقوهم فیها و اکسوهم

خداوند مقرر داشته است که روزی سفیهان در اموال آنان باشد و نه از اموال آنان و لذا فرمود: «و ارزقوهم فیها» و نفرمود: «منها». تنها راهی که می تواند این معنا را تأمین کند این است که سرمایه آنان در جریان افتد و از سود به دست آمده زندگی آنان تأمین گردد.

94- مال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 10 - 11

11 - مال و اولاد کافران ، آنان را هرگز از آتش دوزخ و عذاب الهی دور نخواهد ساخت .

لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّٰه شیئاً

«من اللّٰه»، یعنی از عذاب الهی، به قرینه «اولئک هم وقود النار».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ اموال و فرزندان اهل کفر، نمی تواند آنها را از کیفر خداوند برهاند.

انّ الذين كفروا لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئاً

«اغنی» هنگامی که با «عن» متعدی شود، به معنای «دفع» می آید. لذا «لن تُغنی»، یعنی نمی رهااند. (روح المعانی).

2_ اموال و اولاد، تنها تکیه گاه به هنگام ذلت و ابتلای به غضب الهی، از دیدگاه اهل کفر

ضربت عليهم الدّله... و باءو بغضب من الله... انّ الذين كفروا لن تغني

ظاهراً منظور از «الذين كفروا»، همان جناح اهل کتاب هستند که در آیات سابق وضعیت آنان بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 78 - 11

ص: 256

11- مال و اولاد کافران نیز ، عطای الهی است .

أم اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

95- مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 2 - 1,5,9,10

1_ وجوب پرداخت اموال یتیم به وی

و اتوا الیتامی اموالهم

5_ حرمت تصرف غاصبانه در اموال یتیمان

و اتوا الیتامی اموالهم .. و لا تاکلوا اموالهم الی اموالکم

9_ تصرف غاصبانه در اموال یتیمان و تأخیر در واگذاری آن به ایشان ، گناهی بزرگ

و اتوا الیتامی اموالهم و لا تاکلوا .. انّه کان حوباً کبیراً

تأخیر در پرداخت، از «و اتوا الیتامی» به دست می آید؛ چون علاوه بر لزوم پرداخت اموال یتیم، دلالت بر پرداخت به موقع آن نیز دارد.

10_ خیانت در اموال یتیمان ، گناهی بزرگ

انّه کان حوباً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 3 - 2

2_ ممنوعیت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از خیانت در اموال آنان

و اتوا الیتامی اموالهم .. و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا

از جمله «ان خفتم ..»، استفاده می شود که ازدواج با دختران یتیم در صورت ترس از بی عدالتی ممنوع است و به قرینه آیه قبل مراد از بی عدالتی (الا تقسطوا) رعایت نشدن قسط در اموال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ضرورت پرهیز از سپردن اموال یتیمان به آنها، قبل از رسیدن آنان به مرحله رشد

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: هم الیتامی لا تعطوهم اموالهم حتی تعرفوا منهم الرشد . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 220، ح 23؛ نورالثقلین، ج 1، ص 442، ح 50.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 9، 7، 2

2 - رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی، دو شرط برای تحویل اموال یتیمان به آنان

حتى اذا بلغوا النکاح فان انستم منهم رشداً فادفعوا اليهم اموالهم

ص: 257

7_ صحت تصرف کودکان یتیم در اموال ، با اذن و نظارت ولی

و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولی بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

9_ حرمت اسراف و سوء استفاده اولیا از اموال یتیمان

اموالهم و لا تاكولوها اسرافاً و بداراً ان یکبروا

14_ لزوم گرفتن شاهد ، به هنگام پرداخت اموال یتیمان به آنان

فاذا دفعتم الیهم اموالهم فاشهدوا علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 2

2_ اموال یتیمان، وسوسه انگیز و دست اندرکاران آن اموال در خطر تجاوزگری و تصرفهای عدوانی

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف با فعل «لاتقربوا» می تواند اشاره به این جهت نیز داشته باشد که داراییهای یتیمان به سبب نبود مدافع لغزشگاهی است و وسوسه انگیز که آدمی با کمترین بی احتیاطی به گناه تصرف آلوده می شود.

96- محافظت از مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 64 - 13

13- لزوم حساسیت فزونتر انسان در حفظ مال و فرزند خویش از هجوم و دخالت شیطان

و شارکهم فی الامول و الاولاد

از اینکه خداوند، از جمله قلمروهای نفوذ شیطان را، مال و اولاد برشمرده است، در واقع هشدار و اعلام خطری است بر اینکه: انسان باید تلاش کند تا آنها، از دستبرد شیطان در امان بمانند.

97- محافظت از مال بازماندگان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 14

14- امدادرساني به ايتام و بازماندگانِ انسان هاي صالح و حفاظت از اموال ايشان ، كاري است مورد پسند خدا .

فأراد ربك . . . رحمه من ربك

98- محافظت از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 10

ص: 258

10- عهده داران مال یتیم ، موظف به انتخاب ثمربخش ترین شیوه حفظ و به کاراندازی آن

و لا تقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب «لا تقربوا..» متصدیان امور یتیمان باشند که خداوند، به آنها دستور می دهد: «جز با رعایت مصالح آنها، نباید در آن اموال دخل و تصرف کنند». بنابراین مراد از «التی هی أحسن» تصرف ثمربخش و مفید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 82 - 14، 13

13- حمایت خداوند از فرزندان یتیم پدری صالح و حفظ مال آنها ، جلوه ای از رحمت و ربوبیت او بوده است .

فأراد ربّک .. رحمة من ربّک

«رحمة» مفعولٌ له برای فعل «أراد» است ؛ یعنی، اراده پروردگار به باقی ماندن گنج یتیمان، به خاطر رحمت او بوده است.

14- امدادسانی به ایتام و بازماندگان انسان های صالح و حفاظت از اموال ایشان ، کاری است مورد پسند خدا .

فأراد ربّک .. رحمة من ربّک

99- محدوده تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 12

12- عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران ، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لا تقربوا .. حتی یبلغ أشده

با توجه به اینکه پیام آیه، در راستای حفظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی _ بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی _ تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و «حتی یبلغ أشده» غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتام است؛ بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

100- محدودیت تصرف در مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11_ آزادی مطلق و بی قید و شرط مالکان در تصرف اموال خویش ، امری نادرست از نظر ادیان الهی

أصلوتک تأمرک أن تترك .. أن نفعل فی أمولنا مانش_ؤا

12_ آزادی بی قید و شرط مالکان در تصرف اموال خویش ، زمینه ساز رعایت نکردن قسط و عدالت در مبادلات است .

أوفوا المکیال و المیزان بالقسط .. أو أن نفعل فی أمولنا مانش_ؤا

13_ قوم شعیب ، دخل و تصرف در اموال را به دلخواه مالک آن واگذار کرده و تحمیل ضابطه و مقرراتی را برای وی روا نمی دانستند .

أو أن نفعل فی أمولنا مانش_ؤا

ص: 259

101- مشتری مال مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 1

1_ خداوند ، خریدار جان و مال مؤمنان به بهای بهشت

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة

102- مصرف مال حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 9

9_ حرمت مصرف مال در مسیر فحشا و بی عفتی

احلّ لكم .. ان تبتغوا باموالكم محصنين غير مسافحين

«محصنين»، حال برای فاعل «ان تبتغوا» است؛ و همان گونه که می تواند ابتغاء را مقید به عفت و پاکدامنی کند، مصرف اموال را نیز می تواند به آن مقید سازد.

103- مصرف مال در گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 167 - 15

15 - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: «كذلك يريهم الله اعمالهم حسرات عليهم» روایت شده: «هو الرجل يدع المال لا ينفقه في طاعة الله بخلا ثم يموت فيدعه لمن هو يعمل في طاعة الله او في معصيته فان عمل به في طاعة الله راه في ميزان غيره فزاده حسره وقد كان المال له و ان كان عمل به في معصيه الله قواه بذلك المال حتى عمل به في معصيه الله»؛

مراد شخصی است که مال دنیا را به جا می گذارد و از روی بخل آن را در طاعت خدا انفاق نمی کند و بعد از مرگش آن مال در طاعت و یا معصیت خدا خرج می شود. پس اگر آن مال در طاعت خدا مصرف شود آن را در میزان دیگری می بیند و حسرت او زیادتر می شود؛ چون این مال، ملک او بوده است و اگر در معصیت خدا صرف شده باشد، او آن گناهکار را به وسیله آن مال تقویت کرده تا بدین گونه نافرمانی خدا را نماید».

104- منشأ مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 78 - 7.9

ص: 260

7- رحمت خداوند ، سرچشمه اعطای مال و اولاد به انسان ها است .

أم اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

9- اعطای مال و اولاد ، به دست خداوند و در اختیار او است .

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمَّ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 35 - 8

8 - اموال و دارایی ها ، رزقی از جانب خدا و عطای او به انسان ها

و مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 19

19 - اموال مردم ، داده خداوند است .

وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَيْنَاهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 54 - 10

10 - امکانات و دارایی های انسان ، رزقی عطا شده از جانب خداوند

و مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 15

15 - مال و ثروت ، نمودی از احسان خداوند به انسان ها است .

و أَحْسَنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- امکانات و دارایی های انسان ، رزقی است عطا شده از جانب خداوند .

من مَّا رَزَقْنٰكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- اموال ، توانایی ها و امکانات بشر ، همگی داده خداوند و جلوه لطف او است .

فَلْيَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاءً آتَاهَا

ص: 261

105- موارد مصرف مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 2

2 - لزوم صرف کردن دارایی ها در راه تعمیر و آبادانی سرای آخرت

و ابتغ فیما ءاتیک اللّٰه الدار الآخره

106- موانع علاقه به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 11 - 4

4 - توجه به آگاهی دقیق خداوند از اسرار درونی انسان ، بازدارنده او از خوی ناسپاسی ، بخل و دل بستگی به مال

لکنود ... لحبّ الخیر لشدید . أفلا یعلم ... إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

107- موانع مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 15 - 7

7 - توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و اللّٰه عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 9، 7

7 - خردمندی و اعتدال ، برانگیزاننده آدمی به دستگیری از مستمندان و مانع از بخل و مال دوستی است .

قال أوسطهم ألم أقل لکم لولا تسبّحون

از این که برادر عاقل و معتدل، دیگر برادرانش را به انفاق و دستگیری از مستمندان ترغیب کرد، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

9 - تسبیح و یاد خدا ، برانگیزاننده آدمی به انفاق و دستگیری از مستمندان و مانع بخل و مال دوستی

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

توصیه به تسبیح و یاد خداوند، درباره ادای سهم فقیران (لولا تسبحون)، می رساند که آن دو در برانگیختن آدمی به انفاق و دوری از بخل، مؤثر است و نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 3

3 - لحظه خروج مردگان از قبرها در قیامت، وحشت انگیز و توجه به آن، بازدارنده انسان از کفران نعمت، بخلورزی و دل بستگی شدید به ثروت است.

لکنود... أفلا يعلم إذا بعثر ما فی القبور

ص: 262

108- مؤاخذه بر مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 11 - 5

5- انسان ها در قیامت ، بر کفران نعمت ، بخلورزی و علاقه شدید به ثروت ، مؤاخذه خواهند شد .

لکنود . . . لحبّ الخیر لشدید . أفلا یعلم . . . إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

هشدار به آگاهی خداوند از افکار، اسرار و نیت ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.

109- نابودی مال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 36 - 4,5

4_ از دست دادن دارایی ها و بر جای ماندن حسرت و ندامت ، ثمره تلاش برای مبارزه با اسلام

ثم تکون علیهم حسره

5_ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله «ثم یغلبون» دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

110- ناپسندی خوردن مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 38 - 2

2- شرک به خدا ، پرخاش به والدین ، تبذیر ، فرزندکشی ، زنا ، قتل ناحق ، خوردن مال یتیم ، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن ، اعمال ناپسند و منفور خداوند

کلّ ذلک کان سیّئاً عند ربّک مکروهاً

111- ناخوشایندی ایثار با مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 81 - 8

8_ کراهت و ناخرسندی از ایثار مال و جان در راه خدا، نشانه نفاق

ص: 263

و كرهوا أن يجهدوا بأموالهم وأنفسهم في سبيل الله

112- نعمت مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 12 - 5,9

5- اموال، فرزندان، باغ‌ها و نهرها، از نعمت‌های الهی برای بشر

و یمددکم بأمول... و يجعل لکم أنهراً

9- اموال، اولاد و باغ‌های آباد، از نعمت‌های الهی برای بشر

و یمددکم بأمول و بنین و يجعل لکم جنّات و يجعل لکم أنهراً

113- نقش اخروی مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 88 - 1

1 - مال و فرزندان، بی‌ثمر برای انسان در قیامت

یوم لا ینفع مال و لابنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 17 - 3

3 - کارساز نبودن مال و اولاد برای انسان در قیامت

لن تغنی عنهم أموالهم و لا أولَـدهم من الله شیئاً

114- نقش مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 9,10

9 - ثروت‌ها و اموال، وسیله برپایی و قوام جامعه

اموالکم الّتی جعل اللّٰه لکم قیاماً

کلمه «قیاماً»، به معنی برپادارنده است. (لسان العرب).

10 _ افرادی که اموال خویش را در غیر مصالح جامعه به کار می گیرند، در تلقی دین، سفیه هستند.*

اموالکم الّتی جعل اللّٰه لکم قیاماً

جمله «لا توتوا السّفهاء اموالکم الّتی .. قیاماً»، می رساند که خداوند از آن جهت پرداخت اموال سفیهان را به آنان ممنوع کرده که آن را در غیر مصالح جامعه و قوام و برپایی آن مصرف می کنند. بنابراین، مصرف مال در غیر مصلحت جامعه، مصرفی سفیهانه و مصرف کننده آن، سفیه است.

ص: 264

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 64 - 12

12- مال و فرزند ، دوزمینه مهم نفوذ شیطان و لغزش انسان

و شارکهم فی الأموال و الأولد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 36 - 4

4- مال و ثروت و سطح معیشت انسان ، از زمینه های شکل گیری اخلاق و جهان بینی او است .

أنا أكثر منك مالاً .. و هو ظالم لنفسه قال ما أظن أن تبيد هذه أبداً . و ما أظن

از مرد ثروت مند، دو گونه برخورد در آیات نقل گردیده است: 1_ در مسائل اخلاقی، به تفاخر (أنا أكثر منك مالاً) پرداخته است. 2_ در مسائل اعتقادی درباره قیامت اظهار تردید کرده است. بیان ورود مرد ثروت مند به باغ خویش و غرور و سرمستی او از دیدن آن همه نعمت، گویای نقش تمول در پدیدار شدن آن عقاید و برخوردها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 43 - 2

2- اموال و نفرت ، هیچ قدرت و تأثیری در جلوگیری از عذاب و کیفر الهی ندارند .

و هی خاویه علی عروشها .. و لم تكن له فته ينصرونه من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 100 - 4

4 - مال و امکانات دنیوی ، وسیله ای کارآمد برای انجام اعمال صالح *

قال ربّ ارجعون . لعلی أعمل صـ لِحاً فیما ترکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 38 - 14

14 - مال ، می تواند وسیله ای برای تقرب به خدا باشد .

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ . . . ذَلِكُمْ . . . يَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 37 - 2، 1

1 - مال و فرزند_ به خودی خود_ موجب هیچ قرب و منزلتی در پیشگاه خداوند نمی شود .

و ما أَمْوَالِكُمْ و لا أَوْلَادِكُمْ بِأَلْتِي تَقْرَبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ

«زلفی» مفعول مطلق «تقرب» است و چون در سیاق نفی آمده، دلالت بر عموم می کند. گفتنی است که «زلفی» نیز به معنای منزلت است (مفردات راغب).

2 - مال و اولاد ، هیچ گاه باعث در امان ماندن از عذاب الهی نمی شود .

نحن أكثر أموالاً و أولاداً و ما نحن بمعذبين . . . و ما أَمْوَالِكُمْ و لا أَوْلَادِكُمْ بِأَلْتِي

ص: 265

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 20 - 18

18 - « خطب أمير المؤمنين (ع) فحمد الله واثى عليه وقال : أمّا بعد . . . انّ المال و البنين حرث الدنيا و العمل الصالح حرث الآخرة .
; . .

اميرالمؤمنين در خطبه، بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: . . . مال و فرزند کشت و بهره دنیا است و عمل شایسته کشت و بهره آخرت است...»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 17 - 2

2 - مال و اولاد ، دو عنصر کارساز و مایه بی نیازی در زندگی دنیایی

لن تغنی عنهم أموالهم ولا أول_دهم من الله شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 12 - 6

6 - برخوردارى از متاع های دنیوی (همچون مال ، اولاد ، باغ های آباد و . . .) ، امری مثبت و پسندیده و ابزار یاری رسانی در زندگی بشر ، از منظر قرآن و دین

و یمددکم بأمول . . . و یجعل لکم أنه_راً

از این که خداوند موارد یاد شده را به مؤمنان بشارت داده و از آنها به عنوان امداد الهی یاد کرده است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

115- نقش مال مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 3

3_ جان و مال مؤمنان ، ابزاری برای آنان در دستیابی به ارزش های جاودان

إن الله اشترى من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة

116- نقش مال یتیم

2- مال یتیم وسوسه انگیز و زمینه ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

به کار رفتن واژه «لا تقربوا» (نزدیک نشوید) به جای «لا تأکلوا و لا تصرفوا» (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به دلیل حامی جدی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میلهای به ناحق است.

117- نهی از غصب مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 19

19- « عن أبي جعفر (ع) قال: ... بعث الله محمداً و... أنزل عليه في سوره بنی اسرائیل بمکه . . . و أنزل نهياً عن أشياء حذر عليها و لم يغلظ فيها ولم يتواعد عليها و قال: ... » و لا تقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن حتی يبلغ أشده و أوفوا بالعهد إن العهد كان مسئولاً . . . »

امام باقر(ع) فرمود:.. خدانوند حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) را برانگیخت و... بر او آیاتی از سوره بنی اسرائیل را در مکه نازل فرمود... که در آن آیات از چیزهایی نهی کرده که پرهیز از آنها لازم است؛ ولی در آن نهیها غلظت و شدت نشان نداده و بر مرتکبین آن موارد وعید عذاب نداده است و فرمود: ... و لا تقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن حتی يبلغ أشده و أوفوا بالعهد إن العهد كان مسئولاً....

118- نیکان و مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 25

25 - محبت و علاقه به مال ، بازدارنده نیکان از انفاق و مصرف کردن آنها برای نجات مستمندان نخواهد شد .

و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «حبه» به «المال» برگردد.

119- وجوب محافظت از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 3

3- پرهیز از هرگونه امری که موجب حیف و میل مال یتیم و تصرف به ناحق در آن شود ، واجب و لازم است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

120- وصیت به انفاق مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مؤمنان ، مجازند تا وصیت کنند که بخشی از مال شان ، به غیر خویشاوندان نسبی ، داده شود .

إلّا أن تفعلوا إلى أوليائكم معروفًا

ص: 267

مراد از «أن تفعلوا.. معروفاً» به قرینه این که سخن از ارث بردن خویشاوندان نسبی است، تصمیم شخص به اعطای بخشی از مال اش، پس از مرگ، به غیر وارثان است. لازم به ذکر است که «تفعلوا» به تأویل مصدر می رود و مبتدا است و خبرش _ که چیزی مانند «حسن و...» می باشد محذوف است.

121- یهود و مال حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 169 - 4، 3، 2

2_ دنیاگرایان یهود، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند.

ورثوا الکتب یاخذون عرض هذا الأذنی و یقولون سیغفر لنا

جمله «ورثوا الکتب» (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند؛ مدعی اعتقاد به آن بودند.

3_ دنیاگرایان یهود خود به گناه دنیاگرایی و کسب مال و منال از راه های ناروا معترف بودند.

یاخذون عرض هذا الأذنی و یقولون سیغفر لنا

جمله «سیغفر لنا» (آمرزیده خواهیم شد)، اعتراف یهودیان دنیاگرا به گنهکاری خویش و بیانگر این است که جمله «یاخذون...» ناظر به کسب مال از راه های نامشروع است.

4_ دنیاگرایان یهود به گناه خویش (دستیابی به مال و منال دنیا از راه های نامشروع)، اصرار میورزیدند.

وإن یأتهم عرض مثله یاخذوه

جمله «وإن یأتهم...» (اگر مال و منال دنیا در مرتبه و زمانی دیگر به آنان روی می آورد از گرفتن آن دریغ نداشتند)، اشاره به اصرار یهودیان دنیاگرا به گناه کسب درآمدهای نامشروع دارد.

مال دوستان

122- بینش غلط مال دوستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 2

2- پندار عزت در پیشگاه خداوند، برای کسانی که گرفتار مال دوستی اند، پنداری موهوم است.

رَبِّي أَكْرَمَن ... كَلَّا ... وَتَحْتَبُونَ الْمَالَ حَبًّا جَمًّا

123- عوامل تهدید مال دوستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 10 - 5

5 - صحنه برملا شدن رازها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

ص: 268

أفلا يعلم إذا... وحصّل ما فى الصدور

124- مال دوستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 23 - 8

8 - مال دوستان و حرام خواران ، در آخرت به ارزش حقیقی ثروت و لزوم مصرف آن در اطعام گرسنگان و فواید بزرگداشت یتیمان ، پی خواهند برد .

لا تکرمون ... و لاتحـضون ... تأکلون ... تحبّون ... کلاً ... یومئذ یتذکّر الإنسـ

125- مال دوستان و عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 2

2 - پندار عزّت در پیشگاه خداوند ، برای کسانی که گرفتار مال دوستی اند ، پنداری موهوم است .

ربّی أکرمن ... کلاً ... و تحبّون المال حبّاً جمّاً

مال دوستی

126- آثار مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 44 - 42

42 - ترس از مردم و مال پرستی ، عامل کفرپیشگی و کتمان حقایق آسمانی

فلاتخشوا الناس ... و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 1,4

1 - عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و رها کردن جهاد

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها ... أحب إليکم من اللّٰه و رسوله و جهاد

4_ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی (محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها و ... أحب إليکم ... و جهاد فی سبيله فتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 269

12_ دل‌بستگی به مال و عدم تمایل به پرداخت صدقه (زکات) نشانه آلودگی روح و عدم تکامل معنوی انسان

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزكهم

از مفهوم آیه برداشت می شود که: تطهیر و تزکیه مورد نظر تنها با پرداخت زکات حاصل خواهد شد. بنابراین آنان که در نتیجه دل‌بستگی، از پرداخت آن سرباز می زنند، آلوده اند و رشد نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 9 - 8، 7، 5، 4

4 - غفلت و باز ماندن از یاد خداوند، طبیعت دل‌بسته شدن به مال و اولاد

لا تلهمکم أموالکم و لا أولَ دکم

«إلهاء» (مصدر «تلهمکم») به معنای مشغول و سرگرم کردن است. نسبت دادن «إلهاء» به «اموال و اولاد» گویای مطلب یاد شده است. گفتنی است که لازمه مشغول کردن به خود، ایجاد غفلت از یاد خدا می باشد.

5 - مؤمنان، در معرض غفلت از یاد خدا، به خاطر دل‌بسته شدن به اموال و اولاد

یٰٓأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوا لَا تَلْهَمْکُمْ أَمْوَالُکُمْ وَلَا أَوْلَادُکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ

7 - دل‌بستگی به مال و اولاد و غفلت از یاد خدا، موجب خسران برای انسان

و من یفعل ذلک فأولئک هم الخسرون

8 - دل‌بستگان به مال و اولاد، غافل از یاد خدا و دارای فرجامی خسارت بار

و من یفعل ذلک فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 15 - 4، 3، 2

2 - وابستگی و دل‌بستگی به اموال و اولاد، زمینه ساز لغزش انسان ها و ممانعت از دین داری است.

إنما أموالکم و أولَ دکم فتنه

3 - هشدار خداوند به مؤمنان ، نسبت به لغزش و نافرمانی کردن به خاطر دلبستگی و وابستگی به مال و فرزند

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ

4 - علاقه و دلبستگی به اموال و اولاد ، نباید مانع از دین داری و انجام تکالیف الهی شود .

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ

برداشت یاد شده، با توجه به تاریخ و شأن نزول آیات است که در آیه قبل توضیح داده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 6، 4، 3

3 - افراط در مال دوستی ، حتی برای تهی دستان ، ذلت آفرین است .

رَبِّيْ أَهْنُنْ . كَلَّا... تَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

4 - علاقه به ثروت ، از عوامل بی توجهی به بینوایان و ترک تلاش در رفع گرسنگی آنان است .

و لَاتَحِضُّونَ عَلٰى طَعَامِ الْمَسْكِيْنَ . . . و تَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

ارتباط این آیه و آیه قبل با دو آیه پیش از آنها، بیانگر برداشت یاد شده است.

6 - دلبستگی به ثروت ، شکست در آزمون الهی است .

ص: 270

ابتلیه . . . و تحبّون المال حبًّا جمًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 25 - 2

2 - ترک یتیم نوازی ، بی توجّهی به تغذیه فقیران ، تصاحب ارث دیگران و دل‌بستگی شدید به ثروت ، مایه گرفتاری به عذابی بی نظیر در قیامت

فیومئذ لا یعدّب عذابه أحد

ضمیر «عذابه»، ممکن است به انسان برگردد که در آیات پیشین ویژگی های او بیان شده بود. در این صورت عذاب _ که اسم مصدر و به معنای تعذیب است _ به مفعول خود اضافه شده است و مفاد آیه شریفه این است که عذاب کردن آن فرد، به گونه ای انجام می گیرد که کسی _ جز خداوند _ آن گونه عذاب نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 6

6 - مال دوستی ، از ریشه های بخل است .

لحبّ الخیر لشدید

127- اجتناب از مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 9 - 6

6 - دل‌بسته نشدن به مال و اولاد ، سفارش خداوند به مؤمنان

ی_أیها الذین ءامنوا لاتلهکم أموالکم و لا أول_دکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 8

8 - ارج نهادن به یتیمان ، تغذیه نیازمندان ، پرهیز از غصب ارث دیگران و دل‌ن بستن به ثروت ، توشه هایی سودمند برای آخرت

لاتکرمون ... لاتح_صّون ... تأکلون ... تحبّون ... ی_لیتینی قدّمت لحياتی

4 - آزمون دانستن فقر و غنا، گرامی داشت یتیمان، سیر کردن گرسنگان، تصرف نکردن ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی، زمینه ساز اعتماد به رهایی از صحنه های وحشت بار قیامت

فَأَمَّا الْإِنْسَانَ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ . . . يَأْتِيهَا النَّفْسَ الْمُطْمَئِنَّةَ

«نفس مطمئن» _ به قرینه آیات پیشین _ انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، مبرا باشد.

5 - آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت، فرونشاندن

اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فَأَمَّا الْإِنْسَانَ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ . . . يَأْتِيهَا النَّفْسَ الْمُطْمَئِنَّةَ

توصیف «نفس» به «مطمئن» _ در قیامت _ ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 28 - 8

8 - آزمون دیدن فقر و غنا، گرامی داشت یتیمان، تغذیه فقیران، ترک تصرف ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی، مایه احساس رضایت انسان از خداوند و زمینه ساز رضایت خداوند از او است.

فَأَمَّا الْإِنْسَانَ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ . . . رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً

نفس «راضی» و «مرضی» _ به قرینه آیات پیشین _ انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، مبرّا باشد.

128- پاداش ترک مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 15 - 6

6 - رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها، دارای پاداش بزرگ الهی است.

و الله عنده أجر عظیم

پادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

129- تهدید مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 4

4 - معاد، تهدیدی برای مال دوستان و ناسپاسان

لكنود . . . لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ . أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ

130- زمینه مال دوستی

7 - غفلت از امتحان های الهی ، مایه ترک یتیم نوازی و بی اعتنائی به مسکینان و تصاحب میراث دیگران و دلپستگی به ثروت است .

ابتلیه . . . کلاب لا تکرمون الیتیم . و لاتحـِ صّون . . . و تأکلون التراث . . . و تحبّ

131- سرزنش مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 3

3 - مذمت خدا از دل‌بستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دل‌واپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 5

5 - عشق به ثروت ، مذموم است .

و تحبّون المال حبًّا جمًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 3

3 - علاقه شدید به ثروت ، مذموم است .

وإنه لحبّ الخیر لشدید

132- فطريت مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 1

1 - تمایل شدید به مال ، از ویژگی های طبیعت انسان است .

وإنه لحبّ الخیر لشدید

133- مال دوستی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 3

3 - باغداران یمنی، گروهی مال دوست و خسیس

إذ أقسموا ليصرمتها... ولا يستثنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 3

3 - مال دوستی و بخل شدید باغداران یمنی

أن لا يدخلنَّها اليوم عليكم مسكين

ص: 273

134- مال دوستی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 12

12- دل‌بستگی انسان به دارایی‌های خویش، شدیدتر از سایر دل‌بستگی‌های وی

و لایسئلکم أموالکم

از این که خداوند در کنار تشویق به ایمان و تقوا، فوراً به انسان یادآور شده که هدف از این ایمان و تقوا، گرفتن مال از ایشان نیست؛ استفاده می‌شود که دل‌بستگی انسان به مال زیاد است و چه بسا بیشتر از سایر دل‌بستگی‌ها است؛ زیرا خداوند، تنها به همین یک نکته اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 37 - 1

1- تذکر خداوند، به ضعف شدید انسان در آزمون‌های مالی و دست کشیدن از اموال

إن یسئلکموها فیحکم تبخلوا ویخرج أضغـنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 40 - 4

4- دل‌بستگی عمیق انسان‌ها، به مال

أم تسئلهم أجراً فهم من مغرم مثقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 1

1 - تمایل شدید به مال، از ویژگی‌های طبیعت انسان است.

وإنه لحبّ الخیر لشدید

135- مال دوستی بادیه نشینان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- وجود شک و دل‌بستگی به مال و جان در میان اعراب ، دلیل رد ادعای ایمان آنان از سوی خداوند

قل لم تؤمنوا .. إنما المؤمنون ... ثم لم يرتابوا و جـ هدوا بأموالهم و أنفسهم

136- مال دوستی دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 274

2 - افزایش مال دوستی در دشمنان دین ، زمینه رویارویی آنان با سپاه اسلام است .

وَالْعَدِيَّتْ . . . وَإِنَّ لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ

5 - دشمنان دین ، به دلیل علاقه وافر به مال ، گرفتار بخل و امساک حقوق خداوند

و إِنَّ لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ

کلمه «شدید» _ چنان که در قاموس آمده _ گاه به معنای «بخیل» است. در صورتی که این معنا در آیه مراد باشد، حرف «لام» در «لِحَبِّ الْخَيْرِ» لام تعلیل خواهد بود؛ یعنی، به خاطر حبّ مال.

7 - خداوند ، در تأکید بر شدّت مال دوستی دشمنان دین ، به مرکب مجاهدان سوگند یاد کرده است .

وَالْعَدِيَّتْ . . . وَإِنَّ لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - ناسپاسی دشمنان دین ، در برابر نعمت های خداوند و دلبستگی شدید آنها به دارایی خویش ، نشان بی توجهی آنان به معاد

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . . . أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ

137- مال دوستی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا

138- مال دوستی مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - علاقه فراوان به مال ، از ویژگی های مردم در عصر جاهلیت

و تحبّون المال حبًّا جمًّا

«جمًّا»، به معنای زیاد بودن و انباشته شدن است. (مقایس)

139- مال دوستی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 58 - 7

ص: 275

7_ منافقان ، تنها در صورت برخورداری از صدقات (دارایی بیت المال) _ هر چند به ناحق باشد _ خشنود و در غیر آن صورت ، ناخرسند بودند .

فإن أعطوا منها رضوا وإن لم يعطوا منها إذا هم يسخطون

140- موانع مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 15 - 7

7- توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

والله عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 7,9

7- خردمندی و اعتدال ، برانگیزاننده آدمی به دستگیری از مستمندان و مانع از بخل و مال دوستی است .

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبّحون

از این که برادر عاقل و معتدل، دیگر برادرانش را به انفاق و دستگیری از مستمندان ترغیب کرد، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

9- تسبیح و یاد خدا ، برانگیزاننده آدمی به انفاق و دستگیری از مستمندان و مانع بخل و مال دوستی

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبّحون

توصیه به تسبیح و یاد خداوند، درباره ادای سهم فقیران (لولا تسبّحون)، می رساند که آن دو در برانگیختن آدمی به انفاق و دوری از بخل، مؤثر است و نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 3

3- لحظه خروج مردگان از قبرها در قیامت ، وحشت انگیز و توجه به آن ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ، بخلورزی و دل بستگی شدید به ثروت است .

لكنود .. أفلا يعلم إذا بعثر ما فی القبور

141- مؤاخذه بر مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 11 - 5

5 - انسان ها در قیامت ، بر کفران نعمت ، بخلورزی و علاقه شدید به ثروت ، مؤاخذه خواهند شد .

لکنود . . . لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ . أَفَلَا يَعْلَمُ ... إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ

هشدار به آگاهی خداوند از افکار، اسرار و نیت ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.

ص: 276

142- نیکان و مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 25

25 - محبت و علاقه به مال ، بازدارنده نیکان از انفاق و مصرف کردن آنها برای نجات مستمندان نخواهد شد .

و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «حبه» به «المال» برگردد.

ص: 277

1- استمداد از مالک جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 77 - 12

12 - « قال سيد بن طاوس ، اقول في الحديث . إن أهل النار إذا دخلوها ورأوا أنكالها . . . فيوملون . . . ليخفف عنهم بعض العذاب . . . فإذا يسوا من خزنة جهنم رجعوا إلى مالک مقدّم الخُزّان و أمّلو أن يخلّصهم من ذلك الهوان كما قال جلّ جلاله « و نادوا يا مالک ليقض علينا ربّک » قال : فيحبس عنهم الجواب أربعين سنة ثمّ يجيبهم كما قال الله في كتابه المکنون . « إنکم ماکثون » . . . » ;

سیدبن طاووس گوید: در حدیث است که دوزخیان زمانی که داخل آتش شده و عذاب های آن جا را می بینند . . . آرزو می کنند . . . تا مقداری از عذاب از آنان برداشته شود و وقتی از مأموران جهنم مایوس شدند، سراغ مالک دوزخ که [رتبه] او بر همه مأموران مقدم است، رفته و آرزو می کنند که او آنها را از این ذلت رهایی دهد؛ همان طور که خداوند می فرماید: «و نادوا یا مالک لیقض علینا ربّک». جواب آنان چهل سال داده نمی شود؛ سپس همان گونه که خدا در کتاب محفوظ خود فرموده چنین جواب می دهد: «إنکم ماکثون»

2- پدر مالک دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 5,6

5- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود .

و کان أبوهما صـلحاً

6- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فکان لغلـمین یتیمین . . . و کان أبوهما صـلحاً

جمله «و کان أبوهما صالحاً» نشانِ علّت تعمیر دیوار است.

3- مالک آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 278

3 - خداوند ، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند .

و ما أدريک ما الحطمه . نار الله

«نار الله»، خبر است برای ضمیر محذوف که به «الحطمه» برمی گردد.

4- مالک آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 15 - 2

2 - دنیا و آخرت ، تنها در اختیار خداوند

من كان يظنّ أن لن ينصره الله في الدنيا و الآخرة. .. هل يذهب كیده ما يغيظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 25 - 1

1 - ولایت و مالکیت مطلقه دنیا و آخرت ، از آن خداوند است .

فلله الآخرة و الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 13 - 2, 1

1 - جهان آخرت و عالم دنیا ، مملوک خداوند و در اختیار او است .

و إنّ لنا للآخرة و الأولى

2 - مالکیت خداوند بر دنیا و آخرت ، دلیل سلطه کامل او بر فرجام انسان های نیک و بد

فسنیسره لیسری ... للعسری ... و إنّ لنا للآخرة و الأولى

5- مالک آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ تنها خداوند مالک تمام موجودات آسمان ها و زمین است .

لله ما فى السموات و ما فى الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 21

21_ مالکیت اصلی و نهایی آسمان ها و زمین (تمام هستی) ، از آن خداوند است .

و لله میراث السموات و الارض

ص: 279

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 126 - 1

1_ خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست (تمامی هستی)

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

«ما فی السموات و ما فی الارض»، کنایه از تمامی هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 1

1_ خداوند ، مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین است .

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 16

16_ سلطنت و مالکیت مطلق خداوند بر آسمان ها ، زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملک السموت و الأرض و ما بینهما

تقدیم «لله» دلالت بر حصر دارد. یعنی تنها او مالک آسمانها و ... است. لذا از این معنا به مالکیت مطلق تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 18 - 18

18_ تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملک السموت و الارض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 40 - 1

1_ خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمین (تمام هستی) و حاکم بر آنها

الم تعلم إنّ الله له ملك السموت و الارض

آسمانها و زمین کنایه از تمامی هستی است. و ملک به معنای حاکمیت و در دست داشتن زمام امور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 120 - 7، 1

1_ تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها ، زمین و هر آنچه در آنهاست .

لله ملك السموت و الارض و ما فيهن

7_ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ينفع الصديقين صدقهم لهم جنت . . . و ما فيهن و هو على كل شيء قدير

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

ص: 280

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 1

1_ آسمان ها و زمین موجوداتی مملوک ، وابسته به هستی بخش و نیازمند آفریدگار

أولم ينظروا في ملكوت السموت والأرض

«ملکوت» مصدر است و به نایب فاعلش (السموات و الأرض) اضافه شده است. یعنی «ملکوت» در آیه شریفه مصدر مجهول می باشد. بنابراین «ملکوت السموات»، یعنی مملوک بودن آسمانها. گفتنی است مراد از مملوکیت در اینجا مملوکیت حقیقی و تکوینی، یعنی وابستگی وجودی، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 2 - 3

3 - خداوند ، مالک و مدبّر شؤون آسمان است .

لربّها

اصل معنای «ربّ»، تربیت کردن است (مفردات). «ربّ» هر چیز، مالک و حق دار آن و یا ملازمت کننده با آن چیز است. (قاموس)

6- مالک آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 189 - 1

1_ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

وللّٰه ملك السموات والارض

«مُلک» به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 116 - 1

1_ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

إن الله له ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 1

1_ خداوند ، مالک و مدبر آسمان ها و زمین است .

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 3

3 - تمامی آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، از آن خدا است .

ص: 281

الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 66 - 1

1 - خداوند ، مالك و مدبر جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .)

ربّ السموات و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوری - 42 - 49 - 2

2 - كفر و ناسپاسی انسان ها و روی گردانی آنان از پیام وحی ، بی تأثیر برای یگانه مالك آسمان ها و زمین

فإنّ الإنسان كفور . لله ملك السموات و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - فتح - 48 - 14 - 1

1 - خداوند ، تنها مالك و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموات و الأرض

«ملك» به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - نجم - 53 - 31 - 1

1 - گستره آفرینش (آسمان ها ، زمین و . . .) ، تحت مالکیت مطلقه الهی

و لله ما في السموات و ما في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - بروج - 85 - 9 - 1

1 - حاکمیت و مالکیت بر آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

«مُلک» اسم مصدر و به معنای بر عهده داشتن سلطنت است (مصباح). هر جا کلمه «مُلک» به کار رود، مستلزم «مِلک» (مالکیت) نیز خواهد بود. (مفردات راغب)

7- مالک آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 2 - 4

4 - خداوند مالک و مدیر همه عالم های هستی است .

رب العلمین

ص: 282

عالم (مفرد عالمین) است و به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود، بنابراین «العالمین»، یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 115 - 3، 1

1 - مشرق و مغرب و نیز سایر جهت ها، تنها از آن خداوند است .

و لله المشرق و المغرب

مقصود از مشرق و مغرب می تواند جهت شرق و غرب باشد و نیز مراد از آن می تواند مکان شرق و غرب گرفته شود. تفریح «فاینما تولوا» بر «لله المشرق و المغرب» گویای این است که: مراد از مشرق و مغرب - بنابر تفسیر نخست - همه جهات و - بنابر تفسیر دوم - همه مکانهاست.

3 - خداوند، تنها مالک همه مکان ها و عرصه های گیتی است .

و لله المشرق و المغرب

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از مشرق و مغرب، مکان شرق و غرب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 14، 9

9 - مالکیت خدا بر هستی، دلیل منزه بودن او از گزینش فرزند و داشتن زاده

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل له ما فی السموت و الأرض

جمله «له ما فی السماوات...» برهانی است برای رد پندار ناروای یهود و نصارا.

14 - رابطه خداوند با هستی، رابطه «مالک و مملوک» و «عابد و معبود» است نه رابطه پدر و فرزندی .

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل له ما فی السموت و الأرض کل له قنتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 3

3_ مالکیت خداوند بر هستی، پشتوانه وفای او به وعده های خویش

يغنى الله كلا . . . والله ما فى السموت و ما فى الأرض

جمله «و لله ما فى السموت . . .»، تعليل جمله «يغنى الله كلا من سعته» است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 132 - 1,5

1_ خداوند ، يگانه مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمين (تمام هستى)

و لله ما فى السموت و ما فى الأرض

5_ خداوند ، مالک نظام هستى و خود متصدى تدبير آن است .

و لله ما فى السموت و ما فى الأرض و كفى بالله وكيلا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 170 - 10

ص: 283

10_ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای هستی

فان لله ما فی السموت و الارض

«ما فی السموت . . .» کنایه از جهان هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 36,37

36_ مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل فرزند نداشتن او

سبخنه ان یكون له ولد له ما فی السموت و ما فی الأرض

جمله «له ما فی السموت . . .» دلیل و برهانی است برای جمله «سبخنه ان یكون له ولد» یعنی آنچه غیر خداست و از جمله حضرت مسیح، مملوک و عبد اوست و کسی که مالک تمام هستی است، نیازی به داشتن فرزند ندارد.

37_ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای تمامی هستی

له ما فی السموت و ما فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 17,22,27

17_ صلاحیت الوهیت تنها برای کسی است که مالک مطلق هستی است .

لقد كفر الذين قالوا ان الله .. و لله ملك السموت

22_ مالکیت خداوند بر هستی ، دلیل توانایی وی بر نابود ساختن مسیح (ع) ، مریم (ع) و تمامی اهل زمین و نفی هرگونه قدرت در برابر قدرت اوست .

فمن یملک من الله شیئاً ان اراد ان یهلك .. و لله ملك السموت و الارض

27_ مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش (مانند آفرینش انسان بدون واسطه پدر)

لله ملك السموت و الارض و ما بینهما یخلق ما یشاء

بنابر اینکه «یخلق ما یشاء»، نتیجه ای باشد برای «لله ملك السموت والارض»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 18 - 18

18 _ تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملك السموت و الارض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 40 - 1

1 _ خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمین (تمام هستی) و حاکم بر آنها

الم تعلم إنّ الله له ملك السموت و الارض

آسمانها و زمین کنایه از تمامی هستی است. و ملک به معنای حاکمیت و در دست داشتن زمام امور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 284

5 - انعام - 6 - 45 - 15

15_ خداوند، مالک و مدبر جهانیان است.

رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 164 - 2

2_ خداوند، مالک و مدبر همه هستی است.

و هو رب کل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 104 - 4

4_ خداوند، مالک و مدبر همه عالم های هستی

رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 4، 14

4_ تأمل در وابستگی موجودات جهان به مالک هستی بخش، راهنمای انسان به حاکمیت مطلق خدای یگانه بر هستی است.

أولم ينظروا في ملكوت السموت والأرض و ما خلق الله من شيء

چون روی سخن با مشرکان است، معلوم می شود هدف از فراخوانی آنان به دقت در ملکوت آسمانها و زمین رهنمون شدن آنان به حاکمیت مطلق خداست.

14_ آنان که از طریق اندیشه در ملکوت آسمان ها و زمین (نیاز جهان هستی به مالک و هستی بخش) هدایت نشوند، هیچ دلیلی دیگر نمی تواند آنان را هدایت کند.

فبأی حدیث بعده يؤمنون

توضیح برداشت پیش راهنمای این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 55 - 4، 1

1_ مالک مطلق تمامی پدیده های موجود در آسمان ها و زمین ، تنها خداست .

ألا إن لله ما فی السموت و الأرض

4_ مالکیت مطلق و همه جانبه خداوند بر جهان هستی ، نشان توانمندی او بر تحقق بخشیدن به تمامی وعده های خویش است .

ألا إن لله ما فی السموت و الأرض ألا إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 66 - 1

1_ تمامی عقلای موجود در همه عوالم هستی ، از بستر زمین تا اوج آسمان ها ، همگی ملک بی شریک خدا هستند .

ص: 285

ألا إن لله من في السموت و من في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 2 - 4

4- مالکیت مطلق خداوند بر تمامی هستی ، دلیل شکست ناپذیری و ستودگی اوست .

العزیز الحمید. الله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 26 - 7

7- مالکیت یگانه خداوند بر هستی ، دلیل قابل قیاس نبودن علم او با علوم ادعایی بشر است .

قل الله أعلم بما لبثوا له غیب السموت و الأرض

جمله «له غیب. ..» برهانی است که «الله أعلم» را تثبیت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 38 - 4

4- الله ، یگانه مالک و مدبّر انسان و جهان هستی است .

ل_کُنَّا هو الله ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 6 - 7

7 - سراسر هستی ، و تمامی موجودات آشکار و نهان ، در مالکیت خداوندیگانه است .

له ما فی السموت و ما فی الأرض . . . و ما تحت الثری

تعبیر «آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است» کنایه از تمام جهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 114 - 2,5

2- خداوند، مالک حقیقی هستی و فرمان روای مطلق آن

فت_علی الله الملك

5- مالکیت و فرمان روایی خداوند بر هستی، حقیقتی ثابت و فنا ناپذیر است.

الملك الحقّ

«حقّ»؛ یعنی، واجب و ثابت (مصباح) و «الحقّ» در آیه می تواند صفت برای «الملک» باشد و نیز ممکن است صفتی دیگر برای «الله» گرفته شود که با توجه به ذکر آن بعد از وصف «الملک»، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 64 - 1

1 - خدا، مالک مطلق و بی رقیب جهان هستی است.

له ما فی السموت و ما فی الأرض

ص: 286

«له» متعلق به عامل مقدر و خبر برای «ما» است. بنابراین تقدیم آن بر مبتدا، مفید حصر می باشد. گفتنی است روی سخن با مردمی است که می پنداشتند در جهان، خدایان متعددی وجود دارند که سرنوشت انسان ها به دست آنها رقم می خورد. در جمله فوق، با توجه دادن به این حقیقت که سراسر هستی ملک خدا و تحت تصرف او است، اساساً وجود موجود دیگری _ که از ملک خدا بیرون باشد و در پدیده های دیگر، قدرت تصرف داشته باشد _ پنداری باطل و ساخته ذهن های جاهل خوانده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 5, 2, 1

1 - خداوند ، مالک همه پدیده های موجود در آسمان ها و زمین (جهان) است .

ألا إنَّ لله ما فی السموت و الأرض

2 - مالکیت مطلقه خداوند بر جهان هستی ، مقتضی اطاعت بی چون و چرا از او و پرهیز از سرپیچی است .

لا تجعلوا دعاء الرسول .. فليحذر الذين يخافون عن أمره ... ألا إنَّ لله ما فی الس

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که جمله «إنَّ لله ما فی السماوات. ..» در حکم تعلیل برای جملات پیشین باشد.

5 - مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او بر وضعیت انسان در همه حال است .

ألا إنَّ لله ما فی السموت و الأرض قد یعلم ما أنتم علیه

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله «قد یعلم. ..» استینافیه بیانیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 91 - 3

3 - خداوند ، یگانه مالک تمامی مظاهر هستی

وله کلّ شیء

تقدیم «له» بیانگر حصر است؛ یعنی، همه چیز، تنها مال او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 26 - 7

7 - مالکیت مطلق خداوند بر تمامی هستی ، دلیل توانایی وی بر حشر انسان ها در قیامت است .

ثم إذا دعاكم دعوه . . . إذا أنتم تخرجون . وله من في السموات والأرض

«وله من في السماوات و. . .» می تواند به منزله دلیلی برای «ثم إذا دعاكم . . . تخرجون» در آیه قبلی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 10

10 - خداوند ، مالک مطلق عالم است و خود به تنهایی امور آن را تدبیر می کند .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذرة في السموات ولا في الأرض و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 12

12 - مالکیت جهان و فرمانروایی بر آن ، از اوصاف و ویژگی های معبود حقیقی و شایسته عبادت

ص: 287

والله خلقكم .. الشمس والقمر ... ذلكم الله ربكم له الملك والذين تدعون من

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 66 - 1,3

1 - خداوند ، مالک و مدبر جهان هستی (آسمان ها ، زمین و ...)

ربّ السموت والأرض

3 - تنها مالک و مدبر جهان هستی ، شایسته عبادت است .

وما من إله إلاّ الله .. ربّ السموت والأرض و ما بينهما

توصیف خداوند به ، مالک و مدبر هستی بودن - پس از بیان یکتایی او در معبودیت - می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 6 - 24

24 - عبادت ، تنها شایسته خدای مالک جهان است .

خلق السموت والأرض .. خلقكم من نفس وحده ... له الملك لا إله إلاّ هو

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله «لا إله إلاّ هو» بیان قصر در جمله «له الملك» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 75 - 15

15 - خداوند ، مالک و مدبر همه عالم های هستی است .

ربّ العالمين

«عالم» (مفرد «العالمين») به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالمين»؛ یعنی ، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوری - 42 - 4 - 1,2

1 - مالکیت مطلقه خداوند ، بر مجموعه نظام هستی

له ما فی السموت و ما فی الأرض

لام در «له» لام ملکیت و تقدیم «له» بر «ما» مفید حصر است.

2- وحی و بعثت پیامبران ، مقتضای مالکیت و ربوبیت بی شریک خدا بر جهان و انسان

کذلک یوحی إلیک . . . له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 1

1 - تمامی جهان هستی ، قلمرو مالکیت و حکومت خداوند است .

لله ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 288

6 - تنها خداوند (مالک تمام هستی) ، می تواند راه راست و به دور از انحراف و گمراهی را ترسیم کند .

صرط الله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 13 - 5,6

5 - تمامی هستی ، از آن خداوند و نشأت یافته از او است .

جمیعاً منه

«من» در «منه» نشویه است.

6 - لزوم توجه انسان به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی و پرهیز از غفلت و غرور به هنگام بهره‌وری از طبیعت و مظاهر آن

جمیعاً منه

تذکر خداوند به این که همه هستی از او است _ پس از این که جهان را مسخّر انسان یاد کرده است _ می رساند که انسان با حاکمیت بر جهان، زمینه غرور و غفلت از خداوند را دارد. و تأکید «جمیعاً منه» در صدد از میان بردن این غفلت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 31 - 1

1 - گستره آفرینش (آسمان ها ، زمین و . . .) ، تحت مالکیت مطلقه الهی

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 43 - 3

3 - خداوند ، مالک و مدبر همه عالم های هستی است .

ربّ العالمین

عالم (مفرد «عالمین») به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالمین»؛ یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها

و دسته ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 29 - 5

5 - خداوند ، مالک ، مرّبی و مدبّر تمام هستی است .

ربّ العـلمین

«ربّ» مصدری است که در معنای فاعل (تربیت کننده) به کار می رود (مفردات راغب). از جمله معانی «ربّ» مالک و مدبّر و مرّبی است و «عالمین»؛ یعنی، اصناف مخلوقات. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 6 - 3,5

3 - خداوند ، مالک و پرورش دهنده تمام عوالم هستی است .

ص: 289

لربّ العـلمین

«ربّ» به معنای مالک و سیّد آمده است و نیز مصدری است که در معنای سیاست و تدبیر به کار می رود (مصباح). راغب می گوید: کلمه «ربّ» در اصل مصدر است و در مورد فاعل استعمال مجازی دارد. «عالمین»؛ یعنی، اصناف مخلوقات. (لسان العرب)

5 - مالک و مدبّر بودن خداوند بر تمام عوالم هستی، وادار سازنده مردم به گردن نهادن در برابر حکم او در قیامت

یوم یقوم الناس لربّ العـلمین

«لام» در «لربّ العالمین» در معنای تعلیل به کار رفته و مفاد آیه این است که فرمانبرداری کامل مردم، به جهت قرار گرفتن آنان در پیشگاه «ربّ العالمین» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 8

8 - خداوند، مالک و مدبر انسان و سامان بخش تحولات زندگی و عوالم هستی او است .

رَبّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 7

7 - حاکمیت و مالکیت خداوند بر تمام هستی و علم مطلق او، دلیل حقانیت عقیده مؤمنان به او است .

إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ . . . الذی له ملک السموت والأرض و اللّٰه علی کلّ شیء شهید

«سماوات و أرض»، کنایه از تمام هستی است و «الذی . . .» وصف دیگری برای خداوند است و به علت ایمان مؤمنان اشاره دارد. تصریح به کلمه «اللّٰه» و نیابردن ضمیر (در آخرین جمله آیه)، هر چند که نشانگر استقلال این جمله از ماقبل و نظر داشتن آن به کار هر دو گروه است - نه خصوص مؤمنان - ولی علت ایمان مؤمنان را نیز کامل می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 15 - 3

3 - خداوند، مالک تمام جهان است .

ذو العرش

8- مالک ارزشگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 14

14 - ایمان ، عمل صالح ، تقوا و انجام کار های نیک به وجه احسن معیار ارزشگذاری بر انسان ها و نقد منزلت و شخصیت آنان

لیس علی الذین ءامنوا .. ثم اتقوا و احسنوا

ص: 290

9- مالک اماکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 9,10,11

9- مشرق و مغرب (همه جهت ها و مکان ها) از آن خداوند است .

قل لله المشرق والمغرب

10 - شریکی برای خدا در مالکیت جهت ها و مکان ها وجود ندارد .

لله المشرق والمغرب

11 - همه جهت ها و مکان ها از آن رو که ملک خداوند هستند ، صلاحیت قبله شدن را داشته و مزیتی بر یکدیگر ندارند .

قل لله المشرق والمغرب

10- مالک امکانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 26 - 3

3- تمامی امکانات و توانایی های انسان ، از آن خداوند است .

و لقد مکنّهم فیما ان مکنّکم فیه

صیغه متکلم در «مکنّاهم» و «مکنّاکم» به صورت مکرر، تأکیدی است به منظور توجه داشتن انسان به این که امکاناتش از جانب خداوند است.

11- مالک امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 88 - 8

8- خداوند ، مالک و منشأ تمامی ثروت ها و متاع های انسان است .

لا تمدنّ عینیک الی ما متّعنا به أزواجاً منهم

خداوند امکانات و نعمتهای در دست بشر را داده خود شمرده است (مُتَعَنَّا) و این بیانگر این حقیقت است که همه آنها منشأ خدایی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 38 - 14

14 - دارایی ها و امکانات انسان ها ، از آن خدا و داده او است .

و مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 7 - 8

8 - امکانات و دارایی های انسان ، از آن خداوند است و به صورت عاریه در اختیار نسل ها قرار دارد .

ص: 291

و أنفقوا ممّا جعلكم مستخلفين فيه

«استخلاف» به معنای جانشین قرار دادن است. مقصود از خلافت و جانشینی، یا جانشینی از نسل های پیشین است و یا جانشینی از خداوند. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 7

7 - مالک حقیقی همه امکانات و دارایی ها ، خداوند است و او آنها را در اختیار نسل ها قرار می دهد .

و لله میرث السموت و الأرض

تقدیم «لله» بر «میراث السموات» مفید حصر است. واژه «میراث» جنس می باشد و شامل هر آنچه از نسلی به نسلی دیگر انتقال می شود. اضافه «میراث» به «السموات» ظرفیه است. بنابراین «لله میراث السموات و الأرض»؛ یعنی، «کلّ ما یورث فی السموات و الأرض لله لا لغيره» (هر آنچه که نسل ها در آسمان ها و زمین از یکدیگر به ارث می برند، تنها از آن خداوند است و او آنها را در اختیار نسل ها قرار می دهد).

12- مالک انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 156 - 1

1 - خداوند مالک و اختیار دار انسان ها و آنان هم مملوک و در اختیار اویند .

قالوا إنا لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 284 - 7

7_ خداوند ، مالک انسان و اعمال و نیات وی

لله ما فی السموات و ما فی الارض و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 132 - 6

6_ خداوند ، مالک انسان ها و خود ، تدبیر کننده امور آنهاست .

و لله ما فى السموت و ما فى الارض و كفى بالله وكيلا

از مصادیق مورد نظر برای «ما فى الارض»، انسانها هستند، چون خطاب قرآن با آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 89 - 14

14_ خداوند ، مالک و مدبر انسانها

ربنا

ص: 292

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 172 - 8

8 - تنها خداوند ، مالک و مدبر انسانهاست .

أَلست بربکم قالوا بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 30 - 7

7 - خدا ، مولا و مالک حقیقی انسانهاست .

وردوا إلى الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 38 - 4

4- الله ، یگانه مالک و مدبر انسان و جهان هستی است .

لـكِنَّا هو الله ربِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 4 - 2

2- وحی و بعثت پیامبران ، مقتضای مالکیت و ربوبیت بی شریک خدا بر جهان و انسان

كذلك یوحى إليك .. له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 6 - 3

3 - مالک و مدبر بودن خداوند برای انسان ها ، دلیل رجوع تمام حرکت ها و تلاش های آنها به خداوند است .

كادح إلى ربِّك

13- مالک انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 164 - 1

1_ تنها خداوند، «رب» (مالک و مدبر) انسانهاست.

أغیر الله أبغی ربا

«بغی»، مصدر «أبغی»، به معنای جستجو و طلب کردن است. کلمه «ربا» مفعول برای «أبغی» و «غیر الله» حال برای «ربا» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 56 - 3

ص: 293

3_ خداوند ، پروردگار و مالک همه انسان ها و مدبر امور ایشان است .

علی الله ربی وربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 10 - 2

2 - خدا مالک انسان ها و همه آنان بندگان او

وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 8

8 - خداوند ، مالک و مدبر انسان و سامان بخش تحولات زندگی و عوالم هستی او است .

رَبِّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ناس - 114 - 3 - 4

4 - مالکیت خداوند بر مردم ، از نوع مالکیت معبود بر بندگان است .

ملك الناس . إله الناس

ترتیب ذکر دو وصف «ملک» و «إله»، ممکن است اشاره به نکته یادشده داشته باشد.

14- مالک انفال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 1 - 6، 1

1_ تعیین مالک انفال و بیان چگونگی تقسیم آن ، پرسش مکرر مسلمانان از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

يسئلونك عن الأنفال

از جمله «قل الأنفال لله و الرسول» که تعیین کننده مالک انفال است و در پاسخ مسلمانان ایراد شده، معلوم می شود که پرسش آنان درباره

مالک انفال و طبعاً از چگونگی تقسیم آن بوده است.

6_ انفال به تمامی از آن خدا و رسول اوست .

قل الأنفال لله و الرسول

15- مالک بادها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 22 - 15

15- « عن أبي جعفر (ع) قال : لله رياح رحمه لواقع ينشرها بين يدي رحمةه ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: خدا بادهای رحمتی دارد باردار که پیشاپیش رحمت خود (باران) آنها را منتشر می

ص: 294

کند».

16- مالک باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 4

4 - مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالک بوستان های بهشت خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

17- مالک حقیقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 31 - 7

7- توجه به منشأ خدایی داشتن دارایی ها و ثروت ها ، مشوق انسان ها به انفاق و بخشش است .

قُلْ لِعِبَادِي... وَيَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

از اینکه خداوند، اموال و امکانات انسان را به خود نسبت داد و آنها را روزی خدادادی دانست می توان برداشت فوق را به دست آورد.

18- مالک حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 5

5_ شنوایی و بینایی و دیگر حواس انسان ، تحت مالکیت و فرمان خداست .

أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ

کلمه «یملک» می تواند از مصدر «مَلَک» (مالک بودن) و نیز می تواند از «مُلک» (فرمانروایی) باشد.

19- مالک خزاین آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - خداوند ، مالک حقیقی منابع رزق آسمان ها و زمین است .

ولله خزائن السموت والأرض

ص: 295

20- مالک خزاین آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 3

3 - منابع و خزاین جهان از آن خداوند و در اختیار اوست.

خزائن الله

21- مالک خزاین زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 7 - 10

10 - خداوند ، مالک حقیقی منابع رزق آسمان ها و زمین است .

ولله خزائن السموت والأرض

22- مالک خزاین نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 7

7 - نعمت های هستی و گنجینه های آن ، به تمامی از آن خدا و در اختیار اوست .

خزائن الله

23- مالک خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 5

5 - خمس غنایم جنگ و دیگر درآمد ها از آن خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خویشان اوست .

فإن لله خمسهُ وللرسول ولذی القربی

«ذی القربی» به معنای خویش است و چون خویشی یک معنای اضافی است با قراین کلامی روشن می شود که خویشان چه کسی مراد

است. در اینجا مراد از «ذی القربی» به دلیل کلمه «الرسول»، خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند. در حقیقت «ال» در «القربی» جانشین مضاف إلیه است ; یعنی: للرسول و لذی قریباه.

ص: 296

24- مالک دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 15 - 2

2 - دنیا و آخرت ، تنها در اختیار خداوند

من كان يظنّ أن لن ينصره الله في الدنيا والآخرة. .. هل يذهب كیده ما يغیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 25 - 1

1 - ولایت و مالکیت مطلقه دنیا و آخرت ، از آن خداوند است .

فلله الآخرة والأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 13 - 2، 1

1 - جهان آخرت و عالم دنیا ، مملوک خداوند و در اختیار او است .

وإن لنا للآخرة والأولى

2 - مالکیت خداوند بر دنیا و آخرت ، دلیل سلطه کامل او بر فرجام انسان های نیک و بد

فسنیسره لیسری... للعسری... وإن لنا للآخرة والأولى

25- مالک دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 3

3- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . *

فكان لغل مین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه «المدینه» در این آیه، به جای واژه «القریه» که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو

یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر - چنان چه از حرف «ال» در «المدینه» استفاده می شود - برای خضر و موسی (ع) شناخته شده بود.

26- مالک روح (اسم خاص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 6

6 - خداوند ، مالک و مدبّر امور فرشتگان و روح است .

رَبِّهِمْ

«رَبّ» در لغت عرب، بر «مالک»، «مولى»، «مدبّر» و «مرتبّی» اطلاق می شود.

ص: 297

27- مالک زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 284 - 1

1_ تنها خداوند مالک تمام موجودات آسمان ها و زمین است .

لله ما فى السموات و ما فى الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 21

21_ مالکیت اصلی و نهایی آسمان ها و زمین (تمام هستی) ، از آن خداوند است .

و لله میراث السموات و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 189 - 1

1_ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموات و الارض

«مُلک» به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 126 - 1

1_ خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست (تمامی هستی)

و لله ما فى السموات و ما فى الأرض

«ما فى السموات و ما فى الارض»، کنایه از تمامی هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 1

1_ خداوند ، مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین است .

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 16

16_ سلطنت و مالکیت مطلق خداوند بر آسمان ها ، زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملک السموت و الأرض و ما بینهما

تقدیم «لله» دلالت بر حصر دارد. یعنی تنها او مالک آسمانها و ... است. لذا از این معنا به مالکیت مطلق تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 298

18 _ تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملك السموت و الارض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 _ خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمین (تمام هستی) و حاکم بر آنها

الم تعلم ان الله له ملك السموت و الارض

آسمانها و زمین کنایه از تمامی هستی است. و ملک به معنای حاکمیت و در دست داشتن زمام امور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 _ تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها ، زمین و هر آنچه در آنهاست .

لله ملك السموت و الارض و ما فيهن

7 _ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ينفع الصديقين صدقهم لهم جنت . . . و ما فيهن و هو على كل شيء قدير

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

24 _ زمین و رویدنیهایش از آن خداست .

فذررها تأكل في أرض الله

اضافه کلمه «أرض» به «الله» می تواند به این معنا باشد که زمین از آن خداست. و نیز می تواند به معنای زمین خدا، در مقابل زمینی که

مالک شخصی دارد، باشد. بنابر احتمال دوم معنای «فدروها ...» چنین می شود: ناقه را آزاد بگذارید. آن ناقه در زمین خدا می چرد و به زمینهای شخصی شما تعرضی نمی کند.

25_ مالکیت خدا بر زمین، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فدروها تأكل في أرض الله

انتساب زمین به خداوند (أرض الله) پس از انتساب ناقه به او (ناقه الله) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزادگذاری آن برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تقریر جمـ له «ذروها ...» به وسیله فاء بر جمله «هذه ناقه الله» نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 128 - 15، 7، 5، 3

3_ زمین از آن خداست و اختیار آن به دست اوست .

إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

5_ موسی (ع) در تعالیم خویش به بنی اسرائیل، پندار مالکیت فرعون را بر زمین، پنداری باطل و حاکمیت او را مقهور

ص: 299

اراده خداوند خواند .

قال موسى لقومه .. إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

7_ اذعان به مالکیت خدا بر زمین و نفوذ مشیت او ، زمینه ساز مقاومت در برابر دشمنان دین است .

استعينوا بالله و اصبروا إن الأرض لله يورثها من يشاء

15_ مالکیت خدا بر زمین ، نفوذ مشیت او بر حاکمان آن و سیر تحولات جوامع بشری به سوی حاکمیت تقوایندگان ، از تعالیم موسی (ع) به قوم خویش

قال موسى .. إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده و العقبه للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 1

1_ آسمان ها و زمین موجوداتی مملوک ، وابسته به هستی بخش و نیازمند آفریدگار

أو لم ينظروا في ملكوت السموت و الأرض

«ملکوت» مصدر است و به نایب فاعلش (السموات و الأرض) اضافه شده است. یعنی «ملکوت» در آیه شریفه مصدر مجهول می باشد. بنابراین «ملکوت السموات»، یعنی مملوک بودن آسمانها. گفتنی است مراد از مملوکیت در اینجا مملوکیت حقیقی و تکوینی، یعنی وابستگی وجودی، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 116 - 1

1_ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

إن الله له ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 7

7_ زمین و رویدنی های آن ، ملک خداوند است .

فذررها تأكل في أرض الله

برداشت فوق، از اضافه «أرض» به «الله» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 1

1_ خداوند، مالک و مدبر آسمان ها و زمین است .

قل من رب السموت والأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 84 - 1

1 - زمین و هر آنچه در آن هست، از آن خدا و متعلق به او است .

قل لمن الأرض و من فيها إن كنتم تعلمون

ص: 300

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 85 - 1

1 - اعتراف به مالکیت خدا بر زمین و موجودات روی آن ، امری ناگزیر برای هر انسانِ اهل دانش و خرد

قل لمن الأرض . . . إن كنتم تعلمون . سيقولون لله قل أفلاتدكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 56 - 8

8 - زمین ، از آن خدا است و بندگان خدا ، می توانند در هر نقطه مناسبی مسکن بگیرند .

إن أرضی وسعه فإیّی فاعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 3

3 - تمامی آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، از آن خدا است .

الحمد لله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 66 - 1

1 - خداوند ، مالک و مدبر جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .)

ربّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 10 - 12

12 - زمین ، از آن خدا و در مالکیت او است .

أرض الله وسعه

مقصود از «أرض الله» کره زمین است. این تعبیر گویای برداشت یاد شده است.

12 - « عن سليمان بن مهران ، قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل « و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة » فقال يعني ملكه لا يملكها معه أحد . . . « و السماوات مطويات بيمينه » قال : اليمين اليد ، و اليد القدره و القوه يقول عز وجل و السماوات مطويات بقدرته و قوته سبحانه و تعالی عما يشركون ؛

سليمان بن مهران گوید: از امام صادق (ع) از سخن خداوند عزوجل که می فرماید: «و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة» سؤال نمودم، حضرت فرمود: یعنی زمین ملک او است [در قیامت] و هیچ کس غیر از او مالک زمین نیست. . . و درباره «و السماوات مطويات بيمينه» فرمود: یمین همان ید است و مراد از آن قدرت و قوت است و خداوند عزوجل فرمود: آسمان ها به قدرت و قوت خداوند به هم پیچیده می شوند و او منزّه و برتر است از هرگونه شرکی که به او نسبت می دهند».

2- کفر و ناسپاسی انسان ها و روی گردانی آنان از پیام وحی ، بی تأثیر برای یگانه مالک آسمان ها و زمین

فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ . لِلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 14 - 1

1 - خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لِلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

«ملک» به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 31 - 1

1 - گستره آفرینش (آسمان ها ، زمین و . . .) ، تحت مالکیت مطلقه الهی

و لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 5 - 2

2- خداوند ، مالک و مدبّر زمین است .

لرَبِّهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 1

1 - حاکمیت و مالکیت بر آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند است .

له مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

«مُلک» اسم مصدر و به معنای بر عهده داشتن سلطنت است (مصباح). هر جا کلمه «مُلک» به کار رود، مستلزم «مِلک» (مالکیت) نیز

خواهد بود. (مفردات راغب)

28- مالک طلوع فجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 1 - 3

3 - خداوند ، تدبیرکننده صبحدم و صاحب اختیار طلوع فجر است .

ربّ الفلق

«فلق»، به معنای صبح یا فجر است (قاموس). تناسب این کلمه با معنای «فَلْق» (شکافتن)، از این جهت است که طلوع فجر، تاریکی را می شکافد.

ص: 302

29- مالک عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 129 - 10

10 - خدا، مالک عرش عظیم (مرکز اداره هستی) است.

هورب العرش العظیم

برداشت فوق بر این اساس است که «رب» به معنای «مالک» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 22 - 10

10 - خداوند، مالک و صاحب اختیار عرش (مرکز اداره هستی) است.

فسیحن الله ربّ العرش

برداشت یاد شده مبتنی بر یکی از معانی «ربّ» (مالکیت و صاحب اختیار) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 20 - 4

4 - عرش (جهان هستی)، مملوک و در اختیار خداوند است.

ذی العرش

«عرش»: یعنی، تخت فرمانروایی (مقایس اللغه). مالکیت عرش، کنایه از سلطه بر اداره و تدبیر نظام عالم است.

30- مالک عوالم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 162 - 7

7 - خداوند مالک و مدبر تمامی عوالم هستی

لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 182 - 4

4 - خداوند ، مالک و مدیر همه عالم های هستی است .

رَبِّ الْعَالَمِينَ

عالم (مفرد «عالمین») به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالمین»؛ یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 17

ص: 303

17 - خداوند ، مالک همه عالم های هستی است .

رَبِّ الْعَالَمِينَ

عالم (مفرد «عالمین») است و به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالمین»؛ یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها. گفتنی است به مالک هر چیزی، «رَبِّ» گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 13

13 - خداوند ، مالک همه عالم های هستی است .

رَبِّ الْعَالَمِينَ

عالم (مفرد «عالمین») است و به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالمین»؛ یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها. گفتنی است که به مالک هر چیزی، «رَبِّ» گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 66 - 8

8 - خداوند ، مالک همه عالم های هستی است .

لَرَبِّ الْعَالَمِينَ

عالم (مفرد «عالمین») است و به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالمین»؛ یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها. گفتنی است به مالک هر چیزی، «رَبِّ» گفته می شود.

31- مالک غنایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 1 - 2

2_ تعیین مالک غنایم جنگ و چگونگی تقسیم آن ، مایه اختلاف و مشاجره مسلمانان صدر اسلام

يسئلونك عن الأنفال قل الأنفال لله والرسول . . . وأصلحوا ذات بينكم

با توجه به آیات بعد که سخن از نبرد و مبارزه با دشمن دارد، و نیز شأن نزولهای نقل شده درباره آیه، معلوم می شود مراد از انفال در جمله

«یسنلونک عن الأنفال» اموالی بوده که در معرکه نبرد از دشمن به جای مانده و به دست مسلمانان افتاده بود. و توصیه خداوند به ترک مشاجره پس از بیان حکم انفال می رساند که آن اموال به جای مانده منشأ اختلاف مسلمانان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 4

4_ غنیمت های جنگ و دیگر استفاده های مالی ، بجز خمس آن ، از آن غنیمت گیرنده و استفاده برنده است .

واعلموا أنما غنمتم من شیء فأن لله خمسه

ص: 304

32- مالک غنیمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 6 - 6

6 - رزمندگان مسلمان ، سهیم در غنایم به دست آمده از طریق جنگ و درگیری با کافران

فما أوجفتم عليه من خيل و لا ركاب

از «فما أوجفتم عليه من خيل..» استفاده می شود که هرگاه با اسب تازی [جنگ و نبرد] صورت گیرد؛ غنایم مختص پیامبر (صلی الله علیه و آله) نخواهد بود.

33- مالک غیب آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 123 - 2

2_ تنها خداوند مالک غیب آسمان ها و زمین است .

و لله غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 5

5- حقایق نهانی آسمان ها و زمین ، در انحصار مالکیت خداوند است .

له غیب السموت و الأرض

تقدیم «له» دلالت بر حصر می کند و حرف «لام» در آن، برای تملیک است.

34- مالک غیب آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 123 - 7

7_ باور به انحصار مالکیت خداوند بر غیب هستی ، وادار کننده آدمی به پرستش خدا و توکل بر او

و لله غيب السموات و الأرض . . فاعبده و توكل عليه

جمله «اعبده و توكل عليه» بر دو جمله «لله غيب السماوات و الأرض» و «إليه يرجع الأمر كله» تفریع شده است. برداشت فوق ، ناظر به ارتباط آن با جمله نخست است.

35- مالک غیب زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 123 - 2

2_ تنها خداوند مالک غیب آسمان ها و زمین است .

ص: 305

و لله غيب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 5

5- حقایق نهانی آسمان ها و زمین ، در انحصار مالکیت خداوند است .

له غيب السموت و الأرض

تقديم «له» دلالت بر حصر می کند و حرف «لام» در آن، برای تملیک است.

36- مالک فیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 6 - 5,7

5 - غنایم به دست آمده بدون جنگ و نبرد (فیء) ، ویژه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خارج از قلمرو مالکیت شخصی مسلمانان است .

و ما أفاء الله على رسوله منهم

مفهوم اختصاص یافتن غنایم به دست آمده بدون جنگ و نبرد به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، این است که سایر مسلمانان، ابتدا مالکیت شخصی نسبت به آن ندارند.

7- «فیء» حق منصب رسالت است؛ نه ملک شخصی پیامبر (صلی الله علیه و آله) . *

و ما أفاء الله على رسوله

ذکر عنوان رسالت برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، می تواند بدان منظور باشد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آن جهت که عهده دار منصب رسالت است، «فیء» به آن حضرت تعلق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 7 - 1,4,5,10,12

1 - «فیء» غنیمتی قرار داده شده از سوی خداوند در اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله)، برای مصارف ششگانه

ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى فلله وللرسول

4 - پیامبر خدا و « ذی القربی » ، هر یک دارای سهمی جداگانه از سهام « فیء »

ما أفاء الله على رسوله . . . و للرسول و لذی القربی

5 - یتیمان ، بینوایان و در راه ماندگان (ابن السبیل) از جمله سهم بران « فیء »

ما أفاء الله على رسوله . . . فلله . . . و الیت می و المسکین و ابن السبیل

10 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) صاحب اختیار مصرف فیء در موارد تعیین شده از جانب خدا

و ما اتيكم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا

از تعبیر «و ما آتاکم. . .» استفاده می شود که «فیء» نخست در اختیار پیامبر قرار می گیرد و او است که بر اساس موازین عطا می کند و یا دریغ می دارد.

12 - « فیء » ، در اختیار حکومت اسلامی ، برای به کارگیری در مصارف تعیین شده آن *

و ما اتيكم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در این آیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، صاحب اختیار «فیء» شناخته

شده باشد؛ زیرا عمر شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) محدود است؛ ولی مسأله «فیء» همچنان استمرار دارد. پس باید تقویض اختیار به منصب باشد (کسانی که اهلیت حکومت را دارند).

37- مالک قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 58 - 7

7 - تمام قدرت ها و واسطه های فیض در نظام هستی ، در مالکیت و سیطره یگانه خداوند

إِنَّ اللَّهَ هُوَ ... ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ

تعبیر «ذوالقوه» _ به جای «القوی» _ می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که خداوند، نه تنها قوی است؛ بلکه هر نوع توان و قدرتی که در نظام وجود یافت شود، مملوک و مقهور او است.

38- مالک قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 4 - 1,6

1 - خداوند ، مالک و فرمانروای روز قیامت است .

ملک یوم الدین

«مَلِكٌ» در «مالک یوم الدین» ملک حقیقی است ؛ یعنی، وابستگی وجودی که لازمه آن تسلط کامل و همه جانبه مالک بر مملوک است. قابل ذکر است که «یوم الدین» هم می تواند مفعول برای «مالک» باشد و هم می تواند ظرف برای آن گرفته شود و در صورت دوم مفعول، کلمه ای همانند «الامور» خواهد بود؛ یعنی: مالک الامور فی یوم الدین. به هر تقدیر برداشت فوق از آن استفاده می شود.

6 - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد لله .. ملک یوم الدین

«مالک یوم الدین» نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای «الحمد لله» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 5 - 17,2

2- ربوبیت خدا بر هستی، رحمانیت و رحیمیت او و مالکیتش بر روز قیامت، دلیل شایستگی او برای پرستش

رب العلمین. الرحمن الرحیم. ملک یوم الدین. ایاک نعبد

17- شناخت ربوبیت خدا بر تمام هستی و باور به رحمانیت و رحیمیت او و مالکیتش بر روز جزا، تنها با امداد الهی امکان پذیر است.

الحمد لله رب العلمین... ایاک نستعین

شناخت ربوبیت خدا و... از تکالیفی است که می توان آن را از سوره حمد برداشت کرد. لذا آنها نیز متعلق «نستعین» می باشند؛ یعنی: نستعینک علی ان نعرف ربوبیتک و... .

ص: 307

39- مالک کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 39 - 4

4- انسان ، مالک عمل و دستاورد تلاش خویش *

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى

لام در «لِلْإِنْسَانِ» برای ملکیت است و «سَعَى» تمامی فعالیت های آدمی را شامل می شود.

40- مالک کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 3 - 8، 3، 2

2 - خداوند ، مالک کعبه و مدبر امور آن است .

رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ

«رَبِّ»، در اصل به معنای «تربیت» است (مفردات) و به معنای مالک و مدبر نیز آمده است (لسان العرب).

3 - مالکیت خداوند بر کعبه و سیطره ربوبیت و تدبیر او بر آن ، برهان الزام قریش به عبادت او است .

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ

8 - کعبه ، بیتی شرافت مند و وابسته به خداوند

رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ

اسم اشاره (هَذَا)، به قرینه سیاق برای تعظیم است.

41- مالک کلید آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 12 - 1

1 - کلید های آسمان وزمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له مقاليد السموت و الأرض

تقديم «له» (خبر) بر «مقاليد» (مبتدا) مفيد حصر است.

42- مالک کلید زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 12 - 1

1 - کلید های آسمان و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

ص: 308

له مقاليد السموت و الأرض

تقديم «له» (خبر) بر «مقاليد» (مبتدا) مفيد حصر است.

43- مالک گياهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 73 - 24

24_ زمين و رويدنيهايش از آن خداست .

فذروها تاكل في أرض الله

اضافه كلمه «أرض» به «الله» می تواند به این معنا باشد که زمين از آن خداست. و نیز می تواند به معنای زمين خدا، در مقابل زميني که مالک شخصی دارد، باشد. بنابر احتمال دوم معنای «فذروها ...» چنین می شود: ناقه را آزاد بگذاريد. آن ناقه در زمين خدا می چرد و به زمينهای شخصی شما تعرضی نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 64 - 7

7_ زمين و رويدني های آن ، ملك خداوند است .

فذروها تاكل في أرض الله

برداشت فوق، از اضافه «أرض» به «الله» استفاده شده است.

44- مالک مردم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - ناس - 114 - 1 - 3

3 - خداوند ، مالک مردم و تدبيرکننده امور آنان

بربّ الناس

«ربّ» بر «مالک»، «سَرور»، «مَدبّر» و «مرَبّي» اطلاق می شود. (لسان العرب)

45- مالک مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 4

4_ مساجد ، مکانهایی مقدس و متعلق به خدا و ملک اوست .

مسجد الله

اضافه «مساجد» به «الله» اضافه تشریفیه و بیانگر قداست مساجد است.

ص: 309

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 4

4_ مساجد ، مکان های مقدس و متعلق به خدا و ملک اوست .

مسجد الله

اضافه «مساجد» به «الله» اضافه تشریفیه و بیانگر قداست مساجد است.

46- مالک مشرق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 115 - 1

1 - مشرق و مغرب و نیز سایر جهت ها ، تنها از آن خداوند است .

ولله المشرق والمغرب

مقصود از مشرق و مغرب می تواند جهت شرق و غرب باشد و نیز مراد از آن می تواند مکان شرق و غرب گرفته شود. تفریح «فاینما تولوا» بر «لله المشرق والمغرب» گویای این است که: مراد از مشرق و مغرب - بنا بر تفسیر نخست - همه جهات و - بنا بر تفسیر دوم - همه مکانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 9

9 - مشرق و مغرب (همه جهت ها و مکان ها) از آن خداوند است .

قل لله المشرق والمغرب

47- مالک مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 115 - 1

1 - مشرق و مغرب و نیز سایر جهت ها ، تنها از آن خداوند است .

ولله المشرق والمغرب

مقصود از مشرق و مغرب می تواند جهت شرق و غرب باشد و نیز مراد از آن می تواند مکان شرق و غرب گرفته شود. تفریح «فاینما تولوا» بر «لله المشرق و المغرب» گویای این است که: مراد از مشرق و مغرب - بنابر تفسیر نخست - همه جهات و - بنابر تفسیر دوم - همه مکانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 9

9 - مشرق و مغرب (همه جهت ها و مکان ها) از آن خداوند است .

قل لله المشرق و المغرب

ص: 310

48- مالک ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 7

7- وجود ملائکه و مراحل مقدماتی پیدایش آنها و کارهایی که از آنان صادر می شود ، همه مملوک خداوند و در احاطه قدرت او است .

*

له ما بین ایدینا و ما خلفنا و ما بین ذلک

گفته شده است: «ما بین ایدینا» (آنچه پیش روی ما است) اشاره به آثار وجودی ملائکه و «ما خلفنا» (آنچه پشت سر نهاده و از آن گذشتیم) اشاره به عناصر اولیه و مقدمات پیدایش آنها و «ما بین ذلک» (آنچه هم اکنون وجود دارد) اشاره به هستی آنان دارد. این توجیه و تفسیر با نوع ملائکه _ که زمان و مکان درباره آنان بی معنا است _ تناسب دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 6

6 - خداوند ، مالک و مدبّر امور فرشتگان و روح است .

رَبِّهِمْ

«رَبِّ» در لغت عرب، بر «مالک»، «مولی»، «مدبّر» و «مرتبّی» اطلاق می شود.

49- مالک منابع روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 7 - 10

10 - خداوند ، مالک حقیقی منابع رزق آسمان ها و زمین است .

و لله خزائن السموت و الأرض

50- مالک موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 7

7 - خداوند ، در مالکیت موجودات هستی شریکی ندارد .

له ما فی السموت و الأرض

برداشت فوق با توجه به حصر - که از تقدیم «له» بر «ما فی السماوات . . .» به دست می آید - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 1

1_ خداوند ، مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین است .

ص: 311

و لله ما فى السموت و ما فى الارض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 40 - 1

1_ خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمين (تمام هستى) و حاکم بر آنها

الم تعلم انّ الله له ملك السموت و الارض

آسمانها و زمين کنایه از تمامی هستى است. و ملک به معنای حاکمیت و در دست داشتن زمام امور است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 12 - 2

2_ مالکیت مطلق خداوند بر موجودات آسمانها و زمين، بدیهى و غير قابل انکار

قل لمن ما فى السموت و الارض قل لله

جواب خداوند به سؤال خود، نشانگر بدیهى و غير قابل انکار بودن جواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 13 - 1,2

1_ مالکیت و حاکمیت مطلقه الهى بر هر موجود مستقر در شب و روز

و له ما سكن فى الیل و النهار

«سكن»، از ماده «سكنى» (به معنى مسكن گزید): و «ما سكن ..»، شامل هر موجودى است كه در ظرف شب و روز قرار گرفته باشد.

2_ تنها خداوند مالک اشیای ساکن و متحرک در شب و روز

و له ما سكن فى الیل و النهار

بنابراین كه «ما سكن»، به معنى ساکن، مقابل متحرک، باشد. نکته دیگر در آیه اینکه گاهی در زبان عرب يكى از ضدین ذکر مى گردد و دیگری مسكوت مى ماند. چون مذکور، خود كافی از غير مذکور است. در آیه نیز گر چه تنها «ما سكن» آمده، ولی مراد متحرکها نیز مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 12

12_ تنها خداوند ، مالک همه آفریده ها و فرمانروای آنهاست .

ألا له الخلق والأمر

در برداشت فوق کلمه «الخلق» به معنای اسم مفعول (مخلوق)، و «أمر» به معنای فرمان دادن گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 2

2_ هر موجودی در جهان آفرینش مملوک و در وجود یافتن نیازمند آفریدگار است .

أولم ينظروا في ملكوت .. و ما خلق الله من شيء

«ما خلق الله» عطف به «السموات» است. یعنی «أولم ينظروا في ملكوت ما خلق الله». «من شيء» بیان برای «ما» در

ص: 312

«ما خلق الله» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 68 - 6

6_ تمامی موجودات آسمان ها و زمین از آن خداوند و ملک بی شریک اویند .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 57 - 13

13_ مالک و مربی بودن خداوند بر همه چیز ، مستلزم مراقبت و حفاظت کامل او ، از آنهاست .

إن ربی علی کل شیء حفیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 52 - 1

1- مالکیت تمامی موجودات آسمان ها و زمین و حاکمیت بر آنها ، در انحصار خداوند است .

وله ما فی السموت و الأرض

لازمه مالکیت، حاکمیت است و «أفغیر الله تقون» (آیا از غیر خدا می ترسید) می تواند قرینه بر این باشد که: مراد از «له ما فی السماوات و ..» حاکمیت نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 93 - 1

1- تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین ، بندگان خدا و مملوک اویند .

أن یتخذ ولداً . إن کلّ من فی السموت ... ءاتی الرحمن عبداً

«آتی» اسم فاعل است و زمان در آن ملحوظ نیست و مراد از «اتیان» معنای مجازی آن است. مقصود آیه این است که موجودات هستی، در برابر خداوند اظهار وجودی جز عبودیت ندارند؛ همگان مملوک اویند و از خود استقلالی ندارند.

5 - آنچه در زیر خاک های نمناک جهان قرار دارد از آن خداوند است .

له . . . و ما تحت الثرى

«ثرى» به معنای خاک نمناک است (مصباح). ال در «الثرى» ظاهراً معنای جنس دارد، لذا شامل هر خاک نمناکی می شود، چه در زمین باشد و چه در کرات دیگر، بلکه چون در آیه «ما فى الأرض» ذکر شده است، احتمال می رود که «ما تحت الثرى» مربوط به غیر زمین باشد.

7 - سراسر هستی ، و تمامی موجودات آشکار و نهان ، در مالکیت خداوندیگانه است .

له ما فى السموت و ما فى الأرض . . . و ما تحت الثرى

تعبیر «آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است» کنایه از تمام جهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 19 - 1

1- خدا، مالک همه کسانی است که در آسمان ها و زمین اند .

وله من فی السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 84 - 1

1 - زمین و هر آنچه در آن هست ، از آن خدا و متعلق به او است .

قل لمن الأرض و من فیها إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 85 - 1

1 - اعتراف به مالکیت خدا بر زمین و موجودات روی آن ، امری ناگزیر برای هر انسانِ اهل دانش و خرد

قل لمن الأرض .. . إن كنتم تعلمون . سيقولون لله قل أفلاتذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 1

1 - خداوند ، مالک همه پدیده های موجود در آسمان ها و زمین (جهان) است .

ألا إن لله ما فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 26 - 1

1 - خداوند ، تنها مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین است .

وله من فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - ملک خداوند بودن تمامی موجودات ، با شریک خدا قرار دادن هر یک از آنها ، ناسازگار است .

هل لكم من ما ملكت أيمـنكم .. تخافونهم كخيفتكم أنفسكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 26 - 3

1 - تمام موجودات آسمان و زمین ، ملک خداوندند .

لله ما فى السموت و الأرض

3 - آفریدگاری خداوند ، مستلزم مالکیت او بر آفریده های خویش است .

من خلق السموت و الأرض ليقولنّ الله .. لله ما فى السموت و الأرض

«لله ما فى ..» به منزله نتیجه آیه قبل است و به خاطر روشن بودن اش، از حرف عطف استفاده نشده است.

ص: 314

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 8,9

8 - مالکیت مطلق خدا بر موجودات و حکمت و آگاهی او، جلوه ای از کمال های او است .

الحمد لله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض .. و هو الحکیم الخبیر

از آن جایی که حمد در برابر کمال است، آوردن صفت های مالکیت، حکمت و آگاهی پس از بیان اختصاص داشتن همه حمدها به خداوند، می تواند به منظور القای نکته یاد شده باشد.

9 - مالکیت مطلق خداوند بر موجودات عالم، مقتضی اختصاص همه حمد و ستایش ها به او است .

الحمد لله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

صله موصول «الذی» که ما فی السماوات و ما فی الأرض است می تواند علت انشای ثنا و حمد برای موصول باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 37 - 2

2 - یگانه مالک گنجینه های وجود، دارای اختیار در اعطای رسالت به برگزیدگان خود

أم عندهم خزائن ربک

از ارتباط آیات _ که در زمینه اثبات حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رد منکران آن است _ مطلب بالا استفاده می شود.

51- مالک موجودات آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 6

6 - همه موجودات آسمان ها و زمین از آن خداوند است .

بل له ما فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 132 - 1

1_ خداوند ، یگانه مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین (تمام هستی)

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 2 - 2

2- تمامی موجودات آسمان ها و زمین فقط از آن خداوند است .

الله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 53 - 3

ص: 315

3- تمامی موجودات زمین و آسمان ، مملوک خداوند هستی اند .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

52- مالک موجودات آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 12 - 2

2_ مالکیت مطلق خداوند بر موجودات آسمانها و زمین، بدیهی و غیرقابل انکار

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جواب خداوند به سؤال خود، نشانگر بدیهی و غیر قابل انکار بودن جواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 93 - 1

1- تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین ، بندگان خدا و مملوک اویند .

أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا . إِنَّ كَلَّ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ ... آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا

«آتی» اسم فاعل است و زمان در آن ملحوظ نیست و مراد از «آتیان» معنای مجازی آن است. مقصود آیه این است که موجودات هستی، در برابر خداوند اظهار وجودی جز عبودیت ندارند؛ همگان مملوک اویند و از خود استقلال ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 6 - 1

1 - خداوند یگانه مالک آسمان ها و زمین است .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

تقدیم «له» بر حصر دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 26 - 1

1 - خداوند ، تنها مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین است .

وله من فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 26 - 1

1 - تمام موجودات آسمان و زمین ، ملک خداوندند .

لله ما فی السموت و الأرض

ص: 316

53- مالک موجودات آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 1

1 - خداوند ، مالک همه پدیده های موجود در آسمان ها و زمین (جهان) است .

ألا إن لله ما فى السموت و الأرض

54- مالک موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 6

6 - همه موجودات آسمان ها و زمین از آن خداوند است .

بل له ما فى السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 132 - 1

1 _ خداوند ، یگانه مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین (تمام هستی)

و لله ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 2 - 2

2- تمامی موجودات آسمان ها و زمین فقط از آن خداوند است .

الله الذى له ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 6 - 1

1 - خداوند یگانه مالک آسمان ها و زمین است .

له ما فى السموت و ما فى الأرض

تقديم «له» بر حصر دلالت مى کند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شورى - 42 - 53 - 3

3 - تمامی موجودات زمین و آسمان ، مملوک خداوند هستی اند .

له ما فى السموت و ما فى الأرض

ص: 317

55- مالک موجودات فضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 6 - 3

3 - تنها خداوند مالک تمامی موجودات مستقر در فاصله زمین و آسمان ها است .

له . . . ما بینهما

56- مالک مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 2

2_ زنان ، مالک مهریه خویش هستند .

واتوا النساء صدقاتهنّ

57- مالک نیروهای آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 7 - 1

1 - نیروها و قوای آسمان ها و زمین ، ملک خداوند و در خدمت تحقق اراده او

و لله جنود السموت و الأرض

«لام» در «لله» مفید اختصاص و ملکیت است و می رساند که نیروهای هستی، مسخر خدا و در خدمت تحقق اهداف اویند؛ چه این که اطلاق «جند» بر قوای هستی ممکن است، به همین جهت صورت گرفته باشد؛ زیرا در این واژه، هدف داری و قرار داشتن تحت فرماندهی واحد نهفته است.

58- مالک نیروهای آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 4 - 13

13 - نیروها و قوای آسمان ها و زمین ، تنها از آن خداوند و در اختیار او است .

ولله جنود السموات والأرض

«لام» در «الله» مفید اختصاص و ملکیت است و می رساند که قوای هستی، مسخر خدا و در خدمت تحقق اهداف او است.

59- مالک نیروهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 318

13 - نیروها و قوای آسمانها و زمین، تنها از آن خداوند و در اختیار او است.

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

«لام» در «لله» مفید اختصاص و ملکیت است و می رساند که قوای هستی، مستخر خدا و در خدمت تحقق اهداف او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - نیروها و قوای آسمانها و زمین، ملک خداوند و در خدمت تحقق اراده او

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

«لام» در «لله» مفید اختصاص و ملکیت است و می رساند که نیروهای هستی، مستخر خدا و در خدمت تحقق اهداف اویند؛ چه این که اطلاق «جند» بر قوای هستی ممکن است، به همین جهت صورت گرفته باشد؛ زیرا در این واژه، هدف داری و قرار داشتن تحت فرماندهی واحد نهفته است.

60- محرومیت مالک کنیز گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

33 - برده داران و ادار کننده کنیزان خویش به فحشا و فساد جنسی، محروم از آموزش و رحمت خدا هستند.

وَمَنْ يَكْرِهَنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ

در آیه یاد شده متعلق «غفور» و «رحیم» ذکر نشده است. با توجه به این که بعید است خداوند به برده داران، به خاطر گناه اکراهشان و نیز مورد هشدار قرار گرفتن آنان وعده غفران و رحمت بدهد، به نظر می رسد مقصود کنیزانی خواهد بود که مجبور به فحشا شده اند. بر این اساس اختصاص یافتن این وعده به کنیزان، حاکی از محرومیت برده داران از این موهبت است.

61- مسؤولیت مالک برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - مالکان برده، در کمک های اقتصادی به جامعه، باید آزادسازی بردگان خویش را در اولویت قرار دهند.

يقول أهلك مالاً لبداً .. فلا اقتحم العقبه ... فكّ رقبه

مفاد این آیه - با توجه به آیات پیشین - این است که مدعیان انفاق، اگر همچنان بردگان خویش را در بند نگه دارند، روشن می شود که آنان در ادعای انفاق گری، صداقت ندارند.

ص: 319

62- نقش مالک آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 37 - 2

2 - تدبیر امور انسان ها ، در اختیار مالک و مدبّر جهان هستی است .

رَبِّكَ . . . رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

«رَبِّ السَّمَوَاتِ» _ که بیانگر «رَبِّكَ» در آیه قبل می باشد _ گویای این است که رَبُّ تو همان رَبُّ جهان هستی است و آنان که به ارباب متعدد می اندیشند، بر خطایند.

63- یتیمی مالک دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 2

2- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیت دو پسر بچه یتیم بود .

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ

مَالِكِيَّتٍ

64- {مالکیت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 129 - 5، 4، 3، 1

1 _ مالکیت آسمان ها و زمین (هستی) و حاکمیت بر آنها ، در انحصار خداوند است .

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

تقديم «لِلَّهِ» بیانگر انحصار است.

3 _ انحصار حاکمیت و مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل انحصار عفو و یا مجازات بندگان به وی

او یتوب علیهم او یعدّ بهم . . . وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ

جمله «و لله ما فی السموات»، بیان علت جمله های سابق است.

4_ انحصار مالکیت و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی، دلیل عجز غیر خدا در تدبیر شؤون زندگی انسانها

لیس لك من الامر شیء . . . و لله ما فی السموات و ما فی الارض

زیرا جمله «لیس لك . . .» با جمله «و لله ما فی السموات» تعلیل شده است.

5_ مالکیت مطلق خداوند بر هستی، دلیل نداشتن حقّ تصمیمگیری رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، در مورد سرنوشت کفار

لیس لك من الامر شیء او یتوب علیهم . . . و لله ما فی السموات و ما فی الارض

65- آثار ذکر مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 320

6 - توجه به حاکمیت و مالکیت مطلق الهی بر پدیده های عالم ، مستلزم اختصاص دادن حمد و ستایش به او است .

قل الحمد لله .. لله ما فى السموت و الأرض

یادآوری مالکیت خدا بر پدیده های عالم، پس از فرمان به ادای حمد، می تواند برای توجه دادن به نکته یاد شده باشد.

66- آثار عقیده به مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 85 - 2

2 - گرایش به شرک در عین اعتقاد به تعلق انسان و پدیده های پیرامون او به خداوند ، دو امر ناهمخوان و ناسازگار

قل لمن الأرض و من فیها .. سیقولون لله قل أفلاتذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 91 - 4

4 - اعتقاد به ربوبیت خداوند و مالکیت او بر تمامی مظاهر هستی ، مقتضی پرستیدن یگانه او

إنما أمرت أن أعبد ربّ هذه البلده .. و له کلّ شیء

واژه «ربّ» و تعبیر «و له کلّ شیء» در حقیقت بیانگر فلسفه حصر پرستش انسان در برابر خدا است؛ یعنی، چون او پروردگار و مالک یگانه هستی است، پس عبودیت انسان باید تنها به درگاه او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 7

7 - ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت ، ستودگی ، حاکمیت ، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح ، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است .

إلا أن يؤمنوا بالله العزيز .. إنّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم جنّات تج

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. «الصالحات»، جمع محلی به «ال» و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است؛ یعنی، تمام آن چه میسر است. «جنته»؛ یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 13 - 4

4_ علم و آگاهی به جهان هستی، لازمه مالکیت مطلقه الهی

وله ما سكن فی الیل و النهار و هو السميع العليم

جمله «وله ما سكن» به منزله دلیلی است برای «وهو السميع العليم». یعنی همه چیز، اعم از اشیا و اقوال و حتی فکر، مخلوق و مملوک خداست و خالق نمی تواند به مخلوق خویش آگاه نباشد، چون علم خالق به مخلوق خود ضروری است.

ص: 321

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 56 - 2

2_ توانمندی خداوند بر زنده کردن و میراندن ، برخاسته از مالکیت انحصاری او بر هستی است .

ألا إن لله ما فى السموت و الأرض . . هو یحى و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 66 - 3

3_ مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی ، دلیل توحید در ربوبیت و توحید در عبودیت اوست .

ألا إن لله من فى السموت و من فى الأرض و ما یتبع الذین یدعون من دون الله شركاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 52 - 3

3- مالکیت انحصاری خداوند بر تمامی موجودات ، دلیل وحدانیت اوست .

إنما هو إله وحده . . و له ما فى السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 74 - 1

1- مالکیت و قدرت مطلقه خداوند ، مقتضی گرایش انسان به توحید و پرهیز از شرک به اوست .

فلا تضربوا لله الأمثال

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) «فاء» مضمون این آیه را متفرع بر آیه قبل کرده است و در آیه قبل سخن از مالکیت و قدرت مطلقه الهی به میان آمده بود. ب) بنابر اینکه مراد از «ضرب مَثَل» جعل شریک برای خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 26 - 7،12،13

7- مالکیت یگانه خداوند بر هستی ، دلیل قابل قیاس نبودن علم او با علوم ادعایی بشر است .

قل الله أعلم بما لبثوا له غيب السموت و الأرض

جمله «له غيب..» برهانی است که «الله أعلم» را تثبیت می کند.

12- مالکیت یگانه خداوند بر هستی ، دلیل آگاهی ژرف او بر تمامی دیدنی ها و شنیدنی ها است .

له غيب السموت و الأرض أبصر به و أسمع

13- خداوند _ به دلیل مالکیت انحصاری و بینایی و شنوایی ژرف _ تنها مرجع شایسته ، برای دریافت اطلاعات صحیح در باره حیات انسان های پیشین است .

قل الله أعلم بما لبثوا له غيب .. أبصر به و أسمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 19 - 5

5- مالکیت مطلقه الهی بر جهان هستی ، پشتوانه و تضمین کننده تحقق پیروزی حق بر باطل است .

ص: 322

بل نقذف بالحقّ . . . و له من فی السموت والأرض

جمله «و له من فی السماوات. . .» عطف بر جمله «لو أردنا . . . بل نقذف بالحقّ. . .» است و تبیین و تفسیر کننده حق بودن آفرینش جهان و نیز پیروزی حق بر باطل می باشد؛ زیرا وقتی جهان در ملک خدا بود، پیروکردن حق بر باطل، امری ممکن و آسان بر او خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 2

2- مالکیت مطلقه خداوند بر جهان هستی ، مقتضی اطاعت بی چون و چرا از او و پرهیز از سرپیچی است .

لاتجعلوا دعاء الرسول . . . فلیحذر الذین یخافون عن أمره . . . ألا إنّ لله ما فی الس

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که جمله «إنّ لله ما فی السماوات. . .» در حکم تعلیل برای جملات پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 13

13 - شایسته بودن خداوند برای عبادت ، به خاطر مالک و منشأ روزی بودن اش است .

إنّ الذین تعبدون من دون الله لایملکون لکم رزقاً فابتغوا عند الله الرزق و اعبدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 28 - 4

4- ملک خداوند بودن تمامی موجودات ، با شریک خدا قرار دادن هر یک از آنها ، ناسازگار است .

هل لکم من ما ملکتم ایمنکم . . . تخافونهم کخیفتمکم أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 9

9- مالکیت مطلق خداوند بر موجودات عالم ، مقتضی اختصاص همه حمد و ستایش ها به او است .

الحمد لله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

صله موصول «الذی» که ما فی السماوات و ما فی الأرض است می تواند علت انشای ثنا و حمد برای موصول باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 36 - 83 - 6

6 - حاکمیت و مالکیت خداوند بر همه چیز و بازگشت همه انسان ها به سوی او ، دلیل و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت و احیای مجدد انسان ها

فسیحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء و إلیه ترجعون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات قیامت و ارائه جلوه های قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 4 - 3,2

ص: 323

2- وحی و بعثت پیامبران ، مقتضای مالکیت و ربوبیت بی شریک خدا بر جهان و انسان

كذلك يوحى إليك .. له ما فى السموت و ما فى الأرض

3- مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی ، پشتوانه عزت (قاهر بودن) و حکمت (کاردانی) خداوندی است .

اللّه العزيز الحكيم . له ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 6 - 5

5- مالک و مدبّر بودن خداوند بر تمام عوالم هستی ، وادار سازنده مردم به گردن نهادن در برابر حکم او در قیامت

يوم يقوم الناس لربّ العالمين

«لام» در «لربّ العالمين» در معنای تعلیل به کار رفته و مفاد آیه این است که فرمانبرداری کامل مردم، به جهت قرار گرفتن آنان در پیشگاه «ربّ العالمين» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 6 - 3

3- مالک و مدبّر بودن خداوند برای انسان ها ، دلیل رجوع تمام حرکت ها و تلاش های آنها به خداوند است .

كادح إلى ربّك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 7

7- حاکمیت و مالکیت خداوند بر تمام هستی و علم مطلق او ، دلیل حقانیت عقیده مؤمنان به او است .

إلا أن يؤمنوا باللّه .. الذى له ملك السموت و الأرض و اللّه على كلّ شىء شهيد

«سماوات و أرض»، کنایه از تمام هستی است و «الذی ..» وصف دیگری برای خداوند است و به علت ایمان مؤمنان اشاره دارد. تصریح به کلمه «اللّه» و نیارودن ضمیر (در آخرین جمله آیه)، هر چند که نشانگر استقلال این جمله از ماقبل و نظر داشتن آن به کار هر دو گروه است - نه خصوص مؤمنان - ولی علت ایمان مؤمنان را نیز کامل می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - مالکیت خداوند بر کعبه و سیطره ربوبیت و تدبیر او بر آن ، برهان الزام قریش به عبادت او است .

فلیعبدوا ربَّهـِ ذَا الْبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - خداوند ، به دلیل مدبّر و مالک بودن بر امور انسان ها ، سزاوار پرستش و نماز خالصانه بندگان به درگاه او است .

فصلّ لربّک

10 - مالک و مدبّر بودن خداوند ، دلیل لزوم اخلاص و قصد قربت در قربانی کردن به درگاه او است .

فصلّ لربّک وانحر

68- آزادی در مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 87 - 11، 12

11_ آزادی مطلق و بی قید و شرط مالکان در تصرف اموال خویش ، امری نادرست از نظر ادیان الهی

أصلوتک تأمرک أن تترك .. أن نفعل فی أمولنا مانش_ؤا

12_ آزادی بی قید و شرط مالکان در تصرف اموال خویش ، زمینه ساز رعایت نکردن قسط و عدالت در مبادلات است .

أوفوا المکیال و المیزان بالقسط .. أو أن نفعل فی أمولنا مانش_ؤا

69- احکام مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 8

8 - وصیت از اسباب ملکیت است .

إن ترک خیراً الوصیه للولدین و الأقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 2، 4، 6

2 - دستیابی به مال و دارایی های دیگران با اسباب باطل ، حرام است .

و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل

کلمه «بینکم» قید برای «أمولکم» است؛ یعنی، اموالی که در میان شماست و هر کس مالک بخشی از آن است. بنابراین جمله «لاتأکلوا ...» چنین معنا می شود: نباید هیچ یک از شما مال و دارایی دیگری را با سببی باطل تصرف کند.

4 - پرداخت رشوه به قضات ، به منظور دستیابی به اموال دیگران ، از جمله اسباب باطل برای تحصیل مال است .

و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أمول الن

جمله «و تدلوا بها ..» عطف خاص بر عام است و لذا بیانگر مصداق بارزی از تصرف اموال دیگران با اسباب باطل می باشد. نیاوردن «لا»ی ناهیه در «تدلوا» مؤید این معناست.

6 - مالکیت اموالی که از راه ها و اسباب باطل به چنگ آمده ، فاقد اعتبار قانونی است .

و لاتأکلوا أموالکم بینکم بالباطل

حرمت تصرف در اموال به دست آمده از طریق باطل، حاکی از مالک نبودن کسی است که آن اموال را به چنگ آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 2 - 3

3 _ اعتبار و رسمیت مالکیت شخصی

و اتوا الیتامی اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 325

3 - نساء - 4 - 4 - 12

12 _ رضایت مالک ، شرط جواز تصرف دیگران در اموال وی

فان طبن لکم عن شیء منه نفساً فكلوه هنیئاً مریناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 6

6 _ مالکیت ، همواره مستلزم جواز تصرف نیست .

و ابتلوا الیتامی . . فان انستم منهم رشداً فادفعوا

از اینکه یتیمان نابالغ از تصرف در اموال خویش ممنوع و محجورند، معلوم می شود که مجرد مالک بودن مستلزم جواز تصرف در اموال نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 4، 3، 1

1 _ ممنوعیت تصرف و تملک اموال دیگران با اسباب باطل

یا ایها الذین امنوا لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل

3 _ رسمیت و اعتبار مالکیت شخصی

یا ایها الذین امنوا لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل

4 _ تجارت ، از اسباب نقل و انتقال مشروع اموال

الا ان تكون تجاره عن تراض منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 32 - 16

16 _ انسان ، فقط مالک بخشی از درآمد های خویش است .

للرجال نصیب مما اكتسبوا وللنساء نصیب مما اكتسبن

بنابر اینکه «من» در «مّمّا» برای تبعیض باشد. یعنی انسانها مالک بخشی از درآمد خویش هستند و بخش دیگر _ مثلا _ از آن فقرا و یا حکومت اسلامی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 8

8 _ پذیرش مالکیت اشخاص حقوقی در اسلام

ولذی القربی و الیتمی و المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 34 - 6، 5

5 _ اصل مالکیت مردم بر اموال ، اصلی پذیرفته شده در اسلام

لیأکلون أموال الناس

6 _ تصاحب اموال مردم با اسباب غیر مشروع ، حرام است .

ص: 326

إن كثيراً من الأخبار و الرهبان ليأكلون أموال الناس بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 13، 14، 6، 5

5- ثبوت حق مالکیت برای افراد نابالغ

و لا تقربوا مال الیتیم ... حتی یبلغ أشده

«یتیم» در لغت، به طفلی گفته می شود که قبل از بلوغ، از پدرش جدا شده و او را از دست بدهد (مفردات راغب).

6- امکان مالکیت بدون کار

و لا تقربوا مال الیتیم

از آنجایی که یتیم طفلی است که پدر خود را از دست داده است و در آن سن و سال هم امکان کار کردن برای وی وجود ندارد. و یکی از طبیعی ترین راههای مالک شدن یتیم، ارث است که از طریق کار به دست نمی آید. با توجه به این نکته ها، مطلب فوق قابل استناد به آیه است.

13- امکان انفکاک حق مالکیت از حق تصرف

و لا تقربوا مال الیتیم ... حتی یبلغ أشده

از اینکه یتیم، علی رغم مالک بودنش، حق تصرف قبل از بلوغ را ندارد و اولیای وی، علی رغم مالک نبودنشان، حق تصرف در مال یتیم را دارند، به دست می آید که مالکیت و جواز تصرف، انفکاک پذیر هستند.

14- صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است.

حتی یبلغ أشده

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد اقتصادی است. بنابراین یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 58 - 4

4- بت و سایر ابزار و وسایل گناه، از حرمت و مالکیت ساقط است و شکستن و نابود کردن آنها جایز می باشد.

فجعلهم جذذاً

برداشت یاد شده از شکستن بت ها به وسیله حضرت ابراهیم(ع) و سوگند ایشان بر این کار و نیز لحن تأیید گونه و تمجید آمیز آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 52 - 11

11 - مالکیت بر انسان برده ، جایز و روا است .

إلا ما ملکت یمنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 55 - 7

7 - مالک انسان برده شدن ، جایز است .

ولا ما ملکت أیمهنّ

ص: 327

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 8

8 - مشروعیت مالکیت انسان ها بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند)

أنعـ ما فهم لها مـ لکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 15

15- مالکیت خصوصی ، اصلی مورد قبول در اسلام

ولا یسئلکم أموالکم

نسبت داده شدن «اموال» به «کم» و تصریح به این که خداوند، مال هایتان را از شما نمی گیرد؛ می رساند که دارا بودن و مالکیت، مورد قبول شریعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 6 - 8

8 - کافران ستیزکننده با خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، فاقد حق مالکیت نسبت به اموال و دارایی خویش *

و ما أفاء الله علی رسوله منهم

واژه «أفاء» - که از «فیء» به معنای رجوع گرفته شده - نشانگر آن است که یهودیان محارب، حق مالکیتی نسبت به اموال و دارایی شان ندارند و در حقیقت به مالک اصلی آن، بازگردانیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 15

15 - حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و اتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارب است؛ چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از مفهوم «أن تبرّوهم و

تقسطوا...» _ که نهی از قسط درباره کافران حربی بود _ منافات ندارد.

70- ادعای مالکیت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 57 - 1

1 - فرعون مدعی مالکیت خود و پیروانش (قبطیان) بر سرزمین مصر

لتخرجنا من أرضنا

از اضافه شدن «أرض» به ضمیر متکلم «نا» بر می آید که فرعونیان، سرزمین مصر را متعلق به خویش و از آن خود می دانستند و برای دیگران حقی در آن قائل نبودند.

ص: 328

71- ادعای مالکیت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 20 - 2

2_ همه اهل کاروان، خود را نسبت به یوسف (ع) ذی نفع می پنداشتند و خویشان را مالک او می شمردند.

أسروه بضعه... و شروه بثمان

از آن جایی که کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف (ع) به کاروان نسبت داده شده است، برداشت فوق استفاده می شود.

72- ارزش مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 170 - 19

19_ ارزشمندی مالکیت و ثمردهی آن در گرو علم و حکمت

فان لله ما فی السموت و الارض و کان الله علیماً حکیماً

یادآوری علم و حکمت خداوند پس از بیان مالکیت مطلق خداوند، می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

73- اسباب مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 8

8 - وصیت از اسباب ملکیت است .

إن ترک خیراً الوصیه للولدین و الأقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 2,4

2- دستیابی به مال و دارایی های دیگران با اسباب باطل، حرام است .

و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالبطل

کلمه «بینکم» قید برای «أموالکم» است؛ یعنی، اموالی که در میان شماست و هر کس مالک بخشی از آن است. بنابراین جمله «لاتأکلوا...» چنین معنا می شود: نباید هیچ یک از شما مال و دارایی دیگری را با سببی باطل تصرف کند.

4 - پرداخت رشوه به قضات، به منظور دستیابی به اموال دیگران، از جمله اسباب باطل برای تحصیل مال است.

و لاتأکلوا أموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها إلى الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الن

جمله «و تدلوا بها...» عطف خاص بر عام است و لذا بیانگر مصداق بارزی از تصرف اموال دیگران با اسباب باطل می باشد. نیابردن «لا»ی ناهیه در «تدلوا» مؤید این معناست.

ص: 329

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 6

6- امکان مالکیت بدون کار

و لا تقربوا مال الیتیم

از آنجایی که یتیم طفلی است که پدر خود را از دست داده است و در آن سن و سال هم امکان کار کردن برای وی وجود ندارد. و یکی از طبیعی ترین راههای مالک شدن یتیم، ارث است که از طریق کار به دست نمی آید. با توجه به این نکته ها، مطلب فوق قابل استناد به آیه است.

74- اقرار به مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 156 - 8

8 - « و سمع رجلا یقول : « إنا لله و إنا إليه راجعون » فقال (ع) إن قولنا « إنا لله » اقرار علی أنفسنا بالملک و قولنا « إنا إليه راجعون » اقرار علی أنفسنا بالهلاک ;

[حضرت علی (ع) شنید که شخصی کلمه استرجاع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 12 - 3

3_ کافران، معترف به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جواب خداوند به سؤال مطرح شده و منتظر جواب کافران نماندن، بدهت و مورد اعتراف بودن جواب را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 85 - 1

1 - اعتراف به مالکیت خدا بر زمین و موجودات روی آن ، امری ناگزیر برای هر انسان اهل دانش و خرد

قل لمن الأرض . . . إن كنتم تعلمون . سيقولون لله قل أفلا تدرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 87 - 3

3 - تردید در یگانگی خدا ، علی رغم اعتراف به مالکیت مطلق او بر سراسر هستی ، ناشی از بی پروایی و بیم نداشتن از عذاب او

سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ قُلْ اَفَلَا تَتَّقُونَ

75- اقسام اسباب مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 330

1 - دستیابی به مال و ثروت ، دارای اسباب ناروا و باطل ؛ و اسبابی حق و درست

و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالبطل

76- اهمیت مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 57

57_ لزوم احترام به مالکیت قانونی افراد جامعه و حفظ حدود آن

إذا تداینتم ... ذلکم اقسط ... و اتقوا اللّٰه

امر به تقوا پس از بیان مسائل و احکامی چند که از جمله آنها، مالکیت افراد بر داراییهای خویش است و نیز بیان شرایط نقل و انتقال آن به دیگران، بیانگر رعایت آن مسائل و محترم شمردن آنهاست.

77- ایصال به مالکیت جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 120 - 6

6- راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملک و سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از میوه درخت ممنوع

هل أدلک علی شجرة الخلد و ملک لایبلی

مقصود از «شجره الخلد» درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. «ملک» به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از «ملک لایبلی» مالکیت و حاکمیتی است که زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

78- ایمان به مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 5 - 3

3- باور به ربوبیت خدا ، رحمت آفرینی و مالکیتش بر روز جزا ، وادار کننده آدمی به پرستش او

رب العلمين. الرحمن الرحيم. ملك يوم الدين. إياك نعبد

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

1 - بقرہ - 2 - 156 - 4

4 - باور به مالکیت خدا و بازگشت به او ، آسان کننده تحمل مصیبت ها و مشکلات

الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا لله و إنا إليه رجعون

ص: 331

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 123 - 7

7_ باور به انحصار مالکیت خداوند بر غیب هستی ، وادار کننده آدمی به پرستش خدا و توکل بر او

و لله غیب السموت و الأرض .. فاعبده و توکل علیه

جمله «اعبده و توکل علیه» بر دو جمله «لله غیب السماوات و الأرض» و «إليه يرجع الأمر كله» تفریع شده است. برداشت فوق ، ناظر به ارتباط آن با جمله نخست است.

79- بطلان مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 4

4 - پرداخت رشوه به قضات ، به منظور دستیابی به اموال دیگران ، از جمله اسباب باطل برای تحصیل مال است .

و لا تأكلوا أموالكم بینكم بالباطل و تدلوا بها إلى الحکام لتأكلوا فریقاً من أموال الن

جمله «و تدلوا بها ..» عطف خاص بر عام است و لذا بیانگر مصداق بارزی از تصرف اموال دیگران با اسباب باطل می باشد. نیاوردن «لا»ی ناهیه در «تدلوا» مؤید این معناست.

80- بی ارزشی مالکیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 11

11 - معبود های ادعایی مشرکان ، فاقد هرگونه مالکیت ؛ حتی به مقدار پوست هسته خرما

و الذین تدعون من دونه ما یملکون من قطمیر

«قطمیر» به معنای لُفّافه و پوست میان خرما و هسته آن است (لسان العرب) البته این تعبیر در آیه شریفه، کنایه از بسیار ناچیز بودن است.

81- جاودانگی مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 114 - 5

5 - مالکیت و فرمان روایی خداوند بر هستی ، حقیقتی ثابت و فنا ناپذیر است .

الملک الحقّ

«حقّ»؛ یعنی، واجب و ثابت (مصباح) و «الحقّ» در آیه می تواند صفت برای «الملک» باشد و نیز ممکن است صفتی دیگر برای «الله» گرفته شود که با توجه به ذکر آن بعد از وصف «الملک»، نکته یاد شده استفاده می شود.

ص: 332

82- حق

مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 13

13- امکان انفکاک حق مالکیت از حق تصرف

و لا تقربوا مال الیتیم ... حتی يبلغ أشده

از اینکه یتیم، علی رغم مالک بودنش، حق تصرف قبل از بلوغ را ندارد و اولیای وی، علی رغم مالک نبودنشان، حق تصرف در مال یتیم را دارند، به دست می آید که مالکیت و جواز تصرف، انفکاک پذیر هستند.

83- حق مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 3

3 - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعَ مکم

«أنعام» (جمع «نعم») به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود. کلمه «نعم» به شتر اختصاص دارد؛ زیرا بزرگ ترین نعمت نزد عرب است (مفردات راغب). اضافه شدن «أنعام» به ضمیر «کم»، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 2

2 - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متَ عَا لکم

84- حقیقت مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ناس - 114 - 3 - 4

4- مالکیت خداوند بر مردم، از نوع مالکیت معبود بر بندگان است.

ملک الناس . إله الناس

ترتیب ذکر دو وصف «ملک» و «إله»، ممکن است اشاره به نکته یادشده داشته باشد.

85- درخواست مالکیت جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 120 - 8

8- انسان، خواهان زندگی جاوید و ملک و مالکیت فنا ناپذیر است.

ص: 333

هل اذلك على شجرة الخلد و ملك لايلي

شیطان برای کارگر ساختن و سوسه خویش در آدم، از زمینه هایی بهره برد که در آدم وجود داشت. آن زمینه ها، میل به جاودانگی و مالکیت فنا ناپذیر است.

86- دلایل مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 93 - 4

4- رحمانیت خداوند ، دلیل مملوک بودن موجودات آسمان ها و زمین و مالکیت مطلق خداوند

إن كل من فی السموت والأرض إلا آتی الرحمن عبداً

87- ذکر مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 52 - 9

9- واهمه داشتن از غیر خداوند _ با توجه به وحدانیت و مالکیت انحصاری او بر جهان _ امری شگفت آور و غیر منطقی است .

إنما هو إله وحده... و له ما فی السموت و الأرض... أفعیر الله تتقون

همزه «أفعیر الله»، استفهام انکاری بوده و متضمن معنای تعجب است و تعجب در جایی رخ می دهد که کاری غیر طبیعی و غیر متداول باشد. اینکه پس از یادآوری «إنما هو إله واحد» و «له ما فی السماوات و الأرض» با شگفتی اظهار می دارد: «أفعیر الله تتقون»، نکته فوق قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 74 - 3

3- توجه به مالکیت و قدرت مطلقه خدا و ناتوانی موجودات در برابر او ، مستلزم تشبیه نکردن او به غیر است .

و یعبدون من دون الله ما لا یملک... فلا تضربوا لله الأمثال

عمده ترین موضوعی که از آیات قبل استفاده شد، مالکیت و قدرت مطلق الهی و نفی هرگونه مالکیت و قدرت از خدایان دروغین مشرکان است و در این آیه خداوند، نتیجه و لازمه مطلب فوق را، تمثیل نکردن خدا به غیر او دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 38 - 12

12 - اهل ایمان ، به مالکیت حقیقی خداوند بر امکانات دنیایی بشر توجه دارند .

و مّمّا رزقنهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 13 - 6

6 - لزوم توجه انسان به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی و پرهیز از غفلت و غرور به هنگام بهره‌وری از طبیعت و

ص: 334

مظاهر آن

جمیعاً منه

تذکر خداوند به این که همه هستی از او است _ پس از این که جهان را مسخر انسان یاد کرده است _ می رساند که انسان با حاکمیت بر جهان، زمینه غرور و غفلت از خداوند را دارد. و تأکید «جمیعاً منه» درصدد از میان بردن این غفلت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 14 - 6

6 - توجه به مالکیت خداوند بر دنیا و آخرت و حوادث آنها، وادار سازنده انسان به جدی گرفتن هشدار های عذاب

وإن لنا للآخرة والأولى . فأنذرتکم نارا تلظی

88- زوال مالکیت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 23 - 6

6- همه مالکیت ها، جز مالکیت خداوند، زوال پذیر است .

نحن الورثون

89- سلب مالکیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 19 - 2

2 - قیامت، روز سلب مالکیت و اختیار از همه انسان ها است .

یوم لاتملک نفس لنفس شیئاً

90- شرایط مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 11 - 25

25_ تنفیذ وصیت میت و پرداخت دیون او، شرط مالکیت وارثان نسبت به میراث

للذکر مثل حظ الانثیین . . من بعد وصیه یوصی بها او دین

«لام» در «للذکر» و «لهن» و . . . ، برای تملیک و «من بعد وصیه» بیانگر ظرف تحقق آن است.

ص: 335

91- عقیده به مالکیت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 11

11 - عقیده به مالکیت غیر خدا بر بخشی از عالم و سهم دانستن غیر او در آن و اعتقاد به کمک غیر خدا به او در تدبیر عالم ، مشرکانه است .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذره . . . و ما لهم فيهما من شرك

92- عوامل مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 10،11

10 _ تعیین مهریه در عقد ازدواج ، از اسباب ملکیت

و اتوا النساء صدقاتهنّ

11 _ هبه ، از وسایل ملکیت

فان طبن لکم . . . فکلوه

«کلوه»، کنایه از استیلائی کامل است و آن ملکیت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 7 - 7

7 _ ارث ، از اسباب مالکیت

للرّجال نصیب . . . وللنّساء نصیب ممّا ترک الوالدان و الاقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 11 - 4

4 _ ارث ، از اسباب مالکیت

یوصیکم اللّٰه فی اولادکم للذکر مثل حظّ الانثیین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

3 - نساء - 4 - 12 - 9

9_ ارث ، از اسباب مالکیت

و لکم نصف ما ترک . . . فلکم الرّبع . . . ولهنّ الرّبع . . . فلهنّ الثّمن . . . فهم شرک

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

3 - نساء - 4 - 32 - 12

12_ هر کس _ چه زن و چه مرد _ مالک دسترنج خویش است .

للرّجال نصیب . . . وللنساء نصیب

ص: 336

93- کافران و مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 12 - 3,5

3_ کافران، معترف به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جواب خداوند به سؤال مطرح شده و منتظر جواب کافران نماندن، بدهت و مورد اعتراف بودن جواب را می رساند.

5_ خودداری کافران از اعتراف به مالکیت مطلق خداوند، علی رغم آگاهی بدان

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

94- مالکیت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 255 - 9

9_ حاکمیت و مالکیت مطلق خداوند، بر آنچه در آسمان ها و زمین است. (عالم هستی)

له ما فی السموات و ما فی الارض

لازمه ملکیت بر هر چیز، حاکمیت نسبت به آن است؛ بلکه ملکیت، مساوق با حاکمیت است.

95- مالکیت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 4 - 1

1 - خداوند، مالک و فرمانروای روز قیامت است.

ملک یوم الدین

«مَلِک» در «مالک یوم الدین» ملک حقیقی است؛ یعنی، وابستگی وجودی که لازمه آن تسلط کامل و همه جانبه مالک بر مملوک است. قابل ذکر است که «یوم الدین» هم می تواند مفعول برای «مالک» باشد و هم می تواند ظرف برای آن گرفته شود و در صورت دوم مفعول، کلمه ای همانند «الامور» خواهد بود؛ یعنی: مالک الامور فی یوم الدین. به هر تقدیر برداشت فوق از آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 5 - 3، 2

2- ربوبیت خدا بر هستی، رحمانیت و رحیمیت او و مالکیتش بر روز قیامت، دلیل شایستگی او برای پرستش

رب العلمین. الرحمن الرحیم. ملک یوم الدین. ایاک نعبد

3- باور به ربوبیت خدا، رحمت آفرینی و مالکیتش بر روز جزا، وادار کننده آدمی به پرستش او

ص: 337

رب العلمین. الرحمن الرحیم. ملک یوم الدین. ایاک نعبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 14، 10

10 - روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

و له الملك یوم ینفخ فی الصور

«له الملك» بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداوند است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای هیچ انکار برای کسی نماند، است.

14 - دانایی خداوند به غیب و شهود عالم، پشتوانه حشر تمامی انسانها و ظهور مالکیت و حاکمیت انحصاری خداوند در قیامت است.

إلیه تحشرون .. یوم ینفخ فی الصور علم الغیب و الشهده

با توجه به اینکه در آخرین جمله آیه قبل سخن از حشر آدمیان بود و در این آیه از نفخ صور و برپایی قیامت یاد شده و سپس جمله «عالم الغیب و الشهاده» آمده، گویا این جمله پاسخی است به کسانی که چگونگی حشر آدمیان را، با وجود متلاشی شدن اجساد و از بین رفتن آثار، امری ناممکن می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 30 - 9

9 - قیامت، روز ظهور مولویت و مالکیت به حق و پروردگاری بی همتای خداوند و بر ملا شدن بطلان اندیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشرهم جمیعاً .. و ردوا الی اللّٰه مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

96- مالکیت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 4

4 - مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند، مالک بوستان های بهشت خواهند شد.

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصّٰلِحٰتِ لَهمْ جنّٰت

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

97- مالکیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 129 - 10، 4، 3، 1

1_ مالکیت آسمان ها و زمین (هستی) و حاکمیت بر آنها ، در انحصار خداوند است .

و لله ما فی السموات و ما فی الارض

تقدیم «لله» بیانگر انحصار است.

ص: 338

3_ انحصار حاکمیت و مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل انحصار عفو و یا مجازات بندگان به وی

او یتوب علیهم او یعدّبهم . . . و لله ما فی السموات و ما فی الارض یغفر لمن یشاء

جمله «و لله ما فی السموات»، بیان علت جمله های سابق است.

4_ انحصار مالکیت و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل عجز غیر خدا در تدبیر شؤون زندگی انسانها

لیس لك من الامر شیء . . . و لله ما فی السموات و ما فی الارض

زیرا جمله «لیس لك . . .» با جمله «و لله ما فی السموات» تعلیل شده است.

5_ مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل نداشتن حق تصمیمگیری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، در مورد سرنوشت کفار

لیس لك من الامر شیء او یتوب علیهم . . . و لله ما فی السموات و ما فی الارض

10_ مالکیت و حاکمیت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

لیقطع طرفاً من الذین کفروا . . . لیس لك من الامر شیء . . . و لله ما فی السموات و

98- مالکیت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 39 - 4

4- انسان ، مالک عمل و دستاورد تلاش خویش *

وأن لیس للإنس إلا ما سعی

لام در «للإنسان» برای ملکیت است و «سعی» تمامی فعالیت های آدمی را شامل می شود.

99- مالکیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 7,8

7 - مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، جلوه لطف خدا به انسان ها است .

أولم یروا . . . أنعم ما فهم لها م لکون

از آمدن جمله «فهم لها مالکون» (بافاء تفریع) می توان برداشت بالا را استفاده کرد؛ زیرا خداوند علاوه بر آن که انعام را برای بهره مندی انسان ها آفریده، مالکیت را نیز به انسان ها بخشیده است.

8- مشروعیت مالکیت انسان ها بر دام ها (شتر، گاو و گوسفند)

أنعـمًا فهم لها مـلکون

100- مالکیت بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 58 - 4

4- بت و سایر ابزار و وسایل گناه، از حرمت و مالکیت ساقط است و شکستن و نابود کردن آنها جایز می باشد.

ص: 339

فجعلهم جذذاً

برداشت یاد شده از شکستن بت ها به وسیله حضرت ابراهیم(ع) و سوگند ایشان بر این کار و نیز لحن تأیید گونه و تمجید آمیز آیه شریفه به دست می آید.

101- مالکیت بر امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 28 - 12

12 - انسان ها ، به رغم این که امکانات شان خدادادی است ، حاضر نیستند برده ها و موجودات زبردست شان را در آنها سهیم کنند .

هل لکم من ما ملکتم ایمنکم من شرکاء فی ما رزقنکم فأنتم فیہ سواء

102- مالکیت بر برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 28 - 10

10 - مالکیت انسان بر برده ، جایز و مشروع است .

ما ملکتم ایمنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 11

11 - انسان برده را ، مالک شدن ، جایز و مباح است .

إنا أحلنا لک .. و ما ملکتم یمینک ... و ما ملکتم ایمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 52 - 11

11 - مالکیت بر انسان برده ، جایز و روا است .

إلا ما ملکتم یمینک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 55 - 7

7 - مالکِ انسانِ برده شدن ، جایز است .

ولا ما ملکت ایم نهنّ

ص: 340

103- مالکیت بر چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 8، 7

7 - مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، جلوه لطف خدا به انسان ها است .

أولم یروا .. أنعمَ مَّا فهم لها مـ لکون

از آمدن جمله «فهم لها مالکون» (با فاء تفریع) می توان برداشت بالا را استفاده کرد؛ زیرا خداوند علاوه بر آن که انعام را برای بهره مندی انسان ها آفریده، مالکیت را نیز به انسان ها بخشیده است.

8 - مشروعیت مالکیت انسان ها بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند)

أنعمَ مَّا فهم لها مـ لکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 3

3 - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمَ مکم

«أنعام» (جمع «نعم») به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود. کلمه «نعم» به شتر اختصاص دارد؛ زیرا بزرگ ترین نعمت نزد عرب است (مفردات راغب). اضافه شدن «أنعام» به ضمیر «کم»، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 3

3 - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمَ مکم

«أنعام» جمع «نعم» است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود؛ هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن «أنعام» به ضمیر «کم»، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

104- مالکیت بر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 3

3 - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعـمکم

«أنعام» جمع «نعم» است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود؛ هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن «أنعام» به ضمیر «کم»، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

105- مالکیت بر گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 341

3 - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنع_مکم

«أنعام» جمع «نعم» است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود؛ هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن «أنعام» به ضمیر «کم»، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

106- مالکیت بر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنع_مکم

«أنعام» جمع «نعم» است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود؛ هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن «أنعام» به ضمیر «کم»، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

107- مالکیت برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - بردگان ، از حق مالکیت و تصرف مستقل ، بی بهره و محروم اند .

هل لکم من ما ملکتم ایمکم من شرکاء فی ما رزقنکم فأنتم فیہ سواء

108- مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - خداوند مالک و مدبر همه عالم های هستی است .

رب العلمین

عالم (مفرد عالمین) است و به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود، بنابراین «العالمین»، یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 4 - 6

6 - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد لله .. ملک یوم الدین

ص: 342

«مالک یوم الدین» نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای «الحمد لله» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 107 - 10

10 - مالکیت و حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، مقتضی نبود هیچ سرپرست و یآوری برای بندگان جز او

له ملک السموت و الأرض و ما لکم من دون الله من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 115 - 1,3

1 - مشرق و مغرب و نیز سایر جهت ها ، تنها از آن خداوند است .

و لله المشرق و المغرب

مقصود از مشرق و مغرب می تواند جهت شرق و غرب باشد و نیز مراد از آن می تواند مکان شرق و غرب گرفته شود. تفریع «فاینما تولوا» بر «لله المشرق و المغرب» گویای این است که: مراد از مشرق و مغرب - بنابر تفسیر نخست - همه جهات و - بنابر تفسیر دوم - همه مکانهاست.

3 - خداوند ، تنها مالک همه مکان ها و عرصه های گیتی است .

و لله المشرق و المغرب

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از مشرق و مغرب، مکان شرق و غرب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 6,7,9,14

6 - همه موجودات آسمان ها و زمین از آن خداوند است .

بل له ما فی السموت و الأرض

7 - خداوند ، در مالکیت موجودات هستی شریکی ندارد .

له ما فی السموت و الأرض

برداشت فوق با توجه به حصر - که از تقدیم «له» بر «ما فی السماوات ..» به دست می آید - استفاده می شود.

9 - مالکیت خدا بر هستی ، دلیل منزه بودن او از گزینش فرزند و داشتن زاده

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل له ما فی السموت و الأرض

جمله «له ما فی السماوات ..» برهانی است برای رد پندار ناروای یهود و نصارا.

14 - رابطه خداوند با هستی ، رابطه « مالک و مملوک » و « عابد و معبود » است نه رابطه پدر و فرزندی .

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل له ما فی السموت و الأرض کل له قنتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 9،10،11

9 - مشرق و مغرب (همه جهت ها و مکان ها) از آن خداوند است .

قل لله المشرق و المغرب

10 - شریکی برای خدا در مالکیت جهت ها و مکان ها وجود ندارد .

لله المشرق و المغرب

ص: 343

11 - همه جهت ها و مکان ها از آن رو که ملک خداوند هستند ، صلاحیت قبله شدن را داشته و مزیتی بر یکدیگر ندارند .

قل لله المشرق و المغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 156 - 1

1 - خداوند مالک و اختیار دار انسان ها و آنان هم مملوک و در اختیار اویند .

قالوا إنا لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 255 - 9،13،16،17،26

9_ حاکمیت و مالکیت مطلق خداوند ، بر آنچه در آسمان ها و زمین است . (عالم هستی)

له ما فی السموات و ما فی الارض

لازمه ملکیت بر هر چیز، حاکمیت نسبت به آن است؛ بلکه ملکیت، مساوق با حاکمیت است.

13_ هیچکس غیر خدا از خود چیزی ندارد ، هر چه هست از اوست .

له ما فی السموات و ما فی الارض

هر چه هست، از آن خداست (له ما ..)، تعبیر دیگری است از اینکه هیچکس از خود چیزی ندارد.

16_ شفاعت ، منافاتی با قدرت و مالکیت مطلق الهی ندارد .

له ما فی السموات و ما فی الارض من ذالذی یشفع عنده الا باذنه

17_ مالکیت مطلق الهی بر هستی ، مقتضی نفی هر گونه قدرت مستقل در جهان هستی

له ما فی السموات و ما فی الارض من ذالذی یشفع عنده الا باذنه

جمله «من ذالذی ..» که حاکی از نفی قدرت مستقل در جهان هستی است، می تواند نتیجه مالکیت مطلق الهی باشد.

26_ عدم غفلت در تدبیر عالم ، مالکیت ، علم و قدرت مطلق و اذن به تأثیر اسباب و علل ، نشانه و دلیل قیومیت خداوند

الحیّ القیوم .. وسع کرسیه السموات و الارض

تمام مطالبی که پس از صفت «القیوم» آمده است، می تواند توضیح دهنده آن صفت و نیز برهانی برای اثبات آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 256 - 15

15 _ ایمان به خداوند ، اقرار زبانی و تصدیق قلبی به وحدانیت ، قیومیت ، حیات ، مالکیت و علم مطلق اوست .

اللّٰه لا اله الا هو الحیّ القیوم . . . یؤمن باللّٰه ... و اللّٰه سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 284 - 1,2,7,8

1 _ تنها خداوند مالک تمام موجودات آسمان ها و زمین است .

لّٰه ما فی السّموات و ما فی الارض

2 _ توجه به مالکیت مطلقه الهی ، زمینه اجرای عدل و قسط و اجرای احکام او در روابط مالی و اقتصادی

اذا تداینتم بدین . . . و ان کنتم علی سفر ... لّٰه ما فی السّموات و ما فی الارض

7 _ خداوند ، مالک انسان و اعمال و نیات وی

ص: 344

لله ما فى السموات و ما فى الارض و ان تبدوا ما فى انفسكم او تخفوه يحاسبكم به ال

8 _ مالکیت مطلق الهی ، علت و دلیل سلطه وی به اعمال و نیات انسان و محاسبه آنها

لله ما فى السموات و ما فى الارض و ان تبدوا ما فى انفسكم او تخفوه يحاسبكم به ال

جمله «لله ما فى السموات . . .» به منزله تمهیدی است برای «ان تبدوا ...» یعنی خداوند مالک حقیقی همه چیز است که از جمله آنها، اعمال و نیات انسان می باشد. و چون مالک حقیقی است، قادر به محاسبه نیات و اعمال آدمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 26 - 3،4

3 _ لزوم اقرار به مالکیت و قدرت مطلقه خدا ، و اینکه همه نیکی ها به دست اوست .

قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء . . . بیدک الخیر

4 _ مقتضای ألوهیت حق ، مالکیت و سیطره مطلق او بر هستی است .

قل اللهم مالک الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 109 - 1،4

1 _ مالکیت انحصاری خداوند ، نسبت به آنچه در آسمان ها و زمین است .

و لله ما فى السموات و ما فى الارض

4 _ مالکیت انحصاری خداوند نسبت به تمام هستی ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما الله یرید ظلماً للعالمین . و لله ما فى السموات و ما فى الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 21،23،27،4

4 _ داده های الهی (امکانات مادی و معنوی) به انسان ها ، فضل خداوند و از ملک اوست .

و لا یحسبنّ الذّین ینخلون بما اتیهم الله من فضله

21_ مالکیت اصلی و نهایی آسمان ها و زمین (تمام هستی) ، از آن خداوند است .

و لله میراث السموات و الارض

23_ دارایی های انسان از آن خداست و به او باز خواهد گشت .

بما اتیهم الله من فضله .. و لله میراث السموات و الارض

27_ توجه به مالکیت مطلق خداوند و توجه به آگاهی او از اعمال آدمی ، آسان کننده انفاق و زمینه ساز پرهیز از بخلورزی

و لا یحسبنّ الذّین بیخلون .. و لله میراث السموات و الارض و الله بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 189 - 1,3,5

1_ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملک السموات و الارض

«مُلک» به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

3_ توجه به مالکیت و فرمانروایی مطلق خداوند ، زمینه پرهیز از شکستن میثاق ، کتمان حقایق ، دین فروشی و خودپسندی

ص: 345

و اذ اخذ الله ميثاق الذين اوتوا الكتب لتبيننه . . . و لا تكتمونه ... و اشتروا

5_ مالکیت انحصاری و قدرت مطلق خداوند ، دلیل نبود گریزگاه برای مستحقان عذاب

فلا تحسبتهم بمفازة من العذاب . . . و لله ملك السموات و الارض و الله على كل ش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 190 - 4

4_ آفرینش آسمان ها و زمین و گردش شب و روز ، دربردارنده نشانه های فراوان بر یکتایی خدا در مالکیت و فرمانروایی بر هستی

و لله ملك السموات . . . ان في خلق السموات ... لآيات

جمله «ان في . . .» می تواند بیانگر دلیلی برای یکتایی خداوند در فرمانروایی و مالکیت باشد که در آیه قبل (و لله ملك السموات ...) مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 8

8_ خداوند ، مالک حقیقی اموال و ثروتها

اموالکم الّتی جعل الله لکم قیاماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 13

13_ تمام زمین از آن خداوند است .

الم تکن ارض الله واسعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 118 - 6

6_ اعتراف شیطان به ربوبیت و مالکیت خداوند نسبت به تمامی مردمان

وقال . . . من عبادک

1_ خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست (تمامی هستی)

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

«ما فی السموات و ما فی الارض»، کنایه از تمامی هستی است.

4_ مالکیت و احاطه خداوند بر هستی ، ضامن کیفر و پاداش دهی عادلانه و دقیق وی به اعمال مردم

من يعمل سوءاً یجز به . . . و لله ما فی السموت و ما فی الأرض ... محیطاً

برخی بر آنند که جمله «و لله ما فی السموت»، به منزله تعلیل برای جمله های «من يعمل سوءاً یجز به» و «فأولئک . . .» است؛ یعنی چون خداوند مالک تمام هستی است، قادر بر کیفر و پاداش بدون کم و کاست است.

6_ انسان های برگزیده خداوند ، با همه ارجمندی و شرافت ، بنده و مملوک اویند .

و اتخذ الله إبراهيم خليلاً. والله ما في السموت و ما في الأرض

جمله «لله ما في السموت . . .»، می تواند به منظور پاسخ به سؤالی باشد که ممکن است از گزینش ابراهیم به دوستی پیش آید. یعنی میندازید که خداوند، ابراهیم(ع) را برای رفع نیاز به دوستی برگزید. بلکه ابراهیم(ع) و تمامی هستی ملک اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 14, 5, 4, 3, 1

1_ خداوند ، مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین است .

و لله ما في السموت و ما في الأرض

3_ مالکیت خداوند بر هستی ، پشتوانه وفای او به وعده های خویش

يغن الله كلا . . . والله ما في السموت و ما في الأرض

جمله «و لله ما في السموت . . .»، تعلیل جمله «يغن الله كلا من سعته» است.

4_ مالکیت خداوند بر هستی ، دلیل توانمندی او بر رفع نیاز های انسان

يغن الله كلا من سعته . . . والله ما في السموت و ما في الأرض

5_ توجه زنان و مردان به مالکیت مطلق خداوند ، برطرف کننده نگرانی آنان از کمبود ها و نیاز ها در صورت طلاق

وإن يفرقا يغن الله كلا من سعته . . . والله ما في السموت و ما في الأرض

14_ مالکیت انحصاری خداوند بر تمامی هستی و غنای وی ، دلیل مصونیت او از هرگونه خسارت و آسیب از کفر کافران

وإن تكفروا فإن لله . . . و كان الله غنياً حميداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 132 - 6, 5, 3, 1

1_ خداوند ، یگانه مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین (تمام هستی)

و لله ما في السموت و ما في الأرض

3_ توجه و اعتقاد به مالکیت یگانه خداوند بر هستی ، دارای اهمیت و مورد تأکید او

و لله ما في السموت و ما في الأرض

تکرار «و لله ما في السموت . . .» در سه آیه پی در پی، بیانگر برداشت فوق است.

5_ خداوند ، مالک نظام هستی و خود متصدی تدبیر آن است .

و لله ما في السموت و ما في الأرض و كفى بالله وكيلا

6_ خداوند ، مالک انسان ها و خود ، تدبیر کننده امور آنهاست .

و لله ما في السموت و ما في الأرض و كفى بالله وكيلا

از مصادیق مورد نظر برای «ما في الارض»، انسانها هستند، چون خطاب قرآن با آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 133 - 7

7_ مالکیت مطلق خداوند ، دلیل نفوذ مشیت و قدرت وی بر هرگونه دخل و تصرف در جهان آفرینش

و لله ما في السموت و ما في الأرض . . . ان یشأ یدهبکم

جمله «و لله . . .»، تعلیل برای «ان یشأ...» است.

ص: 347

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 170 - 10

10 _ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای هستی

فان لله ما فی السموت و الارض

«ما فی السموت . . .» کنایه از جهان هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 36,37,40

36 _ مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل فرزند نداشتن او

سبحنه ان یکون له ولد له ما فی السموت و ما فی الأرض

جمله «له ما فی السموت . . .» دلیل و برهانی است برای جمله «سبحنه ان یکون له ولد» یعنی آنچه غیر خداست و از جمله حضرت مسیح، مملوک و عبد اوست و کسی که مالک تمام هستی است، نیازی به داشتن فرزند ندارد.

37 _ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای تمامی هستی

له ما فی السموت و ما فی الارض

40 _ توجه به قدرت و مالکیت مطلق خداوند ، زمینه ساز باور آدمی به کفایت خداوند در تدبیر هستی

له ما فی السموت و ما فی الارض و کفی بالله وکیلا

جمله «له ما فی السموت . . .» می تواند اشاره به علت کفایت خداوند در وکالت و تدبیر هستی داشته باشد ؛ یعنی چون مالک و فرمانروایی مطلق است، برای وکالت و تدبیر هستی کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 16,18,19,22,27

16 _ سلطنت و مالکیت مطلق خداوند بر آسمان ها ، زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملک السموت و الأرض و ما بینهما

تقدیم «لله» دلالت بر حصر دارد. یعنی تنها او مالک آسمانها و ... است. لذا از این معنا به مالکیت مطلق تعبیر شده است.

18 - مسیح (ع)، فرزند مریم (ع) و هر دو مملوک خداوند

المسیح ابن مریم و امه ... و لله ملك السموت و الارض

19 - مالکیت و سلطنت خداوند نسبت به مسیح (ع) و مادرش، دلیل بطلان ادعای الوهیت برای مسیح (ع)

قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مریم .. و لله ملك السموت و الارض

22 - مالکیت خداوند بر هستی، دلیل توانایی وی بر نابود ساختن مسیح (ع)، مریم (ع) و تمامی اهل زمین و نفی هرگونه قدرت در برابر قدرت اوست.

فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك .. و لله ملك السموت و الارض

27 - مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش (مانند آفرینش انسان بدون واسطه پدر)

لله ملك السموت و الارض و ما بينهما يخلق ما يشاء

بنابر اینکه «يخلق ما يشاء»، نتیجه ای باشد برای «لله ملك السموت و الارض»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 348

18 _ تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملك السموت و الارض و ما بينهما

19 _ يهود و نصارا ، همچون ساير مردمان ، مملوک و تحت حاکمیت خدا هستند ، نه فرزند وی و نه برخوردار از محبتی ویژه در پیشگاه او .

وقالت اليهود و النصرى نحن ابنوا الله . . . و لله ملك السموت و الارض

در برداشت فوق ، جمله «لله ملك السموت . . .» دلیل رد پندار يهود و نصارا (نحن ابنوا الله و احبوه) گرفته شده است.

20 _ مالکیت و فرمانروایی مطلق خداوند ، دلیل نفوذ مشیت او در آمرزش و عذاب انسانها

يغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء و لله ملك السموت و الارض و ما بينهما

در برداشت فوق ، جمله «لله ملك . . .» دلیل برای «يغفر لمن يشاء . . .» گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 _ خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمین (تمام هستی) و حاکم بر آنها

الم تعلم إنّ الله له ملك السموت و الارض

آسمانها و زمین کنایه از تمامی هستی است . و ملک به معنای حاکمیت و در دست داشتن زمام امور است .

17 _ توجه به مالکیت مطلق خداوند و قدرت بیکران او ، بازدارنده آدمی از هرگونه اعتراض به قوانین الهی

الم تعلم إنّ الله له ملك السموت و الارض . . . و الله على كل شيء قدير

جمله «الم تعلم . . .» می تواند به منظور توجیه حد سرقت و برطرف ساختن هر گونه اعتراض درباره آن باشد . به این بیان که مالک تمامی هستی ، به هرگونه تصرف در ملک خویش مجاز است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ تمامی انسان ها بنده و مملوک خداوند هستند .

ان تعذبهم فانهم عبادک

3_ مملوکیت مردمان برای خداوند مجوز عذاب مشرکان آنان از سوی خداوند

ان تعذبهم فانهم عبادک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 120 - 7، 1

1_ تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها ، زمین و هر آنچه در آنهاست .

لله ملك السموت و الارض و ما فيهن

7_ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ينفع الصديقين صدقهم لهم جنت . . . و ما فيهن و هو على كل شىء قدير

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

ص: 349

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 12 - 2

2_ مالکیت مطلق خداوند بر موجودات آسمانها و زمین، بدیهی و غیرقابل انکار

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جواب خداوند به سؤال خود، نشانگر بدیهی و غیر قابل انکار بودن جواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 13 - 1, 2

1_ مالکیت و حاکمیت مطلقه الهی بر هر موجود مستقر در شب و روز

وله ما سکن فی الیل و النهار

«سکن»، از ماده «سکنی» (به معنی مسکن گزید): و «ما سکن ..»، شامل هر موجودی است که در ظرف شب و روز قرار گرفته باشد.

2_ تنها خداوند مالک اشیای ساکن و متحرک در شب و روز

وله ما سکن فی الیل و النهار

بنابراین که «ما سکن»، به معنی ساکن، مقابل متحرک، باشد. نکته دیگر در آیه اینکه گاهی در زبان عرب یکی از ضدین ذکر می گردد و دیگری مسکوت می ماند. چون مذکور، خود کافی از غیر مذکور است. در آیه نیز گر چه تنها «ما سکن» آمده، ولی مراد متحرکها نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 45 - 15

15_ خداوند، مالک و مدبر جهانیان است.

رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 75 - 1

1_ خداوند سلطنت و مالکیت خویش (ملکوت) بر آسمانها و زمین را به ابراهیم(ع) نمایاند.

و كذلك نرى إبراهيم ملكوت السموت والأرض

«ملکوت» به معنای «ملک» است؛ اگر چه تأکید بیشتری در معنا دارد. مراد از ملکوت در آیه شریفه وجود اشیا از جهت انتسابشان به خداوند و مشاهده ملکوت، رؤیت موجودات با این کیفیت است. برای توضیح بیشتر به تفسیر المیزان مراجعه شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 162 - 7

7_ خداوند مالک و مدبر تمامی عوالم هستی

لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 350

1_ تنها خداوند، «رب» (مالک و مدبر) انسانهاست.

أغیر الله أبغی ربا

«بغی»، مصدر «أبغی»، به معنای جستجو و طلب کردن است. کلمه «ربا» مفعول برای «أبغی» و «غیر الله» حال برای «ربا» است.

2_ خداوند، مالک و مدبر همه هستی است.

و هو رب کل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 12

12_ تنها خداوند، مالک همه آفریده ها و فرمانروای آنهاست.

ألا له الخلق والأمر

در برداشت فوق کلمه «الخلق» به معنای اسم مفعول (مخلوق)، و «أمر» به معنای فرمان دادن گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 24، 25

24_ زمین و رویدنیهایش از آن خداست.

فذروها تأکل فی أرض الله

اضافه کلمه «أرض» به «الله» می تواند به این معنا باشد که زمین از آن خداست. و نیز می تواند به معنای زمین خدا، در مقابل زمینی که مالک شخصی دارد، باشد. بنابر احتمال دوم معنای «فذروها ...» چنین می شود: ناقه را آزاد بگذارید. آن ناقه در زمین خدا می چرد و به زمینهای شخصی شما تعرضی نمی کند.

25_ مالکیت خدا بر زمین، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فذروها تأکل فی أرض الله

انتساب زمین به خداوند (أرض الله) پس از انتساب ناقه به او (ناقه الله) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزادگذاری آن برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تقریر جمـ له «ذروها ...» به وسیله فاء بر

جمله «هذه ناقة الله» نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 89 - 14

14 - خداوند ، مالک و مدبر انسانها

ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 128 - 15، 7

7 - اذعان به مالکیت خدا بر زمین و نفوذ مشیت او ، زمینه ساز مقاومت در برابر دشمنان دین است .

استعينوا بالله و اصبروا إن الأرض لله يورثها من يشاء

15 - مالکیت خدا بر زمین ، نفوذ مشیت او بر حاکمان آن و سیر تحولات جوامع بشری به سوی حاکمیت تقوایندگان ، از

ص: 351

تعالیم موسی (ع) به قوم خویش

قال موسی .. إن الأرض لله یورثها من یشاء من عباده و العقبه للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 172 - 8

8_ تنها خداوند ، مالک و مدبر انسانهاست .

ألسن برکم قالوا بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 4

4_ تأمل در وابستگی موجودات جهان به مالک هستی بخش ، راهنمای انسان به حاکمیت مطلق خدای یگانه بر هستی است .

أو لم یظروا فی ملکوت السموت و الأرض و ما خلق الله من شیء

چون روی سخن با مشرکان است، معلوم می شود هدف از فراخوانی آنان به دقت در ملکوت آسمانها و زمین رهنمون شدن آنان به حاکمیت مطلق خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 3

3_ همگان ، چه معبودان و چه پرستش کنندگان ، بنده خدا و مملوک او هستند .

إن الذین تدعون من دون الله عباد أمثالکم

«عباد»، جمع «عبد»، و به معنای بندگان و مملوکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 4

4_ مساجد ، مکانهایی مقدس و متعلق به خدا و ملک اوست .

مسجد الله

اضافه «مساجد» به «اللّه» اضافه تشریفیه و بیانگر قداست مساجد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 4

4_ مساجد ، مکان های مقدس و متعلق به خدا و ملک اوست .

مسجد اللّه

اضافه «مساجد» به «اللّه» اضافه تشریفیه و بیانگر قداست مساجد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 129 - 10

10_ خدا ، مالک عرش عظیم (مرکز اداره هستی) است .

ص: 352

109- هورب العرش العظيم

برداشت فوق بر این اساس است که «رب» به معنای «مالک» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 30 - 7

7_ خدا، مولا و مالک حقیقی انسانهاست .

وردوا إلى الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 5

5_ شنوایی و بینایی و دیگر حواس انسان ، تحت مالکیت و فرمان خداست .

أمن یملک السمع والأبصر

کلمه «یملک» می تواند از مصدر «ملک» (مالک بودن) و نیز می تواند از «مُلک» (فرمانروایی) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 55 - 4، 1

1_ مالک مطلق تمامی پدیده های موجود در آسمان ها و زمین ، تنها خداست .

ألا إن لله ما فی السموت والأرض

4_ مالکیت مطلق و همه جانبه خداوند بر جهان هستی ، نشان توانمندی او بر تحقق بخشیدن به تمامی وعده های خویش است .

ألا إن لله ما فی السموت والأرض ألا إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 66 - 2، 1

1_ تمامی عقلای موجود در همه عوالم هستی ، از بستر زمین تا اوج آسمان ها ، همگی ملک بی شریک خدا هستند .

ألا إن لله من فی السموت و من فی الأرض

2_ مالکیت مطلقه خداوند بر جهان هستی ، نشانه انحصار عزت در اوست .

إن العزه لله جميعاً .. ألا إن لله من فى السموت و من فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 68 - 6,7

6_ تمامی موجودات آسمان ها و زمین از آن خداوند و ملک بی شریک اویند .

له ما فى السموت و ما فى الأرض

7_ مالکیت مطلق خداوند بر تمامی موجودات ، دلیل بی نیازی او از برگزیدن فرزند

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه هو الغنى له ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 353

8 - هود - 11 - 56 - 3

3_ خداوند، پروردگار و مالک همه انسان ها و مدبر امور ایشان است .

علی الله ربی و ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 57 - 13

13_ مالک و مربی بودن خداوند بر همه چیز، مستلزم مراقبت و حفاظت کامل او، از آنهاست .

إن ربی علی کل شیء حفیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 7,8

7_ زمین و رویدنی های آن، ملک خداوند است .

فذروها تأکل فی أرض الله

برداشت فوق، از اضافه «أرض» به «الله» استفاده شده است.

8_ مالکیت خداوند بر چراگاهها، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

ه_ ذه ناقه الله .. فذرورها تأکل فی أرض الله

تعبیرهای «ناقه خدا» و «زمین خدا» در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن بود؛ یعنی، چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 123 - 2

2_ تنها خداوند مالک غیب آسمان ها و زمین است .

ولله غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ خداوند، مالک و مدبر آسمان ها و زمین است .

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 2 - 2،4

2- تمامی موجودات آسمان ها و زمین فقط از آن خداوند است .

الله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

4- مالکیت مطلق خداوند بر تمامی هستی ، دلیل شکست ناپذیری و ستودگی اوست .

العزیز الحمید. الله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 354

9- حجر - 15 - 21 - 1

1- خزانه و گنجینه هر چیزی ، در نزد خداوند است .

وإن من شيء إلا عندنا خزائنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 22 - 15

15- « عن أبي جعفر (ع) قال : لله رياح رحمه لواقع ينشرها بين يدي رحمة ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: خدا بادهای رحمتی دارد باردار که پیشاپیش رحمت خود (باران) آنها را منتشر می کند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 88 - 8

8- خداوند ، مالک و منشأ تمامی ثروت ها و متاع های انسان است .

لا تملدنّ عينيك إلى ما متّعنا به أزواجاً منهم

خداوند امکانات و نعمتهای در دست بشر را داده خود شمرده است (متّعنا) و این بیانگر این حقیقت است که همه آنها منشأ خدایی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 52 - 1

1- مالکیت تمامی موجودات آسمان ها و زمین و حاکمیت بر آنها ، در انحصار خداوند است .

وله ما فی السموت والأرض

لازمه مالکیت، حاکمیت است و «أفغیر الله تتقون» (آیا از غیر خدا می ترسید) می تواند قرینه بر این باشد که: مراد از «له ما فی السماوات و ..» حاکمیت نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 5

5- حقایق نهانی آسمان ها و زمین ، در انحصار مالکیت خداوند است .

له غيب السموت و الأرض

تقديم «له» دلالت بر حصر می کند و حرف «لام» در آن، برای تملیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 38 - 4

4- الله ، یگانه مالک و مدبّر انسان و جهان هستی است .

ل_كِنَّا هُوَ اللهُ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 95 - 3

ص: 355

3- ذوالقرنین ، خود را مملوک خداوند و عطیه های الهی را ، برخاسته از مقام ربوبیت او می دانست .

ما مکتبی فیه ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 80 - 1

1- خداوند ، وارث و مالک نهایی اموال و فرزندان است .

قال لأتین . . . و نرثه ما یقول

مراد از «ما یقول» به قرینه آیه قبل ، مال و فرزند است که کافر به کفرورزی خویش ، در امید دستیابی به آن بود (لأوتین مالاً وولداً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 93 - 1

1- تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین ، بندگان خدا و مملوک اویند .

أن یتخذ ولداً . إن کلّ من فی السموت ... ءاتی الرحمن عبداً

«آتی» اسم فاعل است و زمان در آن ملحوظ نیست و مراد از «اتیان» معنای مجازی آن است. مقصود آیه این است که موجودات هستی، در برابر خداوند اظهار وجودی جز عبودیت ندارند؛ همگان مملوک اویند و از خود استقلال ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 6 - 7,8,1

1 - خداوند یگانه مالک آسمان ها و زمین است .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

تقدیم «له» بر حصر دلالت می کند.

5 - آنچه در زیرخاک های نمناک جهان قرار دارد از آن خداوند است .

له . . . و ما تحت الثری

«ثری» به معنای خاک نمناک است (مصباح). ال در «الثری» ظاهراً معنای جنس دارد، لذا شامل هر خاک نمناکی می شود، چه در زمین

باشد و چه در کرات دیگر، بلکه چون در آیه «ما فی الأرض» ذکر شده است، احتمال می رود که «ما تحت الثرى» مربوط به غیر زمین باشد.

7- سراسر هستی، و تمامی موجودات آشکار و نهان، در مالکیت خداوندیگانه است.

له ما فی السموت و ما فی الأرض... و ما تحت الثرى

تعبیر «آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است» کنایه از تمام جهان است.

8- انحصار مالکیت تمام هستی به خداوند، دلیل احاطه تدبیر و مدیریت او بر جهان است.

على العرش استوى . له ما فی السموت ... و ما تحت الثرى

این آیه به منزله تعلیل برای آیه قبل است و به همین خاطر برای ارتباط آن از حرف عطف استفاده نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 114 - 2

2- خداوند، مالک حقیقی هستی و فرمان روای مطلق آن

ص: 356

فت_علی الله الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 19 - 1

1- خدا، مالک همه کسانی است که در آسمان ها و زمین اند .

وله من فی السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 22 - 10

10- خداوند، مالک و صاحب اختیار عرش (مرکز اداره هستی) است .

فسبحن الله رب العرش

برداشت یاد شده مبتنی بر یکی از معانی «رب» (مالکیت و صاحب اختیار) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 10 - 2

2 - خدا مالک انسان ها و همه آنان بندگان او

وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 64 - 1،7

1 - خدا، مالک مطلق و بی رقیب جهان هستی است .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

«له» متعلق به عامل مقدر و خبر برای «ما» است. بنابراین تقدیم آن بر مبتداء مفید حصر می باشد. گفتنی است روی سخن با مردمی است که می پنداشتند در جهان، خدایان متعددی وجود دارند که سرنوشت انسان ها به دست آنها رقم می خورد. در جمله فوق، با توجه دادن به این حقیقت که سراسر هستی ملک خدا و تحت تصرف او است، اساساً وجود موجود دیگری _ که از ملک خدا بیرون باشد و در پدیده های دیگر، قدرت تصرف داشته باشد _ پنداری باطل و ساخته ذهن های جاهل خوانده شده است.

7 - مالکیت و بی‌نیازی مطلق خدا، سرچشمه شایستگی او برای حمد و ستایش

له ما فی السموات... و إن الله لهو الغنی الحمید

ذکر «حمید» در پی «مالکیت و غنای مطلق»، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 84 - 1

1 - زمین و هر آنچه در آن هست، از آن خدا و متعلق به او است.

قل لمن الأرض و من فیها إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 357

6 - « عن حنان بن سدیر قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن العرش و الكرسي ، فقال : إنَّ للعرش صفات كثيرة مختلفة ، له في كلِّ سبب و صنع في القرآن صفة على حده فقولہ « رب العرش العظيم » يقول : الملك العظيم ؛

حنان بن سدیر گوید: از امام صادق (ع) از عرش سؤال کردم؟ آن حضرت فرمود: عرش اوصفات فراوان و گوناگونی دارد و برای آن در قرآن _ به هر مناسبتی که ذکر شده _ صفت خاصی است پس قول خدا «ربَّ العرش العظيم» به معنای «الملك العظيم» است.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 18

18 - خداوند ، مالک اصلی و حقیقی تمام اموال و ثروت ها است .

و ءاتوهم من مال الله الذي ءاتیکم

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، اموال موجود در دست مالکان را، «مال الله» (مال خدا) شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 1,2,5,8,13

1 - خداوند ، مالک همه پدیده های موجود در آسمان ها و زمین (جهان) است .

ألا إنَّ لله ما فی السموت و الأرض

2 - مالکیت مطلقه خداوند بر جهان هستی ، مقتضی اطاعت بی چون و چرا از او و پرهیز از سرپیچی است .

لا تجعلوا دعاء الرسول .. فليحذر الذين يخافون عن أمره ... ألا إنَّ لله ما فی الس

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که جمله «إنَّ لله ما فی السماوات..» در حکم تعلیل برای جملات پیشین باشد.

5 - مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او بر وضعیت انسان در همه حال است .

ألا إنَّ لله ما فی السموت و الأرض قد یعلم ما أنتم علیه

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله «قد یعلم..» استینافیه بیانیه باشد.

8 - مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

ألا إنَّ لله ما في السموات والأرض قد يعلم ما أنتم عليه و يوم يرجعون إليه

13 - مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او بر همه پدیده های جهان است .

ألا إنَّ لله ما في السموات والأرض . . . و الله بكلّ شيء عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 91 - 3،4

3 - خداوند ، یگانه مالک تمامی مظاهر هستی

وله كلّ شيء

تقدیم «له» بیانگر حصر است؛ یعنی، همه چیز، تنها مال او است.

4 - اعتقاد به ربوبیت خداوند و مالکیت او بر تمامی مظاهر هستی ، مقتضی پرستیدن یگانه او

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ . . . و له كلّ شيء

واژه «ربّ» و تعبیر «وله كلّ شيء» در حقیقت بیانگر فلسفه حصر پرستش انسان در برابر خدا است؛ یعنی، چون او

ص: 358

پروردگار و مالک یگانه هستی است، پس عبودیت انسان باید تنها به درگاه او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 26 - 7، 1

1 - خداوند ، تنها مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین است .

و له من فی السموت و الأرض

7 - مالکیت مطلق خداوند بر تمامی هستی ، دلیل توانایی وی بر حشر انسان ها در قیامت است .

ثم إذا دعاکم دعوه . . . إذا أنتم تخرجون . و له من فی السموت و الأرض

«و له من فی السماوات و ..» می تواند به منزله دلیلی برای «ثم إذا دعاکم ... تخرجون» در آیه قبلی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 21 - 6

6 - توجه به در اختیار خداوند بودن همه موجودات عالم و نیز نعمت های اعطا شده به انسان ، تبعیت از تعالیم آسمانی را اقتضا می کند .

ألم تروا أن الله سخر . . . و أسبغ علیکم نعمه ... اتبعوا ما أنزل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 26 - 9، 3، 1

1 - تمام موجودات آسمان و زمین ، ملک خداوندند .

لله ما فی السموت و الأرض

3 - آفریدگاری خداوند ، مستلزم مالکیت او بر آفریده های خویش است .

من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله . . . لله ما فی السموت و الأرض

«لله ما فی . . .» به منزله نتیجه آیه قبل است و به خاطر روشن بودن اش، از حرف عطف استفاده نشده است.

9 - هیچ کس در خالقیت و مالکیت ، و در نتیجه ، مدیریت خداوند بر عالم ، شریک او نیست . *

من خلق السموت و الأرض . . . لله ما فی السموت و الأرض إنَّ الله هو الغنی

بیان اعتراف مشرکان به توحید در خالقیت خداوند و سپس تبیین مالکیت انحصاری او بر پدیده های عالم و اعلام بی نیازی مطلق او، می تواند بیان کننده این باشد که در تدبیر عالم نیز شریکی ندارد.

12 - خالقیت خداوند و مالکیت انحصاری او بر عالم، نشانه بی نیازی او است .

من خلق السموت . . . ليقولنَّ اللهَ . . . لله ما فی السموت و الأرض إنّ الله هو الغن

خلق شدن آسمان ها و زمین از سوی خداوند و نیز مملوک خدا بودن شان، عین احتیاج آنها به خدا است. بنابراین، ذکر دو نکته یاد شده، قبل از «الله هو الغنی» به منزله تمهیدی برای بیان غنای مطلق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 4

4 - خالقیت، مالکیت، قدرت و علم مطلق خدا، برخاسته از حقانیت محض و ثبوت ازلی خداوند است .

ولئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ اللهَ . . . لله ما فی . . . إنّ الله عز

مشارالیه «ذلک» می تواند صفات کمالی ذکر شده در آیات پیشین برای خداوند باشد.

ص: 359

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 3.8

3 - تمامی آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، از آن خدا است .

الحمد لله الذى له ما فى السموت و ما فى الأرض

8 - مالکیت مطلق خدا بر موجودات و حکمت و آگاهی او ، جلوه ای از کمال های او است .

الحمد لله الذى له ما فى السموت و ما فى الأرض .. و هو الحكيم الخبير

از آن جایی که حمد در برابر کمال است، آوردن صفت های مالکیت، حکمت و آگاهی پس از بیان اختصاص داشتن همه حمدها به خداوند، می تواند به منظور القای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 10

10 - خداوند ، مالک مطلق عالم است و خود به تنهایی امور آن را تدبیر می کند .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذرة فى السموت و لا فى الأرض و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 83 - 2,4

2 - حاکمیت و مالکیت همه چیز به دست خدا است .

فسبحن الذى بیده ملکوت کلّ شیء

«ملکوت» یا صیغه مبالغه از مصدر «مَلِك» به معنای مالکیت است (مانند «رحموت» و «رهبوت» که مبالغه رحمت و رهبت است) و یا از مصدر «مُلک» به معنای سلطنت و حاکمیت است.

4 - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذى بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به «در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان»، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 182 - 4

4 - خداوند ، مالک و مدیر همه عالم های هستی است .

ربّ العـلـمـین

عالم (مفرد «عالمین») به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالمین»؛ یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 66 - 1

1 - خداوند ، مالک و مدیر جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .)

ص: 360

110- رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 10 - 12

12 - زمین ، از آن خدا و در مالکیت او است .

أَرْضِ اللَّهِ وَسِعَهُ

مقصود از «أَرْضِ اللَّهِ» کره زمین است. این تعبیر گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 15

15 - خداوند ، مالک و مدبر همه عالم های هستی است .

رَبِّ الْعَالَمِينَ

«عالم» (مفرد «عالمین») به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالمین»؛ یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 17

17 - خداوند ، مالک همه عالم های هستی است .

رَبِّ الْعَالَمِينَ

عالم (مفرد «عالمین») است و به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالمین»؛ یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها. گفتنی است به مالک هر چیزی، «رَبِّ» گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 13

13 - خداوند ، مالک همه عالم های هستی است .

رَبِّ الْعَالَمِينَ

عالم (مفرد «عالمین») است به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالمین»؛ یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها. گفتنی است که به مالک هر چیزی، «رَبِّ» گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 66 - 8

8 - خداوند ، مالک همه عالم های هستی است .

رَبِّ الْعَالَمِينَ

عالم (مفرد «عالمین») است و به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالمین»؛ یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها. گفتنی است که به مالک هر چیزی، «رَبِّ» گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 361

16 - شوری - 42 - 4 - 1

1 - مالکیت مطلقه خداوند ، بر مجموعه نظام هستی

له ما فی السموت و ما فی الأرض

لام در «له» لام ملکیت و تقدیم «له» بر «ما» مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 12 - 1

1 - کلید های آسمان و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له مقالید السموت و الأرض

تقدیم «له» (خبر) بر «مقالید» (مبتدا) مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 38 - 14

14 - دارایی ها و امکانات انسان ها ، از آن خدا و داده او است .

و ممّا رزقنهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 2، 1

1 - تمامی جهان هستی ، قلمرو مالکیت و حکومت خداوند است .

لله ملک السموت و الأرض

2 - کفر و ناسپاسی انسان ها و روی گردانی آنان از پیام وحی ، بی تأثیر برای یگانه مالک آسمان ها و زمین

فإنّ الإنسـن کفور . لله ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 53 - 3، 6

3 - تمامی موجودات زمین و آسمان ، مملوک خداوند هستی اند .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

6 - تنها خداوند (مالک تمام هستی) ، می تواند راه راست و به دور از انحراف و گمراهی را ترسیم کند .

صراط اللّٰه الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 13 - 5

5 - تمامی هستی ، از آن خداوند و نشأت یافته از او است .

جمیعاً منه

«من» در «منه» نشویه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 362

3- تمامی امکانات و توانایی های انسان ، از آن خداوند است .

و لقد مکنّهم فیما إن مکنّکم فیه

صیغه متکلم در «مکنّاهم» و «مکنّاکم» به صورت مکرر، تأکیدی است به منظور توجه داشتن انسان به این که امکاناتش از جانب خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 4 - 13

13 - نیروها و قوای آسمان ها و زمین ، تنها از آن خداوند و در اختیار او است .

و لله جنود السموت و الأرض

«لام» در «لله» مفید اختصاص و ملکیت است و می رساند که قوای هستی، مسخر خدا و در خدمت تحقق اهداف او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 7 - 1

1 - نیروها و قوای آسمان ها و زمین ، ملک خداوند و در خدمت تحقق اراده او

و لله جنود السموت و الأرض

«لام» در «لله» مفید اختصاص و ملکیت است و می رساند که نیروهای هستی، مسخر خدا و در خدمت تحقق اهداف اویند؛ چه این که اطلاق «جند» بر قوای هستی ممکن است، به همین جهت صورت گرفته باشد؛ زیرا در این واژه، هدف داری و قرار داشتن تحت فرماندهی واحد نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 14 - 1

1 - خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملک السموت و الأرض

«ملک» به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 58 - 7

7 - تمام قدرت ها و واسطه های فیض در نظام هستی ، در مالکیت و سیطره یگانه خداوند

إِنَّ اللَّهَ هُوَ .. ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ

تعبیر «ذوالقوه» _ به جای «القوی» _ می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که خداوند، نه تنها قوی است؛ بلکه هر نوع توان و قدرتی که در نظام وجود یافت شود، مملوک و مقهور او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 37 - 2

2 - یگانه مالک گنجینه های وجود ، دارای اختیار در اعطای رسالت به برگزیدگان خود

أَم عِنْدَهُم خَزَائِنُ رِيبِك

ص: 363

از ارتباط آیات _ که در زمینه اثبات حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رد منکران آن است _ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 25 - 1

1 - ولایت و مالکیت مطلقه دنیا و آخرت ، از آن خداوند است .

فلله الآخرة والأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 7 - 8

8 - امکانات و دارایی های انسان ، از آن خداوند است و به صورت عاریه در اختیار نسل ها قرار دارد .

و أنفقوا ممّا جعلکم مستخلفین فیه

«استخلاف» به معنای جانشین قرار دادن است. مقصود از خلافت و جانشینی، یا جانشینی از نسل های پیشین است و یا جانشینی از خداوند. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 7

7 - مالک حقیقی همه امکانات و دارایی ها ، خداوند است و او آنها را در اختیار نسل ها قرار می دهد .

ولله میرث السموت والأرض

تقدیم «لله» بر «میراث السموات» مفید حصر است. واژه «میراث» جنس می باشد و شامل هر آنچه از نسلی به نسلی دیگر انتقال می شود. اضافه «میراث» به «السموات» ظرفیه است. بنابراین «لله میراث السموات والأرض»؛ یعنی، «کلّ ما یورث فی السموات والأرض لله لا لغيره» (هر آنچه که نسل ها در آسمان ها و زمین از یکدیگر به ارث می برند، تنها از آن خداوند است و او آنها را در اختیار نسل ها قرار می دهد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 7 - 19

19 - «عن أبی عبد الله (ع) . . . ان جمیع ما بین السماء والأرض لله عزّوجلّ و لرسوله و لأتباعهما من المؤمنین فما کان من الدنیا فی أیدی المشرکین و الکفار . . . ظلّموا فیه المؤمنین و غلبوهم علیه فما أفاء الله علی رسوله ، فهو حقّهم أفاء الله علیهم و ردّه إلیهم . . . فما

رجع إلی مکانه . . . فقد فاء ;

از امام صادق(ع) روایت شده . . . تمام آنچه بین آسمان و زمین هست، از آن خدای عزوجلّ و رسول او و پیروان مؤمنشان است . . . پس هر چه از [اموال] دنیا در دست مشرکان و کافران هست . . . ظلمی است که آنان بر مؤمنان روا داشته و [در استیلا بر آن اموال] بر مؤمنان غلبه کرده اند . . . پس آنچه را خداوند به رسول خود برگردانده، حق آنها بوده که او به آنها رد کرده است . . . چیزی را که به مکان خود برگردد [می گویند] «قد فاء».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 7 - 10

10 - خداوند ، مالک حقیقی منابع رزق آسمان ها و زمین است .

ولله خزائن السموت والأرض

ص: 364

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 43 - 3

3 - خداوند ، مالک و مدبر همه عالم های هستی است .

ربّ العالَمین

عالم (مفرد «عالمین») به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین «العالَمین»؛ یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 37 - 2، 1

1 - خداوند ، مالک و مدبر آسمان ها و زمین و تمام موجودات بین آنها است .

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

2 - تدبیر امور انسان ها ، در اختیار مالک و مدبر جهان هستی است .

ربّک . . . ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

«ربّ السماوات» _ که بیانگر «ربّک» در آیه قبل می باشد _ گویای این است که ربّ تو همان ربّ جهان هستی است و آنان که به ارباب متعدد می اندیشند، بر خطایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 20 - 4

4 - عرش (جهان هستی) ، مملوک و در اختیار خداوند است .

ذی العرش

«عرش»؛ یعنی، تخت فرمانروایی (مقایس اللغه). مالکیت عرش، کنایه از سلطه بر اداره و تدبیر نظام عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 29 - 5

5 - خداوند ، مالک ، مربّی و مدبّر تمام هستی است .

ربّ العـلمین

«ربّ» مصدری است که در معنای فاعل (تربیت کننده) به کار می رود (مفردات راغب). از جمله معانی «ربّ» مالک و مدبّر و مربّی است و «عالمین»؛ یعنی، اصناف مخلوقات. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 6 - 3

3 - خداوند ، مالک و پرورش دهنده تمام عوالم هستی است .

لربّ العـلمین

«ربّ» به معنای مالک و سیّد آمده است و نیز مصدری است که در معنای سیاست و تدبیر به کار می رود (مصباح). راغب می گوید: کلمه «ربّ» در اصل مصدر است و در مورد فاعل استعمال مجازی دارد. «عالمین»؛ یعنی، اصناف مخلوقات. (لسان العرب)

ص: 365

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 2 - 3

3 - خداوند ، مالک و مدبّر شؤون آسمان است .

لربّها

اصل معنای «ربّ»، تربیت کردن است (مفردات). «ربّ» هر چیز، مالک و حق دار آن و یا ملازمت کننده با آن چیز است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 5 - 2

2 - خداوند ، مالک و مدبّر زمین است .

لربّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 8

8 - خداوند ، مالک و مدبر انسان و سامان بخش تحولات زندگی و عوالم هستی او است .

رَبِّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 1

1 - حاکمیت و مالکیت بر آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند است .

له ملک السموت و الأرض

«مُلک» اسم مصدر و به معنای بر عهده داشتن سلطنت است (مصباح). هر جا کلمه «مُلک» به کار رود، مستلزم «مِلک» (مالکیت) نیز

خواهد بود. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 15 - 2,3

2- عرش ، مرکز تدبیر امور جهان و مملوک خداوند است .

ذو العرش

درباره مصداق «عرش» دیدگاه های گوناگونی وجود دارد؛ از جمله این که عرش، جایگاهی است که تمام جهان را فراگرفته است. نام گذاری آن به «عرش» (تخت سلطنت)، به این اعتبار است که آن جایگاه، به منزله مرکز اداره جهان است. مالکیت خداوند بر عرش، به معنای مالکیت او بر تمام هستی است.

3- خداوند ، مالک تمام جهان است .

ذو العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 13 - 2، 1

ص: 366

1 - جهان آخرت و عالم دنیا ، مملوک خداوند و در اختیار او است .

وإن لنا للآخرة والأولى

2 - مالکیت خداوند بر دنیا و آخرت ، دلیل سلطه کامل او بر فرجام انسان های نیک و بد

فَسَنِيَسِّرُهُ لِّلْيَسْرَى . . . لِلْعُسْرَى . . . وَإِنَّا لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 1 - 96 - 13

13 - ربوبیت (مالکیت و تدبیر امور) ، ویژه خالق موجودات است .

رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

توصیف خداوند به «الذی خلق» _ پس از بیان ربوبیت او _ بیانگر این نکته است که خالقیت او، دلیل بر ربوبیت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 4 - 97 - 6

6 - خداوند ، مالک و مدبّر امور فرشتگان و روح است .

رَبِّهِمْ

«رَبِّ» در لغت عرب، بر «مالک»، «مولی»، «مدبّر» و «مرتبّی» اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 6 - 104 - 3

3 - خداوند ، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جورا درهم می شکنند .

و ما أدريک ما الحطمه . نار الله

«نار الله»، خبر است برای ضمیر محذوف که به «الحطمه» برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 3 - 106 - 2

2 - خداوند ، مالک کعبه و مدبر امور آن است .

رَبِّ مِذَابِئِ

«رَبِّ»، در اصل به معنای «تربیت» است (مفردات) و به معنای مالک و مدبر نیز آمده است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 1 - 3

3 - خداوند ، تدبیرکننده صبحدم و صاحب اختیار طلوع فجر است .

رَبِّ الْفَلَقِ

«فلق»، به معنای صبح یا فجر است (قاموس). تناسب این کلمه با معنای «فَلَقَ» (شکافتن)، از این جهت است که طلوع فجر، تاریکی را می شکافد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 367

3 - خداوند ، مالک مردم و تدبیرکننده امور آنان

بربّ الناس

«ربّ» بر «مالک»، «سَرور»، «مدبّر» و «مرّبّی» اطلاق می شود. (لسان العرب)

111- مالکیت خدا و توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 66 - 3

3_ مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی ، دلیل توحید در ربوبیت و توحید در عبودیت اوست .

ألا إن لله من فى السموت و من فى الأرض و ما يتبع الذين يدعون من دون الله شركاء

112- مالکیت خزاین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 100 - 4

4- انسان ها ، حتى با مالک بودن تمامی خزاین رحمت پروردگار ، باز هم گرفتار بخل و نگران تهی دستی خویشند .

قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة ربّی إذا لمسکنتم خشية الإنفاق

با توجه به اینکه خداوند، خصلت بخل را برای تمامی انسانها دانسته است (و كان الإنسان قتوراً) احتمال دارد که مخاطب (لو أنتم تملكون) تمامی انسانها باشند.

113- مالکیت خصوصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 278 - 11

11_ الغای مالکیت رباخواران نسبت به سود های ربوی

ذروا ما بقى من الربوا

لزوم رهاسازی سودهای ربوی، مجاز نبودن دخل و تصرف در آنهاست؛ و لازمه این معنا، به رسمیت نشناختن و مالک ندانستن رباخوار نسبت به بهره های ربوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 279 - 8,9

8_ پذیرش اصل مالکیت خصوصی در اقتصاد اسلامی

فلکم رؤس اموالکم

9_ الغای مالکیت رباخواران حتی نسبت به اصل سرمایه در صورتی که از عمل ناپسند خود (رباخواری) توبه نکنند . *

ص: 368

و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم

از مفهوم جمله «و ان تبتم ..» برداشت شده است؛ یعنی اگر توبه نکردند، با اعلام جنگ و برخورد نظامی، محارب قلمداد شده، و در این صورت اصل سرمایه آنان نیز مصادره خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 20

20_ محدودیت حق تصرف انسان در اموال شخصی خویش

و لا یحسبنّ... سیطوقون ما بخلوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 2 - 3

3_ اعتبار و رسمیت مالکیت شخصی

و اتوا الیتامی اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 2

2_ زنان، مالک مهریه خویش هستند.

و اتوا النساء صدقاتهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 8

8_ مالکیت شخصی کودکان

و ابتلوا الیتامی... فادفعوا الیهم اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 20 - 4

4_ وسعت گستره مالکیت شخصی

واتیتم احدیهنّ قنطاراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 3

3_ رسمیت و اعتبار مالکیت شخصی

یا ایّها الذّین امنوا لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 161 - 8

8_ اعتبار مالکیت خصوصی در آئین یهود

ص: 369

وَأَكْلَهُمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْباطِلِ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «اموال الناس» ثروتهای شخصی مردم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 15

15- مالکیت خصوصی، اصلی مورد قبول در اسلام

و لا یسئلكم أموالکم

نسبت داده شدن «اموال» به «کم» و تصریح به این که خداوند، مال هایتان را از شما نمی گیرد؛ می رساند که دارا بودن و مالکیت، مورد قبول شریعت است.

114- مالکیت خصوصی در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 23 - 4

4- وجود مالکیت شخصی در عصر داوود (ع) و مشروع بودن آن

له تسع و تسعون نعجه و لی نعجه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 24 - 3

3- محترم بودن مالکیت شخصی در عصر داوود (ع)

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک إلى نعاجه

انتقاد نکردن از داشتن 99 میش و ظالمانه دانستن تصاحب تنها میش برادر، گویای برداشت یاد شده است.

115- مالکیت در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 66 - 9

9_ در جهان آفرینش هیچ مخلوقی، مالک و رب مخلوقی دیگر، و یا مملوک و مربوب مخلوقی دیگر نیست.

ألا إن لله من فى السموت و من فى الأرض و ما يتبع الذین يدعون من دون الله شركاء

116- مالکیت در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 87 - 11

11_ آزادی مطلق و بی قید و شرط مالکان در تصرف اموال خویش، امری نادرست از نظر ادیان الهی

ص: 370

أصلوتك تأمرک أن نترك .. أن نفعل فی أمولنا مانش_ؤا

117- مالکیت در اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 3

3 - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنع_مکم

«أنعام» (جمع «نعم») به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود. کلمه «نعم» به شتر اختصاص دارد؛ زیرا بزرگ ترین نعمت نزد عرب است (مفردات راغب). اضافه شدن «أنعام» به ضمیر «کم»، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

118- مالکیت در اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 87 - 13

13_ قوم شعیب ، دخل و تصرف در اموال را به دلخواه مالک آن واگذار کرده و تحمیل ضابطه و مقرراتی را برای وی روا نمی دانستند .

أو أن نفعل فی أمولنا مانش_ؤا

119- مالکیت در شریعت شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 87 - 10

10_ تعالیم شعیب (ع) ، دربردارنده ضوابط و مقرراتی خاص برای دخل و تصرف مالکان در اموال خویش

أصلوتك تأمرک أن نترك ما یعبد ءاباؤنا أو أن نفعل فی أمولنا مانش_ؤا

«أن نفعل» عطف بر «ما یعبد» است. بنابراین «أن نفعل» مفعول برای «أن نترك» است.

120- مالکیت در معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- خداوندی می تواند پاسخ حاجت ها و خواسته ها را بدهد که بر همه چیز مالکیت داشته باشد .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذرّة

ص: 371

121- مالکیت دنیوی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 40 - 7

7- در قیامت ، رابطه انسان با مالکیت های اعتباری او در دنیا ، به کلی بریده خواهد شد .

وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ .. . إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِنَّا يُرْجَعُونَ

خداوند، هم زمین را میراث خود دانسته و هم آدمیان را؛ یعنی هم مالکان اعتباری و هم ملک های اعتباری؛ بنابراین در قیامت، این دو تنها با مالک حقیقی خود مرتبط خواهند شد.

122- مالکیت رباخوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 278 - 11، 12، 13

11 _ الغای مالکیت رباخواران نسبت به سود های ربوی

ذروا ما بقی من الربوا

لزوم رهاسازی سودهای ربوی، مجاز نبودن دخل و تصرف در آنهاست؛ و لازمه این معنا، به رسمیت نشناختن و مالک ندانستن رباخوار نسبت به بهره های ربوی است.

12 _ عدم جواز گرفتن سود های ربوی ، هر چند معامله ربوی قبل از تحریم ربا ، انجام گرفته باشد .

و ذروا ما بقی من الربوا

13 _ عدم لزوم بازگرداندن سود های ربوی به صاحبان آن ، در صورتی که معامله ربوی قبل از تحریم ربا انجام گرفته باشد .

و ذروا ما بقی من الربوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 279 - 11

11 _ باز پس ندادن اصل سرمایه رباخوارانی که توبه کردند ، ستمی بر آنان است .

فلکم رؤس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون

ولی اگر اصل سرمایه هم به شما باز پس داده نشود، مورد ستم واقع شده اید.

123- مالکیت زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 6 - 6

6- وجود مالکیت خصوصی در زندگانی یحیی و زکریای پیغمبر

فهب لی من لدنک ولیاً . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

ص: 372

124- مالکیت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 13

13 _ تمام زمین از آن خداوند است .

الم تكن ارض الله واسعه

125- مالکیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 2,3

2 _ زنان ، مالک مهریه خویش هستند .

واتوا النساء صدقاتهنّ

3 _ استقلال مالی زن در نظام خانواده

واتوا النساء صدقاتهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 32 - 9,13

9 _ حق مساوی زن و مرد در مالکیت و بهره‌وری از کار و تلاش خویش

للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن

13 _ زن و مرد ، دارای حق کسب و کار

للرجال نصيب .. و للنساء نصيب مما اكتسبن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 176 - 15

15 _ ثبوت مالکیت و حق ارث برای زنان در نظام حقوقی اسلام

فلها نصف ما ترک و هو يرثها .. فلهما الثلثان مما ترک

126- مالکیت سرزمین اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 13 - 4

4- اقوام کافر پیشین در برابر انبیا احساس قدرت می کردند و مدعی بودند که سرزمین مسکونی آنان و انبیا از آن آنهاست .

لنخرجنکم من أرضنا

از اینکه آنان، پیامبران را تهدید به اخراج کردند، احساس قدرت استفاده می شود و از اینکه «أرض» (سرزمین) را به خود

ص: 373

اضافه کردند؛ به دست می آید که آنان مدعی حاکمیت و مالکیت بر آن بودند.

127- مالکیت سرزمین انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 13 - 4

4- اقوام کافر پیشین در برابر انبیا احساس قدرت می کردند و مدعی بودند که سرزمین مسکونی آنان و انبیا از آن آنهاست .

لنخرجنکم من أرضنا

از اینکه آنان، پیامبران را تهدید به اخراج کردند، احساس قدرت استفاده می شود و از اینکه «أرض» (سرزمین) را به خود اضافه کردند؛ به دست می آید که آنان مدعی حاکمیت و مالکیت بر آن بودند.

مالکیت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 63 - 6

6- فرعونیان (قبطیان) سرزمین مصر را از آن خود می دانستند .

یخرجاکم من أرضکم

128- مالکیت شخصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 12

12 - اعتبار مالکیت شخصی در اسلام و پذیرش تفاوت در مقدار مالکیت

وءاتی المال علی حبه ذوی القربی . . . و السائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 13

13 - اعتبار مالکیت شخصی در اسلام

و لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل . . . و أنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 34 - 5

5_ اصل مالکیت مردم بر اموال ، اصلی پذیرفته شده در اسلام

ليأكلون أموال الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 374

20 - لیل - 92 - 18 - 7

7 - اعتبار مالکیت شخصی در اسلام

ماله

129- مالکیت شخصیت حقوقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 8

8 - پذیرش مالکیت اشخاص حقوقی در اسلام

ولذی القربی و الیتمی و المسکین

130- مالکیت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 19 - 2

2- مالکیت غیر خدا (حتی بر خویشان) مجازی است .

وله من فی السموت والأرض

131- مالکیت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 57 - 1

1 - فرعون مدعی مالکیت خود و پیروانش (قبطیان) بر سرزمین مصر

لتخرجننا من أرضنا

از اضافه شدن «أرض» به ضمیر متکلم «نا» بر می آید که فرعونیان، سرزمین مصر را متعلق به خویش و از آن خود می دانستند و برای دیگران حقی در آن قائل نبودند.

132- مالکیت فرعونیان

1 - فرعون مدعی مالکیت خود و پیروانش (قبطیان) بر سرزمین مصر

لتخرجنا من أرضنا

از اضافه شدن «أرض» به ضمیر متکلم «نا» بر می آید که فرعونیان، سرزمین مصر را متعلق به خویش و از آن خود می

ص: 375

دانستند و برای دیگران حقی در آن قائل نبودند.

133- مالکیت فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 7

7_ فقرا، مساکین، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم، مالک سهم خویش از صدقات هستند.

إنما الصدقات للفقراء... و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به «لام» در «للفقراء...» که برای افاده ملکیت می باشد _ استفاده شده است.

134- مالکیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 6 - 8

8 - کافران ستیزکننده با خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، فاقد حق مالکیت نسبت به اموال و دارایی خویش *

و ما أفاء الله على رسوله منهم

واژه «أفاء» که از «فیء» به معنای رجوع گرفته شده _ نشانگر آن است که یهودیان محارب، حق مالکیتی نسبت به اموال و دارایی شان ندارند و در حقیقت به مالک اصلی آن، بازگردانیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 15

15 - حق مالکیت کافران غیر محارب، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است.

وأتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارب است؛ چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از مفهوم «أن تبرؤهم و تقسطوا...» که نهی از قسط درباره کافران حربی بود _ منافات ندارد.

135- مالکیت کعبه

11 - « عن أبي حمزة الثمالي قال: قلت لأبي جعفر (ع) في المسجد الحرام: لأى شيء سماه الله العتيق؟ فقال: إنه ليس من بيت وضعه الله على وجه الأرض إلا له ربّ وسكان يسكنونه غير هـ_ذا البيت فإنه لاربّ له إلا الله عزّوجلّ وهو الحرّ . . . » ;

ابوحمزه ثمالی گوید: به امام باقر(ع) در مسجدالحرام گفتم: چرا خدا [بیت الله] را عتیق نامیده است؟ فرمود: خداوند هیچ خانه ای را بر روی زمین ننهاده است مگر این که صاحب و ساکنانی دارد که در آن سکنی گزیده اند؛ غیر از این بیت که صاحبی به

جز خدای عزوجلّ ندارد و آن [از مالکیت اشخاص] آزاد است. «...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 3 - 8

8 - کعبه ، بیته شرافت مند و وابسته به خداوند

ربّ هـ ذا البیت

اسم اشاره (هـ_ذا)، به قرینه سیاق برای تعظیم است.

136- مالکیت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 15

15 _ کنیز ، مالک مهریه خویش

فمن ما ملکت ایمانکم . . . و اتوهنّ اجورهنّ

از اینکه خداوند تصریح می کند که مهریه کنیز را به خود او بدهید (اتوهنّ اجورهنّ) و نفرمود که: اتوا اجورهنّ، معلوم می شود مالک مهریه، خود کنیز است نه مالک او.

137- مالکیت کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 8

8 _ مالکیت شخصی کودکان

و ابتلوا التیامی . . . فادفعوا الیهم اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 5

5- ثبوت حق مالکیت برای افراد نابالغ

و لا تقربوا مال الیتیم .. حتی یبلغ أشده

«یتیم» در لغت، به طفلی گفته می شود که قبل از بلوغ، از پدرش جدا شده و او را از دست بدهد (مفردات راغب).

138- مالکیت محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 6 - 8

8- کافران ستیزکننده با خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، فاقد حق مالکیت نسبت به اموال و دارایی خویش *

ص: 377

و ما أفاء الله على رسوله منهم

واژه «أفاء» _ که از «فیء» به معنای رجوع گرفته شده _ نشانگر آن است که یهودیان محارب، حق مالکیتی نسبت به اموال و دارایی شان ندارند و در حقیقت به مالک اصلی آن، بازگردانیده شده است.

139- مالکیت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 7 - 19

19 - «عن أبي عبد الله (ع) . . . ان جميع ما بين السماء والأرض لله عزوجل و لرسوله و لأتباعهما من المؤمنين فما كان من الدنيا في أيدي المشركين و الكفار . . . ظلموا فيه المؤمنين و غلبوهم عليه فما أفاء الله على رسوله ، فهو حقهم أفاء الله عليهم و رده إليهم . . . فما رجع إلى مكانه . . . فقد فاء ;

از امام صادق (ع) روایت شده . . . تمام آنچه بین آسمان و زمین هست، از آن خدای عزوجل و رسول او و پیروان مؤمنشان است . . . پس هر چه از [اموال] دنیا در دست مشرکان و کافران هست . . . ظلمی است که آنان بر مؤمنان روا داشته و [در استیلا بر آن اموال] بر مؤمنان غلبه کرده اند . . . پس آنچه را خداوند به رسول خود برگردانده، حق آنها بوده که او به آنها رد کرده است . . . چیزی را که به مکان خود برگردد [می گویند] «قد فاء» . . .

140- مالکیت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 32 - 9

9_ حق مساوی زن و مرد در مالکیت و بهره‌وری از کار و تلاش خویش

للرجال نصيب مما اكتسبوا و للنساء نصيب مما اكتسبن

141- مالکیت مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 7

7_ فقرا، مساکین، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم، مالک سهم خویش از صدقات هستند .

إنما الصدقة للفقراء . . . و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به «لام» در «للفقراء . . .» _ که برای افاده ملکیت می باشد _ استفاده شده است.

142- مالکیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 378

2 - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان رویی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 17 - 7

7 - مالکیت و توان مندی بر تأمین روزی ، شرط بایسته ، برای معبود

إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 12

12 - مالکیت جهان و فرمانروایی بر آن ، از اوصاف و ویژگی های معبود حقیقی و شایسته عبادت

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ .. . الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ... ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمَلِكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 3

3 - استجاب دعا و بر آوردن حاجت ، تنها در توان ربّ و مالک حقیقی جهان (اللّٰهُ) است .

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمَلِكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ .. . إِنَّ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دَعَاءَكُمْ وَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 66 - 3

3 - تنها مالک و مدبر جهان هستی ، شایسته عبادت است .

وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ .. . رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

توصیف خداوند به، مالک و مدبر هستی بودن _ پس از بیان یکتایی او در معبودیت _ می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

143- مالکیت موصی له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 7

7- وصیت های مالی میت نافذ و دارای ارزش حقوقی است .

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت إن ترک خیراً الوصیه

تأکید بر امر وصیت و نیز حرمت تغییر و تبدیل مفاد آن - که آیه بعد دلالت بر آن دارد - مستلزم این معناست که: وصیتهای میت دارای اعتبار قانونی و حقوقی است و عمل به آنها واجب است.

ص: 379

144- مالکیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 7 - 19

19 - «عن أبي عبدالله (ع) . . . ان جميع ما بين السماء والأرض لله عزوجلّ و لرسوله و لأتباعهما من المؤمنين فما كان من الدنيا في أيدي المشركين و الكفار . . . ظلموا فيه المؤمنين و غلبوهم عليه فما أفاء الله على رسوله ، فهو حقّهم أفاء الله عليهم و ردّه إليهم . . . فما رجع إلى مكانه . . . فقد فاء ;

از امام صادق(ع) روایت شده . . . تمام آنچه بین آسمان و زمین هست، از آن خدای عزوجلّ و رسول او و پیروان مؤمنشان است . . . پس هر چه از [اموال] دنیا در دست مشرکان و کافران هست . . . ظلمی است که آنان بر مؤمنان روا داشته و [در استیلا بر آن اموال] بر مؤمنان غلبه کرده اند . . . پس آنچه را خداوند به رسول خود برگردانده، حق آنها بوده که او به آنها رد کرده است . . . چیزی را که به مکان خود برگردد [می گویند] «قد فاء».

145- مالکیت وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 10

10 - وصیت برای پرداخت مال به وارثان ، جایز و دارای اعتبار قانونی است .

الوصیه للولدين و الأقربین

146- مالکیت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 6 - 6

6- وجود مالکیت خصوصی در زندگانی یحیی و زکریای پیغمبر

فهب لی من لدنک ولیّاً . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

147- محدوده مالکیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 75 - 5

5- انسان ها در مالکیت و قلمرو اختیارات ، متفاوتند .

عبدًا مملوگًا لا یقدر علی شیء و من رزقنہ... فہو ینفق منہ سرًا و جہرًا

برداشت فوق به خاطر این است که مثالهای قرآن، دارای حقیقت و حاکی از واقعیت‌های خارجی _ نه غیر حقیقی و سنبلیک _ است.

ص: 380

148- مشرکان و مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 55 - 6

6 - بیشتر مشرکان ، نسبت به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی و تحقق قطعی وعده های او ، جاهل و ناآگاهند .

ألا إن لله ما فی السموت . . . ألا إن وعد الله حق و لكن أكثرهم لا یعلمون

149- معبودان باطل و مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 4

4 - خدایان مشرکان ، مالک هیچ چیزی - حتی به اندازه یک ذره - در عالم نیستند .

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذره فی السموت و لا فی الأرض

150- ملاک اعتبار مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 6

6 - مالکیت اموالی که از راه ها و اسباب باطل به چنگ آمده ، فاقد اعتبار قانونی است .

و لاتأکلوا أموالکم بینکم بالبطل

حرمت تصرف در اموال به دست آمده از طریق باطل ، حاکی از مالک نبودن کسی است که آن اموال را به چنگ آورده است.

151- منشأ خدا مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 26

26 - خالقیت مطلق الهی ، اساس مالکیت مطلق اوست .

لله ملک السموت و . . . یخلق ما یشاء

بنابر اینکه «یخلق ما یشاء» تعلیل برای «لله ملك السموت» باشد.

ص: 381

152- منشأ مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 53 - 4

4 - مالکیت حقیقی از آن خداوند است و مالکیت انسان در طول مالکیت او است .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 7

7 - مالک حقیقی همه امکانات و دارایی ها ، خداوند است و او آنها را در اختیار نسل ها قرار می دهد .

و لله میرث السموت و الأرض

تقدیم «لله» بر «میراث السماوات» مفید حصر است. واژه «میراث» جنس می باشد و شامل هر آنچه از نسلی به نسلی دیگر انتقال می شود. اضافه «میراث» به «السماوات» ظرفیه است. بنابراین «لله میراث السماوات و الأرض»؛ یعنی، «کلّ ما یورث فی السماوات و الأرض لله لا لغيره» (هر آنچه که نسل ها در آسمان ها و زمین از یکدیگر به ارث می برند، تنها از آن خداوند است و او آنها را در اختیار نسل ها قرار می دهد).

153- منشأ مالکیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 4 - 4

4 - مشروعیت مالکیت انسان ، در گرو امضای آن از سوی خداوند است .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

از این که خداوند، مالکیت حقیقی در جهان هستی را برای خود منحصر فرموده، مطلب بالا قابل برداشت است.

154- موجبات مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 4

4_ تجارت ، از اسباب نقل و انتقال مشروع اموال

الّا ان تكون تجاره عن تراض منكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 176 - 16

16_ ارث ، از اسباب مالکیت

فلها نصف ما ترک . . . فلهما الثلثان مما ترک

ص: 382

155- نشانه های مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 7 - 7

7- آگاهی خداوند بر سر و آشکار آدمی ، جلوه ای از حاکمیت و مالکیت مطلقه او بر سرتاسر هستی و اجزای آن است .

علی العرش استوی . له ما فی السموت ... فإنه يعلم السرّ و أخفی

ارتباط این آیه با آیات قبل، گویای این است که چون خداوند بر همه هستی فرمان روایی می کند و مالک حقیقی جهان است، پس بر همه چیز اطلاع و وقوف دارد، اگر چه سر و یا مخفی تر از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 7 - 7

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 87 - 2

2- حاکمیت یگانه خدا بر هستی ، جلوه ای از مالکیت مطلقه او

قل من ربّ السموت السبع .. سيقولون لله

در برابر سؤال از ربوبیت (من ربّ السماوات ..)، پاسخی داده شده که بیانگر مالکیت است (سيقولون لله). و این بدان جهت است که ربوبیت، فرع بر مالکیت مطلقه می باشد.

156- نفی مالکیت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 66 - 9

9_ در جهان آفرینش هیچ مخلوقی ، مالک و رب مخلوقی دیگر ، و یا مملوک و مربوب مخلوقی دیگر نیست .

ألا إن لله من فی السموت و من فی الأرض و ما یتبع الذین یدعون من دون الله شركاء

157- وسعت مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- قلمرو قدرت و مالکیت خدا، نامحدود است .

وإن من شيء إلا عندنا خزائنه .. معلوم

وجود گنجینه های همه امور عالم در نزد خدا، می تواند کنایه از قدرت بی پایان الهی باشد؛ زیرا وقتی خزینه همه ممکنات به دست خدا باشد، تحقق آن ممکنات هم برای او مقدور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 31 - 1

ص: 383

1- گستره آفرینش (آسمان ها، زمین و...)، تحت مالکیت مطلقه الهی

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

158- ویژگیهای مالکیت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 53 - 4

4- مالکیت حقیقی از آن خداوند است و مالکیت انسان در طول مالکیت او است .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

159- ویژگیهای مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 40 - 2

2- تمامی مالکیت ها، جز مالکیت خداوند، ملغی و فانی خواهد شد .

إنا نحن نرث الأرض و من علیها

خداوند هم اکنون نیز مالک حقیقی هستی است؛ از این رو مقصود از ارث بردن انتقال حقیقی مالکیت نیست؛ بلکه مقصود فناشدن مالکیت های اعتباری دنیا و مالکان آن است، به گونه ای که مالکیت حقیقی بروز و ظهور کامل پیدا کند و هیچ اعتباری در برابر آن باقی نماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 53 - 4

4- مالکیت حقیقی از آن خداوند است و مالکیت انسان در طول مالکیت او است .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

160- ویژگیهای مالکیت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 40 - 2

2- تمامی مالکیت ها ، جز مالکیت خداوند ، ملغی و فانی خواهد شد .

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا

خداوند هم اکنون نیز مالک حقیقی هستی است؛ از این رو مقصود از ارث بردن انتقال حقیقی مالکیت نیست؛ بلکه مقصود فناشدن مالکیت های اعتباری دنیا و مالکان آن است، به گونه ای که مالکیت حقیقی بروز و ظهور کامل پیدا کند و هیچ اعتباری در برابر آن باقی نماند.

ص: 384

161- {مالکیت خصوصی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 116 - 6

6_ اعتبار و رسمیت مالکیت شخصی برای کفار

لن تغنی عنهم اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 6 - 6

6- وجود مالکیت خصوصی در زندگانی یحیی و زکریای پیغمبر

فهب لی من لدنک ولیاً . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

162- مالکیت خصوصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 278 - 11

11_ الغای مالکیت رباخواران نسبت به سود های ربوی

ذروا ما بقی من الربوا

لزوم رهاسازی سودهای ربوی، مجاز نبودن دخل و تصرف در آنهاست؛ و لازمه این معنا، به رسمیت نشناختن و مالک ندانستن رباخوار نسبت به بهره های ربوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 279 - 8,9

8_ پذیرش اصل مالکیت خصوصی در اقتصاد اسلامی

فلکم رؤس اموالکم

9_ الغای مالکیت رباخواران حتی نسبت به اصل سرمایه در صورتی که از عمل ناپسند خود (رباخواری) توبه نکنند . *

و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم

از مفهوم جمله «و ان تبتم . . .» برداشت شده است؛ یعنی اگر توبه نکردند، با اعلام جنگ و برخورد نظامی، محارب قلمداد شده، و در این صورت اصل سرمایه آنان نیز مصادره خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 20

20_ محدودیت حق تصرف انسان در اموال شخصی خویش

و لا یحسبنّ . . . سیطوقون ما بخلوا به

ص: 385

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - 2 - 4 - نساء

3_ اعتبار و رسمیت مالکیت شخصی

و اتوا الیتامی اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - 4 - 4 - نساء

2_ زنان ، مالک مهریه خویش هستند .

و اتوا النساء صدقاتهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - 6 - 4 - نساء

8_ مالکیت شخصی کودکان

و ابتلوا الیتامی . . . فادفعوا الیهم اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - 20 - 4 - نساء

4_ وسعت گستره مالکیت شخصی

و ایتیم احدیهنّ قنطاراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - 29 - 4 - نساء

3_ رسمیت و اعتبار مالکیت شخصی

یا ایّها الذّین امنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8_ اعتبار مالکیت خصوصی در آئین یهود

وَأَكْلَهُمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَطْلِ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «اموال الناس» ثروتهای شخصی مردم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 15

15- مالکیت خصوصی ، اصلی مورد قبول در اسلام

وَلَا يَسْئَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ

نسبت داده شدن «اموال» به «کم» و تصریح به این که خداوند، مال هایتان را از شما نمی گیرد؛ می رساند که دارا بودن و

ص: 386

مالکیت، مورد قبول شریعت است.

163- مالکیت خصوصی در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 23 - 4

4- وجود مالکیت شخصی در عصر داوود (ع) و مشروع بودن آن

له تسع و تسعون نعجه و لی نعجه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 24 - 3

3- محترم بودن مالکیت شخصی در عصر داوود (ع)

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک الی نعاجه

انتقاد نکردن از داشتن 99 میش و ظالمانه دانستن تصاحب تنها میش برادر، گویای برداشت یاد شده است.

ص: 387

1- آثار تبدیل ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 37 - 8، 5، 2

2_ جا به جا کردن ماه های حرام ، مایه فزونی درجه کفرِ کفرمداران

إنما النسىء زیاده فی الکفر

5_ جا به جایی ماه های حرام ، عاملی در جهت گمراهی کافران

إنما النسىء . . . یضل به الذین کفروا

8_ نتیجه جا به جا شدن ماه های حرام از سوی عرب های جاهلی ، چیزی جز حلال شمردن حرام الهی نبود .

فیحلوا ما حرّم اللّٰه

2- آثار گردش ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 5

5_ حرکت منظم ماه در مدار خود و منازل آن (هلال ، تربیع ، بدر و . . .) وسیله ای مطمئن برای شمارش ماه و سال و محاسبه امور زندگی انسانهاست .

والقمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب

3- آثار هتک حرمت ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 9

9_ شکستن حرمت ماه های حرام (پرداختن به جنگ در آن) ، ظلم به خویش و جامعه بشری است .

فلا تظلموا فیهن أنفسکم

4- آشامیدن در شبهای ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 20

20 - خوردن و آشامیدن در شب های رمضان تا طلوع فجر جایز است .

كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر

5- آمیزش در شبهای ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 1,2,5,7,11,13,19

1 - آمیزش با همسران در برهه ای از عصر بعثت ، حتی در شب های ماه رمضان ، بر روزه داران حرام بود .

أحل لكم ليلة الصيام الرفث إلى نسائكم

«رفث» به سخنی که در معنای آمیزش و ترغیب به آن صراحت دارد گفته می شود و در آیه شریفه کنایه از خود آمیزش است (اقتباس از مفردات راغب). متعدی شدن آن به «إلی» و نیز جمله «فالآن باشروهن» قرینه بر این معنای کنایی است. جمله «کنتم تختانون» که حکایت از تحقق تمرد دارد و نیز مفهوم «فالآن باشروهن» دلالت بر این دارند که آمیزش در شبهای رمضان حرام بوده است.

2 - حرمت آمیزش با همسران در شب های رمضان پس از مدتی نسخ شده و این عمل حلال گشت .

أحل لكم ليلة الصيام الرفث إلى نسائكم .. فالن بشروهن

5 - نیاز جنسی زن و شوهر به یکدیگر از حکمت های حلیت آمیزش جنسی در شب های رمضان

أحل لكم ليلة الصيام الرفث إلى نسائكم هن لباس لكم و أنتم لباس لهن

جمله «هن لباس لكم ..» بیانگر حکمت و دلیل اعلام حلیت (أحل لكم ...) است.

7 - بسیاری از مسلمانان صدر اسلام به حرمت آمیزش در شب های ماه رمضان اعتنا نکرده و نافرمانی می کردند .

علم الله أنكم كنتم تختانون أنفسكم

بدیهی است که همه مسلمانان مرتکب خلاف نشدند. بنابراین، مخاطب قرار دادن همه آنان با جمله «کنتم تختانون...» گویای این است که تعداد متخلفان اندک نبوده است.

11 - نافرمانی مسلمانان و نادیده گرفتن حرمت آمیزش در شب های رمضان ، از زمینه های نسخ آن حکم بود .

أحل لكم . . . علم الله أنكم كنتم تختانون أنفسكم فتاب عليكم وعفا عنكم

جمله «علم الله . . .» نیز همانند «هن لباس لكم . . .» بیان حکمت و دلیل جعل حلّیت آمیزش در شبهای ماه رمضان (أحل لكم . . .) است.

13 - تحقق عینی و ملموس شدن دشواری پرهیز از آمیزش جنسی ، از علل حکم الهی به حلّیت آن در شب های رمضان

علم الله أنكم كنتم تختانون أنفسكم فتاب عليكم وعفا عنكم

چنانچه گذشت، جمله «علم الله . . .» (خدا دانست که شما به خود خیانت کردید) از علل نسخ حرمت آمیزش است و از آن جا که خداوند پیش از تحقق وقایع و حوادث، بدانها علم دارد؛ مقصود از «علم الله . . .» تحقق معلوم در خارج است. بنابراین علت نسخ حرمت، تحقق تمرّد و خیانت است نه علم و آگاهی پیشین خداوند به آن.

19 - جواز مباشرت جنسی با همسران در شب های رمضان ، از ابتدای شب تا طلوع فجر است .

فالن بشروهن . . . حتی يتبين لكم الخيط الأبيض

ص: 389

قید «از ابتدای شب تا طلوع فجر» در این برداشت، مبتنی بر این است که «حتی یتیین» غایت برای «باشروهن» نیز باشد.

6- ابراهیم (ع) و ماه پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 13

13_ عن الرضا(ع): إن إبراهيم(ع) وقع إلى ثلاثة اصناف ... صنف يعبد القمر ... «فلما رأى القمر بازغا قال هذا ربي» على الإنكار والاستخيار ...

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. ابراهیم(ع) با سه گروه برخورد کرد ... گروهی که ماه را می پرستیدند ... «پس آنگاه که ماه را تابان دید»، به عنوان استفهام انکاری گفت: «این پروردگار من است» ...

7- ابراهیم (ع) و ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 3

3_ بزرگتر بودن خورشید از ماه، بهانه ابراهیم(ع) برای عدول از ماه پرستی و تظاهر به پرستش خورشید

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربي هذا أكبر

8- احراز حلول ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 13، 14

13 - وجوب روزه ماه رمضان مشروط به احراز حلول این ماه است و احتمال حلول ماه کافی نیست .

فمن شهد منكم الشهر فليصمه

«شهود» و «شهادت» (مصدر شهد) به معنای حضور داشتن و بر اثر آن چیزی را دیدن و یا فهمیدن است (اقتباس از مفردات راغب). بنابراین «فمن شهد منكم الشهر ...»؛ یعنی، هر کسی آن ماه را دریابد و به آن آگاه شود و یقین حاصل کند ... کافی نبودن احتمال حلول ماه، از مفهوم این جمله به دست می آید.

14 - در وجوب روزه، علم و احراز شخصی به حلول ماه رمضان کافی است .

فمن شهد منكم الشهر فليصمه

کلمه «منکم» می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

9- احکام ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 390

5_ اعطای آزادی سیر و سیاحت به مشرکان پیمان شکن ، در چهار ماه حرام از سال (ذیقعدہ ، ذیحجه ، محرم و رجب)

فسیحوا فی الارض اربعه أشهر

توصیف «أربعه أشهر» به «الاشهر الحرم» (در آیه 5) می تواند قرینه باشد بر این که: مراد از «أربعه أشهر» همان چهار ماه حرام معروف (ذیقعدہ، ذیحجه، محرم و رجب) است ؛ یعنی با الغای اعتبار پیمان صلح و برداشته شدن امان از مشرکان، آنان تنها در ماههای حرام، آزادی رفت و آمد و سیر و سیاحت خواهند داشت.

6_ در ماه های حرام ، سلب امنیت از دشمن پیمان شکن ، ممنوع است . *

فسیحوا فی الارض اربعه أشهر

تفریع «فسیحوا فی الأرض» بر «براءه من اللّٰه ورسوله» با حرف «فاء»، می تواند اشاره به این نکته باشد که: تعرض به دشمن در چهار ماه از سال، ممنوع است و خداوند بر اساس همین قانون، مشرکان را در این چهار ماه آزاد می گذارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 3

3_ جنگ ، سلب کردن امنیت دشمن و ممانعت از سیر و سیاحت آنان در ماه های حرام ، ممنوع است .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 10

10_ حرمت آغاز جنگ در ماه های حرام و جواز جنگ های دفاعی و مقابله به مثل در برابر هجوم مشرکان

منها اربعه حرم .. فلا تظلموا فيهن أنفسكم و قتلوا المشركين كافة كما يقتلونكم

حرمت ماههای حرام، مقتضی ترک جنگ در آن ماههاست ؛ ولی چون ممکن است دشمن این حرمت را رعایت نکند، خداوند در این صورت تکلیف حرمت را از مسلمانان برداشته و فرموده که همانند آنان، شما نیز بجنگید.

10- استفاده از ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- رام و مسخر بودن خورشید ، ماه ، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است .

و مسخر لكم الیل و النهار و الشمس و القمر

6- بهره بردن آدمی از شب ، روز ، ماه و خورشید متفاوت با بهره بردن او از ستارگان است .

مسخر لكم .. الشمس ... و النجوم مسخرت بأمره

با توجه به اینکه خداوند در رابطه با تسخیر شب، روز، ماه و خورشید لفظ «سخر لكم» را به کار برد، ولی برای تسخیر ستارگان لفظ «مسخرات بأمره» را بدون لفظ «لكم» آورد، مطلب فوق به دست می آید.

ص: 391

11- امنیت در ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 6

6_ در ماه های حرام ، سلب امنیت از دشمن پیمان شکن ، ممنوع است . *

فسیحوا فی الارض أربعه أشهر

تفریع «فسیحوا فی الأرض» بر «براءه من اللّٰه ورسوله» با حرف «فاء»، می تواند اشاره به این نکته باشد که: تعرض به دشمن در چهار ماه از سال، ممنوع است و خداوند بر اساس همین قانون، مشرکان را در این چهار ماه آزاد می گذارد.

12- انشقاق ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 1 - 7,9

7- «شق القمر» ، از نشانه های نزدیکی هر چه بیشتر وقوع قیامت

اقتربت الساعه و انشق القمر

9- رخداد «شق القمر» ، نمودی از تحولات مهم جهان در آستانه قیامت *

اقتربت الساعه و انشق القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «انشق القمر» از آن جهت در پی «اقتربت الساعه» یاد شده باشد که انسان ها بدانند همان گونه که در عصر پیامبر «شق القمر» صورت گرفت، این گونه تحولات عظیم در آستانه قیامت نیز رخ خواهد داد.

13- انقیاد ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 5,15

5_ خورشید و ماه مقهور خدا و رام فرمان اویند .

سخر الشمس و القمر

«تسخیر» (مصدر سخر) به معنای رام کردن و غلبه یافتن است.

15_ نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت .. لعلمکم بقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله «الله الذی ..» توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله «لعلمکم ...» نیز «لعلمکم بقاء الله» آورده شود. این تعویض؛ یعنی، آوردن «ربکم» به جای «الله» می رساند که مقصود اصلی از توصیف «الله» به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید، ماه، ستارگان، کوه ها، درختان و جنبندگان برای خدا

ص: 392

ألم تر أن الله يسجد له من في السموات و من في الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

14- انقیاد ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 6

6 - خورشید و ماه ، مقهور و مسخر (تحت فرمان) خداوندند .

و سخر الشمس و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 3

3 - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او

و سخر الشمس و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 6

6 - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او هستند .

و سخر الشمس و القمر

15- اول ماه صفر سال دهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 1

1_ هلال ماه صفر سال دهم هجرت ، آغاز اجرای فرمان کشتن و منع عبور و مرور مشرکان و سلب آزادی سیر و سیاحت از آنان

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين

توصیف «الأشهر» به «الحرم» حاکی از این است که: منظور از «أربعة أشهر» در آیه دوّم (فسيحوا في الأرض أربعة أشهر) ماههای حرام

سال؛ یعنی، رجب، ذیقعدہ، ذیحجہ و محرّم است. بر این مبنا «ال» در «الأشهر» برای عهد حضوری می باشد؛ یعنی هنگامی که این سه ماه حرام _ که اکنون با اعلام پیام برائت در روز حج اکبر مصادف شده است _ پایان یافت، مشرکان را بکشید. گفتنی است که پایان آن سه ماه، مساوی با آغاز ماه صفر سال دهم هجرت بود.

16- اهمیت خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 393

4 - خلقت خورشید شگرف تر و شایان توجه تر از آفرینش ماه *

و من آیته ... الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم نام خورشید بر قمر، اشاره به اهمیت بیشتر آن در منظومه شمسی و شناخت اجرام آسمانی باشد.

17- اهمیت روزه ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 183 - 11

11 - حفص بن غیاث نخعی می گوید: « سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: ان شهر رمضان لم يفرض الله صيامه على أحد من الأمم قبلنا، فقلت له: فقول الله عز وجل « يا أيها الذين آمنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم » قال: انما فرض الله صيام شهر رمضان على الأنبياء دون الأمم ففضل به هذه الأمة ... » ;

از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: روزه ماه رمضان بر هیچ یک از امتهای پیشین واجب نبوده است. به آن حضرت عرض کردم: خداوند در قرآن می فرماید: «ای افرادی که ایمان آورده اید، روزه بر شما نوشته شد همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد». حضرت فرمودند: روزه ماه رمضان، تنها بر پیامبران آن امتها واجب بوده نه خود امتها و خداوند با واجب کردن روزه رمضان بر امت اسلام، آنان را (بر دیگر امتها) برتری داد ... ».

18- اهمیت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 3

3 - ماه تابان و خورشید فروزنده ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

مالکم لاترجون لله وقارًا ... و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 32 - 3

3 - ماه ، از پدیده های عظیم و با اهمیت برای زندگی بشر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که سوگند خداوند به چیزی، نشانگر اهمیت آن است.

19- بدر ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 18 - 2

ص: 394

2- ماه، آفریده ای با عظمت و بدر بودن، برجسته ترین حالت های آن است.

و القمر إذا اتسق

«إذا» در «إذا اتسق»، قسم را به حالت خاصی از قمر اختصاص می دهد، در این موارد «إذا» ظرف برای «کائناً» شمرده می شود که محذوف است و حال مقدره برای «القمر» به حساب می آید.

20- بی حرمتی به ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 98 - 12، 2

2_ شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام، موجب عقاب شدید از سوی خداوند

جعل الله الكعبة البيت الحرام .. اعلموا ان الله شديد العقاب

با توجه به آیه قبل معلوم می شود، از جمله کسانی که به عقاب شدید تهدید شده اند کسانی هستند که با مضامین و احکام مطرح شده در آیه قبل مخالفت کنند. برداشت فوق به گروهی از آنان اشاره دارد و در برداشتهای بعدی دیگر موارد منعکس خواهد شد.

12_ شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام و اعراض کنندگان از حکم قربانی نباید از رحمت و مغفرت الهی مأیوس باشند.

جعل الله الكعبة البيت الحرام .. ان الله شديد العقاب و ان الله غفور رحيم

21- بی منطقی ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 5

5- پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من آى ته .. لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

22- پاسداری از قداست ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8_ پاسداری از حرمت کعبه و ماه های حرام عامل بهره مندی از مغفرت و رحمت الهی

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس . . . وإن الله غفور رحيم

آیه قبل نشان دهنده مصادیقی است که از مغفرت و رحمت الهی بهره مند می شوند و از جمله آنان کسانی هستند که حرمت

ص: 395

کعبه و ماههای حرام را پاس می دارند. در برداشتهای بعدی دیگر مصادیق آن منعکس خواهد شد.

23- پرسش از هلال ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 1

1 - پرسش مکرر مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره چگونگی شکل گیری هلال های متفاوت ماه

یسئلونک عن الأهله

به کارگیری فعل مضارع «یسئلون» حکایت از تکرار سؤال دارد و آوردن آن با صیغه جمع، دلالت بر تعدد سؤال کنندگان می کند. «أهله» جمع هلال است و مقصود از آن هلالهای ماه می باشد.

24- پیدایش نور ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 4

4 - پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق، تاریکی شب و نور ماه)، نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

فلا أقسم .. لتركبنّ طبقاً عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

25- تاریخ خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 3

3 - تقدم خلقت خورشید بر ماه *

و من ءایته .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم ذکر «شمس» بر «قمر» ناظر به مطلب بالا باشد.

26- تاریخ ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 1

1 - ماه پرستی، از آینه‌های رایج زمان حضرت ابراهیم(ع)

ص: 396

27- تبدیل ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 37 - 1,6,7,11,12

1_ جا به جا کردن ماه حرام و ماه حلال (انتقال دادن حرمت ماه محرم به ماه صفر و حلیت ماه صفر به محرم) از کار های نادرست عرب های جاهلی

إنما النسئء زیاده فی الکفر

برای عربهای جاهلی که با داشتن خوی جنگ طلبی و غارتگری، تحمل ترک جنگ در سه ماه متوالی (ذیقعد، ذیحجه و محرم) بسیار شاق و دشوار بود، به زعم خود، ماههای محرم و صفر را پس و پیش می کردند؛ یعنی، در ماه محرم الحرام می جنگیدند و در ماه صفر متارکه جنگ داشتند؛ سال بعد دوباره محرم را به جای خود بر می گرداندند و به این کار «نسیء» (تأخیر انداختن) می گفتند.

6_ « نسیء » ، حلال شمردن یکی از ماه های حرام در یک سال و حرام شمردن همان ماه در سال دیگر است .

إنما النسئء . . . یحلونه عاماً و یحرّمونه عاماً

7_ پایبندی عرب های جاهلی به تعداد ماه های حرام ، علی رغم جا به جا کردن آنها

لبواطئوا عده ما حرّم الله

11_ « نسیء » ، (جا به جا کردن ماه های حلال و حرام) ، از اعمال زشت عرب های جاهلی و کاری پسندیده و زیبا در دیدگاه آنان

إنما النسئء زیاده فی الکفر . . . زین لهم سوء أعملهم

12_ « عن رسول الله فی قوله تعالی « یحلونه عاماً و یحرّمونه عاماً » کانوا یحرّمون المحرم عاماً و یستحلون صفر و یحرّمون صفر عاماً و یستحلّون المحرم . . . »

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره آیه فوق روایت شده است: [کافران] یک سال، محرم را ماه حرام و صفر را حلال و یک سال، صفر را ماه حرام و محرم را حلال می شمردند.

28- تحلیل حرمت ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 37 - 6

6_ « نسیء » ، حلال شمردن یکی از ماه های حرام در یک سال و حرام شمردن همان ماه در سال دیگر است .

إنما النسیء .. یحلونه عاماً و یحرمونه عاماً

29- تداوم حرکت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 397

9 - ابراهیم - 14 - 33 - 2

2- خورشید و ماه دارای حرکتی با روال مشخص و وضعیتی همیشگی

و سَخِرَ لِكُمُ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ

«دائِبِينَ» تشبیه «دَائِب» و از ریشه «دَاب» و به معنای عادت و روال همیشگی است (مفردات راغب).

30- تداوم حرکت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 7

7 - حرکت منظم و بی وقفه خورشید و ماه

و سَخَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي

فعل مضارع «یجری»، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

31- تداوم گردش ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 4

4 - حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

و سَخَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي

فعل مضارع «یجری»، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

32- تسخیر ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 11

11_ آفرینش آسمان های متعدد و رفیع ، تسخیر خورشید و ماه ، از نشانه های توان و اقتدار خدا و یکتایی او در تدبیر هستی است .

یفصّل الأیت

جمله های «الله الذی رفع السموت . . .» حاکی است که متعلق «آیات» اقتدار خداوند ، سلطه او بر هستی و تدبیر آفرینش است ; یعنی: «یفصل الآيات الداله على قدرته و...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 33 - 1,4,5

1- خداوند ، رام سازنده خورشید و ماه برای بهره برداری انسان

و سخیر لكم الشمس والقمر دائین

ص: 398

4- رام کردن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، دلیل توحید خداوند

الله الذی خلق .. و سَخَّرَ لَکُم الشَّمْسَ و الْقَمَرَ دَائِبَیْنِ و سَخَّرَ لَکُم الَّیْلَ و النَّهَارَ

5- رام بودن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق .. و سَخَّرَ لَکُم الشَّمْسَ و الْقَمَرَ دَائِبَیْنِ و سَخَّرَ لَکُم الَّیْلَ و النَّهَارَ

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن مشوق بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله «إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ» در آیه بعد مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 12 - 7، 2، 1

1- خداوند شب ، روز ، خورشید و ماه را برای آدمیان رام و مسخر ساخته است .

هو الذی .. و سَخَّرَ لَکُم الَّیْلَ و النَّهَارَ و الشَّمْسَ و الْقَمَرَ

2- رام و مسخر بودن خورشید ، ماه ، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است .

و سَخَّرَ لَکُم الَّیْلَ و النَّهَارَ و الشَّمْسَ و الْقَمَرَ

7- رام و مسخر بودن شب ، روز ، خورشید ، ماه و ستارگان نشانه هایی از خدا و نمونه هایی از قدرت اوست .

و سَخَّرَ لَکُم الَّیْلَ و النَّهَارَ و الشَّمْسَ و الْقَمَرَ .. إِنَّ فِی ذَٰلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 61 - 5، 4، 1

1 - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألْتَهُمْ مِنْ خَلْقِ السَّمَوَاتِ و الْأَرْضِ و سَخَّرَ الشَّمْسَ و الْقَمَرَ لَیَقُولَنَّ اللَّهُ

4 - خورشید و ماه ، از سوی خداوند ، رام و مسخر شده اند .

من .. و سَخَّرَ الشَّمْسَ و الْقَمَرَ لَیَقُولَنَّ اللَّهُ

5 - انکار آیات خدا و ایمان به باطل ، از سوی مشرکان ، به رغم باور آنان بر خالقیت خدا و تسخیر خورشید و ماه از سوی او ، امری

شگفت آور است .

وما يجحد بآي_تنا إلا الك_فرون . . . وقالوا لولا أنزل عليه آي_ت ... و الذين ءا

33- تسخير ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 20، 9

9- مسخر ورام بودن ماه و خورشید ، از آیه های خداوند است .

ألم تر أن الله . . . وسخر الشمس والقمر

20 - توجه ژرف به گردش شب و روز و رام بودن و در مدار مشخص بودن خورشید و ماه ، انسان را به قابل فهم بودن آگاهی خداوند از اعمال انسان ها ، رهنمون می کند .

ألم تر . . . و أن الله بما تعملون خبير

«أن الله بما . . . عطف بر «أن الله يولج . . .» است. بنابراین، ارتباط «أن الله . . .» با فراز قبلی هم روشن می شود و آن این است

ص: 399

که هر کس چنان ساخت و سازی را ببیند، خواهد فهمید که خداوند، به کردار انسان ها آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 10

10 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت والأرض ... کلّ یجری لأجل مسمیّ ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ... گویای برداشت یاد شده است.

34- تظاهر ابراهیم(ع) به ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 2,3

2_ ابراهیم(ع) در مقام مجادله با تظاهر به ماه پرستی به ابطال آن پرداخت.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربی فلما أفل

3_ تظاهر ابراهیم(ع) به ماه پرستی و مجادله با ماه پرستان به هنگام تابندگی آن بوده است.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربی

«بزوغ» به معنای طلوع و تابش است. (لسان العرب). راغب نیز در ماده «بزغ» و در شرح آیه مورد بحث گوید: «ای طالعا منتشر الضوء».

بنابراین سخن ابراهیم(ع) با ماه پرستان در اوایل و یا اواخر ماه نبوده، بلکه به هنگام تابش آن بوده است.

35- تعبیر رؤیای سجده ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 9

9_ خضوع و سجود ستارگان ، ماه و خورشید برای انسان در رؤیا ، نشان برگزیده شدن و دستیابی او به علم و دانش است .

إنی رأیت أحد عشر کوكبًا .. کذلک یجتیبک ربک و یعلمک

36- تعقل در خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 6, 5, 4

4 - سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا كيف خلق الله... و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

5 - اندیشه در چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او

ص: 400

ألم تروا كيف .. و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

6- نوح (ع)، قومش را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی آفرینش ماه و خورشید، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد.

ألم تروا كيف .. و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

37- جذب ماه توسط خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 9 - 1

1- در آستانه برپایی قیامت، کره ماه بهوسیله خورشید جذب و بلعیده خواهد شد.

و جمع الشمس و القمر

38- جنگ در ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 217 - 18، 16، 11، 10، 9

9_ در نظر خداوند، جلوگیری از راه خدا و کفر به او، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است.

عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و کفر به .. اکبر

بنابراینکه «صد عن سبيل الله»، مبتدا و «اکبر»، خبر آن باشد.

10_ در نظر خداوند، جلوگیری از ورود به مسجدالحرام، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است.

الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله .. و المسجد الحرام.

بنابراینکه «و المسجد الحرام»، عطف بر «سبيل الله» باشد و «صدّ»، مبتدا و «اکبر»، خبر آن باشد. یعنی: «و صدّ عن سبيل الله و صدّ عن

المسجد الحرام ... اکبر»

11_ در نظر خداوند، بیرون راندن و آواره ساختن ساکنان مکه، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است.

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه اكبر .. و اخراج اهله منه اكبر

16_ اقدام برخی از مسلمین (عبدالله بن جحش و همراهان او) به جنگ با کفار مکه در ماه حرام

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير

در شأن نزول آیه آمده که عبدالله بن جحش و همراهان او در ماه رجب به گروهی از کفار که دارای مال التجاره بودند، حمله بردند و آنان را کشته و یا اسیر کردند. (مجمع البیان و دیگر تفاسیر).

18_ جنگ در ماه های حرام ، موجب بازداشتن مردمان از راه خداوند و بازداری آنان از مسجدالحرام و کفر به خداست .

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و كفر به و

بنابراینکه «و صدّ عن سبيل الله»، عطف بر «كبير» باشد: یعنی قتال فيه، صدّ عن سبيل الله و كفر به.

19_ گناه فتنه انگیزی ، بزرگتر از آدم کشی در ماه های حرام است .

قل قتال فيه كبير . . . و الفتنه اكبر من القتل

الف و لام در «القتل»، عهد است ؛ یعنی قتل در ماههای حرام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 218 - 10

10_ آموزش گناه مجاهدانی از صدر اسلام که در ماه حرام با کفار جنگیدند . (عبدالله بن جحش و همراهان او)

ان الذین امنوا و الذین هاجروا

به دلیل شأن نزول، از مصادیق اولی آیه، عبدالله بن جحش و یاران او هستند که پس از هجرت از مدینه به سوی نخله، با دشمن درگیر شدند و آنان را کشتند و یا اسیر کردند.

39- حاکم ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 10

10_ تدبیر امور عالم تنها در خور برافرازنده آسمانها ، سلطه دار عرش ، و اختیاردار خورشید و ماه است .

الله الذی رفع السموت . . . یدبر الأمر

در ترکیب «الله الذی . . .» دو وجه گفته شده است: 1_ «الله» مبتدا و «الذی» صفت آن است و جمله «یدبر الأمر» خبر برای «الله». 2_ «الله» مبتدا و «الذی» خبر آن است. برداشت فوق از هر دو وجه استفاده می شود، اگرچه بنابر وجه دوم دلالت آیه بر برداشت فوق صریح تر و روشن تر است.

40- حرکت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 15, 6

6_ آسمانها، عرش، خورشید و ماه تا سرآمدی معین در حرکتند .

کل یجری لأجل مسمی

مضاف الیه محذوف از کلمه «کل» ضمیری است که به «السموت»، «عرش»، «شمس» و «قمر» باز می گردد. «مسمی» یعنی مشخص و معین. «اجل» در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دو مین معناست. گفتنی است که بر این مبنا «لام» در «لأجل» به معنای «الی» خواهد بود.

15_ نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها ، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت . . . لعلکم بقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله «الله الذی . . .» توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله «لعلکم . . .» نیز «لعلکم بقاء الله» آورده شود. این تعویض ؛ یعنی، آوردن «ربکم» به جای «الله» می رساند که مقصود اصلی از توصیف «الله» به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیت اوست.

ص: 402

41- حرمت ماه ذیحجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 5 - 2

2_ چهار ماه از سال (رجب ، ذیقعدہ ، ذیحجه و محرم) ماه های حرام است .

فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر . . . فإذا انسلخ الأشهر الحرم

42- حرمت ماه ذیقعدہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 5 - 2

2_ چهار ماه از سال (رجب ، ذیقعدہ ، ذیحجه و محرم) ماه های حرام است .

فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر . . . فإذا انسلخ الأشهر الحرم

43- حرمت ماه ربیع الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 5 - 20

20_ « عن أبي جعفر (ع) في قول الله: « فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم » قال: هي يوم النحر إلى عشر مضين من شهر ربیع الآخر؛

از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند «فإذا انسلخ الأشهر الحرم . . .» روایت شده است: ماههای حرام، از روز عید قربان است تا ده روز از ماه ربیع الآخر بگذرد».

44- حرمت ماه رجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 5 - 2

2_ چهار ماه از سال (رجب ، ذیقعدہ ، ذیحجه و محرم) ماه های حرام است .

فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر . . . فإذا انسلخ الأشهر الحرم

45- حرمت ماه محرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 2

2_ چهار ماه از سال (رجب ، ذیقعدہ ، ذیحجه و محرم) ماه های حرام است .

ص: 403

فسيحوا في الأرض أربعه أشهر . . . فإذا انسلخ الأشهر الحرم

46- حرمت ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 194 - 3،4

3 - کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند .

الشهر الحرام بالشهر الحرام

4 - ضرورت دفاع از کیان اسلام و مسلمانان ، حکمی مهمتر از حفظ احترام ماه های حرام و حرام بودن جنگ در آن ماهها

الشهر الحرام بالشهر الحرام

47- حفظ حرمت ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 8،13،16

8 - نهی الهی از شکستن حرمت ماه های حرام

منها أربعه حرم . . . فلا تظلموا فيهن أنفسكم

13 - نگهداری حرمت ماه های حرام و رعایت تقوا در مقابله به مثل با دشمنان جنگ طلب در آن ماه ها ، مورد تأکید و عنایت خداوند

فلا تظلموا فيهن أنفسكم . . . و اعلموا أن الله مع المتقين

16 - تقوا ، زمینه ساز رعایت حرمت ماه های حرام و بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی

منها أربعه حرم . . . فلا تظلموا فيهن أنفسكم . . . و اعلموا ان الله مع المتقين

48- خالق ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 33 - 1

1- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذى خلق الليل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - فصلت - 41 - 37 - 9

9 - خداوند ، آفريدگار شب و روز و خورشيد و ماه

و من آى ته .. الذى خلقهنّ

ص: 404

49- خسوف ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 8 - 1

1 - بی فروغ شدن ماه ، در آستانه برپایی قیامت

و خسف القمر

50- خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 10

10 _ خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . . . و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه «الشمس» و ما بعد آن، عطف به «السموت» است.

51- خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 4

4- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الیل . . . کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 7

7 _ آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی ، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً . . . ما خلق الله ذلك إلا بالحق

«حق» در مقابل «باطل» (بیهوده) است ؛ یعنی، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف

خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 7,9,10

7_ خداوند در آسمان ها ، ماه تابان را آفرید .

جعل فی السماء .. قمرًا منيرًا

9_ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

ص: 405

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . وقمرًا منیرًا

10 - آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . وقمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 10، 8، 6

6 - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (الله)

والله خلقکم من تراب . . . ثم جعلکم أزواجًا . . . و ما یتوی البحران . . . و سخر ال

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

8 - آفرینش جهان (انسان ، دریا ، خورشید و ماه) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

الله خلقکم من تراب . . . و ما یتوی البحران . . . و سخر الشمس و القمر . . . ذلکم ال

10 - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

والله خلقکم من تراب . . . و ما یتوی البحران . . . و سخر الشمس و القمر . . . له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 20، 18

18 - آفرینش جهان (آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده . . . ذلکم الله ربکم

20 - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . . . له الملک

52- خوردن در شبهای ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 20

20 - خوردن و آشامیدن در شب های رمضان تا طلوع فجر جایز است .

كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر

53- درهم پیچیدگی ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 1 - 5

5 - « عن النبي (صلى الله عليه وآله) قال : الشمس و القمر مكوران يوم القيامة ;

از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد».

ص: 406

54- دعا در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 186 - 15

15 - ماه رمضان ، زمان مناسب برای دعا به درگاه خداوند

شهر رمضان ... و إذا سألك عبادي عني فإني أجيب دعوه الداع

برداشت فوق بیانگر وجه ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل است.

55- دعا در ماه محرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 38 - 16

16 _ دعای زکریا و تقاضای نسلی پسندیده از خداوند ، در روز اول محرم

هنا لك دعا زكريا ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة

امام رضا (ع) به شخصی که اول محرم به حضور آن حضرت رسید فرمود: ان هذا اليوم هو اليوم الذي دعا فيه زكريا (ع) ربه عز وجل فقال

رب هب لي من لدنك ذرية طيبة . . .

عيون اخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 299، ح 58؛ امالی صدوق، ص 112، ح 5، مجلس 17.

56- دهم ماه ذیحجه نهم هجری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 3 - 6

3 _ دهم ذیحجه سال نهم هجرت ، روز ابلاغ پیام برائت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عموم مردم حاضر در مراسم حج

و أذن من الله ورسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر

بر اساس نظر مفسران، سال نهم هجرت، سال اعلام برائت است و بر پایه روایاتی که از ائمه معصومین (ع) رسیده است، روز حج اکبر،

دهم ذیحجه است.

6_ دهم ذیحجه سال نهم هجرت ، آغاز قطع کامل روابط مسلمانان با مشرکان و تحریم همه جانبه آنان از سوی خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

يوم الحج الأكبر أن الله برىء من المشركين ورسوله

ص: 407

57- ردّ ربوبیت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 6

6_ افول پذیری و پنهان شدن ماه، برهانی بر دخیل نبودن آن در ربوبیت عالم است.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربی فلما أفل قال لئن لم یهدنی ربی

58- ردّ ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 3

3_ بزرگتر بودن خورشید از ماه، بهانه ابراهیم(ع) برای عدول از ماه پرستی و تظاهر به پرستش خورشید

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی هذا أكبر

59- روزه ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 12,37

12 - روزه ماه رمضان بر هر فرد مسلمانان واجب است .

فمن شهد منكم الشهر فليصمه

37 - فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده: « فان قال : فلم جعل الصوم فی شهر رمضان خاصه دون سایر الشهور؟ قيل لأن شهر رمضان هو الشهر الذى أنزل الله فيه القرآن وفيه فرّق بين الحق والباطل كما قال الله عز وجل « شهر رمضان الذى أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان » وفيه نبىء محمد (صلى الله عليه وآله) وفيه ليله القدر التى هى خير من ألف شهر . . . »

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده «شهر رمضان الذى أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان». در این ماه حضرت محمد(صلى الله عليه وآله) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ...».

60- سجده ماه

1 - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من فى السموت و من فى الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

61- سجده ماه بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 4 - 1, 2

1- یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

ینی رأیت أحد عشر كوكبًا والشمس والقمر رأيتهم لي س-جدین

2- یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأيتهم لي س-جدین

ضمیر «هم» و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

4- ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

ینی رأیت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لي س-جدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأیت» به دست آورد.

62- سجده ماه در رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 4

4- ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

ینی رأیت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لي س-جدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأیت» به دست آورد.

63- سوگند به ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 32 - 2

2 - سوگند خداوند به ماه

والقمر

64- شب بیست و سوم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 409

11 - « عن زرارہ عن أبي جعفر (ع) قال : سألتہ عن لیلہ القدر قال : هی احدى و عشرين أو ثلاث و عشرين ;

زارارہ گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است».

65- شب بیست و هفتم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - « عن ابن عمر قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : التمسوا لیلہ القدر لیلہ سبع و عشرين ;

از ابن عمر روایت شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: شب قدر را در شب بیست و هفتم بخواهید».

66- شب بیست و یکم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - « عن زرارہ عن أبي جعفر (ع) قال : سألتہ عن لیلہ القدر قال : هی احدى و عشرين أو ثلاث و عشرين ;

زارارہ گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است».

67- شب بیستوسوم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- « عن أبي عبد الله (ع) : . . . إذا كانت لیلہ ثلاث و عشرين (من رمضان) « فيها يفرق كل أمر حكيم » . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: . . . هرگاه شب بیست سوم رمضان فرارسد، هر کار با حکمتی فیصله می یابد» . . .

68- شعور ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه، خورشید و ستارگان بر او، سجده ای از سر شعور و آگاهی است.

رأیتهم لی سـجدین

ضمیر «هم» و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

ص: 410

69- عظمت طلوع ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 2 - 4

4 - ماه و ظهور آن پس از غروب خورشید، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

70- عظمت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 32 - 3

3 - ماه، از پدیده های عظیم و با اهمیت برای زندگی بشر

و القمر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که سوگند خداوند به چیزی، نشانگر اهمیت آن است.

71- عظمت ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 18 - 2

2 - ماه، آفریده ای با عظمت و بدر بودن، برجسته ترین حالت های آن است.

و القمر إذا اتسق

«إذا» در «إذا اتسق»، قسم را به حالت خاصی از قمر اختصاص می دهد، در این موارد «إذا» ظرف برای «كائناً» شمرده می شود که محذوف است و حال مقدره برای «القمر» به حساب می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 2 - 4

4 - ماه و ظهور آن پس از غروب خورشید، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

72- عظمت ماه رمضان

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

1 - بقرہ - 2 - 185 - 5

ص: 411

5- ماه رمضان ، ماهی دارای عظمت و قداستی خاص

کتب علیکم الصیام .. شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

73- عمر ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 8

8_ عمر آسمان ها و خورشید و ماه (جهان آفرینش) محدود و تمام شدنی است .

کل یجری لأجل مسَمَّی

74- غروب ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 6

6_ افول پذیری و پنهان شدن ماه، برهانی بر دخیل نبودن آن در ربوبیت عالم است.

فلما رءا القمر بازغا قال هذا ربی فلما أفل قال لئن لم یهدنی ربی

75- فرجام گردش ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 11

11 - جریان خورشید و ماه ، دارای پایانی حتمی و مشخص _ و نه ابدی و نامعلوم _ است .

و سَخَّرَ الشمس و القمر کلّ یجری إلى أجل مسَمَّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 5

5- حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سَخَّرَ الشمس و القمر کلّ یجری لأجل مسَمَّی

76- فرجام ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 16

16 - مرحله به پایان رسیدن جریان خورشید و ماه، قابل مشاهده و رؤیت برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود . *

ص: 412

ألم تر أن الله . . . وسخر الشمس والقمر كل يجري إلى أجل مسمى

برداشت بالا، مبتنی بر این نکته است که خطاب «ألم تر» اختصاص به پیامبر(صلی الله علیه و آله) داشته باشد و «كل يجري..» حال برای «الشمس والقمر» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 8

8 - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سخر الشمس والقمر كل يجري لأجل مسمى

77- فلسفه حرکت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 7

7_ حرکت آسمانها، عرش، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

كل يجري لأجل مسمى

برداشت فوق بر این اساس است که «لأجل» به معنای مدت باشد. بر این اساس «لام» در «لأجل» به معنای غایت و هدف است.

78- فلسفه خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 2

2 - ایجاد تقویمی طبیعی و میزانی برای سنجش زمان ، از اهداف آفرینش ماه و پیدایش آن به صورت های مختلف

قل هي موقيت للناس

«مواقیت» (جمع میقات) است و میقات به زمان یا مکانی گفته می شود که برای انجام فعل تعیین می گردد. (لسان العرب)

79- فلسفه روزه ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نزول قرآن در ماه رمضان ، دلیلی برای انتخاب این ماه برای روزه گرفتن

شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

توصیف ماه رمضان به اینکه قرآن در آن نازل شده، پس از بیان احکام روزه و تعیین این ماه برای روزه داری، می تواند اشاره به آن باشد که:
علت تعیین ماه رمضان برای روزه گرفتن، نزول قرآن در این ماه است.

ص: 413

80- فلسفه ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 18، 7

7_ حرمت ماه های چهارگانه ، در راستای مصالح جامعه و مایه قوام و استواری آن

منها أربعه حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن أنفسكم

18_ از امام باقر (ع) روایت شده است : « . . . ما خلق الله بقعه في الأرض أحب إليه من ها _ ثم أومىء بيده نحو الكعبه _ . . . ل ها حرم الله الاشهر الحرم فى كتابه . . . ثلاثه متواليه للحج : شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه و شهر مفرد للعمرة و هو رجب ;

. . . خداوند هیچ بقعه ای را خلق نفرموده که برای او محبوب تر از این باشد _ و با دست خویش به کعبه اشاره فرمود _ [و افزود] به احترام این کعبه، خداوند در قرآن ماههای حرام را محترم شمرد. سه ماه متوالی برای حج: شوال، ذی قعدة و ذی حجه و یک ماه رجب، جدا برای عمره [مفرد]».

81- فلسفه هلال ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 2

2- ایجاد تقویمی طبیعی و میزانی برای سنجش زمان ، از اهداف آفرینش ماه و پیدایش آن به صورت های مختلف

قل هي موقيت للناس

«مواقیت» (جمع میقات) است و میقات به زمان یا مکانی گفته می شود که برای انجام فعل تعیین می گردد. (لسان العرب)

82- فلک ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 40 - 3

1 - هر یک از خورشید و ماه _ در قرارگاه ویژه خود _ دور از هم در حرکتند و هرگز با هم تلاقی نخواهند کرد .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار

مقصود از نرسیدن خورشید به ماه (لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر)، به قرینه آیات پیشین _ که درباره حرکت خورشید و ماه به سوی

قرارگاه ویژه خود بود _ این است که آن دو کره در دو مسیر مجزا در حرکت بوده و به دور از هم قرار دارند و هرگز باهم تلاقی نخواهند کرد.

3 - خورشید و ماه ، در مداری به سرعت و شتابان در حرکت اند .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرك القمر . . . و کلّ فی فلک یسبحون

«سبح» (مصدر «یسبحون») به معنای حرکت سریع در آب و هوا است (مفردات راغب) و مقصود از «فلک» مدار حرکت ماه و خورشید و ستارگان است.

ص: 414

83- فواید ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 97 - 10, 11, 7, 5

5_ نقش کعبه و ماه های حرام در قوام و ثبات جوامع منوط به حفظ حرمت آنها از سوی انسان ها است .

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

7_ ماه های حرام و قربانی های بی نشان و بانشان حج ، دارای نقشی خاص در قوام و برپایی جوامع

جعل الله الكعبة . . . قيماً للناس و الشهر الحرام و الهدى و القلند

الشهر الحرام و ما بعد آن عطف بر «الكعبة» و در حقیقت آنها نیز مفعول اول برای «جعل» می باشند و مفعول دوم آن یعنی «قيماً للناس» به قرینه ماقبل حذف شده است.

10_ نقش اساسی تر کعبه در قوام جامعه نسبت به ماه های حرام و قربانی حج

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس و الشهر الحرام و الهدى و القلند

تقدیم ذکری کعبه و نیز حذف «قيماً للناس» نسبت به «الشهر الحرام . . .» اشاره به این دارد که نقش ماههای حرام و قربانی حج و ... در قوام جوامع بواسطه کعبه می باشد.

11_ آگاهی انسان ها به علم گسترده خداوند ، از اهداف بیان نقش کعبه و ماه های حرام و قربانی در قوام جامعه

جعل الله . . . ذلك لتعلموا إنّ الله يعلم ما فى السموت و ما فى الارض

«ذلك» می تواند اشاره به بیان مطالب یاد شده باشد، یعنی خداوند فلسفه ایجاد کعبه و نیز احکام مربوط به آن را بیان کرد تا انسانها بدانند افعال خداوند و احکام او عالمانه و دارای اهدافی والاست و این را نشان و علامتی از علم گسترده خداوند بشمارند.

84- فواید هلال ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 4

4- از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

85- قانونمندی خلقت ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 5 - 1

1 - حاکمیت نظم، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس والقمر بحسبان

«حسبان» معادل «حساب» است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

ص: 415

86- قانونمندی گردش ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 40 - 1

1 - هر یک از خورشید و ماه _ در قرارگاه ویژه خود _ دور از هم در حرکتند و هرگز با هم تلاقی نخواهند کرد .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار

مقصود از نرسیدن خورشید به ماه (لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر)، به قرینه آیات پیشین _ که درباره حرکت خورشید و ماه به سوی قرارگاه ویژه خود بود _ این است که آن دو کره در دو مسیر مجزا در حرکت بوده و به دور از هم قرار دارند و هرگز باهم تلاقی نخواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 5 - 3,2

2 - حرکت قانون مند خورشید و ماه ، نمودی از رحمت و نعمت الهی

الرحمن .. الشمس و القمر بحسبان

3 - توجه به قانون مندی خورشید و ماه ، پیامدار درس توحید برای انسان

الرحمن .. الشمس و القمر بحسبان

آغاز سوره با وصف «الرحمان»، در مقام نمایاندن جلوه های الهی به انسان است که از آن جمله، قانون مندی خورشید و ماه است.

87- قانونمندی گردش ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 10

10 - نظام روز و شب و جریان خورشید و ماه ، دارای طرحی مشخص _ و نه پدیده ای تصادفی _ است .

یولج الیل .. و سخر الشمس و القمر کلّ یجری الی أجل مسّمی

88- قانونمندی ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بی توجّهی به آیه خداوند بودن نوسان شب و روز و قانون مند بودن خورشید و ماه ، مورد سرزنش خداوند است .

ألم تر أنّ الله يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل

«ألم تر» در آیه، استفهام انکاری بوده و نکته یاد شده را می رساند.

ص: 416

89- قداست ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 97 - 3.5

3_ لزوم حفظ حرمت کعبه و ماه های حرام

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس و الشهر الحرام

5_ نقش کعبه و ماه های حرام در قوام و ثبات جوامع منوط به حفظ حرمت آنها از سوی انسان ها است .

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 98 - 2،12

2_ شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام ، موجب عقاب شدید از سوی خداوند

جعل الله الكعبة البيت الحرام .. اعلموا ان الله شديد العقاب

با توجه به آیه قبل معلوم می شود، از جمله کسانی که به عقاب شدید تهدید شده اند کسانی هستند که با مضامین و احکام مطرح شده در آیه قبل مخالفت کنند. برداشت فوق به گروهی از آنان اشاره دارد و در برداشتهای بعدی دیگر موارد منعکس خواهد شد.

12_ شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام و اعراض کنندگان از حکم قربانی نباید از رحمت و مغفرت الهی مأیوس باشند .

جعل الله الكعبة البيت الحرام .. ان الله شديد العقاب و ان الله غفور رحيم

90- قدمت ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 6

6_ وجود چهار ماه حرام در میان ماه های سال ، حکمی الهی و دارای سابقه در ادیان پیشین

منها أربعة حرم ذلك الدين القيم

«قیم» که به معنای ثابت و استوار است، می تواند به ریشه دار بودن این حکم در ادیان پیشین اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 2، 1

1 - اداره نظام عالم با گردش همواره شب و روز و جریان دائمی خورشید و ماه، برخاسته از حق محض بودن خداوند است.

ألم تر أنّ الله يولج الليل . . . ذلك بأنّ الله هو الحقّ

2 - نوسان های مداوم شب و روز، حرکت منظم و قانون مند خورشید و ماه، آگاهی خداوند به اعمال انسان ها، بر حق محض بودن او دلالت دارد.

ألم تر أنّ الله يولج الليل . . . ويولج النهار . . . وسخر الشمس و . . . وأنّ اللّ

ص: 417

«ذلک بأنّ اللّٰه . . .» می تواند در جایگاه نتیجه برای دلیل های یاد شده باشد.

92- گردش ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 39 - 1

1 - ماه ، سیاره ای که به سمت و سوی منزل های معین در حال حرکت است .

و القمر قدرنَه منازل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 40 - 3

3 - خورشید و ماه ، در مداری به سرعت و شتابان در حرکت اند .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر . . . و کلّ فی فلک یسبحون

«سبح» (مصدر «یسبحون») به معنای حرکت سریع در آب و هوا است (مفردات راغب) و مقصود از «فلک» مدار حرکت ماه و خورشید و ستارگان است.

93- گردش ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 2

2- هر یک از خورشید و ماه ، در مدار مخصوص به خود در حال حرکت است .

کلّ فی فلک یسبحون

«فلک» به معنای مدار ستارگان و «سبح» و «سباحه» به معنای شنا کردن است (لسان العرب) و (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 4

4_ حرکت منظم ماه در مدار خود و منازل آن (هلال ، تربیع ، بدر و . . .) آیت و نشانه ربوبیت خداست .

و القمر نوراً و قدره منازل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 17، 5

5 - جریان مستمر و دقیق و حساب شده خورشید و ماه، به تدبیر الهی است .

و سَخَّرَ الشمس و القمر کلّ یجری إلى أجل مسمّی

17 - خورشید و ماه، در مدار سالانه معینی است که با آن، سال شمسی و قمری به وجود می آید . *

و سَخَّرَ الشمس و القمر کلّ یجری إلى أجل مسمّی

احتمال دارد مراد از «أجل مسمّی» به قرینه «ألم تر» آخر سال شمسی و قمری باشد که خورشید، از نقطه فلکی برج

ص: 418

فرضی، در آغاز سال شروع می کند و در پایان یک سال، به آن نقطه می رسد و ماه نیز از نقطه ای شروع می کند و به همان مدار در طول یک سال می رسد.

94- ماه (گردون) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 1

1 - « شب و روز » و « خورشید و ماه » ، از آیات و نشانه های خداوند است .

و من ءای-ته الیل والنهار والشمس والقمر

95- ماه پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 1

1 _ ماه پرستی، از آینه های رایج زمان حضرت ابراهیم(ع)

فلما رءا القمر بازغا قال هذا ربی

96- ماه پرستی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 6

6 - وجود گرایش های خورشیدپرستی و ماه پرستی ، در میان مردم عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

مطلب بالا با توجه به این نکته است که نهی در موردی معنا دارد که زمینه ارتکاب منهی عنه وجود داشته باشد.

97- ماه پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 4

4_ مردم زمان ابراهیم ماه را «رب» و آن را مؤثر در امور خود می پنداشتند.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربي

جمله «هذا ربي»، که در مقام مجادله حضرت ابراهیم(ع) با قومش بیان شده، اشاره به یکی از اعتقادات باطل آنان دارد که همان پندار ربوبیت برای ماه است.

ص: 419

98- ماه های حرام در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 6

6_ وجود چهار ماه حرام در میان ماه های سال ، حکمی الهی و دارای سابقه در ادیان پیشین

منها أربعه حرم ذلك الدين القيم

«قیّم» که به معنای ثابت و استوار است، می تواند به ریشه دار بودن این حکم در ادیان پیشین اشاره داشته باشد.

99- ماه های حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 194 - 3

3 - کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند .

الشهر الحرام بالشهر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 37 - 7

7_ پایبندی عرب های جاهلی به تعداد ماه های حرام ، علی رغم جا به جا کردن آنها

لبواطئوا عده ما حرّم الله

100- مدت حرکت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 8

8 - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سخر الشمس و القمر کلّ یجری لأجل مسمّی

101- مسافرت در ماه رمضان

36 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «اذا دخل شهر رمضان فليله فيه شرط، قال الله تعالى: «فمن شهد منكم الشهر فليصمه» فليس للرجل إذا دخل شهر رمضان أن يخرج إلا في حج أو عمره أو مال يخاف تلفه أو أخ يخاف هلاكه...»؛

هنگامی که ماه رمضان وارد شد پس برای خدا در این ماه شرطی است. خداوند تعالی می فرماید: «فمن شهد منكم الشهر

فلیصمه» پس شخص هنگام رمضان نباید مسافرت کند مگر برای حج، یا عمره، یا مالی که ترس از تلف آن دارد، یا برادری [دینی] که ترس از هلاکت او دارد ...».

102- مشرق ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 4

4- خداوند، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص، برای هر یک از ماه و خورشید

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن «المشرقین» و «المغربین»، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

103- مغرب ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 4

4- خداوند، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص، برای هر یک از ماه و خورشید

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن «المشرقین» و «المغربین»، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

104- مکان استقرار ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 8

8_ خداوند در برج ها و منزلگاه های آسمانی، ماه تابان را قرار داد.

بروجًا و جعل فیها... قمرًا منیرًا

105- منازل ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 39 - 3

1 - ماه ، سیاره ای که به سمت و سوی منزل های معین در حال حرکت است .

و القمر قدرنَه منازل

ص: 421

3- ماه، پس از طی منزل های خود در 28 روز، مانند شاخه خشکیده خرما می شود.

و القمر قدرنَه منازل حتّی عاد کالعرجون القدیم

«عرجون» (از ماده «عرجن») به معنای شاخه خوشه خرما است که از درخت جدا شده باشد و پس از چندی زرد گشته و به شکل هلال درآمده باشد. گفتنی است صفت «قدیم» اشاره به پژمردگی و کهنگی آن شاخه دارد.

106- منشأ تسخیر ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 6

6- خورشید و ماه، مسخر خدا و رام اراده او هستید.

و سخر الشمس و القمر

107- منشأ گردش ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 39 - 2

2- حرکت ماه به سمت و سوی منزل های خود، به تقدیر و تدبیر خدا است.

و القمر قدرنَه منازل

108- منشأ نور ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 2

2- مایه و سرچشمه نور خورشید، از درون خود آن و نور ماه از بیرون آن است.

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

مطلب یاد شده از تعبیر «سراج» (چراغ) درباره خورشید و «نور» در مورد «ماه» استفاده می شود؛ زیرا نور «خورشید» - مانند چراغ - از درون خودش می چوشد. اما نور «ماه» از درون خودش نیست؛ بلکه مانند بازتابی که از آینه منعکس می شود، از نور خورشید است.

109- منشأ نور ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 2 - 3

3 - نور ماه، تابع نور خورشید است . *

ص: 422

جانشین بودن ماه برای خورشید و نه عکس آن، بیانگر فرع بودن نور ماه است.

110- ناپسندی ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 5

5- پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءای ته .. لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

111- نزول قرآن در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 37, 2

2- قرآن، در ماه رمضان نازل شده است.

شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

3- نزول قرآن در ماه رمضان، دلیلی برای انتخاب این ماه برای روزه گرفتن

شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

توصیف ماه رمضان به اینکه قرآن در آن نازل شده، پس از بیان احکام روزه و تعیین این ماه برای روزه داری، می تواند اشاره به آن باشد که: علت تعیین ماه رمضان برای روزه گرفتن، نزول قرآن در این ماه است.

37- فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده: « فان قال: فلم جعل الصوم فی شهر رمضان خاصه دون سایر الشهور؟ قيل لأن شهر رمضان هو الشهر الذی أنزل فیہ القرآن و فیہ فرق بین الحق و الباطل كما قال الله عز و جل « شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان » و فیہ تبیء محمد (صلی الله علیه و آله) و فیہ ليله القدر التي هی خیر من ألف شهر . . . »

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده «شهر رمضان

الذی أنزل فیہ القرآن هدًی للناس و بینات من الهدی و الفرقان». در این ماه حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ...».

112- نظم ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 423

4_ خورشید و ماه تحت حاکمیت همه جانبه و دقیق نظم و حساب و برنامه قرار دارند.

والشمس والقمر حسبانا

برداشت فوق بر این مبناست که جمله «جعل .. الشمس والقمر حسبانا» از باب مبالغه باشد، مانند «زید عدل» یعنی خورشید و ماه عین حساب و برنامه هستند. این بیان گویای آن است که هیچ ذره ای از ذرات و حرکتی از حرکات و ... از حساب خارج نیست.

5_ شکافته شدن صبح، آرامش شب و نظم و حساب خورشید و ماه، بر اساس برنامه ریزی خداوند عزیز و داناست.

فالق الإصباح .. ذلك تقدير العزيز العليم

113- نظم ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 5 - 1

1 - حاکمیت نظم، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس والقمر بحسبان

«حسبان» معادل «حساب» است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

114- نظم ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 4

4 - حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

وسخر الشمس والقمر کلّ یجری

فعل مضارع «یجری»، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

115- نعمت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11_ ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نعمت های الهی برای انسان ها است .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . قمرًا منیرًا

برداشت فوق، به خاطر این است که آیه شریفه، ضمن آن که بیانگر قدرت خدا است، می تواند در صدد امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان ها نیز باشد.

ص: 424

116- نقش سال و ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 6

6_ سال و ماه قمری ، معیار محاسبات امور شرعی

و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنين و الحساب

117- نقش ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 96 - 3

3_ خداوند خورشید و ماه را وسیله ای برای محاسبه زمان و اندازه گیری آن قرار داده است.

و الشمس و القمر حسابنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 33 - 10

10- دریا ها ، رودخانه ها ، خورشید ، ماه و شب و روز ، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیاز های انسان

و سخّر لكم الفلك . . . و سخّر لكم الأنهار . و سخّر لكم الشمس و القمر دائبین و

118- نور ماه از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 3

3- محو شدن نور ماه در شب و روشنگری خورشید ، دو نشانه از نشانه های خداست .

فمحونا آیه الیل و جعلنا آیه النهار مبصره

این برداشت بنابراین است که منظور از «آیه اللیل» ماه و «آیه النهار» خورشید باشد.

119- نورانی کننده ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 1

1 _ تنها خداست که خورشید را فروزان و ماه را تابان قرار داده است .

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً

ص: 425

120- نورانیت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 1

1 - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

121- نورانیت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 2

2_ فروزندگی خورشید و تابندگی ماه ، جلوه هایی از ربوبیت و تدبیر خدا نسبت به اهل زمین

إن ربکم اللّٰه .. هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً

122- وقت غسل در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 15

15 - در صورت مباشرت با همسران ، در شب های رمضان ، باید پیش از طلوع فجر غسل کرد . *

فالن بشروهن و ابتغوا ما کتب اللّٰه لکم .. حتّٰی یتین لکم الخیط الأبیض

برخی از مفسران بر آنند که مراد از «ما کتب اللّٰه» تحصیل طهارت است؛ چنانچه در سوره مائده (آیه 6) آمده است: «وإن کنتم جنباً فاطهروا .. أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیداً طیباً».

123- ویژگیهای خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 1

1 - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

124- ویژگیهای دهم ماه ذیحجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 3 - 5

5_ دهم ذیحجه ، روز برگزاری بزرگترین مناسک حج

ص: 426

125- ویژگیهای شب بیست و سوم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 10 - 1 - 97

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنّ الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلك إلاّ في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإنّ في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى و عشرين يفرق كلّ أمر حكيم و في ليله ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله : « خير من ألف شهر » ؛

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر».

126- ویژگیهای شب بیست و یکم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 10 - 1 - 97

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنّ الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلك إلاّ في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإنّ في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى و عشرين يفرق كلّ أمر حكيم و في ليله ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله : « خير من ألف شهر » ؛

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر».

127- ویژگیهای شب نوزدهم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 427

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنَّ الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلك إلا في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإنَّ في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى و عشرين يفرق كلُّ أمر حكيم و في ليله ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلَّ جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله : « خير من ألف شهر » ؛

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلَّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر».

128- ویژگیهای ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 5، 2، 1

1 - ماه رمضان ، ماهی که برای روزه گرفتن تعیین شده است .

کتب علیکم الصیام .. آیاماً معدودت ... شهر رمضان

«شهر رمضان» خبر برای مبتدای محذوف؛ یعنی، «هی» است که به «آیاماً معدودات» بر می گردد.

2 - قرآن ، در ماه رمضان نازل شده است .

شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

5 - ماه رمضان ، ماهی دارای عظمت و قداستی خاص

کتب علیکم الصیام .. شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 186 - 15

15 - ماه رمضان ، زمان مناسب برای دعا به درگاه خداوند

شهر رمضان . . . و إذا سألك عبادي عني فإني أجيب دعوة الداع

برداشت فوق بیانگر وجه ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل است.

129- هتک ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 5

5_ هتک حرمت ماه های حرام، هدی (قربانی بی نشان حج) و قلائد (قربانی با نشان حج)، حرام و گناه است.

لاتحلوا . . . و لا الشهر الحرام و لا الهدی و لا القلند

ص: 428

«قلائد» جمع قلاده به معنای گردنبند است و مراد از آن گوسفند، شتر و گاوی است که به منظور قربانی کردن در حج، علامتی را بر گردن آن می‌آویزند. و لفظ «الشهر الحرام» اگر چه مفرد است ولی مراد از آن جنس است. بنابراین شامل تمامی ماههای حرام می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 99 - 5

5 - بی‌اعتنایی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه‌های حرام به دور از چشم مردم، پدیدار و آشکار در محضر خداوند

والله يعلم ما تبون و ما تکتمون

از مصادیق مورد نظر برای «ما تکتمون» - با توجه به آیات قبل - افعال و رفتاری است که در برداشت به آنها اشاره شد.

130 - هشتم ماه ذیحجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 3 - 5

5 - « [فی المجمع] وقيل الشفع يوم الترويه والوتر يوم عرفه و روی ذلك عن أبي جعفر و أبي عبدالله (ع) ;

[در مجمع البيان آمده است:] گفته شده که شفع روز ترویه (هشتم ذی‌الحجه) و وتر روز عرفه است و این مطلب از امام باقر و امام صادق (ع) روایت شده است.

131 - هلال ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 39 - 4

4 - ماه در شب اول هر ماه قمری، به شکل هلال رؤیت می‌شود.

و القمر قدرنَه منازل حتى عاد كالعرجون القديم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از «عاد كالعرجون القديم» بازگشت ماه (پس از طی منازل خود در مدت 28 روز و نیز در دو روز در محاق بودنش) و ظاهر شدن آن در شب اول هر ماه باشد که به صورت هلال رؤیت می‌گردد.

ماه (قمر)

132- انشاق ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 1 - 7،9

7- « شق القمر » ، از نشانه های نزدیکی هر چه بیشتر وقوع قیامت

اقتربت الساعة و انشق القمر

ص: 429

9- رخداد «شق القمر»، نمودی از تحولات مهم جهان در آستانه قیامت *

اقتربت الساعة و انشق القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «انشق القمر» از آن جهت در پی «اقتربت الساعة» یاد شده باشد که انسان ها بدانند همان گونه که در عصر پیامبر «شق القمر» صورت گرفت، این گونه تحولات عظیم در آستانه قیامت نیز رخ خواهد داد.

133- بدر ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 18 - 2

2- ماه، آفریده ای با عظمت و بدر بودن، برجسته ترین حالت های آن است.

و القمر إذا اتسق

«إذا» در «إذا اتسق»، قسم را به حالت خاصی از قمر اختصاص می دهد، در این موارد «إذا» ظرف برای «كائناً» شمرده می شود که محذوف است و حال مقدّمه برای «القمر» به حساب می آید.

134- پیدایش نور ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 4

4- پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق، تاریکی شب و نور ماه)، نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

فلا أقسم .. لتركبن طبقاً عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

135- درهم پیچیدگی ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 1 - 5

5 - « عن النبي (صلى الله عليه وآله) قال : الشمس و القمر مكوران يوم القيامة ;

از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد».

136- عظمت طلوع ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 430

4 - ماه و ظهور آن پس از غروب خورشید ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

137- عظمت ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 18 - 2

2 - ماه ، آفریده ای با عظمت و بدر بودن ، برجسته ترین حالت های آن است .

و القمر إذا اتسق

«إذا» در «إذا اتسق»، قسم را به حالت خاصی از قمر اختصاص می دهد، در این موارد «إذا» ظرف برای «كائناً» شمرده می شود که محذوف است و حال مقدره برای «القمر» به حساب می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 2 - 4

4 - ماه و ظهور آن پس از غروب خورشید ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

138- فلک ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 40 - 3، 1

1 - هر یک از خورشید و ماه _ در قرارگاه ویژه خود _ دور از هم در حرکتند و هرگز با هم تلاقی نخواهند کرد .

لا الشمس ينبغى لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار

مقصود از نرسیدن خورشید به ماه (لا الشمس ينبغى لها أن تدرک القمر)، به قرینه آیات پیشین _ که درباره حرکت خورشید و ماه به سوی قرارگاه ویژه خود بود _ این است که آن دو کره در دو مسیر مجزا در حرکت بوده و به دور از هم قرار دارند و هرگز باهم تلاقی نخواهند کرد.

3 - خورشید و ماه ، در مداری به سرعت و شتابان در حرکت اند .

لا الشمس ينبغى لها أن تدرك القمر . . . وکلّ في فلک یسبحون

«سبح» (مصدر «یسبحون») به معنای حرکت سریع در آب و هوا است (مفردات راغب) و مقصود از «فلک» مدار حرکت ماه و خورشید و ستارگان است.

139- قانونمندی خلقت ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 431

1 - حاکمیت نظم ، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس و القمر بحسبان

«حسبان» معادل «حساب» است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

140- قانون مندی گردش ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 40 - 1

1 - هر یک از خورشید و ماه _ در قرارگاه ویژه خود _ دور از هم در حرکتند و هرگز با هم تلاقی نخواهند کرد .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار

مقصود از نرسیدن خورشید به ماه (لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر)، به قرینه آیات پیشین _ که درباره حرکت خورشید و ماه به سوی قرارگاه ویژه خود بود _ این است که آن دو کره در دو مسیر مجزا در حرکت بوده و به دور از هم قرار دارند و هرگز باهم تلاقی نخواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 5 - 2,3

2 - حرکت قانون مند خورشید و ماه ، نمودی از رحمت و نعمت الهی

الرحمن... الشمس و القمر بحسبان

3 - توجه به قانون مندی خورشید و ماه ، پیامدار درس توحید برای انسان

الرحمن... الشمس و القمر بحسبان

آغاز سوره با وصف «الرحمان»، در مقام نمایاندن جلوه های الهی به انسان است که از آن جمله، قانون مندی خورشید و ماه است.

141- گردش ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 39 - 1

1 - ماه ، سیاره ای که به سمت و سوی منزل های معین در حال حرکت است .

و القمر قدرنَه منازل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 40 - 3

3 - خورشید و ماه ، در مداری به سرعت و شتابان در حرکت اند .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر . . . و کلّ فی فلک یسبحون

«سبح» (مصدر «یسبحون») به معنای حرکت سریع در آب و هوا است (مفردات راغب) و مقصود از «فلک» مدار حرکت ماه

ص: 432

و خورشید و ستارگان است.

142- مشرق ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 4

4 - خداوند ، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص ، برای هر یک از ماه و خورشید

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن «المشرقین» و «المغربین»، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

143- مغرب ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 4

4 - خداوند ، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص ، برای هر یک از ماه و خورشید

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن «المشرقین» و «المغربین»، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

144- منازل ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 39 - 1، 3

1 - ماه ، سیاره ای که به سمت و سوی منزل های معین در حال حرکت است .

و القمر قدرنَه منازل

3 - ماه ، پس از طی منزل های خود در 28 روز ، مانند شاخه خشکیده خرما می شود .

و القمر قدرنَه منازل حتّی عاد کالعرجون القديم

«عرجون» (از ماده «عرجن») به معنای شاخه خوشه خرما است که از درخت جدا شده باشد و پس از چندی زرد گشته و به شکل هلال درآمده باشد. گفتنی است صفت «قدیم» اشاره به پڑمردگی و کهنگی آن شاخه دارد.

145- منشأ گردش ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 433

15 - پس - 36 - 39 - 2

2 - حرکت ماه به سمت و سوی منزل های خود ، به تقدیر و تدبیر خدا است .

و القمر قدرنَه منازل

146- منشأ نور ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 2 - 3

3 - نور ماه ، تابع نور خورشید است . *

و القمر إذا تليها

جانشین بودن ماه برای خورشید و نه عکس آن، بیانگر فرع بودن نور ماه است.

147- نظم ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 5 - 1

1 - حاکمیت نظم ، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس و القمر بحسبان

«حسبان» معادل «حساب» است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

148- هلال ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 39 - 4

4 - ماه در شب اول هر ماه قمری ، به شکل هلال رؤیت می شود .

و القمر قدرنَه منازل حتّى عاد كالعرجون القديم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از «عاد كالعرجون القديم» بازگشت ماه (پس از طی منازل خود در مدت 28 روز و

نیز در دو روز در محاق بودنش) و ظاهر شدن آن در شب اول هر ماه باشد که به صورت هلال رؤیت می گردد.

ماه (گردون)

149- آثار گردش ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 5

ص: 434

5_ حرکت منظم ماه در مدار خود و منازل آن (هلال ، تربیع ، بدر و . . .) وسیله ای مطمئن برای شمارش ماه و سال و محاسبه امور زندگی انسانهاست .

و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب

150- انقیاد ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 6

6 - خورشید و ماه ، مقهور و مسخر (تحت فرمان) خداوندند .

و سخر الشمس و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 3

3 - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او

و سخر الشمس و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 6

6 - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او هستند .

و سخر الشمس و القمر

151- اهمیت خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 4

4 - خلقت خورشید شگرف تر و شایان توجه تر از آفرینش ماه *

و من آى ته . . الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم نام خورشید بر قمر، اشاره به اهمیت بیشتر آن در منظومه شمسی و شناخت اجرام آسمانی باشد.

152- تاریخ خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 3

3 - تقدم خلقت خورشید بر ماه *

ص: 435

و من آءِ ته .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم ذکر «شمس» بر «قمر» ناظر به مطلب بالا باشد.

153- تداوم حرکت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 7

7- حرکت منظم و بی وقفه خورشید و ماه

و سَخَّرَ الشمس و القمر کلّ یجری

فعل مضارع «یجری»، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

154- تداوم گردش ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 4

4- حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

و سَخَّرَ الشمس و القمر کلّ یجری

فعل مضارع «یجری»، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

155- تسخیر ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 20، 9

9- مسَخَّر و رام بودن ماه و خورشید ، از آیه های خداوند است .

ألم تر أنّ الله .. و سَخَّرَ الشمس و القمر

20- توجه ژرف به گردش شب و روز و رام بودن و در مدار مشخص بودن خورشید و ماه ، انسان را به قابل فهم بودن آگاهی خداوند از

اَعْمال انسان ها ، رهنمون می کند .

ألم تر . . . و أن الله بما تعملون خبير

«أن الله بما..» عطف بر «أن الله يولج...» است. بنابراین، ارتباط «أن الله...» با فراز قبلی هم روشن می شود و آن این است که هر کس چنان ساخت و سازی را ببیند، خواهد فهمید که خداوند، به کردار انسان ها آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 10

10 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

ص: 436

خلق السموات والأرض... كل يجري لأجل مسمى ألا هو العزيز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و...، گویای برداشت یاد شده است.

156- خالق ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 9

9 - خداوند، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من آیته... الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 1

1- تنها خداوند، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است.

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

157- خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 7

7_ آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء والقمر نوراً... ما خلق الله ذلك إلا بالحق

«حق» در مقابل «باطل» (بیهوده) است؛ یعنی، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 10، 9، 7

7_ خداوند در آسمان ها، ماه تابان را آفرید.

جعل فی السماء .. قمرًا منیرًا

9_ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . وقمرًا منیرًا

10_ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . وقمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

ص: 437

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 10، 8، 6

6 - آفرینش جهان هستی چون انسان، دریا، خورشید و ماه، از نشانه های خدای حقیقی (الله)

و الله خلقکم من تراب... ثم جعلکم أزواجًا... و ما یستوی البحران... و سخر ال

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

8 - آفرینش جهان (انسان، دریا، خورشید و ماه)، جلوه ای از ربوبیت خدا است.

الله خلقکم من تراب... و ما یستوی البحران... و سخر الشمس و القمر... ذلکم ال

10 - آفرینش انسان، دریا، خورشید و ماه، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است.

و الله خلقکم من تراب... و ما یستوی البحران... و سخر الشمس و القمر... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 20، 18

18 - آفرینش جهان (آسمان، زمین، خورشید، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است.

خلق السموت و الأرض... خلقکم من نفس وحده... ذلکم الله ربکم

20 - آفرینش آسمانها، زمین، خورشید، ماه و انسان، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است.

خلق السموت و الأرض... له الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 4

4 - آفرینش شب و روز و خورشید و ماه، نشانی از توحید ربوبی است.

و هو الذی خلق الیل... کلّ فی فلک یسبحون

158 - فرجام گردش ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - جریان خورشید و ماه ، دارای پایانی حتمی و مشخص - و نه ابدی و نامعلوم - است .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 5

5 - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى

ص: 438

159- فرجام ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 16

16 - مرحله به پایان رسیدن جریان خورشید و ماه ، قابل مشاهده و رؤیت برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود . *

ألم تر أنّ الله... وسخّر الشمس والقمر كلّ يجرى إلى أجل مسمّى

برداشت بالا، مبتنی بر این نکته است که خطاب «ألم تر» اختصاص به پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشته باشد و «كلّ یجرى..» حال برای «الشمس والقمر» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 8

8 - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

وسخّر الشمس والقمر كلّ یجرى لأجل مسمّى

160- قانونمندی گردش ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 10

10 - نظام روز و شب و جریان خورشید و ماه ، دارای طرحی مشخص _ و نه پدیده ای تصادفی _ است .

یولج الیل... وسخّر الشمس والقمر كلّ یجرى إلى أجل مسمّى

161- قانونمندی ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 2

2 - بی توجهی به آیه خداوند بودن نوسان شب و روز و قانون مند بودن خورشید و ماه ، مورد سرزنش خداوند است .

ألم تر أنّ الله یولج الیل فی النهار و یولج النهار فی الیل

«ألم تر» در آیه، استفهام انکاری بوده و نکته یاد شده را می رساند.

162- گردش ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 4

4_ حرکت منظم ماه در مدار خود و منازل آن (هلال ، تربیع ، بدر و . . .) آیت و نشانه ربوبیت خداست .

و القمر نوراً و قدره منازل

ص: 439

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 17، 5

5 - جریان مستمر و دقیق و حساب شده خورشید و ماه ، به تدبیر الهی است .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

17 - خورشید و ماه ، در مدار سالانه معینی است که با آن ، سال شمسی و قمری به وجود می آید . *

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

احتمال دارد مراد از «أجل مسمی» به قرینه «ألم تر» آخر سال شمسی و قمری باشد که خورشید، از نقطه فلکی برج فرضی، در آغاز سال شروع می کند و در پایان یک سال، به آن نقطه می رسد و ماه نیز از نقطه ای شروع می کند و به همان مدار در طول یک سال می رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 2

2- هر یک از خورشید و ماه ، در مدار مخصوص به خود در حال حرکت است .

كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

«فلک» به معنای مدار ستارگان و «سبح» و «سباحه» به معنای شنا کردن است (لسان العرب) و (قاموس المحيط).

163- ماه (گردون) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 1

1 - « شب و روز » و « خورشید و ماه » ، از آیات و نشانه های خداوند است .

و من ءایـته الیـل و النهار و الشمس و القمر

164- مدت حرکت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 8

8 - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى

165- مکان استقرار ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 8

8_ خداوند در برج ها و منزلگاه های آسمانی ، ماه تابان را قرار داد .

ص: 440

بروجًا و جعل فيهما .. قمرًا منيرًا

166- منشأ تسخير ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 6

6 - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او هستند .

و سخر الشمس و القمر

167- نظم ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 4

4 - حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

و سخر الشمس و القمر کل یجری

فعل مضارع «یجری»، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

168- نورانی کننده ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 1

1_ تنها خداست که خورشید را فروزان و ماه را تابان قرار داده است .

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً

169- نورانیت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 2

2_ فروزندی خورشید و تابندگی ماه ، جلوه هایی از ربوبیت و تدبیر خدا نسبت به اهل زمین

إن ربكم الله . . هو الذى جعل الشمس ضياء و القمر نوراً

ماه پرستی

ص: 441

170- ابراهیم (ع) و ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 3

3_ بزرگتر بودن خورشید از ماه، بهانه ابراهیم (ع) برای عدول از ماه پرستی و تظاهر به پرستش خورشید

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی هذا أكبر

171- بی منطقی ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 5

5 - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءای_ته .. لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

172- تاریخ ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 1

1_ ماه پرستی، از آینههای رایج زمان حضرت ابراهیم (ع)

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربی

173- تظاهر ابراهیم (ع) به ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 2،3

2_ ابراهیم (ع) در مقام مجادله با تظاهر به ماه پرستی به ابطال آن پرداخت.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربي فلما أفل

3_ تظاهر ابراهيم(ع) به ماه پرستی و مجادله با ماه پرستان به هنگام تابندگی آن بوده است.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربي

«بزوغ» به معنای طلوع و تابش است. (لسان العرب). راغب نیز در ماده «بزغ» و در شرح آیه مورد بحث گوید: «ای طالعا منتشر الضوء». بنابراین سخن ابراهیم(ع) با ماه پرستان در اوایل و یا اواخر ماه نبوده، بلکه به هنگام تابش آن بوده است.

ص: 442

174- ردّ ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 3

3_ بزرگتر بودن خورشید از ماه، بهانه ابراهیم(ع) برای عدول از ماه پرستی و تظاهر به پرستش خورشید

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربى هذا أكبر

175- ماه پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 1

1_ ماه پرستی، از آینه‌های رایج زمان حضرت ابراهیم(ع)

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربى

176- ماه پرستی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 6

6- وجود گرایش های خورشیدپرستی و ماه پرستی ، در میان مردم عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

مطلب بالا با توجه به این نکته است که نهی در موردی معنا دارد که زمینه ارتکاب منهی عنه وجود داشته باشد.

177- ماه پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 4

4_ مردم زمان ابراهیم ماه را «رب» و آن را مؤثر در امور خود می پنداشتند.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربى

جمله «هَذَا رَبِّي»، که در مقام مجادله حضرت ابراهیم(ع) با قومش بیان شده، اشاره به یکی از اعتقادات باطل آنان دارد که همان پندار ربوبیت برای ماه است.

178- ناپسندی ماه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 5

ص: 443

5- پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من آءِ-ته . . . لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

ماه جمادی الاخری

179- {ماه جمادی الاخری}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 36 - 17

17_ از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید: «ان عدّه الشهور عند الله اثنا عشر شهراً . . .» روایت شده است: «المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادی الأولى و جمادی الآخره و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه . من ها أربعه حرم ، عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر»

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الاخر، جمادی الاولى، جمادی الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعدة و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر».

ماه جمادی الاولى

180- {ماه جمادی الاولى}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 36 - 17

ماه ذیحجه

181- {ماه ذیحجه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 197 - 21

21_ ماه های حج، شوال، ذی القعدة و ذی الحجه است و در غیر آنها حج صحیح نیست.

امام صادق (ع): «الحج أشهر معلومات» شوال و ذوالقعدة و ذوالحجة ليس لأحد ان يحج في ما سواهن

كافي، ج 4، ص 289، ح 1؛ نورالثقلين، ج 1، ص 193، ح 697.

ص: 444

5_ اعطای آزادی سیر و سیاحت به مشرکان پیمان شکن، در چهار ماه حرام از سال (ذیقعد، ذیحجه، محرم و رجب)

فسیحوا فی الارض اربعه أشهر

توصیف «أربعه أشهر» به «الاشهر الحرم» (در آیه 5) می تواند قرینه باشد بر این که: مراد از «أربعه أشهر» همان چهار ماه حرام معروف (ذیقعد، ذیحجه، محرم و رجب) است؛ یعنی با الغای اعتبار پیمان صلح و برداشته شدن امان از مشرکان، آنان تنها در ماههای حرام، آزادی رفت و آمد و سیر و سیاحت خواهند داشت.

14_ از امیرالمؤمنین (ع) درباره قول خدای عز و جل «فسیحوا فی الارض اربعه أشهر» روایت شده است: «هی عشرون من ذی الحجّه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من ربیع الآخر...»؛

آن چهار ماه، بیست روز از آخر ذیحجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز اول ربیع الآخر است...».

17_ از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید: «ان عدّه الشهور عند الله اثنا عشر شهراً...» روایت شده است: «المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادى الأولى و جمادى الآخرة و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه. من ها اربعه حرم، عشرون من ذی الحجّه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر؛

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الاخر، جمادى الاولى، جمادى الآخرة، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعد و ذی حجّه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجّه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر».

18_ از امام باقر (ع) روایت شده است: «... ما خلق الله بقعه فی الارض أحب إليه من ها - ثم أومیء بیده نحو الكعبه - ... ل ها حرّم الله الا شهر الحرم فی کتابه... ثلاثة متوالیه للحج: شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه و شهر مفرد للعمرة و هو رجب؛

... خداوند هیچ بقعه ای را خلق نفرموده که برای او محبوب تر از این باشد - و با دست خویش به کعبه اشاره فرمود - [و افزود] به احترام این کعبه، خداوند در قرآن ماههای حرام را محترم شمرد. سه ماه متوالی برای حج: شوال، ذی قعد و ذی حجّه و یک ماه رجب، جدا برای عمره [مفرد]».

19_ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که درباره چهار ماه حرام فرمود: «رجب... و ذوالقعدة و ذوالحجه و المحرم...»؛

آن چهار ماه عبارتند از: رجب... و ذی قعد و ذی حجّه و محرم...».

182- حرمت ماه ذیحجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 5 - 2

2_ چهار ماه از سال (رجب ، ذیقعدہ ، ذیحجه و محرم) ماه های حرام است .

فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر . . . فإذا انسلخ الأشهر الحرم

ص: 445

183- دهم ماه ذیحجه نهم هجری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 3 - 3,6

3_ دهم ذیحجه سال نهم هجرت ، روز ابلاغ پیام برائت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عموم مردم حاضر در مراسم حج

و أذن من الله ورسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر

بر اساس نظر مفسران، سال نهم هجرت، سال اعلام برائت است و بر پایه روایاتی که از ائمه معصومین (ع) رسیده است، روز حج اکبر، دهم ذیحجه است.

6_ دهم ذیحجه سال نهم هجرت ، آغاز قطع کامل روابط مسلمانان با مشرکان و تحریم همه جانبه آنان از سوی خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

يوم الحج الأكبر أن الله برىء من المشركين ورسوله

184- ویژگیهای دهم ماه ذیحجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 3 - 5

5_ دهم ذیحجه ، روز برگزاری بزرگترین مناسک حج

يوم الحج الأكبر

185- هشتم ماه ذیحجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 3 - 5

5- « [فی المجمع] وقيل الشفع يوم الترويه و الوتر يوم عرفه و روی ذلك عن أبي جعفر و أبي عبد الله (ع) ؛

[در مجمع البيان آمده است:] گفته شده که شفع روز ترویه (هشتم ذی الحجّه) و وتر روز عرفه است و این مطلب از امام باقر و امام صادق (ع) روایت شده است.

ماه ذیقعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 197 - 21

21_ ماه های حج ، شوال ، ذی القعدة و ذی الحججه است و در غیر آنها حج صحیح نیست .

الحج اشهر معلومات

ص: 446

کافی، ج 4، ص 289، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 193، ح 697.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 5

5_ اعطای آزادی سیر و سیاحت به مشرکان پیمان شکن، در چهار ماه حرام از سال (ذیقعدة، ذیحجه، محرم و رجب)

فسیحوا فی الارض أربعة أشهر

توصیف «أربعة أشهر» به «الاشهر الحرم» (در آیه 5) می تواند قرینه باشد بر این که: مراد از «أربعة أشهر» همان چهار ماه حرام معروف (ذیقعدة، ذیحجه، محرم و رجب) است؛ یعنی با الغای اعتبار پیمان صلح و برداشته شدن امان از مشرکان، آنان تنها در ماههای حرام، آزادی رفت و آمد و سیر و سیاحت خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 17، 18، 19

17_ از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید: «ان عده الشهور عند الله اثنا عشر شهراً . . .» روایت شده است: «المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادی الأولى و جمادی الآخرة و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه . من ها أربعة حرم، عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر؛

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الاخر، جمادی الاولی، جمادی الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعدة و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر».

18_ از امام باقر (ع) روایت شده است: « . . . ما خلق الله بقعه فی الأرض أحب إليه من ها _ ثم أومیء بیده نحو الكعبة _ . . . ل ها حرم الله الاشهر الحرم فی كتابه . . . ثلاثة متوالیه للحج : شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه و شهر مفرد للعمرة و هو رجب ؛

. . . خداوند هیچ بقعه ای را خلق نفرموده که برای او محبوب تر از این باشد _ و با دست خویش به کعبه اشاره فرمود _ [و افزود] به احترام این کعبه، خداوند در قرآن ماههای حرام را محترم شمرد. سه ماه متوالی برای حج: شوال، ذی قعدة و ذی حجه و یک ماه رجب، جدا برای عمره [مفرده]».

19_ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که درباره چهار ماه حرام فرمود: « رجب . . . و ذوالقعدة و ذوالحجه و المحرم . . . ؛

آن چهار ماه عبارتند از: رجب . . . و ذی قعدة و ذی حجه و محرم ...».

187- حرمت ماه ذیقعدة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 2

2_ چهار ماه از سال (رجب ، ذیقعدة ، ذیحجه و محرم) ماه های حرام است .

فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر . . . فإذا انسلخ الأشهر الحرم

ص: 447

188- {ماه ربیع الاخر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 14

14_ از امیرالمؤمنین (ع) درباره قول خدای عز و جل « فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر » روایت شده است: « هی عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من ربیع الآخر . . . » ;

آن چهار ماه، بیست روز از آخر ذیحجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز اول ربیع الآخر است . . . » .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 17

17_ از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید: « ان عدّه الشهور عند الله اثنا عشر شهراً . . . » روایت شده است: « المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادی الأولى و جمادی الآخره و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدہ و ذوالحجه . من ها أربعه حرم ، عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر ;

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الاخر، جمادی الاولى، جمادی الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعدہ و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر» .

189- حرمت ماه ربیع الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 20

20_ « عن أبی جعفر (ع) فی قول الله : « فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم » قال : هی یوم النحر إلى عشر مضین من شهر ربیع الآخر ;

از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند «فإذا انسلخ الأشهر الحرم . . .» روایت شده است: ماههای حرام، از روز عید قربان است تا ده روز از ماه ربیع الآخر بگذرد» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 14

14 _ از امیرالمؤمنین (ع) درباره قول خدای عز و جل « فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر » روایت شده است : « هی عشرون من ذی الحجّه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من ربیع الآخر . . . » ;

آن چهار ماه، بیست روز از آخر ذیحجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز اول ربیع الآخر است . . . » .

ص: 448

17_ از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید: «ان عدّه الشهور عند الله اثنا عشر شهراً...» روایت شده است: «المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادى الأولى و جمادى الآخرة و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه . من ها أربعة حرم ، عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر ؛

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الاخر، جمادى الاولى، جمادى الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعدة و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر».

ماه رجب

191- {ماه رجب}

5_ اعطای آزادی سیر و سیاحت به مشرکان پیمان شکن ، در چهار ماه حرام از سال (ذیقعدة ، ذیحجه ، محرم و رجب)

فسیحوا فی الارض أربعة أشهر

توصیف «أربعة أشهر» به «الاشهر الحرم» (در آیه 5) می تواند قرینه باشد بر این که: مراد از «أربعة أشهر» همان چهار ماه حرام معروف (ذیقعدة، ذیحجه، محرم و رجب) است ؛ یعنی با الغای اعتبار پیمان صلح و برداشته شدن امان از مشرکان، آنان تنها در ماههای حرام، آزادی رفت و آمد و سیر و سیاحت خواهند داشت.

17_ از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید: «ان عدّه الشهور عند الله اثنا عشر شهراً...» روایت شده است: «المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادى الأولى و جمادى الآخرة و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه . من ها أربعة حرم ، عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر ؛

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الاخر، جمادى الاولى، جمادى الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعدة و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر».

18_ از امام باقر (ع) روایت شده است: «... ما خلق الله بقعه في الأرض أحب إليه من ها_ ثم أومىء بيده نحو الكعبة_... ل ها
حرّم الله الأشهر الحرم في كتابه... ثلاثه متواليه للحج: شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه و شهر مفرد للعمرة و هو رجب;

... خداوند هیچ بقعه ای را خلق نفرموده که برای او محبوب تر از این باشد_ و با دست خویش به کعبه اشاره فرمود_ [و افزود] به احترام
این کعبه، خداوند در قرآن ماههای حرام را محترم شمرد. سه ماه متوالی برای حج: شوال، ذی قعدة و ذی حجه و یک ماه رجب، جدا برای
عمره [مفرد]».

ص: 449

19_ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که درباره چهار ماه حرام فرمود: « رجب . . . و ذوالقعدة و ذوالحجه و المحرم . . . »؛

آن چهار ماه عبارتند از: رجب . . . و ذی قعدة و ذی حجه و محرم . . . ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 41 - 9

9_ « عن أبي عبدالله (ع) : إن نوحاً (ع) ركب السفينة أول يوم من رجب . . . »؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: حضرت نوح اول ماه رجب بر کشتی سوار شد. . .».

192- حرمت ماه رجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 2

2_ چهار ماه از سال (رجب ، ذیقعدة ، ذیحجه و محرم) ماه های حرام است .

فسيحوا في الأرض أربعة أشهر . . . فإذا انسلخ الأشهر الحرم

ماه رمضان

193- {ماه رمضان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 17

17_ از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید: « ان عدہ الشهور عند الله اثنا عشر شهراً . . . » روایت شده است: « المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادی الأولى و جمادی الآخرة و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه . من ها أربعة حرم ، عشرون من ذی الحجہ و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر »؛

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الآخر، جمادی الاولى، جمادی الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعدة و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر».

194- آشامیدن در شبهای ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 20

20 - خوردن و آشامیدن در شب های رمضان تا طلوع فجر جایز است .

كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر

ص: 450

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 13، 11، 7، 5، 2، 1

1 - آمیزش با همسران در برهه ای از عصر بعثت، حتی در شب های ماه رمضان، بر روزه داران حرام بود.

أحل لكم ليلة الصيام الرفث إلى نسائكم

«رفث» به سخنی که در معنای آمیزش و ترغیب به آن صراحت دارد گفته می شود و در آیه شریفه کنایه از خود آمیزش است (اقتباس از مفردات راغب). متعدی شدن آن به «إلی» و نیز جمله «فالأین باشروهن» قرینه بر این معنای کنایی است. جمله «کنتم تختانون» که حکایت از تحقق تمرد دارد و نیز مفهوم «فالأین باشروهن» دلالت بر این دارند که آمیزش در شبهای رمضان حرام بوده است.

2 - حرمت آمیزش با همسران در شب های رمضان پس از مدتی نسخ شده و این عمل حلال گشت.

أحل لكم ليلة الصيام الرفث إلى نسائكم... فالن بشروهن

5 - نیاز جنسی زن و شوهر به یکدیگر از حکمت های حلیت آمیزش جنسی در شب های رمضان

أحل لكم ليلة الصيام الرفث إلى نسائكم هن لباس لكم و أنتم لباس لهن

جمله «هن لباس لكم...» بیانگر حکمت و دلیل اعلام حلیت (أحل لكم...) است.

7 - بسیاری از مسلمانان صدر اسلام به حرمت آمیزش در شب های ماه رمضان اعتنا نکرده و نافرمانی می کردند.

علم الله أنكم كنتم تختانون أنفسكم

بدیهی است که همه مسلمانان مرتکب خلاف نشدند. بنابراین، مخاطب قرار دادن همه آنان با جمله «کنتم تختانون...» گویای این است که تعداد متخلفان اندک نبوده است.

11 - نافرمانی مسلمانان و نادیده گرفتن حرمت آمیزش در شب های رمضان، از زمینه های نسخ آن حکم بود.

أحل لكم... علم الله أنكم كنتم تختانون أنفسكم فتاب عليكم و عفا عنكم

جمله «علم الله...» نیز همانند «هن لباس لكم...» بیان حکمت و دلیل جعل حلیت آمیزش در شبهای ماه رمضان (أحل لكم...) است.

13 - تحقق عینی و ملموس شدن دشواری پرهیز از آمیزش جنسی، از علل حکم الهی به حلیت آن در شب های رمضان

علم الله أنكم كنتم تختانون أنفسكم فتاب عليكم و عفا عنكم

چنانچه گذشت، جمله «علم الله...» (خدا دانست که شما به خود خیانت کردید) از علل نسخ حرمت آمیزش است و از آن جا که خداوند پیش از تحقق وقایع و حوادث، بدانها علم دارد؛ مقصود از «علم الله...» تحقق معلوم در خارج است. بنابراین علت نسخ حرمت، تحقق تمرد و خیانت است نه علم و آگاهی پیشین خداوند به آن.

19 - جواز مباشرت جنسی با همسران در شب های رمضان، از ابتدای شب تا طلوع فجر است .

فالن بشروهن... حتی یتبین لکم الخیط الأبیض

قید «از ابتدای شب تا طلوع فجر» در این برداشت، مبتنی بر این است که «حتی یتبین» غایت برای «بشروهن» نیز باشد.

196- احراز حلول ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 13،14

ص: 451

13 - وجوب روزه ماه رمضان مشروط به احراز حلول این ماه است و احتمال حلول ماه کافی نیست .

فمن شهد منكم الشهر فليصمه

«شهود» و «شهادت» (مصدر شهد) به معنای حضور داشتن و بر اثر آن چیزی را دیدن و یا فهمیدن است (اقتباس از مفردات راغب). بنابراین «فمن شهد منكم الشهر ...»؛ یعنی، هر کسی آن ماه را دریابد و به آن آگاه شود و یقین حاصل کند ... کافی نبودن احتمال حلول ماه، از مفهوم این جمله به دست می آید.

14 - در وجوب روزه، علم و احراز شخصی به حلول ماه رمضان کافی است .

فمن شهد منكم الشهر فليصمه

کلمه «منکم» می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

197- اهمیت روزه ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 183 - 11

11 - حفص بن غیاث نخعی می گوید : « سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : ان شهر رمضان لم يفرض الله صيامه على أحد من الأمم قبلنا ، فقلت له : فقول الله عز وجل « يا أيها الذين آمنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم » قال : انما فرض الله صيام شهر رمضان على الأنبياء دون الأمم ففضل به هذه الأمة . . . »

از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: روزه ماه رمضان بر هیچ یک از امتهای پیشین واجب نبوده است. به آن حضرت عرض کردم: خداوند در قرآن می فرماید: «ای افرادی که ایمان آورده اید، روزه بر شما نوشته شد همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد». حضرت فرمودند: روزه ماه رمضان، تنها بر پیامبران آن امتها واجب بوده نه خود امتها و خداوند با واجب کردن روزه رمضان بر امت اسلام، آنان را (بر دیگر امتها) برتری داد ...».

198- خوردن در شبهای ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 20

20 - خوردن و آشامیدن در شب های رمضان تا طلوع فجر جایز است .

كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر

199- دعا در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 186 - 15

15 - ماه رمضان ، زمان مناسب برای دعا به درگاه خداوند

شهر رمضان . . . و إذا سألك عبادي عني فإني أجيب دعوه الداع

برداشت فوق بیانگر وجه ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل است.

ص: 452

200- روزه ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 12,37

12 - روزه ماه رمضان بر هر فرد فرد مسلمانان واجب است .

فمن شهد منكم الشهر فليصمه

37 - فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده : « فان قال : فلم جعل الصوم في شهر رمضان خاصة دون سائر الشهور ؟ قيل لأن شهر رمضان هو الشهر الذي أنزل الله فيه القرآن وفيه فرق بين الحق والباطل كما قال الله عز وجل « شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان » وفيه نبيء محمد (صلى الله عليه وآله) وفيه ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر . . . »

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده «شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان». در این ماه حضرت محمد(صلى الله عليه وآله) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ...».

201- شب بیست و سوم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 1 - 97 - 11

11 - « عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي إحدى وعشرين أو ثلاث وعشرين »

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است.».

202- شب بیست و هفتم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 1 - 97 - 12

12 - « عن ابن عمر قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : التمسوا ليلة القدر ليلة سبع وعشرين »

از ابن عمر روایت شده که رسول خدا(صلى الله عليه وآله) فرمود: شب قدر را در شب بیست و هفتم بخواهید.».

203- شب بیست و یکم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 11

ص: 453

11 - « عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي إحدى وعشرين أو ثلاث وعشرين ؛

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است.».

204- شب بیستوسوم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 9

9- « عن أبي عبدالله (ع) : . . . إذا كانت ليلة ثلاث وعشرين (من رمضان) « فيها يفرق كل أمر حكيم » . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: . . هرگاه شب بیست سوم رمضان فرارسد، هر کار با حکمتی فیصله می یابد.» . . .

205- عظمت ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 5

5 - ماه رمضان ، ماهی دارای عظمت و قداستی خاص

کتب علیکم الصیام . . شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

206- فلسفه روزه ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 3

3 - نزول قرآن در ماه رمضان ، دلیلی برای انتخاب این ماه برای روزه گرفتن

شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

توصیف ماه رمضان به اینکه قرآن در آن نازل شده، پس از بیان احکام روزه و تعیین این ماه برای روزه داری، می تواند اشاره به آن باشد که: علت تعیین ماه رمضان برای روزه گرفتن، نزول قرآن در این ماه است.

207- مسافرت در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

36 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «اذا دخل شهر رمضان فليله فيه شرط، قال الله تعالى: «فمن شهد منكم الشهر فليصمه فليس للرجل إذا دخل شهر رمضان أن يخرج إلا في حج أو عمره أو مال يخاف تلفه أو أخ يخاف هلاكه...»؛

هنگامی که ماه رمضان وارد شد پس برای خدا در این ماه شرطی است. خداوند تعالی می فرماید: «فمن شهد منكم الشهر فليصمه» پس شخص هنگام رمضان نباید مسافرت کند مگر برای حج، یا عمره، یا مالی که ترس از تلف آن دارد، یا برادری

ص: 454

[دینی] که ترس از هلاکت او دارد ...».

208- نزول قرآن در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 2,3,37

2 - قرآن ، در ماه رمضان نازل شده است .

شهر رمضان الذی أنزل فيه القرآن

3 - نزول قرآن در ماه رمضان ، دلیلی برای انتخاب این ماه برای روزه گرفتن

شهر رمضان الذی أنزل فيه القرآن

توصیف ماه رمضان به اینکه قرآن در آن نازل شده، پس از بیان احکام روزه و تعیین این ماه برای روزه داری، می تواند اشاره به آن باشد که: علت تعیین ماه رمضان برای روزه گرفتن، نزول قرآن در این ماه است.

37 - فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده: «فان قال: فلم جعل الصوم فی شهر رمضان خاصه دون سایر الشهور؟ قيل لأن شهر رمضان هو الشهر الذی أنزل الله فيه القرآن وفيه فرق بين الحق و الباطل كما قال الله عز و جل « شهر رمضان الذی أنزل فيه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان » و فيه تبیء محمد (صلی الله علیه و آله) و فيه ليله القدر التي هی خير من ألف شهر ...» ;

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده «شهر رمضان الذی أنزل فيه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان». در این ماه حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ...».

209- وقت غسل در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 15

15 - در صورت مباشرت با همسران ، در شب های رمضان ، باید پیش از طلوع فجر غسل کرد . *

فالن بشر وهن و ابتغوا ما كتب الله لكم .. حتى يتبين لكم الخيط الأبيض

برخی از مفسران بر آنند که مراد از «ما كتب الله» تحصیل طهارت است؛ چنانچه در سوره مائده (آیه 6) آمده است: «وإن كنتم جنباً

فاطهروا .. أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيداً طيباً».

210- ویژگیهای شب بیست و سوم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 10

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبدالله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنَّ الأرزاق تقسم ليله النصف

ص: 455

من شعبان فقال : لا والله ما ذلك إلا في ليلة تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإن في ليلة تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليلة احدى و عشرين يفرق كل أمر حكيم و في ليلة ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليلة القدر التي قال الله : « خير من ألف شهر » ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: « خیر من ألف شهر ».

211- ویژگیهای شب بیست و یکم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 10 - 1 - 97

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنّ الأرزاق تقسم ليلة النصف من شعبان فقال : لا والله ما ذلك إلا في ليلة تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإن في ليلة تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليلة احدى و عشرين يفرق كل أمر حكيم و في ليلة ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليلة القدر التي قال الله : « خير من ألف شهر » ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: « خیر من ألف شهر ».

212- ویژگیهای شب نوزدهم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 10 - 1 - 97

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنّ الأرزاق تقسم ليلة النصف من شعبان فقال : لا والله ما ذلك إلا في ليلة تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإن في ليلة تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليلة احدى و عشرين يفرق كل أمر حكيم و في ليلة ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليلة القدر التي قال الله : « خير من ألف شهر » ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم

ص: 456

می‌گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می‌شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می‌گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر».

213- ویژگیهای ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 5، 2، 1

1 - ماه رمضان، ماهی که برای روزه گرفتن تعیین شده است.

کتب علیکم الصیام... آیاماً معدودت... شهر رمضان

«شهر رمضان» خبر برای مبتدای محذوف؛ یعنی، «هی» است که به «آیاماً معدودات» بر می‌گردد.

2 - قرآن، در ماه رمضان نازل شده است.

شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

5 - ماه رمضان، ماهی دارای عظمت و قداستی خاص

کتب علیکم الصیام... شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 186 - 15

15 - ماه رمضان، زمان مناسب برای دعا به درگاه خداوند

شهر رمضان... و إذا سألك عبادی عنی فانی أجیب دعوہ الداع

برداشت فوق بیانگر وجه ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل است.

ماه شعبان

214- {ماه شعبان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 17

215- {ماه شوال}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 197 - 21

21_ ماه های حج ، شوال ، ذی القعدة و ذی الحجه است و در غیر آنها حج صحیح نیست .

الحج اشهر معلومات

ص: 457

کافی، ج 4، ص 289، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 193، ح 697.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 17، 18

17_ از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید: «ان عدہ الشهور عند اللہ اثنا عشر شهراً...» روایت شده است: «المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادی الأولى و جمادی الآخرة و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه. من ها أربعة حرم، عشرون من ذی الحجہ و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر؛

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الآخر، جمادی الاولى، جمادی الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعدة و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر».

18_ از امام باقر (ع) روایت شده است: «... ما خلق اللہ بقعه فی الأرض أحب إليه من ها - ثم أومیء بیده نحو الکعبه - ... ل ها حرم اللہ الاشهر الحرم فی کتابه ... ثلاثه متوالیه للحج: شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه و شهر مفرد للعمرة و هو رجب؛

... خداوند هیچ بقعه ای را خلق نفرموده که برای او محبوب تر از این باشد - و با دست خویش به کعبه اشاره فرمود - [و افزود] به احترام این کعبه، خداوند در قرآن ماههای حرام را محترم شمرد. سه ماه متوالی برای حج: شوال، ذی قعدة و ذی حجه و یک ماه رجب، جدا برای عمره [مفرد]».

ماه صفر

216- {ماه صفر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 14

14_ از امیرالمؤمنین (ع) درباره قول خدای عز و جل «فسیحوا فی الأرض أربعة أشهر» روایت شده است: «هی عشرون من ذی الحجہ و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من ربیع الآخر...؛

آن چهار ماه، بیست روز از آخر ذیحجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز اول ربیع الآخر است...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17_ از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید: « ان عدّه الشهور عند الله اثنا عشر شهراً . . . » روایت شده است: « المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادى الأولى و جمادى الآخرة و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه . من ها أربعة حرم ، عشرون من ذى الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر ;

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الآخر، جمادى الاولى، جمادى الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعدة و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر».

ص: 458

217- اول ماه صفر سال دهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 1

1 - هلال ماه صفر سال دهم هجرت ، آغاز اجرای فرمان کشتن و منع عبور و مرور مشرکان و سلب آزادی سیر و سیاحت از آنان

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين

توصیف «الأشهر» به «الحرم» حاکی از این است که: منظور از «أربعة أشهر» در آیه دوّم (فسیحوا فی الأرض أربعة أشهر) ماههای حرام سال ؛ یعنی، رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرّم است. بر این مبنا «ال» در «الأشهر» برای عهد حضوری می باشد ؛ یعنی هنگامی که این سه ماه حرام - که اکنون با اعلام پیام برائت در روز حج اکبر مصادف شده است - پایان یافت، مشرکان را بکشید. گفتنی است که پایان آن سه ماه، مساوی با آغاز ماه صفر سال دهم هجرت بود.

ماه محرم

218- {ماه محرم}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 14، 5

5 - اعطای آزادی سیر و سیاحت به مشرکان پیمان شکن ، در چهار ماه حرام از سال (ذیقعد، ذیحجه ، محرم و رجب)

فسیحوا فی الارض أربعة أشهر

توصیف «أربعة أشهر» به «الاشهر الحرم» (در آیه 5) می تواند قرینه باشد بر این که: مراد از «أربعة أشهر» همان چهار ماه حرام معروف (ذیقعد، ذیحجه، محرم و رجب) است ؛ یعنی با الغای اعتبار پیمان صلح و برداشته شدن امان از مشرکان، آنان تنها در ماههای حرام، آزادی رفت و آمد و سیر و سیاحت خواهند داشت.

14 - از امیرالمؤمنین (ع) درباره قول خدای عز و جل «فسیحوا فی الأرض أربعة أشهر» روایت شده است : « هی عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من ربیع الآخر . . . »

آن چهار ماه، بیست روز از آخر ذیحجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز اول ربیع الآخر است . . . ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 19

19_ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که در باره چهار ماه حرام فرمود: « رجب . . . و ذوالقعدة و ذوالحجه و المحرم . . . »؛

آن چهار ماه عبارتند از: رجب . . . و ذی قعدة و ذی حجه و محرم . . . ».

219- حرمت ماه محرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 459

2_ چهار ماه از سال (رجب ، ذیقعدہ ، ذیحجه و محرم) ماه های حرام است .

فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر . . . فإذا انسلخ الأشهر الحرم

220- دعا در ماه محرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 38 - 16

16_ دعای زکریا و تقاضای نسلی پسندیده از خداوند ، در روز اول محرم

هنا لك دعا زكريا ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة

امام رضا (ع) به شخصی که اول محرم به حضور آن حضرت رسید فرمود: ان هذا اليوم هو اليوم الذي دعا فيه زكريا (ع) ربه عز و جل فقال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة . . .

عیون اخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 299، ح 58؛ امالی صدوق، ص 112، ح 5، مجلس 17.

ماه های حرام

221- {ماه های حرام}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 217 - 19، 12، 7، 6، 5، 1

1_ پُرسش مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، درباره جنگ و خونریزی در ماه های حرام

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه

5_ برخورداری برخی از ماه ها (ماه های حرام) از حرمت و قداست

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير

الف و لام در «الشهر الحرام» برای جنس است که شامل همه ماههای حرام می شود: یعنی رجب، ذی القعدہ، ذی الحجّه و محرم.

6_ جنگ در ماه های حرام ، از گناهان بزرگ است .

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير

7_ احترام ماه های حرام (ممنوعیت جنگ در آنها) ، در عصر جاهلیت و تأیید آن در اسلام

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير

ظاهر این است که در سؤال سائل نیز کلمه «الحرام» (به معنای دارای حرمت) آمده است؛ بنابراین آن ماهها، پیش از اعلام قرآن مبنی بر تحریم جنگ در آن، از احترام ویژه ای برخوردار بوده است.

12_ لزوم تأمین امنیت حرم الهی در ماه های حرام

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير

19_ گناه فتنه انگیزی ، بزرگتر از آدم کشی در ماه های حرام است .

قل قتال فيه كبير . . . و الفتنه اكبر من القتل

ص: 460

الف و لام در «القتل»، عهد است؛ یعنی قتل در ماههای حرام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 10

10 - ماه های حرام، قربانی های بی نشان و بانشان حج و نیز نشانه های قربانی، از شعایر الهی

لاتحلوا شعر الله و لالشهر الحرام و لالهدی و لالقلند

بنابر اینکه امور یاد شده از باب ذکر خاص بعد از عام (شعر الله) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 20

2 - چهار ماه از سال (رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم) ماه های حرام است.

فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر .. فإذا انسلخ الأشهر الحرم

20 - «عن أبي جعفر (ع) فی قول الله: «فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم» قال: هی يوم النحر إلى عشر

مضین من شهر ربیع الآخر؛

از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند «فإذا انسلخ الأشهر الحرم ..» روایت شده است: ماههای حرام، از روز عید قربان است تا ده روز از

ماه ربیع الآخر بگذرد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 17، 18، 19، 5

5 - وجود چهار ماه حرام در میان ماه های دوازده گانه (سال قمری)

إن عدہ الشهور عند الله اثنا عشر شهراً .. منها أربعه حرم

17 - از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید: «ان عدہ الشهور عند الله اثنا عشر شهراً ..» روایت شده است: «

المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادی الأولى و جمادی الآخرة و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدة و

ذوالحجه . من ها أربعه حرم، عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر؛

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الاخر، جمادی الاولی، جمادی الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعدة

و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده

18 _ از امام باقر (ع) روایت شده است: «... ما خلق الله بقعه فی الأرض أحب إليه من ها _ ثم أومیء بیده نحو الكعبه _ ... ل ها حرّم الله الا شهر الحرم فی کتابه ... ثلاثه متوالیه للحج : شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه و شهر مفرد للعمرة و هو رجب ;

... خداوند هیچ بقعه ای را خلق نفرموده که برای او محبوب تر از این باشد _ و با دست خویش به کعبه اشاره فرمود _ [و افزود] به احترام این کعبه، خداوند در قرآن ماههای حرام را محترم شمرد. سه ماه متوالی برای حج: شوال، ذی قعدة و ذی حجه و یک ماه رجب، جدا برای عمره [مفرد]».

19 _ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که درباره چهار ماه حرام فرمود: «رجب ... و ذوالقعدة و ذوالحجه و المحرم ... ;

آن چهار ماه عبارتند از: رجب ... و ذی قعدة و ذی حجه و محرم ...».

222- آثار تبدیل ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 37 - 8، 2، 5

2_ جا به جا کردن ماه های حرام ، مایه فزونی درجه کفرِ کفر مداران

إنما النسئء زیاده فی الکفر

5_ جا به جایی ماه های حرام ، عاملی در جهت گمراهی کافران

إنما النسئء .. یضلل به الذین کفروا

8_ نتیجه جا به جا شدن ماه های حرام از سوی عرب های جاهلی ، چیزی جز حلال شمردن حرام الهی نبود .

فیحلوا ما حرم الله

223- آثار هتک حرمت ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 9

9_ شکستن حرمت ماه های حرام (پرداختن به جنگ در آن) ، ظلم به خویش و جامعه بشری است .

فلا تظلموا فیهن أنفسکم

224- احکام ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 6، 5

5_ اعطای آزادی سیر و سیاحت به مشرکان پیمان شکن ، در چهار ماه حرام از سال (ذیقعدہ ، ذیحجه ، محرم و رجب)

فسیحوا فی الارض أربعه أشهر

توصیف «أربعه أشهر» به «الاشهر الحرم» (در آیه 5) می تواند قرینه باشد بر این که: مراد از «أربعه أشهر» همان چهار ماه حرام معروف (ذیقعدہ، ذیحجه، محرم و رجب) است ؛ یعنی با الغای اعتبار پیمان صلح و برداشته شدن امان از مشرکان، آنان تنها در ماههای حرام، آزادی رفت و آمد و سیر و سیاحت خواهند داشت.

6_ در ماه های حرام ، سلب امنیت از دشمن پیمان شکن ، ممنوع است . *

فسیحوا فی الارض اربعه أشهر

تفریع «فسیحوا فی الأرض» بر «براءه من اللّٰه ورسوله» با حرف «فاء»، می تواند اشاره به این نکته باشد که: تعرض به دشمن در چهار ماه از سال، ممنوع است و خداوند بر اساس همین قانون، مشرکان را در این چهار ماه آزاد می گذارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 5 - 3

3_ جنگ ، سلب کردن امنیت دشمن و ممانعت از سیر و سیاحت آنان در ماه های حرام ، ممنوع است .

فاذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا

ص: 462

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 10

10 - حرمت آغاز جنگ در ماه های حرام و جواز جنگ های دفاعی و مقابله به مثل در برابر هجوم مشرکان

منها أربعه حرم .. فلا تظلموا فيهن أنفسكم و قتلوا المشركين كافة كما يقتلونكم

حرمت ماههای حرام، مقتضی ترک جنگ در آن ماههاست؛ ولی چون ممکن است دشمن این حرمت را رعایت نکند، خداوند در این صورت تکلیف حرمت را از مسلمانان برداشته و فرموده که همانند آنان، شما نیز بجنگید.

225- امنیت در ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 6

6 - در ماه های حرام، سلب امنیت از دشمن پیمان شکن، ممنوع است. *

فسيحوا في الارض أربعه أشهر

تقریب «فسيحوا في الأرض» بر «براءه من الله ورسوله» با حرف «فاء»، می تواند اشاره به این نکته باشد که: تعرض به دشمن در چهار ماه از سال، ممنوع است و خداوند بر اساس همین قانون، مشرکان را در این چهار ماه آزاد می گذارد.

226- بی حرمتی به ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 98 - 12، 2

2 - شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام، موجب عقاب شدید از سوی خداوند

جعل الله الكعبه البيت الحرام .. اعلموا ان الله شديد العقاب

با توجه به آیه قبل معلوم می شود، از جمله کسانی که به عقاب شدید تهدید شده اند کسانی هستند که با مضامین و احکام مطرح شده در آیه قبل مخالفت کنند. برداشت فوق به گروهی از آنان اشاره دارد و در برداشتهای بعدی دیگر موارد منعکس خواهد شد.

12 - شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام و اعراض کنندگان از حکم قربانی نباید از رحمت و مغفرت الهی مأیوس باشند.

جعل الله الكعبه البيت الحرام .. ان الله شديد العقاب و ان الله غفور رحيم

227- پاسداری از قداست ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 98 - 8

8_ پاسداری از حرمت کعبه و ماه های حرام عامل بهره مندی از مغفرت و رحمت الهی

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس . . . وإنّ الله غفور رحيم

ص: 463

آیه قبل نشان دهنده مصادیقی است که از مغفرت و رحمت الهی بهره مند می شوند و از جمله آنان کسانی هستند که حرمت کعبه و ماههای حرام را پاس می دارند. در برداشتهای بعدی دیگر مصادیق آن منعکس خواهد شد.

228- تبدیل ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 37 - 12، 11، 7، 6، 1

1_ جا به جا کردن ماه حرام و ماه حلال (انتقال دادن حرمت ماه محرم به ماه صفر و حلیت ماه صفر به محرم) از کار های نادرست عرب های جاهلی

إنما النسئء زیاده فی الکفر

برای عربهای جاهلی که با داشتن خوی جنگ طلبی و غارتگری، تحمل ترک جنگ در سه ماه متوالی (ذیقعد، ذیحجه و محرم) بسیار شاق و دشوار بود، به زعم خود، ماههای محرم و صفر را پس و پیش می کردند؛ یعنی، در ماه محرم الحرام می جنگیدند و در ماه صفر متارکه جنگ داشتند؛ سال بعد دوباره محرم را به جای خود بر می گرداندند و به این کار «نسیء» (تأخیر انداختن) می گفتند.

6_ « نسیء » ، حلال شمردن یکی از ماه های حرام در یک سال و حرام شمردن همان ماه در سال دیگر است .

إنما النسئء . . . یحلونه عاماً و یحرّمونه عاماً

7_ پایبندی عرب های جاهلی به تعداد ماه های حرام ، علی رغم جا به جا کردن آنها

لبواطنوا عده ما حرّم الله

11_ « نسیء » ، (جا به جا کردن ماه های حلال و حرام) ، از اعمال زشت عرب های جاهلی و کاری پسندیده و زیبا در دیدگاه آنان

إنما النسئء زیاده فی الکفر . . . زین لهم سوء أعمالهم

12_ « عن رسول الله فی قوله تعالی « یحلونه عاماً و یحرّمونه عاماً » کانوا یحرّمون المحرم عاماً و یستحلون صفر و یحرّمون صفر عاماً و یستحلّون المحرم . . . »

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره آیه فوق روایت شده است: [کافران] یک سال، محرم را ماه حرام و صفر را حلال و یک سال، صفر را ماه حرام و محرم را حلال می شمردند».

229- تحلیل حرمت ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6_ « نسیء » ، حلال شمردن یکی از ماه های حرام در یک سال و حرام شمردن همان ماه در سال دیگر است .

إنما النسیء . . . یحلونه عاماً و یحرمونه عاماً

ص: 464

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 19، 18، 16، 11، 10، 9

9_ در نظر خداوند ، جلوگیری از راه خدا و کفر به او ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و كفر به . . . اكبر

بنابراینکه «صد عن سبيل الله»، مبتدا و «اكبر»، خبر آن باشد.

10_ در نظر خداوند ، جلوگیری از ورود به مسجدالحرام ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله . . . و المسجد الحرام .

بنابراینکه «و المسجد الحرام»، عطف بر «سبيل الله» باشد و «صدّ»، مبتدا و «اكبر»، خبر آن باشد. یعنی: «و صدّ عن سبيل الله و صدّ عن

المسجد الحرام ... اكبر»

11_ در نظر خداوند ، بیرون راندن و آواره ساختن ساکنان مکه ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه اكبر . . . و اخراج اهله منه اكبر

16_ اقدام برخی از مسلمین (عبدالله بن جحش و همراهان او) به جنگ با کفار مکه در ماه حرام

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير

در شأن نزول آیه آمده که عبدالله بن جحش و همراهان او در ماه رجب به گروهی از کفار که دارای مال التجاره بودند، حمله بردند و آنان را

کشته و یا اسیر کردند. (مجمع البيان و دیگر تفاسیر).

18_ جنگ در ماه های حرام ، موجب بازداشتن مردمان از راه خداوند و بازداری آنان از مسجدالحرام و کفر به خداست .

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و كفر به و

بنابراینکه «و صدّ عن سبيل الله»، عطف بر «كبير» باشد: یعنی قتال فيه، صدّ عن سبيل الله و كفر به.

19_ گناه فتنه انگیزی ، بزرگتر از آدم کشی در ماه های حرام است .

قل قتال فيه كبير . . . و الفتنه اكبر من القتل

الف و لام در «القتل»، عهد است؛ یعنی قتل در ماههای حرام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 218 - 10

10_ آموزش گناه مجاهدانی از صدر اسلام که در ماه حرام با کفار جنگیدند. (عبدالله بن جحش و همراهان او)

ان الذین امنوا و الذین هاجروا

به دلیل شأن نزول، از مصادیق اولی آیه، عبدالله بن جحش و یاران او هستند که پس از هجرت از مدینه به سوی نخله، با دشمن درگیر شدند و آنان را کشتند و یا اسیر کردند.

231- حرمت ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 194 - 3,4

3 - کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند.

الشهر الحرام بالشهر الحرام

ص: 465

4- ضرورت دفاع از کیان اسلام و مسلمانان، حکمی مهمتر از حفظ احترام ماه های حرام و حرام بودن جنگ در آن ماهها

الشهر الحرام بالشهر الحرام

232- حفظ حرمت ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 36 - 13، 16، 8

8- نهی الهی از شکستن حرمت ماه های حرام

منها أربعه حرم .. فلا تظلموا فيهن أنفسكم

13- نگهداری حرمت ماه های حرام و رعایت تقوا در مقابله به مثل با دشمنان جنگ طلب در آن ماه ها، مورد تأکید و عنایت خداوند

فلا تظلموا فيهن أنفسكم .. و اعلموا أن الله مع المتقين

16- تقوا، زمینه ساز رعایت حرمت ماه های حرام و بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی

منها أربعه حرم .. فلا تظلموا فيهن أنفسكم ... و اعلموا ان الله مع المتقين

233- فلسفه ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 36 - 18، 7

7- حرمت ماه های چهارگانه، در راستای مصالح جامعه و مایه قوام و استواری آن

منها أربعه حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن أنفسكم

18- از امام باقر (ع) روایت شده است: «... ما خلق الله بقعه في الأرض أحب إليه من ها - ثم أومىء بيده نحو الكعبة - ... ل ها

حرم الله الا شهر الحرم فى كتابه ... ثلاثه متواليه للحج: شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه و شهر مفرد للعمرة و هو رجب ;

... خداوند هیچ بقعه ای را خلق نفرموده که برای او محبوب تر از این باشد - و با دست خویش به کعبه اشاره فرمود - [و افزود] به احترام

این کعبه، خداوند در قرآن ماههای حرام را محترم شمرد. سه ماه متوالی برای حج: شوال، ذی قعدة و ذی حجه و یک ماه رجب، جدا برای

عمره [مفرده]».

234- فواید ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 97 - 10، 11، 7، 5

5_ نقش کعبه و ماه های حرام در قوام و ثبات جوامع منوط به حفظ حرمت آنها از سوی انسان ها است .

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

7_ ماه های حرام و قربانی های بی نشان و بانیشان حج ، دارای نقشی خاص در قوام و برپایی جوامع

جعل الله الكعبة . . . قيماً للناس و الشهر الحرام و الهدى و القلند

ص: 466

الشهر الحرام و ما بعد آن عطف بر «الكعبه» و در حقیقت آنها نیز مفعول اول برای «جعل» می باشند و مفعول دوم آن یعنی «قیماً للناس» به قرینه ماقبل حذف شده است.

10 _ نقش اساسی تر کعبه در قوام جامعه نسبت به ماه های حرام و قربانی حج

جعل الله الكعبه البيت الحرام قیماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلئد

تقدیم ذکری کعبه و نیز حذف «قیماً للناس» نسبت به «الشهر الحرام ..» اشاره به این دارد که نقش ماههای حرام و قربانی حج و ... در قوام جوامع بواسطه کعبه می باشد.

11 _ آگاهی انسان ها به علم گسترده خداوند ، از اهداف بیان نقش کعبه و ماه های حرام و قربانی در قوام جامعه

جعل الله .. ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما فى السموت و ما فى الارض

«ذلك» می تواند اشاره به بیان مطالب یاد شده باشد، یعنی خداوند فلسفه ایجاد کعبه و نیز احکام مربوط به آن را بیان کرد تا انسانها بدانند افعال خداوند و احکام او عالمانه و دارای اهدافی والاست و این را نشان و علامتی از علم گسترده خداوند بشمارند.

235- فداست ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 97 - 3,5

3 _ لزوم حفظ حرمت کعبه و ماه های حرام

جعل الله الكعبه البيت الحرام قیماً للناس و الشهر الحرام

5 _ نقش کعبه و ماه های حرام در قوام و ثبات جوامع منوط به حفظ حرمت آنها از سوی انسان ها است .

جعل الله الكعبه البيت الحرام قیماً للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 98 - 2,12

2 _ شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام ، موجب عقاب شدید از سوی خداوند

جعل الله الكعبه البيت الحرام .. اعلموا ان الله شديد العقاب

با توجه به آیه قبل معلوم می شود، از جمله کسانی که به عقاب شدید تهدید شده اند کسانی هستند که با مضامین و احکام مطرح شده در

آیه قبل مخالفت کنند. برداشت فوق به گروهی از آنان اشاره دارد و در برداشتهای بعدی دیگر موارد منعکس خواهد شد.

12_ شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام و اعراض کنندگان از حکم قربانی نباید از رحمت و مغفرت الهی مأیوس باشند.

جعل الله الكعبة البيت الحرام .. . إنّ الله شديد العقاب وإنّ الله غفور رحيم

236- قدمت ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 36 - 6

ص: 467

6_ وجود چهار ماه حرام در میان ماه های سال ، حکمی الهی و دارای سابقه در ادیان پیشین

منها أربعه حرم ذلك الدين القيم

«قیّم» که به معنای ثابت و استوار است، می تواند به ریشه دار بودن این حکم در ادیان پیشین اشاره داشته باشد.

237- ماه های حرام در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 36 - 6

6_ وجود چهار ماه حرام در میان ماه های سال ، حکمی الهی و دارای سابقه در ادیان پیشین

منها أربعه حرم ذلك الدين القيم

«قیّم» که به معنای ثابت و استوار است، می تواند به ریشه دار بودن این حکم در ادیان پیشین اشاره داشته باشد.

238- ماه های حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 194 - 3

3- کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند .

الشهر الحرام بالشهر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 37 - 7

7_ پایبندی عرب های جاهلی به تعداد ماه های حرام ، علی رغم جا به جا کردن آنها

لبواطئوا عده ما حرّم الله

239- هتک ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 2 - 5

5_ هتک حرمت ماه های حرام، هَدی (قربانی بی نشان حج) و قلائد (قربانی با نشان حج)، حرام و گناه است.

لا تحلوا .. ولا الشهر الحرام ولا الهدی ولا القلئد

«قلائد» جمع قلاده به معنای گردنبند است و مراد از آن گوسفند، شتر و گاوی است که به منظور قربانی کردن در حج، علامتی را بر گردن آن می آویزند. و لفظ «الشهر الحرام» اگر چه مفرد است ولی مراد از آن جنس است. بنابراین شامل تمامی ماههای حرام می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 468

5 - بی اعتنائی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام به دور از چشم مردم ، پدیدار و آشکار در محضر خداوند

والله يعلم ما تدون و ما تکتمون

از مصادیق مورد نظر برای «ماتکتمون» _ با توجه به آیات قبل _ افعال و رفتاری است که در برداشت به آنها اشاره شد.

ص: 469

1- اجتناب از صید ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 11

11 _ داستان منظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون .. قالوا معذرة إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که «إذ قالت ..» متعلق به فعل محذوف «اذکر» باشد.

2- حیات ماهی قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 61 - 5,6

5- ماهی بی جان همراه موسی (ع)، در مجمع البحرین زنده شده و در مسیری تونل مانند، در آب دریا فرورفت.

نسیا حوتهما فاتخذ سبيله فی البحر سرباً

فاعل «اتخذ» ضمیری است که به «حوت» بازمی گردد. استناد فعل به ماهی ظهور در آن دارد که ماهی بی جان، جان دار شده است. «سرب» به معنای نفق و سوراخ (تونل) است و در آیه حال برای «سبیل» است؛ یعنی، راهی تونل مانند را در دریا در پیش گرفت.

6- «عن أبي عبد الله (ع) قال: ... أرسل (أى موسى) إلی یوشع إنی قد ابتليت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا، و اشتری حوتاً .. ثم شواه ثم حمله فی مکتل ... فقطرت قطره من السماء فی المکتل فاضطرب الحوت ثم جعل یئب من المکتل إلی البحر قال: و هو قوله: « واتخذ سبيله فی البحر سرباً »؛

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: ... موسی به یوشع پیام فرستاد: «من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!». یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب و جوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتخذ سبيله فی البحر سرباً».

3- سر نوشت ماهی قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 63 - 4,5,6

4- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی (ع) ، در مدت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أرءیت إذ أوینا إلی الصخره فإئی نسیت الحوت

«صخره» به معنای «تخته سنگ بزرگ» است. «أوینا إلی الصخره» یعنی: «برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.».

5- همسفر موسی ، در پی درخواست تهیه چاشت از جانب موسی (ع) ، ماجرای رفتن ماهی به دریا را به یاد آورد .

ءاتنا غداءنا .. قال أرءیت ... فإئی نسیت الحوت

6- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی (ع) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

4- صید ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 154 - 10

10 _ حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

مقید شدن «لاتعدوا» به «فی السبت» حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

5- صید ماهی در ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 5

5 _ پرهیزکنندگان از صید ماهی در میان یهودیان ایله (چه موعظه گران و چه تارکان نهی از منکر) مطمئن به نزول عذاب الهی بر متجاوزان و یا به هلاکت رسیدن ایشان به دست خدا

اللّٰه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

6- صيد ماهی در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 10

10 - از امام سجاد (ع) روایت شده است : « . . . أما القرده فكانوا قوماً من بني اسرائيل . . . اعتدوا في السبت فصادوا الحيتان فمسخهم اللّٰه قرده . . . » ;

ص: 471

... اما بوزینه ها گروهی از بنی اسرائیل بودند ... که در روز شنبه از دستور الهی سرپیچی کرده به صید ماهی پرداختند و خداوند آنان را به صورت بوزینه مسخ کرد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 2

2_ اکثریت ساکنان ایله به گناه صید ماهی در روز شنبه آلوده شدند .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

تعبیر از تجاوزگران با کلمه «قوما» می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 165 - 2,6

2_ خداوند یهودیان متمرّد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذكروا به ... أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس

«بئس» به معنای شدید است.

6_ یهودیان متخلف از حکم روز شنبه (حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس بما كانوا يفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 166 - 1,3

1_ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدّل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم كونوا قردة خسئين

«عتو» (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از «ما نهوا عنه» صید ماهی در روز شنبه است.

3_ خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس . . فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واقع شدن جمله «فلما عتوا» پس از «أخذنا الذين ظلموا . .»، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی همچنان به صید ماهی در شبه ادامه می دادند.

7- صید ماهی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 11

11 _ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهنم لم تعظون . . قالوا معذرة إلی ربکم

ص: 472

برداشت فوق مبتنی بر این است که «إذ قالت ..» متعلق به فعل محذوف «اذکر» باشد.

8- فرار ماهی قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 61 - 5,6

5- ماهی بی جان همراه موسی (ع)، در مجمع البحرین زنده شده و در مسیری تونل مانند، در آب دریا فرو رفت.

نسیا حوتهما فاتخذ سبيله فی البحر سرباً

فاعل «اتخذ» ضمیری است که به «حوت» بازمی گردد. استناد فعل به ماهی ظهور در آن دارد که ماهی بی جان، جان دار شده است. «سرب» به معنای نفق و سوراخ (تونل) است و در آیه حال برای «سبیل» است؛ یعنی، راهی تونل مانند را در دریا در پیش گرفت.

6- «عن أبي عبد الله (ع) قال: ... أرسل (أى موسى) إلى يوشع إني قد ابتليت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا، واشتري حوتاً... ثم شواه ثم حمله في مكمل... فقطرت قطره من السماء في المكمل فاضطرب الحوت ثم جعل يئب من المكمل إلى البحر قال: وهو قوله: «واتخذ سبيله في البحر سرباً»؛

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: ... موسی به یوشع پیام فرستاد: «من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!». یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب و جوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتخذ سبيله فی البحر سرباً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 63 - 2,3,10,11

2- ماهی همراه موسی و یوشع، در مجمع البحرین، در آب دریا فرو غلتید و از دسترس آنان دور شد.

واتخذ سبيله فی البحر عجباً

3- حرکت ماهی بی جان به سمت دریا و فرو رفتن در آن، از چشم موسی (ع) پنهان مانده، ولی خدمت کار وی آن را دیده بود.

أرءیت إذ أوینا إلى الصخره فإتی نسیت الحوت .. أن أذکره

«آن اذکره»، بدل برای ضمیر مفعولی در «ما آنسانیه» است و مفاد جمله این است که شیطان، ذکر ماجرای ماهی را برای تو، از یاد من برد. این گفته نشان می دهد که یوشع، ماجرای ماهی را می دانست، ولی موسی (ع) از آن خبر نداشت.

10- فرو غلتیدن ماهی و حرکت آن در آب _ در نظر همسفر موسی _ به گونه ای غیرعادی و عجیب بوده است.

11- « عن أبي جعفر (ع) وأبي عبد الله (ع) قال: إنه لما كان من أمر موسى الذي كان أعطى مکتل فيه حوت مملح قيل له: ماذا يدلك على صاحبك عند عين مجمع البحرين... فانطلق الفتى يغسل الحوت في العين فاضطرب الحوت في يده حتى خدشه فانفلت ونسيه الفتى؛

از امام باقر و امام صادق (عليهما السلام) روایت شده: آن گاه که از کار موسی (ع) گذشت آنچه در زندگی او پیش آمد، زنبیلی به او داده شد که در آن یک ماهی نمک زده بود. به وی گفته شد: «این ماهی، تو را به صاحب ات، نزد چشمه ای در محل تلاقی دو دریا، راهنمایی می کند... پس آن جوانی که همراه موسی (ع) بود، رفت که ماهی را در آن چشمه بشوید، ماهی در

دست او به حرکت درآمد تا این که به او خراش وارد کرد و از چنگ او درآمد (ورفت) و جوان آن را فراموش کرد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 64 - 1

1- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلک ما کنا نبغ

«بغی» به معنای «طلب» است و «ذلک ما کنا نبغ» یعنی: «آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است.» . یاء «نبغی» _ در پایان سخن موسی(ع) _ به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

9- ماهی قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 61 - 2

2- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرین ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلما بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

«حوت» یعنی «ماهی» و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه «غداءنا» _ در آیه بعد _ آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

10- ماهی گیری یهود در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 163 - 14، 2

2_ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القریه التي كانت حاضره البحر إذ یعدون .. إذ تأتیهم حیتانهم

«ال» در «البحر» عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از «القریه»، بنا بر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

14_ فسق و تبهکاری دیرینه مردم ایله ، موجب آزمون آنان با فراهم آوردن زمینه ای مساعد (تسهیل ماهیگیری در شنبه و نایاب شدن

ماهی در غیر آن روز) برای سرپیچی از حکم تحریم صید

کذلک نبلوهم بما کانوا یفسقون

«کذلک» اشاره است به معنایی که از «إذ تأتیهم حیثانهم ..» به دست می آید.

11- منشأ حرکت ماهی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 474

11 - خداوند برای امتحان یهودیان ایله ، ماهیان را در روز شنبه به طرف ساحل سوق می داد و در روز های دیگر از ساحل دور می ساخت .

إذ تأتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرعاً و یوم لایسبتون لا تأتیهم کذلک نبلوهم

چون حکم تعطیلی روز شنبه برای همه یهود بود، نه مخصوص مردم ایله، معلوم می شود آنچه خداوند برای مردم آن سامان پیش آورد تا آنان را بیازماید، همان آمدن ماهیان در روز شنبه و کمیاب شدنشان در روزهای دیگر بود، نه اصل تحریم کار در روز شنبه. لذا مشارالیه «ذلک» وضعیت بیان شده برای ماهیان است.

12 - حرکت ماهیان و تعیین مسیر حرکتشان در دریا ، به دست خدا و در اختیار اوست .

إذ تأتیهم . . . لا تأتیهم کذلک نبلوهم بما کانوا یفسقون

12- نجات از شکم ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 49 - 1

1 - یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

13- یونس (ع) در شکم ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 87 - 12، 13، 14، 15، 21

12- گرفتار آمدن یونس (ع) در دریا و شکم ماهی ، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذالنون إذ ذهب مغضباً . . . فنادی فی الظلمت

مقصود از «ظلمات» در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

13- دعا و تضرع یونس (ع) به درگاه الهی ، پس از گرفتار آمدن در ظلمات (شکم ماهی)

فنادی فی الظلمت أن لالِهُ إِلَّا أنت

14- روی آوردن یونس (ع) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند ، در نیایش ویژه خویش

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحانک

15- « لا إله إلا أنت سبحانک إئی کنت من الظالمین » ، ندا و دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن در ظلمت شکم ماهی

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحانک إئی کنت من الظالمین

21- « قال المأمون للرضا (ع) فأخبرني عن قول الله عز وجل : « و ذا النون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه » فقال الرضا (ع) : ذاك یونس بن متى (ع) ذهب مغاضباً لقومه « فظن » بمعنی إستیقن « أن لن نقدر عليه » ای لن نصیق علیه رزقه . . . « فنادی فی الظلمات » ای ظلمه اللیل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : « أن لا إله إلا أنت سبحانک إئی کنت من الظالمین » بترکی مثل هذه العباده التي قد فرغتنی لها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که [مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزوجل «و ذا النون إذ ذهب مغاضباً فظن أن

ص: 475

لن نقدر عليه» امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. «ظنّ» در کلام خدا به معنای «استیقن» و «لن نقدر علیه» به معنای «لن نصیق علیه رزقه» ... می باشد. «فنادی فی الظلمات»; یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: «...سبحانک ایّی کنت من الظالمین»; یعنی، ... من از ستم کارانم؛ زیرا مثل چنین عبادتی را _ که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای _ در گذشته ترک کرده بودم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 88 - 1

1- دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن آن حضرت در تاریکی شکم ماهی، مورد اجابت و پذیرش خدا قرار گرفت.

فنادی فی الظلمت... فاستجبنا له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 142 - 3، 1

1 - بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی بزرگ، پس از افکنده شدن او به دریا

فالتقمه الحوت و هو ملیم

«إلتقام» (مصدر «التقم») به معنای بلعیدن است و «حوت» هر چند در مطلق ماهی _ چه بزرگ باشد و چه کوچک _ به کار می رود؛ اما کاربرد آن در ماهی بزرگ بیشتر است و در آیه شریفه نیز به همین معنا به کار رفته است.

3 - بلعیده شدن یونس به وسیله ماهی، نتیجه خروج عجولانه او از میان مردم و ادامه ندادن رسالت خود در میان آنان بود.

إذ أبق إلى الفلك... فالتقمه الحوت و هو ملیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 143 - 1

1 - یونس (ع)، در دل ماهی به تسبیح مستمر خدا پرداخت.

فلولا أنّه كان من المسبحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 144 - 2، 1

1 - یونس (ع) اگر به تسبیح خدا در شکم ماهی نمی پرداخت ، تا قیامت در آنجا می ماند .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت في بطنه إلى يوم يبعثون

2 - تسبیح مستمر یونس (ع) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت في بطنه إلى يوم يبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 145 - 3

3 - بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی ، موجب بیماری او گردید .

فالتقمه الحوت . . فنبتذنه بالعرء وهو سقیم

ص: 476

4 - « عن أبي عبد الله (ع) الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات . . . ونبي يري في منامه ويسمع الصوت ويعاين الملك وقد أرسل إلى طائفه قلوباً أو كثروا كيونس . قال الله ليونس « وأرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون » . . . » ;

از امام صادق (ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . . . و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم _ خواه کم یا زیاد _ فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: «و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون» . . .» .

ماهی ها

14- منشأ حرکت ماهی ها

11 _ خداوند برای امتحان یهودیان ایله ، ماهیان را در روز شنبه به طرف ساحل سوق می داد و در روز های دیگر از ساحل دور می ساخت .

إذ تأتئهم حيتانهم يوم سبتهم شرعاً و يوم لايسبتون لا تأتئهم كذلك نبلوهم

چون حکم تعطیلی روز شنبه برای همه یهود بود، نه مخصوص مردم ایله، معلوم می شود آنچه خداوند برای مردم آن سامان پیش آورد تا آنان را بیازماید، همان آمدن ماهیان در روز شنبه و کمیاب شدنشان در روزهای دیگر بود، نه اصل تحریم کار در روز شنبه. لذا مشارالیه «ذلک» وضعیت بیان شده برای ماهیان است.

12 _ حرکت ماهیان و تعیین مسیر حرکتشان در دریا ، به دست خدا و در اختیار اوست .

إذ تأتئهم . . . لا تأتئهم كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون

18- مایوسان

1- بی یوری مایوسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 15 - 5

5- بی دینان و ناامیدان از نصرت الهی ، گرفتار بن بستی گریزناپذیر در زندگی

من كان يظنّ أن لن ينصره الله.. فليمدد بسبب الى السماء... هل يذهبنّ كیده ما يغ

2- دوستی با مایوسان از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 13 - 6

6- مایوسان از رحمت حق و ثواب اخروی ، غیرقابل اعتماد و ناشایست برای دوستی و مودّت

یَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا .. قَدْ يَسُوءُ مِنَ الْآخِرَةِ

جمله «قد یسوا» به منزله تعلیل برای «لاتتولوا» می باشد.

3- دوستی با مایوسان از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 13 - 6

6- مایوسان از رحمت حق و ثواب اخروی ، غیرقابل اعتماد و ناشایست برای دوستی و مودّت

یَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا .. قَدْ يَسُوءُ مِنَ الْآخِرَةِ

جمله «قد یسوا» به منزله تعلیل برای «لاتتولوا» می باشد.

4- مایوسان از امدادهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 11

11_ تنها کفرپیشگان به یاری خدا امید ندارند و از رحمت او مأیوسند .

لَا يَأْتِيْسُ مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمِ الْكٰفِرُوْنَ

مراد از «کافرون» در آیه شریفه ، منکران قدرت خدا و رحمت آفرینی او و آگاهیش به نیاز بندگان است.

5- مأیوسان از رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 11

11_ تنها کفرپیشگان به یاری خدا امید ندارند و از رحمت او مأیوسند .

لَا يَأْتِيْسُ مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمِ الْكٰفِرُوْنَ

مراد از «کافرون» در آیه شریفه ، منکران قدرت خدا و رحمت آفرینی او و آگاهیش به نیاز بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 56 - 1

1- در پی توصیه ملائکه به ابراهیم (ع) برای اجتناب از یأس ، او تنها گمراهان را مأیوس از رحمت خداوند خواند .

فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقٰنِطِيْنَ . قَالَ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ اِلَّا الضّٰلُّوْنَ

6- مأیوسان از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 23 - 3، 1

1 - کافران به آیات الهی و لقاءالله ، از رحمت خداوند ، مأیوس اند .

و الذّٰیْنَ كَفَرُوْا بِاٰیٰتِ اللّٰهِ وَ لِقَاۡئِهِۦ اَوَّلَئِكَ يَّسُوْۤا مِنْ رَحْمَتِيْ

3 - کافران به قرآن ، مأیوس از رحمت خداوندند .

و الذّٰیْنَ كَفَرُوْا بِاٰیٰتِ اللّٰهِ . . . اَوَّلَئِكَ يَّسُوْۤا مِنْ رَحْمَتِيْ

7- مشکلات مأیوسان

5- بی دینان و ناامیدان از نصرت الهی ، گرفتار بن بستی گریزناپذیر در زندگی

من كان يظنّ أن لن ينصره الله.. فليمدد بسبب الى السماء... هل يذهبنّ كیده ما يغ

1- آثار مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 6

6_ حواریون عیسی (ع) تا قبل از نزول مائده، در مراحل پایین ایمان و فاقد روحیه تسلیم در برابر خدا بودند.

اذ قال الحواریون یعیسی ابن مریم .. قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

2- آثار نزول مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 8

8_ نزول مائده آسمانی از میان برنده شک و تردید در حقانیت مسیح و معجزه ای کافی برای همه مسیحیان

و نعلم ان قد صدقتنا .. أنزل علينا مائده من السماء

3- ارزش مادی مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 11

11_ منزلت والاتر جنبه های معنوی نزول مائده آسمانی بر جنبه های مادی آن، در نگرش عیسی (ع)

تكون لنا عيداً لأولنا وءاخرنا ءایه منك و ارزقنا

4- ارزش معنوی مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 11

11_ منزلت والاتر جنبه های معنوی نزول مائده آسمانی بر جنبه های مادی آن، در نگرش عیسی (ع)

تكون لنا عيداً لأولنا وءاخرنا ءایه منك و ارزقنا

5- درخواست مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 1,2

1 - میهمانی بر سفره غذایی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند ، درخواست حواریون از عیسی (ع)

اذ قال الحواریون .. هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

کلمه «مائده» به معنای غذا و سفره ای است که بر آن غذا نهاده شده باشد.

2 - حواریون ، در صدد پی بردن به قدرت الهی ، با درخواست مائده آسمانی

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 1,2,3

1 - تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

2 - یقین به رسالت عیسی (ع) و تبلیغ آن با گواه بودن بر نزول مائده از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

و نکون علیها من الشهدین

3 - انگیزه های چهارگانه حواریون (تغذیه ، اطمینان و ...) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی *

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین. قالوا نرید ان نأکل منها ... من الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 1,6,9,10

1 - حضرت مسیح (ع) با پذیرش تقاضای حواریون ، از خداوند خواست سفره غذایی از آسمان فرو فرستد .

قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائده من السماء

6 - برجای ماندن خاطره ای سرور انگیز در جامعه مسیحیت از انگیزه های عیسی (ع) برای درخواست مائده آسمانی

أنزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيداً لأولنا وءآخرنا

9_ برجای ماندن نشانه و آیتی الهی در جامعه مسیحیت با نزول مائده آسمانی ، از انگیزه های مسیح برای درخواست آن از خداوند

أنزل علينا مائدة من السماء تكون . . . آیه منک

10_ بهره مندی از رزق و روزی خداوند ، از اهداف حضرت مسیح (ع) ، در تقاضای مائده آسمانی

و ارزقنا

6- فلسفه مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 6

ص: 481

6_ برجای ماندن خاطره ای سرور انگیز در جامعه مسیحیت از انگیزه های عیسی (ع) برای درخواست مائده آسمانی

أنزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيداً لأولنا وءآخرنا

7- قصه مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 111 - 1

1_ خداوند در الهام به حواریون پس از قصه مائده، آنان را به ایمان به خود و رسولش مسیح فراخواند.

و اذ اوحیت إلى الحواریون ان ءامنوا بی و برسولی

ظاهراً «اذ قال ..» در آیه بعد که بیانگر داستان نزول مائده آسمانی است ظرف برای «اوحیت» می باشد بنابراین مفاد آیه چنین می شود:
الهام خداوند به حواریون پس از جریان مائده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 5

5_ حواریون عیسی پیش از داستان مائده نیز از زمره مدعیان ایمان به رسالت عیسی (ع) بودند.

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

چنانچه «اتقوا الله» فرمان به پرهیز از درخواست معجزه ویژه باشد، مراد از ایمان در «ان کنتم مؤمنین» ایمان به رسالت عیسی (ع) خواهد بود.

8- مائده آسمانی حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 1

1_ تأکید خداوند بر اجابت دعای حضرت مسیح (ع) با فرو فرستادن مائده آسمانی بر حواریون.

قال الله انی منزلها علیکم

اسم فاعل «منزل» حکایت از تحقق نزول مائده دارد نه وعده به نزول آن در آینده یعنی همان گاه که خداوند اجابت دعوت مسیح (ع) را به وی اعلام کرد، مائده آسمانی نیز در حال نزول بسوی حواریون بود.

9- معجزه مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 8

8_ نزول مائده آسمانی از میان برنده شک و تردید در حقانیت مسیح و معجزه ای کافی برای همه مسیحیان

و نعلم ان قد صدقتنا .. أنزل علينا مائده من السماء

ص: 482

10- نزول تدریجی مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 2

2_ مائده درخواستی حواریون به صورت تدریجی بر آنان فرو فرستاده شد .

قال الله اني منزلها عليكم

به کارگیری «منزل» از مصدر تنزیل می تواند حاکی از آن باشد که اجزاء مائده آسمانی یکجا نازل نشده است.

11- نزول مائده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 14

14_ مورد لعن قرار گرفتن گروهی از بنی اسرائیل از سوی حضرت عیسی (ع) ، به دلیل کفر آنان پس از نزول مائده آسمانی

لعن الذين كفروا من بنی اسرئیل . . . عیسی ابن مریم

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و اما عیسی فلعن الذين انزلت عليهم المائده ثم كفروا بعد ذلك.

تفسیر تبیان، ج 3، ص 609؛ نورالثقلین، ج 1، ص 661، ح 315.

12- نزول مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 7،8،14

7_ حواریون عیسی خواهان معجزه ای ویژه (نزول مائده آسمانی) علی رغم ادعای ایمان به رسالت مسیح (ع)

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائده من السماء قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

8_ حواریون عیسی نامطمئن به توانایی خداوند بر فرستادن مائده ای از آسمان

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائده من السماء

14_ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح(ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 7

ص: 483

7- مسیح (ع) خواهان عید قرار گرفتن روز نزول مائده آسمانی در جامعه مسیحیت

أنزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيداً لأولنا وءآخرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 1,3,9

1_ تأکید خداوند بر اجابت دعای حضرت مسیح (ع) با فرو فرستادن مائده آسمانی بر حواریون .

قال الله اني منزلها عليكم

اسم فاعل «منزل» حکایت از تحقق نزول مائده دارد نه وعده به نزول آن در آینده یعنی همان گاه که خداوند اجابت دعوت مسیح(ع) را به وی اعلام کرد، مائده آسمانی نیز در حال نزول بسوی حواریون بود.

3_ تفضل خداوند بر حواریون با تکرار نزول مائده آسمانی بر ایشان *

قال الله اني منزلها عليكم

برداشت فوق بر این اساس است که استعمال «منزل» از باب تفعیل برای اشاره به کثرت نزول مائده باشد.

9_ نزول نان و گوشت (مائده آسمانی) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی (ع)

قال الله اني منزلها عليكم

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائدة خبزاً ولحمًا . . .

مجمع البيان، ج 3، ص 410؛ نورالثقلین، ج 1، ص 691، ح 437.

مائده آسمانی

13- {مائده آسمانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 4

4_ اطمینان به واقعی بودن مائده آسمانی انگیزه حواریون از خوردن آن مائده

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

عطف «نطمئن» بدون «ان» بر «نأكل» می تواند بیانگر آن باشد که حواریون به این جهت خواهان خوردن از مائده بودند که به متمایز بودن آن از سحر و شعبده پی برده و واقعی بودن آن را لمس کنند.

14- آثار مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 6

6 - حواریون عیسی (ع) تا قبل از نزول مائده ، در مراحل پایین ایمان و فاقد روحیه تسلیم در برابر خدا بودند .

اذ قال الحواریون یعیسی ابن مریم .. قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

ص: 484

15- آثار نزول مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 8

8_ نزول مائده آسمانی از میان برنده شک و تردید در حقانیت مسیح و معجزه ای کافی برای همه مسیحیان

و نعلم ان قد صدقتنا .. أنزل علينا مائده من السماء

16- ارزش مادی مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 11

11_ منزلت والاتر جنبه های معنوی نزول مائده آسمانی بر جنبه های مادی آن ، در نگرش عیسی (ع)

تكون لنا عيداً لأولنا وءاخرنا آيه منك و ارزقنا

17- ارزش معنوی مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 11

11_ منزلت والاتر جنبه های معنوی نزول مائده آسمانی بر جنبه های مادی آن ، در نگرش عیسی (ع)

تكون لنا عيداً لأولنا وءاخرنا آيه منك و ارزقنا

18- درخواست مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 1,2

1_ میهمانی بر سفره غذایی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند ، درخواست حواریون از عیسی (ع)

اذ قال الحواریون .. هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

کلمه «مائده» به معنای غذا و سفره ای است که بر آن غذا نهاده شده باشد.

2_ حواریون ، در صدد پی بردن به قدرت الهی ، با درخواست مائده آسمانی

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائده من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 1,2,3

1_ تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

2_ یقین به رسالت عیسی (ع) و تبلیغ آن با گواه بودن بر نزول مائده از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

ص: 485

و نکون علیها من الشهدین

3_ انگیزه های چهارگانه حواریون (تغذیه ، اطمینان و . . .) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی *

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین . قالوا نرید ان نأکل منها ... من الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 10, 9, 6, 1

1_ حضرت مسیح (ع) با پذیرش تقاضای حواریون ، از خداوند خواست سفره غذایی از آسمان فرو فرستد .

قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائده من السماء

6_ برجای ماندن خاطره ای سرور انگیز در جامعه مسیحیت از انگیزه های عیسی (ع) برای درخواست مائده آسمانی

أنزل علینا مائده من السماء تکون لنا عیداً لأولنا وءاخرنا

9_ برجای ماندن نشانه و آیتی الهی در جامعه مسیحیت با نزول مائده آسمانی ، از انگیزه های مسیح برای درخواست آن از خداوند

أنزل علینا مائده من السماء تکون .. ءایه منک

10_ بهره مندی از رزق و روزی خداوند ، از اهداف حضرت مسیح (ع) ، در تقاضای مائده آسمانی

وارزقنا

19- فلسفه مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 6

6_ برجای ماندن خاطره ای سرور انگیز در جامعه مسیحیت از انگیزه های عیسی (ع) برای درخواست مائده آسمانی

أنزل علینا مائده من السماء تکون لنا عیداً لأولنا وءاخرنا

20- قصه مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 111 - 1

1_ خداوند در الهام به حواریون پس از قصه مائده، آنان را به ایمان به خود و رسولش مسیح فراخواند .

و اذ اوحیت إلی الحواریون ان ءامنوا بی و برسولی

ظاهراً «اذ قال ..» در آیه بعد که بیانگر داستان نزول مائده آسمانی است ظرف برای «اوحیت» می باشد بنابراین مفاد آیه چنین می شود:
الهام خداوند به حواریون پس از جریان مائده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 5

5_ حواریون عیسی پیش از داستان مائده نیز از زمره مدعیان ایمان به رسالت عیسی (ع) بودند .

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

ص: 486

چنانچه «اتقوا الله» فرمان به پرهیز از درخواست معجزه ویژه باشد، مراد از ایمان در «ان کنتم مؤمنین» ایمان به رسالت عیسی (ع) خواهد بود.

21- مائده آسمانی حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 1

1_ تأکید خداوند بر اجابت دعای حضرت مسیح (ع) با فرو فرستادن مائده آسمانی بر حواریون .

قال الله انی منزلها علیکم

اسم فاعل «منزل» حکایت از تحقق نزول مائده دارد نه وعده به نزول آن در آینده یعنی همان گاه که خداوند اجابت دعوت مسیح (ع) را به وی اعلام کرد، مائده آسمانی نیز در حال نزول بسوی حواریون بود.

22- معجزه مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 8

8_ نزول مائده آسمانی از میان برنده شک و تردید در حقانیت مسیح و معجزه ای کافی برای همه مسیحیان

ونعلم ان قد صدقتنا .. أنزل علينا مائده من السماء

23- نزول تدریجی مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 2

2_ مائده درخواستی حواریون به صورت تدریجی بر آنان فرو فرستاده شد .

قال الله انی منزلها علیکم

به کارگیری «منزل» از مصدر تنزیل می تواند حاکی از آن باشد که اجزاء مائده آسمانی یکجا نازل نشده است.

24- نزول مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - حواريون عيسى خواهان معجزه اى ويژه (نزول مائده آسمانى) على رغم ادعاى ايمان به رسالت مسيح (ع)

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائده من السماء قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

8 - حواريون عيسى نامطمئن به توانايى خداوند بر فرستادن مائده اى از آسمان

ص: 487

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائدة من السماء

14 _ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح(ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 7

7 _ مسیح (ع) خواهان عید قرار گرفتن روز نزول مائده آسمانی در جامعه مسیحیت

أنزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيداً لأولنا وءآخرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 1,3,9

1 _ تأکید خداوند بر اجابت دعای حضرت مسیح (ع) با فرو فرستادن مائده آسمانی بر حواریون .

قال الله اني منزلها عليكم

اسم فاعل «منزل» حکایت از تحقق نزول مائده دارد نه وعده به نزول آن در آینده یعنی همان گاه که خداوند اجابت دعوت مسیح(ع) را به وی اعلام کرد، مائده آسمانی نیز در حال نزول بسوی حواریون بود.

3 _ تفضل خداوند بر حواریون با تکرار نزول مائده آسمانی بر ایشان *

قال الله اني منزلها عليكم

برداشت فوق بر این اساس است که استعمال «منزل» از باب تفعیل برای اشاره به کثرت نزول مائده باشد.

9 _ نزول نان و گوشت (مائده آسمانی) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی (ع)

قال الله اني منزلها عليكم

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائده خبزاً ولحمًا . . .

مجمع البيان، ج 3، ص 410؛ نورالثقلين، ج 1، ص 691، ح 437.

ص: 488

1- مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 1

1 - خوردن و بهره برداری از فراورده های زمین ، جایز و مورد توصیه خداوند است .

كلوا مما فى الأرض حلالاً طيباً

«أكل» (مصدر كلوا) به معنای خوردن است و در بسیاری از موارد به صورت «مجاز شامل» استعمال می شود و به معنای: مطلق تصرف و بهره برداری که شامل خوردن نیز می گردد، به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 172 - 1

1 - جواز تناول و بهره گیری از روزی های پاکیزه

كلوا من طيبات ما رزقناكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 4

4_ حرام ها و حلال های الهی (همانند حلیت چهارپایان و حرمت صید در حال احرام) ، از شعایر الهی است . *

أحلت لكم بهيمة الانعم . . . لاتحلوا شعر الله

از مصادیق شعایر الهی، با توجه به آیه قبل، حلالها و حرامهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 -

3,13,14,15,18,22,23,34

3_ خوردن طیبات (چیز های پاکیزه و ملایم با طبع) حلال است .

13 _ خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد ، حلال است .

فکلوا مما امسکن علیکم

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیر ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید و کشته شده باشد فرمود: لا بأس قال الله عزوجل «فکلوا مما امسکن علیکم ...».

ص: 489

کافی، ج 6، ص 202، ح 8؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 43.

14 _ وجود حیوانات حلال گوشت در میان حیوانات وحشی

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم الله فکلوا مما امسکن

چون سگ و دیگر درندگان را برای شکار حیوانات وحشی به کار می گیرند، برداشت فوق به دست می آید.

15 _ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ، شیر، باز شکاری و...) صید شود، حلال است.

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا

کلمه «جوارح» جمع «جارحه» به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر «مکلبین» حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند «جوارح» را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

18 _ صید سگ شکاری تعلیم دیده از طیبات است.

احل لکم الطیبت و ما علمتم من الجوارح

عطف «ما علمتم»، عطف خاص بر عام است.

22 _ حلیت شکار درندگان شکاری، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند.*

فکلوا مما امسکن علیکم

بنابراین احتمال که مراد از «مما امسکن علیکم»، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

23 _ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود، نه سرخود و بدون فرمان.

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه «علیکم» جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

34 _ حلیت صید یوزپلنگ تعلیم دیده

احل . . . و ما علمتم من الجوارح مکلبین

از امام صادق (ع) روایت شده: الفهد مما قال الله «مکلبین».

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 295، ح 34؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 448، ح 16.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 5 - 38، 4، 8، 3، 1

1 - استفاده از طیبات (چیزهای مطبوع و پسندیده) حلال است .

اليوم احل لكم الطيبات

3 - جواز استفاده مسلمانان از غذا های اهل کتاب

و طعام الذين اوتوا الكتب حل لكم

4 - جواز استفاده مسلمانان از ذبایح اهل کتاب *

و طعام الذين اوتوا الكتب حل لكم

از مصادیق مورد نظر برای «طعام الذین»، به قرینه آیات گذشته که درباره ذبح و تذکیه حیوانات بود، می تواند ذبیحه اهل

ص: 490

کتاب باشد.

8_ اطعام اهل کتاب و فروش خوراکی ها به آنان ، امری جایز و مباح

و طعامکم حل لهم

چون اهل کتاب به دستورات قرآن و حلالها و حرامهای آن اعتنایی ندارند، بنابراین حکم به حلیت طعام مسلمانان برای آنها به این معناست که برای مسلمانان جایز است که طعام خود را در اختیار آنان قرار دهند.

38_ جواز استفاده از غذا های اهل کتاب مگر ذبایح آنان

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در رد کسی که برای حلیت ذبیحه اهل کتاب به آیه فوق تمسک کرد فرمود: کان ابی یقول: انما هو الحبوب و اشباهها.

کافی، ج 6، ص 240، ح 10؛ نورالثقلین، ج 1، ص 593، ح 48.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 4، 5، 3، 2، 1

1_ جواز صید حیوان های دریائی (آبزی) در حال احرام

احل لکم صید البحر

صید آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مصید) است بنابراین صید البحر به معنای حیوانات دریایی است و به ملاحظه اطلاق صید بر آنها مراد شکار کردن آن حیوانات است گفتنی است که مقصود از بحر خصوص دریا نیست بلکه شامل نهرها و مانند آن نیز می شود.

2_ جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی ، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضیمر در «طعامه» به «صید البحر» برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از «طعام» معنای مصدری است.

3_ مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

کلمه «السیاره» به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

4- جواز استفاده از خوراکی های دریا برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضمیر در «طعامه» به «البحر» برگردانده شده است بر این مبنا طعام به معنای «مایؤکل» - خوراکیها است اعم از صید و غیر صید.

5- شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهره‌وری مجاز شمرده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 2

2- حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

ص: 491

من الضأن . . . قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 14 - 4

4- استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیورآلات مباح است .

لتأكلوا منه لحمًا طريًا و تستخرجوا منه حليه تلبسونها

2- استفاده از مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 22

22 - اباحه بهره‌گیری از نعمت های الهی تا آن جاست که به فساد در زمین نینجامد .

كلوا و اشربوا من رزق الله و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

نهی از فسادگری پس از توصیه به بهره‌گیری از خوراکیها و نوشیدنیها، به منزله قیدی است برای آن توصیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 7

7 - انسان ها نباید خویشتن را به بهانه های واهی از قبیل : زهدگرایی ، آداب و رسوم قومی و . . . از امکانات و نعمت های زمین محروم سازند .

كلوا مما فی الأرض حللاً طیباً

هر چند مقصود از امر (كلوا) - چنانچه مفسران برآند - بیان اباحه است نه وجوب؛ ولی آوردن صیغه امر برای بیان اباحه می تواند اشاره به این نکته باشد که: متکلم در صدد ترغیب است و خودداری از آن مباح را شایسته نمی شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 16

16 - مباشرت با همسران و استفاده از مباحات ، سفارش خداوند به مسلمانان

فالن بشروهن . . . کلوا و اشربوا

جمله «فالآن باشروهن» - چنانچه همگان بر آنند - حاکی از اباحه آمیزش است نه وجوب آن. به کارگیری فعل امر (باشروهن...) برای بیان اباحه، می تواند گویای ترغیب به آن فعل مباح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 140 - 7

7_ استفاده از همه روزیهای خداوند برای آدمی حلال است، جز آنچه خداوند حرام کرده باشد.

و حرموا ما رزقهم الله افتراء علی الله

ص: 492

3- اصرار بر تحریم مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 170 - 9

9- اصرار مردم عصر بعثت بر شرک‌ورزی و تحریم برخی از حلال‌ها، برخاسته از تقلید آنان از نیاکانشان بود.

كلوا مما فى الأرض . . . وإذ قيل لهم اتبعوا... قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاب

از مصادیق مورد نظر برای «ما ألفینا علیه آباءنا» - به قرینه آیه 165 و 168 - شرک‌ورزی و حرام دانستن برخی از نعمت‌های الهی است.

4- تبیین محدوده مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 16

16_ بیان احکام خوراکیها، نوشیدنیها، زینتها و تعیین حد و مرز حلیت آنها، نمونه‌ای از تبیین احکام و آیات الهی از سوی خداوند است.

خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا و لاتسرفوا . . . کذلک نفصل الآیت

5- تحریم مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 13

13 - تحریم نعمت‌ها و امکانات زمین بر خویشتن، پیروی از شیطان است.

كلوا مما فى الأرض . . . و لاتتبعوا خطوت الشیطن

نهی از متابعت شیطان پس از توصیه به بهره‌برداری از امکانات و پرهیز از حرامها و پلیدیها، گویای این است که: استفاده نکردن از امکانات و یا خودداری نکردن از حرامها و خبیثها، مصداقی از پیروی شیطان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 169 - 3

3 - حرام دانستن حلال‌ها و حلال پنداشتن حرام‌ها، افترا بستن بر خداوند است.

يأيتها الناس .. إنما يأمركم أن تقولوا على الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 172 - 2

2 - مسلمانان نبايد روزي ها و نعمت هاي پاكيزه را حرام شمرد و خويشتن را از منافع آنها محروم سازند .

يأيتها الذين ءامنوا كلوا من طيب ما رزقنكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 493

5 - انعام - 6 - 119 - 4

4_ نکوهش خداوند از برخی مسلمانان صدر اسلام به سبب تحریم خوردن گوشت حیوانی که با نام خدا ذبح شده است.

و ما لکم الا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 140 - 3,8

3_ کشتن فرزند (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای الهی، نشانه بارز زیانکاری است.

قد خسر الذین . . . و حرموا ما رزقهم الله

8_ تحریم خودسرانه روزیهای الهی (زهد نامشروع) حرام و افترا به خداوند است.

قد خسر الذین . . . و حرموا ما رزقهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 4,5

4_ تحریم و ممنوعیت استفاده از نعمتهای الهی به دلایل واهی مجاز نیست.

کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوت الشیطن

5_ حرام شمردن نعمتهای خداوند، بدون دلیل و یا به دلایل واهی، پیروی از راه و گام شیطان است.

و لا تتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 4

4_ توبیخ خداوند نسبت به مشرکان عصر جاهلی به سبب تحریم بی دلیل بعضی از چهارپایان و جنین آنها

قل الذکرین حرم أم الأئینین . . . نبؤنی بعلم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 7

7_ تحریمهای بی دلیل، افترا به خدا و از بزرگترین ستمهاست.

قلء الذکرین حرم .. فمن أظلم ممن افتری علی الله کذبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 146 - 8

8_ آنچه را مشرکان عصر جاهلی حرام می شمردند، حتی در ادیان پیشین حرام نشده بود.

و علی الذین هادوا حرمننا

چون پس از یادآور شدن تحریمهای بی جای مشرکان عصر جاهلی به تاریخ تحریم برخی طیبات بر یهودیان اشاره شده است، می توان به این نکته پی برد که فلسفه یادآوری این جنبه تاریخی اثبات عدم مشابهت میان آن چیزی است که مشرکان بر خود تحریم کرده بودند و آنچه در ادیان الهی تحریم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 494

1_ رهنمود خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای دعوت مدعیان تحریمهای واهی به ارائه دلیل و مناظره و احتجاج

قل هلم شهداءکم الذین یشهدون

2_ مشرکان صدر اسلام تحریمها و بدعتهای ناروای خود را به خداوند نسبت می دادند.

قل هلم شهداءکم الذین یشهدون أن الله حرم هذا

3_ مشرکان صدر اسلام فاقد هر گونه گواه صادق و معتبر بر حقانیت تحریمهای خویش

قل هلم شهداءکم الذین یشهدون أن الله حرم هذا

6_ اگر مدعیان تحریمهای بی اساس، گواه و شاهدهی ساختگی نیز بر مدعای خود اقامه کنند، نباید مورد تصدیق قرار گیرند.

قل هلم... فإن شهدوا فلا تشهد معهم

12_ مدعیان تحریمهای بی اساس، تکذیب کننده آیات خداوند و منکران آخرت هستند.

قل هلم... ولا تتبع أهواء الذین کذبوا بآیتنا و الذین لا یؤمنون بالأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 35 - 8، 9، 10، 11

8- مشرکان، برخی اشیای مباح را بدون دلیل تحریم می کردند.

و لآحرّمنّا من دونه من شیء

9- مشرکان، دخالت خود را در تحریم مباح ها، برخاسته از مشیت خداوند معرفی می کردند.

لو شاء الله... و لآحرّمنّا من دونه من شیء

10- مشرکان قبل از اسلام نیز همچون مشرکان صدر اسلام، مباح ها را بی جهت تحریم می کردند.

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء نحن و لآءاباؤنا و لآحرّم

11- شرک در عبادت و تحریم مباح ها و اسناد آن به مشیت خداوند، از سنت های رایج مشرکان در طول تاریخ

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء نحن و لآءاباؤنا و لآحرّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 114 - 7

7- تحریم روزی های حلال و دلپذیر و بهره نگرفتن از آنها، کفران نعمت های الهی است .

فكفرت بأنعم الله . . . فكلوا مما رزقكم الله حلّ لاً طیباً

با توجه به اینکه آیه بعد، خوردنیهای حرام را در چند چیز محدود کرده است، معلوم می شود که مراد از «کفران» حرام کردن حلالها و استفاده نکردن از آنهاست.

6- تحریم مباحات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 1

1_ برخی از مردم عصر جاهلیت خوردن گوشت حیوانی را که با نام خدا ذبح شده باشد حرام می دانستند.

و ما لكم ألا تأكلوا مما ذكر اسم الله عليه

ص: 495

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 140 - 1

1_ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 7

7_ مشرکان عصر جاهلی فاقد هر گونه دلیل علم آور بر تحریمهای بی جای خود بودند.

قل الذکرین حرم .. نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 3,6

3_ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشمملت علیه أرحام الأثینین

در آیه 136 و 137 به برخی از افتراءات مشرکان اشاره شده و آیه با «فذرهم و ما یفترون» پایان یافته و آیات بعد در مقام توییح و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

6_ تحریم برخی حیوانات از سوی مشرکان صدر اسلام، فاقد هر گونه دلیل و مستند قابل قبول

قل الذکرین حرم .. نبئونی بعلم ... أم کنتم شهداء

استفهام در آیه برای انکار و یا توییح است و مفاد جملات «نبئونی» و «أم کنتم ..» نیز نفی وجود دلیل بر مدعاهای مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 5

5_ اگر مشرکان بر تحریمهای ادعایی خود گواه و دلیلی نیز بیاورند، ساختگی و بی اساس است.

قل هلم .. فإن شهدوا فلا تشهد معهم

7- توجیه تحریم مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 148 - 2

2_ جبر، دستاویز مشرکان در توجیه شرک خویش و پدرانشان و حرام کردن حلال خدا

سیقول الذین أشركوا لو شاء الله ما أشركنا ولا ءاباؤنا ولا حرمنا من شيء

ص: 496

8- جرم تحریم مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 147 - 10

10 - تحریم آنچه خداوند حرام نکرده و تکذیب وحی جرم است.

قل لا أجد فیما أوحی إلیّ محرماً... فإن کذبوک... و لا یرد بأسه

9- حلیت مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 118 - 4

4 - حلال شمردن آنچه خداوند مباح کرده، نشانه هدایت یافتگی است.

و هو أعلم بالمهتدین. فکلوا مما ذکر اسم الله

10- کیفر با تحریم مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 146 - 6

6 - جعل احکام سخت و محدود کردن بهره برداری از مواهب، از انواع مجازاتهای خداوند برای برخی اقوام بوده است.

و علی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر... ذلک جزینهم ببغیهم

11- ممانعت از مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 16

16 - واداشتن مردم به استفاده از حرام ها و پلیدی ها و نیز بازداشتن آنان از نعمت های حلال، نمودی از دشمنی شیطان با انسان است.

کلوا مما فی الأرض حللاً طیباً و لاتتبعوا خطوت الشیطن إنه لکم عدو

12- منشأ تحریم مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 7،10

7_ تحریمهای بی جای مشرکان برخاسته از هواپرستی و فاقد ارزش و اعتبار است.

فإن شهدوا فلا تشهد معهم ولا تتبع أهواء الذين كذبوا

ص: 497

10_ تحریمهای بی دلیل (بدعتگذاری)، تحت تأثیر تمایلات نفسانی است.

الذین یشهدون أن الله حرم... ولا تتبع أهواء

13- منشأ مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 145 - 2,3

2_ وحی، تنها منبع تعیین کننده حرمت و حلیت خوردنیهاست.

قل لا أجد فیما أوحی إلیّ محرما

3_ نیافتن دلیل شرعی بر حرمت طعامی خاص، نشانه حلیت آن است.

قل لا أجد فیما أوحی إلیّ محرما علی طاعم یطعمه

ص: 498

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

